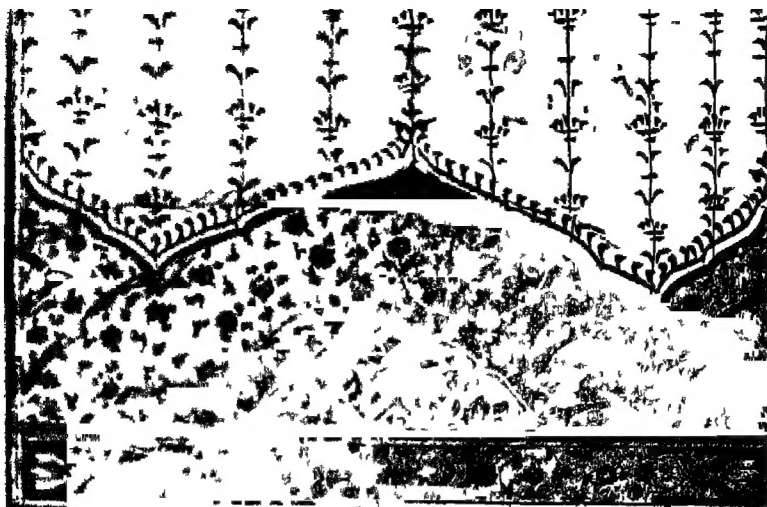


[illegible]



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي جعل العبادَةَ وسيلَةً لِلنَّجْلِ السَّعَادَةِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِ الْوَرَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

اما بعد بنده خاکی محمد باقر بن محمد تقی غفا الصدوق جرابها بر الوان ارواح
برادران ایمانی و اخلاص روحانی منیکار و کج چون جناب مقدس از دوی تعالی است
برائی و ایت گمشدگان اوی خلالت و جهالت طریق صوم و صلوات دعا و خبا
که اشرف اقرب بطریق نیل سعادت از مقرر گردانید و از خیر تو رسول الله علیه و آله
اسم علیه صلواتهم و علیه اعمال بسیار منقول گردیده که کتب عامه نیست از آنها
و از چندم خباب را ایه اطهار علیهم صلوات الملك الغفار اکثر آنها را در کتاب طهار الاطوار

[illegible]



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي جعل العبادَةَ وسبيلَهُ لنَيْلِ السَّعَادَةِ فِي الْأَوَّلَى وَالْآخِرَةِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِ الْوَلَدِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

أما بعد فبذه خاطي محسنة بقرين محمد تقی غفا الله عن جرائمها بالواجب ادوان سنا
براهمان ایلانی و اخلا به روحانی نیکار که چون جناب قهده سس ایزدی تعالی سنا
برائی هدایت گمشدگان ادی خلالت و جهالت طریق صوم و صلوات دعا و خبا
که اشرف اقرب طریق نیل سعادت استانه مقرر کرده اند و از خیر تو رسول آئینه هدی صلوات
الله علیه و علیهم اجمعین و دعیه اعمال سب از منقول گردیده که کتب دعا و تفسیر نیست از آنها
و این دوم خبایرا ائمه اطهار علیهم صلوات الله الغفار اکثر آنها را در کتاب سب الاثنا

طلبیده بودی بسوی آنها مسارعت نمود و روزه کامل را بر این وقت مقدر فرمود
و کوشش و خشم و کجاست و جراح او از آنچه بر او حرام کرده بودی بسیار بکشد و در
این شکلی شکست سنانید و در شهباه خود را تعبیه جهت بایستی و در صحن
و سبکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به کافران نمود و این بهبهام صانع
و چون از اینها جدا شد و داغ بیکو کرد و بعد از آن در صحن آنها پیرامون بحرات قرار داد
بنده بود این بنده پس حقیقی فرماید که بر این بنده بسوی میشت استغفار
کنند و اما که خدا آنها را و اگر آنها را و او را بر شتران اسبان و سواران و بهر
نوعی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سراسی که جزا نمیشود و شای
و خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز ایشان را تعبیه نمیشود و از این سبک استغفار
حساب آلی ایشان نیست و ایضا از آنحضرت منقولست که ماه و جبهه بزرگ خدمت
و ماهی استغفار آن نمیرسد و قال لکما فرامین ماه حرام است و جبهه
خدمت شعبان ماه است و ماه رمضان ماه است نیست کسی که در روزه و جبهه
خشود بی ترک خدا کرد و غضب الهی از او دور کرد و دوری از او بی خشم و جبهه
ایست کرد و در سبب معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که یازده ماه و جبهه
روزه دارد و شش چهل و یک راه از او دور کرد و دوری که سه روز از آن روزه دارد
بیشتر از این است و جبهه که دو یا ایضا فرمود که رجب نام هر است و بیشتر از شریف
و از عمل شریف هر که یکروز از رجب روزه دارد البته از آن جز نباشد و بنده
معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه و جبهه استغفار

و جلالتش ز زبان بندای قد مسکننا الضمیر ابی العزیز ابن علی
الاعظم و الخاقان الامجد الاکرم بیار الاکاسره و ملا و القیاسه و بیار
الغرا و شید قواعده السلطانه السلطان بن سلطان الخاقان بن الخاقان
الشاہ سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لازالت آیات
دولته مرفوقه و بامات اعدائه معصومه سیر کردید تخته آن بارگاه خلایق مسیه کاه کافیه
امید که مقبول طبع اشرف کرد و آن اعلیٰ حضرت از فوائد آن منتفع گردند محمد
آله المطاہرین الله الموفق المعین این شمل است بر چهارده باب خاتمه باب
اول در بیان فضائل این ماه و عبادات است بلکه این ماه و ماه شعبان ماه رمضان
بهترین ماههای سال اند و از حضرت سالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که حرمت ماه رجب شعبان باند و وصل نماید روزه آنها را بر روزه ماه مبارک
رضان این ماههاست که در سنه قیامت که از این ماه شنبه زینبیه علیها السلام در
روز قیامت از افعی اعلیٰ ندانند که اینی رجب شعبان ماه رمضان حکونه بوده است
عمل این بنده در شما با و طاعت او از برای خدا بگوید که این بنده توشه گرفت
در ماههای یاری بر طاعت ترا و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار
در طلب حج نمودی تو کرد و تو انست ایهام در تحصیل محبت تو نمود پس کو اینی
ملا که که موکلند برین ماهها که ما نیا فتم این بنده را که طلب کنند طاعت تو و خود
تو و امیدوار رحمت و امرزش تو بود و آنچه را اینی کرده بود ترک کرد و آنچه ازو

مکرات مرگ از مهول بعد از مرگ از عذاب غیر تبرک و دوری است
بدار و بر طاعت با سانی بگذرد و هر که سه روز از آخر انیام را بگذرد
از ترس و قیامت و از شدت هوا و هوای آن فرود و پایش از این شش
با وعطا کند و این از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه است برده است
هر که در اول ماه رجب یا از وسط آن یا از آخر آن در روز یکشنبه یا در روز
و آئینه هفتش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول ماه رجب یا در روز
که شنبه و آئینه هفتش آمرزیده شود و هر که یکشنبه از این ماه چنانکه در شفا
گرداند و قبول کند شفاعت او را در عتقاد مرد و کنایه چکان و هر که در نیمه
بگذرد در راه خدا و نذر غمار و در پیشست نعمتی چند با وسط فرموده که میسبب
و گوشتی شنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکند و در پیشد و اینم سینه معتد باشد
حیله سلام منقول است که چون در قیامت شود شفا دار دنیا و آخرت که گمان
پس که در این جزیند که نور ما را ایشان جمیع محشر را و نس کرده و آن یاتایی پس
ایشان باشد که مکمل باشد تاج ایشان بر دراید و یا فوت یا بر یک یا ایشان
بوده باشد از جانب است و هزار ملک از جانب چپ بمرد و نذر کند که او را با و
که استهای تصدای ای بنده خدا پس چند اندر همان آید اینان که بنده
کسی که در این جزیند و حلال شود که یاد میکنم که شما را در ما و ای بیکو ساکن را و نام
شمار از رک که کانم و عطا کنیم شما از بهشت غرقه ما که هر را در زیر آنها با
و همیشه در آن غرقه باشید و بیکو که نیست مرز کار کنند برای من بی اندر بنما و

است منت است پس بسیار درین ماه طلب آمرزش کنید که خدا آمرزش دهد و در این ماه
 اجابت میشوند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت مرسل بسیار رفته و بسیار گنایان
 استغفر الله واستغله التوبه

طلب آمرزش میکنم از خدا و در سجده اسم از او پذیرفتن توبه را

و تسبیح معجز از حضرت صادق منقولست که هر که سه روز از ماه رجب فوزه بدارد و هر
 روز ثواب و زیاده یکسال برای او بنویسند و هر که هفت روز از این فوزه بدارد هفت
 چهره بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از این فوزه بدارد هشت چهره بر روی او
 او کشوده شود و هر که پانزده روز از این فوزه بدارد خدا او را حساب آسان کند و هر که
 جمیع ماه رجب از فوزه بدارد و تصفائی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا
 خوشنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و این بابویه رحمه الله معتبر
 از سالم روایت کرده است که گفت فقم خدمت حضرت صادق علیه السلام در
 او آخر ماه رجب که چند روز از این ماه مانده بود چون نظر مبارک آن حضرت بر افتاد
 پرسید که آیا روزی گرفته و زیاده کفتم و آمد ای فرزند رسولی خدا فرمود که آنقدر تو را
 از توفیقش ده است که قدر آنرا بغير از خدا کسی نمیداند بدستیکه انجامی است که خدا
 آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و برای روز
 داشتن آن گرامی داشتن برابر خود واجب گردانیده است پس فقم همان رسولی السلام
 اگر در باقی مانده اینماه روزی بدارم آیا بعضی از ثواب و زیاده در آن آن فایز میگردد
 فرمود که ای سالم هر که یکروز از آخر اینماه روزی بدارد خدا او را اینک بداند از

پوزه یکم کند یا چو وارد شده است و ایستاده در ده صد و بیست و پنج ساله
 در آنجا باشد و در وایتی در خصوص ماه و یک ساله و در وایتی
 اگر قادر بر روزه نباشد و حل کرده یک بر یک پریشان است و قادر بر درجه و درجه
 و ایضا در خصوص ماه و رجب از حضرت رسول وارد شده است این چنین ذکر کرد
 و در این باشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب ده روز
 تسبیح این الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا
 پاک است خداوند بزرگوار پاک است آنکه ترا در نیست
 لا اله الا انت الکریم سبحان من لا یسیر
 برای او پاک است آنکه غالب تر دگر امی نیست پاک است آنکه در شب و روز

وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ

و حال آنکه برای پوشیدن آن نخواست

در ولایت مقبره وارد شده است که هر که منزل برادر می رفت
 روزه سنت کرده باشد را و طعامی خاطر سازد و او را این چنین کند تا ثواب
 کردن یاده از ثواب روزه داشتن است بقصد برابر و اگر آنها را کند که در دنیا
 ثوابش بیشتر است برابر یکسال روزه است و درین روز است در پیش حضرت
 شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک فرزندان بی رخصت بی رخصت
 رخصت است از احادیث ظاهر شده که در این روز است
 که روزه نیست مملوک چون اذن مالک باطل است و همچنین برور است

کرد انهم روزه داشتند از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق
 اورا واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان کثیران مراد اخل بهشت گردانید
 حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که چیزی از ماه مبارک رجب از روزه بدارد
 اگر چه یک روز باشد از اولش تا یانش یا آخرش و سبب معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام
 کرده است که هر که روز اول ماه رجب از روزه دارد و حق تعالی در قیامت از او خوش
 باشد و هر که دور و زور روزه دارد و خدا بغایت از او خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود
 گرداند و هر که سه روز از آن روزه دارد و خداوند کریم از او راضی گردد و دو خصمان او را
 از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از آن روزه دارد و چون میرود در آن
 هفت آسمان ای روح او کشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز
 از آن روزه بدارد و هشت در بهشت بر روی او کشوده شود و هر که پانزده روز
 از آن روزه بدارد و هر حاجت که از حق تعالی بطلبد برآورده شود مگر آنکه سوال
 او برای کنایه باشد یا متضمن قطع رحم باشد و سر که تمام ماه از روزه بدارد از
 کنایان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد
 گردد و بابرگزیدگان نیکوکاران اخل بهشت گردد و احادیث در نیاب
 بسیار است و این سال که نجاشی فرآنها ندارد و فضل و موم در بیان اعمالی را
 که کسی از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعضی از آنرا بعل و گوشت و بعضی از
 روایات معتبره و از دشده است که بدل از روزه مستحب است یکدوم تصدق کند
 که موافق هدای این بیان تقریباً مقدار دنیا رنوده باشد و بروایت دیگر چون

واینست معبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: **حَابُّ الْوَافِدُونَ عَلَى عَيْرِكَ وَخَيْرُ الْمُقَرَّبُونَ إِلَيْكَ**
نابیندند و آردند که آن غیر تو زبان کردند فرستید به طاعت
و ضاحح المسلمون إلهائك واجدب المستحقون لأمر
و اینست معبر منقول است که آن مکرر و بعضی نیستند طالبان
استمع فضلك بابك مفعول للراغبين و حيث صدق
علیه و فضل بر سر کار تو کشوده است برای آنکه در بهر وقت
للتالين و فضلك مباهج للسائدين و مثلک متشابه لایح
برای طلب کنندگان و جان تو حلال گردیده و برین تو همه فانی گردیده اند
و در زلفک مبسوطل من عصاك و خطك معترض من اوب
و در زلف تو منی گردیده برای آنکه نافرمانی در نزد تو را و بدواری تو در پیش تو را و منی تو در پیش تو را
فادتك لا احسان الى المسئين و سبيلك لا يقاوم على
و عادت و طور تو نیکی گردانست بسوی بدکاران و طریقه تو را در همه کس گردانست
المعتدين الله فاهدني هدى المهتدين و انه رقيب
تجاوز نماید که خداوند این هدایت کن مرا مانند هدایت او باشد و در پیش تو گردانست
المستدين و لا تخلف عن الغافلين المبعدين و اخفهم
اگر دشمن نماید که آن مکرر دان مرا از بی خبران دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا
و اینست معبر منقول است که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام

شهر صحنیت و در پر و ما در شهر است که روزه سنت فرزند بدون این است
مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی حیثیت و باطل است احتیاط است که
بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت همان بون حضرت
همانند از نیز خلاف است احتیاط است که همان همانند ابریح یک بی حضرت دیگر
روزه استجب دارد اگر چه ظاهر است که مکروه است فصل سیم در بیان اعمال
شب هفوز است بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
روز اول ماه رجب یا خوانند و علمای ذکر کرده اند که در هر یک روزه سنت است خوانند
يَا مَنْ بِكَ حَوَائِجُ السَّائِلِينَ وَبِعِلْمِ خَيْرِ الصَّامِينَ لَكَ
ی آنکه گشت حاجهای در خواسته گان و می دانند آنچه را که نه است و این است
مَسْئَلَةُ مَنْ سَمِعَ حَاضِرًا وَجَوَابَ عَتِيدٍ اللَّهُمَّ وَاعْلَمْ
سوال که کرده شود از تو قبول است حاضر و جوابی میا بار خدایا و وعده های
الصَّادِقَةِ وَآيَا دِيكَ الْفَاضِلَةِ وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ
راست و نعمت های تو بزرگ و رحمت تو فرا گیرنده است
فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْضَى
بِسْ وَنَبِیْهِمْ از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بر آوری
حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
حاجتهای مرا که کنیت دنیا و آخرت است بدرستی که تو بر همه چیز توانائی

الطَّوْلُ حَرَّمَ شَيْئَيْنِي عَلَى النَّاسِ

وهمان را که کردان بجزی و بدویش

دوست بزدشت تا از آتشی که در پیش میاید و دستخ طوسی تسبیح و این کرده که

حضرت صادق علیه السلام بعلی بن قنیس گفت که در راه حبیب بن عمار بنجران

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا كَصَبْرِكَ عَلَى نَزْلِكَ وَعَمَلًا كَعَمَلِكَ

یا رب ما پیشین که در راه از سبیلان میگذران ترا و کرد و زبندان

مِنْكَ وَبِقِيَّةِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنَا

از تو و بقیه پستندگان ترا خداوند اتوی بده مرتبه و زبندگان

عِدَّةُ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ

بمال و محتاج توام و اتوی ب نیاز و ستوده و من شده

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآمِنْ بِغِيَاكَ

خداوند یا رحمت بر محمد و آل او آتش نما و بیای خود

عَلَى قَوْمِي وَبِحَبْلِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقَوْلِكَ عَلَى ضَعْفِي

بر قومی و بر باری خود بر نادانی من و بقرانی خود و بر خوار من

يَا قَوِي يَا غَنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوْصِيَاءِ

ای توانا ای غنی خداوند رحمت بر محمد و آل او و بر من

الْمُضْطَرِّينَ وَالْكَافِي مَا أَهْمَنِي مِنَ الْأَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ

بمستضعفان و کافی از من آنچه که نگران سازد مرا از امر دنیا و عقبای من شده و بر من خستندگان

عرض کرد که فدای تو شوم اینها را حسب مراد عای تعلیم ناکه تو تعالی مرا بآن نفع

بخشید حضرت فرمود هر دو را چه بخواهی و پس بعد از هر نیاز یاد روز و شب این دعا بخوان

يَا مَنْ أَرْجُوهُ كُلَّ حَيْثُ وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَكَ كُلَّ نَفْسٍ يَا مَنْ

ای که امید دارم بر نیکی و ایمنم از غضب او نزد صد و هشتاد و یک ای ای که

يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْفَكِيلِ يَا مَنْ يُعْطِي مَرَسَلَةً يَا مَنْ يُعْطِي

عطا میکند جزای بسیار در متاع عمل اندک ای ای که عطا میکند آنرا که سوال کند از ای ای که عطا میکند

مَنْ كَمْ يَسْأَلُهُ وَمَنْ كَمْ يَعْرِفُهُ تَحْتَنَا مِنْهُ خَيْرٌ يَا مَنْ يُعْطِي

آنرا که سوال کند لذت و آنرا که شناسد چنانکه عطا میکند عطا میکند و هر بانی خود عطا کند

يَسْأَلُنِي بِأَمْرٍ كَلِّمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَأَصْرًا

سوال کند مرا بامر کلام خیر دنیا و جمیع خیر آخرت و آصری

سوال کند مرا بامر کلام خیر دنیا و جمیع خیر آخرت و آصری

عَنْ نَفْسٍ يَكُونُ لِيَاكَ جَمِيعُ سِرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ

از نفسی که برای تو باشد جمیع سر دنیا و شر آخرت پس آنرا غیر

مَنْقُوعٌ مِنْ مَا أُعْطِيَتْ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ

آنرا که از آنچه عطا فرماید و زیاده کن برای من جان خود را ای بزرگوار

پس حضرت زین العابدین را که خود را بدست چه گزیند و گشت سیاه دست خود را

بجانب راست چپ گشت میدادند و این دعا را میخواندند

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالْعِزِّ يَا ذَا الْمِنَّةِ

ای بزرگواری و ای بزرگواری ای بزرگواری و ای بزرگواری ای بزرگواری

پس بخواند و بدو کوار ای اگر ای داشتی ای خداوند نهیت بخشش ای بخند عطا و

د سوال سیکھنے کے ابتدائی ایام میں بلند پایہ تھوڑے دوسریاں

پوشانی مرا در این ماه برحمتی از خود فراگیرند.

بردارنده و نفسی که بوده باشد بآنچه روزی کرده تواند اوراق خنجر و شمشیر را فرو داد و اصل خبر

رسیدن به نیست وانی نفسی بسوی او کرده است

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

سید و شہار السی، شہار السی و دیکوہ

اللَّهُمَّ اغْفِرْهُ وَبَسْ عَلَى

بار خدا ایام مرا و بسند مرا توبه مرا

در جمیع ماه خواند از آن خسار در آن بر آرد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد

از آنکه در مقام مازار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقول است که هر که

مزی و مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و جمعا

و از روایت سید بن طاووس علیه الرحمه ظاهر میشود که انید حاجا مقربین عالم است و در همه
اوقات میتواند خواند و شمع طلوسی وسید و دیگران سبدها مقبره حضرت صاحب جلاله
روایت کردند که سنت است که در هر روز از هر روز با می ه مبارک جب انید عار انجاند
اللهم انی استأثرتک بالمولودین فی رجب محمد بن علی علیه السلام
خداوند ابد رستگرمین سوال میکنم ترا بنی دو فرزند متولد شده در ماه رجب که محمد بن علی دوم
و ابنه علی بن محمد المستحب و اتقرب بهما الیک خیر
و سپردا علی ابن محمد بر کنیده باشند و از یکی می جویم بسبب ایمان بسوی توبه
القریب یا من الیه المعروف طلب کسب ما لک به غیب
ز نزدیکها ای آنکه بسوی او سرا حسانی طلب کرده میشود و آنچه نزد اوست بخش
استأثرتک سوال مقرب مذنب قد اوتقنه ذنوبه
سوال میکنم ترا مانند سوال کسب نمائنده که کار کنیک تحقیق پاک کرده باشد او را
و اتقنه غیبیه فطال علی الخطایا ذنوبه و من الزاکیا
و اتقنه غیبیه فطال علی الخطایا ذنوبه و من الزاکیا
خطوبه یسألك التوبة وحسن الاوبة والنفع
امور عظیمه او که در خواهد از تو توبه و نیکی رجوع را و باز پستیادان
عن الجوبه و من التارکات رقبته والعفو عما فی
از گناه رجوع و از آتش گزادی کردن خود را و در گناهش رها میزدان
ربقیه فانتم امولای اعظم امله و تقیه الله
دارد در ربقیه خود پس تو ای گاه من بزرگترین از روی او و اعتماد او بپیش خداوند

[illegible]

اَللّٰهُمَّ اِنَّ اَطْعَمَكَ وَلَكَ اَلْحَمْدُ اِنَّ عَصَيْتَكَ لَكُمُ

است ستودن اگر فرمان داری کنم و نرسبت حجت اگر نافرمانی منم نماند

وَلَا تُغْنِيَنِي فِيْ اِحْسَانِ اَكْلِكَ يَا كَاثِرٌ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ اَمَّا

و غیر از این که تو بفرستی ای موجود سپس از هر چیز دای میا و زنده

اِنَّ اَكْلَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْعَذَابِ

چون اکل تو بر هر چیز توانائی خداوند ابد رسد من براه بگیرم منوار عید نزد

عَذَابِكَ وَ مِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُوْرِ وَ مِنَ الشَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

عذاب تو از بدی بازگشت در قبرها و از پستیانی در روز رستاخیز

اَللّٰهُمَّ اِنْ تُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ وَّ اَنْ تَجْعَلَ عِيَّتِيْ

ای خداوند ایزد تو ای که رحمت بر منی بر محمد و آل او و ای که ای بندگان مرا

مِنْ عِقْبَةٍ وَّ مَبْتَنِيْ مَبْنَى سَوِيَّةٍ وَّ مَقْلَبِيْ مُنْظَلًا كَرِيْمًا

از عاقبتی بازگیر و درون مرا درون درست هموار و بازگشت را بازگشت گرامی

خَيْرٌ مِنْ خَيْرٍ وَّ لَا فَاضِحٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ اَلَا تَهْتَبُ بِنَبِيِّكَ

که خشنود خوار سازنده و رسوا نمائنده خداوند رحمت بر منی بر محمد و آل او که بشود ایاتند خشنود

تا توانی محافظت نما بر احیای شب عید یاه رمضان شب عید قرآن شب اول محرم
 و شب عاشورا و شب اول آرت و شب نیمه شعبان و در شب چهارده و نماز و تلاوت
 قرآن بسیار بکن و نیت معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که در شب اول شب

بعد از نماز عشا این دعا بخوان

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلْکَ بِاَنَّکَ مَلِیکُکَ وَ اَنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

خداوند ابد بر شکست من سوال میکنم ترا بسبب آنکه تو بادشاهی مبینی و آنکه تحقیق تو بر هر چیز
 مقتدر و آنکه ما تشاء من امر بکن اللهم اِنِّیْ اتوجه الیک
 توانایی و آنکه تحقیق تو آنچه خواهی از امری بشود خداوند ابد بر شکست من و آوردم بسوی

بَنِّیْکَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ یَا مُحَمَّدُ یَا رَسُولَ اللَّهِ

بوسید بن محمد و پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلْکَ بِاَنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

خداوند ابد بر شکست من سوال میکنم ترا بسبب آنکه تو بادشاهی مبینی و آنکه تحقیق تو بر هر چیز

بَنِّیْکَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ یَا مُحَمَّدُ یَا رَسُولَ اللَّهِ

بوسید بن محمد و پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلْکَ بِاَنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

خداوند ابد بر شکست من سوال میکنم ترا بسبب آنکه تو بادشاهی مبینی و آنکه تحقیق تو بر هر چیز

بَنِّیْکَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ یَا مُحَمَّدُ یَا رَسُولَ اللَّهِ

بوسید بن محمد و پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَلْکَ بِاَنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

خداوند ابد بر شکست من سوال میکنم ترا بسبب آنکه تو بادشاهی مبینی و آنکه تحقیق تو بر هر چیز

و انصافند معتبرند است که مستحب است از سلام گفتن از نماز و زیارت است

این دعا را بخواند

الحمد لله الذي لا يفتد خرائشه ولا يخاف امه

از تکت المعاصي فذلك ثقة بكم انك تقبل التوبه

عربادك وتعفو عرسياتهم وتغفر لبل فانك

محب لدا عيك ومنه قرب فانا تائب اليك

الخطايا وراغب اليك في توفيق خطي من العطايا خالق

البرايا يا منفي في من كل شدة يا مجير في من كل

هذو ووق علم السور واكفني شر عواقب الامور فليتك

الله على نعمائك وخيريل عطائك مشكور ولكل خير هذا

خدا بر نعمت خود و عطاياي وافر خود شکر کرده شده و برای هر یکی و غیره کرده

اعمالی محسره و ارض عینی فان مغفرتك للظالمين وانا من

کردارهای مرا الصالحین خود بخش ازین بیک تحقیق امر است تو را می شناسان است و من از

الظالمين اللهم اغفر لي ما لا يضرك واعطني ما لا ينفعني

شمارانم خداوند ایامرز برای من کنایه اگر ضرر نمی رساند ترا و عطا کن مرا عطیه که کم نمیکرد

فانك الواسع رحمة البديع حكمته واعطني السعة

خزانه ترا زیرا که نوی آنکه فراگیرنده است رحمت و بی نظیر است دانش او و بخش مرا کثادت که

والدعة والامن والصحة والنجوع والقنوع والشكر

و رفاهیت و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت و سپاس گذاری

والمعاونة والتقوى والصبر والصديق عليك وعلى

و عافیت و برهیز کار می و شکیبائی و دوست کوی بر تو

اوليائك واليسر والشكر واعلم بذلك يارب اهل

دوستان تو و آسودگی شکر کن از من و قدر گیر باین عطا ای و در کار من اهل مرا

ووليك واخواني فيك ومن اجبت واجبتى ووليك

و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو و آنرا که دوست دارم و آنکه دوست دارم و آنرا که

ووليك من المسلمين والمسلات والمؤمنين والمؤمنات

و آنکه زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلم و مردان که زنده و زنده

يارب العالمين

ای پروردگار جهانیان

بِمَا جَرَى بِهِ قَلَمُ الْقَلَامِ نَعْبِ الْفَيْ وَلاَ ابْنِ مَوْلا سَمَائِكَ
 بِحُجَّتِ أَنْجَرِ رَوَانِ شَدِيدِ بَلَدِ بَلَدِ بَلَدِ بَلَدِ بَلَدِ بَلَدِ بَلَدِ
 الْعِظَامِ وَبِحُجَّتِ عَلَى جَمِيعِ الْأَنَامِ عَلَيْكَ مِنْكَ الْبَصِي
 بزرگ تو و بحجت جهانی تو بر همه آدمیان
 السَّلَامُ وَبِمَا اسْتَحَقُّهُمْ مِنْ أَسْمَائِكَ الْكَرَامِ
 درود ما و بحجت آنچه اسحق آن نموده است بزرگ آن نامهای گرامی است
 تَصَلَّى عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتُكَ فِي شَهْرِنَا هَذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ
 رحمت بفرستی بر ایشان و رحمت کنی بر ماه ما این ماه و آنچه سیزده است ماهها
 وَالْأَيَّامِ وَأَنْ تُبَلِّغَنَا شَهْرَ الصَّبَا فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي
 در روزها و اینکه برسانی ماه ما به ماه روزها در سال ما این سال
 كُلِّ عَامٍ بِإِذْنِ الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ وَالْمُنْتَزِعِ الْجَسَامِ وَعَلَى
 هر سال ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و هستی بزرگ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنْكَ أَفْضَلُ السَّلَامِ
 محمد و آل او باد از ما بهترین درود ما

و اعمال او عید این شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد و واجبه
 امام محمد باقر علیه السلام است که در روز اول ماه رجب حضرت نوح یکشنبه و اربعه و اربعه
 جمیع جن و انس که با او در کشتی بودند که از غرق شدن بدارند و هر که آن روز روزه دارد
 آتش جهنم یکساله از او دور گردد و از امام رضا علیه السلام گفت که هر که روز

وایش از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه نقل است که بعد از نماز و تران و عبادت

را بخواند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ يَا مُدِيرَ الْأُمُورِ يَا مُجِيرَ الْبُحُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ

این سه مرتبه بخواند یعنی تکرار کند کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزنده مردگان

فِي الْقُبُورِ يَا كَهْفِي حِينَ تَعْبَسُ الْمَذَاهِبُ وَكَزِّي حِينَ

در قبر ای پناه من هنگامی که مانده سازد مداراها و درین من نیگامی که

تُعْجِرُ الْمَكَاسِبُ وَمَوَاسِي حِينَ تَجْفُو الْأَبْأَعْدَ قُلُوبِي

عاجز نماید مرا کسبها و اوس من هنگامیکه ستم کند مرا دوران و غلبه کند بازنده مرا

الْأَقَارِبُ وَمُنِيرُهَا بِجَالِسَةِ أَوْلِيَائِهِ وَمُرَافِقَةِ أَحْبَابِهِ

نزدیکان و ای نوربخشنده من بهشتی یاران خود و رفیق دوستان خود

فِي رِيَاضِهِ وَسَانِي بِمَوَاسِيهِ مِنْ تَمِيرِ حَيَاتِهِ وَرَافِعِي

در ریاضتها و ای تسکین دهنده من بهشتی از آفت کوار ای حوض ای خوددای امید کننده

بِحُجَّتِهِ مِنْ رَوْحَةِ الدُّنُوبِ إِلَى رُبُوعِ التَّقَرُّبِ وَمُبْدِي

به باطن خود از تشبیب کوار ال گناهان بسوی فرازبسته بلند مقرب گرداننده ای

بِوَلَايَتِهِ عِزَّةَ الْعِظَايَا مِنْ ذَلَّةِ الْخَطَايَا أَسْأَلُكَ يَا مُوَلِّ

بدوستی خود از جندی غلبهها از خواری گناهان سوال میکنم ای توانای قایم من

بِالْفَجْرِ وَاللَّيْلِ إِلَى الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا بَسَرْتُ

بحرمت صبح و شبهای ده گانه و بحرمت شفع و وتر و شب و لیل را بیا بیا

پس بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا می آوری یعنی هر دو رکعت
 یک سلام و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه قل لا اله الا الله
 الكافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو
 لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد
 نیست او از پرستش مگرداد و چنانکه بجا است نیست یکی برایی او و او پرست پاوتش و او را هیچ ستایش
 بخوبی و نیست و هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی
 زنده می ماند و می میراند و او زنده است کنی میرد نیست اوست هر یکی

دو
 كل شیء قدیر اللهم لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما
 همه چیز تواناست باز خدا یانست باز دارنده هر آنچه را بخش کنی و عیبه و مانع
 منعت ولا یففع ذالجل منک الجدل
 باز داری تو و سود نمیشد خداوند بخت را نزد تو بخت او

پس دشتار بر روی خود یکیش در روز و در وسط ماه یعنی روز نهم و دهم ده رکعت
 بهمان نحو بجا می آوری و بعد از هر سلام دستها بسوی آسمان بر میداری و میگوئی
 لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد
 نیست او از پرستش مگرداد و چنانکه بجا است نیست یکی برایی او و او را پرست سبانه بکنند
 و نیست و هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
 می میراند و او زنده است کنی میرد نیست اوست هر یکی و او زنده است
 قدیر الھما و احدا احدافدا اصلا کی یخز صاحبہ و لا و لا
 تواناست سبانه سبانه خدا را که بی مانند بجا بکنند بجا بکنند بجا بکنند بجا بکنند بجا بکنند

بار در روز اول ماه رجب از برای عتبت در ثواب خدا هشتاد و واجب شود و
 هر که یک روز از وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در ماه
 ربیع و من بعد آن دو قبیله عظیم اند از قبائل عرب هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد
 حق تعالی او را پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق هر مردار و در
 و پسر و بزرگ و خواهر و عم و عمو و خاله و حبی و صاحبان او و دشمنان او و چند
 همه مستوجب جہنم بوده باشند و شیخ طوسی دیگر آن را از مسلمانان فارسی ضعیف اند و آن
 کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه روزه نیت حضرت مسالت پناه صلی
 علیه و آله حضرت فرمود که ای مسلمان تو از اهل قبی پی پس فرمود که هر مرد و زن از این مومنین
 که در ماه رجب سی رکعت نماز بکند در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سور قل
 هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرین بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه
 عمل او هر کنسی را که در خردی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند با و ثواب کسی را
 که تمام انما را روزه نگرفته باشد و مسائل آنند حق تعالی او را از نماز گذارند و گاهی
 بنویسد و هر روز از انما ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای آن آسمان
 سپرد و هر روز که در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند
 و هزار درج در بهشت از برای او بکنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا
 او را از آتش جہنم نجات دهد و بهشت را از برای او واجب کرد و الله اعلم
 جبرئیل این نماز را بعد از این آورد و گفت یا محمد این علامت میان شما و منافقان
 نیز که منافقان این نماز را نمیکنند گفت هر رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه

چونکه در نهم ماه رجب واقع شده و بر وایت ابراهیم بن هاشم و فاطمه آنحضرت در آن
نیم واقع شده است این عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در دوازدهم انیاه واقع شده
است ولادت حضرت امام محمد تقی در دهم انیاه واقع شده است و بعضی در وایت آنحضرت
خصوص دهم وارده است و در فضیلت ایام البیضا رجب احدیست و کبره وارده است
یعنی نهم و چهار دهم و پانز دهم و سبده مقبره از حضرت امام جعفر صادق و منقولست که
تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که با حدی از استهای گذشته داده است و رجب
شعبان ماه رمضان و شب باین امت داده است که با حدی دیگر نداده است شب نهم
و شب چهار دهم و شب پانز دهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها بایستهای پیش از
است سوره یس سوره تبارک الذی بیده الملك سوره قلم و اعدا پس که جمیع
میان این سه فضیلت جمیع فضائل این است را جمع کرده خواهد بود پس میداند که چگونه
کنند و نمود که در شب نهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد
از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهار دهم چهار رکعت نماز بکند و بعد و سلام
هر رکعت بخواند بعد از حمد این سه سوره را و در شب پانز دهم شش رکعت بخواند و بعد
سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند با جمیع فضیلت این سه ماه را بیاورد
و جمیع کناهایش آفریده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق علیه السلام بسبب
که **کلمه البیضا** رجب باروزه دارد حق تعالی بهر روز ثواب عبادت یکسال و روز
یکسال برای او بپسندد و در قیامت او را در محل ایمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نیست
و مشهور است که ولادت سعادت حضرت امیر المومنین در میان کعبه مغل در روز نهم

پس استبانه بر روی خود بکشی و در روز آخر ماه یازده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از
هر سلامی دست بر سینه اری میگوئی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
یعنی از خدا جداست و احدی را شریک ندارد و او را حمد و ستایش است
و بسم الله الرحمن الرحیم
زنده می سازد و می میراند و او زنده است که نبرد به ستاید است یکنی

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا
سهم چیز تو انانست و رحمتی ستاد خدا بر محمد و آل پاکان او و نیست

حَوْلَهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند مرتبه و بزرگ و عزیز

پس دسبار بر روی خود بمال حاجت جو را طلب که التماس برآورده است و حق تعالی

و بعد از هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو می نویسد و برات نیراوی از جهنم
و که شش بصره برای تو می نویسد و مقولست که هر که در روز جمعه اول ماه رجب صد
مرتبه قل هو الله احد بخواند حق تعالی در روز قیامت با او توری عطا کند که بان نور در
بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در روز جمعه اول
ماه رجب که شده و موجب یاد است شرف این روز که دین و دماء و ایتام و یتیم ها پر شده است
که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز دوم ماه رجب اتفاق شده است و

اللَّهُ اللَّهُ وَبِكَ أَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 خدا را پروردگار نیست شریکی ترا ندیدم با او هیچ خبر را و آنچه میخواهد خدا نیست تو انکار تو نیست
 و در شب و روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رکعت نموده است و بگوید
 از ابن ابی نصر روایت است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که زیارت
 تمام حسین علیه السلام در کدام وقت بهتر است فرمود که در غیر رجب نیمه شعبان و در
 روز پانزدهم نماز مسلمانان باید کرد بحقیقتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق
 منقولست که حضرت امیر المومنین درین روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را
 کشود و این عار خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته
 کرب و شدت او زایل میگردد و این چهار رکعت ابد و سلام کند و سر بر سر رکعت بخواند

بخواند و دعای است

اللَّهُمَّ يَا مُدَّةَ كُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ
 بار خدا ایای غور سازنده هر که دشمنی و عزیز دارنده هر که گناهانی بنکاست
 تَعِينِي الْمَذَاهِبُ وَأَنْتَ يَا رَبِّي خَلَقْتَ رَحْمَتِي وَقَدْ كُنْتُ
 عاجز کننده راهها و تو پدید آورنده خلقت مرا از راه مهر بزم و حال آنکه حقیقت بود
 عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ
 بخشنده من ای یارنده اگر نمی بود رحمت تو مرا می بودی از نابخشان و تو
 مُوَدِّدِي بِالْبَصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْ لَا نَصْرُكَ لَأَبَايَ لَكُنْتُ مِنَ
 دوست داشتنده مرا بپاری وادان بر دشمنان اگر نمی بود یاری تو من را بر ایزدی بود

و برای برآوردن حاجات و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجربست و محل روایست
 که فاطمه و داود بن الحسن پسرزاده حسن مجتبی علیه السلام و ایضا حضرت امام جعفر صادق
 بود و بشیر داود آنحضرت اشیر داده بود و چون محمد بن حنفیه از حضرت الحسن بن علی خرو
 کرد و منصور و انصاری لشکر فرستاد و او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عیبه
 بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل و زنجیر از مدینه عراق بردند و داود نیز در میان آنها
 بود ام داود گفت چون آنرا خیر فرزند من گدشت و از خبری بمن نرسید بپوشه و عاود
 تفریح میکردم و از صفا و برزگان برادران من استند عاود عاودم و ایشان بقتضی شایسته
 و مطلقا اثر استجابت نمیدادم و گاهی خبر بمن میرسید که داود در کشته و گاهی میگفتند که او را
 با پسران عم او زنده در زیر عمارت گذاشته و روز بروز صیبت من مضمون تواند و
 من بیشتر میشد تا آنکه از غم که ختم و پیر شدم و از ملاقات او ناامید شدم تا آنکه مدتی
 که حضرت صادق را علی عارض شده است چون بعبادت آنحضرت رفتم احوال گرفتم
 و دعا کردم و خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری من بشیر داود
 را با آنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریتم و نفسم قدا میخوشم داود کجا
 است او در عراق مجوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس
 میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شماست حضرت فرمود چه اعاقلی از دعا
 است و دعا را اجابت و نجاح و آن عاویست که در لایسمان ای ای و کشته شده
 و ملائکه استقبالی میکنند و آنرا ابشارت میدهند او را با حاجت آن عاویست
 که از محبت الدعوات محبوب میگردد و خواننده آن را ثوابی نیست بغیر از بیست ام داود

الْمُقْضُو حِينَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ أَوْ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ أَوْ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ

از رسوایان آنی رسیده رحمت از سعد نهایی آن و فرستاده برکت

مِنْ أَرْضِهَا يَا مَرْيَمُ خُصِّي بِالْشُّعْرِ وَالرِّقْعَةِ فَأُولَئِكَ يَنْفَعُونَ

از جامی آن ای که مخصوص است به بندگی و رفت پس درستان و بفرست

يَتَمَكَّرُونَ يَا مَرْيَمُ وَضَعَتْ لَهُ الْمَلُوكُ بِرِ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ

غیر اند ای که گشته اند برای او بادشاهان نیز خواری بر گردنهای خود

فَمِنْهُمْ سَطَوَانَهُ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكُنُوتِكَ يَا أَسْتَفْقَتُهُ

پس ایشان از غضبای تو رسانند در نیو اسم از تو بکنیوت تو که بیرون آورده آنرا

مِنْ عِزِّكَ يَا مَرْيَمُ وَأَسْأَلُكَ بِكَ يَا أَسْتَفْقَتُهُ

از بزرگواری خود و در نیو اسم از تو بزرگواری تو که بیرون آورده آنرا

مِنْ عِزِّكَ يَا مَرْيَمُ وَأَسْأَلُكَ بِكَ يَا أَسْتَفْقَتُهُ

از بزرگواری خود و در نیو اسم از تو بزرگواری تو که بیرون آورده آنرا

مِنْ عِزِّكَ يَا مَرْيَمُ وَأَسْأَلُكَ بِكَ يَا أَسْتَفْقَتُهُ

از بزرگواری خود و در نیو اسم از تو بزرگواری تو که بیرون آورده آنرا

مِنْ عِزِّكَ يَا مَرْيَمُ وَأَسْأَلُكَ بِكَ يَا أَسْتَفْقَتُهُ

از بزرگواری خود و در نیو اسم از تو بزرگواری تو که بیرون آورده آنرا

مِنْ عِزِّكَ يَا مَرْيَمُ وَأَسْأَلُكَ بِكَ يَا أَسْتَفْقَتُهُ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد و آله و سلم

محمد و آله و سلم

پس حاجت خود از حق تعالی طلب نماید که عمل افعال نصف چپ دعای ام داود را که این بوی خوش طوی و سید این حسین رضی الله عنه بسندای قبر و ذایت کرده اند

[illegible]

گفت ای فرزند ملا سرینج راست گویان چگونه اند دعا حضرت فرمود که ای مادر داود
 ماه محرم یعنی حبس و یک شده است و این ماه نیست مبارک و رحمت آن عظیم است و
 به عباد و ملاست و است و این ماه است و این ماه است و این ماه است و این ماه است
 که ایام البیض اند و روزه بهار پس حضرت کیفیت عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این
 ما حفظ کن بهر کس تعلیم کن که می رسم بدست کسی افتد که از برای امر باطل و ناشایسته
 آید عار انخواند بدستیکه آید عابسا و شریفی است و مشتعل است بر اسم اعظم خدا
 که سر که بخواند البته حاجت او بر آورده میشود و اگر در بای آسمان زمین بسته شود یاد را
 حایل باشد میان تو و حاجت تو چون این عار انخواند الهی تعالی اسان میکرد و الله
 تو بطلب تو و حاجت تو بر می آورد و سر که این عار انخواند خداست عجب میکند
 خواه مرد خواه زن اگر چنین اسمی شمس و شمس تو باشد خداوند قادر کفایت ترا میکند
 میکند و زبان ایشان را می بندد و ایشان را از امتداد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که
 بود و فعل آورد و در شب نزد هم نماز شام و خفتن و اما اگر دم دوازده فطرت
 کردم و قدری عبادت کردم و خواب غم و در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران
 و شهدای عباد را که من ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول مرا
 خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی هر روز
 و یا در آن و شقیعان تو اند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و میگویند ترا بیک
 حاجت تو بر آورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خوشنودی خدا

محمد را بخوان و این اسم را بشنود در رویت دیگر وارد شد و است که پیش از محمد صلی
 علیه و آله و سلم و الله و الحمد لله ولا اله الا الله و الحمد لله و الله و الحمد لله
 پاک است خدا و سپاس خدا را نیست که خداوند غذا از کتب است
 اللهم صل على محمد و آله
 خداوند رحمت بفرست بر محمد و خاندان محمد

خداوند ارجمت بفرست بر محمد و خاندان محمد

و اگر آیه الکبری اینتر درست تواند خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه قل بیوا صد احد
بخواند پس عارا بخواند و آیه الکبری را بهتر آنست که نام فیها خالده و حق بدو مانیت
بسم الله الرحمن الرحيم صدق الله العظيم الحمد لله الذي
بناهم اعدای بخشایند بخیران راست گفت اعدای بزرگ که نیست و اینتر که
هو الحق القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحمد لله الذي
اوندره پشند خداوند بزرگواری و کرمی بخشایند بخیران صد مرتبه قل بیوا صد احد
الذی لا یسر کینه و لا یشی و هو السميع البصیر الحمد لله الذي
که نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوایی و آگاه گواری او خدا

اونده پاشد خداوند بزرگواری و گویا کشتن خشتی که در میان در و دیوار

اللَّهُمَّ اكْثِرْ لَهُ شَيْئًا مِنْ الشَّيْءِ الَّذِي فِيهِ الْبَصِيرَةُ الْخَيْرُ شَهَادَةُ اللَّهِ

له یست مانند او هیچ چیز و ادب نشناخته و اما آگاه کوهی او خدا

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَأُولُو الْعَرْشِ أَتَمُّ الْقِسْطِ

فان من كان منكم فليعلم ان الله تعالى قد افاض علينا من نعمه ما لا يحصى ولا يعد

لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الذي عنده الله لا سلام لمويعت

والتفكير في حال الدنيا فكروا في الآخرة استقروا بدينكم فدين الله خير من دياركم

[Illegible handwritten signature]

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ لَا عَذَابَ لَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَبْعَاثِكَ مَلَكٍ رَحِيْمًا

ایک سازنده در دشمنان خداوند رحمت بفرست بر مبعوثین و مبعوثان رحمت

اَلْخَلْقِ لِاِقْفِكَ وَالمُسْتَغْفِرِ الْمُسْلِمِ كَامِلٍ طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ

افزیده شده از برای پیران و طلب کننده امر از مسلمانان کامل طاعت ترا خداوند

صَلِّ عَلٰى سِرَافِيْلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّوْرِ السَّيِّئَةِ لَكَ

رحمت بفرست بر سرافیل بردارنده عرش تو و خداوند صور افتخار دارنده و در

وَالْوَحْلِ السَّخْفِ مِنْ جَفِيكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى غُرَافِيْلَ قَابِضِ

و در سان بینک از ترس تو خداوند رحمت بفرست بر غرافیل کبیره

اَرْوَاحِ جَمِيْعٍ خَلَقْتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الظَّاهِرِ

جانها و همه خلق تو خداوند رحمت بفرست بر حاملان عرش که ظاهرند

وَعَلٰى مَلَائِكَةِ الذِّكْرِ اَهْلِ التَّائِبِيْنَ عَلٰى دُعَاِ الْمُؤْمِنِيْنَ

و بر فرشتگان ذکر که گویندگان آیین اند بر دعای کرده گان

وَعَلٰى السَّفَرَةِ الْكَرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِيْنَ وَعَلٰى مَلَائِكَةِ

و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکیزگان و بر فرشتگان

اَلْكَرَامِ الْكَائِنِيْنَ وَعَلٰى مَلَائِكَةِ الْحَبَانِ وَخَزَنَةِ النَّبَرِ

بزرگواران کائینات و بر فرشتگان حبش و خازنان بزرگ تو

مَلَكِ الْمَوْتِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

پادشاه الموت و خداوند بزرگ و کرامی داشتی خداوند رحمت

[illegible]

عَلَى آيَاتِهِ إِدْمَدَ بِكَ فِطْرَتِكَ الَّتِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِهَا لَكَ

بر پدر ما آدم نوید پدیده آخرت تو که مرا می دوستی اورا بسجده از شما خود

وَأَجْنَحُ جَنَّتِكَ اللَّهُمَّ عَلَى أَمْنَاءِ الْمُطَهَّرِينَ مِنَ الْخَبَرِ

و حلال کردی ای او بهشت خود را خداوند رحمت نبوت بر ما در پاکی کردیده از خبر کس

الْمُصْطَفَاةِ مِنَ الدُّنْيَا الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْتَدَّةِ بَيْنَ كَيْلِ

بگیرنده از هر چه که زیاده ستده از گروه آدمیان و آمده کنده میان جایای

الْقُدْسِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَارِبِلَ وَشَيْثَ وَادْرُيسَ وَغَيْرِهِ

بگیر که خداوند رحمت نبوت بر

وَمُودٍ وَصَالِحِ وَأَبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطَ وَلُوطَ وَشُعَيْبَ وَأَيُّوبَ وَصَالِحِينَ

وَصِدِّيقِينَ وَبُوشَعٍ وَمِيشَى وَالْخَضِرَ وَذِي الْقُرْنَيْنِ وَيُوسُفَ

الْيَاسَانَ وَالْبُسْعَ وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ

وَذَكَرِيَّا وَشُعَبًا وَجَمْعًا فَنُودِخَ وَمَنْعَى وَارْمِيَّا وَحَقِيقُونَ

يَا هَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا حَمِيلُ يَا كَمِيلُ يَا مُقِيلُ

ای بزرگ در تنب ای بزرگوار ای بخشنده ای نیکو ای خاص ای بخود کنده کار ای در کنده زنده

يَا هَجِيرُ يَا خَيْرُ يَا مُبِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مُدِيلُ يَا

ای پناه دهنده ای گاه ای روشن سازنده ای پلاک نمائنده ای از جبهه ای دولت دهنده ای

يَا حَمِيلُ يَا كَبِيرُ يَا فَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُوبُ يَا بَرِيحُ

نوت بخش ای بزرگوار ای توانا ای مینا ای بغایت خیر دهنده ای نیکو ای

طَرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاطِرُ

بسیار نرفته ای پاک ای خداوند قبر و غلبه ای جوید ای پنهان ای روشن

يَا حَظِيظُ يَا مُقَدِّرُ يَا حَظِيظُ يَا مُجَبِّرُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُّ

آی در آید آید آئی توانا ای نگاه دارنده ای بغایت بزرگوار ای نزدیک ای دوست

يَا حَمِيدُ يَا حَمِيدُ يَا مُبْدِيُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا حَسْبُ

ای ستوده ای بزرگوار ای پدید آورنده اول بار ای باز گرداننده ای دانا ای حاضر کننده

يَا حَمِيلُ يَا مُنِعُ يَا مُفَضِّلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِيُ يَا

ای نیکو کار ای نعت بخش ای بخشنده ای کنده ای کشاننده ای راه نای ای

مُرْسِلُ يَا مُرْسِلُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِيُ يَا مُنَافِعُ يَا دَافِعُ

فرستنده ای راه ناممکنی توختی دهنده برای تو ای بخشنده ای نای دارنده ای در ماندن

يَا رَافِعُ يَا رَافِعُ يَا وَاقِيُ يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ

ای بلند کننده ای برای تو ای خفیه کننده ای بسیار پدید آورنده ای همیشه بخشنده ای پدید آورنده

يَا رَافِعُ يَا رَافِعُ يَا وَاقِيُ يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ

ای بلند کننده ای برای تو ای خفیه کننده ای بسیار پدید آورنده ای همیشه بخشنده ای پدید آورنده

وَكَرَّمَاهُ عَلَى رَحْمَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ
وَالْمُسْلِمِينَ وَأَلَّا فَاضِلَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْهِمْ وَصَلَّ عَلَى مَنْ سَمِعْتَ
وَقَرَّ دُكَّانَ دُكَّانِ وَصَاحِبِ فَضْلٍ كَمَنْ بَرَّكَ بَارِئُ دُكَّانِ دُكَّانِ
مَنْ تَرَأَيْتُمْ مِنْ مَلِيكَكُمْ وَأَنْبِيَاءِكُمْ وَرُسُلِكُمْ وَأَهْلِ طَاعَتِكُمْ
وَالْمُتَشَبِّهِينَ مِنْهُمْ أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ وَتَقِيرَانِ تَوْ دُكَّانِ دُكَّانِ تَوْ دُكَّانِ دُكَّانِ
صَلُّوا إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَ
دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ
أَعُوذُ بِكَ عَلَيَّ عَائِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَبِكِرَامِكَ
وَبِكَلَامِكَ مِنْ بَرِّكَ خَدَّيْكَ بَرِّكَ خَدَّيْكَ مِنْ شَفَاعَتِ مَنْ يَخْتَصِمُ بِكَ وَبِكَلَامِكَ
إِلَى كَرَمِكَ وَيَجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَإِلَى رَحْمَتِكَ وَ
بِسُوءِ بَرِّكَ كَوَارِثِكَ وَبِسُوءِ بَرِّكَ كَوَارِثِكَ وَبِسُوءِ بَرِّكَ كَوَارِثِكَ
بِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ وَاسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا اسْتَغْفِرُكَ بِهِ
بِأَهْلِ طَاعَتِكَ تَوْ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ
مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرَ مَرْدُودَةٍ وَمِنَ ادْعَاؤِكَ بِهِ مِنْ
أَكْبَرِ الشُّعْرِ الْمَسْأَلِ بَرِّكَ كَوَارِثِكَ وَبِسُوءِ بَرِّكَ كَوَارِثِكَ
دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرَ مُجَابَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ
وَعَائِدَةٍ بِرَفْعِهِ كَمَنْ بَرَّكَ بَارِئُ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ دُكَّانِ

يَا مُقْتَدِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيرُ يَا كَرِيمُ يَا مُسَرِّعُ يَا مُبَسِّرُ

ای توانا ای بخشنده ای دیرینه ای بزرگوار ای سهل سازنده ای آسان کننده

يَا مُجِيبُ يَا مُجِيبُ يَا نَافِعُ يَا سَارِقُ يَا مُقَدِّرُ يَا مُسَبِّحُ

ای میرساننده ای رزقه نماینده ای سود بخش ای دوزی دهنده ای نثار کننده ای سبب

يَا مُغْنِيُ يَا مُغْنِيُ يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ

ای فریاد رس ای بنیاد کننده ای آفریدگار ای بجهان ای یکتا ای دانا

يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ يَا عَايِدُ يَا قَابِضُ

ای خداوند قهر و غلبه ای گهوارنده ای توانا ای فرما در رس ای نفع بخش ای گیرنده ای

يَا مُنِيبُ يَا مُبِينُ يَا طَاهِرُ يَا مُجِيبُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا

نیزنده نوجای جدا کننده حق از باطل ای پاک ای اجابت نماینده ای بخشنده

يَا مُسْتَجِيبُ يَا عَادِلُ يَا بَصِيرُ يَا مُؤَمِّلُ يَا مُسَدِّدُ

پندیرنده ای دادخواه حق ای بنیاد ای خواهنده حیرت ای بخشنده

يَا أَوَّابُ يَا وَاقِعُ يَا رَاشِدُ يَا مَلِكُ يَا رَبُّ

ای بخشنده ای پذیرنده توبای فاکنده ای خداوند رشد ای پادشاه ای پروردگار

يَا مُذَكِّرُ يَا مُعِزُّ يَا مُجْدِبُ يَا رِزْقِي يَا وَلِيُّ يَا فَاضِلُ

ای بخوار سازنده ای عزیز دارنده ای بزرگوار ای روزگارسازنده ای یاور ای خداوند فضل

يَا سُبْحَانَكَ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ

ای پاک ای بزرگوار ای انگیخته است پس است در

ایک سینہ ای چٹا بندہ کہتا ہے کہ میں نے ایک بار ایک آدمی کو دیکھا تھا جو کہ ایک کتے کی طرح دھڑکتا تھا۔

ای مهربان ای مهربان ای کارکنان ای شفا دهنده ای رفیع کننده دوزخهای جزا

ای و نه گزیده ای و نه ای از چند ای کار فرمای تقیر ای بنیاد بریز کار ای سالم ای نظر

ای امان دهنده ای پناه دهنده ای حویدا ای تدبیر کننده ای نیکبای ای بی همتا

ایستاد فخره ای را بود ای فخر بخشنده ای را که نکرده ای میراث زنده لعلی دانا

ای حکم کننده ای بر داند و ای پادشاه

ایمانند ای موجود ای دانا ای رستگزار ای بخشنده ای رافد کار نیکو کردار ای

ایستاد شریف ایستاد خواه ایستاد و نهضت ایستاد غایت ایستاد مهر ایستاد شریف

وَمِنْهُمْ مَنْ يَخُفُّهُمْ أَمْثِلَ الْبَقَرَةِ لَا نَفْعَ لَهَا وَالْخَيْرُ أَكْثَرُ فَهُمْ لَا يُخَفُّونَ

یا ایع یا یحییٰ یا سیر یا سعید یا سیر یا سعید

أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا أَلْهِي وَسَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ترای نوید آورنده آسمانها و زمین ای خدایم و بزرگ من رحمت بفرست بر محمد

وَالْحَمْدُ وَارْحَمَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وآل محمد جسم کن محمد و آل محمد را در کثرت ده محمد و آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

محمد چنانکه رحمت فرستادی و بרכת دادی و رحم کردی و رحم نمودی بر ابراهیم

وَالْإِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَقْرِي وَآلَا

وآل ابراهیم پرستی تو ستوده بزرگواری و در محکم خوار و شکسته منی مرا و خدایم

وَأَنْفِرْ أَدْنَى وَوَحْدًا وَخُصُّ عِيَّ نَزِيدِيكَ وَأَعْمَادِي عَلَيْكَ

و تنهای مرا به یکی مرا و فروتنی مرا بمن تو ذمیده مرا به بعضی

وَتَصَرَّعِي إِلَيْكَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّائِلِ الْخَاشِعِ

و زاری نمودن مرا بسوی تو بنحوی که تر امانند خواندن فروتنی کننده خوار زاری کننده

الْخَائِفِ الْمُسْتَغِيثِ الْبَائِسِ الْمُهِنِ الْخَفِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ

ترسان بنیم که محتاج ضعیف ذلیل گرسنه محتاج

الْعَائِدِ الْمُسْتَغِيثِ الْمُرْتَدِّ الْمُسْتَغِيثِ الْمُسْتَغِيثِ الْمُسْتَغِيثِ

بناوه گزیده ترنمایم جوینده اعتراف دارنده و گمراهان و طلب از سر گرفته از گناه فروتنی کننده

لِرَبِّهِ دُعَاءُ مَنْ أَسْلَمَ ثِقَةً وَرَفَضَهُ أَحِبَّةً وَكَلَّمَتْ

ابرا بر پروردگار مانند دعای کسی که خوار گشته باشد و او را اعتماد او ترک نموده یا او را دوست داشته و او را برتر گردانیده

بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ قَدَنِي وَبَعْدَ فَنَائِي وَ

دیدگاه بلند ترا ای آنکه نزدیکیست پس نزدیکیست و دوریست پس دوریست و

عِلْمُ الْمَشْرِقِ وَآخِظِي يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ الْمَقَادِرُ

سید اندیشهان را و پنهان از ان ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مراورست اندازهها

يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ لَيْسِيٌّ وَبِأَمِنْ هُوَ عَلَى

ای آنکه هر دشواری بر او سهل آسان است و ای آنکه او بر آنچه

مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيحِ يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ

خواهد توانست ای فرستنده باد را ای شکافنده صبح

يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالشَّمَاحِ يَا رَادِمَا

ای برانگیزنده نفوس ای خداوند بخشش و نوازش ای برگرداننده

قَدَفَاتِ يَأْنَا شِرَا لَمْ مَوَاتِ يَا جَامِعَ الشَّكَاكِ

انچه حق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای فراهم آورنده پراکنده

يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَيَا فَاعِلَ

ای روزی دهنده آنکه خواهد بی شمار و ای کننده

بِمَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

انچه خواهد هر چه که خواهد و ای خداوند بزرگوار ای کرامی و شرفی

يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ يَا حَيُّ يَا حَيُّ يَا حَيُّ

ای پناه ای زنده ای زنده ای زنده ای زنده ای زنده ای زنده ای زنده

أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا أَلَهِي وَسَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ترای نوید آورده بسمانها و زمین ای خداوند من و بزرگ من رحمت بفرست بر محمد

وَالْحَمْدُ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وآل محمد جسم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی و رحم نمودی بر ابراهیم

وَالْإِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذِي وَفْقٍ وَآلَهُ

وآل ابراهیم پرستید که تو ستوده بزرگداری و در محکم خوار و شکسته نمی مرا و اخیلج مرا

وَأَنْفِرْ أَدْنَى وَوَحْدًا وَخُضُوعِي بِرَيْدِيكَ وَأَعِزَّنِي عَلَى

و نهایی مرا و یکی مرا و فروتنی مرا پیش تو و کیه مرا بر لطف تو

وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّابِّلِ الْخَاشِعِ

و زاری نمودن مرا بسوی تو و میخوانم ترا مانند خاوندان فروتنی کننده خوار زاری نمائنده

الْحَائِفِ الْمُسْتَغِيثِ الْبَائِسِ الْمُهِنِ الْخَفِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ

ترسان بیمناک محتاج ضعیف ذلیل کمرسته محتاج

الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ الْمُرْتَدِّ الْمُسْتَغْفِرِ الْمُسْتَكَرِّ

بازگشته پناهنده اعتراف دارنده گناهان بر طلب آمرزش کننده از گناه فروتنی کننده

لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَ ثِقَةً وَرَفَضَهُ أَحِبَّةً وَعَظَمَتْ

بر سر پروردگار مانند دغای کسی که خوار گشته باشد و در استغفار او تو را که نموده یا او را تو که بزرگ

وَلَا تَكُنْ يَاسَةً يُحْيَىٰ وَلَا يَمُوتُ يَٰحَا فِطْرَتِ شَعِيبَ يَٰكَافِرًا

و در زکریا را یحیی و مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر شعیب ای کارکننده

وَلَا يَرْجُوا سِعْيَكَ إِنَّ تَصَلَّىٰ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

بهرادر سوسی و درینخواستن تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُعْطِيَنِي سَوَابِي كُلَّهَا وَتَجْعَلَ لِي مِنْ عَمَلِي

بیامیزی برای من که با آن همه گناهای من مرا در بهی امید من تمام و پناه دهی مرا از عذاب

وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَاحْسَانَكَ وَ

و لازم گردانی برای من خشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را

عُفْرَانَكَ وَجَنَانَكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُقَيِّدَ عَنِّي كُلَّ حَلَقَةٍ

آمرزش خود را و بهشت خود را و درینخواستن من از تو اینکه گشائی از من هر حلقه

ضَبَقَتْنِي وَبَكَرْتَنِي دِينِي وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَتُلِينَنِي كُلَّ سَبَبٍ

شکستی را که بوده بشد میان من و میان آنکه اندام مرا بگشائی مرا بر آن هر در را در راه من ای

وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَتُخَفِّرَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ كَثِيرٍ وَتُكَفِّرَ

و آسان گردانی برای من هر دشواری را و کم سازی از دگر من هر سخن بگوئی آهسته و دور گردانی

عَنِّي كُلَّ بَاطِلٍ وَتَكْتِبَ لِي كُلَّ عَدْوٍ وَتَحَاسِدٍ وَتَمْنَعَ

از من هر تبه و زکند را و خوار سازد برای من هر دشمنی را که برای من باشد و خواهی او باز دارد

مَنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِلٍ يَجْعَلُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ عَمَلِي وَبَيْنَ

از من هر ستم کار را و دفع کن از من هر مانعی را که حاصل شود میان من و میان تو و میان من و میان

عَمَلِي وَبَيْنَ عَمَلِي وَبَيْنَ عَمَلِي وَبَيْنَ عَمَلِي وَبَيْنَ عَمَلِي وَبَيْنَ عَمَلِي

فَجَعَلَهُ دُعَاءَ خَرَقٍ خَرَقٍ بَرِّضَعْفٍ مَهِينٍ يَا أَيُّهَا مُسْتَكِينُ بِكَ

معیت او دعای سوخته عکین یا توان حرار محتاج فقری که بوده است تو

مُسْتَجِيرُ اللَّهِ هُمْ وَأَسْأَلُكَ يَا نَكَّ مَلِيكَ وَأَنْتَ مَا تَشَاءُ

بجاء خسته بار خدا یا در سحر اهرم از تو سبب آنکه تو حقین تو صاحب دشمنی آنکه حقین تو را بخواهد

مِنْ أَمْرِ بَكُونُ وَأَنْتَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَأَسْأَلُكَ بِحُجْرَةٍ

از امری بشود و آنکه بر سبب تو بر آنچه می خواهی توانای و در سحر اهرم از تو بحسب

هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْأَمْرِ

این ماه محترم و خانه محترم و بلده محترم و بخت رکن

وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَخَوْنِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و مقام ابراهیم و جای عبادت که بر یکست رتبه انا و نبی پیغمبر تو محمد رحمت خسته خدا بر محمد

وَالِهِ يَا مَنْ وَهَبَ لِآدَمَ شَيْئًا وَلَا يُرَاهِمُ اسْمَ عَيْلَةٍ

وال محمد ای آنکه بخشیده مر آدم را شئ و ایبر اسم عیله

وَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ رَزَقَ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ

و اسحق و ای آنکه بر کرد انیده یوسف را بر یعقوب و ای آنکه

كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ يَا رَاذَ مُوسَى عَلَى امْرِئِهِ

ذاعل کرده پس از استخوان بد حال ایوب را ای که بر کرد انیده موسی بر ما و درش

وَيَا زَايِدًا الْخَضِرَ فِي عَلَيْهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ

و ای زیاده فی خضر و ای آنکه بخشیده مر داود را سلیمان

و

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَلَكَ أَسْنَتُ فَأَرْجُو ذِي وَحْشَتِكَ

خداوند ابراهیمی تو سجده کرده ام و تبتو تصدیق نموده ام پس رحم کن بر من خوارم و فرستی مرا

يَا بَدِيكَ وَفَقْرِي وَفَاقِي إِلَيْكَ وَأَرْجُو أَنْفِرَ أَدْنَى وَخُشْعَانِي

ای عزیز من و درویشی مرا و احتیاج مرا بسوی تو و در رحم کن بنمای مرا و پستی نمودن مرا

وَأَجْعَلْ دُنْيِي بِرَبِّكَ وَتَوَكَّلْ عَلَى عَمَلِكَ اللَّهُمَّ بِكَ اسْتَفْتِي

و گنجش مرا پیش تو و اعتماد مرا بر لطف تو خداوند ای تو طلب فتح و کن پسر سیر

وَبِكَ اسْتَسْخِجْ وَبِعَمَلِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاللَّهُ اتَّقِ إِلَيْكَ

و بکند بنکار ای سحریم و بسید محمد بنده تو و فرستاده تو و بسید آل او و دنی او و م بر تو

اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حَرْفَةٍ وَذَلِّ لِي كُلَّ سَعْوَةٍ

خداوند آموار کن برای من هر نامواری را و دشواری کن برای من هر دشواری را و جش مرا

عَلَيَّ مِنَ الْخَيْرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَعَافِي مِنَ الشَّرِّ أَصْفَرَفَ

بر من از نیک بیشتر از آنچه امید دارم و سالم دارم را از سرگزندی و بگردان

عَنْ الشُّعْرَاءِ

از من سر بدی را

و هر دایم است دیگر حد مرشد در سجده بگو

يَا أَصْحَى حَرَامِي أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَقْصَى حَاجَتِي لِيُطْفِئَ بِأَخْبَرِكَ

ای ایوخته حرامهای من اطلب کن از من برآور حاجت مرا بهر آنچه خواهی بکشد بهشت الطاف

و در روایت معتبره وارد شده است که مادر او و نبوت حضرت عرض کرد ای

أَنْ يَقْرَأَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَاعَتِكَ وَيُطِيعُنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ

آنکه بگوید بین میان من و میان طاعت تو و آنکه شغول سازد مرا از عبادت تو ای آنکه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنِيبِ وَفِيهِ رِجَاؤُنَا مِنَ الشَّيْطَانِ الْأَذَلِّ رِقَابُكَ

حام کرد و هر چه در سر کشی و او غلبه کرده تجاوزه نمایندگان دیوان او بخوار گردانیده گردانید

الْبُخْرِيَّ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ

بختوران را و بر گردانیده کرد دست یافگان را از ناتوان در میخواست

بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ وَاسْهَيْلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ

از تو بتوانم آنچه خواهی و تساهل کن در آن که خواهی و هر چه خواهی که اراده کنی

تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ

آنکه بگردانی بر آوردن حاجت مرا در آنچه میخواهی

پس سجده برو و بپلوی پای و بی خود را بر خاک بگذارد و بگوید

اللَّهُمَّ لَكَ سَجْدَتِي وَبِكَ الْإِمْنَتُ فَأَرْحَمْ ذُلِّي وَفَاقِي وَاجْتِهَادِي

خدایا تو را عرض میسجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن بر خوار مرا و تنگدستی مرا

وَتَصَرَّعِي وَمُسْكِنَتِي وَفَقْرِي إِلَى الْمَيْمَنَةِ يَا رَبِّ

و زاری مرا و زنجیری مرا و محتساج مرا بسوی تو ای پروردگار من

پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید مگر چه عقده بر سر کسی نبوده

باشد که آن علامت استعجاب است در روایت دیگر و او روشنه است که در

سجده این دعا را بخوان

کاین روز از دوزه دارند بکسر این نعمت و در روز رجب و سیدیه و عمارت
خیر و زود بران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه و آله
آنحضرت و لون بلامان قاتلان آنحضرت مناسب است و در روز رجب و سیدیه
این فاتح خیر بر دست معجز نمای سید الفیاض علی بن ابی طالب علیه السلام
و سلام جاری شود و موجب بودی بر دست آنحضرت شد که گفته اند روز از
بکسر از این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است و شیخ عینی و دیگران در روز رجب و سیدیه
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در روز رجب و سیدیه و سیدیه و سیدیه
بسیار در فضیلت این روز و ثواب روز و شش و در روز رجب و سیدیه و سیدیه
از این باب و غیره که حضرت رسول صلعم در روز رجب و سیدیه و سیدیه و سیدیه
شد این مخالف مشهور است و احادیث بسیار که بعد از این مذکور خواهد شد
فضیلت روز شش یکی نیست چنانچه از حضرت امیر المومنین علیه السلام نقل
که روز شش کفاره دویت سال گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام
زید است که در روز رجب و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه
بقادر سال گناه کرد و اینها از آنحضرت علیه السلام مرویست که در روز رجب
شش ماه رجب از دوزه بدر و حق تعالی و دوزه او را کفاره است و سال گناه
کرد اند و در رجب و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه
رسول صلی الله علیه و آله در آن روز بر رسالت برست بجهت کرد و بر بر علی
و غیره بر آنحضرت نازل شد و شش بر شش و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه و سیدیه

سید و آقای من ایندها، ادر غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بی در و زعفر
بیتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صابن فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را
دامرز و دوسر ماه که باشد اگر ایام البیض از روز به بار دو در روز پانزدهم اینده عا
نمیکند که در هم جایش برآورده میشود و در وایت دیگر وار است که حضرت فرمود
که در روز عرفه و در روز که اینده عا را بخواند جایش برآورده میشود موقوف کوید که این
احادیث ظاهر میشود که در ماه که ایام البیض از ایضی سیزدهم و چهار دهم و پانزدهم و
روز به بار و در روز پانزدهم این عمل ایجا آورد بمطلوب فایز میگردد و در نیت که
اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام مگر که این عمل باید و ن روز به بار آورد و خوب باشد و اگر
در غیر شهر حرام که ذی القعدة و ذی الحجة و محرم و ماه رجب است اینده عا را بخواند بجای
بجرت هذا الشهر احرام بگوید بجزته الشهر احرام و ندارد اینده از و بیشتر فصل خنیم
میان فضایل و اعمال نصف از ماه رجب شیخ طوسی و دیگران گفته اند که روز بیستم
این ماه بر اسم میر رسول خدا صلی الله علیه و اله از دنیا رفت پس خن اند و ده و یمن
بر آنها که درین مصیبت تسامت کردند نیز تسامعت خصوصاً عایشه علیها السلام و بن
عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
در روز جمعت یکم ماه رجب بعالم قدس ارجح نموده اگر چه جلا مشهور است اما لعن قاتلان و
ظالمین آن حکم کوشه رسالت است که عمده آنها عسر الخطاب علیه السلام و العذاب است
و زیارت آنحضرت احیایا مناسب است بنمیکند که در خواهر شد و شیخ مفید رحمه الله
گفته است که در روز بیست و دوم این ماه صوری علیه السلام بیستم و اصل حدیث است

لَا تَقُولُ لَكَ عَلَىٰ وَجْهِكَ لَكُمُ اللَّاتِمَاتِ كَلِمَاتُ أَنْ تَقُولَ

بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَا تَقُولُ لِلَّهِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

از حضرت امام محمد تقی علیه السلام نقلست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای
 مردم از آنچه اقلبات بران میاید و آن شب بخت و نعمت انیاه است و در صبح این شب
 حضرت رسالت پناه بر سالت مبعوث شد و یکصد عبادت کند این شب مثل صلح
 شصت سال عبادت خدا با او عطا فرماید برسدند که عمل این شب چشت فرمود که
 اگر چون رخصت کردی بخواب سر وقت از شب بیدار شوی خواه پس از نصف
 شب بیدار بعد از آن بر خیز و دو نذر دو رکعت نماز کن بعد از سر دو رکعت سلام
 بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره را بخوان که هر یک بعد از آن پس از آن
 و چون از نماز فارغ شوی چنانکه در حدیث مذکور است و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
 برب الناس قل هو الله بعد و قل یا ایها الناس اعوذ بالله من الله وقل یا ایها الناس اعوذ بالله من الله

و آنکه اگر کسی هر یک از اینها را بخواند پس از آن دعا را بخواند

الحمد لله الذی لم یخذ صاحباً ولا ولداً ولم یکن له شریک و
 پس در خدا را که فرافکرده ذی عونه فرزند سی و نیت برای او شب یکی دره
 الملک و لم یکن له ولی من الدنیا و کبر من کبریا

باو شایع و نیت از برای او باوری از عدلت و ب عظمت باو کن خدا را ب عظمت باو کردنی
 اللهم انی استسئلتک بمعاقب عترتک علی ازگان عرشک و منتهی
 خداوند ابد و ستیکه من سوال میکنم ترا ای عترت تو بر اطراف عرش تو و منتهی
 الرحمة من کتبک و یا ربک الاعظم الاعظم الاعظم و ذکر
 رحمتی که استفاده میشود از کتاب تو و بحرمت نام تو آن نامیکه بزرگتر است بزرگتر بزرگ و بحرمت تو

إِلَيْكَ وَمُحَظِّي عِنْدَكَ وَيُزِيلُ لَكَ أَعْمَارَنَا وَأَحْسِنُ فِي

نسبی تو بهره مند ساز و نزد تو و نزدیک که داند نزد تو عمرهای ما را و نیکو که دان در

جميع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا نتكلم الى احد من

همه حالات مارا و کارهای مارا شناخت مارا و اولنگه امارا بسوی سچیک اند

خَلَقَكَ فَمِنْ عَلَيْنَا وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِمَجْمُوعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا

آفریدگان خود پس منت گذارد بر ما و جان کن بر ما بسمه حاجت های ما که تحمید دنیا

الْآخِرَةِ وَأَبْدًا أَبَدًا وَإِنَّا وَجَدَ الْجَنَّةَ فِي الْيَمِينِ

و عقبت و استداکس بیدران مایوسه ان مایوسه برادران ماکه که زندگان اند در

جَمِيعَ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

تمام آنچه در خواستم تا از تو بجهت نفسهای خود ای بخشاید بدترین بخشانیدگان بار خدا

إِنَّا نَسْتَعِينُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ

به رستیکه ماسو ان سکینه از تو بجز نام تو بزرگ و بادشاهی و برینیه تو

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ

بر محمد و آل محمد و آنکه بیاموزد برای مارا کناه بزرگ را

إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ وَمُذَارِجُ الْكَلَمِ

نہرستیندگی آخر زندگاہ بزرگ را مگر بزرگ خداوند این ماه رجب است بگرامی

الَّذِي أَكْرَمَنِيهِ أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحَرَمِ أَكْرَمَنِيهِ مِنْ بَيْنِ

که گرامی نوشته بار باین اول ماههای خرداد است که اسید نوشته بار باین از ساین

عَنْكَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سجده بر دو بکر الحمد لله

زوت برمت تو ای بخشنده ترین بخشنده گان پس بخند ترا

هَذَا نَأْمُرُكَ بِهِ وَخَصَّنَا بِلَايَتِهِ وَوَقَفْنَا لِعَظَمَتِهِ پس بگو

رساننده مرا بشناخت خود و مخصوص گردانیده ما را به دوستی خود و توفیق خود را از علی ها مستعد

شکرا شکر ا صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي قَصِدُكَ

ستایش می کنم شناسی خداوند به پرستیدن تو

بِحَاجَتِي وَأَعْتَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِأَمْرِي

حاجت خود و تمهید کرده ام بر لطف تو در سوال خود و رو آورده ام به سوی تو به رسیدن به

وَسَاكَا اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا بِجَنَّتِهِمْ وَأَوْزِدْنَا مَوَدَّةَهُمْ وَأَرْزُقْنَا

در بزرگان خود با برادریا سودمند گردان ما را به پستانان و فرد تو را و ما را در بزرگان خود و ما را

لِقَصْفِهِمْ وَأَذِخْنَا الْجَنَّةَ فِي زَعَرِهِمْ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در کشتن ایشان و داخل گردان ما را بهشت در کرده ایشان برمت خود ای بخشنده ترین بخشنده گان

در روز قیامت و قسم غل سخت است در روز هشتاد و نهم بسیار دارد و نهمه ای

مقبول از حضرت صادق منقولست که روز هشتاد و نهم بسیار دارد و نهمه ای بسیار

دیگر هشتاد سال و این منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که

آیا غیر عیدهای شهادت است حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر همه روز است که

حضرت رسول صلعم مبعوث گردیده است و آن میست و نهمه به رجعت باید که

بدره بدری در صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول

مَغْفِرَتِكَ وَيُؤَيِّدُ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

مغفرت ثابت تو در محبت واجب سلامتی از سرگناهی

الْغَنِيَّةِ مِنْ كُلِّ مَرٍ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالْجَاةِ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ

نیجت از سرگی و در ستکاری بهشت و خلاصی از دوزخ خداوند

دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعْوَتَكَ وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ

خواننده ترا خوانندگان و خواندم من ترا و در خواستند از تو در خواهند کان و

سَأَلَكَ وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ

در خواستم از تو و رغبت نمودند بسوی تو رغبت کنندگان و رغبت نمودم بسوی تو خداوند

أَنْتَ التَّيْفَةُ وَالرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالِدُّعَاءِ اللَّهُمَّ

تو ای اعتماد و امید و بسوی تست منتهی شدن رغبت با دعا و دعا خداوند

فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي

پس محبت بفرست بر محمد و آل او و بگردان یقین را در دل من و روشنایی را در

بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ فِي الْكُلِّ وَالنَّهَارِ

دید من و پندار در سینم من و ذکر خود را در شب و روز

عَلَى لِسَانِي وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُونٍ فَارْزُقْ

بر زبان من و روزی و فراخی که نباشد مقطوع و نه حرام پس روزی کن مرا

وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا

برکت ده برای من در آنچه روزی کرده مرا و بگردان بی نیایی مرا و رغبت من در رغبت مرا و

۹۱
فِي الْمَلِكِ وَكَرِيمٍ لَهُ وَلِي مِنَ الدَّارِ الْكُبْرَى يَأْتِيهِ

در بادشاهی و نیت او را یاور می آید از ملک و بزرگی با بزرگی خدا را بدو ملک را بدو بزرگی

فِي صَدَقَاتِي يَا صَاحِبِي بِشِدَّتِي يَا وَلِيَّيْ فِي بَعْثِي يَا غِيَاثِي

در صدقات من ای صاحب من در سختی من ای یاور من در بخت من ای یاور من

رَغْبَتِي يَا نَجَّاحِي فِي جَاحِي يَا حَافِظِي فِي غَيْبِي يَا كَافِي

در رغبت من ای نجات بخش من در حاجت من ای نگاه دارنده من در غیبت من ای کافیه من

وَحَلَّيَا أَلْسِنِي فِي وَحْشَتِي أَنْتَ الْبَسَائِرُ عَوْنِي فَلَاكَ الْحَمْدُ

و حل گشت ای زبانی من در وحشت من تو ای بزرگواران من ای یاور من تو ای یاور من

أَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَاكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ صَرْعَتِي

تو ای برکنار کننده از لغزش من تو ای برکنار کننده از لغزش من تو ای برکنار کننده از لغزش من

فَلَاكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اسْتَغْوِنِي

تو ای برکنار کننده از لغزش من تو ای برکنار کننده از لغزش من تو ای برکنار کننده از لغزش من

أَمِنْ رَوْعَتِي وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي وَصَفِّحْ عَنِّي وَجْهِي وَجْهًا وَرَعْنًا

از ترس من و بپوش من از لغزش من و بپوش من از لغزش من

سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَا الْقُبُورِ وَالنَّبِيِّ كَانُوا

بدیهای من در اصحاب بهشت و در عدای قبور و در نبی که بودند

بُورَتِي

بپوش من

و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه ما درین روز مشغولست نماز این روز بطریقی
 مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر
 میشود که در هر وقت روز که بگذرد خوبست و سبب معتبر از ریاض بن الصلت منقولست که چون
 حضرت امام محمد تقی به بنجد آمد تشریف آوردند در روز نصف رجب روز است و مقسم روزه
 و هشتمه و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دور و روز را روزه بدارند
 و در هر یک ازین دور و روز ده رکعت نماز بکنند یعنی هر دور رکعت یک سلام و هر رکعت
 را بحد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از همه فارغ شوند سوره حمد و قل میخوانند احد
 قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند
 لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا
 نیست بحدی حق که خدا و خدا بزرگتر است و پاکست خدا و سپاس مر خدا ائرا و نیست
 حق و لا قوه الا بالله العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله
 پنج حرکتی در زمان آن که بخواند خدا ای بلند قدر بزرگ مرتبه
 ربی لا اشرک به شیک شایس چهار مرتبه بگویند لا اشرک به ربی احکام
 پروردگار است ایندنی که دانم با او چیزی را شرک بیکر دانم با پروردگار خود احدی را
 و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که درین روز ده رکعت نماز
 بجای آوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که بپسیر شود و میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام
 بگوئی این ما میخواند الحمد لله الذی کون بختن و کذا و کذا و کذا لا شریک
 سپاس مر خدا را که فراموش فرزند می و نیست برای او الهیازی

وَاللَّهُ يَدْعُكَ مَشْرَعَةً وَأَبْوَابُ الدُّعَاءِ لَكَ دَعَاكَ مَقْبُولَةً

و در ای خواندن ترا برای کسی که خواند ترا کند و

وَأَسْتَعَانَهُ لَمْ يَسْتَغْنِ بِكَ مَبَاحَةً وَأَعْلَمَ أَنَّكَ لِدَاعِيكَ

و استغاثت ترا برای آنکه در حق تو حلال گردید و میدانم که تو را برای

وَالصَّارِخِ إِلَيْكَ بِمَرَصِدِ غَايَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ

و در ای استغاثت نموده بسوی خود در استغاثت گاه فرادستی و در ای استغاثت

وَالضَّمَانِ بَعْدَ نِكَاحِ عَوَضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاطِلِينَ

و در ای استغاثت تو در ضمانت بعد از نیکو عوض بزرگ از منع ستمگران

وَمَنْدُوحًا عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَثَارِينَ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَاجُ

و دست و پای نیازی را از دست استغاثت تو آنکه سفروند ترا آنکه و آنکه بقیه که در میان

خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتَ

و در ای استغاثت تو که در میان خلق تو آنکه در میان تو آنکه در میان تو آنکه

وَأَنَّكَ إِذَا رَاحِلَ إِلَيْكَ عَزَمَ إِرَادَةً وَقَدْ نَجَاكَ

و در ای استغاثت تو که در میان تو آنکه در میان تو آنکه در میان تو آنکه

وَأَنَّكَ إِذَا رَاحِلَ إِلَيْكَ فَاَسْتَلْكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ

و در ای استغاثت تو که در میان تو آنکه در میان تو آنکه در میان تو آنکه

وَأَنَّكَ إِذَا رَاحِلَ إِلَيْكَ فَاَسْتَلْكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ

و در ای استغاثت تو که در میان تو آنکه در میان تو آنکه در میان تو آنکه

و چون زد دعا و نماز فارغ شوی سوره حمد و قل اغوذ برب الغلق و قل اغوذ برب الکبریا
و قل یا ایها الکافرون و یا انا انزلناه و ایاة الکرسی هر یک هفت مرتبه بخوانی هفت مرتبه بگوئی
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ حَتَّى حَانَ اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ پس هفت مرتبه بگوئی اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا
و نه توانائی مگر بخداست خدای
خدا خدا پروردگار است و انبار نیکو دارم از تو خیر را
پس آنچه خواهی از خدا بطلب پسند و بگو از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست

نست استانده عاراد رو به پشت بخواند

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوَزِ وَحَمَلَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ
ای که فرمان داده عفو و در گذشتن و خاصن که دیده خود را برای عفو و در گذشتن

يَا مَنْ عَفَى وَتَجَاوَزَ عَنِّي وَتَجَاوَزَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ
ای که عفو نموده و در گذشته عفو کن از من و در گذر ای بزرگوار بار خدا یا

وَقَدْ أَكْدَى الطَّلِبُ وَأَعْيَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَسَّ سِتْرُ
تقصی شکل کرده طلب و علجز گردانیده چاره در راه کس معاش و گمته شده

الْأَيَالُ بِأَنْتَقَطَعَ الرَّجَاءُ لَمْ يَكُنْ سِنُّكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
آرزو و دیرینه و شتاب امید مرا از تو در حالتی که بماند نیست سحر کنی برای تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سَبِيلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمِنْهَا هَلْ
خداوند ابرار رسیدن میجویم رو به سوی طلب دارم از بسوی تو گشاده و مناهل و آنچو را می

[illegible]

أَوْ مَلْهُوْفٌ مَكْرُوبٌ تَوَجَّتْ عَنْ قَلْبِهِ أَوْ مُذْنِبٌ

باور مانده و غمگین که کشف نموده باشی از دل او یا
بکس کار

جَاهِلٌ غَفِرْتَ لَهُ أَوْ مَعَاذًا أَتَمَمْتَ نِعَمَتَكَ عَلَيْهِ أَوْ

خطاکرداری که اغفریده باشی مرا و او عافیت بخشیده شده که تمام کردانیده باشی خود را یا

فَقِيرٌ أَهْدَيْتَ غَنَّاكَ إِلَيْهِ وَلَيْتَكَ الدَّعْوَى عَلَيْكَ حَقٌّ

محتاجی که بقصد فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او و حال آنکه برای او دعوت بوده باشد بر تو حق

عِنْدَكَ مَنِيْلَةٌ أَصْلَيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ وَقَضَيْتَ

نزد تو مرئوسه که آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او در و آئی

حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهَذَا رَجَبُ الْمَرْجَبِ الْمَكْرَمِ الْكَرِيمِ

حاجت های اینجهان و آنجهان را و اینها رجب بزرگ کردانیده که گرامی است که

أَكْرَمَ مَنَاسِبِهِ أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحَرَمِ وَأَكْرَمَ مَنَاسِبِهِ مِنْ بَيْتِ الْأَمَمِ

گرامیتر شده مارا بان اول ماههای حرام است و گرامیتر شده مارا بان از میان بیت ا

يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاسْتَلْكَ بِهِ وَيَا سَمِيكَ الْأَعْظَمِ

ای خداوند بخشش و بزرگواری در اینجا هم از تو بجزمت آن و بجزمت نام تو که بزرگتر است

الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقْرَأْ

بزرگتر بزرگتر بزرگوارتر گرامیتر آن نامی که آفریده آنرا پس قرار گرف

فِي ظِلِّكَ فَلَا تَخْرِجْ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

در سایه تو پس بدون ترود از تو بسوی غیر تو زیرا که رحمت بفرستی بنده

[illegible]

[illegible]

بفرماید که شعبان ماه نیست خدا رحمت کند کسی که یاری کند را بر ماه ربیع است
 این سخن که سلطان الله علیه سرمود که از روزی که لای مناد آنحضرت را شنیدم
 شعبان را ترک کردم تا زنده ام ترک نخواهم کرد و خدا تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان
 ماه مبارک رمضان توبه ایست از جانب ابرای میس کنا یا ان ایضا منقولست از
 آنحضرت که بیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که آنرا وصل میکرد ماه
 مبارک رمضان ایضا منقولست از آنحضرت سوال کردند که کدام روزه اور و روزه است
 افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان از حضرت امام عظیم
 منقولست که حضرت آن شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد ماه رمضان میفرمود که
 ماه نه است روزه هر دو کفار کنا یا ان گذشته و آینه است ایضا از حضرت
 آنحضرت منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد و او را پاک گرداند از هر لغزشی
 و هر چه است توبه ای رفته غضب از حضرت رسالت پنا صلی الله علیه و آله
 منقولست که ماه شعبان بهشت شریف آن نیست حاملان عرش الهی از تعظیم
 و کمال و حرمت آنرا میشناسند آن بهشت که زیاده میشود در آن و زیادهای
 از برای ماه رمضان زینت میکنند در آن بهشت بهار و آن اشعبان نام که و آنرا
 اشعب بسیار میگویند و در آن و زیادهای مومنان حسنه در آن مضاعف میگردد
 و آنرا بر کناه در آن پست میگردد و آمرزش میشود و اعمال خیر در آن قبول میگردد
 و خداوند جبار منظمی کند بسوی روزه داران عبادت کنندگان دنیا و آخرت
 بکنند و ایشان حاملان عرش و تعظیم و هر روز این ماه الله سرمود که ذکر آن مستحب

20

افضل است از آن ایضاً روایت کرده است نهفت نیز بشمار که فرمود شعبان
 ماه نیست هر که از ماه من بیک روز روزه دارد بهشت او واجب شود هر که دو روز
 دارد و قیامت از رفیعان پیغمبران صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد
 و روزگاری از ماه رمضان کفاره او باشد از گناه که مکش بزرگی هر چند اصل خون
 شده باشد که او را نفع می دهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است
 که هر که سه روز از ماه شعبان را روز روزه داشت او را واجب کرد و رسول خدا
 شفیع او باشد در قیامت و بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که هر
 ماه شعبان اهل مشو حضرت امام زین العابدین صاحب خراج و اجمع می نمود و
 که ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماه است این ماه شعبان است
 رسول الله ص و شعبان ماه نیست پس روز داری دیدن و برای محبت پیغمبر
 و از برای تقرب بسوی پروردگار خود حق اتخاذ کنی که جان علی بن حسین
 دوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از حسین بن علی علیه السلام که گفت شنیدم
 از امیر المومنین که هر که روزه دارد شعبان از برای محبت پیغمبر خدا و از برای
 تقرب بخدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت
 و بهشت از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المومنین روایت کرده
 است که حضرت رسول ص و که شعبان ماه نیست و در رمضان ماه خداست
 پس هر که ماه را روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روز
 بدارد ماه را از حق تعالی سوسل و گردانود و در حشت قبر او را آتشها نگیرد و

تطویل کلام است و بنده معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روز شعبان
بنده هست از برای روز قیامت و هر بنده که از شعبان در بسیار بکیر بگیرد الله تعالی
امر عیشت را و را با صلاح آورد و کفایت کند دشمنان را و او کمتر توانی که بر وزه
زوری از شعبان میدهند نیست که بهشت از برای او واجب گردد و بسند
معتبر از حضرت منقول است که حضرت رسول فرمود که ماه شعبان هفت رمضان
ماه خداست پس هر که یک روز از ماه من و زه بدر من شفع او باشم در قیامت هر
دور از راه من و زه بگیرد گناهای گذشته و آموزد شود و هر که سه روز از ماه
روزه بگیرد او را اندکنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه ندارد پس بطلانی از حضرت
امام رضا منقول است که هر که یک روز شعبان از برای خدا روزی بدر و داخل بهشت
کرد و هر که در یک روز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت
رسول مشور گردد و گرامی داشته شود و او را واجب گردد و هر که در شعبان تصد
کند که چه نصف دانه غرما باشد خدایدان و برایش چهل هزار گناه پاک شود
از آخر شعبان و زه دارد و وصل کند ماه رمضان چهل ثواب و نود ماه منقل
برای و نبوی و این بوی وایت کرد است که از اسامه پرسیدند که کدام
حضرت رسول خلدیاده از ماههای دیگر روز میگرد گفت شعبان را و فرمود
که مردم از آن غافلند و آن ماهیست که در آن عملهای خلدیابا میروند و در میان
که عمل من با او در وقتیکه روز هاشم و انصار وایت کرده است
از آن حضرت پرسیدند از روز و چه فرمود که چرا غافلید از روز شعبان یعنی

تغیبات

استغفار یکی یا بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان را
 بفرستید که نیز بر آنکه پنجم شش ساعت میکند کسی اگر اینها صلوات بر او بر
 آید کند و آن حضرت صادق منقول است که بهترین دعا یا در ماه شعبان
 استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند بیفتاد مرتبه بخواند باشد
 که در ماههای دیگر بیفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی پدید که چگونه بگویم شود

استغفر الله و اسأله التوبة

طلب مغفرت میکنم خدا را و سوال میکنم
 آنکه مغفرت از حضرت امام رضا منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان بیفتاد مرتبه
 استغفر الله و اسأله التوبة

طلب مغفرت میکنم خدا را و سوال میکنم
 آنکه مغفرت از حضرت امام رضا منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان بیفتاد مرتبه
 استغفر الله و اسأله التوبة

استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم
 طلب مغفرت میکنم خدا را که نیست معبودی مگر او بخشنده و مهربان نده تواند

و اتوب اليه

و در جمیع میکنم بسوی او

بگوید حق تعالی صبح و در اذان سبین جا و در آن قضای میسبی است در پیش
 و در آن قضای میسبی است در چهار گوشه آن نهر یا است بعد دستار آبی همان

از قبر بیرون آید در قیامت باروی سفید شود و نامه عمل او در دست راست او باشد
و نامه غلبه بودن در پشت او در دست چپ او دهند تا آنکه او را با پاشی عرش الهی
حاضر سازند پس حق تعالی ندا کند که ای بنده من او کوید یکبار اسی خداوند
پس خدا کوید که روزه دشتی برای من کوید علی ای آقایی من پس خداوند جللی ندا
کند که کوید که یکبار بخت بنین مرا و پنجبار بخت بسیار بخت من بیاورد و از این روز
با او کویم ماه و مراد روزه دشتی او کوید علی من کویم با او که من امروز شفاعت کنم
پس حق تعالی بفرماید که من حقوق خود را بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من بر که
از من بخواهند من آنقدر عرض با و بفرم که او راضی شود پس من بگویم و الله اعلم
بما تریم نزد صراط پس من بگویم که صراط لغز و استیلا و پای کنا سکاران این باشد
پس بخت او را بگویم ملک که مملکت است بر صراط کوید کیست این من کویم این فلان
از امت من که ماه مراد دینار روزه گرفت بامید شفاعت من ماه خدا روزه داشته
از برای طلب جزای پس هر یک از صراط بفرموده خدا تا آنکه او را در بهشت رساند
پس خداوند کوید که امروز روزیست که در را برای امت بخشایم و او را داخل
یکی کنم حضرت امیر المؤمنین و فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت اما او شفیع شما
کرد و در قیامت روز و بدارید ماه خدا را بیا شامید از شراب سیر بهشت
فصل دوم در بیان اعمال هر روزه شعبان است پس بعد از حضرت امام ضامن است
که هر روزه شعبان استغفار کند کنا اشش مرزین شود اگر چه بعد از
استغفار و کنا شعبان است بعد از شعبان است که حضرت رسول فرمود که شعبان

کَلِمَةً لَّكَ لَوْ هُمْ رِضَىٰ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِذَا وَجَّهَ

با کبریا که بپند مرا ایشان را واجب فرستندی و مرا حق محمد و اولاد محمد را اولاد او

تَضَلُّ بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ

تفضل بر حق بقدرتی از تو و توانای اسی برود و کار عالمیان خداوند او را و بپند

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ

پسند و آل محمد پاکیزگان نیکوکار برگزیدهگان که

أَوْجَبَتْ لَهُمْ حَقُّوقَهُمْ وَفَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَلَا تَهْمُ

واجب کردی برای ایشان حق ایشان را و واجب کردی اطاعت ایشان را و نگرانی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ

خداوند او را و بپند بر محمد و اولاد محمد و آباد کن دل مرا به بندگی خود

وَلَا تُخَيِّرْ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَارْتِدَائِي مُوَاسَاةً مِنْ قُرْبَتِكَ

و نگذار مرا بین فرمانی خود و روزهی کن مرا برای کسی که ترک کرده باشی

عَلَيْهِ مِنْ زُرْقَتِكَ بِمَا وَسَّعَتْ عَلَىَّ مِرْفَقَتُكَ وَكَشَرْتَ

بر او از روزهی خود بخیرگی که فراخی کرده بر من از فضل خود و پهن کردی

عَلَى مِرْعَدٍ لَكَ وَأَجْبَيْتَنِي حَتَّى ظَلَمْتُ وَهَذَا شَرُّ نَسَبِيكَ

بر من از عدل خود و درنده داشتی مرا از نسیب بخود و آمد به دشمنان و دشمنی

سَيِّدِ سَبِيلِكَ صَلِّ عَلَىكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

سرور سبیل تو را درود خدا یاد بر او و اولاد شعبان است که

تو در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بشند
معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در هر روز ماه شعبان در وقت زوال

و در شب نیمه آن این صلوات میخواند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ

خداوند ادرود و نبوت بر محمد و اولاد محمد درخت نبوت و جای

الرِّسَالَةِ وَخَلْفِ الْمَلَكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاهْلِ بَيْتِ

رسالت و محل آیت نشکان و کان علم و خانواده

الْوَحْيِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ

وحی خداوند ادرود و نبوت بر محمد و آل لاد محمد کشتیهای روان

فِي الْبَحْرِ الْعَامِرَةِ يَا مَنْ مَزَنَ كِبَرَهَا وَبَغَرَ مِنْ رُكَّهَا الْبَقِيَّةَ

در دریا های فرا پر شده در امان است کیکه سوار شود انرا و غرق میشود کیکه که کند ترا

طُفْرَ مَا رَقَّ وَالتَّائِخِ عَنْكُمْ زَاهِقٌ وَاللَّارِمْ لَكُمْ لَاحِقٌ اللَّهُمَّ صَلِّ

ایشان را مرده است و پس مانده از ایشان بفعال و باطل و ملازمت نمائیده و از ایشان جدا و

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ

ادرود و نبوت بر محمد و اولاد محمد پناه محکم و فریاد رس مضطر

الْمُسْتَكَينِ وَمَجَاءِ الْهَارِبِينَ وَمُسْجَدِ الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةِ

مأجور و پناه گریزندگان در استگاه ترسندگان و جایگاه دراز

الْمُعْتَصِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ كَثِيرَةٌ

چند نهدگان خداوند ادرود و نبوت بر محمد و اولاد محمد درودی بسیار

سَلَامًا تَزِيدُ وَلَا يَئِيدُ كَمَا تَحِبُّ وَتَرْضَى إِلَهِي زَاخِرِي

بر سر که خدایم کند و قطع نکند و خواهم دوست داری پسند می خورای من اگر زاکری

إِلَهِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ

خدایم من را بگیرم من ترا ببخوشم و اگر مرا بگیری بخندان من را بگیرم

بِعَفْوِكَ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَهْلَكَ أَهْلَكَ

ببخوشی تو و اگر داخل کنی مرا در آتش اهل آتش را اهل آتش

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَنْعُكَ جَنْبَ طَاعَتِكَ عَلَيَّ

خدایم می دارم ترا خدای من اگر بود و نباشد که حذر داشته در بهلوی طاعت تو و کردار من

فَقَدْ كَسَرْتُ جَنْبَ دَجَانِكَ أَمَلُ إِلَهِي كَيْفَ

پس چنانچه شکستم در جنب آید من از تو امید من خدای من چگونه

أَهْلَكَ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ أَهْرُ مَا وَقَدْ كَانَ حَسَنٌ

بر کردم از نزد تو بد از ناخاری - محروم چال اند چنانچه بود و نبود

ظَنَنْتُ بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالْخِصَابَةِ مَرُوحًا إِلَهِي وَقَدْ أَهْنَيْتُ

کام من بچشش تو ای که بر کردانی مرا باد استکاری - رهم کرده شد و خدای من بچشش

عَمِّي فِي سِرَّةِ السَّمْعِ عَنْكَ وَأَبْلَيْتُ شَيْبَانِي فِي سَكْرَةٍ

معمود در سیرت شامی خبری از تو و گنبد ساختم جوانی خورما پرستی

لَتَكُنَّ أَعْدَاؤُكَ إِلَهِي فَلَكَ اسْتَيْقَظَ أَيَّامُ اخْتِرَارِي بِكَ

و در حق تو خدایم من پس بیدار بشدم در روزگار فریاد من به تو

خَفَضَتْهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولَ اللَّهِ

فراگفته آنرا از خود بخشش و خوشنودی که بود رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَّابُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيْلَائِهِ

درود و بزمه خدا بر او و آل او و او کوشش می نمود در روزه آن و بیداری در شب

وَإِيَامِهِ يُجِي عَالِكَ فِي إِكْرَامِهِ وَاعْظَامِهِ إِلَى حُلِّ حِمَامِهِ

و روزهای را جهت فروتنی برای تو در کرامی و دشمنی آن و تعظیم دشمنی آن فرو آوردن

اللَّهُمَّ فَأَعِنَا عَلَى الْأَسِنَّاتِ يُسْتَنَّتْ فِيهِ وَنَبِلِ الشَّفَاعَةِ

خداوند ایس باری کن ما را بر جاری شدن بطریق او در آن و رسیدن به شفاعت

لَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ

نزد او خداوند ایس کرد آن او را شفاعت کننده و پذیرفته شونده و راه و راهی بسوی خود

مَقْبِعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتَّى أَلْقَاكَ بِقَوْمِ الْقَبْرِ عَنِّي

راه وسیع و بگردان مرا بر امی او تابع تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت

رَاضِيًا وَغَنِّي عَنْ غَاظِيَا قَدْ أَقْبَبْتُ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ

پسندیده از من خوشنود و از گنایان من درگذرنده که تحقیق و محبت بخشد بای من از الطاف خود

وَالرِّضْوَانَ وَأَتْرَكْتَنِي دَارَ الْفُتْرَانِ وَحُلِّ الْأَخْيَارِ

و خوشنودی و فرود آوردن مرا در سرای بقا و در جایگاه نیکو کاران

و سید بن طاووس علیه الرحمه بنده معتز از ابن خالویه وایت کرده است که این مناجات

حضرت امیر المومنین و امامان کن از فرزندان اوست علیهم السلام که در راه شهبان فی خلدند

طَاعَكَ يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِبِهِ وَيَا جَارًا

من فریاد آنکه تو که در پیشه ای نزدیک که دور دیگر دوازده فرسخه بخورد این عبس

لَا يَجْلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ إِلَهِي هَبْ لِي فَلْيَا يَدِي نِيَمِكَ

بخش من دور از کسی که امید داشته باشد ثواب تو را خدا ای من بخش مرا نفسی که نزد یک دوازده

شَوْقَهُ وَلَسَا نَاذِرُ فَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَنَظَرُ يُقَرِّبُنِي

آرزو مندی او در بانی که بان برده شود دهری تو هست که او و نظری او که نزد یک دوازده

مِنْكَ حَقُّهُ إِلَهِي إِنْ مَن تَقَرَّبَ بِكَ عَيْنٌ يَجْهَوِي وَمَنْ

تو درستی او خدا ای من بدستی که اگر شناخته نیست مجهول است

لَا يَكُنْ لَكَ غَيْرُ مُحَمَّدٍ وَلَوْ مَنَ أَفْتَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ

پناه کننده تو نیست خوار که نشسته و آنکه رو کردی تو بر او نیست مغلوب

إِلَهِي إِنْ مَن أَنْتَبَحَ بِكَ لَمُسْتَتِينٍ وَإِنْ مَن اِغْتَصَمَ بِكَ

خدا ای من تحقیق آنکه راه نیست بهر پند روشنی یافته است و تحقیق سبک چنگ در دست

لَمُسْتَحْيٍ وَقَدْ لَدْتُ بِكَ يَا إِلَهِي فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ

پند امان جویده است و تحقیق که پناه گرفتن تو ای خدا ای من پس نا امید مکن گمانی از

رَحْمَتِكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ إِلَهِي أَقْنِي فِي أَهْلِ

رحمت خود و من مکن مرا از مهربانی خود خدا ای من مهربا دار مرا در باب

وَلَا يَكُنْ مَقَامٌ مِّنْ رَّجَاءِ الزَّيَادَةِ مِنْ مَحَبَّتِكَ إِلَهِي

و منان خود در جایگاه سبک امید داشته باشد زیاده از دوستی تو خدا ای من

وَكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَ

وایل بودم بسوی راه چشم تو خدا می من دمن بند تو

ابن عَبْدِيكَ قَائِمِينَ يَدِيكَ مُتَوَسِّلِينَ بِكَرَمِكَ

پسر دهنده تو ام ایستاده ام نزد تو بدستل جانیده ام بکرم تو

إِلَيْكَ إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ أَتَضَلُّ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ وَأَجْعَلُ

بسوی تو خدای من من سده تو ام عذر خواهی بنمایم بسوی تو از آنچه بودم که موافقت

بِهِ مِنْ قِلَّةٍ اسْتَحْيَا نِي مِنْ نَظْرِكَ وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ

تو از راه کمی شرم از اطلاع تو سوال میکنم از تو در گذشتن از تو

إِذَا الْعَفْوَ نَعْتَ بِكَرَمِكَ إِلَهِي كَوْنِي إِلَى سَبِيلِ فَاتَّقِلْ

زیرا که در گذشتن وصفی است برای بزرگواری خدای من نسبت مرا تو انامی پس بگردم

بِهِ غَرْمَ مَغْصَبِكَ الْإِلَهِي وَقَدْ أَيْقَظَنِي لِحُبِّكَ وَكَمَا

سختی از نارمانی تو بگردم و بختی که بیدار کنی مرا بخت دوستی خود و چنانچه

أَوْجَعَتْ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ يَا ذَا خَالِي بَنِي

بهری که بودم چشم بشوم پس شکر کنم را سبب داخل گردانیدن تو مرا

كَرَمِكَ وَلِتُظْهِرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْعَفْوَ عَنْكَ إِلَهِي

کرم خود و بگردان که و ایندن نودل مرا از هر کسای بی خبری از تو خدای من

انْظُرْ إِلَى نَظَرٍ مِنْ تَأْكِيهِ فَاجَابَكَ وَاسْتَعْلَنَهُ عَفْوَ

بیکر بسوی من فایده بگردان بگردانده باشی اورا پس اجابت کرده باز او نگاه داشته باشی

الْعَظِيمِ وَتَصِيرُ رَوْاحًا مَعْلُوقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ الْإِلَهِيِّ

بزرگواری دیگر و نفوس مادر او بنده بخت پاک بر تو خدای من و

اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَلَا حَظَّتْهُ فَصَبَّحُوا

بگردان مرا از آنانکه خواندی ایشانرا پس اجابت نمودند ترا و ذکر سینه چنان بهر تو

بِحِلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرًّا وَعَمِلَ لَكَ جَهْرًا الْإِلَهِيُّ لَمْ يَسْلُطْ

بجهد بزرگواری تو پس از گفتی ایشانرا و کار کردند آشکارا خدای من مسلط میباشد

عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُتُوبُ الْأَيَّاسِ وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ

بر نیکی اعتقاد خود شدت تو میدی را و بریده نشده امید من از

جَمِيلِ كَرَمِكَ الْإِلَهِيِّ إِنَّكَ أَنْتَ الْخَطَايَا قَدْ سَقَطْتَ

کرم نیک تو خدای من اگر بوده باشد گناهان که محقق اند افتاده

بِدَيْكَ فَأَضْمَعْ عَنِّي حُسْنَ تَوَكُّلي عَلَيْكَ الْإِلَهِيُّ أَنْ حَظَّتْ

بر اند تو پس در گذر از من بسبب نیکی اعتقاد من بر تو خدای من اگر بسبب کرده

الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لَطْفِكَ فَقَدْ بَهَتْنِي الْبَقَرُ

راکنان از نوازشهای مهربانی تو پس محقق میشد که دانیده مرا بفرم و نیز

إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ الْإِلَهِيِّ إِنَّ أُنَامَتِي الْغَفْلَةُ عَنِ

بسوی بزرگی لطف تو خدای من اگر خوابانیده مرا ای خبری از

الْأَسْتِعْبَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ بَهَتْنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ

آگاه شدن برای ملاقات تو پس محقق میشد که مرا نشان من بزرگی

اللّٰهُمَّ اَلْهِنِّيْ وَلَهِّ اِيْذَكَ اِلَى ذِكْرِكَ وَاجْعَلْ هَمِّيْ

خدا ای من و بدل ایاز مرا حسی بسبب ذکر خود بسوی ذکر خود بگردان آهنگ مرا

إِلَى دَوْجِ نِجَاحِ اسْمَائِكَ وَحَلِّ قُدْسِكَ اِلٰهِيْكَ عَلَيْكَ

بسوی رحمت پروردگاری نامهای خود و جایگاه قدس خود خدا ای من بذات تو قسم بگو

اَلَا اَلْحَسْبُنِيْ حَلِّ اَهْلِ طَاعَتِكَ وَامْتِنِ الصَّالِحِ مِنْ

مگر آنکه برسانی مرا ای جایگاه فرمان برداران خود و جایگاه . . . شایسته از

مَرْضَاتِكَ فَإِنِّيْ لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِيْ دَفْعًا وَلَا آمِلُكَ لَهَا

خوشنودیهای خود زیرا که تحقیق من توانا نیستم برای نفس خود دفع کرد و بی امالت نیستم

فَعَا اِلٰهِيْ اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ

نفع آن خدای من منم بنده تو ناتوان گناه کار . . . و منم بنده تو

الْمُسِيْبُ الْمَعِيْبُ فَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنْ صَرَفَتِ عَنَّةٍ وَجَهْلِكَ

مهمی نمانده و پسند پس گردان مرا از آنکه کرد بنده از این رندی خود را

وَحُجَّةِ سَهْوٍ عَنْ عَفْوِكَ اِلٰهِيْ هَبْ لِيْ كَمَالَ لَا يَفْطَعُ

و وضع نموده ای ترا غفلت نشان از عفو تو خدای من بخش مرا کمال برسد

إِلَيْكَ وَأَنْزِلْ أَبْصَارَ قُلُوْبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَيَّ

بسوی تو و روشن گردان دیده ما را به روشنی کن رسیدن آنها بسوی تو نا آنکه

تَحْرِقُ أَبْصَارَ الْقُلُوْبِ حُجْبَ النُّورِ فَتُضِلَّ إِلَى مَعْلَدٍ

که زنده دیده های آن دلهای مجابا نور را پس برسد بسوی قرارگاه

و این از مناجاتهای جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه تشکیل
 و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسب است و از حضرتنا رسول صلی
 علیه السلام نقل است که هر که در مجامع ماه شعبان هجده مرتبه بگوید
 لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه و لا نخلصین له الدین
 نیست او را بر پیش قدمی پرستم که او را در حالتیکه غافل که دانیدم برای او دین را

وَلَوْ كُنَّا الْمُسْرِكُونَ

هر چند ما خشنودانند انبار گیرنده گان

حق تعالی عبادت نمر از ساله در نامه عمل او بنویسد و گناهای او را از او محو کند و
 از قبر بر وی آید بار وی نورانی مانند ماه شعبان چهارده و او را صدیق بنویسند و
 پسندیده مغفول است که از حضرت صادق علیه السلام سوال کردند از فضیلت
 از چه حضرت فرمود چه غافل گردیده اید از روزه شعبان یا وی گفت باین سوره
 جز نوازد و کسیکه بگوید شعبان از روزه دارد گفت الله بهشت ثواب است
 گفت باین سوره الله بهترین عملها در دنیا و چیت فرمود نصیحتی کرد و طلب آفرین
 در آن تکرار که در این ماه نصیحتی بکنند حق تعالی انرا از مرتبت میکند چنانچه یکی از شما شریک
 خود را تربیت کند تا اکره و رقیاست مانند که احد نصیحتش به فضل سیوم
 در میان ائمه فضائل ایام مخصوصه اول ماه است تا ایام بغیر بسند های معتبره نقل
 است از حضرت صادق علیه السلام که هر که روز اول ماه شعبان از روزه دارد
 آن روز را شب که و دانسته و از حضرت امام رضا علیه السلام نقل است استحب

الْحَمْدُ لِلَّهِ دَعَايَ إِلَى الشَّارِعِ عَظِيمٍ مَعْقَابِكَ فَقَدْ دَعَايَ

خدای من اگر بخواند مرا بسوی عقاب بزرگ تو پس تحقیق میخواند مرا

إِلَى الْجَنَّةِ جَرِيلٌ تَوَاتَيْكَ إِلَهِي فَلَاكَ أَسْأَلُ وَإِلَيْكَ

بسوی من است نوائیافر خدای من پس سوال میکنم ترا و بسوی تو

أَسْأَلُ وَأَرْغَبُ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

تغنی نیابم و زجت میکنم و سوال میکنم از تو ایست و صحت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ يَدَيْهِمْ ذَكَرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ

محمد و اینکه بگردانی مرا از آنها که همیشه دارند ذکر ترا و نسکنند پیمان ترا

وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَحِفُّ بِأَمْرِكَ إِلَهِي وَ

و غافل نشوند از سپاس گذاری تو و سبک نشمارند فرمان ترا خدای من و

الْحَقُّ يُوَدِّعُكَ الْكَافِرُ فَاصْبِرْ لِمَا لَكَ عَارِفًا وَعَيْنُ

الحق دوست دارد تو را کافر و صبر کن برای آنچه است بر تو عارف و چشم

سَمِيرٌ مُنِيرٌ فَاصْبِرْ لِمَا لَكَ عَارِفًا وَعَيْنُ

همراه تو نورانی و صبر کن برای آنچه است بر تو عارف و چشم

وَأَلَا كَرَامٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِ

و اگر ایستادند بر محمد و آل او که پاکانند

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و درود فرستاد درود بسیار

مِنْ غَيْرِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ حَتَّى يَدْرِكُوا

بار خداوندان خود پس از ظهور قائم ایشان از غیبت او تا آنکه در میانند

الْأَوْتَارَ وَبَنَاءُ الشَّارِ وَبَرْضُ الْجَبَّارِ وَكَيْفُ السَّوَارِ

خودنار او مطالب کنند خون او خشود سازند خدای غایب او بوده باشند

خَيْرَ انْصَارٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

خیرین بادران رحمت فرستند خدا بر ایشان با آمد و شد شب و روز

اللَّهُمَّ بِحَقِّهِمُ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَأَسْتَسْأَلُ سُؤَالَ الْمُقْتَرِ

بار خدا یا پس بحق ایشان بسوی تو تسلیم میجویم و سوال میکنم تنه سوال

وَمُعْتَرِفٍ مُسْتَعِ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَّقَ بَيْنَ بَعْدِهِ وَآمِنِهِ

و اقرار کننده بد کردار بسوی خود از نقیصه ای که کرده در بین بعد خود و درویش خود

سُبْحَانَكَ الْعِصَّةُ إِلَى حِلِّ مَسْأَلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

که در خواست از تو عصمت را بسوی خواجه ذوق خود بار خدا یا رحمت بفرست بر محمد

وَعَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَحْشَرْنَا فِي زَمَرَتِهِ وَبَعَثْنَا مَعَهُ دَارَ

و آل او و برانگیز ما را در گروه ایشان و همپا گردان بر می ما با او آ

الْكَرَامَةِ وَنَحْلُ الْأَقَامَةِ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْنَا

بزرگش را و بجاگاه در بزرگ را بار خدا یا و چنانکه کرامت ما را

بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرَمْنَا بِزُلْفَاهِ وَأَرْزُقْنَا مَرَاتِقَهُ

چنانکه او پس کرامت ما را به نزدیکی او و روزی کن ما را زوقت او

روز هجدهم روز اول دهه و در میان دهه و ز آخر ماه و از حضرت امیر المومنین
 منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در هر چشتم ماه شعبان نیت
 میکنید آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوند ایام روز و روزه داران این روز را دو
 ایشتر استحاب بگردان روز سیم ماه شعبان و بسیار مبارکست و مؤمنان
 روز ولادت امام حسین صلوات الله علیه است و از حضرت صاحب الامر فرمائی
 بیرون آمد که روز سیم ماه شعبان و ولادت حضرت امام حسین است پس روزه

پدارد و این دعا بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْلُودِ
 خداوند ابد رستگاری من سوال میکنم از تو بحقی آنکه متولد شده در این روز و عدد داده
 بِشَهَادَةِ دَنِيَّةٍ قَبْلَ اسْتِهْلَاكِهِ وَلَا دَنِيَّةَ يَكُنُهُ السَّمَاءُ
 بشهادت خود پیش از استهلال خود و ولادت خدا گنجه است بر او اسپین
 وَمِنْ فِيهَا وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا وَمَا بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ
 و آنکه در آسمانها و زمین و هر چه بر زمین است و حال آنکه حرکت نکرده بود
 قَبْلَ الْعَبْدِ وَسَيِّدِ الْأَسْرِ الْمَدُّودِ بِالنَّصْرِ
 در پیش از آنکه بنده بشود و بزرگ قوم مدد کرده شده بپارسی
 يَوْمَ الْكَرَةِ الْمُعَوِّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ
 و روز رنجت عوض دادده شده از کشته شدن خود و آنیکه پیشوایان از فرزندان
 وَالشُّفَاءُ فِي رَبِّكَ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَانِهِ وَالْأَوْصِيَاءُ
 و شفا در خدایت و پیروزت در شکایت و دوست در وقت بازگشت او با او نصیب

در این مختصر غسل زیادت درین بود که مستحب است کیفیت زیادت بعد ازین
در هر روز آتش اثناء الحمد تعالی و تسبیح طوموسی حمده الحمد ثوابتی نقل کرده است
حضرت امام حسین صلوات الله علیه در پیچر این ماه متولد شده و اکابر حقیق ظاهر و در
در شب چهارم و این را نیز در این روز بعمل آورند خصوصاً زیارت بهر شب
در تسبیح سینه معتبر از حضرت صادق و مهم است که ده است که حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگر چه عارف مشهور
در ماه رجبت کور شده اما بروقی این روایت که روزه در باره و سایر
مال غیر را درین روز بعمل آورند مناسب است فصل چهارم در اعمال ماه
شعبان شعبانست اعی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم در اعمال ماه
که گشت است که در شب سیزدهم و چهاردهم و در شب چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم
در شب سیزدهم گشت بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک
و تعالی قل هو الله احد بخوانند و در نماز سنت سوره یس را که از حفظ نخوانند
در آن می توان خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال
در ماه از آنست که درین سال احصا تو این نمود و گفت اینها هم با آنچه پیشتر
حضرت امیر المومنین و منقول است که حضرت رسول فرمود که چون شخص
در شب سیزدهم یا سیزدهم روز در شش روز ماه را بدین روش گذراند
در آن سال از همه نعمات حق تعالی که آبا استغفار کند و گشت که طلب
کند که با کمال آن او را بسیار بریم آبا کسی است که از ما طلب روزی کند

وَسَيِّقَتَهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَسْلِمُ لِأَمْرِهِ وَكَثِيرُ الصَّلَاةِ

و بیشتر کمرتن بایز و بکثرت دران مارا از انانکه کردن نهند بر اسی همان و بسیار فرستند

عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَاءِهِ وَأَهْلِ أَصْلَابِهِ

بر او نزد ذکر او و بر همه اوصیای او و بر کزیدگان او

الْحَمْدُ وَدِينِ مَنِكَ بِالْعَدَدِ الْأَثْنَى عَشَرَ الْجُزْءِ

کشیده شده اندازد لطف تو بعد از دو آنکه پنجم ستاده

وَالْحَمْدُ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا

و محبت بکنید بر همه آدمیان خداوند بخشش ما را در این

الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ وَالْحَمْدُ لَكَ يَا هِ كُلِّ طَلِبَةٍ كَمَا

روز که بهترین بخشش و بر آور برای ما در این روز سر حاجتی را چنانچه

وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ مُحَمَّدًا حَيًّا وَعَاقِدَ قَطْرِ سُبْحَتِهِ

بخشیدن حسین را محمدی زنده و پیاده گرفت قطر سحر او

فَخْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ جَعْدٍ نَشْرَدُ شَبَّكَو

بس بانه بکیم قبر او از حصر می شویم قبر او را

تَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

انتظار میکنیم رجعت او را بپایان پروردگار جهانیان

بسم الله

السلام عليك يا وارث آدم صفة الله السلام

بر تو باد ای میراث بنده آدم بر کزیده خدا سلام

عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك

بر تو باد ای میراث بنده نوح پسر خدا سلام بر تو

يا وارث ابراهيم خليل الله السلام عليك يا وارث

ای میراث بنده ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث

موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى

موسی سم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی

روح الله السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله

روح الله سلام بر تو ای وارث محمد حبیب دوست خدا

السلام عليك يا وارث امير المؤمنين ولى الله

سلام بر تو ای وارث شاه گروندگان دوست خدا

السلام عليك يا بن محمد المصطفى السلام عليك

سلام بر تو ای پسر محمد برگزیده سلام بر تو

يا بن علي المرتضى السلام عليك يا بن فاطمة

ای پسر علی پسندیده سلام بر تو ای پسر فاطمه

عليه السلام عليك يا بن خديجة الكبرى

سلام بر تو ای پسر خدیجه کبری

و ماروری بطور اخراج گردانیم و غسل در این شب سنت است و از حضرت صادق
 منقول است که روزه بدارید ماه شعبان و در شب نیمه آن غسل کنید که با تحقیق
 کنایان شما باغد و رحمت الهی شمارا دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت
 امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است
 که هر که خواهد با او مصافحه کند روح صد و سبست و چهار هزار پیرسز یابد
 حضرت امام حسین علیه السلام را در شب نصف ماه شعبان زیارت کند ملائکه و معجزان
 درین شب از خدا رحمت بطلبند که زیارت آنحضرت بیایند و رحمت میداد
 پس خوشحال یکدیگر این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله این تسبیح
 اولو العزم نوح و ابراهیم موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مستحب
 اند مشرق و مغرب بین و میان و آدمیان و از حضرت صادق منقول است
 که در شب نیمه شعبان می امروند جمیع کنایان کسی که زیارت آنحضرت کند در آن
 و اقل زیارت آنحضرت نیست که با هم بالصبح ده درآید و بجانب است آسمان
 و بجانب چپ پا لایحه نظر کند پس بگشت اشاره بجانب راست بکند و بگوید
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 درود باد بر تو ای ابا عبد الله درود باد بر تو
 يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 ای بنو رسول خدا درود بر تو باد و رحمت خدا و بركاتش
 و اگر یکی از زیارت مسموعه را بجز این که در تهرست از جمله اینهاست

بسم الله

الَّذِينَ وَآرَكَانَ الْمُؤْمِنِينَ وَاشْهَدُوا أَنَّكَ الْإِمَامُ

این درکنای از دزدگان و کواهی سیدیم اینکه حقین نبوتی

الْبَرِّ التَّقِيِّ الرَّضِيِّ النَّكِسِ الْهَادِي الْمَهْدِي وَاشْهَدُوا

اینکه کار پرستار بندگان پاک رهنمای راه یافت و کواهی سیدیم

أَنَّ الْإِمَامَةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى

که حقین نبوتی این از فرزنده تو کلمه پرستکاری و نشانهای هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَاشْهَدُوا

و است آویز محکم و حجت اند بر اهل دنیا و کواهی سیدیم

اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآءُهُ وَرُسُلُهُ أَنِّي بَكُمْ مُؤْمِنٌ

خدا و فرشتگان او را و پیمبران او را و رسولان او را آنکه من بشما معتقدم

وَبِأَيَّامِكُمْ مُؤْتِي رَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَلَى وَقَلْبِي

و بر حسب شما یقین دارم بسنن و ادب این خود و آخرتای که در خود دول من

لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ وَأَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ

دول شما ابراست و امر من امر شما را پیروی کننده رحمت خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَمْرٍ وَأَحْكَمُ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ

و بر نفوس شما و بر بدنهای شما و بر تنهای شما

وَعَلَى سَائِرِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ

و بر حاضر شما و بر نهان شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَارَ اللَّهِ وَابْنَ شَارِبِهِ وَالْوَلَدَ الْمَوْجُودَ

سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا و ای خون صاحب خون

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَفْتَحْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ

گواهی میدهم اینکه تحقیق تو بر پا داشتی نماز را و عطا فرمودی زکوة را

وَأَقْرَبْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَطَعْتَ

و امر فرمودی به هر نیکی و منع نمودی از هر بدی و فرمان برداری

اللَّهُ وَرَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْبَقِيرُ وَفَلَعَزَّ اللَّهُ أُمَّةً قَلِيلًا

نمودی خدا و رسول او را تا آنکه آمد ترا موت پس دور کند خدا از رحمت خود کمالاتی

وَلَعَزَّ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ وَلَعَزَّ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ

و دور کند خدا از رحمت خود کمالاتی کهستم گردند بر تو و دور کند خدا از رحمت خود کمالاتی که شنیدند از آنرا

وَصَيْتَ بِهِ يَامَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ

پس شنود بشنود بنان ای آقای من ای ابو عبدالله گواهی میدهم اینکه تحقیق

كُنْتَ نَوَّافِي الْأَصْلَابِ لَشَاخِخَةٍ وَالْأَرْحَامِ الْمَطَهَّةِ

تو بودی نور در صلبهای بار خفت و در جمهای پاک

لَمْ تُجِمْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِالْأَخْسَاءِ وَلَمْ تُلَيْسْكَ مِنْ

نخس کرده خدا به جاهلیت نجاستهای خود و نه پوشیده از

مُدَاهِمَاتِ يَتَابِعِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَايِهِمْ

جابهایی نبرد خود و گواهی میدهم اینکه تحقیق تو از ستونهای

بِسْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ

این خدا سلام بر شما ای یاوران رسول خدا سلام

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أُمِّهِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

بر شما ای یاوران امیر المؤمنین سلام بر شما ای

أَنْصَارَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

یاوران فاطمه زهرا بزرگ روی جهان

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

سلام بر شما ای یاوران ابی محمد حسن بن علی

الرَّكِيِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ

بنی ناصح سلام بر شما ای یاوران ابی عبد

اللَّهِ بَاقِي أَنْتُمْ وَأُمِّي طَيْبَتُمْ وَطَابَتْ أَرْضُ الْيَمِينِ يَا

ای خداوند باقی شما و مادر من پاک شد زمین راست من ای

دِينَكُمْ وَفَرَزْتُمْ فَوْزًا عَظِيمًا فَيَا يَتَتَى كُنْتُ مَعَكُمْ

دین من شد به در کنار شما و شما را پیوستم پس ای یار من

فَا فَوْزٌ مَعَكُمْ جَبَرٌ

پس رشک آورنده ام باشا

در روز دهم شهر رجب در سیم و پنجم ماه شعبان شبهای مبارک رمضان

در یکشنبه چهارم آنحضرت سحر است بهین طریق زیارت آنحضرت

پس در گنجت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت کند نیز خوبست
 اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی ابن الحسین شهید علیه السلام بگوید
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
 سَلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند
 نَبِيِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ
 بر تو ای فرزند امیر المؤمنین سلام بر تو ای فرزند
 عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
 سَلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام بر تو ای
 الشَّهِيدِ يَا ابْنَ الشَّهِيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمَظْلُومِ
 شهید و به شهید سلام بر تو ای ستم‌رسیده
 يَا ابْنَ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
 و به ستم‌رسیده لعنت کند خدا اگر و بهی اگر کشند ترا و لعنت کند خدا اگر
 ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ وَصَدَّتْ بِهِ
 که ستم کرد و ندانند و لعنت کند خدا اگر و بهی اگر شنیدند آنرا پس خشنودند به سبب آن

پس قصد زیارت سایر شهدا را هم بگوید

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّاءَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ
 سلام بر شما ای یاوران خدا و دوستان و دوستان و دوستان
 يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدَادَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ
 ای برگزیده‌گان خدا و دوست‌داران و سلام بر شما ای یاوران

سَيَفُكُ اللَّهُ الَّذِي لَا يَنْبُو نُورُهُ الَّذِي لَا يَجْبُو وَذُو
شعیر خداست که سر نکند نمک دود در و ششانی دوست که ساکن مکر و ذلت
الْحَلَمُ الَّذِي لَا يَصْبُو مَدَارَ الْبَدْرِ وَتَوَاقُمُ الْعَصْرِ
فصل است که میل نمکند بجهل مدار زمانه و صاحب سراج عصر
وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَمَا يَنْزِلُ بِهِ
و صاحبان فرمان و زمانه فرد فرستاده اند که بر ایشان ذکر و آنچه فرود می آید در
لِكَلْفَةِ الْقَدْرِ وَاصْطَابُ الْخَشْيَةِ وَالشَّيْخِ زَاجِعٌ وَجْهِهِ
شب قدر و یاران زنده کردن و بر زمینین بیان کنندگان و می آید
وَوَلَاةُ أَمْرٍ وَنَهْيِهِ أَلْهَمُ فَصَّلَ عَلَى خَائِلِهِمْ وَقَلَمِهِمْ
و وایان امر او و نهی اویند بار خدا یا پس رحمت بفرست بر آفرایشان و قلم ایشان
السُّبُورِ عَمَّا يَلِيهِمْ وَأَذْرَكَ بَيْنَا أَبَا مَهْ وَظُهُورَهُ وَ
که بهائت زد عالمهای ایشان و برسان مارا بر ذر کار دولت او و ظاهر رسید او
وَيَا مَهْ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاقْرِنْ تَارَنَا بِشَارِهِ وَ
بر آید او و بگردان مارا از باوران او و خیم کن خون مارا بخون او
وَاكْتَسَبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَّا فِيهِ وَاجْتَنَبْنَا فِي دُونِهِ
و بهائش مارا در تره به رکنندگان و خالصان او و زده گردان مارا از دستان دونه
وَأَعَيْنَ وَبُصْبِنَهُ غَرَامُنَ وَبِحَقِّهِ قَاتِلِينَ وَمَنْ الشُّوْ
و آید از دستان و بصمت او غنیمت گیرندگان و حق او را بر بار دکان از بهر بیجا

میتوان کرد و زیارات بسوخته و مخصوصه اور کتاب نوحه الزائر ذکر کرده اند که
خواهد بان کتاب جوع نماید و از جمله برکات این شب است که دلاوت و
السعادت و غیره حاصل شود و الله اعلم
درین شب سینه عار را بخوانند که بنزد زیارت است

اللهم لیکننا هدیه و مولودها و حججک و مؤمنها
بار خدایا این شب ما این شب و بخت سوره شده از ان و بخت حجت تو و وعده داده شده

اللی قرئت الی فضلها فضلا قممت کلینک صدقا
ان چنانکه ساجدی بهی فضل او فضل بزرگ پس تمام شد کلماتی تو از روی استی

وعدلا لامبدک لکلماتک ولا معقب لا یانک
و اوصاف نیست بدل کننده مر کلماتی ترا و نه باز پس دارنده مرث نهائی ترا

نورک المسالک و ضیاءک المشرق و العلم النور
و آن نور زنده است و روشنای روشن است و آن که روشن است

فی الحساء الذی یجوز العناک المستور جل مولیه و
در شب تیره از آنجا که است پوشیده از نظر های بزرگت دلاوت او و

کریم محیده و الملائک کنه شهید و الله ناصر
که ای هست اصل او و در شمعان حاضران او بند خدا ایا در وقت

و مؤید اذ ان میعاد و الملائکة آمدا و
او است سرگاه و بخت شود زمان وعده ظهور او و در شمعان بدو کننده گاه و بخت

سَلَامِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلامت یابندگان ای بخشنده ترین بخشنندگان و سپاس از خدا بر آنکه پروردگار جهانیان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى

و بر خسته خدای محمد آخر پیغمبران و فرستادگان و بر

أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَغَيْرِهِ السَّاطِقِينَ وَالْعَرَفَ

خاندان او که راست گویند و خویشان او که سخن گویند بخشن و لغت کن

جَمِيعِ الظَّالِمِينَ وَاحْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَهْلَ الْكِبَرِيَّةِ

بر سر بزرگانان ای حکم کن میان ما و میان ایشان ای بزرگان حکم کننده زمین و آسمان

و زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین عمامه او شب نیمه

شبگان نزد خود جمع میکرد و شب اسه حصه میکرد و در ثلث اول نماز میکرد و در

ثلث دوم دعا میکرد و ما این میگفتیم بره عای او و ثلث آخر استغفار و طلب

آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب

نمازهای این شب بسیار است از جمله آنکه چهار رکعت است هر دو رکعت بیک

سلام و یکی آخر از اصحاب حضرت صادق روایت کرده اند و در هر رکعت

از حمد صد مرتبه سوره قل سواد بخواند و بعد از آن از این دعا بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَقِيرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ وَأَبْكَ مُحْسِنٌ

خدایا من از تو شکایت میکنم از فقر و از عذاب تو میترسم و از رحمت تو امیدوارم

رَبِّ لَا تُبَدِّلْ إِلَهِي وَلَا تَغَيِّرْ حَسْبِي رَبِّ لَا تُخَيِّدْ بِلَاغِي

پروردگارا من را از پروردگاری من مگردان و پروردگارا من را از پروردگاری من مگردان

الحمد لله و صد مرتبه الله اكبر و صد مرتبه لا اله الا الله كه بويه حضرت عالي كنان كنند
اورا بيا مرزد و حاجتهاي دنيا و آخرت اورا برآورده و خواه طلب نمايد و خواهد نمايد
و اي بسيد كه بهترين دعا ها درين شب كه ام است فرمود كه بعد از نماز حضرت
نكست نماز كن و در ركعت اول بعد از حمد سوره قل يا ايها الكافرون و در ركعت دوم
سوره قل و قل هو الله احد بخوان بعد از سلام سعي سه مرتبه سبحان الله و سعي سه مرتبه
الحمد لله و سعي چهار مرتبه الله اكبر كه بويه و اگر ترتيب تسبيح حضرت فاطمه زهرا را بخواند
الله عليها بخواند طهارت را خوب باشد پس اين دعا بخوان

اَمْرًا لِيَهْ مَجْلًا الْعِبَادِي الْمُرْتَمَاتِ وَالْيَهْ يَقْرَعُ الْخَلْقِ
و اي كه بسوي دست چاه و بدن بنده كان در كار طاعت و بسوي او كه شفا بخايد از بيماري

الْمُرْتَمَاتِ يَا عَالَمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
و اي كه بسوي و ناي شكار و نايها اي كه جهان است شقيق
يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ وَتَصْرِفُ الْخَطَرَاتِ يَا رَبَّ الْخَلْقِ
و اي كه بسوي و ناي و سر و دشمن و خيالات اي پروردگار خلقت

اَلرَّيَاتِ يَا مَرْيَمُ مَلَكُوتُ الْاَرْضَيْنِ وَالسَّمَوَاتِ
و اي كه بسوي و ناي و سر و دشمن و خيالات اي پروردگار خلقت

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَمْسِكْ إِلَيْكَ يَدَا إِلَهَ الْاَلَمِ
و اي كه بسوي و ناي و سر و دشمن و خيالات اي پروردگار خلقت

و اي كه بسوي و ناي و سر و دشمن و خيالات اي پروردگار خلقت

مِنْ سَلَمٍ فَنِعْمَ وَقَارَ قَعِيمٍ وَكَفَنِي تَحْتَهَا اسْتَلَقْتُ
از آنکه سلامتی نیتند پس مرده شده و فری نیتند پس غنیمت گرفته و دفع کن از من این پند

أَعِزَّنِي مِنَ الْأَزْدِ يَا دِي فِي مَعْصِيَتِكَ وَحَبِّ سَلَاكِ
گاه دارم از زباده دنی نمودن در نافرمانی تو دوست کردن بسوی

طَاعَتِكَ وَمَا يُعْرِيبُنِي مِنْكَ وَمِنْ لَفْنِي عِنْدَكَ
فرمان برداری خود و آنچه را که نزد یک کردار مراست و نزد یک نماید مرا نزد تو

سَيِّدُكَ إِلَيْكَ مَلِجًا الْهَارِبَ مِنْكَ مُلْتَمِسًا الطَّاعَةَ
ای آقای من بسوی نیت پناه آوردن گریخته و از تو در تقاضای نیت

وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوَّلُ الْمُسْتَغِيثُ الْكَاتِبُ مَا دَبَّ عَيْنَا
و بر کرمی تو اعتماد میکند طلب عفو نماید و رجوع کننده ادب از تو می آید

بِالْكَلَمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَمَرْتُ بِالْعَفْوِ
بزرگواری و تو بزرگواری ترین بزرگوارانی و فرمان داد بدو گذشتن

عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْ
بندهگان خود را و تویی بجا نیت آمرزنده مهربان بخدا ایاه پس محروم مکن مرا

مَا رَجَوْتُ مِنْكَ كَرَمًا وَلَا تَوَلَّيْتُ مِنْ سَكِينٍ
از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و ناله امید کن مرا از نیتهای کامل

تَعْلِيكِ وَلَا تَحْبِسْنِي مِنْ جَزَلِ قَسِيكِ فِي هَذِهِ الْبَيْلَةِ
خدا و بی بهره مکن مرا از نیتهای دافره خود که تقدیر کرده درین شب

۱۰۷
إِلَيْهِ قَرِحْتُهُ وَسَمِعْتُ دُعَاءَهُ فَاجْتَبَهُ وَعَلَيْتُ اسْتِغْفَارَهُ

بسوی او پس رحم کردی و او را شنیدی و دعای او را پس اجابت کردی و او را غفر کردی و من استغفار

فَأَقْلَبْتُهُ وَجْهًا وَزَيْتٌ عَنْ سَائِلٍ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمٌ

از من برگردانیدی و چنانچه از سائل گناهش بزرگ و عظیم

جَزِيرَةٌ فَقَدْ اسْتَجَبْتُ لَكَ مِنْ دُئُوبِي وَجَاءَتْ إِلَيْكَ

سعی او پس تقصیر من را از گناهان خود رسا آورد و من

فِي سِتْرِ عَمُوبِي أَللَّهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ يَكْرَمِيكَ وَفَضْلِكَ وَ

در پست پنداری من از تو ای خداوند که بزرگواری و فضل خود را

أَحْطُ خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ وَتَعَدُّنِي فِي مَنَافِعِكَ

فردا پر گناهان مرا بر بردباری خود در گشتن خود و بهر شان مرا در من

إِلَيْكَ بِسَائِلٍ كَرَامَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَاكَ

شب بپای رس کرامت خود و بگردان مرا در این شب از دوستان خود

الَّذِينَ احْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ

که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را از برای عبادت خود

وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتِكَ وَصَفْوَتِكَ أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ

و گردانیدی ایشان را از خالصت خود و برگزیده خود بار خدایا بگردان مرا از آنان که

سَعِيدًا جَدًّا وَتَوْفِيرًا مِنَ الْخُسْرَاءِ حَظَّهُ وَاجْعَلْنِي

نیکو شانس و بخت دار و دافعه از زیانها بگردان اینان و بگردان مرا

اَسْتَعْدَّ لِيَسْأَلَ بِتَعْمَاتِكَ فَقَدْ لَدْتُ بِحَرَمِكَ وَلَعَنَ صَدْرِي
بِجَهَنَّمَ شَوْمٌ بَعْدَ هَآءِ كَلِمَةٍ نَوْبِ تَحْقِيقِ نِيَاهِ اَوْرَدُوهُم بِجَهَنَّمَ وَفَرَّغُوا اَمَامَهُم

يَكْرَمُكَ وَاسْتَعَدَّتْ بِعَفْوِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ وَفِيهَا
بزرگوارى ترا و نپناه سلا جرمم عفو تو از عفتب تو وار بردارى تو

مِنْ عَصِيَّتِكَ فَجَدُّ لِي بِمَا سَأَلْتُكَ وَانِلْ مَا اَلْتَمَسْتُ
از عصب تو پس بخش مرا آنچه سوال كردم تو و عطا كن آنچه درخواست كردم

مِنْكَ اَسْأَلُكَ يَا كَلِشَى اعْظَمُ مِنْكَ
از تو بخواهم از تو بخواهم بزرگتر از تو بزرگتر از تو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا رَبِّ بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اى پروردگار اى خدا

وَلَا تُقَالُ لَكَ بِاللَّهِ مَغْفِرَةٌ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
و نه تواناى مگر بوفتن خدا هر چه خدا خواهد بى خود نه تواناى مگر بوفتن خدا

وَهُوَ مَرْتَبَةُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَهُوَ مَرْتَبَةُ بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و نه تواناى مگر بوفتن خدا و نه تواناى مگر بوفتن خدا

اِنْ خَرَجْتُ مِنْ حَاجَتِ خُودِ رَا اَزْ خُدا بَطْلِبُ بِمَجْدِ اَسْوَ كُنْهٍ كِهْ اَكْرَعُ بَدِ وَ نَطْرَاتِ اِيْنَ
اگر خارج شوم از حاجت خود را از خدا بطلبم بجهت اسو كنه كه اگر عجز و نظرات اين

وَلَا تُقَالُ لَكَ بِاللَّهِ مَغْفِرَةٌ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
و نه تواناى مگر بوفتن خدا و نه تواناى مگر بوفتن خدا

لَا هَيْلَ طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِي جَنَّةٍ مِنْ شَرِّ بَرِيَّتِكَ

برای اهل طاعت خود و بگردان مرا در جنة از بدان جنس خود

رَبِّ اِنَّ لَمْ أَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذَلِكْ فَانْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ

برود و کار من اگر نبوده باشم از اهل آن پس ای خدا مرا در بخشش

وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ يَا اَنْتَ اَهْلُهُ لَا يَمُنُّ

و در گشتن و آمرزش و بخشش که بر من با کجاست تو سرور آتی نه با کس

اَسْخِطُكَ فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ

من سرور دارم پس حق بگوست که من توانست امید من مرا

وَعَلَيْتَ نَفْسِي بِكَرَمِكَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ

دوستان و بخت من به بزرگواری تو و تو بخشنده ترین بخشنندگان

اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَدِّكَ

بزرگوار ترین بزرگواران یا خدا و مخصوص گردان مرا از کرم خود

فِيْمَكَ وَاَعِزَّنِي بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاَعْفُ عَنِّي

قسمت های خود و پناه ده مرا بعهود خود از عقوبت خود و بیازیز برای من

الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَنِّي الْخُلُقَ وَبَصِيْبُ عَلَى الرَّحْمٰنِ

گناه را که باز می دارد از من خلق را و تشنگ میکند بر من زور می

حَتَّى اَقُوْمَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَاَنْعَمَ بِجَبْرِ عَطَائِكَ

تا آنکه بر پا دارم شایسته خشنود می و انعم کنم بر بسیاری عطای تو

وَمَعْرِفَتِكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

و احسان خود ای پروردگار جهانیان - دور و گمراه خدا رحمت
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَلِلَّهِ الظَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ

خاتم نبیان را و برای او که پدید آید - دور و گمراه خدا رحمت
عَنْهُمْ إِلَى جَنَّاتٍ وَظَاهَرَهُمْ تَقْطِيعُهَا وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا إِنَّ

از ایشان به جنان و ظاهر نمود قطع آنرا و سلام تسلیم را این
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَادَعُونَا كَمَا أَمَرْنَا فَاسْتَجَبَ

الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب
الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب

الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب
الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب

الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب
الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب

الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب
الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب

الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب
الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب

الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب
الحمد لله الذي بآذعونا كما أمرنا فاستجب

الْقَاصِدُونَ وَأَمَلْ فَضْلَكَ وَمَعْرِوْفَكَ الظَّالِمُونَ

فقد کنندگان و آرزو نمودن و فضل ترا و احسان ترا سوال کنندگان

وَلَكَ فِي هَذَا الْكَيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزٌ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبٌ

و در تراست در این شب عطیه ها و صلوات و عطاها و بخشش

تَمَنِّي بِهَا عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمَنِّي بِهَا مِنْ

گرفتن بخواهی از آنهایی که میخواهی از بندگان خود و باز میداری آنها را از آنکه

لَمْ يَسْبِقْ لَهُ الْغَنَاءُ مِنْكَ وَهَا أَنَا ذَا عَبْدٍ

پیشتر نرفته ادرا غنایت از تو و اینک من مدد حقیر تو ام

الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْمُوَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرِوْفَكَ

محتاج ام فصولی تو امید دارم فضل ترا و احسان ترا

فَإِنْ كُنْتَ يَا مُوَلَّيْ تَفَضَّلْتَ فِي هَذَا الْكَيْلِ

پس اگر بودی با منی ای آقا منی که بخشش نموده باشی در این شب

عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْفِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ

بر یکی از خلف خود و نفع رسانیده باشی بر او بعضی از

عَطْفِكَ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ

مهربانی خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان

الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجِدْ عَلَى بَطْنِكَ

پاکیزگان بخیران زیادتیا پاکان و بخش کن بر من با نام خود

کنند کان این مایه را با وعطا کنند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس احیا
کنند این شب را می محمد و امیر کن است خود را اگر اچا کنیزم او را و تعزب جویند پس
خدا عبادت آن بدست یکد این شبی است بسیار شریف با محمد مرچن نرزد نوی
جمع ملائکه آسمانها پای خود را صیف کرده بودند و نرزد خدا عبادت ششگون
و بعضی پیاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجود و بعضی مشغول
از نرزد غامد بعضی تنگید و بعضی تسبیح و بعضی استغفار با محمد به دست یکد حق
در این شب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و می آمرزد در مومنی اگر بنام
تسبیح تسبیح مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یا در خدا باشد
و این شب است که هر که دعا کند البته دعایش مستجابی شود و هر که سوال کند
از خداوند خود را و هر که استغفار کند آمرزیده شود و هر که توبه کند توبه
شود و هر که در این شب محروم کسی است که از غیر این شب محروم کرد و از حضرت
پسین جعفر نسبت کرد که در شب غیر شعبان صد رکعت نماز کند یا هزار
مرتب پیوره قل هو الله یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند غیر دل او در و یک
و اما این شب مرد باشد و نمیرد اما اگر صد رکعت یا صد رکعت که او را این شب
نماز است الهی می نغز ایشان است رت دهند او را بهشت استی نغز از آنها
نماید دنیا او را از شر شیطان گناه سپید بشتند و سی نغز از آنها بشتند
در شب روز برای او استغفار میکنند در ساعت شب روز و در نظر
خداوند بگرداند او را از شر دشمنان مشغول است که حضرت رسول صلی الله

[illegible]

وکیل کیل بن یار که از خواص اصحاب حضرت امیر المومنین است بهترین عالم
 و ار دعا های این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواندن با ترجمه در اینجا
 ایراد مینمایم که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا حایده هوش غافل شود
 و از پیش عظمت باشد بدانکه سید جلیل البرکات و حسن در کتاب اقبال روایت کرده است
 که کیل بن یار گفت روزی بابولای خود حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه را
 نشسته بودم شب نیمه شعبان بدو گور شد حضرت فرمود که سر بنده که این شب احیا
 کرد و دعا خواند علیه السلام بخواند البته دعا می و استجاب کرد و چون حضرت بنهر لایح
 در شب خدمت او رفتم چون مراد دید پرسید که بچه کار آورده ای کیل گفتم امیر المومنین
 علیه السلام را دعا خواندم و فرمود که بشنای کیل چون این دعا را حفظ نمایی در
 هر ماه یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه یا در عمری یک مرتبه بخوان تا کفایت تو را
 بشود چیزی کرده شوی روزی اوده سوختی و البته آفرین شوی کیل
 خدمت تو موجب آن شد که ترا بچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرفراز گردانم

این گفت بولیس دعا را تلقین می نمود و دعای است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا ای بخشنده و مهربان

اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الْكُبْرَى وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ
 اَسْأَلُكَ الْكِبْرِيَا وَتَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ

من بزرگواریت را می طلبم که بزرگتر از هر چیزی است و آن را خوار گردانیدی و هر چیزی را در برابرش خوار گردانیدی

نکته

الدُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ

الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَنْبِئُ

بِالْكَرَامَةِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ ذَنْبُهُ وَكُلُّ

خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِدُرِّكَ

وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ لِي نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِحُجَّتِكَ أَنْ

تُدْخِلَنِي فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْ تَوْفِقَنِي شُكْرَكَ وَأَنْ

تُكَلِّمَنِي ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ

مُتَذَلِّلٍ خَائِعٍ أَسْتَغْفِرُكَ وَتَرْجُمُنِي وَتَجْعَلُنِي بِفَضْلِكَ

رَاضِيًا قَانِعًا فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا لِلْهُمَمِ وَ

مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ

شَيْءٌ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبَجَرْتُكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ

چیز و خوار و ذلیل شده هست برای آن هر چه بجز خودت و بزرگواری که غالب گردیده هست

شَيْءٌ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعِظَمِكَ الَّتِي لَا

چیزی را و بجز خودت که نمی ایستند و بزرگواری که عظمتش را هیچ چیز

كُلُّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ

بر هر چیزی را و بپادشاهی که بر هر چیزی را و بر روی تو

الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِاسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ

که باقی است بعد از فنا شدن هر چه را و بپادشاهی که پر از اسمهاست

كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي احاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ

بر هر چیزی را و بپادشاهی که پر از اسمهاست و بپادشاهی که پر از اسمهاست

الَّذِي اِضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا اَوَّلُ الْاَوَّلِينَ

که روشن شد به او هر چه را ای نور ای پاک ای سرآغاز همه

وَيَا اٰخِرَ الْاٰخِرِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي بَعَثْتَ

ای سرآغاز همه ای خداوند بیا فرز برای من که گناهانی را که تو در دنیا

اَلْعِصْمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ

عصمت را خداوند بیا فرز برای من که گناهانی را که تو در دنیا و در آخرت

اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي تُعَيِّنُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي

بیا فرز برای من که گناهانی را که تو تعیین کنی برای من که گناهانی را که تو تعیین کنی

فَادِجْ مِنْ بَلَاءٍ أَقْلَنَهُ وَكَمْ مِنْ عَشَارٍ وَقِينَهُ وَكَمْ مِنْ

سبید کردن آن از بلا که زایل کردی آنرا و چه بسیار لغزشها که نگاه داشتی از آن وجه

مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ شَيْءٍ جَمِيلٍ كَسَتْ أَهْلَاكَ

سبید ناخوشی که دفع کردی آنرا و چه بسیار شای نیکی که من خودم سینه دار آن

نَشْرَتَهُ اللَّهُمَّ عَظْمُ بِلَائِي وَافْرَاطِي سَوْحَالِي وَقَصْرَتِي

پس کردی آنرا خداوند بزرگ شده است بلاهای من و از حد گذشته است بی حال من و ناتوانی

بِأَعْمَالِي وَقَعَدْتَنِي أَغْلَابِي وَحَسْبَنِي عَنْ نَفْعِي نَعْمَةٍ

از جانب من کردی من و عاجز گردانیدی مرا از غلبه ای من و تسبیح کرده است مرا از نفع خود

أَمَالِي وَخَلَعْتَنِي الدُّنْيَا بَغْزُورِهَا وَنَفْسِي خِيَانَتِهَا وَ

آرزوهای من و باری داده است مرا دنیا بفریب خود و بدست نفس من خیانت خود

مَطْلَبِي يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَ عَيْتَكَ

در تقاضای من ای خدای من پس خواه ایستگم از تو بفرمت تو که شیخ نکند از من

دَعَائِي سَوْءَ عَمَلِي وَفِعَالِي وَلَا تَفْضَحْ خَفِيِّ مَا أَظْلَعْتُ

دعای مرا بدی عمل من و کردار من و سوا بکن مرا به پنهان آنچه مطایع شده

عَلَيْهِ مِنْ شَرِّهِ وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ

بر آن از شر من و زود مگیر مرا ب عقوبت بر آنچه کرده ام آنرا

فِي خُلُوعَاتِي مِنْ سَوْءِ فِعْلِي وَإِسَاءَاتِي وَدَبَابِ تَقْرِيبِي

در خلعیه های خود از بدی کردار خود و گناه خود و دایم بودن ب تقصیر خود

أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسْتَدَّتْ قَافِلُهُ وَأَمْرَلِكَ عِنْدَ

سوال كنم از تو سوالی که بجز تو نیست نه فرو و نه بر او و نه است و نه بر او

السَّكَايَةِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اللَّهُمَّ

نیکیها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تو از تو ایها حق تعالی

عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَامُ مَكَانِكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ

بزرگست پادشاهی تو و بزرگست مکان و نه رفت تو و پنهان است مکر تو و ظهور

أَمْرُكَ وَعَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يَمْلِكُ

امر تو و غالب است قهر تو و جاریست قدرت تو و ممکن نیست

الْفِرَارُ مِنْ حُكُومِكَ اللَّهُمَّ لَا أَحْدَ لِي دُونِي غَافِرًا

گریختن از حکومت تو بار خدایا نمی یابم برای کسان خود امروزه

وَلَا لِقَبَائِلِي سَاتِرًا وَلَا لَشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ

و نه برای قبیله های خود پوشنده و نه برای چیزی از عمل من بد با حسن

مُبْدِيَا غَيْرِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ

بدل کننده غیر تو نیست خدای یزد تو بسا که یاد میکنم ترا و بجز تو شکوه کنم ترا

نَفْسِي وَتَجَرَّاتُ بِيحُولِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمٍ ذَكَرْتُكَ فِي

نفس خود را و بسیار چرخانده ام بناد او و اعتماد کردم بر آنکه چون بگویم یاد میکنم ترا

وَمِنَّا عَلَى النَّهْمِ مَوْلَايَ كَمِنْ قَبِيحٍ سَبْرَتُهُ وَكَمِنْ

و از احمال کردی بر من حد و مرای ای آفرینی من چه بسیار قبیح که پشیمانم از آنرا

لَحْمُكَ وَبِلَاؤُكَ وَقَدْ اسْتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

مگر تو را استخوان تو را تحقیق آمده ام بزد تو ای خدا ای من بعد از تقصیر خود

وَأَسْتَرَانِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا أَنَا دَا مَنَكِيسًا مُسْتَقِيلًا

و بسیار خوار رسانیده بر نفس خود عذر خواهم بپنهان کننده خواهان عفو

مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مِمَّا مَذْنَعْنَا مَعْنِي فَالَا أَجِدُ مَقَرًا

طلب کننده و افرشش تو به کننده اقرار کننده تقصیر کند و اعتراف کند و توبه بیاورم گریه

بِمَا كَانَتْ مِنِّي وَلَا مَقَرًا أَتَوْحَاهُ إِلَيْكَ فِي أَمْرِ عَمَلٍ

تو را آنچه صادر شده از من و نه نیایی که رو کنم بسوی آن در کار خود

قَبُولِكَ مُدْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ مَرْحَمَتِكَ

قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا در رحمت خود

أَلَمْ تَرَ أَنَا قَبْلَ هَذِهِ وَأَرْحَمُ شَيْئًا ضَرَرِي وَهَلْ كُنْتُ

آیا ندیدی من پیش از این و در رحم کن شدت به حال مرا و اگر کن

مِنْ شِدَّةٍ وَثَاقِي يَا رَبِّ أَرْحَمُ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ

از شدت پیچش من ای پروردگار من رحم کن ضعف بدن مرا و رقت

جِلْدِي وَرِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَزَوُّجِي

پوست مرا و رقت استخوان مرا ای آن کسی که ابتدا کردی خلق من و یاد کردی مرا و ازدواج مرا

وَبَنِي وَبَعْدِي هَبْنِي لِشِدَاكَ كَرَمِكَ وَسَالِفِ

و بچه مرا و بعد از مرا بخشش مرا برای ایبت که درم خود و برای پیش

وَجَهَانِي وَكَشَرْتُ شَهَوَاتِي وَغَفَلْتُ وَكُنْتُ أَلَمُ بِغَيْرِكَ

و نادانی خود و سیدی شهوتهای خود و غفلت خود و بانش خداوند را بفرست خود

لِي فِي الْأَحْوََالِ كُلِّهَا رَوَّافًا وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَظُمًا

برای من در احوال من هر گاه هم کننده و بر من امور همه امور عظمی

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ كَسَلْتُ كَشَفْتُ ضَرْبِي

ای خداوند من و پروردگار من کیست مرا غیر تو که از دست تو کنم کشودن بد حال خود را

وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِ إِيَّاهِ وَمَوْلَايَ أَجْرِي عَلَىٰ حُكْمًا

و نظر کردن در کار خود را ای خداوند من و آقای من جاری ساختن بر من حکم را

أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَايَ نَفْسِي وَلَمْ أَخْزِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ

پس پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه داری نکردم در آن از تزیین

عَدُوِّي فَغَرَبْتُ بِمَا أَهْوَىٰ وَاسْعَدْتُ عَلَىٰ ذَلِكَ الْقَضَا

دشمن خود پس غریب و دور ماندم با آنچه خواستم و یاری او که در آن امر قضا

فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَىٰ عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ

پس در گذشتم با آنچه جاری شد بر من از قضا بپارده از حدهای ترا

وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ فَلَا أَلْحَدُ عَلَىٰ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

و مخالفت کردم بپارده امرهای ترا پس برای تو حید لازم است بر من در جمیع این کارها

وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَىٰ عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَالزَّمَنِي

و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در آن قضا می تو و در آنکه که در آن

۶۰

لَسْتُ أَطَقْتُ بِتَوْجِيدِكَ صَادِقَةً وَشُكْرَكَ

که می‌باشد اند بجای تو راست گویند و بشکر تو

حَقَّ وَعَلَى قُلُوبٍ عَزَّتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً وَ

حق گویند و بر دلها که اعراف کرده اند بخدای تو از روی یقین

أَكْبَرُ حَقِّكَ مِنَ الْعِلْمِ حَقِّ صَارَتْ خَاشِعَةً

بزرگتر از علم که خاشع گردیده اند از دانایی تو تا آنکه گردیده اند بشروع

الْحَوَارِ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِفَةٌ

پیروانی چون سحر کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطریق مشیت

لِاسْتِغْفَارِكَ مُذْنِعَةً مَا هَكَذَا الظَّر

برای درخواست آمرزش تو از روی اذعان نیست چنین گمان

لَا أَخِيْرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَءِيفُ

ما را نیز نماند از افضالت تو از تو ای صاحب کرم ای پرورنده

عَلِمَ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا

دانستم کمبود مرا از اندکی از بلاهای دنیا

أَيُّهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنْ كَارِهِ عَلَى

ایها آنرا چه جاری میشود در آن از ننگ و آفات

كُلِّ أَزْوَاجٍ بَلَاءٌ وَمَكْرٌ وَقَلِيلٌ مَكْنُةٌ

از هر دو جنس بلا و مکر و اندکی پنهانی

بِرِّكَ بِنِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَدَنِّ اَنْزَاكَ مُعَيْنِي

پیش کبریا ای خدای من و آقایی من قهر و در کار من آیای منی خود را که خدا بکشتی

بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْجِيْدِكَ وَبَعْدَ مَا اَنْطَوٰى عَلَيْهِ فَلَمَّا

تبرش خد بعد از افرو کردن من بیکانگی تو و بعد از آنچه مجیده شده است بران دل من

مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَبِحُجْرَةِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدُهُ

از شناخت تو و کوچه باشد است زبان من بآن از یاد تو و محکم کرده است

ضَمِيْرِيْ مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صَدَقِ اعْرَافِيْ وَدُعَايِيْ

دل من از محبت تو و بعد از راستی اعتراف من بکنایه خود و دعا کردن

خَاضِعًا لِرُبُوْبِيَّتِكَ هَيِّئْ لِيْ اَكْرَمَ مِنْ اَنْ

از روی خضوع برای بروردگارت تو و در است این سخن تو کریم تر می از آنکه

تُضَيِّعَ مِنْ رَّبِّيَّتِهِ اَوْ تُبْعِدَ مِنْ اَدْنِيَّتِهِ اَوْ تُشَرِّدَ

تضایع گردانی کسی را که خود تر میب کرده یا دور گردانی کسی را که نزدیکی نهی او را یا برادر

مِنْ اَوْيَتِهِ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كُفْيَتِهِ وَرَحْمَتِهِ

که جاود او یا بگذاری بسوی بلا کسی که دفع شر از او کرده و اورا رحمت کرده

وَلِيْتَ شِعْرِيْ يَا سَيِّدِيْ وَ اِلٰهِيْ وَمَوْلَايْ اَسْلَطْ

و کاش میباشم ای بزرگ من و خدای من و آقایی من را بسط و خوار

اَلْبَارِعَ عَلٰی وَجْهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدًا وَ عَلٰی

تبرش را بر رویا که در افتادند نزد عظمت تو سجد کنندگان و بر

لَطُولِ الْمَلَائِكَةِ وَمُدَّةِ فَلَانِ صَبْرَتِي فِي الْعُقُوبَاتِ

دای درازی ملاوت مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبت

مَعَ عَذَابِكَ وَجِئْتُ بِبَنِي وَبَنَاتِ أَهْلِ بِلَادِكَ وَ

و دشمنان خود و جمع کنی میان من و بیان اهل بلای خود

وَبَنَاتِ بَنِي وَبَنَاتِ أَهْلِ بِلَادِكَ وَأُولِيَاءِكَ قَبَسِي يَا أَلْهِي

و ای اهلن بیان من و بیان دشمنان خود و اولیای خود پس گرفته ای خدا من

وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ وَكَيْفَ

و سید من و آنی من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه

صَبْرْتُ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى نَارِكَ وَكَيْفَ

صبر کردم بر مفارقت تو و بفرستم که صبر کردم بر آتش تو پس چگونه

مَنْ يَنْظُرُ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ اسْتَكْبَرْتُ فِي

کسی که بنگردد به کرامت تو که من بپوشتم تو آیا چگونه ستم خودم

بِلَدِي وَجِئْتُ بِعَفْوِكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

بمن و حال آنکه امید من آن بود که عفو کنی از من پس بپوشتم تو ای آقای من و سید من

أَمْ صَادِقَاتِ لَيْلٍ تَرَكْنِي نَاطِقًا لَا يَصْغُرُ إِلَيْكَ

آیا حقیقت آنست که اگر مرا و آگاهاری سخن کو مرا امید خرد و شش بر آوردم پس نه

أَهْلِي لَا يَصْغُرُ إِلَّا مِلِينَ وَلَا صَبْرٌ مَعْنَى إِلَيْكَ

اهل من ختم خرد و شش امید و اراد و در امید ناله کنم پس نه

يَسِيرُ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ إِخْتِمَالِي لِبِلَاةٍ

وگست بقای آن در کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من ببلای

الْآخِرَةِ وَحَكِيمٌ لِقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ

آخرت را و حکیم در وقوع مکارهها فيها و هو واقع شده و خوشی های که در آن میباشد و حال آنکه آن

بِلَاةٍ تَطْوِيكَ مَدَنَةً وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يَخْفُفُ

ببلای که طویل نیست مدت آن و دایم است اقامت آن و سبک نمیشود

عَنْ أَهْلِهِ لَا تَهْ لَكَ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَاشْفَاكَ

از اهل آن زیرا که آن میباشد مگر از غضب تو و انتقام

وَسَخِطَكَ وَهَذَا مَا لَا يَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

و خشم تو و چنین امری نمیتواند در برابر آن ایستادن و تاب آوری آوردن آنست و زمین

يَأْتِيكَ فَكَيْفَ بَنِي وَإِنَّا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ

به تو می آید چگونه بنی و ما بنده تویم و حال آنکه من بنده توام ناتوان

الَّذِي لَيْسَ لَهُ قُوَّةٌ يَأْتِيكَ الْمُسْتَكِينُ يَا أَلْهِی وَرَبِّی

و خوار و بی قوه است و می آید ای خدا و پروردگار

وَسَيِّدُكَ وَمَوْلَايَ لَا يَلِي الْأُمُورَ إِلَيْكَ أَشْكُو

و سید من و اوستای من را ای که امور بسوی تو میباشد شکو

وَلَمَّا مِنْهَا أَصْبَحُ وَأَنْتَ لَا تَكِلُ الْعَذَابَ شَدِيدًا أَوْ

و برای که ام یکبار صبح و تو بگریزم آزار برای عذاب در دناک و سختی آن

شعرا

يَا مَوْلَايَ كَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ هُوَ بِرَحْمَتِكَ سَلَفَ

ای رفیق من پس چگونه باقی ماند در عذاب و حال آنکه اسید دارد و آنچه من می بینم است

مِنْ جِلْدِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ تُؤْتِيهِ

از بر داری تو و مهربانی تو و رحم کردن تو آیا چگونه او را بهر در آورد

النَّارَ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يَجْعَلُهُ

آتش و او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا آیا چگونه بسوزاند او را

هَبْهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ

برآوردی و تو شنوی صدای او را و می بینی جای او را آیا چگونه

تَكْمِلُ عَلَيْهِ زُفِيرَهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ

تکمیل نمودی بر او زبیرهای او را و تو دانی که او را چگونه

تُكَلِّفُ مِنْ أَصْبَافِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ

تو را می دهی از صیقلهای او را و تو دانی که او را چگونه

تُرْجِلُ زَبَانِيهَا وَ هُوَ يَأْمُلُ دِيكَ بَارَبِّهِ أَمْ كَيْفَ

تو را می دهی از زبانهای او و او امید دارد که تو را از باران او

يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَذَابٍ مُتَّفَقٍ فَمَا هِيَ مَآئِمَاتُكَ ذَلِكَ

او را امید دارد فضل ترا در عذاب متفق و چه است ایستگاههای تو

الطَّنُّ لَكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مِشْيَةُ

آرامش تو است و آنچه از فضل تو است و راه رفتن تو

وَلَا مِشْيَةُ

صَاحِ الْمُسْتَضْرَجِينَ وَلَا يَكُنْ عَلَيْكَ بُكَا

ناله استغاثه کنندگان و برائت بکریم بر محرومی از لطف رحمت تو

الْفَاقِدِينَ وَلَا يَأْدِبَنَّكَ أَنْ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

انگه دوست خود را که کرده باشند و البته فرماید بر او مژده انعم که گمانی تو اید و سونان

يَا عِجَابَةَ أَحْكَامِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

ای نهایت آرزوهای عارفان ای فرمادرس یاری جویان

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

ای دوست دلنمای است گویان و ای خداوند عالمیان

أَفْزَاكَ سُبْحَانَكَ يَا أَلْهَى وَبِحَدِّكَ لَشَعْرَةٍ فَهِيَ صَوْتٌ

آیا بافته میشود تزیین بیکم ترا ای خدای من و بحد تو مشغول ام که شنوی در بنهم صدای

عَبْدٌ مُسَلِّمٌ سَجْدَةً خَالِفِيهِ وَذَاقَ طَعْمِ عَذَابِكَ

بنده مسخوری را که در زندان کرده با او را بسبب مخالفت او چشیده و بنده عذاب را

يَعْتَصِبُهُ وَجَعَلَ مِنْ أَهْلِي أَقْرَبَ جُزْمِهِ وَجَيْرَتِهِ

با فرمانی خود و بنده کرده بنده او را در میان طبقات جهنم مجرم او و جنایت او

وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ مَوْجٌ مُؤَمِّلٌ لِحِمَّتِكَ وَيُنَادِيكَ

و او خروش کند بسوی تو موجی که امید دارد رحمت تو باشد و ندا کند ترا

بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَتَوْشِيكَ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

زبان بماند پرستان تو و توشی بسوی تو چه پروردگاری تو

نسخه

الهي وسيدتي فاستلكت بالقُدرة التي قد رتوها
اي الامن واقامى من اسس سوال بكنم از تو تقد برى كه مفضلر كه آنرا
وبالقضية التي حمتها وحكمتها وعلبت من عليها
وبحكمي كه حتم كرد و آنرا و حكم كرده بر آن و غالب شده در كيد ان ما
اجرتها ان تصبلي في هذه الليلة وفي هذه
بر دجاري كرده و كنجش بن در اين شب و در اين
الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته
ماعتن جرمي كه كسب كرده ام آنرا و سر كذا هي كه تركب آن شده
وكل منج اسرته وكل جويل علمته كمنه او
و هر كاز پديد پنهان كرده ام و بر نادان كه بعل آورده ام خورده پنهان
اعلمته اخفيه او اظهرته وكل سبيته
و خوراه آشكار و خوراه مخفي كرده باشم و خوراه موددا
امرت بائبناها الكرام الكائنين الذين وكلتم
بر كرده و پيشن آنها بزرگواران را نوبند كازا كه سوكل كروا بجا
يحفظ ما يكون مني وجعلتم شهودا علي مع
كه حفظ كنند آنچه صادر ميشود از من و كرده اند ايشان را كواهدان بر من
جوارحي و كنت انت الرقيب علي من و انهم
اعضاي بدن من كه بر من كواهي خواهند داد و در نوبط بر من بغير نشان

يَا عَا مِلَّتْ بِهِ الْمُؤَدِّينَ مِنْ بَرِّكَ وَاحِشًا نَكَ

يا نوح سعاد کرده بان . با یگانہ برستان اندکی تو . و حسن تو

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ كَمَا حَكَمْتُ بِهِ مِنْ تَعَذِّبِ

بسی یقین قطع عوارم که اگر نه ان بود که حکم کرده بان که عذاب کنی

جَا حِذْبِكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادٍ مَعَانِدِكَ

مگر ان خداوندی خود را و معرکه دانیده که همیشه در جهنم بداری معاندان خود را

جَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ

سراپایه سیکر و آید آتش را همه انرا سرد و سلامت و نه بود

لَا حَذِيفَةٍ فِيهَا مُقَرَّرًا وَلَا مَقَامًا لِيَكُنَّكَ تَقْدِيرُ سَمَاءٍ

در آن احدی را محل قرار می و نه جای آهستی و لیکن تو که تقدیر است نامهای تو

أَقْسَمْتُ أَنْ أَمْلَأَهَا مِنْ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ

قسم دادم که پر کنم جهنم را از کافران از جنیان و آدمیان

أَجْمَعِينَ وَأَنْ يَخْلُدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ شَأْنُكَ

همه و آنکه همیشه بدار در جهنم معاندان را و تو که بزرگت شایسته

قُلْتُ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلَ بِالْأَنْعَامِ مُتَكَبِّرًا مَأْمُونًا

گفتم ابتدا کننده و بخشش کرده بنف داون اگر کم کننده با آنکه گفته ای

كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

بوده مؤمن مانند کسی است که بود فاسق مساوی نشینند

مَوْصُولَةٌ وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةٌ حَتَّى تَكُونُ أَعْمَالِي وَ

چون شود و اعمال مرا نزد خود پسندیده و تا آنکه بوده باشم کارهای من و

أَوْ رَاكِبِي كُلَّهَا وَرَدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ

اورا و سوارهای من همه یک درو و حال من در خدمت تو

مِيرَمَلَا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْكَ مَعُونِي يَا مَنْ إِلَيْكَ شَقِي

پرسشگر من و نهایت ای آقای من ای آنکه براوست اعتماد من ای آنکه بسوی تو شکایت

أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ

افزاین خود را ای در دگارس ای پروردگار من ای در کار من توانا گردان خدمت خدا

جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي

اعضای مرا و سخت کن بر عزمی که خود دل مرا و بجای مرا

أَجِدْ فِي خَشْبَتِكَ وَالِدًا وَامٌّ فِي الْأَيْتُفَالِ بِخِدْمَتِكَ

همه دو تن را نو و مادری و در ساقهای تو در خدمت تو

حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَبَادِيرِ السَّائِقِينَ وَأَسْرَعَ إِلَيْكَ

تا آنکه روانم بشود و در سبیل ای پیشروان و در پیش تو

فِي الْمَبَادِيرِ وَأَشْتَقُ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَقِينَ مَا

در پیش گیرندگان و مشتاقم گردم بسوی تو باز در میان مشتاقان و

أَدْنُو مِنْكَ دُنُوًا خَلِصِينَ وَخَافَكَ كَخَافَةِ الْمُؤَقَّتِينَ

نزدیکت شوم از تو دُنبازان و بترسم از تو ترسیدن موقتین

وَالشَّاهِدَ لِيَاخِفِي عَنْهُمْ وَيَرْحَمِكَ أَخْفِيَتَهُ وَ

وَلَوْلَا هَذَا بَرَأَنِي مِنْهُمْ بِرَحْمَتِ خُودِ بَهَانِ كَرْدِي كِهَرَادِ

بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ وَأَنْ تَقْرَحَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

بِفَضْلِ خُودِ بَرِئِ شَدِيدِ آنرا و آنکه فرادان کردانی بهره مرا از هر نیکی

تَزِيلُهُ أَوْ إِحْسَانٍ تَفْضِيلُهُ أَوْ بِتَشْرِعِهِ أَوْ بِزَوْقِ تَبِطٍ

کِه تَرَد و تَرَسَم با احسان تفضل نمائی یا خوبی که بین کنی آنرا یا روزی که گزینش کنی

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

یا کُنْتِ بَرِئِ کِه بیا روزی آنرا یا خطا آنکه بپوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِثِي يَا مَرْيَمُ

ای خدای من ای اقای من و صاحب اختیار من و مالک بندگی من ای مریم که دوست

نَا صَبْنِي يَا عَلِيًّا يَا بَصْرِيَّ وَمَسْكِنِي يَا خَيْرَ الْبَقِيَّةِ

ای عیسی پسر من ای دانا مدد دانی من و بجا آرگی من ای سلیمان بن داود و خیر

وَقَاتِلِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

و اَضیاع من ای پروردگار من آنچه در دکان من ای پروردگار من سوال میکنم از تو بحق تو

وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَاءِكَ أَنْ تَجْعَلَ

و بابرگی تو و بزرگترین صفات تو و نامهای تو آنکه بگردانی

يَا وَتَانِي فِي الْكَيْلِ وَاللَّهَّارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُومَةٌ وَجَمْعُكَ

ای و تان من در کیل و اللهار بذكر تو معموم و جمع تو

اوقات و تیرا در شب و روز بیا وجود ابدان و بخت تو

وَضَمِنْتُ لَهُمُ الْآخِرَةَ فَاَلَيْسَ لَكَ بِتَصَدَّقَتْ

وَضَامِنُ شِدَّةٍ بِرَأْسِهَا سِتْرٌ لِرُؤُوسِهَا وَفِي يَدَيْهَا كِتَابٌ مِثْلُ نَجْمٍ
وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَعِثْنِي

دَعَا نِي وَبَلَغَنِي مَنَآئِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءً

وَإِكْفِي شَرَّ الْجَنِّ وَلَا تَسْ مِنْ أَعْدَائِي يَا سُبْحَ الرِّضَا

وَدَعْنِي مَعِ اَزْوَاجِي وَوَلَدِي وَوَلَدَاتِي وَوَلَدَاتِ اَزْوَاجِي
اَغْفِرْ لِي يَا اَبِيكَ الْاَعْلَى فَانْكَ فَتَعَالَى

لَسَاءَ يَا مَعْ اِسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُ شِفَاءٍ وَطَاعَتُهُ غِنَى

رَحِمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرِّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

التَّعَمُّدُ إِذَا فَعَلَ التَّعَمُّدُ يَأْتِي الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي النَّظَرِ

يَا مَعْزُومًا لَا يَكُ مَلَكًا هَلْ يَمَسُّهُ الْإِشْرَاقُ
فَإِنَّمَا لَا يَعْلَمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْضَلِ

وَأَجْمَعُ فِي جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمِنْ آثَارِكَ

شکر و ایم و به حبس کنی قرب تو با من نشان بار خدا و سر که اراد و کن

يُسُوِّفُ فَأَرِدُهُ وَمِنْ كَادِنِي فَلِكُهُ وَأَجْعَلْنِي مِنْ

بیدای پس تو اراده کن و را بیدای سر که مگر کند با من پس بگو و ان که او را و بگردان و از

أَحْسَنَ عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَأَنْ يَهْمَ مِثْلَكَ

نیکی ترین بندگان تو در هر نزد تو و خود یک نفرین با من لذت

مِنْكَ وَأَخْصِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يَنَالُ خَلِكَ

است تو و مخصوص ترین با من در قرب نزد تو زیرا که نسیوان بسید با من

إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَأَعْظِفْ عَلَيَّ بِحُدُودِكَ

مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بخود خود و در دهانی که بر من میگردانی

وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَأَجْعَلْ لِسَانِي يُذَكِّرُكَ

و نگاه مرا بر رحمت خود و گردان زبان مرا یاد خود

لِحَا وَقَلْبِي بِحَبْلِكَ مَيْتًا وَمِنْ عِلْمِكَ بِحُسْنِ لِحَا بَيْتِكَ

که با دل مرا به هستی خود بنیاب و منت نه بر من به نیکی احباب خود

وَأَقْلِبْنِي عَثْرَتِي وَأَعْظِفْ لِي زُلْفَتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ لِي

در گذر از لغزش من و بیاوردی گناه مرا به پیشگفتی حکم کردی

عَلَى عِبَادِكَ يَعْبَادُكَ وَأَمْرٌ تَجْعِدُ عَائِلَكَ

بر بندگان خود به بندگی خود و امر کرده باشی برای به عیالی خود

تیکه حق تعالی در این ماه از او سبک داند به ما می بسیار از توبه و جنت برای هر
 کس که رمضان بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب آخر ماه
 شعبان و شب اول ماه مبارک رمضان این دعا بخواند:

بِحَرَامِ هَذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ الَّذِي أَتَزَكَّتْ فِيهِ الْأَنْفُسُ

و این دعا را در این ماه بابرکت که خود رستگاری در آن فرمود

أَيُّ النَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ

تیکه در این ماه و آیه های روشن از راه نما می و جدا کننده حق و باطل و حق

تَنَافَاهُ وَوَسِيلَهُ كُنَّا وَتَسْلَمُهُ مِنَّا فِي لَيْسَ مِنْكَ وَ

ما را در این راه و ما را در این راه و ما را در این راه و ما را در این راه

يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَشَكَرَ كَثِيرًا قَبْلِ مَنِي

ای که اندک را گرفته و عمل اندک را و جزا داده باشی بسیار به نیکو از برای من

يَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي إِلَى كُلِّ خَيْرٍ

ای که ما را خدا یا به تیکه من سوال میکنم از تو تیکه بگردانی برای من بسوی هر نیک

بِيَدٍ مِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَا نَعَايَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و از هر چه دوست نداری باز دارنده ای بخشنایند ترین بخشنایند

عَفَى عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَا يَخْلُ

بخشایند از من و آنچه بودم و دشمنان از کنان ای که سزاوارده توبه

يَا مُنَافِقِي عَفْوِكَ عَفْوِكَ يَا كَرِيمًا

ای منافق طلب می کنم عفو ترا عفو ترا عفو ترا ای نیکو دارایی

بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ

بن اینچه نوی مراد بر این و در دو فرستاد خدا بر رسول خود و پیشوایان

الْمَيَّامِينَ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

حسب میمنت که ال او نیده و سلام فرستاد سلام فراد

فصل پنجم در اعمال یقینیه است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست

که هر که سه روز آخر ماه شعبان روزه بدارد و بمباه مبارک رمضان وصل کند

حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بپوشید و ابو بصلت هر وی است

کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بجهت حضرت امام رضا علیه السلام فرم

حضرت فرمود که ای ابو بصلت اگر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر نیست پس

نه از یک و تلافی کن در آنچه از این ماه مانده است از تقصیر که در ایام گذشته اینها

کرده و بر نوباد که لو آوری بر آنچه ناقصت برای تو در آخرت و دعا و استغفار

بسیار بکن تلاوت قرآن مجید بسیار بکن توبه بکن بسوی حق تعالی اندک نماز

نا آنکه چون ماه مبارک در آید حاضر گردانید و باشی خود را از برای خدا و بکن

در که در خود انانیت و حق کسی اگر اندک ادا کنی و بکن در دل خود و بکن کسی اگر اندک بپوش

و بکن اگر کسی اگر میگردد مگر اندک ترک کنی و از خدا برترش تو کل کن بجز در پنهان و آشکارا

امور خود و هر که بر خدا تو کل کند بس است او را بسیار بخوان در بقیه اینها اندک

اللهم انک تو تکریم غفرت کنا فمما مضی من شعبان فاغفر لنا

بار خدا یا اگر بخواه باشی که از زنده باشی باز در آنچه گذشته است از شعبان بس بسیار مرا

و اما بقی میند
در آنچه باقی مانده است درین

وَعَظَمَنِي قَلَمُ الْغُطُو رَجُوتِي عَنْ حَارِمِكَ فَلَمْ أَزْجُرْ

پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی مرا از محرمات پس منفع نگفتم

فَمَا عَذَّبَنِي فَأَعْفَ عَنِّي يَا كَرِيمُ عَفْوِكَ عَفْوُكَ اللَّهُمَّ

پس عذاب من را پس عذر من را ای بزرگوار بخوانم عفو ترا عفو ترا بار خدا

إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَكَ

بر سئید من سوال از آسایش بر آنکه مردن و در گذشتن را نزد

الْحِسَابِ عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ

حساب بزرگ است گناه از بنده تو پس با بزرگواری در گذشتن را

عِنْدَكَ يَا أَهْلَ التَّقْوَىٰ وَ يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوُكَ اللَّهُمَّ

نزد تو ای سرافرازان پرهیزکاری و ای سرافرازان آمرزش اسید و ارم عفو ترا عفو ترا بار خدا

إِنِّي عَمْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمْنِكَ ضَعِيفٌ ذَلِيلٌ رَجُوْتُكَ

بر سئید من بنده تو پسر بنده تو پسر گزند تو ام نا توانم مخاجم بسوی رحمت

وَ أَنْتَ فَزِلُ الْغَنَىٰ وَ الْبَرَكَةُ عَلَى الْعِبَادَةِ قَاهِرٌ مُّقْتَدِرٌ أَحْصَيْتَ

و تو فرو دادنده بی نیازی و برکتی بر بندگان غلبی توانائی شمردی

أَعْمَالَهُمْ وَ قَسَمْتَ أَرْزَاقَهُمْ وَ جَعَلْتَهُمْ مُخْتَلَفَةً السِّنَةِ وَ الْوَلَدِ

که با را می بخشا از نعمت کردی و زیادهای ایشانرا که دادی ایشانرا مختلف از زیادهای این و آن کردی

خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقِكَ لَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ عَلَيْكَ وَلَا يَفْقَهُ الْعِبَادُ قُدُّ

که پس بسرا کردی تا خاندانان و نهان دانند که تو از ایشان

وَاللَّهُ صَلَوةٌ دَائِمَةٌ لَا تُحْصَى وَلَا تُقَدُّ وَلَا يُقَدَّرُ

وَالْأَوَّلُ رَجَعْتِي سَمِيتُهُ كَهْدَرِيَّةً لِسُودَ وَنَمَرُودَ لِسُودَ
قَدْ هَاغَرْتُكَ كَأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ

انہ اذہ انرا غیرت

وامانمازهای مخصوص شبها که با سائید معتبره وارد نشده است علماء ذکر کرده

مطب اول صدر رکعت با حمد و توحید یک مرتبه و بعد از فارغ شدن مختار در مرتبه سوره حمد

دوم بخاره رکعت باجمه و توحید و معوذتین سر یک سوره نبی سیم دو رکعت در سر رکعت

در دست تحریر توحید چهارم چهل گفت و در هر رکعت صد و بیست و پنج مرتبه توحید

دو رکعت دهر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز مغرب و عشاء

الحمد والثناء ششم چهار رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه توحید میگویند و گویند

کتاب محمد و آله و ائمه و سید عالم در رکعت اول حمد و آیه الکرسی

با انفس خود و باز زده مرتبه نوحید و در دوم حمد و ایه قل انما انما بشر و باز زده مرتبه

نوحیه نام چهار رکعت در هر رکعت حمد و دو مرتبه اذکار انصرافه و سیم چهار رکعت

در سر رکعت حمد و آیه الکرسی بکبر تب و سوره انا اعطینا الکفر ثم سوره مزینه بآیه و ستم

از گفت در سز گفت محمده مرتبه قل یا ایها الکافرون ده از دهم دوازده گفت

دوسرے رکعت میں سورہ النجم پڑھیں دس رکعت اور حرکت

بکریمہ سورہ والقیں چار دہم چار رکعت دس رکعت چار و پچتر سورہ

چهارم چارکت در میان نماز شام و خفتن در سر رکعت محمد و ده مرتبه توحید و تسبیح

أَوْ تَقَاتِرَ أَوْ يَنْقَلِبْ وَأَوْفِرَ أَوْ مَسُوقٍ أَوْ عَصِيدٍ كُنْ

یا بدبختی یا ذوروی یا اسبسی یا کنه یا نافروانی

عَظِيمٍ أَوْ شَيْءٍ لَا يُحِبُّكَ فَاسْئَلْكَ يَا رَبَّ أَنْ تَقِيلَ

بزرگی یا چیزی که دوست ندارد پس سوالی بکنم از تو ای پروردگار من اگر میل نماید

مَكَانَهُ أَيْمَانًا يَوْمَ عَرِكَ وَقَاءَ بَعْضِكَ وَرِضًا لِقِصَا

جای آن نصیبی کردن بعهده تو و وفا کردن به پیمان تو و خوشنودی حکم تو

وَرَهْطًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَأَمْرًا وَظَهْرًا

و یاری دنیوی و خواهش دنیوی در آنچه نزد هست و عطای که شایسته است

وَأَنْتَ يَا رَبُّ تَقُولُ يَا رَبُّ اسْئَلْكَ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و تو به عالمی سوال میکنم از تو : این را ای پروردگارا : جهانیان

الْحَيُّ الْقَيُّومُ فَكُنْ لَكَ كَمَا تَنْزِيلُ مِنْ كَرَامَتِكَ

یا پروردگار من تو ای زنده و باری که بر همه عبادان کبر و پیشوایی پس کو با تو نه دیده آنرا از کرامت تو

وَجُودِكَ تَطَاعًا فَكُنْ لَكَ كَمَا تَقْضَى وَأَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ

و بخش خود اطاعت کرده بشود پس کو با تو عصیان کرده باشد و من اگر نافروانی کرده

سُكَّانُ أَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْكَ يَا فَضِيلُ جَوَادٍ لَكَ

ساکنان زمین تو بود پس باشی بر ما : فضل و عطای بخشنده و بدبختی

عَوْدًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

بسیار بازگشته ای بخشنده ترین بخشنندگان در رحمت فرستاده خدا بر محمد

مضات

بت و نهم ده رکعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و سر یک از الکلم التکاء و توحید
 و معوذتین ده مرتبه سی آم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه بی اسم ربک
 الا علی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد باسم بسم در بیان
 مجلی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان است و در این شش فصل است
فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارکست باید دانست که ماه مبارک رمضان
 ماه خداوند عالمیاست و شریفترین ماههاست چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا
 علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آخر ماه شعبان جلیله است
 و فرمودند ایها الناس بدینیکه رو کرد بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت افزون
 است که نزد خدا بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش
 بهترین شبهاست و ساعتهای آن بهترین ساعتهاست آن ماهیست که خوانده اند
الحمد لله آن سوره فی صیاف خدا و کرده دیده اید در آن از اهل کرامت خدا اعظمها
 شهاده آن ثواب بیحد دارد و خواب شما در آن ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن
 مقبولست و دعاهای شما در آن مستجاب است پس حال کنید از پروردگار خود بخواهید
 درست و به دلها می پاکیزد و آن گناهان صفات نمیکند توفیق دهد شمار ابرامی و شستن
 آن ملاوت کردن قرآن در آن بدینیکه شقی و بد عاقبت کسی نشد که محروم گردد
 از امرش خدا و دنیا عظیم و یاد کند بکر سستی و شستن نماز دنیا که سستی و شستن روز
 قیامت او قصه کند بر فقیران و سکیان و دو عظیم نماید پیران خود را و رحم
 کند بر کودکان خود را و نوازش نماید خویشان خود را و نگاهداری زبانهای خود را

از نماز ده مرتبه

يَا رَبِّ اغْفِرْ لَنَا وَدَعِ مَرْتَبَةَ يَا رَبِّ ارْحَمْنَا وَدَعِ مَرْتَبَةَ يَا رَبِّ

ای پروردگار من بیافر مرا ای پروردگار من رحم کن ما را ای پروردگار

ثَبِّتْ عَلَيْنَا وَبَسْمِ الْيَكْرَتِ تَوْحِيدَ وَدَعِ مَرْتَبَةَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

بیک هست خدای که

به بند بر توبه مرا

يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمْيْتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

زنده می گرداند و دگر از اوست می زند زنده کار را و او بر همه چیز تواناست

شماره دهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه آیه الکرسی و با نذر ده مرتبه توحید مقدم

دو رکعت در هر رکعت حمد و منقاد یک مرتبه توحید و بعد از نماز بیفتاد مرتبه استغفار

تجدید سه رکعت در هر رکعت حمد و چهار مرتبه توحید و در هر رکعت در هر رکعت

و چهار مرتبه آیه قل اللهم مالك الملك استقم چهار رکعت در هر رکعت حمد و با نذر ده مرتبه توحید

اذا جاء نصر الله و بقیة الحکم استقامت رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه توحید و بعد از این

بسم و دویم دو رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه قل یا ایها الکافرون با نذر ده مرتبه توحید

بسم و سیم سه رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره اذ از لزلت بسم و چهارم

دو رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بسم و پنجم ده رکعت در

هر رکعت حمد و یک مرتبه السکرم الکاکثر بسم و ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده

مرتبه آیه امن الرسول بسم و هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبحان

رکعت الا علی بسم و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و یک مرتبه توحید و بعد از این

نقص

و هر که در این ماه سر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت
 از او باز دارد و هر که در این ماه قیامت را در دهن خود دارد و در دهن او را در قیامت کرامت
 و هر که در این ماه صله و حسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را و رحمت خود
 در قیامت و هر که در این ماه قطع حسان خود از خویشان خود بکند خدا غمی و جل
 قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که نماز سنتی در این ماه بکند حق تعالی برای او پادشاهی
 بپزاید از پیش چشم نبوی و هر که در این ماه نماز واجب ادا کند خدا عطا کند
 ثواب مقدار نماز واجب که در ماههای دیگر کرده باشد و هر که در این ماه بسیار صلوات
 بخواند بر من و آل من خدا شکین گرداند و از وی عمل او را در روزی که از او باشد
 محاسبه بکند و هر که یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد
 که در ماههای دیگر تمام قرآن کرده باشد ایها الیاس بر بنیکه در ماهی شب اینها
 کشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد
 و در ماهی چشم در نیاید بسته است از خدا سوال کنید که بر شما کشاید و شیاطین را در این ماه
 غل بکنید پس سوال کنید از خدا که مرکز بر شما مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر
 صلوات الله و سلامه علیه بقول است که در ماه رمضان خطبه خوانند و فرموده
 ایها الناس این ماه است که خدا اثر بر سایر ماهها فضیلت از یاد آوری داده است
 مانند فضیلت اهل بیت بر سایر مردم و در این ماه کشته می شود در ماهی
 در ماهی شب و در ماهی حمت بسته میشود و در ماهی چشم در نیاید بسته میشود
 و در ماهی شب و در ماهی حمت بسته میشود و در ماهی چشم در نیاید بسته میشود

از آنچه نباید گفت پوشیده بمانی خود را از آنچه حلال نیست شمارانظر کردن
 بسوی آنها و باز داریده گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شمارا شنیدن آن و مهربانی
 کنید با یتیمان مردم تا مهر نانی کنید بعد از شما با یتیمان شما و باز بگشت کنید بسوی آن کسان
 خود و بکنید بسوی خدا و استهای خود را بدو اوقات نمازهای خود زیرا که وقت
 نماز با بهترین ساعتهاست نظرمی کند حق تعالی درین اوقات بر رحمت بسوی بندگان خود
 و جواب میگوید ایشانرا سرگاه او را انما جات کند و لیک یکگوید ایشانرا سرگاه او را
 ندانند و ستیاب می گرداند سرگاه او را و عا کنند ای گروه مردمان چه بر شیکه جاها
 شما در که و کرد و بای شماست پس از که و بر آورید بطلب امر بر شش از خدا و شتهای
 شما که این است از کسانان شما پس بیک گردانید آنها را بطول دادن سجده و بدین
 که حق تعالی سو کند یا کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز که اندکان و
 کند کان او ترساند ایشانرا پیش چشم در روز قیامت ایها الناس که در نماز
 نماید روزه دار منوی ادرین ماه را برای او خواهد بود نزد خدا و ثواب بنده آزاد
 که چون امر بر شش کنایان که مشته پس بعضی از صحابه گفت یا رسول الله بمه قدرت
 بر آنند از یم حضرت فرمود و به پرنیزد از آتش جهنم با قطار فرمودن روزه دارا
 اگر چه نصف اند خرم باشد و اگر چه یک شربت آب باشد بدینیکه خدا این شربت را
 میدهد کسی که چنین کند اگر چه قادر بر ندادن ازین شباه ایها الناس که خلق خود را
 درین ماه نیکو کند بر ضراط بگذرد در روزیکه همه بران بفرود و سر که سبک کند
 در دنیا خدمت غلام و کنیز خود اخضعالی در قیامت حساب در این و اسان

با که او ترا ذلیل کرد اندک ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واکندارد که ترا یار خجی خواهد کرد و اگر
او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی که ام خداوند را اختیار خواستی کرد و اگر او لغزشها
و گناهان ترا بنیاز و امید بکند خواستی داشت برای انز و شش گناهان چون و اگر حتی خود را
که بر تو و حسب کرد انیده از تو طلب نماید چه جواب برابر او خواستی گفت ای دوزخ دانه
بجوی بسوی خدا تبتلاوت کرد کنایه از ششها و روزها اینها زیر اگر کتابی شفا
بست که شفاعت او را قبول سکینه و در قیامت شفاعت می کند برای آنها که تلاوت
آن کرده اند پس بلا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن فی
بهشت است با و ترا که سر نفسی که در دنیا میکشیش ثواب تسبیحی در نامه عمل تو می نویسند و
خواهی بود در اینها عبادت و طاعت تو در اینها مقبولست و گناهان تو در این ماه
پشوریده است و او از ماهی تو بدعا در این شنبه شده است بهنجابت و زار
که با خدا میگوئی بر تو رحم میکنند بدستیکه شنبه ماه صبیب خود حضرت رسول صلی
علیه و آله که خداوند عالمیان در شرب از شنبه های ماه مبارک رمضان از او گذشت
انوارش چشم که عده است بر بغیر از خدا کسی نمیداند چون شب آخر ماه میشود در آن
می آفرند مثل آنچه در جمیع ماهها می آید است و ایضا فرموده که هر که ماه مبارک رمضان
روزه بدارد و نفس خود را از چیزی که خدا احرام کرده است نگاه دارد و بهشت البته
او را واجب کرد و هر که در این ماه روز بدارد و در پنج شب از شنبه های آن
نیمه شب است داخل بهشت شود پس حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که
خداوند تعالی صلی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیای

و در این ماه شبی است که در آن شب ملائکه از آسمان به زمین می آیند و سلام کنند بر مردان
 و زنان و زره دارند حضرت پروردگار خود را طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی
 مقدر کرده است در آن شب لایق امامت مرا پیش از آنکه آدم علیه السلام را خلق کند و
 هزار سال عبادت من است از عبادت شما ماه و روزه روز من بهتر است
 از روزه شما ماه ایها اناس بر تنگید آفتابها می ماه مبارک رمضان ماههای ان
 طالع میشود بر مردان زنان و زره و ابرار رحمت انبیا شما مانند ماههای بکر نیست پادشاه
 بهترین در ماه است و شبهایش بهترین شبها است دیوان و شیاطین در نیامه خل کرده
 و زنند ان اند و زیاده میگرداند خدا در نیامه روزها و عمرهای نویسنده و تصدیق
 در نیامه حاجیان بیت ایستاده در نیامه حق تعالی و میکند سیو بی اهل ایمان تا فرست
 و غیره و رحمت روزی خوشنودی خداوند جزا و پنده اسی و زره و آتش سرکار
 خود بکن میکند در نیامه همان پروردگار خود می نظر کند و قابل آنکه چگونه خواهی بود
 خود و در روز خود چگونه گاه سید از بی اعضا و جوارح خود را از مصیبتها میبرد و گاه
 از بی گناهان و در جوارح است و روزها عاقل از یاد خدا نباشی پس بیرون دایم گناهان
 تو را بیا و قیامت شد پس تسکامی که روزه داران مردهای خود را بگیرند تو از جمله پاکان
 باشی و در قیامت بکر است آفتاب خود فایز گردند تو از جمله مردمان باشی و در روزی سعادت مند
 گردند بجای و در دستستان پروردگار خود و نوازنده شد با باشی ای روزه دار اگر ترا
 آفتابی تو از درگاه خود بر گرداند بگذارد و تو خواهی آمد و اگر محروم گرداند
 ترا پروردگار تو که در نمی خواهد داد ترا و اگر او ترا خواهد که ترا اگر کسی خواهد که ترا

ترک آنها کردن اول دوم خیری خود و خیری آشنایان است و خیری
 که خوردن آشنایان آن متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مطلق
 صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر لغو آن معتاد بخورد و اگر غیر معتاد
 مانند آنکه در دماغ با کوشش بچکاند خیر او بخلی داخل شود و محل خلاف است و همچنین
 خلاف در خوردن آشنایان چیزی چند که معتاد مردم است بخوردن آشنایان
 آنها مانند سنگ چوب خاک کبابها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد
 و اظهر نیست که اگر لغو آن معتاد باشد اجتناب از آن واجب است و احوط آنست که
 اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد و سیم جماع کردن در قبل زنیست مطلقا خواه
 شود و خواه فعل آن موجب قضا و کفاره بشود بخلاف جماع در بر زن هرگاه از انزال شود
 بر زن و بر باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور نیست که جماع در بر
 بدون انزال نیز مطلق صوم و موجب قضا و کفاره است بعضی مطلق میدانند
 و اول اقوی است چهارم باقی ماندن است بر خیانت تا صبح و شهر و اقوی است
 که مطلق است و موجب قضا و کفاره است بعضی مطلق ندانسته اند و بعضی قضا
 تنها واجب دانسته اند و احوط آنست که اگر زن در حالتی پاک بخود پیش از
 جماع غسل بکند و اگر بکند احوط آنست که غسل کند بعد از جماع و آن در روزه
 بر او واجب نیست و اگر جنب غسل متعذر باشد احوط آنست که
 تیمم بکند و تیمم را شکسته تا صبح بشود و خواب اول بعد از خوابت در حالتی
 در آن غسل بکند اگر در آن شکسته باشد و احتمال بدارشیدن در آن شکسته باشد جایز است

پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهند شد کفتم بهترین ماهها کدام است بهترین
 او صیبا که فرمود بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین اوصیا تو می بایستی کفتم
 یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود علی تجز بروردگارم بد بشیکه برکنجته
 میشود بد بخت ترین است من خفیت می کند نافه صالح و ضرعی بر سر تو خواهد بود
 که در پیش تو از خون سرت خضاب شود پس دم شروع بگریه ترا از دهان گذند
 حضرت از منبر برآید و آریضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله متقولسیند یا
 معترکه فرمود که ایها الناس کسی که وارد شود بر او ماه مبارک رمضان پس فوزه داده
 روز آرد و بایسته نماز و عبادت قدر مقرر می از شب آنرا و نماز بار بار و اوقات
 فضیلت بجا آورد و مبارک کند بنماز جمعه آن ماه و او را آن ثواب عید آرد چنانچه
 پس یافته خواهد بود و ثواب شب او فایز بکند و بجایزه ها بخت ششای بزرگ
 و عظیم خواهد شد **فصل در بیان حقیقت روزه** روزه است
 در این محرم است بگویند روزه بدو شتر حج و است از چیزی چید که روزه را می کنند
 از طلوع صبح تا بر طرف شدن رخ از جانب مشرق تا بر شهور یا نهان شدن قرص
 آفتاب یعنی بر طرف شدن شعاع آن از گوشها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط
 است باینیت قربت پس باید که بداند آن چیز را تا نیت بپوشاند که دو چیز است اول احتیاط
 بسیار است در آنها اگر قصد کند ترک همه از برای رضای خدا یا طاعت کافی شده اما بهتر
 آنست که آنچه مستحق باشد و خوب که آنها قصد ترک آنها کند بخواه خوب از خدا
 باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچه بید عذره کرده باشد قصد ترک آنها
 کند مستحبا و اگر قصد ترک همه محرمات از خود کند بهتر است اما آنها که واجب است

و در روز هفت خلافتی نیست که اگر در شب نیت کرده باشد و منقصری بعمل نیاورد
 باشد تا اول نیت بنویسد کرد و بعد از زوال خلافت بعضی گفته اند تا یک
 تمام شب میتوان کرد و جمعی از محققین علماء باین قاعده و نیت منقصر اتوی است بعضی
 گفته اند که بعد از زوال نیت بنویسد کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال
 کند ثواب و نذر نام روز را بپیاید و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب و نذر
 از نیت تمام را بپیاید و جمیع رسانیدن غنا غلیظ است محلی بعضی آنرا واجب
 قضا و کفاره میدهند و بعضی قضای تمام بیکان منقصر بطل نیست و احوط رعایت
 بشود است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغیر غلیظ و دو غلیظ و چهار غلیظ
 پس اگر از این اجزا افضل شود چون دو و نور و چهار و یک و اظهر عدم بطلان
 و احوط احتیاط است حتی آن دو و بنا کوششم استمنایست یعنی طلب نیت
 کردن یا حصول آن موجب قضا و کفاره است و مشهور است که هرگاه ملاسه یا غلبه
 کند و انزال شود در روز او باطل میشود و قضا و کفاره لازم است بعضی درین مایل
 نموده اند خصوصاً وقتی که نسبت بکمال خود باشد و عادت او انزال نباشد و احوط
 بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقاً و در نظر کردن بن جلال یا حرام یا
 صدای آنرا شنیدن یا خیال خود در آوردن هرگاه باعث آن نمیشود
 قصد انزال اشتنا باشد و باین معنا نباشد خلافت و اظهر عدم وجوب
 قضا و کفاره است هفتمی کردن عمد او اکثر موجب قضای تمام میشود
 و بعضی قضا و کفاره سرد و را واجب میدهند و بعضی میگویند او واجب نمیدهند

و مشهور نیست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روز برود و جنب نیست و بعضی
 واجب نیستند و آن احوط است و مشهور نیست که اگر بخوابد تا صبح و نیت
 غسل نموده باشد بر او قضا و كفاره لازم است این احوط است اگر چه در بعضی
 نسخیست مشهور در خواب و میم و جو قضاست این قول قوی است بلکه حلائی
 در آن طائفت و جمعی از اصحاب اعتقاد نیست که در خواب سیم جنب برگاه
 صبح سه قضا و كفاره سرد و واجب است اقوی عدم و جو كفاره است
 بعضی از متأخرین اعتقاد است که خواب بعد از بیدار شدن از اخلاص حکم
 خواب و میم دارد و چنانچه والد مر حوم فقیر اختیار نموده و این احوط است بلکه قاضی
 از قوی نیست بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست که
 ایام باید که صبح را پاک در یابد باینه و حق نیست که در قضای ماه رمضان مبایعت
 جنب نباشد و در غیر قضا احوط است که اگر صبح طاهر نباشد و واجب تعیین باشد
 آن روز را روز نذر کند و اگر معین باشد آن روز روزه بدارد و مضایق میکند
 اگر عهده کرده باشد و نیت که كفاره در کار نباشد و اگر بدو احوط است
 و در روزه نیت اگر عهده در خوابت بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت
 بر روز بکند بجان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر شب است
 خاک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور نیست که روزایش باطل است قضای
 و كفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت
 که روز و در واجب غیر معین باز زوال نیت میتواند کرد اگر چه قضا را ماه رمضان سه

فرو برد تا کردن و بدن بر روی آب باشد باز حکم از تماس دارد و این احوط
 و بعضی گفته اند که اگر فرو بردن مضائقه سر را و فتنه هر چند مناسبت میسر و ن باشد باز
 حکم از تماس دارد و این احوط است و احوط آنست که در دروزه منت میخیزد
 بآب فرو برد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یا زده هم یعنی که
 از کشیدن بر آید یا زده مانع فرو دآید در فرو بردن آن علماء را گفته قول است اول
 جواز ابتلاع آنچه بر بدن می آید از سنینه مادام که از دمن منفصل نشود و عدم
 جواز آن قسم دیگر و بگویم جواز ابتلاع مرد و قسم مادام که بدن بر سر و دهن و جرم
 ابتلاع مرد و سرگاه بدن بر سر و سیم جواز کشیدن از سنینه و سر و جواز فرو بردن
 مادام که از دمن جدا نشود و جمعی که حکم بغسل کرده اند بعضی بقضای تنها
 قابل شده و بعضی کفاره را نیز واجب ندانند و بعضی کفاره جمیع قابل شده
 و چنان غیر آنست که صحیح یک لازم نمیشود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بغسل
 دمن نباید فرو برد و از دهن مشهور میان علماء آنست که مکروه است
 که زن دروزه دارد در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند سرگاه مکروه در آب بنشیند
 تضار او لازم است بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول الظاهر است
 و در خائیدن قدر این مصطکی که آبش فرو برد و بعضی جوامع دانسته اند و
 بعضی موجب قضای دانسته اند و الظاهر جوهر است و مشهور میان علماء آنست که
 اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بجه اگر شک هم داشته باشد جایز
 است که در آن آب آشامیدن یا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است

مسئله سیم است و وجوب قضای آنها خالی از قوتی نیست و مشهور است که هرگاه
تبیخی اختیار آید بزوج قضای نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف
است و هشتم حقه است و بعضی موجب قضا و كفاره هر دو دانسته اند و بعضی موجب
عصای آنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچکدام دانسته اند و بعضی حقه یا ع
موجب قضا دانسته اند و حقه جایز را مانند شیاف کرده دانسته اند و بعضی
کرده دانسته اند و بقول قوی است احوط آنست که بدون ضرورت حقه یا ع
نکند و اگر بکند قضا بکند و شهر را قوی است که چنانچه در او در کوش موجب
فنا و صوم نمی شود و مسعوط در بی هرگاه تعدی بجلی نکند ایضا اقوی است
که جایز است و بعضی موجب قضا و كفاره دانسته اند و اگر بجلی برسد احوط
اجتناب است از هم دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و الله هدی صلوات الله
علیه است تا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه سیکه
اینست مسئله گفتن بداشد باشد مسئله بگوید و در حرمت آن شکلی نیست
و بعضی در روزه موجب قضا و كفاره میدانند و بعضی میگویند موجب قضا
صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که اگر بکند قضا بکند و كفاره
بد و دهم سر فرو بردن در آب است و جمعی از ائمه موجب قضا و كفاره
میدانند و بعضی موجب قضا تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب
هیچیک نیستند و بعضی کرده میدانند و ائمه حرمت است و عدم
وجوب قضا و كفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را با آب

رسد موجب قضا و کفار میشود و احوط است که بوی خوش سائیده و کبریاغ
بالا رود و نموبید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکرده است که صاحب خانه
که ملاصق به نسبت نرگند و مکرده است زن صانده را که در آب نشینند چنانکه
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه روزه داری سیاه
روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از
محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید که روز روزه تو مانند روز انظار
تو نباشد و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود در روزه نه همین از
خوردن و آشامیدن است تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه داری زبان
خود را از دروغ و پویشانید دیده بینی خود را از حرام و باطل و بکسر مزاج
نکنید و حد ببرید و غیبت نکنید و مجادل نکنید و سوگواری و غوغا
نکنید و دل تنگ نشوید و غافل نشوید از یاد خدا و از نماز و خیرات و سستی
از آنچه نباید گفت و صبر کنید و درست گو باشید و در کسی که ناپاک شود
اجتناب کنید از کفار به و در دروغ و افتراء و مصیبت کردن و با
و گمان بد بردن و غیبت کردن سخن چینی کردن و خود را شرف است
دانید و منتظر فرج ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید و از دست برداشتن
آخرت پشیمانی و نوشته اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بنسبا
با آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی ذلت بنده

آن وقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب
نیست اگر ملاحظه کرده و خورده باشد قضا واجب است و کفار و اهل بیت و اگر کسی
مغضوب کند چه موضوع نماز واجب است بی اختیار بچلی آورد و قضا بر او واجب است
و اگر چه نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر عیب مخصوص
کند و آب بخلش و جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اگر عیب
و جوبست مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از منقضیه بر تبه آید و اگر
بند از و این احوط است **فصل** در سنتها و آداب و زهد است
است و زهد در این است که بپوشیدن بپوشیدن و دست بپوشیدن بپوشیدن
که زن با ایشان اقرب است که که بیت مخصوص بصورتیست که اینها محرم
شهرت او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است چشم
کشیدن چیزی که آن اطمینانیست که بچلی رسد یا در آن مشکلی باشد و مشهور است که
بیزون آوردن خوشت از بدن که عیب ضعیف شود و در جماعت احتیاط
بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که ضعیف باشد و مکروه است
بپوشیدن کلاه مخصوص از کس بهتر است که شک استیم نبوی و سایر بویها
خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که طیف تحفه صائم است و فرمود که بر زهد دار که در اول روز
خود را بشوید که عقلش زایل نگردد و او شهره و اقوی است که بپوشیدن
زنا عظیم غلط نیست و بعضی گفته اند که بپوشیدن زنا عظیم غلط است که بپوشیدن

تشکی در سنکلی و چسباید عبادت کلمه که نیست اورا بهره از عبادت غیر تعجب
 ای خوشا خواب نیرکان که بهتر از بی روی عبادت همقانت و خیر انقطاع
 کردن نیرکان که بهتر از روزه و بخشش و غیر نیست زیرا که خواب مقربان سون
 بنیت صحیح و قلب عاقل واقع میشود از جمله عبادات ایستانت بلکه از هر عملی
 در عالم مد سس ابرواح انبیا و اوصیا و صلح منان محسوس میگردد و در هر
 برویای صادق مطلع میگردد و راهی از راههای قربانانست انقطاع
 خردندان چنین نیست و بی ایمانیت و بوجهی که تعقلانی خواسته انقطاع
 بهتر است از این جماعت که روزه را بسنگاه خود فروشی کرده اند
 عجب مزاج سیر و نشد بهتر بدست من یکمده فصل چهارم در بیان
 و قول ماه مبارک رمضان است طلب طلال و رمضان بعضی از
 دشمنانند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون
 طلال در رمضان آید بی نهایت بر وی طلال سخن در و تقبیل بر وی دستما
 را بدو می خیزد و از من و خطاب کن ماه را و بگو

رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اهْدِنَا

بِرَبِّكَ دَلِيلًا وَبِرَبِّكَ دَلِيلًا وَبِرَبِّكَ دَلِيلًا وَبِرَبِّكَ دَلِيلًا

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ

وَالْمَسَاءِ عَوَّلِي مَا نَحْبُ وَتَرْحَمْنِي اللَّهُمَّ بَارِكْ

وَتَشْنَعْنِي بِسُورَةِ الْبَقَرَةِ دُورَتِ دُورَتِ دُورَتِ دُورَتِ دُورَتِ

از آقایی خود ترسد ترسان پشید از عذاب است او امید دارد باشد رحمت او را
 و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از چیلها و مکرها و پاکیزه
 باشد بدن تو از کثافتها و برانسی بجوی بسوی خدا از آنچه غیر او هست و در روز
 ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی
 نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان بترجی از خداوند چهار آنچه ترا
 رسیدن دوست در پنهان آشکار و پنهانی روح و بدن خود را بجای غیر
 و جل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او
 یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن خود
 است بسوی آن اگر همه نیاز ابعل آدری آنچه منزه او در روزه داشتند
 بعل آورده و فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه که کنی از آنها که بپا
 کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود از فصل آن و ثواب آن
 و بدستی که پدرم گفت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنید که زنی
 در روزه جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را
 گفت بخور زن گفت من روزه ام حضرت گفت چگونه روزه چاره خود را
 دشنام دادی روزه از خوردن آشامیدن نهام نیست بدستی که قطعاً
 روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از که دارد و گفتار بد چه
 بسیار کند روزه داران بسیارند که شکلی کنندگان حضرت امیر المؤمنین
 علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه داری که بهره نیست او را از روزه

بر سر بریزد با طهارت معنوی باشد تکرار رمضان آیند و در حدیث دیگر آمده
 که هر که در شب اول ماه رمضان چیزی بکشد یا بخورد یا بنشیند
 و ایضا منقول است که چون ماه رمضان در میان حضرت صادق علیه السلام
 فرزند آن خود را وصیت میفرمود که اهتمام کن به معنی نماز و روزه و عبادت
 عبادت که در این ماه روزها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجات
 در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی است که بهتر است از سر ماه و از حضرت
 امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که شما باید در ماه رمضان استغفار کنید
 چنانکه عافیت میکند بار از شما چنانکه عافیت میکند گناهان شمارا و زیارت
 حضرت امام حسین علیه السلام در شب اول ماه است بهترین است و از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب اول ماه رمضان شبی
 یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از او بریزد مانند برگ از درختان
 و از گناه بیرون آید باشد روز یکشنبه از ما در متولد شد است و ثواب حج و
 عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقول است که هر که در شب
 اول ماه سوره انعام را در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد
 و بر وایت دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در شب اول ماه چهار
 ده رکعت نماز نجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام
 بخواند و سوال کند که حق تعالی از دل غایت شر و رکبند خدا و رکعت
 کند از آنچه می ترسد در این ماه و حفظ کند او را از آنچه می ترسد و از بیماری

لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْتَدْنَا خَيْرَةً وَعَوْنَهُ وَأَصْرَهُ

راستی ما در ماه این ماه و روزی کن مرا نیکویی آن و ده کردن آن و بگردن

عَنْ أَصْرَةٍ وَشَيْءَةٍ وَبِئْسَ لَكَ لَعْنَةٌ وَفِتْنَةٌ

از ماهی برای آنرا و شر آنرا و بپای آنرا و آشوب آنرا

و بهترین عالمی بلال عالمی صحیفه کامله است این ابی عقل رحمه الله این عالمی

را در وقت روت بلال ماه مبارک رمضان اجب است

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَقَدْ مَنَّا زِلْكَ

سپاس بر خدای را که آفرید مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلت های ترا

وَجَعَلَ مَوَاقِيتَ لِلنَّاسِ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا

و گردانید ترا نشانی ایامات برای آدمیان خداوند داخل گردان آنرا بر ما

إِهْلَاكَ مَبَارَكًا اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ

داخل گردانیدنی بابرکت خداوند داخل گردان آن بهما با سلامتی

وَالسَّلَامَةِ وَالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى

و اسلام و یقین و ایمان و بپیکاری و پرهیزکاری

وَالْتَوْفِيقَ لِمَا نَحِبُّ وَنُرْضَى

و توفیق برای آنچه دوست داریم و پسندیم آنرا

و در شب اول ماه جمادی است و در شب اول است و در حضرت صادق علیه السلام است

است که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در هر جاری می کف است

صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ حَسْبَى لِلنَّاسِ

روزه داشتن آنرا و فرستادی آن قرآن را در جای که بایستد ای یارب عالمین

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ

آیه های روشن است از راه های هدایت و جدا کننده حق از باطل یا خدا یا نه و کن ما را در صیوم

وَقَبْلَهُ مِنَّا وَسَلِّمْ لَنَا فِي سِرِّهِ نِكَافٍ

و بعد از آنرا و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در سانی از خود و

عَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

عافیت بدرستی که تو بر همه چیز توانا هستی

و ایضا از حضرت صادق علیه السلام نقل است که چون ماه مبارک افاضه

حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا می خوانند

اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ

یا خدا یا جمیع افاضه ماه رمضان یا خدا یا ای که در کار ما

رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ

رمضان که آنرا فرستادی در آن قرآن را و کردی آنرا

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ فَبَارِكْ

بجای روشن از راه های هدایت و جدا کردن حق از باطل یا خدا یا جمیع افاضه

لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَاعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلِّ

بر ما در ماه رمضان و بدرستی که تو بر همه چیز توانا هستی

و در دوازده ماه و این شمار را ششصد و بیست و یک نفر خوانند و اگر در شب اول ماه میت و زره تمام با کعبه بند و در شب
 نیت کند بهتر است نیت چندی بکند که فردا و زره ماه رمضان بیدارم
 و حسب قرآن الهی و در روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب
 جاری سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقول
 است که چون در اول سال چنین کند از جسیع در دوا و بیماریها در
 تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول
 این ماه کف از کلاب بر سر بریزد از خواری و پرنیای بجات پاید
 و اگر سرور بکند در آن روز ازین بلاها ایمن گردد و هر یک کف از
 کلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال عرض برسانم این
 کرد و بعد از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که
 هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد از
 سجده سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه
 انما الله لا اله الا هو بخواند و بعد از نماز بصدقه بکند یا آنچه میسر شود سلاشی
 ماه را خریده است و در روز اول این ماه است

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرْتُكَ مَضَانَ وَقَدْ أَفْرَضْتُ عَلَيْكَ
 خَدَائِكَ حَقِيقَ حَاضِرَتِهِ مَاضَانَ وَتَقَبَّلْ وَاجِبَ سَائِلِي بِرَأْسِكَ

وَقَبْلَهُ مَنْتَا

وَقَبْلَهُ مَنْتَا

اینست بقبر حضرت خاندق علیه السلام منقول است که سرگزشت او در
 شب نهم در رمضان یعنی روز اول یا شب اول در رکعت نماز بگذارد و در
 رکعت اول بعد از حمد سوره انعام بخواند و در رکعت دوم سوره که خواهم
 بخواند حق تعالی جمیع بدیهار در آن سال از او و در رکعت دوم در حفظ خدا باشد
 تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین
 دعاهاست کلینی پیش طوسی دیگران هم آمده بسند صحیح روایت کرده اند که
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال
 یعنی در روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخواند و فرمود که سر که این
 دعا را از برای خدا می خواند حق تعالی بی نهایت اغراض فاسده و ریای بخواند در
 سال بعد از آن و اگر کسی که در خطر رنج و آفت بدین او یا بدین او و وحی شکر
 او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع میشود از بلاها و دعا نیست
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ كُلُّ
 شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ
 الَّتِي كَانَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلُّ

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبُّ

وانچه در آنهاست و آنچه در میان

السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ وَمِنْهَا إِسْرَافِيلُ

ج. کسانى دقواس مى و اسی پروردگار اسرائیل و

سُكَايِلُ وَجِبْرِيلَ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

یساکیل و جبرئیل دایم در دوا محمد رحمت و شادانده ابراهیم

سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ سَأَلْتُكَ بِكَ وَبِمَا

کتابخانه دستارداران و آخر پنهان بران در سوره از نو به دست نو به دست

سُمِّيَتْ بِهِ بِأَعْظَمِ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ

نابید و مند و بان اسی بزرگ مرتبہ تو ہی آگے ٹھنس بیٹھی ٹھنس بڑک و درخ نہائی

كُلُّ مَخْدُورٍ وَتُعْطَى كُلُّ جَبَلٍ وَتُضَاعَفُ مِنْ أَسْتِ

مخزن: ۱۰۰ و عطا سیغری: ۱۰۰ و عطا سیغری: ۱۰۰ و عطا سیغری: ۱۰۰

بِالْقَلِيلِ وَالْكَثِيرِ تَفْعَلْ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ

در مقابل ملک و مقابل ملل سوار و سیکنی انده خواہی امی قرانا امی خدا

بَارِحْمَن صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَالْبَيْتُ فِي مُسْتَقْبَلِ

ایم فاضل و رحمت نبوت رحمت و خاندان او دیوبند برادر آمده

سَنِي هَذَا سِتْرَكَ وَضَرَجْهُ يَوْمَكَ وَأَحْبَبْنِي

سال ۱۳۰۰ هجری قمری در روز شنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۰۰ هجری قمری

زُورِ الْبَلَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ عَيْنُكَ

زور آمدن بلا و بیامرز برای من گناهانی را که باز میدارد و باران

السَّمَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغُطَاءَ

آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که زایل میکند پرده را

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْعَلُ الْغَنَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

و بیامرز برای من گناهانی را که بشتاب می آورد و غنی را و بیامرز برای من

الَّتِي تَظْلِمُ الْأَهْوَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ

که تیره می سازد جهان را و بیامرز برای من گناهانی را که در عقب دارد

الْكَدَمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُهْذِلُ الْعِصَمَ

پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی را که میبرد پرده های عصمت را و

اعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْفَعُ الْقِسْمَ وَالْبَيْتَ عَلَيْكَ

بیامرز برای من گناهانی را که زایل میکند روزی را که بر پوستان مراد زده

الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تَرَامُ وَعَافِي مَرِيضٍ مَا أَحَادِرُ

که قصد کرده نشود و عافیت بخشن مرا از شر آنچه میترسم

بِالْبَيْتِ وَالْمَكَارِفِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ اللَّهُمَّ

در این سال من این سال خداوند را

رَبِّ السَّبْعِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ

ای سرور و کار و بار هفتگانه و ای سرور و کار زمینهای هفتگانه

فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ سَاءَ عُدِّي

درین سال از هر کرداری یا گفتاری یا فعلی که دور است از

مِنْكَ وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَتَقَرَّبُ مِنِّي

از تو و بکشان مرا به سوی هر عمل یا قول یا فعل که نزدیک

مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي

بنو در این سال از هر بدی که در این سال و از هر

مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ

از هر عمل یا قول یا فعل که است از من که ترسم ضرر

عَاقِبَتِهِ وَأَخَافُ مَقْتِكَ أَيَايَ حَيْكَةِ حَذَارِ أَنْ

عاقبت او را ترسم و ترسم دشمنی کردن تو مرا و از آن

تَضَرُّكَ وَتَجْهَلَكَ أَلَيْسَ بِمَعْنَى فَاسْتَوْجِبْ بِهِ

که در آن روی لطف کرای خود از من پس استن کرد و پس

نَقْصًا مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ اللَّهُمَّ

که کردن از بهره که است نزد تو ای مهربان ای بخشنده

اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي خِفْظِكَ وَ

که در آن مرا در آینده سال من برسان در حفظ خود

فِي جَوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّئْنِي شَرَّ عَافِيَتِكَ

در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا پوشش عافیت خود

يَجْعَلُكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِّفْ كَرَامَتِكَ وَارْزُقْ

درستی مکنوز و برسان نما بخله دسی خود و وارزش بند و بی خود

عَطِيَّتِكَ وَاعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ

عطیه بزرگ رتبه خود و عطا کن مرا از خیرین آنچه شایسته است و از خیرین

مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَالْيَسْنَى مَعَ

آنچه تو عطا فرما تا آنرا بجایی از آفریده گان خود و بهشتان مرا با

ذَلِكَ عَافِيَتِكَ يَا مُؤْتِيعَ كُلِّ شَكْوَى وَبِأَسْأَلِهِ

و خود آن عافیت خود ای قرار دهنده - تسکین دهنده دای دانی

كُلِّ بَجْوَى وَبِأَعَالِمِ كُلِّ خَفِيَةٍ وَبِأَدْفِيعِ مَا تَشَاءُ مُرْ

در هر دانی و دانی بر پنهان دای ترافیل فایده دهنده خواهی از

بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْغَفْوِ يَا حَسَنَ الْجَاوِزِ تَوْفِي كُلِّ

بلا ای کریمی غفوه ای بخیر تو دهنده ای بر هر

مَسْأَلَةٍ أَرَاهِبُكُمْ وَفِطْرَتِهِ وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

مسئله ای بر شما و فطرت او و بر دین محمد صلی الله علیه و آله

وَالِهِ وَنَسْتِهِ وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَقَّيْ مُوَالِيَا

و اهل او و طرفه او و بهشت او و بر خیر الوفاة فتواری موالیای

كَأُولِيَانِكَ مُعَادِيَا لِعَدَائِكَ اللَّهُمَّ وَجْهِي

مردمستان تو و دشمن به دشمنان تو خداوند و خود گردان مرا

وَأَلِمْ

كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خواجه رفیع کردی از سفر خود محمد رحمت خدا پرور

هَوَّلَ عَدُوَّيْهِ وَفَرَجَتْ لَهُمُ الْكَشْفَتِ نَعْمَةٌ وَصَدَقَتْهُ

شد دشمن او را و گشودی اندوه را و این کردی بکار او راست

وَعَدَكَ وَأَتَمَمْتَ لَهُ عَهْدَكَ اللَّهُمَّ فَذَلِكَ فَكُنْ

وعدۀ خود را و اگر می دادی عهد را خدا را بسوی او

هَوَّلَ هَذِهِ السَّيْرَةِ وَأَفَانِيهَا وَأَسْقَامَهَا وَفَتْنَهَا

خوار کردی این سفر را و پستی آنرا و بیماری آنرا و آفت آنرا

وَشَرَّ رَهَائِهَا وَأَحْزَانِهَا وَضَبَقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَتَغَوَّرَ

و بدترین آنرا و اندوههای آنرا و سکن معاش را در آن و در میان

عِلْمِكَ كَمَا أَنَّ الْعَرَفَةَ بِمَا مَدَامِ الْعَرَفَةِ عِنْدَ

در باب رحمت خود بجا می دانی تمامی که میشد بدین نعمت نزد

إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِ اسْتِثْنَاءِ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ

تا آخرت هر کس سوال بکنم را مانند سوال کسی که بد کرده و ظلم

وَأَسْعَكَانَ وَأَعْبَرَتْ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي

و سختی کرده و اجتراف نموده و غافل و غصب و در آنچه از تو میباید

مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتُهَا حَقَّقْتُكَ وَ

آنچه گذشته از گناهانی که فرا گزیده آنها را بر ششون نویسد که تو

وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ شَأْنُكَ

و به بخش مرا از شرف خود از جند است مباد نو و بزرگست سزودن

لَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي بَابًا لِصَالِحِ مَنْ مَضَى

نیست از پیشش غیر تو خدا و ما بگردان مرا پر و نیکو کار آنکه گذشته است

مِنْ أَقْبِيَائِكَ وَالْحَقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسْلِمًا لِمَنْ

از دوستان تو و در پیوسته ترا با ایشان و بگردان مرا بنده را برای آنکه

قَالَ بِالْصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ

گو باشد بر راستی بر تو از ایشان و پناه میکنم بر تو

أَنْ يُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَرَبِّهَا

از آنکه فرو گیرد مرا گناه من و ظلم من و تعدی من بر نفس خود و بر ربی

لَهُوَايَ وَاشْتِغَالِي لَشَهْوَايَ فَيُجِزَّ لِي ذَلِكَ يَكُنِي وَ

مرا ببرد مرا بپشت من و اشتغال مرا بپشت من و ببرد مرا بپشت من

بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرَحْمَةِ مَنْ يَكُونُ مَنَسِبًا عِنْدَكَ

میان رحمت تو و رحمت کسی که باشد منسوب نزد تو

مُنْتَعِزًا سَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَفَقْنِي لِكُلِّ

راشتر آئیده از غضب تو و عتاب تو خداوند تو فتن ده مرا برای

عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَمَلِي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى اللَّهُمَّ

که کار نیاید که خوشش و دوستی پس من او را نزدیک گردان و نزد تو را

وَهَذَا شَهْرٌ عَظِيمٌ وَكَرِيمٌ وَشَرِيفٌ وَفَضِيلٌ

داین بهت که بزرگ و گرامی و اشراف و عزیز و شریف است

عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَ

بر همه ماهها و آن ماهی است که واجب کردی روزه را

عَلَى وَهُوَ شَهْرُ مَضَى الَّذِي أَرْكَتَ فِيهِ الْقُرْآنَ

بر این و آن ماهی است که در او فرستادی این قرآن

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

و جعلت فيه لكمة القدر وجعلتها خيرا من

و گردانیدی در آن ماهی نشانی قدرت را و گردانیدی آن را خیرتر از

أَلْفِ شَهْرٍ فَيُكْرَمُ الْمَنْ وَلَا يَمُنْ عَلَيْكَ مِنْ عَلَى

هزار ماه کسی ای خداوند اعطاد حال نکند که آنست که تو بخشنی که بر یک ماه

رَقِيتِ مِنَ النَّارِ فَمِنْ ثَمَرِ ثَمَرِكَ وَأَدْخَلِي الْجَنَّةَ

کردن من از آتش در دوزخه آنکه بخشنی تا از بهشت و داخل گردان مرا بهشت

رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

رحمت خود ای بخشنده ترین

و دعای بسیار خوب است اقله شنبی یک مرتبه بخواند شود و بسند صحیح

است که هر که در شب چهار بار آنرا بخواند کناه چهل ساله او آفریده شود

أَخْصَتْهَا كِرَامًا مَلَائِكَتِكَ عَلَى وَأَنْ تَعِصِمَنِي اللَّهُ

نموده آنرا بر کرام و در شکاں تو بمن و آنکه نگاه داری مرا خدا ای من

مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي إِلَى مُسْتَهَيِّ أَجَلِي يَا اللَّهُ

از گنہان و آنچه باقی مانده از عمر من تا آخر اجل من ای خدا

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ

ای بخشنده ای مهربان رحمت بفرست بر محمد و خاندان او

وَأَنْتَ كُلِّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَبِّتُ الْبَيْتِ

و عطا کن مرا هر آنچه سوال کردم از تو و رعیت این بیت

فِيهِ فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالْإِعْمَارِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْإِجَامَةِ

در آن زیرا که تحقیق امر کردی بدعا و خداست حاکم کردن دعای

إِلَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مرا ای بخشنده ترین بخشنندگان

فَضْلُ خَيْرِ عَمَلٍ فِي رَجَبٍ وَفَرَادِيسِ مَهَارِجِ مَضَانِ

و حضرت امیر موسی کاظم صلوات الله علیهما منقول است که بعد از سر نماز در ماه مبارک

رمضان این دعا بخواند

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا عَفُوُّ يَا رَحِيمُ أَنْتَ الرَّبُّ

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان تو ای پروردگار

الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

بزرگ آنکه چیزی مانند او نیست شنوای بینا

که هر کس سوره انا انزلناه در وقت سحر و در وقت افطار بخواند در باطن این حالت
 ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود حطبه باشد
 و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحر بکنند بهتر است و از اول شب احزاب
 نیت می توان کرد و همین که میدانند قصد دارد که فردا روزه بگیرد و در روز اول
 خدا بیکر لبس است و اما بعد از آن نماز است که اول نماز باشد و بگوید
 از من افطار کند بگوید یا الله تعالی و بر نه یا الله که سنگی در شکم را غایب شد
 که با معضوری قلب نه باشد در نماز که درین دو صورت اظهار مقدم داشتن
 این دو قولی اظهار سوره انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه هستی و حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در افطار بگوید

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَنْتَ إِلَهِي يَا إِلَهَ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ
 ای بزرگوار ای بزرگوار خدای منی نیست خدای مرا غفرتو بیاورد برای من گناه
 الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ
 بزرگ را بدرستی که نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

از گناهان برون رود و مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و از حضرت
 امام حسن علیه السلام منقول است که هر روزه و در هر روزی در وقت افطار دعا کند

استغاث است پس باید در تهمه اول بگوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي
 نام خدا را بخواند مردمان آسمان را رزیده آمرزشش بیاورد مرا

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذَا الشَّهْرِ مُضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ

خداوند ایزد پروردگار ماه رمضان که فرود فرستادی در آن قرآن را

وَافْتَرَضْتَ عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلَى

و از اجابتی بر بندگان خود در آن روزه داری رحمت بفرستی

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حُجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

محمد و آل محمد و روزی کن مسجد حرام خود در آن سال

هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاعْفُ عَنِّي ذُنُوبِي

این سال و در هر سالی و بیازد برای من آن گناهانم

الْعِظَامُ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا حَزِينُ

بزرگ را زیرا که تحقیق می آید زوان گناهان اغیر تو نیستی ای غمناک

وایضا بر شب نهار مرتبه سوره انا انزلناه سنت است

سوره حم دغان اگر میسر شود و بخورد در روز شنبه مبارک است

است و آن حضرت منقول است که ترک کند است من بخورد

را اگر چه بکشد آن خرمای بون باشد و ایضا از آن حضرت منقول است که

حق تعالی و ملائکه صلوات بفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سجده

میخورد پس سجده بخورد یا اگر چه بیک شربت آب باشد و بهترین سجده فادوست

و بخورد و ایضا فرمود که سجده بخورد اگر چه بچوبه ای باشد و خدا صلوات

در رحمت بفرستد بر سجده خود کند کلین از حضرت منقول است

پهلوه صد بار برضا عفت کرد و در حضرت صادق علیه السلام منقولست
 که افطار کردن بآب کنایمان دل را میثوب دهد و حدیث دیگر فرمود که نیت البیرون
 علیه السلام دوست میداشت که افطار را با پیشبیر و از حضرت امام رضا علیه
 السلام منقولست که هر که در وقت افطار یک کرده نان تصدق کند
 بر مسکینی خدا کنایمان او را پامرز و دو ثواب یک بنده ازاد کردن از فرزندان
 اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزهای شبهای مبارک
 رمضان تلاوت قرآن است بسیار باید خواند چون در بنیام نازا شده است
 و در ماه های دیگر در ایامی بختم سنت است و اقلش شش روز است در ماه مبارک
 هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوبتر است
 حدیث است بعضی از کرمه علیه السلام در بنیام چهل ختم و زیاده میکرد که هر ختمی
 ثوابش را بروح مقدس امامی از ائمه علیه السلام و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات
 علیهم اجمعین میکند ثوابش برضا عفت میکرد و وصلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید
 خواند و استغفار بسیار باید کرد لا اله الا الله بسیار باید گفت و افطار
 شب در روز نیک بناید کرد و در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل است
 خصوصاً شب اول و پانزدهم و هجدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و دوم و در
 آخر در شبهای خفت نیز غسل سنت است خصوصاً شب که خود روز و ایامی دارد
 شکر است که در جمیع ماه بر شب غسل مستحب است و بسند بخیر حضرت صاحب الامر علیه

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امیر مومنان علی علیه السلام منقول است که در روز
اللَّهُمَّ لَكَ صُغْتُ وَعَلَى رِيقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ وَكَلْتُ
بار خدا یا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه کشودم و بر تو که اشتهایم کار خود را
تا خدای تعالی عطا کند با تو ثواب هر کس را که درین روزه داشته است
و در روایت دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام در وقت
افطار بدو از ائمه می نشستند و چون از ائمه می گذشتند می گفتند

اللَّهُمَّ لَكَ صُغْنَا وَعَلَى رِيقِكَ أَفْطَرْنَا فَقَبِّلهُ مِنْ أَمَّا لَكَ
بار خدا یا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه کشودیم پس بر این آیه است
اِنَّكَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
تو ای شنوای دانای

و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت سالت بن ابی حمزه علیه السلام
افطار می کرد و در آن آب یا طعمه آب و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت
افطار می فرمودند و در آن آب یا طعمه آب می ریختند و می خوردند و می گفتند یا خدایا
اینکه می کند معده را خفیه می دهد و در روایاتی باز یاد میکنند و گنایا را
می شود و عرق را که می خورد و در معده می ماند و قطع می کند
و در روایاتی حرارت می کشد و صداع را برطرف می کند و اینها از حضرت
علیه السلام منقول است که هر که این را بخورد ثواب بسیار

بَلَاءٍ قَدْ فَكَّرْتُمَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْذْ صَاحِبَةً وَلَا

وَلَدًا وَلَا يُكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَا يَكُنْ لَهُ دَلِيلٌ

مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي يَجْمَعُ عَامِلِيهِ كُلِّ

عَلَى جَمْعٍ نِعْمَةٍ كُلُّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ

فَلْيَكُنْ لَهُ وَلا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ وَلَا

لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَأَخْذُهُ الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ عَمْدُهُ

الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَكُنْ الَّذِي لَا تَقْصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ

كَرَّةُ الْعَطَاءِ وَلَا تَجِدُ أَوْكَا أَنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْقَوِيُّ

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

سپاسگفت که بشیعیان نوشته اند که در شب بارگاه مبارک رمضان اینها را
خوانند که دعای اینها را ملائکه میخوانند و برای حاجت استغفار میکنند و دعای
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ مَسَدَ الْبُخْرَى
خداوند ای در شکی که میخارد بنمای خود را به پاس تو و تو توفیق میدی برای صواب
بمن و ایستگرت آنکه انت آرحم الراحمین فی موضع
بخش خود را در که هر که بخش تو بخشنده ترین اینجایند گاهی در جایگاه
العفو والرحمة واشهد المعافین فی موضع
عفو و رحمت و سخت گیرنده ترین عفو بکنند گاهی در جایگاه
والتفقة واعظم المجرین فی موضع الکبریا و العظمة
و تقدیر و بزرگ ترین بزرگوارانی در جایگاه بزرگوارانی و عظمت
اللَّهُمَّ اذْنَتِ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسَلَمَتِكَ فَاسْمَعْ
خداوند ای استوری دادی مرا در دعای خود و نظر داشتن از خود پس بنده
اللَّهُمَّ اذْنَتِ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسَلَمَتِكَ فَاسْمَعْ
خداوند ای دعا مرا و بپذیر ای مهربان دعای مرا و در کند ای عزیز
عزیز من فکرم یا ایلهی من کربة قد فرجتها و همعفت
از غم من پس ببین ای خداوند این از اندوه که کشود می آن با و غمها
کشفها و عسرة قد اقلتها و رحمة قد کثرتها و اخلقها
از غمها و اندوهها که کشود می از آنها و رحمت که تحقیق پس کردی و

عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَنْطَأَ عَنِّي

بر تو در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو سپردم که در زب تو از من

غَنَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ

غصب نمودم بنا دانی خود بر تو داشت که آنچه در یک دور زد و او را بر آن

خَيْرِي لِعَلَّكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَمْوَلِي كَسْرِي نِيَامَا

بهر باشد برای من بجهت علم تو با خیر کارها پس ندیدم سبب پذیر کردی

أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَيْسَ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُو

تو نیندازد بر بند و سزا از تو بر من ای پروردگار من خفین و بخوانی

فَأُولَى عَنَّا وَتَحَبَّبَ إِلَيَّ فَأَتَّبَعُكَ إِلَيْكَ وَتَوَقَّ

پس رو میکرد و اتم از تو و دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنی بسوی تو و هرگاه

إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي الطَّوْلَ عَلَيْكَ

بسوی من پس قبول میکنم از تو گویا مرا احسان است بر تو

فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ بِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ

پس باز نداشت ترا آن از ایوبانی بن و احسان بسوی من

وَالْتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَأَرْحَمُ عَبْدَكَ

و بخشش بر من و بخشش خود از هر کار کردی خود پس راحم کن بنده

الْجَاهِلِ وَجَدَّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِلَيْكَ جَوَادُ

خود را و بخشش کن بر او بدیداری ب بخشش خود و هر سببیکه در بخشند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ فِي

خداوند ابرو سنگ من سوال میکنم از تو اندکی از بسیار ^{با احتیاج من}
إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَعِثَاكَ عَنْهُ قَدِيرٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ

بسی آن بسیار ولی نیازی تو از آن ^{بسیار است} و او نزد من بسیار است
وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ لَيْسَ بِكَ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذُنُوبِي

و آن بر تو سهل ^{و اندک است} خداوند ابرو سنگ عفو تو از گناه من
وَجَاءَ وَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفَحْتَ عَنْ ظُلْمِي وَسَهَوْتَ

و تجاوز تو ^{از خطای} و در گذشتن تو از ظلم من غفرت و سبقت
عَلَى قَبِيحٍ عَلَيَّ وَحَلَمْتَ عَنْ كَثِيرٍ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ

بر گرد از زشت من و بر دباری تو ^{از گناه بسیار من} نزد آنچه یافت شده
مِنْ خَطَايِي وَعَمْدِي أَطْمَعُنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا

از خطای من ^{و عمد من} بطمع انداخته مرا در آنکه سوال کنم ترا آنچه را که بیشتر
أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ إِلَهِي سَرَّ قَسْتِي مِنْ رَحْمَتِكَ أَمَّا

سزا دار آن ^{از تو را آنچه می گیرم} و دزدی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا
مِنْ قُدْرَتِكَ وَغَرَقْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ قَصُرَتْ أَدْعَاؤُكَ

از توانای خود ^{و شناسانیدی مرا} از اجابت خود پس کردیم که میخواهیم ترا
وَمَا أَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا حَافِئًا وَلَا وَجَلًا مَدِيدًا

با یمنی و دزدی خواهیم ترا ایمن ^{و از ندهنده} ترسان و بی بیم ^{نازگسند}

وَأَعِظْهُ بِعَاقِبَتِ قَوْمٍ بَعْدَهُ أَلَمِيعًا وَتَوَاصَّعًا

وَمَا يَكُنْ مِنْكُمْ مَن يَتَذَكَّرُ إِذْ أُوذِيَ عَلَيْهِ يُفِيكُ بِهِ عَذَابَ اللَّهِ الْعَظْمَاءُ قَبْلُ يَقْدِرُ بِهِ مَا يَشَاءُ اللَّهُ

لَهُ الَّذِي خَلَقَ نَبِيَّ حِينَ أَنَا ذِيهِ وَيَسِّرُ عَلَى كُلِّ عَسَاةٍ

وَأَنَا أَعِظُ بِهِ وَيَعْظُمُ النِّعْمَةُ عَلَى فُلَا حَا زِيهِ

فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَبْنَاهُ قَدْ عَطَانِي وَعَظْمَةٌ

مَعْلُومَةٌ قَدْ كَفَانِي وَبَهْوَ مَوْثِقَةٍ قَدْ أَرَانِي وَبَلَّغَنِي

مَوْثِقَةٍ قَدْ دَرَأَتْ عَنِّي فَأَنَّى عَلَيْكَ حَامِدًا وَذَكْرًا

مُسِيحًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَهْتَكُمُ جَلَالُهُ وَلَا يَفْلُحُ بَابُهُ وَلَا

يَسْأَلُهُ وَلَا يَخْشَى إِلَّا اللَّهَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ بِالْمُتَّقِينَ وَ

يُؤْتِيهِمْ مِنْ حَيْثُ يَشَاءُ

کتاب الحمد لله مالک الملک بحر الفلک مسخر الزیاد
بر کوه ساس خوار که خداوند شایسته و آن سادگان کنی های رام سازنده باد و ملک فزنده
الاصباح دیان الدین رب العالمین الحمد

سیدہ دہم خاوند ہندہ روزجرا پروردگار جہا نیاست سہاس

موجودہ ایڑا پر ردباری اور بعد ازاں علم و سلیس حدیث پر عفو و

پس از توانائی او و سپس خدایار او درازی در آباد در غایت

و حال آنکه او تواناست بر انوار او نه باشد سبب مراد از اینست

فراخ سازن روزی نکاشته

...فانما الذي بعد ولا يكر

وَسَبِّهِمْ يَجُوزُ بِمَارِكٍ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ

لَذِي يَسْأَلُهُ مَنَازِعُ عُدَاوَاهُ وَكُشْبَةٌ تَسْأَلُكَ

میت برای او را کونخنده که بر اثر می کشند او را و نه بافت که

سُورَةُ الْأَنْعَامِ وَتَحْيَى الْمَوْتَى وَهُوَ حَيٌّ

وَنُورَانِ شَدِيدِ الْمِيلَانِ وَنُورَانِ وَنُورَانِ سَيِّدِ الْمَوْتَى وَنُورَانِ

لَا يُؤْتِيهِ سِوَاكَ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ

كَرِيمُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَكَرِيمُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَكَرِيمُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ

وَصَفِيَّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ

رَبِّكَ وَكَرِيمُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَكَرِيمُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

حَافِظِ سِرِّكَ وَمُبْلِغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلُ أَجْسَدِ

وَكَاةٍ دَانِدَةٍ زَاوَرِ دَرَمَانِ جَلِيمِ تَدِ زِيَادَةٍ دَانِدَةٍ

وَأَجَلِ وَأَكْمَلِ وَأَرْكَكَ وَأَسْنَى وَأَطْلَبِ

وَأَطْهَرِ وَأَسْنَى وَأَكْمَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

وَبَارَكْتَ وَبَارَكْتَ وَبَارَكْتَ وَبَارَكْتَ وَبَارَكْتَ

وَتَرَجَمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ

وَتَرَجَمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ

عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ

نَبِيَّكَ وَرُسُلَكَ وَرُسُلَكَ وَرُسُلَكَ وَرُسُلَكَ

يَتَجَيَّ الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَخْطَعُ

میراند صالحان را و بر میدارد ناتوانان را و پست زاد

الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ الْآخَرِينَ

میردگان را و نیست میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ مُدْرِكِ

و سپاسین بر خداوندی در شکستن بگبران را و پاک سازند ستمکاران را و در پند

الْمَارِبِينَ وَتَكْلِ الظَّالِمِينَ تَخِ الْمُسْتَضْعَفِينَ مَوْضِعِ

میردگان و زندگانشن ستمکاران و در خداوندان و برادران

حُجَّارِ الطَّالِبِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ أَجْمَلِ اللَّهِ الدُّنْيَا

مجاور است سوار گشته کسان اعتماد کرده شدن کردگان سپاس بر خداوندی که

مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعْدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَتَرْجَفُ الْأَرْضُ

از ترس او و مضطرب است آسمان و تزلزل کردگان او و می لرزد زمین

وَعَمَلُهُمْ فِي عَمَلِهِمْ وَمِنْ كَيْفِهِ فِي عَمَلِهِمْ أَلَمْ يَخْلُقْ

و کارهای آنها در کارهای آنها و از چه در کارهای آنها و آنکه شهادت میکند در کتاب آن بسیار خیر

الَّذِي هَدَانَا هَذَا وَمَا كُنَّا لِنُؤْتِدَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

که راه نمود ما را این و نبودیم که راه یابیم اگر نمی بود آنکه راه نمود ما را خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ لَوْ يَخْلُقُ وَيَرْزُقُ وَلَا يَزُولُ وَوَيْلٌ

سپاسین بر خداوندی که آفریننده و آفریده نشده و روزی بود و روزی نیست و ویران

مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ وَمُحَمَّدِ بْنِ

محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن

عَلِيِّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالحَلَفِ الْعَاقِلِ

علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حاکم بن محمد

الْمُهْدِيِّ تَجَلَّكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَمْنًا نَيْتُكَ فِي

راه یافته محبت ای تو بر بندگان تو و امانت امان تو در

بِلَادِكَ صَلَوَةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ وَصَلِ

شهرای تو محبت بسیار پیوسته خداوند رحمت بفرست

عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ

بر خداوند امر خود بر پایسته امیده استند شده و دادخواه انتظار گرفته شده

وَحَقِّهِ بِمَلِكِيَّتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيَّدْهُ بِفَوْجِ الْعَقَدِ

و در دگر او را بفرستگان خود که نزدیکانند و قوت ده او را بفرج عقد

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ

ای پروردگار جهانیان خداوند انان او را خواننده بسوی کتاب خود

وَالْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَنِي

و بر پا دارنده دین خود خلیفه گردانید در زمین از بنی

اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي

خلیفه گردانیدی آنرا که بودند پیش از او و جاد ای برای او دین او را که

وَأَهْلَ الْبَيْتِ كَرَامَةً عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ أَلَمْ تَعْلَمْ

واینها که را به این بزرگواری تو از خلق تو خداوند

صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَضَّحِي رَسُولِ مَرْحُومٍ

رحمت بفرست بر علی پادشاه کرمزبان و بر من رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ حَبِيبِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَ

جانیان پندیده تو و دوست تو و برادر رسول تو و

مُحَمَّدَكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَيَّتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبِيَّ

محمد تو بر آفریدگان تو و نشان بزرگی تو و خدای

الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ

بزرگ و محبت بر درست گوئی پاک فاطمه

الزَّهْرَاءَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى

زهره پادشاه زنان عالمین و رحمت بفرست بر

سَيِّدِي الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْهَدْيِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

واینها که را به این بزرگواری تو و بر من راه ناهای حسن و حسین

سَيِّدِي مُشَابَّيْهِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى إِيْمَةٍ

دو بزرگ جویان این بهشت و رحمت بفرست بر پیموایان

الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَحُجَّيْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ

مسلمانان علی بن حسین و حجت بن علی و جعفر بن

يَسِّرْ لَنَا وَتَرْتُفَاتِنَا كَامَةً الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ
بِسُورَةِ رَاهِ خُودِ وَرَدِ كُورِ رَا بِيَانِ كَرَمَتِ اِيْرِيْنِ دَانِ جِهَانِ خُداوند
مَا عَرَفْتَنَا مِنْ الْحَقِّ فَحَسِّنَا لَهُ وَمَا قَصَدْنَا عَنْهُ
اِنْ شَاءَ سَابِقُ مَا اِنْ حَكَمْتَ بَيْنَ بَيْنِ مَنْ اَنْ لَسْتَ وَانْجُو بَارِئُ غَمْرِ اَزَلِ
فَلْيُعْزَاةَ اللَّهُمَّ الْمَقْرِبَةِ شَعْنَنَا وَاشْعَبْ صَدْعَنَا
بِسَبْحَانِ مَا رَا بِيَانِ خُودِ خُودِ رَا بِيَانِ كَرَمَتِ اِيْرِيْنِ دَانِ جِهَانِ خُداوند
وَاَزْتُرْ بِهِ فَتَقْنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَاعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنَا
وَالْيَسَّامُ وَهَجْرَتَا وَبِشَايِشِ رَاوِ سَبَارِ كُنْ يَسْبِقُ كُورِ رَا وَاَرْجُو سَابِقُ خُودِ
وَاعْرِضْ بِهِ عَائِلَتَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَبْغَرِنَا وَاجِبِ بِهِ
دَلِ يَتَاوَكُنْ وَبِشَايِشِ رَاوِ سَبَارِ كُنْ يَسْبِقُ كُورِ رَا وَاَرْجُو سَابِقُ خُودِ
فَقْرَنَا وَوَسِّدْ بِهِ خَلَّتَنَا وَكَسِّرْ بِهِ عُسْرَتَنَا وَبِضَرْبِ
اجْتِاحِ رَاوِ سَبِقُ كُنْ حَاجَتَا رَاوِ سَبِقُ كُنْ يَسْبِقُ كُورِ رَا وَاَرْجُو سَابِقُ خُودِ
وَجَوْهَنَا وَفَلَتْ بِهِ اَسْرَتَنَا وَانْجِ بِهِ طَلِبَتَنَا وَانْجِزْ
رَاوِ سَبِقُ كُنْ يَسْبِقُ كُورِ رَا وَاَرْجُو سَابِقُ خُودِ
بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَاعْطِنَا بِهِ
بِسَبْقِ دَعْوَةِ كُورِ رَاوِ سَبِقُ كُنْ يَسْبِقُ كُورِ رَا وَاَرْجُو سَابِقُ خُودِ
سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِمَالَتَنَا
سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِمَالَتَنَا

ارْضَيْتَهُ لَهُ اَبَدًا مَرْغَبٌ خَوْفٌ اَمَّا يَعْبُدُ لَكَ

بسندهی او را برآورد و بر او برسانم او بپسندد ترا

لَا يَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعِزُّوْهُ وَاَنْصُرْهُ

کسی نمی تواند با تو چیزی را خداوند اعز گردان و او را اعز گردان و نصرت ده

وَاَنْصُرْ بِهِ وَاَنْصُرْهُ نَصْرًا عَظِيْمًا وَاَفْشَحْ لَهُ مَخْرَجًا كَيْسِيًّا

و انتصاری بده و انتصاری بده نصرت عظیمی و او را فسخ کن که مخرجی کسبی را

وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا

و بگردان برآورد از نزد خود حجتی بر روی نهاده

اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دِيْنَكَ وَاسْتَنْصِرْ بِكَ حَقَّ

خداوند را ظاهر کن دین خود را و طریق پیغمبر خود را تا اینکه

لَا يَسْتَخْفِيْ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ خِيفَةً اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ

پنهان ندارد چیزی از حق بجهت بیم کسی از آفریدگان

اِنَّا نَرْغِبُ اِلَيْكَ فِيْ اَمْرٍ كَبِيْرٍ نَعْرِضُكَ

درست می آوریم به سوی تو در امری بزرگ که عرض داریم

اَلْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَتَدُلُّ بِهَا الْبِفَاوَةِ وَاَهْلَكَ

اسلام و اهل اسلام را و خود را و اهل خود را و اهل تفاق را

وَتَجْعَلْنَا فِيْهَا مِنَ الدُّعَا اِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةَ

و بگردانیده در آن از خوانندگان بسند طاعت خود و سرمدگان

لَا تُضِرُّ تَكْثِيفَهُ وَتَضِرُّ تَعْرِفَهُ وَسُلْطَانِ حَقِّ

که بشناسد و بداند و بداند که رفع غمائی آزار و بیماری که غالب کردانی او را و بادشاه

تَظْهِرُهُ وَرَحْمَةً مِنْكَ تَجْلِيهَا هَا وَعَافِيَةً مِنْكَ

که برسانی او را در رحمت از خود که فرد گیرم ما را بان و عافیتی از خود

تَلِيسُنَا هَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که میروانی ما را بان به بخشش خود ای بخشنده ترین بخشنایندگان

و بسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که هر شب این ماه مبارک این دعا بخوانند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ قِيَمًا تَقْضِي وَتَقْدِرُ

خداوند ابدی سئید من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی در جلد آنچه حکم کرده و تقدیر نموده

مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوِّ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي

از امر واجب گردیده در امر موافق حکمت اداان حکمی که

لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدُلُ أَنْ تَكْتَبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

که باز نماند و نماند که بنویسی مرا از حج کنندگان خانه

الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ بِرَحْمَتِكَ وَسِعَتْهُمْ الْمَغْفُورَةُ

محترم خود که پذیرفته باشد حج ایشان جزا داده شود و حرکت ایشان آزار پذیرد شود

ذُنُوبُهُمْ الْمَكْفُورَةُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَنْ تَجْعَلَ قِيَمًا تَقْضِي

گناهان ایشان در که شسته شود و از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در جلد آنچه حکم کنی

وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمُسْتَوَلِينَ وَأَوْسَعِ

و عطا کن ما را ب رحمت او بالای خواست ما ای بهترین سوال شدگان و ذرا گیرنده ترین

الْمُعْطِينَ اِشْفِ بِهٖ صَدْرَنَا وَارْحَنَا وَادْهَبْ بِهٖ

بخشدگان شفا ده بسبب او سپینهای ما را و بر سبب او

عَظْمُ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهٖ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ

خشم دلهای ما و راه نمایی کن با ما آنچه اختلاف کرده شده است در آن از

الْحَقِّ يَا ذِيكَ اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ لَسْتَ اِلَى الصِّرَاطِ

امر حق بر خست تو بدرستی که تو هدایت میکنی آنرا که خواهی به سوی راه

مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهٖ عَلٰى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا

راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود و دشمن ما

اَللهُ الْحَقُّ اٰمِيْنُ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْكَ اِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّنَّا

ای خدا ای حق ای یمن دعا می بر این خداوند و خدا بدو شکایت میکنیم بسوی تو باین سخن

صَلُّوْكَ عَلَيْهِ وَاَلِهٖ وَغِيْبَةً وَلَيْتًا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا

بر منهای تو و بر آل او و دینها را صاحب اعتبار ما و بسیاری دشمن ما

وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بَيْنَنَا وَتَطَاَهَّرَ الزَّمَانُ

و کمی شمار ما و سخت شدن آفتها بین ما و یاری دادن زمانه

عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَلِهٖ وَاَعِنَّا عَلٰى ذٰلِكَ بِقُوَّةٍ

بر ما پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را بر آن بکشتایش از خود

فَالْيَسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَنَحْجُ بَيْتَكَ الْحَرَامَ وَنَقْتُلَا فِي

پس بپوشان ما را در برای دریافت شب قدر و حج خانه محترم خود و کشتن شدن

سَبِيلِكَ فَوَقِّقْ لَنَا وَصَاحِجَ الدَّعَاءِ وَالْمُسْتَلَّةَ فَإِذَا

راه قرب خود پس توفیق ده ما را دشایسته دعا و سوال ما را بپذیر

لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برای ما درگاه فراهم آوری پیشینیان و پسینیان را در روز رستخیز

فَأَرْحَمْنَا وَبَرَّأَهُمْ مِنَ النَّارِ فَأَكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ

پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش بنویس برای ما و در روز رخ

فَلَا تُغْلَبْنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهُوَ أَيْكَ فَلَا تَسْتَلِنَا وَنَ

پس غلبه کن ما را و در عذاب خود و غواری از خود پس مبتلا کن ما را و از

الرَّقُومِ وَالصَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا

در پخت زقوم و غار خشک هر دایم بخوردان ما را و با دیوان پلید پس مگردان ما را

وَفِي النَّارِ عَلَيَّ وَجُوهِنَا فَلَا تَكْسِبْنَا وَمِنْ شَيْءِ النَّارِ وَ

در آتش بر روی ما پس بکن ما را و از جانب شئی آتش

سَرَابِيلِ الْقِطْرِ إِنْ فَلَا تَلِيَسْنَا وَمِنْ كُلِّ سَوْءٍ يَكْلَاهُ إِلَهُ

برای بنهای قطره ای پس بپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدای

إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَتَجْعَلْنَا مَا دُعَايَ سَوَّيَّةً

یکدروز بحق لا اله الا انت پس بران ما را ۵ معتبر واروده است

وَتَقَدِّرْ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ

و اندازد کنی آنکه در آنکه عمر مرا در نیکی و عافیت

تَوْسِيعَ فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ

آنکه کنایه بخشش در روزی من و بگردانی مرا از آنکه انتقام کشی سبب ایشان را می

بُولَا لَتَسْتَبْدِلَ بِي غَيْرِي وَاسْنِدَ عَامِي عَالِيَةِ الْمَضَامِينِ نِزْوَرِهِ

و بدل کن از من غیر مرا شب و ارد شده است

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّاحِحِينَ فَادْخِلْنَا وَفِي

خداوند ابر رحمت خود در زمره شایستگان پس داخل کن ما را و در

عَلِيِّينَ فَأَرْفَعْنَا وَبِكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ

علیین پس بلند کن ما را و بجای از شد آب شیرین از چشم

سَلْسِيلٍ فَأَسْقِنَا وَمِنْ الْحَوْرِ الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ

سلسیل پس آب ده ما را و از دیدگان فراح چشم بر رحمت خود

وَرَوْحَانِ الْوَلَدَانِ بِالْمَخْلُوقِ كَأَنَّهُمْ كَوَلُوا

پس زن ده ما را و از که و کان باوید مانند کان کو با ایشان مر و در

مَكْنُونٍ فَأَخِذْ مِنْكَ وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَكُحْلُ الطَّيْرِ

پوشید و اند پس فادم بخش ما را و از میوه های بهشت و کوشتهای مرغ

فَاطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَلَا تَسْتَبْرِقْ

پس بخوران ما را و از بیاهای دیبای فاخر نازک و پریشی و دیبای سطر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

خداوند ابدستیک من سوال میکنم از تو بجز بزرگی تو سر بزرگی خداوند ابدستیک من

أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ يَا نُورُ وَكُلِّ نُورِكَ بَيْنَ

سوال میکنم ترا از نور تو بر روشن ترین آن و هر نور تو روشن است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

خداوند ابدستیک من سوال میکنم از تو بجز نور تو نور خداوند ابدستیک من

أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَسْعَهَا وَكُلِّ رَحْمَتِكَ

سوال میکنم ترا از رحمت تو بجز ایزده ترین آن و هر رحمتی از تو

وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ

بجز رحمت تو خداوند ابدستیک من سوال میکنم ترا بجز رحمت تو خداوند ابدستیک من

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ يَا قَتْمَهَا وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ

سوال میکنم ترا از کلماتی تو تمام ترین آنها و هر یک از کلمات تو

تَامَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا

تمام است خداوند ابدستیک من سوال میکنم ترا بجز کلماتی تو بجز کلماتی تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ حَمْدِكَ بِحَمْدِكَ وَكُلِّ

سوال میکنم ترا از صفات کامل تو بجز مظهرین آن

حَمْدِكَ كَامِلٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَمْدِكَ كُلِّهِ

کمال تو کامل است خداوند ابدستیک من سوال میکنم ترا بجز کمال تو بجز کمال

که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این دعا می است که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام در سخن می خواندند و می فرمودند که اگر مردم بدانند عظمت
این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آن را هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا
بیکدیگر قتال کنند و اگر سو کنند یا دکنم که بسم اعظم خدا در این دعا است
راست گفته ام پس چون این دعا را بخوانند با اتمام تمام و تضرع بخوانند

و از غیر اینش پنهان دارید و دعا نیست

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءُ وَكُلِّ بَهَائِكَ

بار خدا یا بدرستی که من سوال میکنم از تو ای نیکویی تو به نیکوترین آن و هر نیکویی تو

لَهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

نیکوست خداوند بدرستی که من سوال میکنم از تو به نیکویی تو به نیکوترین خداوند بدرستی که من

أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ يَا جَمِيلٌ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ

سوال میکنم از تو ای نیکویی تو به نیکوترین آن و هر نیکویی تو نیکوست

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خداوند بدرستی که من سوال میکنم از تو به نیکویی تو به نیکوترین خداوند بدرستی که من سوال میکنم از

مِنْ جَمَالِكَ يَا جَمِيلٌ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از تو ای نیکویی تو به نیکوترین آن و هر نیکویی تو به نیکوترین خداوند بدرستی که من سوال میکنم از

جَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ يَا عَظِيمٌ وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمٌ

بزرگواری تو بزرگواری خداوند بدرستی که من سوال میکنم از تو به بزرگواری تو به بزرگواری تو بزرگواری است

اللهم اني استسئلك بقدرتك كلها اللهم

استسئلك من علمك بانقذه وكل عليك نافذ

اللهم اني استسئلك بعلمك كله اللهم

استسئلك من قولك يا رضاءه وكل قولك رضاء

اللهم اني استسئلك بقولك كله اللهم

استسئلك من مسائلك باجها اليك كل

مسائلك حية اللهم اني استسئلك

استسئلك من علمك بانقذه وكل عليك نافذ

استسئلك بعلمك كله اللهم

استسئلك من قولك يا رضاءه وكل قولك رضاء

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلِّ

خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا از اسمهای تو به بزرگترین آنها و هر یک

أَسْمَائِكَ كَثِيرَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

از نامهای تو بزرگست خداوند ایدرستی که من سوال میکنم از تو بناهای تو

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَزِّكَ بِأَعَزِّهَا

هر یک از آنها خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا از ارجمندی تو با ارجمندترین آن

وَكُلِّ عَزِّكَ عَزِيزَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِّكَ

و در ارجمندی تو از جند است خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا با ارجمندی تو

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ

بر هر جندی خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا از خواهش تو

بِأَمْضَاهَا وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَا ضَيَّعَ اللَّهُمَّ

با آنچه از آن بگریخته باشی از تو که گدازده است خداوند ایدر

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسَيِّئِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

بسیار از تو را با بدترینها تو را بپرستی که خداوند ایدرستی که من

أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ

سوال میکنم ترا از توانایی تو چون توانایی که استیلا کرد

بِهَامِ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ قُدْرَتِكَ مَسْطُورَةٌ

بهر آنکه هر چیزی را بر تو توانایی از تو است

مِنْ آيَاتِكَ يَا مَنْ مَعَهُ كُلُّ آيَاتِكَ كَرِهَتْهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

از نشانه های تو بخیرترین آن و در یکجا و نشانه های تو که اوست خداوند ابد است

أَسْأَلُكَ يَا آيَاتِكَ كُلَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَسْأَلُكَ بِمَا

سوال میکنم ترا بنشانه های تو همه آن خداوند ابد است که من سوال میکنم ترا به آنچه

أَنْتَ خَلَقْتَهُ مِنَ الشَّيْءِ وَالْجَبْرِ قَدْ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ

تو در آن از هر کاری و هر بزرگاری و سوال میکنم ترا به هر

شَيْءٍ وَحَدِّ وَجَبْرٍ وَحَدِّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

کاری که چنانچه است آن و هر بزرگاری که چنانچه است خداوند ابد است

أَسْأَلُكَ بِمَا خَلَقْتَهُ مِنْ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ فَأَجِبْنِي يَا اللَّهُ

سوال میکنم ترا به آنچه اجابت کنی مرا به هر کاری که سوال میکنم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا

پس هر حاجتی که خواهد از حق تعالی خواهد که البته برآورده می شود و از جمله علم

مشهور و مخفی و حاجتی که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شهرهای ماه مبارک رمضان اکثر شبها

را بایستاده و دعا میکرد و چون دعا میکرد این دعا میخواند

اللَّهُمَّ لَا تُؤَخِّرْ عَنِّي بِعَقُوبَتِكَ وَلَا تَمُتْ عَنِّي فِي حِيلِكَ

خدایا من را به تأخیر نرسان در عقوبت خود و مرا به مرگ نرسان در حیل خود

مِنْ بَرٍّ لَكَ يَا رَبِّ وَلَا يُؤَخِّرُكَ عَنِ عَذَابِكَ

از یک کار نیکو یا از عذاب خود را تا آنکه نجات نیابد و مرا از عذاب خود را تا آنکه نجات نیابد

أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

سوال میکنم ترا بدست تو همان خداوند بدستیکم سوال میکنم ترا از

سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمِ اللَّهُمَّ

سلطنت تو همیشه ترین آن و هر سلطنتی از تو همیشه هست خداوند

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بدستیکم سوال میکنم ترا به سلطنت تو همه آن خداوند بدستیکم سوال میکنم ترا

مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مُلْكِكَ فَأَخْرَ اللَّهُمَّ

از ملک و غلبه تو بزرگترین او و هر غلبه از تو برگزیده خداوند

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بدستیکم سوال میکنم ترا بملک تو همه آن خداوند بدستیکم سوال میکنم ترا

مِنْ عُلُوقِكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلِّ عُلُوقِكَ عَالِ اللَّهُمَّ

از بلندگی تو بدینترین آن و هر بلندگی تو بلند است خداوند بدستیکم

أَسْأَلُكَ بِعُلُوقِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

سوال میکنم ترا با تمام تو سرانجامی خداوند بدستیکم سوال میکنم ترا

مِنْ مَنِّكَ بِأَفْزَلِهِ وَكُلِّ مَنِّكَ قَلْبِي اللَّهُمَّ

از انعام تو بدیرینه ترین آن و هر انعامی از تو دیرینه است خداوند

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بدستیکم سوال میکنم ترا با تمام تو سرانجامی خداوند بدستیکم سوال میکنم ترا

وَأَمَّا الْحَاجُّ وَالْمُتَحَرِّجُ حَيْثُ شِئْتَ

[illegible]

بشفا عت کشته جس و اس کی بی بی کی حاجت من و مخلصان در حد احوال بود
 و کلام علی بن ابراهیم و ابوالکریم و شریف علی بن ابی طالب

وَمَا يَكْفُرُ الْإِنْسَانُ لِرَبِّهِ الْكَافِرِ لَا يَخْلُقُ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ كَافِرٌ

Handwritten notes in Persian script at the bottom of the page.

و غرض از این آنست که این کتاب را به دست هر کس که خواهد
رسد و از هر کس که خواهد ببرد و از هر کس که خواهد بدهد و از هر کس که خواهد بخواهد

والله اعلم بالصواب

پس از آنکه این دو سواران در میان راه با یکدیگر دیدار کردند و گفتگو کردند و در آخر از یکدیگر جدا شدند و هر یک به سمت خود راه بردند.

حق و باطنی که در این عالم است و در این عالم است که در این عالم است

مراسم اہل بیت علیہ السلام و آلہما و سلم و صلوات اللہ علیہ

وَمِنْ آيَاتِ الْبَيِّنَاتِ وَلَا تُسْتَغَاثُ إِلَّا بِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و از کجا هست مرا از شکار می و حال آنکه تقدیر نیست مگر بطاعت تو

أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ لَا رَحْمَتَكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

نیکی کرده بی نیاز نیست از یاری تو و بدست تو و نه آنکه

لِإِسَاءٍ وَأَجْتَنَّبَ عَلَيْكَ وَكَرِهْتُ ضَرَّكَ لَحْجَ عَوْفِكَ

کنه کرده و بدین می پندم بر تو و خشنود نهاده ترا بیرون است از عورت

يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

أَنْتَ الَّذِي كُنْتَ تَقْطَعُ نَفْسَ مَنْ يَدْعُوكَ

آنگاه که میزدی نفس منقطع شود و بعد از آن بگوید

يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبِنِي وَتَوَجَّهْتُ
بِغَيْرِهِ وَتَقَبَّلْنِي أَهْلَكَ كَرَمَ سُبُوحِي تَوَجَّهْتُ بِجَاهَتِ خُودِ دُرُودِ بَابِ بَرِ

إِلَيْكَ يَا حَاجِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثِي وَبَدَعَا
بِرَدِّ خُودِ بَرِي بَرِي دُرُودِ خُودِ بَرِي

يَا شَلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِغَاثِي لَا سَمْعًا عِزِّي وَلَا
دُرُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

أَسْأَلُكَ بِعَفْوِكَ عَنِّي يَا شَلِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِ
دُرُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ يَا حَاجِي إِلَى الْإِيمَانِ يَا حَاجِي
بِرَدِّ خُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

وَقَبْلِي بِمَعْرِفَتِكَ مَنِّي أَنْ لَا رَبَّ إِلَّا أَنْتَ
دُرُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

إِلَهًا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ
دُرُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

يَا حَاجِي يَا حَاجِي يَا حَاجِي يَا حَاجِي
دُرُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

اللَّهُمَّ مِنْ مَعْرِفَتِكَ يَا حَاجِي يَا حَاجِي
دُرُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

بَرِي

دُرُودِ بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي بَرِي

نسخه

رَاجِئًا خَالِفًا إِذَا رَأَيْتَ مَوْلَايَ دُنُوْنِي فَرَحْتُ وَإِذَا

امیدوار تر باشان سرگام می بینم ای آقای من کنان خور را می رسم درگاه

رَأَيْتَ كَرَمَكَ طَمَعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ فَقَبِّرْ رَاجِمًا وَإِنْ

می بینم بزرگواری ترا امیدوار میکردم پس اگر درگذری پس تو بهتر بنشیند

عَذَبْتُ فَقَدْ ظَلَمْتُ حَتَّى بَا لَلَّهِ فِي جُرْأَنِي عَلَى مُسْتَلِكِ

عذاب کنی پس نشستی شکار محبت من ای خدا در دلبری من بر سوال کردن

مَعَ أَتِيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ وَعُدَّتِي فِي

با هم آوردن من چیزی را که نخواستی از آغوش تو بزرگواری تو بخود من

شِدَّتِي مَعَ قَلْبِهِ حَيَاتِي رَافَتَكَ وَرَحْمَتَكَ فَلَا

حال سخن من بکسی شرم من نهایی تو در محبتت کفایت

يُحْيِيكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَ بَيْنَ دِينٍ وَدِينٍ مِنْدِي حَقِيق

آید و آرامم که نا امید نکردی میان آن دین آن آردوی مرا پس ثابت

أَسْأَلُكَ وَأَسْمَعُ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاكَ دَاعٍ فِي

امیدوارم به پذیرد دعای مرا ای نیکوتر کسی که خوانده است و را خوانده

عَظِيمٍ عَظِيمٍ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي عَظِيمٍ

بزرگوارم بزرگواری مرا ای آقای من آردوی من بدست من عظیم

عَفْوِي عَفْوِي يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَكَأَنِّي خَذَلْتُ بِأَسْوَأِ عَمَلِي

بخود عفو کن عفو کن مرا ای آقای من و اگر مرا بدترین کردار من

کردار من بخود عفو کن عفو کن مرا ای آقای من و اگر مرا بدترین کردار من

صَفَاكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّوَالِ وَتَنْعَمَ بِالْعَطِيَّةِ

خصلتها می توانی بزرگ من اینکه امر کنی بسؤال و باز داری بخشش را

وَأَنْتَ الْبَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَالَمِ

و تویی بسیار بخشنده به بخشش برای اهل مملکت خود و منفعت را

عَلَيْهِمْ يَجْعَلُ رَأْفَتَكَ إلهِي رَبِّي فِي نِعْمَتِكَ وَأَحْسَنَ

بر ایشان برباد تو مهریانی خود رضای من پروردی مراد نعمت های خود و احسن

صَحْبَةٍ وَتَوَكَّلْتُ بِاسْمِهِ كَيْفَ آفِيَا مِنْ رَبِّي أَنْ يَنْفَعَنِي

حقانی آنکه چو در دو دهم و بلند گردا میدی نام مراد حال بزرگ من پس ای آنکه پرورد مرا و در

الْبَدَنِيَا بِأَحْسَنِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ وَأَشَابِلِي فِي الْأَعْمَارِ

دنیا بنیکوی خود و بخشش خود و نعمتهای خود و اشاره کرد مراد در آخرت

الْحَيَاةِ عَفْوٍ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي بِأَمْوَالِي دَلِيلَ عَلَيْكَ

بسیاری در گذشتن خود و بزرگوار می خود شناختن من ای آقایی من دلیل من است

وَأَنَا وَاقِعٌ فِي مَرَدِّ لَيْلِي

و در شبی من ترا به عافیت من است و من اعتماد و اطمینان از دلیل خود

يَا سَيِّدِي وَسَأَكُنْ لِمَنْ يَنْصِبُ لِي شَفَاعَتَكَ

ای بزرگوار من و ای بزرگوار من و ای بزرگوار من و ای بزرگوار من

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانِ قَلْبٍ آخِرٍ

منوایم تو را ای بزرگوار من بربانی که بخشنده ای و ای بزرگوار من

أَنَا حَيْثُ بَعْلُكَ أَوْ بَعْدَهُ جُرْمُهُ أَنْ يَكُونَ يَأْتِي هَذَا

و از بنیکویم ترا بدل که تحقیق مملکت کرده و ای بزرگوار من ترا ای پروردگار من

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

وَأَكْبَرُ الْأَكْبَرِ مِنْ سَنَارِ الْعُيُوبِ عَقَارِ الْمَنَافِئِ

[illegible]

218

وَحَدَّثَنَا عَنْ عَلِيٍّ مَوْلَى أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ:

وَلَسِرْ عَنِّي إِلَى التَّوْبَةِ

وہی ہے جس نے ان کو اپنا گھر بنا لیا۔

سید محمد باقر یزدانی

فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجْلُ عَنْ عِجَازَاتِ الْمُنِيبِينَ وَحِلْمِكَ

زیرا که تحقیق برزگوار نمی‌تواند است از نزد او دن کند کاران

يَكْبُرُ مَكَا فَاتِ الْمُفَضِّلِ وَأَنَا يَا سَيِّدُ عَائِدُ

برکت از بادش اودن تقصیر کنندگان من ای قایم بنام کبریا

بِقَضَاكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَجَرِّعٌ مَاءَ عَدُوِّهِ

پنجشش تو کز پرانم از تو بسوی تو خواهم رسد اگر دن نپی از وده

مِنَ الصَّغِيرِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ هَذَا وَمَا أَنَا بِكَ قَبِي

انچه در کتب مشهور از آنکه سبک داشته بنو کمان را و جسم منهای بر و در کار من

مَا أَخْطَرُكَ مِنْ بَعْضِكَ وَأَصْدَقُ عَلَى بَعْضِكَ

مست قدر بخش کن بخش خود و نوازش کن بر دلن مست

لَا تَقْرَأُ كَلَامِي عَسَى أَنْ يَرَاكَ عَفْوَكَ عَنْ تَوَاضَعِي بِإِسْرَامِ

و از اینست که در این کتاب

وَجَاءَ الْوَحْيُ عَلَى الْوَحْيِ

میکند از این غیر نو

وَلَوْ حِفْتُ عَجْمَانَ الْعُقُورِ كَمَا حَفَّتْ عَجْمَانَ الْعُقُورِ

و من بعد از آنکه در این کتاب...

مُؤْتَى النَّاطِقِينَ إِلَى وَأَخْصِي الْأَشْيَاءَ عَلَى

[illegible]

عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى

بر کردارای خود بکلیت بخشش تو

وَأَهْلُ الْعَفْصَةِ تَبْدِي بِالْأَحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْقُ

دواہل آمزشی پشی یگنی به بخشدن نمینا و دریکه دی

عن الذئب كرم ما فمأندى فانشكر أجبل ما

از راه بزرگوار می پس بیایم که جبهه را تسلیم می رویم پس بیاییم

کشتن آم قبح ما تسنن آم عظیم ما ابلت و

بہن می گئی کہ اب لو کہ از رشتہ راکہ می جو سی امرا یا عطیہ بی بی را کہ عطا فرما

اولئك اَمْ كَثِيرٌ مِّنْهُ بِحَيِّثُ وَعَاقِبُ يَا اَيُّهَا

و جنس بودی از این ایام که بسیار گشته اند

مَنْ حَبَّبَ إِلَيْكَ وَبَاقًا عَيْنٍ مِنْ لَذَائِكَ وَاقْطَعْ

اگر دوستی کند بسویید و اسی دوستی دیدید که با او بیرون

الآن أنت في السجن ونحن المسيئون مجاورين
سنة ١٩٤٠

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

عندنا بحال

دُكَاوَاتُكُمْ وَمَا فِيكُمْ

لا یسعه بجودك اوى وصال
مگر فتنه است آرزو بخش تو با کدام زمان بگفت

الدَّيْنُ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ

کنده ای پذیرنده توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان

إِنَّ سَدْرَكَ الْجَمِيلَ إِنَّ عَفْوَكَ الْجَلِيلَ إِنَّ قَوْلَكَ

که است پرشیدن نیکوی تو که است درگذشتن بزرگ تو که است کلامش

الْقَرِيبُ إِنَّ رِعَايَتَكَ الشَّرِيعَ إِنَّ رَحْمَتَكَ الْوَاسِعَةَ

نزدیک تو که است فریاد داری شنایان تو که است رحمت فراگرفته تو

إِنَّ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ إِنَّ مَوَاهِبِكَ الْغَنِيَّةَ

که است بخششهای نیکوی تو که است بخششهای گوارای تو

إِنَّ صِنَاعَتَكَ السَّيْنِيَّةَ إِنَّ فَضْلَكَ الْعَظِيمَ

که است گرانمای بند باری تو که است بخشش بزرگ تو

إِنَّ مَمْلُوكَكَ الْحَسِيمَ إِنَّ إِحْسَانَكَ الْقَدِيمَ إِنَّ

که است عطا می بزرگ تو که است احسان دیرینه تو که است

كَرَمَكَ يَا مُجِيبَ دُعَائِهِمْ يَا مُجِيبَ دُعَائِهِمْ

که است گوارای نوای بزرگوار بان بزرگوار

وَيَرْحَمُكَ فَخَلِّصْ يَا مُحْسِنُ يَا مُجِيبُ دُعَائِهِمْ

و رحمت خود پس خلاصی بخشش مرا ای احسان ای دیرینه احسان

يَا مُفَضِّلَ لِسَتِ أَتَكِلُكَ يَا مُفَضِّلَ لِسَتِ أَتَكِلُكَ

خشنده سپهر من که است تو را سپهر من که است تو را

وَلَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُشَارَعُ فِيهِ

و سوال کرده نشودی از کردار خود و خصومت کرده نشودی در

مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكَ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

مالی خود و دیگر بگوید نشودی در کار خود و نه دشمنی کرده نشودی در حکم خود

وَلَا يَعْزِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَلْبَانِ

و اعتراض نکنند بر تو بیکس در تدبیر تو در تراست آفرینش از ان

تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ

تبارک است خدا پروردگار جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کسی

كَذَبَكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَالْفَحْشَاءُ حَسَنَاتُكَ وَ

که دروغ گفته اند و پناه بسته اند به بزرگواری تو و خوار گردیده احسان ترا

تَعْلَمُ وَأَنْتَ أَلْحَمُّكَ الَّذِي لَا يَصْنِقُ عَفْوُكَ

نفت ای ترا و تو می بخشند که تنگ نشود عفو تو

وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا يَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَفَضْلُكَ

و کم نیگردد فضل تو و اندک نیگردد رحمت تو و بختی که

فَتَنَّاكَ بِكَ خَاطِئُكَ الْقَدِيرُ وَالْقَدِيرُ الْعَلِيمُ

و فتنه کردیم تو را با تو خاگاه تو و خاگاه تو دانای تو

وَالرَّحْمَنُ الْوَسْعَةُ أَمَّا كَ يَا رَبِّ تَحْلِفُ

و در رحمت خود گزیده ای ای پروردگار من که صدای منی

مِنْ أَمَانِكَ وَمَا قَدَّرَ أَعْمَالُنَا فِي جَنْبِ نَعْمِكَ وَكَيْفَ

از زبان خداوندی تو چیست قدر کرد و داد ای پادشاه خدای منمندی تو و چگونه

لَسْنَا كَثِيرًا أَعْمَالًا يُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ

بسیار شماریم که داد و دهی را اگر مقابل بدست کنیم بان نزد کواری ای بلکه چگونه تنگ بشود در

عَلَى الْمُدَّيْنِ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ

برگه کاران آنچه فرا گرفته اند را از بخشش تو ای فراگیرنده

الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ قُو عَزِّكَ يَا سَيِّدَ

آفرینش ای گشاده دستها به بخشش پس قسم به عزت تو ای گشاده

لَوْ أَنَّهُ تَنَزَّيْتُمْ مَائِرَ حَتٍّ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَيْفَ تَعْنِي

اگر چه کنی مرا دور نکردم از درگاه تو و نه بازایم از

تَعْلُفِكَ يَا أَسْنَى إِلَى مِنَ الْعِزِّ قَرَّةٍ بِجُودِكَ

و نرمی کردن تو به طبعیت اگر تنگی شده به نوری من از شناختن بخشش تو

و كَرَمِكَ يَا كَرِيمًا لَا يَنْفَكُ عَنِ الْعِزِّ تَعَذُّبُ

و بزرگواری تو و توانی کننده هر عذابی عذاب کننده از

مِنْ تَشَاءٍ بِمَا تَشَاءُ يَا مُنْجِي عِبَادَكَ

که خواهی با آنچه خواهی نجات دهنده بنده های خود را

مِنْ حَمٍّ مِنْ تَشَاءٍ بِمَا تَشَاءُ يَا مُنْجِي عِبَادَكَ

بسیار نجاتی از آنکه خواهی نجات دهنده بنده های خود را

عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُدْنَيْنِ يُفْضِلْ سَعْيَكَ فَامْنُنْ عَلَيْنَا

بِأَنْتَ أَهْلُهُ وَجَدَّ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُجْتَاحُونَ إِلَى

نَيْلِكَ يَا غَفَّارُ سُبُّكَ أَهْتَدَيْنَا وَبِقُضْرِكَ

اسْتَغْنَيْنَا وَبِقِيَمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا

بَيْنَ يَدَيْكَ لَسْتَ تَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَقُوبُ

إِلَيْكَ تَحِبُّ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَتَعَارِضُكَ بِاللُّؤْمِ

تَحِيرُكَ إِلَيْنَا نَاوِلْهُمُ شَرًّا إِلَيْكَ صَاعِدَةً

لَهُمْ وَلَا جَوَالَ مَلَكَ كَلِمَاتِكَ عَنَّا وَكُلِّ

بَعْدَ بَعْدٍ وَلَا تَجْعَلْ ذَلِكَ مِنْ أَسْوَاقِنَا

وَعَدُكَ بَلَدُكَ وَتَجْعَلْ ذَلِكَ مِنْ أَسْوَاقِنَا

وَعَدُكَ بَلَدُكَ وَتَجْعَلْ ذَلِكَ مِنْ أَسْوَاقِنَا

ظَنُّونَا أَوْ خَيْبُ أَمَّا لَنَا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَكَذَا

گمانهای ما را یا قطع کنی آرزوهای ما را حاشا که چنین کنی ای بزرگوار پس نیست این

ظَنُّنَاكَ وَلَا هُنَا طَعْنُ فَيْكَ يَا رَبِّ ارْتَبِ

گمان ما بنویس و نه اینست طبع ما از طعنت تو ای پروردگار من برستید

لَنَا فَيْكَ مَلَا طَوْلًا كَسَيْدًا إِنَّ كُنَّا فَيْكَ رَجَاءَ

ما هست در طعنت تو آرزوی ما بسیار برستید برای ما هست بخشش تو

عَظِيمًا عَصِيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَرْعِيَنَا

بزرگی نافرمانی کردیم و حال آنکه امید داریم آنکه بفرمونی

وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فِحَقِّقْ

و بنویسم ترا و حال آنکه امید داریم آنکه بپذیری برای ما پس درستی

رَجَاءَ نَا يَا مَوْلا يَا فَدَّ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ

آرزوهای ما ای آقای من پس حقیقت میدانیم آنچه را که نخواستاریم

بِأَعْمَالِنَا وَلَكِنْ فَيْكَ فَيْحَا عَلِمْنَا يَا نَاكَ

بسیار کردای خود را لیکن در حق تو و دانستیم یا اینکه حقیقت تو بر

لَا تَنْصُرُنَا عَنْكَ حَسْبُ عَلِيٍّ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَإِنْ

تو را نمی کردای ما را از خود دور ما را جز خود نیست و اگر

كَتَا غَيْرُ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ نَاكَ عَلِيٍّ أَنْ يَجُودَ

ما را جز بپوشش نیستیم بپوشش تو را پس تو را می که بخشش

ن
ن

قَبْلَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ

ترجمه خود درودهای تو و رحمت تو و آمرزش تو

وَرَحْمَتُكَ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ يَا قَبِيحُ

و رحمت خودی تو بر او باد و بر خاندان او بدشیکه تو نزدیک می بینی

وَأَرْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفِقًا عَلَى مِلَّتِكَ وَ

در روزی کن مرا عمل کردن بطاعت خود و میران مرا بر دین خود

سُخْرَةً نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

طریقه پیغمبر و رحمت فرستاد خدا بر او و آل او خداوند بسیار مهربان

وَلِيَا آلِهِ وَأَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي فِي صَغِيرٍ وَأَجْرُهُمَا

و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشانرا چنانچه تربیت نمودند مرا و پاداش خود را

بِالْإِحْسَانِ أَحْسَنًا وَأَبَا السَّيِّئَاتِ عَفْرَانَا اللَّهُمَّ

در مقابل بخدای بخدای و مقابل بدیها آمرزش خداوند

اعْفِرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

ببخش بر مردان و زنان که زنده اند از ایشانرا

وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْتَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ

و مردگان ایشانرا هم پیوسته با نیکوایا

اللَّهُمَّ اعْفِرْ لِحَسَنَاتِنَا وَمِثْنَانَا وَشَاهِدْنَا بِتَوْفَائِنَا

خداوند بسیار بخشنده ما را و مرده ما را و حاضر ما را و غایب ما را

بِنِعْمِكَ وَتَقْضِلْ عَلَيْنَا يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَسُبْحَانَكَ مَا

بنعمتای خود و بخششهای برای ما بی نظیر ای که در این عالم

أَحْلَيْكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مَبْدَأُ وَمُعِيدُ

برو بارسی تو و چه بزرگوار تو و چه بزرگوار می تو در حالیکه پدید آورنده و باز گرداننده

تَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ شَأْنُكَ وَكَرُمَ

پاک است نامهای تو و بزرگست شأنی تو و گرامیست

صَنَائِعُكَ وَفَعَالُكَ أَنْتَ إِلهِي أَوْسَعُ قَصْدِي

عظمتها تو و کارهای تو ای خدای من فراگیرنده از هر قصدی

وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاتِلَنِي بِفِعْلِي وَأَلَا تُقَاتِلَنِي

و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقابله کنی مرا بکردار من و نخواهی جنگ

فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

پس درگذرد درگذرد ای آفاقی من ای آفاقی من ای آفاقی من

اللَّهُمَّ اشْغَلْنِي بِذِكْرِكَ وَأَجْعَلْ نَامِرًا مِنْ سَخَطِكَ وَ

بار خدا یا مشغول گردان من بذكر خود و بنیاده ده مرا از غضب خود و

أَجْرًا نَامِرًا مِنْ عَذَابِكَ وَأَنْزِلْ فَنَاجِيًا مِنْ مَوَاسِيكَ وَالْعَمْرُ

و امان ده مرا از عذاب خود و نازل کن مرا نجات دهنده از مواسی من و بخشش کن

عَلَيْكَ نَامِرًا مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْزِلْ فَنَاجِيًا مِنْ سَيِّئِكَ وَزِيَارَةً

بر ما از فضل خود و در روزی کن مرا نجات دهنده از شر خود و زیارت

بسم الله الرحمن الرحيم

بِكَلاَمِكَ وَارْزُقْنِي حُجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا

بنگاه داری خود و روزی کن برای خانه محترم خود ارسال

هَذَا فِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَآلِهِ

بسم سال و در هر سال زیارت قبر پیغمبر خود و مشایخ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تَخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ

بر ایشان آباد و رود که خالی نکردن مرا ای پروردگار من از فیوضات

الْمُشَاهِدَةِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اللَّهُمَّ

آن مشاهده باریافت و موقعهای گرامی بار خدایا

تُبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَغْصِيكَ وَأَهْبِنِي لِحُجَّتِكَ وَالْعَمَلِ

توفیق نبوده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم ترا و بدل انداز مرا غیر و عمل کردن

بِهِ وَخَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي

بان و ترس از خود در شب و روز همیشه تا آنکه بانی دارم

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي كَمَا قُلْتُ قَدْ

ایها پروردگار جهانیان خداوند من مرا که گفتم که یقین

تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّاتُ وَقَسْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ

مهباشتم و آماده شدم و استادم بجهت نماز در پیش تو

وَنَاجَيْتُكَ الْفَقِيتُ عَلَى نَعَاسٍ إِذَا نَاصَيْتُ

و زار کنم ترا افکنده می برسم بنگی را هنگامیکه من ناز میگردم

بِكَلاَمِكَ وَارْزُقْنِي حُجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا

بنگاه داری خود و روزی کن برای خانه محترم خود ارسال

ذَكِّرْنَا وَأَنْشَأْنَا صَغِيرَنَا وَكَبِيرَنَا حُرًّا وَمَمْلُوكَنَا
 مردار و زن مارا خوردار و بزرگ مارا آزادار و بنده مارا
 كَذَّبِ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا
 کاذب اند شرک کرده اندگان از برای خدا و گمراه شدند گمراهی دوری
 وَخَيْرٌ وَأَخْسَرَانَا مُبِينًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 و زیان کننده زبان روشنی بار خدا یا رحمت بفرست بر محمد
 وَالْمُحَمَّدِ وَاجْعَلْ لِي جَنَّةً وَاجْعَلْ لِي مَا أَهْنِي مِنْ
 دال محمد و ختم کن بر من نیکی و کار که آری کن برای من آنچه هم هست دراز
 أَمْرٍ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مِنْ كَلْبٍ حَمِيٍّ
 امر دنیا من و آخرت من و دست ده بر من از آن که در هم کند
 وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جَنَّةً وَاقِئَةً بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُطْ
 و بگردان بر من از جانب خود بهی گاه دارنده باقی مانده و دور کن از من
 صَاحِبِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ
 صاحب آنچه بخشش نمودی بآن بر من و روزی کن مرا از فضل خود
 رَزَقًا وَاسْعَاجًا حَلِيمًا اللَّهُمَّ وَآخِرَتِي
 روزی فراخ حلال پاکیزه خداوند و نیکبانی کن مرا
 بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَأَكْلًا لَبِي
 بنگهبانی خود و حفظ کن مرا بنگه خود و بگویم

أَوَّلَكَ فَقَدْنِي مِنْ جَعَلِ الْعِلْمَ عِزًّا فَخَذْنِي

یا نادیده که تو نباشی مرا در مجلس علم پس خواهر گذاشته باشی

أَوَّلَكَ رَأَيْتُنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ

مانشاید که تو دیده باشی مرا در زمره بخیران پس از رحمت خود

أَلَيْسَتُنِي أَوَّلَكَ رَأَيْتُنِي الْفَتْحَ جَعَلِ الْبَطْلَ

ما امید کرده باشی مرا باشد که تو دیده باشی مرا اگر الفت بکرم مجلس بکشد آن

فِيَنِي وَبَيْنَهُمْ خَلِيقَتُنِي أَوَّلَكَ كَرَمُ

پس میان من و میان ایشان و آنکه آشته باشی مرا باشد که تو دوست ندیده باشی

أَنْ تَسْمَعَ دَعَائِي فَبَاعَدْتُنِي أَوَّلَكَ حُرْمَتِي

اگر بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی مرا باشد که تو بمنزله

وَجْهِي بِتِي كَأَيْسَرُنِي أَوَّلَكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ

و بیاض من با دشمنی و آسان را باشد که تو کمی شده من از تو

جَلَّ جَنِّي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ كَطَامِكَ عَفْوَتِ

منزاداده باشی مرا پس اگر برگذری ای پروردگار من پس با عفو تو عفو شود

لِأَمَلِي بَيْنَ قَبْلِي كَأَنَّكَ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ

بسیار از من نیز که تخفیف برزگوار می تو ای پروردگار من

فَمِنْ فَحْشَاؤَاتِ الْمَدِينِ وَحِلْمِكَ كَبِيرٍ

پس از زشتی و ادب کنایه کاران پروردگاری تو بزرگست

وَسَلَبْتَنِي مَنَاجَاكَ إِذَا أَنَا جِئْتُكَ مَا لِي كُلَّمَا

در رخ کردی از من را از کونی خود را هنگامیکه من را از کفتم ترا صحبت مرا که نگاه

قُلْتُ قَدْ صَلَحْتُ بِسِرِّتِي وَقَرَّبَ مِنْ عَجَائِلِ التَّقَاتِ

کفتم که تحقیق نیک شده ام رازان من و نزدیک شد از محاسن تو بکنندگان

مَجْلِسِي عَرَضْتُ لِي بِلَيْتِهِ أَرَأَيْتَ قَدَمِي وَبِلَيْتِهِ

مجلس من عارض شد باینکه زایل کرد قدم مرا و حاصل شد

بَنِي وَيَبْنِي خَدَمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَرَفَ

بیان من و میان خدمت تو آغای من شد بد که تو از

بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَمْرُ خَدَمَتِكَ لِحَبَّتِي أَوْ لَعَلَّكَ

درگاه خود را رانده باشی مرا و از خدمت خود دور کرده باشی مرا باشد بد که تو

رَأَيْتَنِي مُسْتَخِطًّا بِحَقِّكَ وَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

زیده باشی مرا بسبب تجاوز من به حق ترا پس دور کرده باشی مرا باشد بد که تو

رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَبْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

دیده باشی مرا را که گردان از خود پس دشن و برگشته باشی مرا باشد بد که تو

وَجَدْتَنِي فِي مَقَامٍ لَكَ ذِي بَيْنٍ فَافْضَيْتَنِي

یافتد باشی مرا در جایگاه در میان کویان پس و افکند اشتد باشی مرا

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَتِكَ وَفَضْلِي

باشد بد که تو دیده باشی مرا نا سپاس کننده از نعمتهای تو این باشد بد که تو

الذی هدیتہ وانا الوضیع الذی رفعتہ و

الذی الخائف الذی امنتہ وانا الجائع الذی

اشبعته وانا العطشان الذی ارویتہ وانا العا

الذی کسوتہ والفقیر الذی اغنیته والظریف

الذی تقویتہ والذلیل الذی کرمته والسقیم

الذی شفیتہ والسائل الذی عطیتہ

والذنب الذی سترته والخاطئ الذی اقلتہ

وانا القلیل الذی کثرتہ والمستضعف

الذی بصرته وانا الطریق الذی اوجبتہ انا

عَنْ مَكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ

از سر آمدن تقصیر نمایندگان و من بپناه گیرنده ام بخشش تو

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَجِبٌ مَا وَعَدْتَ

گریزنده از تو به سوی تو خواهم خواهم آنچه وعده دادی

بِحَسَنِ الصَّرْفِ عَنْ أَحْسَنِ بَيْتِكَ طَنَّا إِلَيْكَ كُنْتَ

با حسن تصرف از بهترین بیت خود را نزد ما آورده بودی

أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَتِي

بزرگوارترین و بزرگترین از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا

بِعَمَلِي وَأَنْ تَتَرَكَنِي بِحُطْبَتِي وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي

بکار و زحمتم و آنچه مرا بگذاهی و من چه هستم ای آقای من

بِمَا حَقَّرْتَنِي بِفَضْلِكَ يَا سَيِّدِي وَتَصَدَّقَ

بآنچه مرا خوار کردی با فضل خود ای آقای من و صدقه کن

عَلَى نِعْمَتِكَ وَجَلَلَنِي بِشَرِّكَ وَأَعْفُ عَنِّي

بر نعمت خود و بزرگوار کن مرا بدو و مرا بخیر خود و از من بگذر

بِكَرَمٍ وَجْهِكَ سَيِّدِي أَنَا الْبَصِيرُ الَّذِي

ببزرگواری و بزرگواری من ای سرور من من آن بیننده ام

وَعَلَيْهِ وَأَنَا الْخَاطِلُ الَّذِي عَلَيْهِ وَأَنَا الْخَاطِلُ

و بر او و من آن خوار کننده ام و بر او و من آن خوار کننده ام

حَتَّى كَانَتْكَ أَغْفَلْتَنِي وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْعَامِي

تا آنکه گویا واکداشتم مرا و از بدویشهای که بون

جَبْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْبَبْتَنِي إِلَيَّ لَمْ عَصَيْكَ

در کردی مرا تا بحدیکه گویا شرم کردی از من خداوند، نافه من کردم

جَبْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْبَبْتَنِي إِلَيَّ لَمْ عَصَيْكَ

در کردی مرا تا بحدیکه گویا شرم کردی از من خداوند، نافه من کردم

مُسْتَحْفَظٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِعَيْبِكَ

بکشته شده و از عقوبت ترا از پیش آید و از عیب ترا

مُسْتَحْفَظٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِعَيْبِكَ

بکشته شده و از عقوبت ترا از پیش آید و از عیب ترا

لِي نَفْسِي وَغَلَبْتَنِي هَوْلٌ وَأَعَانَنِي عَلَيْهِ اسْتَفْو

نفس من و غالب شد مرا خورش من و در کرد مرا بر آن بدبختی من

وَعَثَمْتَنِي سَيْتُكَ الْمُرْخِي عَلَى فَقْدِ عَصِيَّتِكَ

و بفرغیت مرا بر ده نه که فرو کردی منده شده هست بر من پس عفتی نافه من در دیدم

و خَالَفْتِكَ بِجُحْدِي فَالَانَ مِنْ عَذَابِكَ

و مخالفتم کردی مرا با کوشش خود پس حالا از عذاب تو

مُسْتَحْفَظٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِعَيْبِكَ

بکشته شده و از عقوبت ترا از پیش آید و از عیب ترا

اَسْتَيْنَاسِ اِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ تَوَالِي تَوَابِي مِنْ عَبْدِ
خوگره من ايمان مرا و مگردان پا دامن مرا مانند پا دامن تو
سَوَالِكَ فَاَنْ تَقِي مَا اَمَلْتُ اِيْلَيْكَ بِالسَّيْرِ
غير ترا زير که تحقيق گروي که و بديند بزيبانهاي خود
وَمَا كُنْتُ اَدْرِكُ مَا اَقْلَمُوا اَنَا اَمْتَالِكَ اِيْلَيْكَ
چونهاي خود از رنجته شدن بدينانند که اسيده اند و تحقيق گويديم بزيبانهاي خود
وَقُلُوبُنَا لَتَعْقُو عَنْكَ فَادْرِكْ بِنَا مَا اَمَلْنَا وَنَكْت
و دلهاي خود تا آنکه و گذري از ما پس برسان ما را آنچه اسيده ايم و نكته دار
جَانِكَ فَصَدَّقْ دَلَالَتِي غُلُوبُنَا بَعْدَ هَذَا
اميدوار خود را در دلهاي ما و ميل ده دلهاي ما را پس از آنکه و خودي را
وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْكَافُّ
و بخش ما را از نزد خود .. بخشش بزرگي بدرستي که تويي بجز بخشند
فَوَعْدُكَ لِي اِنْ هَكَذَا مَا رَحِمْتَ مِنْ نَابِكَ وَلَا
پس هم بخت اگر سينه گني مرا دور نميگردد از درگاه تو و
اَكْفَتْ مَعْرِفَتُكَ لِمَا اَلَمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَ
باز مني بستم از دوستي کردن تو بجهت آنچه اسيده در دلم از شناخت بزرگواري تو
وَسَعِدَ رَحْمَتِكَ اِلَى مَزِيهِ الْعَبْدِ الْاَلِي
و نجاتي بخشش تو بشوي که ميرود بنده مگر بشوي

يُخْلِصُنِي وَيَجْعَلْ مِنْ أَتَّصِلُ أَنْتَ قَطْعًا

نجات میدهد و بر پیمان که در پیوندم اگر تو ببری
جفاک یعنی قوا سوأناها علی ما اخصو کتابک

رسمان خود این پس و همی سوای من بر آنچه شمرده کتاب تو
من عملی الذی لا ما ان جن من کرمک وسعة

از که و این آن کردار یکدگر نبود اینچو امید دارم از بزرگی بی تو و قیاس
رحمتک و همی ک آنا عن القنوط لقطت

بخشش تو و منع تو مرا از نویسدی مرا نه امید میدم
عند ما ائذ کرمها یا خیر مرد عاه ذلک افضل

نزد و دوری آنها ای بیکترین آنکه سبک خوانده اند و بهترین
من رجاء مناج الله بیدقة الاسلام اتوسل

کسیکه امید دارد به الهی خداوند ابا مان اسلام و تسلیم
الیک و بحرمة القرآن اعمد علیک و محفی

بسوی تو و بحرمت قرآن اعتماد میکنم بر تو و بدوست داشتن من
للنبي الاممي القبري الهادي العري التهامي

متفخیر را که اسی قرشی باشد عربی تهامی
المنزل المدنی ارجو الزلفه لک فلاتوسل

بمنزل مدنی است امید دارم نزدیکی اتزد تو بر من
بمنزل مدنی است امید دارم نزدیکی اتزد تو بر من

المُصْطَفَىٰ وَإِلَهُ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَاكِمِ النَّبِيِّينَ

مصطفیٰ و الهاد برگزیده تو از خلق تو و آخر انبیا

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي إِلَىٰ دَرَجَةٍ

محمد رحمت فرستد خدا برادر و اله و نقل فرما مرا بسوی مرتبه

الشَّوَابَةِ إِلَيْكَ وَأَعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَىٰ نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ

بخت جوانی کن مرا بگریستن بر نفس خود پس تحقیق بیاور

بِالشَّوْكَافِ وَالْأَمْوَالِ عَمْرِيهِ وَقَدْ بَرَكْتَ مِنِّي لَهْ

بزرگی و غایب و آرزو و عمر خود را و تحقیق فرود آیدم در فردا و آنکه

الْأَيَّامِ مَنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالٍ مَتَّانٍ

نایب این از خیر من پس که بد باشد به حال تر از من

أَنَا نُقِلْتُ عَلَىٰ مِثْلِ حَالِي قَبْرِي لَمْ أَمْسِكْ إِلَّا قَدَمِي

من نقل گردم بر مانند حالم بسوی قبری که نگذاشتم جز پایم

وَلَمْ أَوْشِدْ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِيَصْبِرْ وَمَالِي أَهْلِي وَلَا

و نه گشتم بنده م آن را بعمل شایسته بجهت خوابیدن خود و هست خزانگی کم و مال

أَذْرِي إِلَىٰ مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَىٰ نَفْسِي تَحْتَ عُنْفَىٰ

را می بینم به آنچه می شود بخت مرا و می بینم نفس خود را در گشتم

وَلَمْ تَخْلُصْنِي وَقَدْ حَقَّقْتُ عِنْدَ أَسَىٰ أَجْزَعُ الْمَوْتِ

و نگذاشتی مرا و محقق شد مرا در نزد آن شده و نزد من نایب مرگ

مَوْلَاهُ وَالِيٍّ مِنْ بَلَدٍ بِطَيْبِ الْمَخْلُوقِ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ أَطْمَئِنُّ
 اَنی خود و بسوی که پناه میبرد آورده و مگر بسوی افریده کار خود خدای من
 قَرْنَتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ
 به بندگی مرا بندها و باز داری از بین عطای خود را از میان
 الْأَشْهَادِ وَدَلَلْتَ عَلَى فُضَائِحِي عُيُونُ الْعِبَادِ
 حاضران را دوزخه نمای به رسوائی های من و دیده ها را از گناه
 وَأَمَرْتَ بَنِي الْإِسْأَارِ وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ
 فرمان دی مرا بسوی آتش و حایل شوی میان من و میان نیکوکاران
 مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَفَتْ وَجْهَ
 نمی بری امید خود را از تو و نمیکردانم روی
 تَامِلٍ لِمَنْفَعَتِكَ وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ عَنْ قَلْبِهِ
 در نیامده است تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من
 أَنَا أَسْأَلُكَ بِسَيِّدِكَ عِنْدِي وَبَسْطُوكَ عَلَيَّ
 من ترا میسر میکنم نه ساری ترا که از دست و پوششیدن ترا بر من
 يَا دُنْيَا يَا سَيِّدَتِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 ای دنیا ای سرکار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
 وَأَخْرِجْ حَبْلَ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَأَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهَا
 و برون کن طناب دنیا از دل من و جمع کن میان من و میان آن

تَعْلَقُ بِصَيْبِ رَحْمَتِكَ مِنْ تَشَاءُ وَتَعْدِي بِكَرَمَتِكَ

در او بگردد پیرسانی بر رحمت خود از آنکه خواهی و به پندگویی

مِنْ حُبِّ فَلَاكُ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَفَيْتَ مِنَ الشَّرِّ قَلْبِي

از آنکه دوست داری پس تر است سپاس رب پاک کردن تو از شرک و در راه

وَلَاكُ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفِيْلَسَانِي هَذَا الْكَافِرُ

در راه است سپاس بگشادن زبان من پس آیا بر زبان خود این کافر

أَشْكُرُكَ أَمْ بِغَايَةِ جُودِي فِي عَمَلِي رُضِيكَ

سپاس گذاری کنیم از ای بخت شکر تو کردار خود خشنود می نویسم

وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنَّتِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ

و بهت رسید زبان من ای پروردگار من در جنب سپاس گذاری تو چیست

عَمَلِي فِي جَنَّتِ نِعْمَتِكَ وَإِحْسَانِكَ إِلَى الْإِنْسَانِ

کردار من در بهداری نعمتهای تو و نیکی تو نمودن تو به پستی من کردار تو به حق

جُودِي لِعِبَادِي أَمْ لِي وَشُكْرُكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي

بخشش تو کنایهش داده امید مرا و بر آ دادن تو پذیرفت کردار مرا از آنکه

إِلَيْكَ رَغِبَتِي وَمِنْكَ رَهْنَتِي وَالْيَقِينُ تَأْمِينِي

به سوی تو شدم و از دستم چون و بسوی تو هست امید من و یقین تو امان

وَقَدْ سَأَلْتُكَ إِلَيْكَ أَمْ لِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي

و بخواهم به سوی تو امید من رو برت ای یگانه من

فَمَا لَكَ لَا آتِيكَ أَبْنِي بِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْنِي لَطْمَةً قَدْرِي

پس چیست مرا که نیگریم بیکرم بجهت بیرون شدن نفس من بیکرم بجهت نازکی قبر خود
آبْنِي لِيَضِيقَ لِحْدِي أَبْنِي لِيَسْأَلَ مِنْكَ وَبِكَيْرِ آيَاتِي

بیکرم بجهت تنگ شدن فرخورد بیکرم بجهت سوال کردن شکر و بیکرم را

آبْنِي لِيَخْرُجَ حَيًّا مِنْ قَبْرِ عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا

بیکرم بجهت بیرون آمدنم از قبر خود سر نه خوار جدا زنده

ثَقَلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرْ مِنْ عَنِّي وَمِنْ بَيْنِي وَآخِرِي

مرا که بران خود را بر پشت خود حال آنکه نظر کنم بکار از جانب پشت خود و بار دیگر

عَنْ شِمَالِي إِذَا الْخَلَاءُ تَوَسَّوْا شَأْنِ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ

از جانب چپ خود هنگامیکه از هر یکان باشند در حالت غیر حالت من برای هر

أَمْرٍ كَيْفَ تَمُوتُ يَوْمَ تَمُوتُ شَأْنُ يَعْينُهُ وَجْهُهُ

چگونه میمیرد آن روز که میمیرد شایسته آنکه یاری دهد او را چهره او

سِفْرَةً صَالِحَةً تَشْتَرِي بِهَا نَفْسَهُ وَتُجْزَى بِهَا

کتابی در آن روز و زودانی بخشد آن شاد و خوشایندی که در آن روز

عَلَيْهَا عِبْرَةٌ لِمَنْ يَتَّقُهَا وَذِكْرٌ لِمَنْ يَسْتَعِيذُ بِهَا

برای آنکه عبرتی باشد برای آنکه بترسد از آن و یادگاری برای آنکه پناه بخشد به آن

وَأَمَّا مَنْ لَا يَتَّقُهَا وَلَا يَسْتَعِيذُ بِهَا

مکمل

بِزَارَافَةٍ وَالرَّحْمَةِ وَالْأَمْرِ لَكَ وَخُذْكَ لَا شَرِيكَ

لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّ

شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكَتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

إِنِّي أُرَاكَ إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكُلُّ عَرْجِي

لِسَانِي وَطَائِرٌ عِنْدَ سُؤَالِكَ أَيُّ لِي بِفَاعِلِهِ

رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَأَقِمْ إِلَيْكَ وَ

لَا تُرَدَّنِي بِجَهْلٍ وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرٍ أَعْطِنِي

لِفَقْرِي وَأَمْرِي لِيُضَعِفَ سَيِّدِي عَلَيَّ

وَمَعْنِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلْ وَبِحَمْدِكَ

وَبِحَمْدِكَ وَبِحَمْدِكَ وَبِحَمْدِكَ

عَكَفْتُ هَمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتُ رَغْبَتِي

رو کردم پیوسته همت من و در آنچه نزد دست بهن گردیده رغبتم من

وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي وَبِكَ اَنْسَتُ هَجَّتِي

و در تراست خالص امید من و ترسم من و به تو خسته هستی من

وَإِلَيْكَ اَلْقَيْتُ سَيْدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدِي

و بسوی تو افکندم دست خود را و به پیمان طاعت تو رسیدم

رَهْبَتِي يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمَنَاجَاكَ

ترسم خود را ای آقای من ب یاد کردن تو زنده ای کرده دلم و در باز گفتن تو

بَرَدْتُ اَلْمَخَوْفَ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مَوْقِلِي

سرد کردم از ترس ترا از خود پس ای آقای من و ای امید گاه من

وَاُمْنَتِي سَلَيْتُ بِحَبْلِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَقَفْتُ

و ای استواری من را بپای محمد و آل محمد و ای ایستادن

بَيْنِي وَبَيْنَ الْمَسَاحِقِ مِنْ رُؤُوسِ كَاغِبِيكَ فَاَمَّا

میان من و میان کلاه من که بازو دارنده است سرهای پنهان تو پس چنان

اَسْتَأْثَرْتُ لِقَدِيمِ الرِّجَاءِ فِيكَ وَخَوْفِي فِي إِلَيْكَ

که گواهی کنم از تو بجهت امید و بر نیام در تو و ترسم من بسوی تو

وَعَظَمْتُ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي لَا وَجْهَ لَهُ عَلَى غَضَبِكَ

و از برای من بزرگ از تو انگیخته ای که لایق نیست بر خشم تو

مضامین

جَعَلَنِي لِمَنْ أَتَىٰ قَدْرَ نِي أَجَلٍ وَلَمْ يَقْرَأَنِي مِنْكَ
 یا غنیان من لدای من اگر چه پیشه تحقیق و دانش و پیشه اجل من نزدیک کردی مرا
 عَلَيَّ فَقَدْ جَعَلْتَ لَا يُعْرِفُ إِلَيْكَ بِذَنبِي وَسَالِمٌ
 که در این پس حق که نادیدم افرا کردی و با بسویش کن و خود رسیدای
 عَلَيَّ لَمْ تَعْفُوتْ فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِالْعَفْوِ
 در نهایی خود دقتی من اگر در کدزی پس کیست نژاد از تو چه در گشتن و
 إِنَّ عَذَابَكَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ إِيْرَحْمَ
 اگر عذاب کنی پس کیست منصف تر از تو در حکم و رحمت کن
 فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كَرَمِي
 در این جهان بیگس مرا و نزد مردن اندام مرا
 وَفِي الْقَبْرِ وَجْدَتِي وَفِي الْآخِرَةِ وَحْشَتِي
 و در قبر تنهایی مرا و در محله رسیدن مرا و در آخرت وحشیتم
 لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ مَوْفَىٰ وَاعْفُ عَنِّي مَا
 به حساب در پیش تو خوار می استخوان من از اسود سپهر از برای من آنچه
 خَفِيَ عَلَى الْأَعْيُنِ مِنْ عَمَلِي وَأَدْمَلِي مَا بِي سَتَرْتَنِي
 که پنهان شد از انبیا از کردار من و پنهان دار برای من آنچه در میان
 وَأَكْمَنِي بِغَيْرِهَا عَلَى الْقُرْآنِ قَلْبِي أَيْدِي
 و مرا پنهان کرد با غیر آن بر قرآن و پنهان کرد مرا دستهای

تَعْلَقُ وَيَغْنَاكَ أَحْظُ رَحْلٍ وَيَجُودُكَ أَقْصَدُ

چسبیدن و در شش درگاه نوزدهمی آورده بار خود را و بچسبیدن تو طلب میکنم

طَلَبْتِي وَبِكْرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِي دُعَائِي

عاجت خود را و بزرگواری تو ای پروردگار من طلب میکنم کشتن دعا میخوانم

وَلَدَيْكَ أَرْجُو سَدَقَاتِي وَبِعِزَّتِكَ الْخَيْرُ

و نزد تو امید دارم حاجت خود را و بزرگواری تو تدارک میکنم

عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ

نیازمندی خود را و در زیر سایه عفو تو هست ایستادن من و بسوی بخشش تو

وَكِرَمِكَ أَرْفَعُ بَصَرِي وَإِلَى مَعْرِفِكَ أَذْهَبُ

و بزرگواری تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی جان تو همیشه میدارم

نَظْرِي فَلَا تُخَيِّرْنِي بِالْثَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَهْلِي

نظر خود را ای پادشاهان تو را نپسندم و قرارگاه امید منی

يَسْكُنِي الْمَلَكُوتُ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي يَا سَيِّدِي

و در ملکوت من پادشاهان را و چون در آنجا تحقق نور و شرف دیده منی ای آقای من

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا خَسَائِكَ مَعْرِفُوكَ فَإِنَّكَ

غافل نیستی ای پادشاهان خدای خود و عطا خود را و بزرگواری تو

عَلِيٌّ وَرَجَائِي وَلَا تُخَيِّرْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَالِي

مستحق و پادشاه منی و پادشاه من مرا از پادشاه تو نپسندم و بزرگواری تو

رحم

يَرْحَمُنِي إِنَّ لَكَ رَحْمَةً وَفَضْلًا مِنْ أَوْمَلٍ أُرِيدُ مِنْكَ

رحم کن مرا اگر رحم کنی تو مرا بخشش کن آرزو کنم اگر نیایم

فَضْلِكَ يَوْمَ فَاغْفِرْ لِي وَإِلَى مِنَ الْفَرَارِ مِنَ الدُّنْيَا

فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کسبت کنیز از کنایان

إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُو

هرگاه پایان رسد اجل من بزرگ من عذاب مکن مرا و من امید دارم ترا

اللَّهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي وَأَمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ

خدایا درستی کن امید مرا و امین گردان بیم مرا زیرا که محقق بسیاری

دُنُوْنِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي أَنَا

کنایان من امید ندارم در باره آنها مگر عفو ترا آقای من

أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ النُّقْوَى وَ

درینخواهم آنچه را که استحقاق ندارم و تو سزاوار برتر کار می

أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاعْفُ عَنِّي وَابْسِطْ لِي نَوَابِ

سزاوار آمرزشی ای بس بیا بر من و بریشان مرا از لطف خود جانم

يُعْطِي عَلَى التَّبَعَاتِ وَتَغْفِرُ الْعَمَلِ وَلَا أَطَالِبُ

که بپوشد بر من و بپایند و می آمرزی آنها را برای من و مطالبه نمی کنم

بِهَا أَنَا لَكَ ذُو مِنْ قَدِيرٍ وَصَفِّ عَظِيمٍ وَتَجَاوَزْ

و بپایند بر من صاحب عطای دیرینه و در که شستن بزرگ و تجاوز

أَحِبَّنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ سَمْعُودَ وَدَا عَلَى الْغَتَبِيِّلِ الْعَبْدِ الْفَقِيرِ

دوستان من و بخشش کن بر من دما بیکر بود و با ستم کشیده بر جاکه عمل عشق در راه

صَالِحِ خَيْرِي وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُودًا قَدْ نَازِلَ الْأَوَّلِ

خا ستم بها بجان من و مهر با بکن بر من حال اگر برده آشتی هم بر آید فرا گرفته باشد خویش

أَطْرَافِ جَنَازَتِي وَجِدْ عَلَيَّ مَنَقُولًا تَدْنِيكَ

کنای ای خیاره مرا و بخشش کن بر من در حالتیکه نقل کرده شوم تحقیق که فرود آمده شوم

وَجِدْكَ فِي حُفْرَتِي وَأَرْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

تو را در قبر خود و در هم کن در آن خانه تازه

عَزَّتِي حَبِيْبِي لَا اسْتَنْافِسْ بَعْبِكَ يَا سَيِّدِي قَالَكَ

بی کسی مرا نه کنده انس بگیرم بغیر از ای آقای من پس تحقیق

أَنْ كَلِمَتِي عَلَى نَفْسِي هَلَكْتُ سَيِّدِي فَبِمَنْ

اگر و آنکه ای سید من و بسوی نفس خودم هلاک خودم شد از کس من پس بگو

اسْتَغْفِرُكَ أَنْ لَمْ تَقْلُبْنِي عَشْرَةَ وَرَأَى مِنْ أَوْفَعِ

استغاثه تا بم که در گذردی باین بخشش من و بسوی که استغاثه کنم

لَنْ تَقْدِرَ عَنَابَتُكَ بِي ضَعْفِي وَلَيْلٍ مِمَّنْ أَلْجَى

اگر ای تو نه توانی از عتاب تو باین ضعیفی و لیلی مِمَّنْ اَلْجَى

لَنْ تَقْدِرَ عَنَابَتُكَ بِي ضَعْفِي وَلَيْلٍ مِمَّنْ أَلْجَى

اگر ای تو نه توانی از عتاب تو باین ضعیفی و لیلی مِمَّنْ اَلْجَى

لَنْ تَقْدِرَ عَنَابَتُكَ بِي ضَعْفِي وَلَيْلٍ مِمَّنْ أَلْجَى

اگر ای تو نه توانی از عتاب تو باین ضعیفی و لیلی مِمَّنْ اَلْجَى

بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تُرَدِّي مَعْرُوفِي

باین دعا من امید دارم اینکه بر نرد و آن مرا آنچه شنیده باشی من
بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ
بهره ای تو بخشش تو خدای من تویی آنکه نمی زنجارند ترا

سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَقَوْلُكَ

سوال کننده و کم نیاید ترا عطا تو چنان که خود میگوئی و بالای
مَا تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَبِلًا وَرَجَاءً

آنچه میگویم خدایم در سئید من سوال میکنم ترا از صبری بزرگ و رجاء
قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَآجْرًا عَظِيمًا وَأَسْأَلُكَ يَا

نزدیک و گفتار راست و مزد بزرگ و در سزاوارتر از تو ای

رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّ مَا عَمِلْتُ مِنْهُ وَمَا أَعْمَلُ

پروردگار من از خیر همه آن آنچه دانستم از آن و آنچه می دانم از آن

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ

سوال میکنم خدایم از بهترین آنچه سوال کرده ام از تو ای خداوند

عِبَادُكَ الصَّالِحِينَ يَا خَيْرَ مَنْ سَبَّلَ وَاجْعَلْ

بندگان پاکیزه ای من بهترین کسی که سبیل کرد و بگردان
مِنْ عَطَايَ سَوْفِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي

کسی که بخشش کرده مرا کن بمن در خواسته مرا از نفس من و اهل من و پدر من

گرمی الهی انت الذی تقیض سببک علی من

گرمی خدای من نوی آنکه روان سازی عطای خود را

لا یسئلك و علی الجاحدین یزید یزیدک فکیف

سوال نمند از تو و بر آنکه انکار کنند بر تو در کار من ترا بسزایم

سیدی بمن سئلت و ایتقن ان الخلق لك

آقای من سبب آنکه سوال کند از تو و یقین دارد که مقتضای تو شایسته است

والامر الیک تبارکت و تعالیت یارب

و امر کاری بسوی توست باری و بلند می شوی ای پروردگار

العالمین الهی و سیدی عبدک بیابک

جهانان الهی خدای من و بزرگ من بنده توست پرکار تو

اقامته الخصاصه بین یدیک یقرع باب

برپا داشتند آنکه در پیش تو در سبک در

احسانک بدعا به و کست عطف جبل

احسان ترا به عای خود و طلب هدایت میکند از بیک

نظرت بکنون رجائه فلا تعرض یوجهک

نظر تو باینکه پرشیده خود پس گردان روی بزرگوار

الکریم عی و اقبل منی ما اقول فقد دعوا

پروردگار من و بپذیر از من آنچه میگویم پس بخشید مرا

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا اسْأَلُكَ بَطْرًا وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ
فردا و اول غرضی در طغیان و بگردان از بزرگواران مرا از ذوالفراخترین
اللَّهُمَّ اعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَلَدِ
خداوند اعطا کن مرا فراخی در روزی و امنیت در و عن
وَقَرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمَقَامِ
و در دشتی دیدن در اهل و مال و فرزندان و در بزرگواران
فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصَّحَّةَ فِي الْجَسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي
در نعمتای تو که نزد من است و صحت در جسم و توانائی در
الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَغْنِنِي بِطَاعَتِكَ
بدن و سلامتی در دین و بکار دار مرا بطاعت خود
و طَاعَةَ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآهِلِهِ
و طاعت رسول خود محمد رحمت فرستاد خدا بر او و بر
بِكُنْ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ أَقْوَمِ
خاندان او همیشه مادام که زنده داری مرا و بگردان مرا از ذوالفراخترین
عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ
بندگان خود نزد خود از هر وی بهره در هر نیکی که فرستاده ای
و نَزَّلْتَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا
و فرود فرستی اینها در ماه رمضان در شب قدر و آنچه

وَوَلَدَيْ وَأَهْلِي خُرَانِي وَأَخَوَانِي فِيكَ وَاعْتَدِ
دو فرزند من و عیال من و برادران من در راه تو و خوش کن

عَيْشِي وَأَظْهِرْ مَرْفُوقِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَ
زندگانی مرا و ظاهر ساز مرده مرا و اصلاح آور همه حالت های مرا

اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلُتْ عُمْرُهُ وَحَسَنْتْ عَمَلُهُ وَتَمَّتْ
بگردان مرا از آنکه در از کرده عمرش را و نیک کرد اندیدی کرد و بش از آنکه

عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَحْسِنْتَ جُودَهُ
بر ایشان نعمت خود را و راضی گشتی از ایشان و زنده داشتی ایشان را از تنگداری

طَبِيبَةً فِي أَدْوَمِ الشُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكَرَامَةِ
با کبریا در پیوسته ترین شادوسی و کامل ترین نوازشی

وَأَثَرِ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ
در تمام ترین نعمت های تو هر سبکی که بخواهی آنچه خواهی و نمی کند

مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ وَخَصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ
آنچه خواهد غیر تو خداوند من و مخصوص من گردان از جانب خود بزرگوار

ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ
خاص من نزد و گردان هیچ چیز را از آن چیزی که من نزدیکی میجویم به آن بسوی تو

فِي أَنْتَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ بَلَاءٍ وَلَا تَسْمَعْ
در ستایشهای شب و طرفهای روز بلاء و نرسد

بسم الله الرحمن الرحيم

قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْهِي قَوْجًا وَمَخْرَجًا

دل مرا و بگردان برای من از غم من مانده و من کنش و بیرون شدن

وَاجْعَلْ مِنْ أَرَادِي لِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ

و بگردان هر که که آید کند مرا بدی از همه خلق تو

تَحْتَ قَدَمَيْ وَأَكْفِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّ

دو پایی من و دفع کن از من گزند شیطان و گزند

السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْ لِي مِنْ

پادشاه و بدیهای کردار مرا و پاک گردان مرا از

الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ

گناهان همه آنها و زنجار دور مرا از آتش

بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزُيِّنْ لِي

ببخش خود و در آور مرا در بهشت برحمت خود و زین ده مرا

مِنَ الْخَوْرِ الْعَيْنِ بِفَضْلِكَ وَلِحَقْنِي بِأَوْلِيَاكَ

از سیاه دیدگان فراخ چشم بفضل خود و در چون مرا بدوستان خود

الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ

شایسته محمد و آل او که نیکانند باکسانند

الطَّاهِرِينَ الْأَحْيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

پاکیزگانند نیکوکارانند رحمتهای خدا بر ایشان باد

۲۲۶
اَنْتَ مُزِلُّهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ

تو فردا آورده و تازده و تازده هر سال از رحمتی که برانگنده کنی از او عافیتی
نیکبختی و بلیه قدفعها و حسنات تقبلها و

که بر شانی از او بدی که دفع کنی آنرا و نیکبختی که بپذیری آنرا و
سبب است بپایان عیبها و از شر قبیح حج بینک لکرم

بدیهای که در گذری از آنها در دوزی کنی مراجع خانه مستخرج خود
فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ وَ ارْزُقْنِي زَرْقًا وَ اسْعَا

در سال ما این سال و در هر سال در دوزی کن مرا دوزی فراخی
مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَ اصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدُ

از بخشش فراگیرنده خود و بگردان از من ای آقای من
الْأَسْوَاءِ وَ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ الظُّلُمَاتِ حَقِّي

بدیها را و قضا کن از من قرض را و تیرگیها را تا آنکه
لَا أَتَاذُنِي شَيْءٌ مِنْهُ وَ خُذْ عَنِّي يَا سَمَاعُ اضْئِدْ

مهر نیایم هیچ چیز از من و فراگیر از من کوشهای مخالفان مرا
وَ ابْصُرْ يَا عَلِيَّ وَ حَسَّادِي وَ الْبَاعِثِينَ عَلَيَّ

و دیده بای دشمنان مرا و بدخواهان مرا و آنانکه ستم کنند بر من
وَ انْصُرْ لِي عَلَيْهِمْ وَ اقْضِ عَنِّي وَ حَقِّقْ ظَنِّي وَ قَبِّحْ

دواری ده مرا بر ایشان در دشمنی و بدخواهی من کمان مرا و بکشا

بسم الله الرحمن الرحيم

اللّٰهُمَّ اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِيْ ذٰلِكَ سُرُوْرٌ عَدُوْلَكَ
خدای من اگر مرا در آتش پس بدان شادی دشمن تست
وَ اِنْ اَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِيْ ذٰلِكَ سُرُوْرٌ نَّبِيَّكَ
و اگر مرا در بهشت پس بدان شادی پیغمبر تست
وَ اَنَا وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ اَنْ سُرُوْرَ نَّبِيِّكَ اَحَبُّ اِلَيْكَ
و من تیر بخدا میدانم که خجقین شادی پیغمبر تو دوست تر است بسوی تو
مِنْ سُرُوْرٍ عَدُوْلَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَلْكَ اَنْ تَمْلَأَ
از شادی دشمن تو خداوند بدرستی که من سوال میکنم از تو آنکه پر کنی
قَلْبِيْ حُبًّا لِّكَ وَ خَشْيَةً مِنْكَ وَ تَضِدَّ بَيْنَكَ وَ بَيْنِيْ
دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و با دودشستن کتلب خود
وَ اِيْمَانًا بِكَ وَ فِرْقًا مِنْكَ وَ شَوْقًا اِلَيْكَ يَا اَجَلَّ الْجَلالِ
و کردین بخود و بیم نمودن از خود و آرزو مندی بسوی خود ای خداوند بزرگوار
وَ اَبْلَاكَ كَرَامٍ حَبِيْبٍ اِلَيَّ لِقَائِكَ وَ اَحْبَبٍ لِّعَاقِبِيْ
و کرامتی داشتن و دوست گردان بسوی من ملاقات خود را دوست دارم و عاقبت
وَ اجْعَلْ لِّيْ فِيْ لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ الْفَرَجَ وَ الْكِرَامَةَ
و بگردان برای من در ملاقاتم ترا آسایش و گشادگی و بزرگواری
اَللّٰهُمَّ اَحْقِنِيْ بِصَالِحٍ مِنْ مَّصْرَعٍ وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ صَالِحِ
خداوند ایستادگی مرا از مصلحتی که در گشاده و بگردان مرا از جمله نیکو کار

وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَمِنْ خَلْقِ اللَّهِ

در نفوس ایشان و بدنهائی ایشان در رحمت خدا
و بركاته الهی و سیدی و عزیزت و جلالت

و برکنهائی او خدای من و بزرگ من منم بعزت و بزرگواری تو
لَا طَالِبَتْنِي يَدُنُوكَ لَا طَالِبَتْنِكَ بِعَفْوِكَ

هرآینه اگر مطالبه کنی مرا بکنایان من هرآینه مطالبه کنم ترا بعفو تو
و لکن طالبتنی یلومی لا طالبتک بکرمات

و اگر مطالبه کنی مرا بدانات من هرآینه مطالبه کنم ترا به بزرگواری تو
و لکن ادخلتني النار لا خير لأهل النار

و اگر درآوری مرا در آتش هرآینه آگاه کنم اهل آتش را
محبی لک الهی و سیدی ان كنت لا تغفر

بدست دشمنم ترا خدای من و آقای من اگر بدیده باشی که بنام من
إِلَّا لِأَوْلِيَّائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَىٰ مَنْ

مگر دوستان خود را و فرمان برداران خود را پس بسوی که
يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ

پناه گیرنده گناه گران و اگر بدیده باشی که اگر می نداری
إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ لَكَ فَمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسْتَغِيثِينَ

مگر آنانرا که وفا کرده اند به تو پس که استغاثه نمایند به کاران

بسم الله الرحمن الرحيم

بَعَثَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرَأَ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّلْتِ وَ
بر آنکزی مرا بران و غفل کن دل مرا از ریا کردن و شک نمودن و
وَالسَّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَلَى خَالِصِكَ
سمه کردن در دین تو تا آنکه بوده باشد کردار من خالص برایت
اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي
خداوند ای بخشش مرا بینای در دین خود و در باقی
حُكْمِكَ وَفَقْهًا فِي عِلْمِكَ وَكَفَالِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ
ملم خود و دانشی در علم خود و دو نصیب از رحمت خود
وَوَسْرًا بِخَيْرِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَبَيِّضْ وَجْهِي
در پیرکاری که باز دارد مرا از نافرمانی تو و سفید کن روی مرا
وَسُوءِكَ وَأَجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوْفِي
بر دشمنای خود و بگردان رغبت مرا در آنچه نزد است و پیران مرا
فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
در راه خود و بر دین فرستاده خود رحمت فرستاده خود
وَاللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفُسْهِلِ
در آل او خداوند ایستیکه من بیا به بگیرم بتر از کاهلی و ناتوانی
وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ لِلدَّلَّةِ
واندوه و بدبختی و بخیلی و بیخبری و سختی و غواری

مَنْ بَقِيَ وَخَذَ بِسَبِيلِ الصَّالِحِينَ وَأَعْنَى عَلَى

انکه باقی مانده و مدار مرا براه شایستگان و باری کن مرا بر

نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَا

بر نفس من با آنچه باری میکنی بآن شایستگان را بر نفسهای ایشان چون

تَنْ دَنِي فِي سُوءٍ اسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ وَأَخْلَصُ

کردان مرا در بدیهایی که خلاصی و نجات دادی مرا از آن و ختم کن

عَلَى بِأَحْسَنِهِ وَأَجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَسَدَ

کردار مرا به نیکوترین آن و بگردان با دامن مرا از آن پهنست را

بِرَحْمَتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَأَعْنَى عَلَى صَالِحٍ مَا

بر رحمت خود ای پروردگار عالمیان و مدد کن مرا بر شایسته آنچه

أَعْطَيْتَنِي وَتُبَّيْتَنِي يَا رَبِّ وَلَا تُرْدِنِي فِي

عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای پروردگار من و بر گردان مرا در

سُوءٍ اسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

ناخوشی که رسانیدی مرا ازان خداوند بدرستی که من در میخواهم از تو

إِنَّمَا نَأْجِلُ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحِبِّني وَأَحْيَيْتَنِي

ایمانی که نباشد نهایی از برای آن سواي ملاقات تو زنده مرا تا و فیکند زنده مرا

عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْعَثْنِي إِذَا

بر آن و ببران مرا هرگاه بمیرانی مرا همان و مرا بکبر مرا هرگاه

عَذَابِكَ وَلَا تَزِدْ نِي بِهُلُوكِكَ وَلَا تُدْخِلْ نِي

عذاب خود در مکر دان مرا بهلاکت در مکر دان مرا

بِعَذَابِ الْيَمِّ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ ذِكْرِي

ببذاب در دناک خداوندنا پذیر از من و بلند کن ذکر مرا

وَأَرْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وَزِيرِي وَلَا تَذْكَرْنِي

و در بفع کن درجه مرا و فرود گذار بارکران مرا و نه یاد کن مرا

بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ

ببخای من و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب

مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْحَسَنَةَ

کفایت مرا و جزای دعای مرا خوشنودی خود و بهشت را

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْ نِي

و بخشش مرا ای پروردگار من همه آنچه سوال کردم از تو و زیاد کن مرا

مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

از بخشش خود بهر ستم که من ببردی تو خواهم بهم ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ الْعَفْوَ وَأَمَرْتَنَا

خداوندنا بهر ستم که تو فرود رسانیدی در کتاب خود عفو را و امر کردی ما را

أَنْ نَعْفُو عَنْ ظُلْمِنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ

اگرچه در گذاریم از آنکه ستم کرده ما را و بخشش کنیم خود پس در گذار

وَالْمُسْكَنَةُ وَالْفَقْرُ وَالْفَاقَةُ وَكُلُّ بَلِيَّةٍ

وفاقی جزئی
و ما چندی و تنگدستی و هر رنجی
و الفواحش كلها ما ظهر منها وما بطن

و هر زشتی
همه آن آنچه آشکار باشد از آن و آنچه پنهان باشد

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ

و پناه میگیرم بفرموده تو از نفسی که قناعت نرزد و شکمی که سیر نکرد

و قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَدَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

و دلی که نترسد و ندانند و دعای که پذیرفته نکرد و کرداری که سود نبخشد

و صَلَوةٍ لَا تَرْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي

و نمازی که بالا برده نشود و پناه میگیرم بفرموده تو ای پروردگار من بر نفس خود

و وَلَدِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي

و فرزند خود و دین خود و مال خود و بر همه آنچه روزی کردی مرا

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

از شیطان رانده شده بدستگیر کننده تو ای شنوای دانای

اللَّهُمَّ أَنْتَ لَا تُخَيِّرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَحَدٌ مِنْ

خدایا ای خدایا تو را از تو هیچ کس و نه یکی با من

دُونِكَ مُلْتَجِدٌ فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ

غیر تو پناهی پس گردان نفس مرا در چیزی از

اَنْتَ الْاَكْبَرُ الْاَكْبَرُ الْاَكْبَرُ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ
 پرستیدند تو پروردگار بزرگوار من از تو خواهم از تو
 اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمَا شَرُّهُ قَلْبِیْ وَ یَقِیْنًا صَادِقًا حَتّٰی اَعْلَمَ اَنَّهُ
 ای باری که مباد شد آن گنجی دل مرا و یقین راست درستی تا اینکه بدانها بنگ
 لَنْ یُصِیْبَنِیْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِیْ وَ رَضِیْتُ مِنَ الْعِشْرِ
 نرسد مرا مگر آنچه تقدیر نموده برای من و خوشنود سازم از زندگی
 مَا قَسَمْتَ لِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَ مَحْضَرِّیْنَ عَالَمِیْ مَحْرَمِیْنَ
 آنچه قسم کرده برای من ای بخشنده ترین بخشندهگان
 یَا مُفَرِّغِ عَنِّیْ عِنْدَ کُرْبِیْ وَ یَا غَوِّیْ عِنْدَ شِدَّتِیْ
 ای باری که من ترزد اندوه من و ای فریادگر من ترزد سختی من
 اَلْبَیْکَ فَرَحْتُ وَ بِکَ اِسْتَعْنَيْتُ وَ بِکَ لَدُنْتُ
 سو تو باده آورده ام و به تو استغاثه نموده ام و به تو التماس آورده ام
 اَلَا اَلَوْ دِیْسِوَاکَ وَ لَا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلَّا مِنْکَ
 ای باری که بپریم بغیر تو و طلب نمی کنم کشتایش مگر از تو
 فَاَعِشْنِیْ وَ فَرِّجْ عَنِّیْ یَا مَنْ یَّهْبِلُ الْیَسِیْرَ وَ یَعْمُو
 پس بفریادگر مرا و بکش از من ای آنکه می پذیرد اندک تلل را و در بگذرد
 عَنِ الْکَثِیْرِ اَقْبَلْ مِنِّیْ الْیَسِیْرَ وَ اعْفُ عَنِّیْ
 از آنکه بسیار بپذیر از من اندک را و مغفرت از من

عَمَّا فَانَكَ أُولَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَآمَرْنَا أَنْ لَا تُرَدَّ

از ما زیرا که تحقیق تو مرادار تویی هر که نشنید از ما و امر کردی ما را آنکه بر تو نکرانیم

سَأَلْنَا عَنْ آبَائِنَا وَقَدْ جِئْتَنَا سَائِلًا فَلَا تُرَدُّ

در خواهند ما از پدرهای خود و تحقیق آمده ام ترا در خواهند پس کردن مرا

إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَآمَرْنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى

مکره و کردن حاجت من و امر کردی ما را به نیکی کردن بسوی

مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَخَنَ أَيْ قَاوُكَ فَاعْتَقِرْ قَابَنَا

آنچه مالک است دست راست ما و ما بنده گان تویم پس ازاد کن کردنهای ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُقَرَّبِي عِنْدَ كَرْبَتِي وَيَا عَوْنِي عِنْدَ

از آتش ای پناه من نزد آمده من دای فریاد پس من نزد

شِدَّتِي إِلَيْكَ قَرَعْتُ وَبِكَ اسْتَعَثْتُ لَكَ ذِكْرُ

سخنی من بسوی تو پناه آورده ام و به تو استغاثه نموده ام و پناه گرفتم

وَلَا تُؤْخِرْ عَنِّي سَوَابَكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرْجَ إِلَّا مِنْكَ

و پناه نمیگیرم بغير تو در طلب نمیکنم کشایش را مگر از تو

فَاعِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ السَّيْرَ وَيَعْفُو

بر بفریاد پس مرا و فزایل کن از من ای آنکه می پذیرد و اندک را و در میگذارد

عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلُ مِنِّي السَّيْرَ وَأَعْفُ عَنِ الْكَثِيرِ

از گناه بسیار بپذیر از من اندک را و گذرد از گناه بسیار

در ماه

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ

بار خدا یا این ماه رمضان است که فرودستادی در آن قرآن را

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

در ماهی که راهنمای آدمیان است و نشانهای روشنی از راه نجات و کشف حق از باطل

وَهَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَهَذَا

و این ماه روزه داشتن است و این ماه برخاستن است و این

شَهْرُ التَّائِبَةِ وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْغَفْرِ

ماه بازگشت است و این ماه توبه است و این ماه آمرزش

وَالرَّحْمَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْعِثْقِ مِنَ النَّارِ وَالْعُقُودِ بِالْجَنَّةِ

و بخشایش است و این ماه آزادی از آتش و بستاری بهشت

وَهَذَا شَهْرُ فِيهِ كَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنَ الْفَنَاءِ

و این ماهی است که در آن شب قدری است که آن بهتر است از فناء

شَهْرُ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَنِّي عَلَى صِيَامِهِ قِيَامِهِ

ماه خداوند ایس حجت بقر محمد و آل محمد و من بقر روزه داشتن و بر این در آن

وَسَلِّهِ لِي وَسَلِّمْ لِي فِيهِ وَعَنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ

و سلام دار مرا برای من و سلام دار مرا در آن و مدد کن مرا بر این به نیکوترین مدد خود

وَقَبِّلْ قَلْبِي فِيهِ لِمَا عَمِلْتَ وَطَاعَةً سَرَّ سَوْلتُ وَ

و بوسه بده مرا در آن برای آنچه خواست و طاعت خود را و طاعت رسول خود را

الْكَثِيرِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي

گناه بسیار بدستگیر تویی آمرزگار هر جان خداوند بزرگوار

أَسْأَلُكَ إِنَّمَا مَا بَشَرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا صَادِقًا

من در خواهم از تو ایانی که مسأله آن کنی دل مرا یقینی راست

حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ كُنْ يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كُتِبَ لِي وَ

تا آنکه بدانم اینک بخفین نرسد مرا مگر آنچه تقدیر کرده برای من و

رَضِيَنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خوشنودن مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای بخشنا بنده ترین بخشنا بنده

يَا عِدَّتِي وَكَرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي

ای ذخیره من در آرزو من وای یار من در سختی من

وَيَا وَلِيَّتِي فِي نَعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ

وای کفایت کننده من در نعمت من وای منتهی مطلب من در خواهش من تویی

السَّكِينُ تَهْوِيَنِي وَالْأَمِنْ رَوْعَتِي وَالْمَقِيلُ

بخشنا بنده از درشت مرا و ایمنی بخشیده خوف مرا و در گذارنده

عَثَرَتِي فَأَعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

لغو بخش مرا پس بپایان روز گناه مرا ای بخشنا بنده ترین بخشنا بنده

وَأَمَّا عَاجِلِي بِرَوْضَةِ مَبَارَكِ رَمَضَانَ بِسَمْعٍ مُعْتَبَرٍ مُقْبُولٍ

و اما عا جلی بی در و تاه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که

الْأَخْرَانِ وَالْأَعْرَاضِ وَالْأَمْرَاضِ وَالْخَطَايَا

والتوب

وَالذُّنُوبَ وَأَصْرَفُ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ

وَالْجُهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالْتَعَبَ وَالْعَنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعٌ

الدَّعَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِزَّنِي

فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ وَنَفْسِهِ

وَنَفْخِهِ وَوَسْوَاسِهِ وَشَيْطَانِهِ وَبَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَ

مَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَأَمَانَتِهِ وَغُرُوبِهِ

وَفُتْنَتِهِ وَشُرَكَائِهِ وَأَخْرَاجِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَأَسْبَابِهِ

وَأَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

وَدُوسْتَانِيهِ وَدَانِيَانِ وَدَوَانِيَانِ وَدَوَانِيَانِ

وَدَوَانِيَانِ وَدَوَانِيَانِ وَدَوَانِيَانِ وَدَوَانِيَانِ

أُولَئِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَمِنْ غَنِيٍّ

دوستان خود را رحمتهای خدا بر او و بر ایشان و غنی داران را

فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَاكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ

دران بجهت عبادت خود و خواندن خود و خواندن کتاب خود

وَعَظْمِيٍّ فِيهِ الْبَرَكَةُ وَآخِسِيٍّ فِيهِ الْعَافِيَةُ

و بزرگی این برای بزرگان برکت را و یکرودان برای من دران عافیت را

وَآخِرِيٍّ فِيهِ التَّوْبَةُ مَا أَهَجَّ لِي فِيهِ بَدَنِي وَأَوْسَعُ

و کما هار برای من دران توبه را و سالم دار برای بزرگان بدن مرا و فراخ کن

لِي فِيهِ رِزْقِي وَأَكْفِيَّ فِيهِ مَا أَهَمَّنِي وَأَسْتَجِبُ

برای من دران رزق و ذریع کن از من بدان آنچه غمگین نماید مرا و بپذیر

فِيهِ دُعَايَ وَيَلْغِيَّ فِيهِ رَجَائِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

در آن دعای مرا و برسان مرا دران بامید من خداوند رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ وَالْكَسَلَ

محمد و آل محمد و ببر از من دران خواب سبک و کمالی

وَالسَّامَةَ وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ

و تشنگی و بدستی و سختی دل و بیخبری و غریبگی را

وَجَنَبِيٍّ فِيهِ الْعِلُّ وَالْأَسْقَامُ وَالْهُمُومُ وَ

و دور کردن از من دران علتها و بیماریها و غمها

در استی
زبان

وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ

در استی زبان و بیم داشتن از تو و امید داشتن مرزا

وَالْتَوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنْكَ

در توکل نمودن بر تو و اعتماد داشتن بر تو و پرهیزیدن از

مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّغْيِ

محرمات تو با کلام شایسته و حرکت پذیرنده

وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ وَلَا تَحْمِلْ

و عمل بالا برده بسنده و دعای اجابت کرده شده و عامل گردان

بَنِي وَبَيِّنْ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ بَعْرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَ

میان من و میان کسی جز از آنچه در خواستم من مآثره و نه بیماری

لَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سُقْمٍ وَلَا عَقْلَةٍ وَلَا لِسَانٍ

نه نگرانی و نه غمی و نه غمی و نه بیخبری و نه فراموشی

بَلْ بِالْتَّعَاهُدِ وَالْحَفِظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرِّعَايَةِ

بلکه معاهده بکن با من بزمین ملاحظه کردن و خود را نگاه داشتن برایت و در راه تو در عایت

لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ

حق تو و وفا نمودن بپیمان تو و وعده تو بر رحمت تو

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای بخشنده ترین بخشنندگان خداوند رحمت بر محمد و آل محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ وَ

بر محمد و آل محمد در روزی کن ما را نماز آن در روز آن و

بَلَوِّعَ الْأَمَلِ فِيهِ وَتَقِي قِيَامَهُ وَاسْتِزَكَمَالَ

رسیدن بارزد و در آن و در نماز آن و تمام کردن

مَا يُرِضُكَ عَنِّي صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَإِيمَانًا وَبِقِيَامِ

آنچه خوشنود سازد از من از روی بشکایتی و خالص گردانیدن قصد کردن و یقین

لَمْ تَقْبَلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ

پس بپذیر آنرا از من باضعاف بسیار و در

الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بزرگ ای پروردگار جهان یان خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْجِدَّةَ وَالْأَجْتِهَادَ وَ

محمد در روزی کن حجاج و عمره و سعی کردن و کوشش نمودن و

الْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ

توانایی و خردی و بازگشت و توبه و دینک مبارک را اسباب بخت

وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ

و نزدیک و دینی پذیرند و ترس و خواهش شدنی

وَالْبُضْرَ وَالْحُشُوعَ وَالرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصَّادِقَةَ

در ناری نمودن و خردی و درستی و نیت و عزیمت و درست

دوره

وَحِطِّي فِيهِ الْاَوْفَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

دوره من در آن تمام : خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِلْيَلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ يُحِبُّ

و تو من را در آن روز برای شب قدر بر بهترین حالت دوست میدار

أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَايَكَ وَأَرْضَاهَا

آنکه بوده باشد بران مال یکی از دوستان تو و پسندیده ترین آن

لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ وَأَمْرِ رِقْنِي

برای تو پس گردان آن نسبت به برای من بهتر از هزار ماه و روزی کن مرا

فِيهَا أَفْضَلَ مَا سَرَّ رَقَّتْ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَغَتْهُ أَيَاهَا

در آن شب بهتر از آنچه روزی کرده کسی را از آنکه رسانیده می باشد ایاتها

وَإِذَا مَتَّه بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عَتَقَائِكَ مِنْ

و اگر مته به بها و بگردانم در آن شب از آنکه آزاد شده گان خود از

جَهَنَّمَ وَطَلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَسَعْدَائِكَ خَلْقِكَ

دوزخ در آنکه دکان خود از آتش و شیکمندان خلق خود

بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

با بخشش خود و خوشنودی خود ای بخشنده ترین بخشنندگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَمْرِ رِقْنَانِي شَهْرِي

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل خود و روزی کن مرا در این ماه

وَأَقْسِرْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
وَسَمِعْتُ كُنْ دُرْدَانِ مَاهِ بَهْرَنِ اِنْجَمِ شَمْسِ كُنِي آنرا برای بندگان شایسته خود
وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقَرَّبِينَ
وَبَخْشِ مَرَاۤءِي دُرْدَانِ بَهْرَنِ اِنْجَمِ بَخْشِ زَمَانِ دُرْدَانِ نَزْدِكِ خُودِ
مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالْخَيْرِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْعَفْرِ
بَخْشِ اَمَرْ بَخْشِ دِهْرَانِ و بَخْشِ دُرْدَانِ و بَخْشِ دُرْدَانِ
الدَّائِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمَعَاوَةِ وَالْعِثْقِ مِنَ النَّاسِ
بَخْشِ دِهْرَانِ و بَخْشِ دِهْرَانِ و بَخْشِ دِهْرَانِ
وَالْفُوزِ بِالْجَنَّةِ وَحَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ
دُرْدَانِ بَهْرَنِ دِهْرَانِ اِنْجَمِ دِهْرَانِ دِهْرَانِ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ
بَزْمِ دَالِ مُحَمَّدِ دِهْرَانِ دِهْرَانِ دِهْرَانِ
وَاصِلًا وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا
بِهْرَنِ دِهْرَانِ دِهْرَانِ دِهْرَانِ
عَلَى فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي
دِهْرَانِ دِهْرَانِ دِهْرَانِ
فِيهِ مَغْفُورًا حَتَّى يَكُونَ نَصِيْبِي فِيهِ الْأكْبَرُ
دِهْرَانِ اَمَرْ دِهْرَانِ دِهْرَانِ

تو

وَجَعَلْتَ الْعَظِيمَ عَلَيْهِمْ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ

و بحق بزرگ تو برای ایشان مگر آنکه رحمت پرستی براد و آل و ایشان

اجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ إِلَى نَظْرَةٍ رَحِيمَةٍ تَرْضَى بِهَا عَيْنِي

هم ایشان و نظر افکنی سویی من نظر باشعفت که خوشنودشوی بسبب از این

بِرَضَى لَا سَخَطَ عَلَى تَعْدَةِ أَبَدًا وَأَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤ

پر رضی که نباشد غضبی بر من پس از آن هرگز و عطا کنی مرا تمام خواسته

وَرَغْبَتِي وَأَمْنِيَّتِي وَإِسْرَادِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا

و خواهش مرا و آرزوی مرا و مقصود مرا و بگردانی از من آنچه

أَكْرَهُ وَأَحْذَرُ وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَأَخَافُ

آنچه باغوش دارم و بیم نمایم و ترسم بر نفس خود و آنچه ترسم

وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَذُرِّيَّتِي

و از خاندان من و مال من و برادران من و خواهران من و اولاد من

اللَّهُمَّ لَيْتَ قَرْنًا مِنْ ذُنُوبِنَا فَأَوْثَانًا ثَبِينَ

خدایا ایستوگر بختیم ما از گناهان خود پس بایده ما را چالیکه بود و بایده

وَتُبَّ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ وَاعْفُ رُفْعًا مُتَعَوِّذِينَ

و خجسته بر من و مرا بر ما چینی که بوده باشیم طلب آمرزش نمایندگان و یار ما را از آنیکه بوده باشیم پناه گیرندگان

وَعَدْنَا مُسْتَحِيرِينَ وَاجْرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَخْذ

و پناه ده ما را چالیکه بوده باشیم پناه گیرندگان و زنده دارده ما را چالیکه بوده باشیم گردن نهندگان

و خداوند

هَذَا يَجِدُ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْمُحِبَّ

این ماه سعی بکوشش و توانائی و خرمی و انچه دوستدار

و تَرْضَى اللَّهُ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرَ وَالشَّفْعَ

و در بستی خداوندی بدر و دکار سپیده دم و شبهای دهگانه و شفع

وَالْوَتْرَ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتُ

و وتر و صاحب ماه رمضان و انچه فرو فرستادی

فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ

در آن که قرآن است و پروردگار جبرئیل و میکائیل

وَأِسْرَافِيلَ وَغَزَرَائِيلَ وَجَمِيعَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ

و اسرافیل و عزرائیل و همه فرشتگان نزدیکان

وَرَبَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

و پروردگار ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب

وَرَبَّ مُوسَى وَعِيسَى وَجَمِيعَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و روسته گان

وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ

و پروردگار محمد آخر پیغمبران رحمتهای تو بابر بر او و بر آل او

وَعَلَيْهِمُ الْجَمْعُ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ

و بر ایشان جمعیان و در میجوایم از تو بحق ایشان بر تو

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

ای خدا ای بخشننده ای مهربان ای بخشنده ترین بخشنده گان خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْفِ عَنِّي ذُنُوبِي وَعِيسِي

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامزد برای من گناهی مرا و پستیهای مرا

وَأَسْأَعَنِي وَظَلَمِي وَجُرْمِي وَأَسْرِافِي عَلَى نَفْسِي

و بدهای مرا و ستم کردن مرا و کلاه مرا و دیوانگی نمودن مرا بر نفس خود

وَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ وَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا

و روزی ده مرا از فضل خود و بخشش خود زیرا که بخشنی پاک نیست آنها را

غَيْرُكَ وَأَعْفَ عَنِّي وَأَعْفِ عَنِّي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ

خود تو و درگذر از من و بیامزد برای من همانچه را که گذشت از

ذُنُوبِي وَأَعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَجْرِي وَأَسْرِ عَلَى

گناهی من و نگاهدار مرا در آنچه باقی مانده از عجزم و پیرستان بر من

وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوُلْدِي وَفَرَاتِي وَأَهْلِ خِرَاتِي

و بر پدر و مادرم و فرزندان من و خویشان من و اهل غمخواری من

وَمَنْ كَانَ مِنِّي لَسِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و آنکه بوده باشد از من در راهی از مردان کرد و زنانه و زنان کرد و زنده

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ

در این جهان و در آن جهان زیرا که بخشنی هر چه بدست است و تو

رَاهِبِينَ وَأَمَّا رَاغِبِينَ وَشَقِيعَنَا سَائِلِينَ وَ

حال آنکه بوده باشیم ترسندگان و ایمنی بخش ما را حال آنکه بوده باشیم خشنودان و قبل شفاعت کن ما را حال

أَعْطِنَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ لِلْهَمِّ أَنْتَ

و بخش ما را بدینگونه تو پذیرنده دعائی نزدیکی اجابت کننده غمها و تو

رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَحَقُّ مِنْ سَائِلِ الْعَبْدِ رَأْفَةً

پروردگاری مرا دین بنده توام و سزاوارترین کسیکه سوال کند از تو بنده پروردگار است

وَكَمْ يَسْتَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مُوَضِّعَ

و همان کردند بنده کان مانند ترا در بزرگواری و بخشش ای قرارگاه

شَكْوَى السَّائِلِينَ يَا مُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ

شکایت درخواهندگان دای منتهی حاجت خواستندگان

وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

دای فریادرس فریادخوانان دای پذیرنده دعائی در مانده کان

وَيَا مُلْجَأَ الْهَائِرِينَ وَيَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِحِينَ وَيَا مُجِيبَ

دای پناه گریزندگان دای دادرس دادخوانان دای پروردگار

الْمُسْتَضَعِفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ

ماترکان دای رنج ناپسندنده اندوه اندوه ناکان

وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمُهِمِّينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

دای کناینده غم ناکان دای رنج ناپسندنده اندوه بزرگ

و بگوئی را

السَّعْدَاءُ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْصَانِي

در آن نیکوچان و نفس مرا با شهیدان و بگوئی را
فِي عِلْتَيْنِ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةٌ وَأَنْ تَهَبَ لِي

در عیلتین و بدی مرا آمرزیده و آنکه به بخشیش ترا
يَقِينًا بِمَا شَرَّ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَ

یقینی که با شرت کند بان دل من و ایمانی که نیاید از آمیج شک و
سِرِّضِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

خوشترودی با آنچه قسمت کرده برای من و بده مرا در این جهان نیکویی و در
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَإِنْ كُنْتُ

آنجهان نیکویی و نگاهدار مرا از عذاب آتش و اگر نبوده باشی
قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

اگر حکم کرده باشی در این شب فرود آمدن ملائکه و روح را
فِيهَا فَأَخْرَجْنِي إِلَى ذَلِكَ وَأَسْرُرْتَنِي فِيهَا ذِكْرَكَ لَعَلَّ

در آن پس بیاور پس مرا تا آنشب و در دوزی کن مرا در آن شب یاد تو دهن خود
سَكَّرَكَ وَطَاعَتِكَ وَحَسَنَ عِبَادَتِكَ فَصَلِّ عَلَى

سپاس که از منی خود و فرمان برداری خود و نیکویی بستیدن خود پس رحمت بفر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا أَمْرَ جَهَنَّمَ

و آل محمد و آل محمد را به بهترین رحمتی خود ای بخشنده ترین بخشنایندگان

وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تُدْ

وَرَاكِبُهُ آمُرُ زَنْشِي بِسَمْعِ مَا سَمِعْتُكَ مَرَايَ آقَايِ مِنْ وَبِرْكَرْدَانِ

دَعَايَ وَلَا تُرْ دِيْدِي إِلَى تَحْرِئِي حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ

دَعَايِ مَرَا وَبِرْكَرْدَانِ دَسْتِ مَرَا بِهَوِي سَبِيْدِ مِنْ تَأْأَنَكْ كَيْفِي أَنْزَاكَ كَرْدَنْ

بِي وَتَسْتَجِيبُ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَتَزِيدُنِي

بِسْمِ وَبِزِيْرِي بَرَايِ مِنْ هَمْدِ انْجَمِ اِسْوَالِ كَرْدَمِ اَزْتُو دَرْزَادِه كُنِي مَرَا

مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ

وَبَحْشِشِ خُورِ زِيرَاكَرْ تَحْقِيقِ تَوْبَرِهْمِ جَبَرْتُو نَائِي دَمَا بِهَوِي تُو

رَاغِبُونَ إِلَيْكَ يَا أَلْهَمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَلُ

دَوِشْتَنْدَمِ خُذَاوَنْدِ اَمْرُ تَرَا سَتِ نَامِهَايِ نَبِيْكَ دَوِ اَسْتَا نَهايِ

الْعُلْيَا وَالْكُبْرَى يَا وَالا لَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

بِسْمِ دَرْزَاكَرْدِي وَنَعْمَتِي اِسْوَالِ مَبْكُومِ اَزْتُو بَنَامِ تُو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ فَضَيْتَ فِي

بَنَامِ خُدايِ بِمِثَابِدِهِ هَبْرَانِ اَكْرَبُودِه بَاشِي كَرْمَكْرَدِه بَاشِي دَر

هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا

اِنْ سَبْ فَرْدُودِ اَمْدَنْ فَرْسَتَنْكَانِ دَرْوِجِ رَا دَرْدَانِ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

اَكْرَدِ حَمْدِ بَرْسَتِي بِرَحْمَةِ دَالِ سَمْعِ وَأَنَكْ كَرْدَانِي مَاجْمُورَا

سجده

بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْضَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

بعد از اوصیاء محمد رحمت می تو برادها و برایشان

أَعْطَفَ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا إِلَهَ الْآلَاءِ أَنْتَ بِحَقِّ

برگردان برایشان باری خود را ای آنکه نیست سزاوار برشش کردن بحق

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

لا اله الا انت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَأَجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ

و بگردان مرا با ایشان در دنیا و آخرت و بگردان

عَاقِبَةً قَامِرِي إِلَى عُمْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

آخر کار مرا بسوی آمرزشش خود و بخشش خود ای بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ تَسَبُّتَ نَفْسَكَ يَا سَيِّدِي

بخشاینده گان و همچنین نامیده ذات خود را ای آقای من

بِاللَّطْفِ بَلَى إِنَّكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بهر باری بلی بدرستی که تو مهربانی کننده پس رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَالطُّفُّ بِنِي إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ اللَّهُمَّ

محمد و لطیف کن با من بدرستی که تو لطیف کننده آنچه که خواهی خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْرُفِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در روزی که مراجع و عمره

يَا أَحَدُ يَاصَدِّقُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَغْضِبِ الْيَوْمَ

ای یگانه ای یگانه نیازمندان ای پروردگار محمد و آل محمد خشم گیر در این روز

مُحَمَّدٍ وَلَا تَرَأِ عِزَّتَهُ وَأَقْتُلْ أَعْدَاءَ هَمِّهِ دَاوُدَ

محمد را نبین و عزت او را از گردان و بکش دشمنان ایشان را حال آنکه مقتول باشد

أَحْصِهِمْ عَدَدًا وَلَا تَدْعُ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ

و در باب ایشان را بشمار و در اعداد برایش زمین از ایشان

أَحَدًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا يَا حَسَنَ الصُّبْحَةِ يَا حَلِيفَةَ

کسی را و مبارز ایشان را در هر ای بگو معاجبت ای خلیفه

النَّبِيِّ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ

پیغمبر آن تو بخشنده ترین بخشننده گانی آفریدگاری بدیده آفرنده

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَالْدَّائِرُ غَيْرُ الْغَافِلِ وَ

که نیست مانند او هیچ چیز و همیشه هم جود می کند که نیست غافل

الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَنْتَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنِ أَنْتَ

زنده ای که نمیرد تو هر روز در کاری تو

خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَصِّلُ مُحَمَّدٍ اسْأَلُكَ

خلیفه محمد و یاور محمد و و باز دهنده محمدی سوال میکنم از تو

أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقَسَامُ

ای بگو یاری کنی وصی محمد و جانشین محمد و آنرا که برپا است

أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقَسَامُ

ای بگو یاری کنی وصی محمد و جانشین محمد و آنرا که برپا است

الْكَرِيمُ الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

بزرگوار آمرزنده گناه بزرگ و رجوع میکنم بسوی او

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

طلب آمرزش میکنم از خدا بدینکه خدا هست آمرزگار مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوند من درخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ

و آنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر بزرگ

الْمَحْتَوَمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ

واجب گردیده در شب قدر از آن حکمی که گردانیده نشود

وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تُكْتَبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود

الْمَبْرُورِ حُجَّجَهُمُ الْمَشْكُورُ سَعِيَهُمُ الْمَغْفُورُ ذُنُوبُهُمْ

که بر گرفته میشود حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان از پیر شود گناهان ایشان

الْمُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي

محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان نه آنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی

وَتَقْدِرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَتُوسِّعَ رِزْقِي وَتُوَدِّعَ

و تقدیر میکنی ایکنه بخرم از کنی عمر مرا و فراخ کنی رزق مرا و وداع کنی

فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَتَطَوَّلَ عَلَى

در سال یا این سال و در هر سال و احسان کن بر من
بجميع حوائجی للدين والآخره پس بگوئی استغفر
بهر حاجتهای من که بجهت دنیا و آخرت است طلب آمرزش میکنم

اللَّهُ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ

از خدای پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او بدینیکه پروردگار من نزدیک است
استغفر الله ربی و اتوب الیه ان ربی رحیم

طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است بازگشت میکنم بسوی او بدینیکه پروردگار من
وَدَوْهُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّهُ كَانَ

و دوست است طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او
عَفَّارًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

آمرزگار خداوند بامرز مرا بدینیکه تو بخشنده ترین بخشاینده گانی
رَبِّ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي

پروردگار من بدینیکه من کرده ام بدی و ستم کردم نفس خود را پس بامرز مرا
إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لَا

بدینیکه شان نیست که نمی آمرزد و گناه را کسی سواي تو طلب آمرزش میکنم خدا را که
إِلَهُ إِلَّا هُوَ أَمْسَى الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ

سزاوار پریشی مگر او زنده پاینده بزرگ بزرگ دانای

الْحَقُّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ

رازد و بر سرها فرما پاک است خدا آفریننده هر چیزی پاک است

اللَّهُ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ مِادَهُ

خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود تنزیه میکنم خدا را بشمار

كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ

کلماتی او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا

الْسَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ

شنوایی که نیست هیچ چیز شنوا تر از او میداند از بالا

عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَيَسْمَعُ مَا فِي

عرش خود آنچه را که در زیر زمین است و میداند آنچه را در

ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَيَسْمَعُ الْأَيْنِ وَالشَّكْوِ

تاریکیهای بیابان است و دریا و میشنود غم و شکایت را

وَيَسْمَعُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ وَيَسْمَعُ وَسَاوِيَّ الصُّدُورِ

و می شنود هر رازی را و پنهان تر از آن را و میداند اندیشه ای سینه را

وَلَا يَصِفُ سَمْعُهُ صَوْتَ سُبْحَانَ اللَّهِ بِأَرْبَعِ الشَّمِ

و اگر نمی سازد گوش او را صدای پاک است خدا چه میداند هر چیزی را

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصْقَلِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

پاک است خدا محسن و صاف پاک است خدا آفریننده ازواج مخلوقات

عَنْ أَمَانَتِي وَدِينِي أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

از جانب من امانت مرا و دین مرا بپذیر ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَآسَرًا

بار خدایا بگردانی برای من آسایش کنشادگی و برون شدنی درویشی مرا

مِنْ حَيْثُ أَحْسَبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْسَبُ

از آنجا که گمان می برم و از آنجا که گمان نمی برم

وَأَخْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ

و نگه داری کن مرا از آنجا که خود را نگر دارم و از آنجا که خود را

لَا أَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ

نگه دارم و رحمت کناد و خدا بر محمد و آل محمد و درود بفرستاد

تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَابْنَ سَبِيحَاتٍ نَزَلَتْ عَنْ حَضْرَتِ صَادِقِ صَلَوَاتِ

درود بسیار و آیه علیه منقول است که در هر روز این ماه بخوانند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَارِئِ السَّمِيعِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْغَلِيظِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نثارده صورت

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ

پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ قَالَتْ

خلق کننده تاریکیها و روشنیها پاک است خدا

فَتَكَافَذَهُ

الانجيل

لَسْتُمْ وَلَا يَوْمَ آسَرِي مِنْهُ جَدًّا عَزًّا وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ

برده و نمی پشاند از و دیواری و پنهان نیست از و

بِأَبَانِي وَنَدْرِيَا وَنَهَان نِيدَارِ از و کوهی آنچه را که در سخاوت و دلدلی

مَا فِيهِ وَلَا جَنْبَ مَا فِي قَلْبِهِ وَلَا يَسْتَرْ مِنْهُ صَغِيرٌ

آنچه را که در و است و نه پهلوی آنچه را که در دل است و پوشیده نشود از و خردی

وَلَا كَبِيرٌ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ

و نه بزرگی و نه پنهان نیست بر او چیزی در زمین

وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

و نه در آسمان او است آنکه به صورت در می آورد شما را در رحم

كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ

هر روش که خواهد نیست سزاوار سپاسش که او غالب است گفتار درست کردار پاک است

اللَّهُ بَارِئُ السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَوْصُورِ سُبْحَانَ

خدا . چه بید آورنده آدمیان پاک است خدا که عبث نشده و صدمت است پاک است

اللَّهُ خَالِقُ الْأَنْزَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

خدا آفریننده جتها همه آنها پاک است خدا چه بر آورنده

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ قَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى

ظلمت و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هسته های

كُلُّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ

همه آنها پاک است خدا خلق کننده ظلمت و روشنی پاک است

اللَّهُ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ

خدا شکافنده دانه و هسته های غمها پاک است خدا آفریننده هر

شئی سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ

چیز پاک است خدا خالق آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم

اللَّهُ مِمَّا دَكَ لِمَا تَدْرِكُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خدا را بشماره کلماتی او پاک است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ

پاک است خدا بینای کسی نیست هیچ چیز بینا تر از او

يَنْصُرُ مَنْ فَوْقَ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَنَعِ أَرْضِينَ

همی یاری کننده از بالای عرش خود آنچه را در زیر زمین بای یاری کننده است

وَيَنْصُرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تَدْرِكُهُ

و می یاری کننده آنچه را که در ظلمت های بیابان و دریا است نباید او را

الْأَبْصَارُ وَهُوَ يَدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ

دیدگاه و او در می یابد دیدگاه را و او است

الْخَبِيرُ لَا تَغْشَى بَصَرُهُ الظُّلُمَةَ وَلَا يَسْتُرُ مِنْهُ

همرازان آگاه نمی پوشاند چیزی را از دیده او تاریکی و پوششیده بر نشود از او

الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ

زمین و در آسمان و در خردتر از آن

وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ سُبْحَانَ اللَّهِ

و بزرگتر مگر آنکه در کتابی است روشن این است خدا

بَارِئِ السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ

پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا صمدت بخشنده پاک است خدا

خَالِقِ الْأَنْزِ وَاجٍ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمِ

آفریننده انواع افریده گانها پاک است خدا خالق تاریکیها

وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالْبُورِ سُبْحَانَ اللَّهِ

در دهنای پاک است خدا تفکافنده دانه و هستهای خرد پاک است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ

آفریننده هر چیز پاک است خدا پدید کننده آنچه دیده شود و آنچه زید نشود

سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَّلَا لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تشریه میکنم خدا را بشمار سواد کلها و پاک است خدا پروردگار عالمیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ

پاک است خدا که میداند آنچه بر مبدار و رحم هر زنی و آنچه نگاه آنرا

الْأَنْزِ حَامٍ وَمَا تَزِدُّهُ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ مِقْدَارٍ

درها و آنچه بقره از از رحما و هر چیز نژاد و اندازه است

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده

مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَّلَاتِهِ

آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزه میکنم خدا را مثل سواد کلمات او

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است خدا که

يُنَشِّئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ وَيُسَيِّحُ الرُّعْدَ بِحَمْدِهِ

برمی آفریند ابرای کران را و تنزیه میکند رعد بسپاس او

وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ

و فرستکان از بیم او و میفرستد صاعقه ها را

فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرَىٰ بَيْنَ

پس میزند آنرا هر که خواهد و میفرستد باد را در حالتی که نمرده و پخته است

يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيُرْسِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ يَكْكَتُهُ

بیش رحمت او یعنی باران و میفرستد آب را از آسمان بگلر خود

وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ وَيُسْقِطُ الْوَرَقَ يَعْلَمُهُ

و میرساند گیاه را بفرمانی خود و فرو ریزاند برگ درخت را بعلوم خود

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَغْرُبُ عَنْهُ مِنْتَقَالٌ ذَرَّةٌ فِي

پاک است خدا آن خدا نیکی پنهان نیست از او قدر موریچ خوردی در

قَالَ الْحَبِيبُ النَّوْمِيُّ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ

نکافده داند دستهای فرا پاک است خدا آفریننده هر چیز

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم از خدا

اللَّهُ مِمَّا دَسَّ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ

خدا را بشماره کلمات او پاک است خدا پروردگار جهانان این است

مَالِكِ الْمَلِكِ تَوَكَّلْ عَلَى الْمَلِكِ مَنْ لَشَاءَ وَتَنْزِعُ الْمَلِكِ

خداوند پادشاهی سید پادشاهی را بکلمه خدای و میکشد پادشاهی را

مَنْ لَشَاءَ وَتَنْزِعُ مَنْ لَشَاءَ وَتَنْزِلُ مَنْ لَشَاءَ بَيْنَ يَدَيْكَ الْخَيْرُ

از آنکه بخوای و غرض میداری آنرا که بخوای و نوازیازی آنرا که بخوای بدست درستی

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فِي النَّهَارِ

پدیده شدی تو بر هر چیز توانای در حق آوردی شبها در روز

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فِي اللَّيْلِ وَتَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ

در حق آوردی روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و

تَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ لَشَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ

بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدی آنرا که خواهی بی شمار

سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا بخشنده صورت پاک است

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَعَاءَ مِنْكُمْ

و انما بر بنیان و آشکارا است بزرگ بلند مرتبه است بیکت نزد ایشان از شما

مَنْ أَسْرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَوَّرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَحْفِ

آنکه بنیان دارد سخن و هر که آشکار کند و آنکه او پوشاننده عمل خود است

بِالْأَلِيلِ وَسَا رَبِّ الْفَهَامِ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ

در شب و آنکه آشکار نمائیده است در روز مرا بکس است زشتگانی از ایشان

يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ سُبْحَانَ

روی او و از پس سپرد که نگاه دارند کرد پای او بسبب اقبال فرمان خدا پاک است

اللَّهِ الَّذِي يُمَيِّتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا

خدا که می میراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه

تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَيُقَرِّفُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ

کم میکند زمین از ایشان و نبات میدارد و در جها آنچه خواهد

إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئُ السَّمِ سُبْحَانَ

نامت مبینی پاک است خدا بدید آورنده صاحبان ارواح پاک است

اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَكْنَ وَاحٍ كُلِّهَا

خدا صورت بخشنده پاک است خدا آفریننده انواع خلایق همه آنها

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ

پاک است خدا آفریننده ظلمات و نور پاک است خدا

اللهِ الْمَوْجِدِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَنْزِ وَاجِ كُلِّهَا

خداوند آفریننده هر چه است خدا آفریده انداز مخلوقات همه آنها

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ

پاک است خدا خالق تاریکی و نور پاک است خدا

قَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ

نمایاننده دانه و هسته های خرمای پاک است خدا آفریننده هر چه

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَمَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود متذکر می گم

اللَّهِ مَدَادُ كُلِّ أَمَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خدا مداد همه ایام و پاک است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُحِصِي مَدْحَهُ الْعَالَمُونَ

پاک است خدا آنکه شمارند ستایش او را ستاینده گان

وَلَا يُجْزِي بِالْأَكْبَرِ الشَّاكِرُونَ وَالْعَابِدُونَ وَهُوَ

و شکر کننده در مقابل نعمتهای او سپاس گزاران و پرستندگان و او

كَمَا قَالَ وَقَوْلُ الْقَائِلُونَ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ

چنان است که فرموده گفتند و بالایی آنچه گویند و میگویند که بزرگوار است و خدا پاک است و

كَمَا أَتَىٰ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ

چنان است که خود ستوده خود را و قریب رسد ایشان به چیزی از

اللَّهُ خَالِقُ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظُّلُمَاتِ وَالنُّجُومِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى

ظلمت و نور پاک است خدا آفریننده دانه و هسته های دانه

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا

پاک است خدا آفریننده هر چیزی پاک است خدا بیدار کننده آنچه

يَرَى وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَّلَا لَهُ سُبْحَانَ

دید و نشود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمات او پاک است

اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَهُ

خداوندی که پروردگار جهانان است پاک است خدا که نزد او است

مَقَاصِ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ

کلماتی که پنهانی غیبی نمیداند آنها را مگر او و میداند آنچه را که در خشکی

وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ سَحَابٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حِجَابَ

و دریا است و نمی افتد هیچ چیزی از درختی مگر آنکه میداند آنها را و نه حجاب

فِي ظُلُمَاتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا

در تاریکیهای زمین و نه تر و تازه و نه خشک مگر آنکه

فِي كِتَابٍ مُبِينٍ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئٍ الشَّرِّ سُبْحَانَ

در کتابی روشن پاک است خدا باریزه شر پاک است

مَنْ كُنَّ الْأَشْيَاءُ رُفْعًا وَنَزْلاً بِإِذْنِهِ

همه کلمات است رو شدن و رو شدن و رو شدن و رو شدن

اللَّهُ

وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلُحُّ فِي الْأَرْضِ وَ

دانش بالا رود بدان و باز بسیار در آنچه داخل شود در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا

آنچه بیرون می آید از آن از آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا رود بدان

وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا عَمَّا

و باز نمیدارد و او را آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه

يَلُحُّ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عَمَّا

داخل شود در زمین و آنچه بیرون آید از آن و باز ندارد او را دانش

شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ

چیزی از دانش چیزی و باز ندارد او را آفرینش چیزی از آفرینش

شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يَسَاوِيهِ

چیزی و نه نگاهبانی چیزی از نگاهبانی چیزی و مساوی نیست او را

شَيْءٍ وَلَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ

چیزی و برابر نیست او را چیزی نیست مانند او هیچ چیز و او است شنوای

الْبَصِيرُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ

دانا پاک است خدا پرورنده و هر نوی روح پاک است خدا نگارنده و

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَنْزِ وَاجٍ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ

پاک است خدا آفریننده اقسام مخلوقات هر آنها پاک است خدا

عَلَيْهِ الْأَيْمَانُ شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَلَهُ يَوْمَ الْحِسَابُ ^{الاستبهای او که با آنچه خواسته خدا را گرفتند پس او آسایانها} ^{در زمین}

وَلَهُ يَوْمَ الْحِسَابُ ^{وَلَهُ يَوْمَ الْحِسَابُ} وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ

بَارِئِ السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصْقُوقِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

الْكَوْنِ وَاجِبِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ قَالِي الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ

اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى

وَمَا لَا يَرَى سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَّلَهُ سُبْحَانَ

اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلْجِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يُخْرِجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

اللَّهُ بَارِي السَّمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ

خدا پروردگار آفریننده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا

خَالِقِ الْأَنْزَوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمِ

آفریننده ازواج همه آنها پاک است خدا آفریننده ظلمات

وَالنُّجُودِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ

و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرد پاک است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى مَا لَا يَرَى

آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود

سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

تزیینکننده خدا را بشماره کلمات او پاک است خدا که پروردگار

الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

عالمیان است پاک است خدا که میداند آنچه را که در آسمانهاست

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا

و آنچه در بین است نباشد از راز گفتن هیچ سه تنی مگر آنکه

هُوَ أَرْبَعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُمْ سَادِسُهُمْ

او چهارم ایشان است و پنج تنی مگر آنکه او ششم ایشان است

وَلَا آدَانِي مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا هُمْ مَعَهُمْ أَيْمَانًا

و دیگر کسی را از این و آن بیشتر مگر آنکه او با ایشان است بر مائنه

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

آفریننده ظلمات و نور است پاک است خدا که افکنده دانه

وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ

و هستیهای فرا پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا

خَالِقِ مَا يَرَىٰ وَ مَا لَا يَرَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ مِمَّا دَكَّلَا لَهُ

آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزه میکنم خدا را از آنچه گفته اند

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ

پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خلق کننده آسمانها

وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ

مذین کرمانده فرشتگان رسولان صاحبان

أَبْجِهَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا

بها هم دو دو و سه و چهار چهار می افزاید بر آفرینش آنچه

يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْخُخُ اللَّهُ

خواهد بود بستی که خدا بر هر چیزی تواناست آنچه بکشاید خدا

لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ

برای آدمیان از بخشش پس نیست باز دارنده و رازنا و آنچه باز دارد

فَلَا جُورَ لَكُم مِّنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ

پس نیست فرستنده و رازنا پس از او است غالب است گفتار درست گردان پاک

كَمَا سَلَّتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ آمِنْ عَلَى مُحَمَّدٍ

همچنانکه در دوزستانای برنج در میان عالیاں مدامد اعتراف نما بر محمد

وَالِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ اللَّهُمَّ

وآل محمد چنانکه بخش نمودی بر موسی و هارون خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنِي بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه راه نمائی کردی مرا باد خداوند رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر محمد و آل محمد چنانکه شرافت دادی مرا سلط خداوند رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِيْظُهُ بِهِ

محمد و آل محمد و برانگیز او را در جایگاه ستوده گردانیده اول سببان

الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

پیشینان و پسینان بر محمد و آل او باد درود هرگاه

طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

بر آید آفتاب یا فرو رود بر محمد و آل او باد درود هرگاه

طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرَقَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

بر هم زند بگردد چشم یا خیره شود بر محمد و آل او باد درود هرگاه

طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ ذَرَقَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

بر هم زند بگردد دیده یا اشک ریزد بر محمد و آل او باد درود هرگاه

آمین

كَانُوا يُبَيِّنُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

برده باشند پس آگاه گذار ایشانرا بآنچه کرده اند در روز قیامت بدستیکه خدا همه چیز

عَلِيمٌ وایضا مستحب است که این صلوات را در هر روز ماه

داناست مبارک و در هر روز جمعه در تمام سال بخواند

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

بدستیکه خدا و فرشتگان او در دو میفرستند بر پیغمبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

ای کسانی که گرویده اید رحمت بفرستید بر او و در دو میفرستید بر او و در دو

كَبِيرٌ يَا رَبِّ وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

می ایسم ای پروردگار من و پاکی تو خداوند رحمت بفرست بر محمد

وَالْمُحَمَّدِ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

و آل محمد و بركت ده بر محمد و آل محمد چنانكه رحمت فرستادی و بركت دادی بر ابراهيم

وَالِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَرْحَمْ

و آل ابراهيم بدستيكه تو ستوده بزرگوار می خداوند ارحم كن

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ

بر محمد و آل محمد چنانكه رحم نمودی بر ابراهيم و آل ابراهيم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بدستيكه تو ستوده بزرگوار می خداوند در دو فرست بر محمد و آل محمد

وَالشَّفَاعَةُ عِنْدَكَ يَوْمَ الْغِيَةِ أَفْضَلُ مَا تُعْطِي لِحَدِّكَ

و شفاعت کردن تو در روز استغیث بهتر است از آنچه مولا کنی کسی

وَمَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ
مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِ مُحَمَّدًا فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ

خلق خود را و عطا کن محمد را بالای آنچه عطا کنی آفرید کاران را

مِنْ الْخَيْرِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ

از هر یکی اقسام بسیار که شمار و آنها را غیرتو خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطِيبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى

رحمت دوست ہر محمد دال محمد پاکیزہ تر دظاہرہ و پاک تر

وَأَنْمِي وَأَفْضِلْ مَا صَبَّيْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ

والمحی واصل ما بحقیقت فی
از ایشان گفته اند و ترو بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر کسی

وَالْآخِرِينَ وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

والاخرين وعلى احاديث شيخنا

وَيَسْمِئَانِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِيٍّ مَوْلَانَا

اللهم صل على علي أمير المؤمنين وولي

وَعَادَ مِنْ عَادَةٍ وَضَاعَفَ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ

وَعَادَ مِنْ عَادَةٍ وَصَاعِفٌ الْعَدَبُ فِي
 شَرْبِ الْخَمْرِ وَالْإِسْرَافِ فِي الْمَالِ وَالْغِيَاثِ فِي الْغَدَابِ

و دشمن دل از آنرا که دشمن دارد جدا و چنین می نماید که عذاب ما

شَرِكٌ فِي دَمِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ

ذِكْرُ السَّلَامِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ

ذکر کرده شود سلام بر محمد و آل او بار درود هرگاه تسبیح کند خدا را

مَلِكًا أَوْ قَدَّسَهُ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ

فرشته یا شریف کند او را درود بر محمد و آل او در زمره پیشینان

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى

درود بر محمد و آل او در زمره پیشینان درود

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

محمد و آل او در این جهان و آن جهان درود بر محمد و آل او

وَسَرَّحَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ

در رحمت خدا در بکتهای او بار خدا یا ای پروردگار بلده محترم

وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ أبلغ

وای پروردگار رکن و مقام ابراهیم و ای پروردگار حل و حرام برسان

نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ عَنَّا السَّلَامُ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا

پیغمبر خود محمد و آل او از ما درود خداوند این بخش محمد را

مِنَ الْبَقَاءِ وَالشُّرُورِ وَالنُّصْرَةِ وَالْكَرَامَةِ وَالْغِيْطَةِ

از بکوهی و شادابی و تازگی و یزید کبودی و غنای

وَالْوَسِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقَامِ وَالشَّرَفِ وَالرِّفْعَةِ

و وسیله و مرتبه و جایگاه و شرافت و بلندی

لِلْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مِنْ وَالَاةِ وَعَادٍ مِنْ عَادَاةٍ وَصَاحِبٍ

اطاعت کنندگان و دوست دار آنرا که دوست دار او را دوست دارند و دشمن آنرا که دشمن او را دشمن دارند

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامٍ

بر کسی که ستم کرده او را خداوند رحمت فرست بر موسی بن جعفر پیشوای

لِلْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مِنْ وَالَاةِ وَعَادٍ مِنْ عَادَاةٍ وَصَاحِبٍ

مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دار او را دوست دارند و دشمن آنرا که دشمن او را دشمن دارند

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

عذاب را بر آنکه ستم کرده او را خداوند رحمت فرست بر علی بن موسی

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مِنْ وَالَاةِ وَعَادٍ مِنْ عَادَاةٍ

پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دار او را دوست دارند و دشمن آنرا که دشمن او را دشمن دارند

وَصَاحِبِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و صاحب کن عذاب را بر کسی که ستم کرده او را خداوند رحمت فرست بر محمد

بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مِنْ وَالَاةِ وَعَادٍ مِنْ عَادَاةٍ

بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دار او را دوست دارند و دشمن آنرا که دشمن او را دشمن دارند

وَصَاحِبِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و صاحب کن عذاب را بر کسی که ستم کرده او را خداوند رحمت فرست بر محمد

بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مِنْ وَالَاةِ وَعَادٍ مِنْ عَادَاةٍ

بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دار او را دوست دارند و دشمن آنرا که دشمن او را دشمن دارند

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَالْأَسْلَامُ وَالْعَنَ مَنْ أَذَى نَبِيِّكَ

معه برادر و آل او را که در دوزخ کن از رحمت خود کسی را که از دین غیرت را

فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِمَامَيْ

در باره او خداوند رحمت فرست بر حسن و حسین و دو پیشوای

الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مِنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَهُمَا

مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد ایشان را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد ایشان را

وَصَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكْتَنِي دِمِهِمَا

و مضاعف کن عذاب را بر آنکه شریک من شده در خون ایشان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

خداوند رحمت فرست بر علی بن حسین پیشوای مسلمانان

وَوَالِ مِنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَصَاعِفِ الْعَذَابِ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

بر کسبکستم کرده او را خداوند رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان

وَوَالِ مِنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَصَاعِفِ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ

عذاب را بر کسبکستم کرده او را خداوند رحمت فرست بر جعفر بن محمد پیشوای

اللهم

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَخْلَفْتَ نَسِيكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ مَكِّنْ

بجهر خود خداوند را بخلیفه باش پیغمبر خود را در خاندان او خداوند آجای در

هُمْ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَعْدَدِهِمْ وَمَدِّ

ایشان را در زمین خداوند بگردان ما را از شماره ایشان دیار ایشان

وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ اللَّهُمَّ

و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهانی و آشکارا خداوند

أَطْلُبُ بِذَلِيلِهِمْ وَوَتَرِهِمْ وَمَا تُهْمِرُ وَكَفَّ عَنْكَ

طلب کن خون ایشان را و خون ایشان را و خفته‌های ایشان را و بازدار از یاد

عَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ بَاغٍ وَ

از ایشان و از هر مرد و زن و زن کرده و زن برستم کننده و

طَاغٍ وَكُلِّ آيَةٍ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهَا صَبِيحًا أَنْتَ أَنْتَ

از هر گذرنده و هر چرخنده را که تو را گیرنده موی پیش سر او را بدستگیر

أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا

تواناتری از روی عذاب کردن و تواناتری از روی عقوبت نمودن

و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت علی بن الحسین

تا حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهم بجای علی من ظلمت چیست

علی من شدت کب فی و سه و از جمله دعا های هر روز ماه مبارک

رمضان دعای است که سید بن طاووس فضیلت بسیار

وَصَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و مضاعف کن عذاب را بر کسی که ستم کرده او را خداوند رحمت فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مِنْ وَاَلَاةٍ وَعَادٍ

حسن بن علی پشوی مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن را

مَنْ عَادَاهُ وَصَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ

کسی را که دشمن دارد او را و مضاعف گردان عذاب را بر کسی که ستم کرده او را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

خداوند رحمت فرست بر جانشین پس از وی پشوی مسلمانان

وَوَالٍ مِنْ وَاَلَاةٍ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَتَجَلَّ قَرَجُهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن را آنرا که دشمن دارد او را و بشتاب او را که تابش او را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ

خداوند رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر نبیر خود خداوند

صَلِّ عَلَى رُقِيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ أَدَى

رحمت فرست بر رقیه دختر نبیر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد

نَبِيِّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمِّ كُلثُومَ بِنْتِ نَبِيِّكَ

نبیر ترا در پاره او خداوند رحمت فرست بر ام کلثوم دختر نبیر تو

وَالْعَنْ مَنْ أَدَى نَبِيِّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذَرِيَّةِ

و لعنت کن آنرا که بیازرد و نبیر ترا خداوند رحمت فرست بر ذریه

و لعنت کن آنرا که بیازرد و نبیر ترا خداوند رحمت فرست بر ذریه

وَعَدْتَنِي بِسُكُونٍ أَلَيْسَ بِكَ عَظَمَتِكَ

دعوتہ فرمودی مرا خداوند اہم سنگین سوالیہ سنگین تر

بَاعِظْهَا وَكُلُّ عَظْمِيكَ عَظِيَّةُ الْوَحْدِ اِنِّ اَسْئَلُكَ

بزرگترین آن در بزرگے تو بزرگ است خداوند را بزرگترین سوال میکنم تو

بِعَظَمِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ

بزرگی تو همه آن خدا و مددگار سببیکم سوال میکنم ترا از تو

بِأَنْوَارِهِ وَكُلُّ نُورٍ لَكَ نُورٌ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِغُورِكَ

دانش ترین آن و هر نور نور روشن است خداوند ابراستیک من سوال عظیم ترا بنور تو

كَلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَرَ حَمَتِكَ يَا وَسْعَهَا وَ

پہلے ان خداوندانِ بزرگوار سے سوال کیجئے کہ تمہارا زورِ محنت تو بظاہر کم ترین ہے اور

كُلِّ رَحْمَتِكَ وَابْسَعِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ

خداوند بزرگوار است خداوند بزرگوار است خداوند بزرگوار است

کَلِمَاتٍ بِسْمِ اللَّهِ يَكُونُ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أُمِرْتَنِي

حدادینا بدست سلسله من جوام را چا مندر برودنی

فما استجب لي كما وعدتني پس يلويد السحر والاسد

مجلس شورای اسلامی

من كمالك يا حليم وكل كمال كمال لله

۱۰۰

از جهت آن روایت کرده است و در استجاب دعا
 موجب صحت و برضا من عالیہ شمل است و دعا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا
 خداوند برستی که من بخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس پذیر برای من چنانکه
 وَعَدْتَنِي سَهْرَتِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِهَاءِهِ
 و عهد فرمودی مرا خداوند برستی که من سوال میکنم ترا از نیکویی تو به نیکوترین آن
 وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهَيْئِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ
 و هر نیکویی تو نیک است خداوند برستی که من سوال میکنم ترا به نیکویی تو همه آن
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِهِ وَكُلِّ
 خداوند برستی که من سوال میکنم ترا از بزرگواری تو به بزرگواری تو همه آن
 جَلَالِكَ بِجَلِيلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ
 بزرگواری تو همه بزرگواری است خداوند برستی که من سوال میکنم ترا به بزرگواری تو همه آن
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ
 برضا یا برستی که من سوال میکنم ترا از جلالت نیکویی تو به نیکوترین آن و هر نیکویی تو
 جَمِيلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ بِسَهْرَتِهِ
 نیک است بار خدا یا برستی که من سوال میکنم ترا به نیکویی تو همه آن
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا
 خداوند برستی که من بخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس پذیر برای من چنانکه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خداوند ما بدرستی که من سوال میکنم از تو بخاطر آسایش تو بمان خداوند ما بدرستی که من سوال میکنم از تو
بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ

بفردت تو که استیلا داری بر آن بر هر چیز و بر
قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

فردت تو ستوی است خداوند ما بدرستی که من سوال میکنم از تو بخاطر آن تو
كُلِّهَا بِسَمْعٍ مَرْتَبٍ بِكُودِ اللَّهِمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي

خداوند ما بدرستی که من بخوانم ترا چنانکه در این راه می مرا
فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي بِسَمْعٍ مَرْتَبٍ بِكُودِ اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا
مِنْ عِلْمِكَ بِانْفِذِهِ وَكُلِّ عِلْمِكَ تَأْفِدُ اللَّهُمَّ إِنِّي

از علم تو بر دان زین آن در علم از تو روان است خداوند ما بدرستی که من
أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

سوال میکنم از تو بعلم تو هر فرد از آن خداوند ما بدرستی که من سوال میکنم از تو
قَوْلِكَ بِأَرْضَاةٍ وَكُلِّ قَوْلِكَ رَضِيَ اللَّهُمَّ إِنِّي

بکفارت تو بپسندیده ترین آن در کفارت تو پسندیده است خداوند ما بدرستی که من
أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

سوال میکنم ترا بکفارت تو به آن خداوند ما بدرستی که من سوال میکنم ترا

أَسْأَلُكَ بِكَامَلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ

سوال میکنم ترا از تو بکمال تو همه آن خداوند ابدستندگی من سوال میکنم را از کلماتی تو

بِأَمْنِهَا وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ تَأْمِنُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَامَلِكَ

بنازنین آنها و در یک از کلماتی تو نام است خداوند ابدستندگی من سوال میکنم ترا بکلماتی تو

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا

در یک از آنها خداوند ابدستندگی من سوال میکنم ترا از نامهای تو - بزرگترین آنها

وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

در یک از نامهای تو بزرگ است خداوند ابدستندگی من سوال میکنم ترا با نامهای تو

كُلِّهَا بِسْمِ رَبِّهِ بَكْوَيْدِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي

در یک آنها خداوند ابدستندگی من بخوانم ترا چنانکه فرمان دادی مرا

فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي بِسْمِ بَكْوَيْدِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا خداوند ابدستندگی من سوال میکنم ترا

مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلِّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي

از عزت تو بابرجمندترین کنه در عزت از تو ابرجمند است خداوند ابدستندگی من

أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

سوال میکنم ترا از تو بجزت تو همه آن خداوند ابدستندگی من سوال میکنم ترا از

مَشِيتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلِّ مَشِيتِكَ مَا ضَمَّ

خواستن تو بگذرنده ترین آن و در خواستن تو گذرنده است

سجده

پس سر مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ**

خداوندایه سنجیدگی بخوانم ترا چنانکه امر کردی پس بپوش

لی کما وعدتني پس بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ**

برای من چنانچه وعده نمودی مرا بار خداوندایه سنجیدگی بحال میکنم

عَلَايِكَ يَا عَلَاءُ وَكُلُّ عَلَايِكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي

بلندی تو به بلندترین آن دور بلندی تو بلند است خداوندایه سنجیدگی

أَسْأَلُكَ بِعَلَايِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

سوال میکنم از تو به بلندی تو همه آن خداوندایه سنجیدگی سوال میکنم ترا از

مَنْعِكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلِّ مَنْعِكَ قَدِيرٍ اللَّهُمَّ

انعام تو به پیریزترین آن دور انعام تو ابریز است بار خداوندایه

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنْعِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

بدرستی که من سوال میکنم ترا با انعام تو همه آن خداوندایه سنجیدگی

أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَعْجَبِهَا وَكُلِّ آيَاتِكَ

سوال میکنم از تو از نشانه های قدرت تو شگفتا تر و عجز تر از نشانه های قدرت تو

عَجَبِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا بِسْمِ اللَّهِ

بشگفتا تر و عجز تر خداوندایه سنجیدگی سوال میکنم از تو بآیاتها قدرت شگفتا تر

إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ

بدرستی که من بخوانم ترا چنانچه امر کردی پس اجابت کن برای من چنانچه وعده نمودی

مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلَّ مَسَائِلِكَ حَبِيبَةً

سوالهای تو به دوست داشتنی ترین آنها بسوزند و هر یک از سوالهای تو دوست داشتنی است

إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا بِسْمِ

بسوی تو خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا بسوالهای تو به آن

سَمَرَتِهِ بِكُرْبَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ

خداوند ایدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي بِسْمِ كُرْبَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

بای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا ایدر

شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلَّ شَرَفِكَ شَرِيفٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ

بزرگواری تو بزرگواری ترین آن و هر بزرگواری بزرگواری است خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا بزرگواری تو بزرگواری

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلِّ

خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا از سلطنت تو به بیشترین آن و

سُلْطَانِكَ دَائِمٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ

سلطنت تو همیشه است خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا بسلطنت تو

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ

همه آن خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا از ملک و غلبه تو بعلیه ترین آن و

مُلْكِكَ فَأَفْخَرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ

غلبه تو عظیم است خداوند ایدرستی که من سوال میکنم ترا بملک تو به آن

حَسَنُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَجْنَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ

تو در آنی از کارم و بزرگوار می خداوند اید سبک من

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا يُخَيِّبُنِي بِهِ حِينَ أَدْعُوكَ فَأَجِبْنِي

سوال میکنم ترا آنچه مرا باطمینان میسر کند مرا هنگامی که تو مرا میخوانی پس اجابت کن مرا

يَا أَلَلَّهَ نَعْمَ دَعْوَتِكَ يَا أَلَلَّهَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا

ای خدا بل ای خدایم ترا ای خدا خداوند اید سبک من سوال میکنم ترا آنچه

أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّوْنِ وَالْجَبْرُوتِ اللَّهُمَّ إِنِّي

تو در آنی از کارم و بزرگوار می خداوند اید سبک من

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَجَبْرُوتِ اللَّهُمَّ إِنِّي

سوال میکنم ترا هر کار و بزرگوار می خداوند اید سبک من

أَسْأَلُكَ بِشَائِكَ وَجَبْرُوتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي

سوال میکنم ترا بکار تو و بزرگوار می تو هر آن خداوند اید سبک من

أَسْأَلُكَ بِمَا يُخَيِّبُنِي حِينَ أَسْأَلُكَ بِهِ فَأَجِبْنِي

سوال میکنم ترا آنچه مرا باطمینان میسر کند مرا هنگامی که تو مرا میخوانی پس اجابت کن مرا

يَا أَلَلَّهَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِمَا جِئْتَ بِهِ عَلَى بَلَدِ

ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و آن که تو را بر این شهر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ عَلَيَّ الْإِيمَانَ

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مرا بفرست بر ایمان

پس بگویند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ

خداوند ابدستیکم من سوال میکنم از تو از فضل تو بافزون ترین آن

وَكُلِّ فَضْلِكَ فَأَجِزْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ

در فضل تو افزون است خداوند ابدستیکم من سوال میکنم ترا بافضل تر

كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْلَىٰ وَكُلِّ

همه آن بار خداوند ابدستیکم من سوال میکنم ترا از روزی تو تو بزرگترین آن و هر

رِزْقِكَ عَامًّا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ

روزی تو تو بزرگترین است خداوند ابدستیکم من سوال میکنم ترا از روزی تو همه آن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَأِهِ وَكُلِّ

خداوند ابدستیکم من سوال میکنم ترا از بخشش تو بکوارترین آن و هر

عَطَائِكَ هَيْئَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ

بخشش تو بکوار است خداوند ابدستیکم من سوال میکنم ترا از بخشش تو بهمان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلِّ خَيْرِكَ

خداوند ابدستیکم من سوال میکنم از تو از نیکی تو بشتاب کننده ترین آن و هر نیکی تو

عَاجِلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

شتابان است خداوند ابدستیکم من سوال میکنم از تو به نیکی تو همه آن خداوند ابدستیکم

أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلِّ إِحْسَانِكَ

سوال میکنم از تو به نیکی تو به نیکوترین آن و هر احسان تو

ع

اَفَّةً نَزَّلْتُ اَوْ تَنْزِيلٍ مِنَ السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ

زحمتی که فرود آورده یا فرود آورم بر آسمان بسوی زمین

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا

در این ساعت و در این شب و در این فصل

الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ

اورد و در این ماه و در این سال خداوند مرا صحت بخت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَقْسَمُ لِيْ مِنْ كُلِّ سُورٍ وَمِنْ

بر محمد و آل محمد و بخش ده مرا از هر شادی و از

كُلِّ نَجْوةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرْجٍ وَمِنْ

هر نگرانی و از هر استقامتی و از هر کشاکی و از

كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَعَادَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ

بر مانی و از هر سلامتی و از هر نوازشی

وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاَسْعَ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ

داز هر روزی فراخ حلال پاک و از هر

نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَّلْتُ اَوْ تَنْزِيلٍ مِنَ السَّمَاءِ

نعمت و از هر نیکی که فرود آورده یا فرود آورم از آسمان

اِلَى الْاَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

بسوی زمین در این ساعت و در این شب

بِكَ وَالتَّصَدِّيقِ بِرَسُولِكَ وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ

بنو داور داشتن بر رسول تو که دوستی علی بن

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْإِيْتِمَامِ بِالْأَمَّةِ مِنْ

ابیطالب بر او باد درود و اعتماد بر پیغمبریان از

أَلِ مُحَمَّدٍ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ

خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بدستگیر من چنین خوشنودم

بِذَلِكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بآن ای پروردگار من خداوند رحمت بهرست بر محمد و آل محمد

وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ صَوَانِكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ

و در خواهم از تو بهترین بهترین خوشنودی ترا و بهشت را بنا به کبریا محمد

بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخِطْتَ وَالنَّارَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

من از بدترین بدترین که غضب تو است و آتش خداوند رحمت بهرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُنْصِيَةٍ وَمِنْ

و آل محمد و نگاهدار مرا از هر مکر و داهی و از هر

بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ عَقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ

رخسائی و از هر عقوبتی و از هر آفتی و از هر

بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرٍ وَمِنْ كُلِّ

بلائی و از هر کزندی و از هر نابخوشی و از هر

تَحْتَمِلُنَا بِالصَّالِحَاتِ وَأَنْ تَقْضِيَ لَنَا الْحَاجَاتِ

ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته و آنکه بخواهی کنی برای ما حاجت‌ها را

وَالْمُهْمَاتِ وَصَلِّحِ الدُّعَاءَ وَالْمَسْئَلَةَ فَاسْتَجِبْ

وکارهای سخت را و صوابش را از دعا و سؤال ما پس بپذیر

لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

برای ما بحق محمد و آل محمد خداوند رحمت بر محمد و آل محمد

أَمِينَ أَمِينَ آمِينَ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ

بپذیر بپذیر بپذیر آنچه خواسته خدا بشود نیست هیچ طاعتی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

و قدرت آن مگر بخدا پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

می نمایند و درود بر مرسلان و سپاس بر خداوندی که پروردگار

الْعَالَمِينَ پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و میل ده کردنش را بسوی

جهانین است و خوش چپ خود و گریه کن و اگر نیاید خود را بگریه بدار پس بگو

يَا إِلَهَ إِلَهَ الْآلَتِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ عَلَيْكَ

ای الهیت نزد او از پیشش بگو تو و بخواهم از تو بحق آنکه حق او بر تو

عَظِيمٌ يَا إِلَهَ إِلَهَ الْآلَتِ أَسْأَلُكَ بِجَعَلِ لَا إِلَهَ إِلَّا

بزرگ است برکت تو طیبه لا اله الا انت سوال میکنم ترا باینکه کسی لا اله الا

وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ

و در این روز و در این ماه و در این سال
اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِيْ قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِيْ عِنْدَكَ

خداوند اگر بوده باشد گناهان من که تحقیق که کرده باشد روی مرا نزد تو
وَحَالَتْ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ اَوْ غَيَّرَتْ حَالِيْ عِنْدَكَ

و مابین من و میان تو یا تغییر داده باشد حال مرا نزد تو
فَاِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ الَّذِيْ

بس پرستیدم من سوال میکنم ترا بنور ذات بزرگوار تو که
لَمْ يَطْفَأْ وَيُوجِهْ حَبِيْبِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَيُوجِهْ

زودنشانیده نشده و بجهاد دوست تو محمد برگزیده و بجهاد
وَلِيَّتِكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَبِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ الَّذِيْنَ

دوست تو علی پسندیده و بحق دوستان تو که
اَتَجِبْتَهُمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ تُغْفِرَ لِيْ

برگزیده های ایشان را اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بامری برای
وَلَوْ اَلَدِّيْ وَمَا وَلَدْتُ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ

و برای چه و مادر من و آنکه زانیده ام و ایشان و برای مردان و زنانه و زانیده کرده و
مَا تَوَلَّدُوْا اَوْ ذُنُوْبَنَا كُلِّهَا صَغِيْرَهَا وَكَبِيْرَهَا وَاَنْ

آنکه زانیده ام و ایشان گناهان ما را چه گناهان را خور و آید و بزرگ آنها و اینکه

إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِدَلَالَةِ الْإِلَهِ أَنْتَ

الا انت ای آنکه نیست خدای مکر تو سوال میکنم از تو بحکمیت لا اله الا انت

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ يَا رَبَّ بَابِ

ای آنکه نیست خدای مکر تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

أَتَقَدَّرُ بِكَوَيْدِكَ نَفْسٌ وَفَاكَنْدُ بِكَوَيْدِكَ بَرِّهَانٌ حَالَتِي كَمَا بَدَّكَوَيْدُكَ
کج کرده بسوی دوش چپ آن قدر که یک نفس و فاکند
أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي بِكَوَيْدِكَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ يَا رَبَّ بَابِ

سوال میکنم از تو ای بزرگ من ای خدا ای پروردگار من

أَتَقَدَّرُ بِكَوَيْدِكَ نَفْسٌ وَفَاكَنْدُ بِكَوَيْدِكَ بَرِّهَانٌ حَالَتِي كَمَا بَدَّكَوَيْدُكَ

ای بزرگ ای آقا ای فریادرس

يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ

ای پناه گاه ای پناه گاه ای پناه گاه ای پناه گاه ای پناه گاه ای پناه گاه

أَسْأَلُكَ بِكَوَيْدِكَ نَفْسٌ وَفَاكَنْدُ بِكَوَيْدِكَ بَرِّهَانٌ حَالَتِي كَمَا بَدَّكَوَيْدُكَ

سوال میکنم از تو ای بزرگ من ای بزرگ من ای بزرگ من ای بزرگ من ای بزرگ من

بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَحَابَةٍ دَعَاكَ بِرَأْسِي مُرْسَلٍ أَوْ

بهر دعای پذیرفته که خوانده زبان بشیر رسی

مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ أَمْتَحَنَتْ قَلْبَهُ

فرشته مقرب یا بنده کرده که از بودی دل او را

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست مزاوار پیشتر مکرر سوال میکنم از تو بجز کوازی لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِجَمَالِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست مزاوار پیشتر مکرر سوال میکنم از تو به بکوی لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَةِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست مزاوار پیشتر مکرر سوال میکنم از تو بروشنای لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِكَمَالِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست مزاوار پیشتر مکرر سوال میکنم از تو بنامی لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِغَيْرَةِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست خدای مکرر سوال میکنم از تو بهزت لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعِظَةِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست خدای مکرر سوال میکنم از تو بهزکی لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِقَوْلِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست خدای مکرر سوال میکنم از تو بهسیکفتن لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست خدای مکرر سوال میکنم از تو بهشرافت لا اله

أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعِلَافَةِ إِلَهٍ

الانته ای آنکه نیست خدای مکرر سوال میکنم از تو بهبلندی لا اله

لَا تَنَامُ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ

نمی خوابی و سوال میکنم از تو خداوند لا اله الا انت حق او بر تو

عَظِيمٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ

بزرگ است اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پیش از هر چیز

وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَزِينَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَ

و بعد از هر چیز و بشماره هر چیز و بهجش هر چیز و

مِلَادَ كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

پری هر چیز خداوند منو الله میگویم از تو اینکه رحمت بفرستی بر

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى

محمد بنده برگزیده تو و رسول پسندیده تو

وَأَمِينِكَ الْمُصْطَفَى وَبِحَبْنِكَ دُونَ خَلْقِكَ

و امیند و برگزیده تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو

وَحَبْنِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ

و درست تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو همه

التَّائِبِينَ إِلَى اللَّهِ الْمُنِيرِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

بیم نماننده توبه دهنده چراغ روشن در خانه دان او

الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارَ الْأَبْرَارَ

که پاکیزگان پاک کرده گان نیکان نیکوکارانند

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَأَتَوَجَّهْ

برای ایمان و پذیرفتی دعا می‌آورد از در وی آورم
إِلَيْكَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَأَقْدَمَ مِنْ يَدَيْ

پیوسته تو بوسیله محمد پیغمبر رحمت و پیش می‌دارم او را در پیش
حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا بَنِي آدَمَ وَأُمِّي

ما جنه‌های خود ای محمد ای رسول خدا فدا بنوا پدر من و مادر من
أَتَوَجَّهْ بِكَ إِلَى رَبِّكَ وَرَبِّي وَأَقْدَمَ مَكَانِي

روی آورم بوسیله تو به سوی پروردگار تو پروردگار من و پیش می‌دارم ترا پیش
حَوَائِجِي يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا

ما جنه‌های خود ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار من و مادر من از تو بحق تو
فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَتَوَجَّهْ إِلَيْكَ مُحَمَّدٌ حَبِيبُكَ

به نسبت مانند تو هیچ چیز در وی آورم به سوی تو بوسیله محمد دوست تو
وَبَعَثْتَهُ الْهَادِيَةَ وَأَقْدَمَ مِنْ يَدَيْ حَوَائِجِي

و بوسیله خویشانی نزد مکمل هدایت نمایند و پیش می‌دارم آنها را پیش ما جنه‌های خود
وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَ

و سوال میکنم از تو خداوندی هستی تو که زایل نمیشود
يُنَوِّرُ وَجْهَكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَبِعَيْنِكَ الَّتِي

بروشتانی ذات تو که فرد نشانیده نشود و جویده نشود که

أَنْ تَصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ كَثِيرَةٌ صَيِّبَةً مَبَارَكَةً

اگر رحمت بفرستی آن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه بابرکت

زَاكِيَةً نَّامِيَةً طَاهِرَةً شَمِيمَةً فَاضِلَةً تَبِينُ بِهَا

پاک تزیین کننده طاهر بازفت نیکو که ظاهر ساری آن

فَضْلُهُمْ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

زیادتی ایشان را بر پیشینان و پسینان خداوند ایستگن سوال میکنم

أَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتَجِيبَ دَعْوِي وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي

اینگه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامیزی گناهای مرا

وَتُخَوِّجَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَتِي وَتَقْبَلَ قَضِيَّتِي وَتَنْجُوَنِي

و بیازاری حاجت مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری کار مرا با حکایت مرا و نجات دهی مرا

مَأْوَعِدَتِي وَتَقِيلَنِي عَثَرَتِي وَتَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي

انجام دهی وعده دادی مرا و درگذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطای من

وَتَصْفَحَ عَنِّي ظُلْمِي وَتَعْفُوَ عَنِّي جُرْمِي وَتَقْبَلَ عَلَيَّ

و درگذری از ستم من و عفو کنی از کینه من و درو کنی بر من

وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي وَتَرْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي وَتُعَافِنِي

در رو نگردانی از من و در رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت بخشی مرا

وَلَا تَبْتَلِنِي وَتَرْزُقْنِي مِنْ أَطْيَبِ الرِّزْقِ وَأَوْسَعِهِ

و مبتلا نشانی مرا و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزها و از گسترده ترین آن

بسم الله الرحمن الرحيم

ای پروردگار من

وَعَلَىٰ مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

و بر مَلَائِكَتِ تو است که از ایشان را از خود خلاص کردی و ایشان را برای ذات خود

وَجَبَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ

دراز داشتندی ایشان را از خلق خود و بر پیغمبران تو که

يُنَبِّئُونَ بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلَىٰ عِبَادِكَ

خبر دهند بر راستی از تو و بر بندگان تو

الصَّابِرِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ لَا إِلَهَ

که تابستند آنکه در آورده ایشان را در رحمت خود که پیشوایان

الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَىٰ جِبْرِئِيلَ

راه یافتگان پاک گردانندگان و بر جبرئیل

وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَائِكَةِ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ

و میکائیل و اسرافیل و ملائکة الموت و رضوان

خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَلَائِكَةِ خَازِنِ النَّارِ وَالرُّوحِ

خزانة دار بهشت و ملائکة خزانة دار و روح و روح

الْقُدُّوسِ وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ وَمُسْكِرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَىٰ

القدس و حاملان عرش و مسکر و نکیکر و بر

الْمَلَائِكَةِ الْحَافِظِينَ عَلَىٰ الصَّلَاةِ الَّتِي يُحِبُّ

آن دو فرشته که مدام بر حفظ اعمال من بان رحمتی که دوست میداری

الحمد لله

إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ
 بدستیکم سوال بکنم از تو اندکی از بسیار ^{بسیاری} ^{بسیاری} ^{بسیاری}
 عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدْ يُعْمَلُ هُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ
 بسیار دلی نیاز می تو از آن دیرینه است و آن نزد من بسیار است
 وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ لَيْسَ بِفَاقِئٍ يَهْدِيهِ عَلَى إِلَيْكَ عَلَى
 و آن بر تو سهل ^{و اندک است پس بخشش کن بان بر من چنانکه تو بر}
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ
 هر چیزی توانا می خداوند ابر رحمت خود در زیره نیکو کاران
 فَأَدْخِلْنَا فِي عِلِّيِّينَ فَأَرْفَعْنَا وَبِكَائِسٍ مِنْ
 پس در آور مرا و در علیین پس بلند کن ما را و بجای ^{از}
 مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلَسِيلٍ فَأَسْقِنَا وَمِنْ الْحَوْرِ
 شرباب شیرین از چشمه ^{سلسیل} ^{پس آب ده ملدا و از حور بان}
 الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنْ وَلَدَانِ مُحَمَّدٍ
 فرزخ چشم رحمت خود پس زن ده ما را و از ^{کودکان} ^{جوادید} ^{ماندگان}
 كَاتِبِهِمْ لَوْ لَوْ مَكُونٍ فَأَخْذِمْنا وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ
 که کو با ایشان مر و از پدید ^{پسندیده} ^{اند} ^{پس} ^{خادم} ^{بخش} ^{ما را} ^{از} ^{میوه های بهشت}
 وَحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ
 و گوشت های حور ^{پس بخور بان ما را} ^{و از} ^{جایه های} ^{ریحانی} ^{نازک}

وَأَهْلًا وَأَمْرَةً وَأَسْبَغَ وَالثَّيِّبَةَ وَلَا تَحْزَنْ مِنِّي

دکوارترین آن و سبکترین آن بر سر و کلاه من آن و پیشترین آن و نا امید کنی مرا

يَا رَبِّ انْظُرْ إِلَى وَجْهَاتِ الْكَرِيمِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ

ای پروردگار من از نگریستن به سوی ذات بزرگوار تو و از رسیدن به بهشت

وَالْعِثْقَ مِنَ النَّارِ وَأَقْضِ عَنِّي يَا رَبِّ دِينِي فَإِنِّي

و از آزادی و تصالح از من ای پروردگار من قرض مرا و

أَمَّا تَنِي وَضَعُ عَنِّي وَنَزَرِي وَلَا تَحْلِيْنِي مَا لَا طَاقَةَ

انانت مرا و بگذار از من بار گران مرا و بار کن مرا آنچه نیست توانایی

لِي بِهِ يَا مَوْلَايَ وَأَذْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ

برایان ای صاحب اختیار من و در آور مرا در هر نیکی که در آورده

فِيهِ مُحَمَّدًا وَالْحَكِيمَ وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ خَرَجْتَ

در آن محمد و دال محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشان

مِنْهُ وَلَا تَفْرِقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرَفَةً عَيْنٍ أَبَدًا فِي

ازان و جدای مکن میان من و قیام ایشان بعد از چندی چشم هرگز در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِسْمِ اللَّهِ بِكُودِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

ای جهان و آنجهان بار خدا یا پرستیده من بخوان ترا

كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي بِسْمِ اللَّهِ بِكُودِ اللَّهُمَّ

چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر و عای مرا چنانچه وعده فرمودی مرا بار خدا یا

النَّارِ عَلَى وُجُوهِهَا فَلَا تَكْفُرْنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ

آتش بر روی او بس مشکن ما را و از جامه های آتش

وَسَرَابِيلَ الْقِطْرَانِ فَلَا تَلِيْسُنَا وَمِنْ كُلِّ سَوْءٍ

پوشیدمان را قطران پس بهوشان ما را و از هر بدی

يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَحْيَى لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَيَحْيَا

ای آنکه زنده کنی سزدار بر بخش مگر تو بحق کلمه لا اله الا انت پس زبانی ده ما را

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ وَأَنْتَ رَغْبَةُ

خداوند ابدیست که من سوال میکنم ترا و در خواسته نشده است مانند تو در رغبت میکنم

إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ يَا رَبِّ أَنْتَ مُوَضِّعُ

سبوی تو در رغبت کرده شده است بسوی مثل تو ای پروردگار تو قرارگاه

مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ

سوال خواهد گدایی و منتهای رغبت خواهشندگان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا فَضْلَ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَأَنْتَ حَقُّهَا

دری خواهم از تو عدا و زده بهترین نامهای تو همه آنها و غیر ذر ترین آنها

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنَ وَيَا سَمِيكَ الْمَجْرُومِ الْمَصُونِ

ای خدا ای بخشنایند و بحرمت نام تو که پنهان داشته نگاه داشته

الْأَعْرَ الْأَجَلِ الْأَعْظَمِ الَّذِي يُحِبُّهُ وَيَهْوَاهُ

از همه بزرگوارتر بزرگوار است آن نامیکه دوست میداری آنرا

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالْحَرِيرَ وَالْأَسْتَبْرَقَ فَالْبَسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدَرِ

وایرینین و دیپای بطبر پس پوشان مارا و برای در بابت شب قدر

سَحَابَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَوَقْتًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ

سحاب خانه محترم خود و گشتن در راه خود بادوستان خود

فَوْقَ كُنَا وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا

پس تو یقین ده مارا و شاید دعا و سوال را پس بپذیر برای ما

يَا خَالِقُنَا اسْمِعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ

ای آفریننده ما بشنو و اجابت کن مارا و هرگاه جمع کنی

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَبْرَحْمَنًا وَ

پیشینان و پسینان را در روز استغفر پس رحم کن مارا

بِرَأْمٍ مِّنَ الْكَافِرِ وَأَمَّا مِّنَ الْعَذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا

بیزاری از آتش کافران از عذاب پس بپس برای ما

وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي

در دوزخ پس مگردان مارا و با دیوان پلید

الْكَاكِيرِ فَلَا تُقَرِّبْنَا وَفِي هَوَايِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا

آتش پس ثابت مدار مارا در خواری از خود و عذاب خود پس

تُقَلِّبْنَا وَمِنَ الرَّقُومِ وَالصَّرِيحِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَفِي

مگردان مارا و از میوه رقوم و غار خشک و صریح نهاده پس بخور آن مارا و در

هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا لَكَ مُتَعِدًّا لَكَ عَذِيرًا

مال آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده توبه پرستانش کننده ترسنا

مُسْتَكْرِفٌ وَلَا مُسْتَكْبِرٌ وَلَا مُسْتَحْسِرٌ وَلَا

عار ندارد از عبادت تو و نه گردن کشته و نه صاحب مانگی و نه

مُتَجَبِّرٌ وَلَا مُتَعَظِّمٌ بَلْ بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ

بصاحبگر و نه بخوف نایبده بلکه بوده باشد بد حال محتاج ترسان

مُسْتَحِيرٌ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا حَنَّانُ يَا مُنْجِي

ایان جوینده در می خواهم از تو ای خدا ای بخشنده ای بنایت هیران ای منجی

يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای بدید آورنده آسمانها و زمین ای خداوند بزرگوار ای دگر ای اشرف

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً

آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد رحمت بسیار پاک

مُبَارَكَةً نَامِيَةً رَاضِيَةً شَرِيفَةً أَسْأَلُكَ

بابرکت نوازش نایبده پاکیزه بلند پایه سوال میکنم ترا

اللَّهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هَذَا وَتَرْحَمَنِي

خداوند آنکه بیامیزی مرا در ماه من این ماه و رحم کن مرا

وَتُعْطِيَ رَقَبَتِي مِنَ التَّامِرِ وَتُعْطِيَنِي فِيهِ حَيْرَ

و آزاد کنی گردن مرا از آنش و عطا کنی مرا دران بهتر

الحمد لله

وَتَرْضَىٰ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَ

درخواست و بشوی از آنکه بخواند ترابان و می پذیری برای او و دعای او را و
حَقَّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ أَنْ لَا تُخْرِجَ مَسْأَلَتَكَ اللَّهُمَّ

لازم است بر تو ای پروردگار این که ناامیدسازی سوال کننده خود را خداوند
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ

بدستگاه من سوال میکنم ترا بهر نامی که آن برای نسبت خواند ترابان بنده
هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ عِنْدَ

که او برای نسبت در بیابان یا دریا یا زمین جوار یا کوه یا نزد
بَيْتِكَ الْحَرَامِ أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَادْعُوكَ

خانه حرم محترم تو و باد چیزی از راه های قرب تو بپرسیم بخوانم ترا
يَا رَبِّ دُعَاءُ مَنْ قَدْ أَشَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظُمَ

ای پروردگار من مانند خواندن کسیکه بحقیق سخت باشد احتیاج او و بزرگ باشد
جُرْمُهُ وَضَعُفُ كُدْحِهِ وَأَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ

کناها و دست باشد کوشش او و سترگ گشته باشد بر هلاکت
نَفْسُهُ وَلَمْ يَتَّقِ لَشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَحْذَرِ لِمَا هُوَ فِيهِ

او و اعتماد نگردیده باشد بچیزی از کردار خود و نیافتاده باشد برای انجام دادن
سَادًّا وَلَا لَذْنِيهِ غَافِرًا وَلَا لِعَثْرَتِهِ مُتَقَبِّلًا غَيْرَ

بازدادنده و در برای کناه خود آمرزنده و در برای لغزش خود درگذرنده غیر تو

تَعَهُ أَوْ ذَنْبٍ أَوْ خَطِيئَةٍ تُرِيدُ أَنْ تُقَالِسَنِي بِهَا

دوای یا کنایه یا خطای که خواهی آنکه درشتی کنی بان

أَوْ تُوَاخِدَنِي بِهَا أَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ

یا مواخذه نمایی مرا بان یا بر پا داری مرا بسبب آن در جایگاه خوار

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ الْقَالَةِ

در دنیا و آخرت و آنکه عذاب کنی مرا در روزیکه ملاقات نمایم ترا

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ

ای بخشنده ترین بخشنندگان خداوند ابرسبب من میخوانم ترا بخشنده غنی

لَا يَفِرُّ جَهْدَ غَيْرِكَ وَلِرُحْمَةٍ لَا تَسْأَلُ إِلَّا بِكَ لَكَرْبٍ

که نمی تواند از تو فریاد و بجهت بخشش که رسیده نمیشود و بجهت اندوهی

لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ لَا تَبْلُغُ إِلَّا بِكَ

که زایل میکند آنرا که تو و بجهت خواهشی که رسیده نمیشود و بجهت است تو

وَحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ اللَّهُمَّ فَمَا كَانَ

و بجهت حاجتی که روا کرده نمیشود از غیر تو یا خدا یا پس چنانچه بوده

مِنْ شَأْنِكَ مَا أَسْرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِكَ

از کار تو آنکه قصد کردی مرا بان از سوال کردن تو

وَرَحْمَتِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

و رحمتی بخود من از یاد کردن خود پس باید که بوده باشد از کار تو

سجده

مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا أَنْتَ

از آنچه عطا فرمودی یکی از خلق خود را و بهتر از آنکه تو
مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ الْخَرِشَ هَرِيرَ مَضَابِ

عطا فرمائی آنرا و مگردان آنرا آخر ماه
الَّذِي صُمِّمَتْ لَكَ مِنْذُ اسْتَكْنَيْتَ أَرْصَلَكَ إِلَى

که روزه داشتی آنرا بچند تو از آن وقت که سانس گردانیدی مرا در زمین خود تا
يَوْمِي هَذَا بَلِ اجْعَلْهُ عَلَى أُمَّةٍ نِعْمَةً وَأَعِمْهُ عَافِيَةً

روزی من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمام ترین آن از روی نعمت و فراگیری نه تر
وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَجْرًا وَأَهْنَأَهُ لِلْمُحْسِنِ

و فراگیرنده ترین آن در روزی و وافرترین آن و گوارا ترین آن خداوند
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَيُوجِّهَاتِ الْكَرِيمِ وَمُصَلِّكَاتِ

بدوستی من پناه بگیرم بتو و بذات بزرگوار تو
الْعَظِيمِ أَنْ تَغْرِبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا

بزرگ مرتبه تو از آنکه غروب کند آفتاب
وَيَقْضِيَ بَقِيَّةَ هَذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ

یا پایان رسد باقی مانده این روز یا برآید صبح
لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يُخْرِجَ هَذَا الشَّهْرَ وَلَكَ قَبْلِي

شب من این شب یا بیرون رود این ماه و حال آنکه باشد هر از هر روز

این روزی عافیت

اصول

وَيَقُلْ فِيهِ الْحَيَّةُ وَيَخْذُلْ فِيهِ الصَّيْدُ

وگم بشود در آن راه چاره . و غوا میگردود در آن دوست

وَيَسْمُتُ فِيهِ الْعَدُوُّ وَأَنْزَلَتْ بِكَ سَكُونَتُهُ

و دشمنان می نامد در آن دشمن و فرود آمد در آن آرامگاه تو و سکونت نمود

إِلَيْكَ سَاعَةً مِّنِّي فِيهِ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ

بسیوتو از راه رغبت من در آن بسوی تو از غیر تو

فَقَرَّجَتْهُ وَكَشَفَتْهُ وَكَفَيْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيَّ كُلِّ

پس گشود وی تو آنرا از ایل کردی آنرا و دفع نمودی آنرا پس تو خداوند

نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ عِبَادَةٍ

تمت و صاحب هر نیکی - و منتهای هر عبادتی

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ خَلْقٍ

پناه میگیرم بکلمات خدا که تمام و کامل اند از گزند آنچه آفریده

مِنْ شَيْءٍ اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي يَوْمِي هَذَا حَيَّ أَمْسَى

از چیزی - خداوند عافیت بخش مرا در روز من این روز تا آنکه شام کنم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ يَوْمِي هَذَا وَمَا نَزَلَ

خداوند ایدرستی که من سوال می کنم از تو برکت روز مرا این روز و آنچه فرود آمده

فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ وَبِرِّ ضَوَائِ

در این روز از عافیت و آمرزش و بخشش و نورش و نورش

أَلَا سُبْحَانَهُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَالْحَمْدُ لِي فِيهِمَا

اجابت کردن برای من در آنچه خواندم ترا بان دستکاری برای من در آنچه

فَرَجْتُ لَكَ مِنْهُ يَا مُكَلِّمَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ

استغاث نمودم بسوی تو از آن ای نرم سازنده آهن یجبت داود بر او بار

السَّلَامُ أَمَّا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ

درود ای رفع کننده بدطالی و اندوه ای بزرگ

عَنْ أَيُّوبَ وَمُقَرَّبِ غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنْقِصِ كَرْبِ

از ایوب ای کشاینده غم یعقوب و دایم نایل کننده اندوه

يُوسُفَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا

پرست رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن باین آنچه

أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

تو سرور اهلان زیرا که تحقیق تو سرور اورد بر پیرکاری پسندار آموزش

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي

بار خدایا تو معتمد من در هر اندوهی و امیدگاه منی

فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ تَزِلُّ سِنِي

در هر سختی و تو برای من در هر امر که فرو دمی پاید من

ثِقَةً وَعَدَّةٌ كَرَمٍ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ مِنْهُ الْفَوَاقِ

معتمد و ذخیره چه بسیار از اندوه که تا توان پیشرو از بر دشمنان و

الحمد لله

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خداوند! تحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود رحمت فرستاد خدا بر او و آل او

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى اللَّهُمَّ إِنَّ

که هر آینه زود باشد که عطا کند ترا پروردگار تو پس خوشنود شوی خداوند! بدینکه

نَبِيِّكَ وَرَسُولَكَ وَحَبِيبَكَ وَخَيْرَكَ

پیغمبر تو و رسول تو و دوست تو و برکن بدو تو

مَنْ خَلَقَكَ لَا يَرْضَى بِأَنْ تُعَذِّبَ أَحَدًا مِنْ

از حق تو خشنود نمیشود بآنکه عذاب کنی یکی از

أُمَّتِهِ ذَاكَ بِمَوَالَاتِهِ وَمَوَالَاةِ الْأَشْغَةِ مِنْ

است او را که نزد یک شده ترا بر سیله دوست داشتن او و دوست داشتن ایشان از

أَهْلِ بَيْتِهِ وَإِنْ كَانَ مُذْنِبًا خَاطِئًا فِي نَاسِ

خانمان او اگر چه بوده باشد گناه کار خطا کار در آتش

جَهَنَّمَ فَاجْرِني يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا

دوزخ پس زهارده مرا ای پروردگار من! از دوزخ و عذاب آن

وَهَبْني لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعًا

بخشش را محمد و آل محمد ای دال محمد ای بخشنده ترین بخشنده گان ای جمع کننده

بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأْلِفٍ مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ

بیمان اهل بهشت بنابر آمیختگی دلها و شدت

وَسِرِّقٍ وَاسِيعٍ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَتِي

در دزدی فراخ طای که پهن کنی بر من و بر پدر و مادر من

وَوَلَدَتِي وَأَهْلِي وَعِيَالِي وَأَهْلَ حِرَانَتِي وَمَنْ

و فرزندان من و عیال من و معاندان من و آنکه غمخیزی از نیامی و آنکه

أَحَبَّتْ وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اللَّهُمَّ

دوست دارم من و دوست بخار دما و زائیدم من و زائید مرا خداوند

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشَّرِّ وَالْحَسَدِ

بر سبب من پناه بگیرم بخواز شک نمودن و شرک آوردن و بدخواهی

وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ

وستم کردن و غیرت و خشم گرفتن خداوند ای پروردگار آسمانهای

السَّعْبِ وَتَرَبَّاتِ الْأَرْضَيْنِ السَّعْبِ وَمَا فِيهِنَّ وَ

هفت گانه و ای پروردگار زمینهای بیگانه و آنچه در ایشان است و

مَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

آنچه میان ایشان است و ای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفرست بر محمد

وَالِهِ وَكَفِّنِي الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ

و آل او و کار گذاری کن برای من هم از امر مرا با آنچه خواهی و هر روشنی

شِئْتَ پس بخواند سوره حمد و آیه الکرسی تا و بگو

که خواهی

مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدِ عَنِّي وَلَا يَنْقُطَاعُ رُؤْيَايَ عَنْهُمْ

محمد و آل محمد از من و در سبب بریدگی دیدن من از ایشان

فِي كُلِّ مَسَارِكٍ يَا رَبِّ ادْعُوكَ إِلَهِي فَاسْتَجِبْ

بس هر سوای تو ای پروردگار من بخوانم ترا خدای من بس پذیر

دَعَايَ إِيَّاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي

خواندن مرا رترای ای بخشننده ترین بخشنندگان خداوند بدرستی که

أَسْأَلُكَ بِأَنْقِطَاعِ حُجَّتِي وَوُجُوبِ حُجَّتِكَ

درخواستم از تو سبب بریدگی دلیل من و لازم بودن حجت تو

أَنْ تَغْفِرَ لِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوْذُ بِكَ مِنْ خُرَيِّ يَوْمٍ

آنکه بامزای مرا بار خدا یا بدرستی که پناه میگیرم به تو از خوارمی در روز

الْخَشِيِّ وَمِنْ شَرِّ مَا بَقِيَ مِنَ الدَّهْرِ وَمِنْ شَرِّ

محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمانه و از شر کنند

الْأَعْدَاءِ وَصَغِيرِ الْفَنَاءِ وَعُضَائِكَ الدَّاءِ وَخَبَةِ

دشمنان و نستی خورد و درد - عاجز گرداننده و بی بهره شدن

الرَّجَاءِ وَنَزْوَالِ التَّعْذِيرِ وَفَجَاءَةِ النِّقْمَةِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ

امید و زایل شدن نعمت و ناکاه در رسیدن عقوبت خداوند بگردان

لِي قَلْبًا يَخْشَاكَ كَأَنَّهُ يُرَالِكَ إِلَى يَوْمٍ يُلْقَاكَ

برای من دلی که ترسد ترا بحدی که گویا اوستی بیند ترا تا روزی که ملاقات نماید ترا

استغفر

الْحَبَّةَ وَنَارَ الْعِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاءَ عَلَيْهِمْ

دوستی و ای برکننده کینه لذ سینه ای ایشان و کرد، آتش ایشان

إِخْوَانًا عَلَى سُرٍّ مُتَقَابِلِينَ يَا جَامِعًا بَيْنَ أَهْلِ

برادران بر کر سبهای روبروی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل

طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ وَيَا مُفَرِّجَ حَزْنٍ

طاعت خود و میان آنکه خلق نموده آنها را برای او و ای رافع کننده اندوه

كُلِّ حَزُونٍ وَيَا مُنْهَلِّ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي

هر اندوهناکی و از چشمه هر بیکسی ای رحم کننده من در

غُرَّتِي وَفِي كُلِّ أَحْوَالِي بِحَسَنِ الْحِفْظِ وَالْكَلاَةِ

بیکسی من در هر حالات من بیک محافظت نمودن و نگه داری کردن

لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بَيْنِي مِنَ الصِّيقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلَى

را ای کشنده آنچه با من است از تنگی و بیم رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّتِي وَقَادِتِي

محمد و آل محمد جمع کن میان من و میان دوستان من و دشمنان من

وَسَادَتِي وَهَدَاتِي وَمَوَالِي يَا مُؤَلِّقًا بَيْنَ الْأَحْبَابِ

و دشواریان من و راه نایبان من و صاحب اختیاران من ای آویخته کننده میان

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي بِإِنْقِطَاعِ رُؤْيَا

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بدر و میا در مرا بسبب بریده شدن دیدن

و در نیست که در اوقات دیگر هرگاه ستدی رو و در یا حاج
 ضروری باشد این دعا را توان خواند * **فصل ششم** *
 در اعمال مختصه شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است
 و در روایتی وارد شده که آنجیل بر حضرت عیسی علی نبیا و علیه السلام
 در سیم این ماه نازل شد و بر روایت دیگر در ششم و بر روایت معتبره
 دیگر در روز دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز
 ششم این ماه مانون خاین ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام
 بیعت کرد و روایت شده است که هر که در آن روز دو رکعت نماز
 بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیت و پنجم تبه قل هو الله احد بخواند شکر
 نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بر روایت
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در شب سیزدهم
 این ماه ده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس
 و تبارک الذی بیده الملك و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار
 رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسم
 سلام بهین کیفیت و شب پانزدهم از لیلی متبرکه است و غسل و زیارت
 حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است در آن چنانچه مذکور شد
 و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت
 رسول فرمود که هر که در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بکند

الحاصل

شبیۀ اما میۀ اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و دوم
بیرون نیست و بعضی بر ده میان شب بیست و یکم و بیست و دویم میدانند و بسیار
از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه ازین سه شب بیرون نیست این
سه شب را یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و دویم و احیای باید که در فضیلت
شب قدر در یابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین نیست و یکم و بیست و دویم
وارد شده است و در بعضی تعیین نیست و سیم واقع شده است و موقوف است
که آن شب چندی است و آن اغوابی بود که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله
عرض کرد که منزل من دور است از مدینه و بخواهم شبی را برای من تعیین
کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب
بیست و سیم برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن شب با خلیل
و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه می شد و چون صبح میشد بر پشت
و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدرند و در شب اول تقدیر
امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکن است تغییر یابد و در
شب سیم ختم میشود و تغییر نمی یابد بسیار کم تغییر می یابد بلا تشبیه مانند ارقام
بادش آن که اول تعلیق می شود و تغییرش آسان است بعد از آن
ثبت و فائز میشود و تغییرش دشوار تر است اما تا بمهر هر ثانی از زمین نکرده
باز ممکن است تغییر یابد و چون پیرا شد رفت رسید بقره حتم است تغییرش
در غایت صعب است و حق تعالی را حکمتها در اینها م بعضی از امور است

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ شَبَّ قَدْرُ بَهْتَرِ است از هزار ماه یعنی
 عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
 فِيهَا فردی آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است یا ذَرِ
 رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ آتٍ بِرِخْصَةٍ بِرِخْصَتِ پروردگار ایشان بسبب تقدیر هر آتیه
 احادیث بسیار واروده است که ملائکه و روح بر امام زمان نازل
 میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام علیه
 السلام عرض می کنند سلام می آید حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ سلامی است این شب
 از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام می کشد بر امام و بر مومنان که در این
 شب عبادت می کنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر
 اختلاف بسیار است بعضی از سنّیان گفته اند که شب قدر در زمان
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و بعد از آن حضرت بر طرف شد و اکثر
 ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی گفته اند در تمام
 ماه پنهان است و در همه شبها عبادت باید کرد تا تفصیل شب قدر
 در یابند و بعضی گفته اند که در ماه شعبان و ماه رمضان پنهان است و
 بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان
 و بعضی گفته اند شب نیمه ایماه است و بعضی گفته اند شب هفدهم و بعضی
 بیست و یکم و بعضی بیست و سیم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند
 و اکثر سنّیان در این زمان اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علای

سیر یابند دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع اموال و فرزندان و عزت
 و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور درین شب میشود و اصلاح احوال تمام
 سال خود را درین شب کرده خواهد بود و نگفت که نام او در دیوان اشقیاء
 نوشته بود و درین شب تغییر یابد و از زمره سعد متندان نوشته شود
 چنانچه این مضمون نیز اکثر علماء و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه
 چون امام او حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه
 مقربین مجشور است و فوج فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند
 و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض می کنند و فرموده
 است که در چنین شبی تا منی با امام خود بکنند و بغفلت بسر نیاورند و از حضرت
 رسول منقول است که چون شب قدر میشود فرود می آیند ملائکه که در سدره
 المنتهی ساکنند و از جلا ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها
 آورد و یک علم را بر سینه قبر من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را
 در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و میگذارد مرد مومن وزن مومنان مگر آنکه
 بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقول است که بهشت را هر سال
 از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه
 میشود سیسی از پرچش میوزد که آنرا بمشرد میگویند و بعد ازی او درختان
 و حلقه های درهای بهشت را پس نعمه از وی شنوند که هرگز شنوندگان
 از آن خوش آینده تر نعمه نشنیده اند پس حوریان از غوغای بهشت

مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نماز است
 و ساعت استنجابت و عمارت شب پر رنج و جهاد و عمل مقبول در میان
 اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همه اسماء
 مقدر الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات
 شب در روز جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول
 کرده و همچنین در شب قدر شپهای که احتمال آن دارد همه را احیا کند
 و حکمت دیگر در بعضی از آنها میتوان بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را یکس باند
 گاه باشد بعضی از نفوس شریره آریاد سبیل حصول مطالب دنیا بکنند
 چنانچه از بعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استنجابت اگر
 بخصوص آنها را بدانشند ممکن است که امور غیر مشروع و یا ضررهای عظیم
 نسبت بعضی از مسلمانان استند عاکنند و اگر بخصوص دانند باید البته استنجابت
 کرد و دیگر آنکه مغرور با اعمال خود نکرند و حکمتهای دیگر بسیار است که این
 رساله ذکر گنجایش آنها ندارد پس باید که مومن این سه شب را احیا کند
 و اهتمام در عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در شب
 آخر اهتمام بیشتر بکند و در شب محبت و سیم که احادیث معتبره بسیار در
 تخصیص آن وارد شده است که شب قریب سی بکنند و خواب عبادت شب قدر
 بسیار است از آنجمله آنکه چون عبادت شب قدر را در یازده بنص قرآن یاد
 از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هفتاد سال است از برای او مقرر

میکند و چون شب قدر بشود حق تعالی مقرر میکند جبرئیل را که بر زمین
 باشد شکر عظیمی از ملک و با خود علم سبزی می آورد و بر بالای کعبه معظمه
 نصب میکند و او ششصد سال دارد و بالش را نمی کشاید کرد در شب قدر
 و چون در شب قدر آن دو بال را میکشاید از مشرق و مغرب میکند و
 و این میکند جبرئیل آن ملائکه را درین شب در اطراف زمین پس سلام
 میکند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند
 و با ایشان مصافحه می کنند و چون ایشان دعا می کنند ملائکه
 آیین میگویند و پیوسته مشغول این کار اند تا طلوع صبح پس صبح
 میشود و ملائکه جبرئیل که ای کرده ملائکه روانه جانب آسمان شود پس ملائکه
 میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در جوانی مومنان از امت محمد جبرئیل میگوید
 خدا کائنات همه را آفرید و هر یک را که میسر شد آب خورد و با عاق پدر و مادر
 یا قطع رحم کند یا با مومنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود و از آن شب
 جوایز کویند خدا مزد میدهد و عمل کنندگان ماه مبارک رمضان را بی حساب و چون
 باد آید در روز عید میشود و حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بر
 زمین می آیند و بر سر کوچه ها و بازارهای ایستند و میگویند ای امت محمد
 بیرون روید بسوی درگاه پروردگار که می گوید که عطایای بزرگ می بخشند
 و کائنات عظیم را می آفرزد پس چون بمصلی بیرون میروند برای نماز عید
 حق تعالی ملائکه میگوید ای ملائکه چیست جزای مزد و در هرگاه عمل خود را

بیرون می آیند و بیداری کنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند
 از خدا با عمل صالحه خود بخواهد خازن بهشت می پرسند که این چه
 است عنوان میگوید لیلیک ای نیکو رویان نیکو کاران این شب اول ماه ربه
 است دهامی بهشت گشوده شده است برای دوزخ داران است محمد پس حق
 میفرماید که ای رضوان بکشا در دهامی بهشت را ای ملک به بند دهمی چنان
 از دوزخ داران است محمد ای حبشیل و بسوی زمین در زنجیر کن
 شیاطین متمر در او غلهاور کردن ایشان که از مایشان در
 بجه دهمی دریا پسند از تا فاسد نکر دانند بر امت حبیب من محمد روزگار
 ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از مشبهای ماه مبارک
 رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سوال کنند و هست که سوال
 کند او را عطا کنم آیا توبه کنند و هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار
 کنند و هست که گناهانش را بیا مرزم کیست که فرض دهد بخداوند مالدار
 که هرگز پایشان نمیشود و وفا کنند و است بوعده دهمی خود و ستم
 نمی کنند و فرمود که در آخر هر روز از روز دهمی ماه مبارک رمضان
 در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند
 و چون شب جمعه در جمعه می شود در هر ساعتی هزار هزار کس را از
 آتش جهنم آزاد می کند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند
 و در شب آخر روز آخر ماه بعد از آنچ در تمام ماه آزاد کرده است آزاد

و یکی چند هر سته که حسانت برایی بویستند تا سال آینده و کلی بینه
بفرستد مبدی بهشت که در خنجر برایی غرسل نمایند و قصر برایی اسیا کند
و نیز برایی او جاری سازند و آن دنیا بیرون نرد و تا همه را بپسند و عمل
در این شب سنت مکره است. غنجل این مشبهان مغارن غروب آفتاب
کردن بهتر است که نماز عشا را با عمل بکند و سخت است درین شبها که قرآن
جید را بدست گیرد و بکتابه و این دعا بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمَثَلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ

بار خدایا بدرستی که من در اینجا بهر از تو بجز کتاب خود و کتاب خود و آنچه در آن است و در آن

اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاءُ وَلَدِ الْحُسَيْنِ وَمَا يُحَافُ وَيُحْيِي

نام بزرگ تو است و نامهای نیکو است و آنچه برسد و میسر و امید و است

أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَاتِكَ مِنَ النَّارِ وَتَقْضِي حَوَائِجِي

ای که کردی مرا از آزاد کردیدگان خود از آتش در دکان حاجت های مرا

اللَّهُمَّ يَا أُولَ الْأَخَوَةِ پس ما حاجت خود را از حق تعالی طلب نماید

که محبت و یار و آخرت است که است الله تعالی بر آورد و بهشت و این دعا

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است و از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام منقول است که مضعف را بکیر و برسد بکند و بگو

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ

خدا را باین حق قرآن و بحق آن که فرستادی به و بحق

ملائکه میگویند ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داد شود
 حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان از روزه
 روزهای ماه رمضان و عبادت شبها آن عطا کردم که از ایشان را
 شدم و کنایان ایشان را آفریدم پس ندانید میفرماید مومنان را که در آن مجمع
 حاضر بوده اند که ای بندگان من هر چه خواهید از من سوال کنید بفرست
 و جلال خود سوگند یا میکنم که ازین مجمع شما هر حاجت که برای آخرت
 و دنیا می خرد سوال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را می پوشانم
 تا از من روگردان نشوید و فرمای شما را منافع میدهد و شما را
 در میان کهنسکاران رسوا نمیکند بر کردید از مصلی آفریده بدو بستید و خوشنود
 گردانید و مرا خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیگر
 را مبارکباد میگویند بآنچه حق تعالی بامت محمد عطا کرده و حدیث معتبر از حضرت
 امام محمد باقر منقول است که هر که احیا کند شب قدر را کنایان او آفرین شود
 هر چند بعد دستارهای آسمان و سنگینی کوه با و کیل دریا باشد و اما اعمال
 این سه شب پس دو نوع است اول آنکه در هر شب باید که دو رکعت مخصوص است
 بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقول است که هر که در شب قدر دو رکعت
 نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله احد
 بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید
 از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را بدو بر و مادرش را بیاورد

از روایات معتبره وارد شده است که هفت مرتبه یا پنجاه مرتبه
 یا یک مرتبه قل هو الله احد الکافی توان کرد و احادیث بسیار در فضیلت
 آن صدر رکعت وارد شده است و باید که این صدر رکعت غیر نافله شب بود
 باشد و اگر ضعف داشته باشد شصت و نه مرتبه می تواند کرد و بهترین اعمال درین
 شبها طلب امرش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت نمود است
 و در بعضی از روایات خود و برادران مومن زنده و مرده ایشان از کمال
 و صلوات بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است
 که دعای جویشن کبیر را در هر یک از این رشب بخوانند و آنرا در مصلحت
 مخصوصه شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّیْ**
وَأَتُوبُ اِلَیْهِ و صد مرتبه **اللّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْاَمْرِ**
الْمَحْتَمِیْنِ در جمیع میکنم بپای او خداوند اودر کن از رحمت خود گشته کان پادشاه گردان
 و این دعا بخواند **اللّهُمَّ اجْعَلْ فِیْهَا تَقْضِیْ وَتَقْدِیْرَیْنِ**
 خداوند اودر کن در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر کنی از
الْاَمْرِ الْمَحْتَمِیْنِ وَفِیْهَا تَفْرِقْ بَیْنَ الْاَمْرِ الْحَکِیْمِ وَفِیْهَا
 امر واجب که دیده و در آنچه جدا کنی از امر نافی حکمت در شب
الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِیْ لَا یُرَدُّ وَلَا یُبَدَّلُ اَنْ تَكُنْ بَیْنَ
 قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود و آنکه بزرگسی در

تلاوت

کُلِّ مُؤْمِنٍ مَدْحَةٌ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ

هر کرده که سزوده او را در قرآن و بحق تو برای ایشان پس نیست هیچکس

أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ يَسْ دَه مرتبه بگو يَا اللَّهُ

شنا ساز بحق تو از تو

وده مرتبه مُحَمَّدٌ دوه مرتبه عَلِيٌّ دوه مرتبه بِقَاطِطَةَ دوه مرتبه

بِأَحْسَنَ دوه مرتبه بِأَحْسَنِ دوه مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

دوه مرتبه مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ دوه مرتبه جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ دوه مرتبه

مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ دوه مرتبه عَلِيُّ بْنُ مُوسَى دوه مرتبه

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ دوه مرتبه عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ دوه مرتبه بِأَحْسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

وده مرتبه بِأَحْسَنِ پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت

امام حسین را در هر یک از این سه شب سنت ماکده است و در هر یک خصوصاً

شب بیست و نهم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت یک سلام

بعد هر رکعت بعد از حمد دوه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و در بعضی

که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک هفتاد
 رکعت نماز کن بغیر از سیزده رکعت نماز نافله شب و نافله صبح و تا صبح
 بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بدرستی که امید
 شب قدر در یکی ازین ماه است و شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است
 از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر
 میگردد و دعای این شب در ضمن دعای می دهد آفرند که خواهد شد انشاء الله
 ۱۰. شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است
 و در آن دو غسل سنت است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت
 صارق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم شب جهنمی است و در آن
 شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود که
 بلاها را جلها و در زیاده و قضا یا آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر
 آیند پس هر که در آن حال باشد که حیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت
 و گاه در کوخ باشد و گاه در سجود و کنایان خود را در برابر دیده نماند
 مثل کرد و اند و بر آنها بگریزد چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر
 محروم نگردد و انشاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که نماز میکند
 در هر روز ماه رمضان در هر آنکه بشارت باد شما را ای بنده گان من که
 که بخشیدم کنایان گذشته شمارا و در شب قدر شفاعت شمارا در حق
 بپذیرد قبول میکنم و دعای شمارا در حق بپذیرد مستجاب میگردد و انم مگر کسی که

۲۰۰
۷
مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ بِحُجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ

از حج کنندگان خانه محترم خود که بپذیرند شود حج ایشان اجزا دارد شود

سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو شود از ایشان بدیهای ایشان

وَأَجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ أَنْ تَطِيلَ عُمْرِي وَ

و بگردان در آنچه حکم کنی و تقدیر کنی آنکه دراز کنی عمر مرا

تَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَقْدِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

کشایش دهی بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من در همه امور من

مَا هُوَ خَيْرٌ لِّي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنچه را که ادخیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشنندگان

یس حواج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بخت و کلمه فضیلت او

زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه بهر بصل آورد و در این

آخر اعتکاف و در مساجد جامعہ سنت است و در همه استجاب است و عا است

و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقول است که در شب

بخت و بکم و بیت و سیم صدر بخت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد و تر

سوره قل بخواهد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت

امام محمد باقر این و شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا

میشد و در نصف آخر مشغول نماز و سجد و توبه از حضرت صادق علیه السلام

بدست راست او میدهند و بنویسند برای او برات هزار می از پیش چشم او
 گذشتن بر سر اطر او یعنی از عذاب را و داخل بهشت شود و حساب و بهشت
 او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و بنویسند
 رفیقان ایشان و دعای این شب از جمله دعاها می باشد آخر بخواند این دعا بخواند
 اللَّهُمَّ اَمِّدْ لِي فِي عَمْرِي وَكُوسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاصْحَحْ
 خدایا درازی بخش برای من در عمر من و گشایش ده برای من در روزی من و سالم دار
 جَسْمِي وَبَلِّغْنِي اَمَلِي وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاجْعَلْنِي
 بدن مرا و برسان مرا باز روی من اگر بوده باشم از بد بختان پس مگو مرا
 مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاجْعَلْنِي مِنَ السَّعْدَاءِ فَانْتَ قُلْتَ
 از دیوان بد بختان و بنویس مرا از نیک بختان زیرا که تحقیق تو گفتی
 فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ
 در کتاب خود که فرود آورده شده است بر پیغمبر تو رحمت مانو بر او و بر آل او باد
 بِحَوْلِ اللَّهِ مَا يَشَاءُ وَكُنْتُ وَعِنْدَكَ اَمُّ الْكِتَابِ
 محو میکند خدا آنچه را میخواهد و ثابت میدارد آنچه را میخواهد و نزد اوست اصل کتاب
 وَاَيْضًا بَكُوَيْدِ اللَّهِ اَجْعَلْنِي مِنْ اَوْقَرِ عِبَادِكَ نَصِيْبًا
 بار خدا یا بگردان مرا از داغترین بندگان خود از روی خود
 مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ مِنِّي هَذِهِ اللَّيْلَةَ وَاَنْتَ مُنْزِلُهُ
 از هر نیکی که فرود می آید از من در این شب و تو فرود آورنده آن هستی

روزی را اظهار کند برست کند و بکینه مومنی را در دل داشتند باشند و بسند
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت و روم را
 در شب بیست و سیم بخواند و الله که او را اهل بهشت است و استثنای نمی کنم
 در آن احدی را و نمی ترسم که خدا درین سو کند بر من گناهی بخوابد و این سوره
 را از وحی تعالی منزلت عظیم است و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقول است
 که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را
 بخواند هر آینه صبح کند با یقین شده بدعا عترت با نچه مخصوص است از اگر آنها
 در این شب بسبب آنچه در خواب ببینند و سوره حم دخان را نیز نیست است
 که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که از
 کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سیم که امید شب قدر
 در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود و معاف می کنند با او روح ضد
 بیست و چهار هزار پیغمبر که همه درین شب رخصت می طلبند از حق تعالی
 در خواب و آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است
 کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه مبارک را صد رکعت نماز
 بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند و دنیا و شمشاد و ثمنان را از او کفایت
 کند و پناه دهد و از غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لغت
 در کل و فتن و آتش شدن درندگان و دفع کند از او هول و مکر و تکبر را و از قبر
 بیرون آید و در احوالی باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامش را

و منقول است که خدای عز و جل درین شب دفع میکند بریها و کفایتان و هم
افواج نماز را از روز و دایان ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی
بایشان نوری در کوشها و دیده های ایشان و در شب سبت و هفتم نیز
غسل مخصوص وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام اشبه علیه و علی امام الطاهرین درین شب مکرر این دعا بخوانند

از اول شب تا آخر شب

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الثَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْآثَابَةِ

یا خدا ای رزق دهنده من مرا از کلاه کفر و غرور و پستی و بار کشت

إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْآسِقَادِ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْقَوْدِ

به جای سبزه ای بخت من به جای سبزه ای بخت من به جای سبزه ای بخت من

در شب سبت و هفتم نیز غسل مخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر

غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت است

و دو اعیان ماه رمضان سنت موهوم است برای اظهار آنکه روزه و عبادت

اینها مبارک بر ما گردان و دشوار نبود و ما خواهیم او بودیم و از مفارقت

آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فوائد

آزاد در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد

پس باید که اینها کثیر المبرکات را بخوی و در اعانه کنگه غریبین اهل خود را در

تکامل مفایرت و دعا میکند و معلوم است که غلامی که از حد مت آفای

در شب سبت و هفتم

مِنْ تَوْبَةٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْسِيهَا أَوْ رِزْقٍ

از روشنائی که رهنمای میکنی بان یا رحمتی که بپراکند سازی آرا یا روزی که

تَقْسِيهِ أَوْ بَلَاغٍ تَذْقَعُهُ أَوْ صَرْفٍ تَكْسِفُهُ وَكَتَبْتُ لِي

نست کنی آنرا یا بلای که دفع کنی آنرا یا کزندی که زایل کنی آنرا و بنویس برای من

مَا كُتِبَتْ لِي وَلِيَايَاكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا

آنچه نوشته برای دوستان شایسته خود که سزاوار شدند

مِنْكَ الثَّوَابَ وَأَمْوَارِي ضَالَّةً عَنْهُمْ مِنْكَ

از تو پاداش نیک و این گشتند بسبب خوشنودی تو از ایشان از تو

الْعِقَابَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَأَقْعِلْ بِي ذَلِكِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و بکن باین آنرا بچنانیش تر ای بخشنده ترین بخشنایندگان

و هر مقدار که از قرآن مکن باشد درین شب بخواند ده های صحیفه طهارت

خصوصاً ده های مکارم الاخلاق و دعای توبه و در زمانی این شبها نیز

حرمت باید داشت و عبادت و تلاوت و دعا بسراورد و زیرا که در ایجاد

معبره وارد شده است که روز قدر نیزه فضیلت مستحب است و در شب

بست و چهارم نیز مخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل

سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل آن وارد شده است

و در این شبها
در این شبها
در این شبها

فَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَةِ إِنْ كَانَ

پس در میخواهم از تو بحق ذات بزرگو ار تو در کلماتی تمام کامل تو اگر بوده باشد

بَقِيَ عَلَى ذَنْبٍ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تُرِيدَ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ

که باقی بوده باشد بر من گناهی که نیا مرزیده باشی از برای من یا عذاب باشی که عذاب کنی

أَوْ تَقَالِبَنِي بِهِ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ يَصْرَحَ

یا عرض کنی مرا آن یا طلوع کند صبح این شب یا متقطع شود

هَذَا الشَّهْرُ الْكَلِمَةُ وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

این ماه مگر اینکه تحقیق یا مرزی آنرا برای من ای بخشنده ترین بخشنده گان

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِحَمْدِكَ كُلِّهَا أَوَّلُهَا وَآخِرُهَا

خداوند مرا تر است سپاس بسیارهای تو همه آنها اول آنها تا آخر آنها

مَا قَلَبَ لِقَابٍ لَمْ يَنْسَهَا وَمَا قَالَ لَكَ الْخَلَاءُ

آنچه خود گفته برای ذات خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو آفریدگان

الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمُعِدِّدُونَ الْمُؤَثِّرُونَ

سپاس گذاران کوشش نمابندگان شمارندگان برکنه بسندگان

فِي ذِكْرِكَ وَالشُّكْرُ لَكَ الَّذِينَ أَعْنَتَهُمْ عَلَى آدَاءِ

در یاد کردن تو و سپاس گذاری بر اینو آنانکه بدو کردی ایشانرا برادر کردن

حَقِّكَ مِنْ أَصْنَانِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

حق خود از اجسام خلق خود از فرشتگان

خودشاه و خوشحال باشد و از ترک خدمت و کبر باشد مثل غلامی نیست که از
 ترس خدمت کند و بان راضی نباشد و دعاها را در شب آخر سنت
 خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوب است و در حدیث است که اگر آخر
 شب باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است خواندن و دعاها
 و دعا بسیار است و بهترین دعا دعا صحیفه کامله است و بسند
 معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این دعا و دعا منقول است
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بخشنده مهربان

تمام

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِيْ كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلٰى لِسَانِ

پادشاه بدستیکه در کتاب خود که فرود آورده شده است بفرمودی

نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ

در شب نهم و سی و نهم تو رحمتهای تو بر او و آل او باد و سخن تو راست و در حدیث است

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْ اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْآنُ هُدًى

که این ماه رمضان است که فرود آمده شده است بدان قرآن در حالیکه راه نای

لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا

آدمیان است و نشانهای روشن است از آنچه راه ناست بپوی حق و جدا کننده حق از باطل

شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّعَ وَانْقَضَتْ اَيَّامُهُ وَلِيَاكِلِهٖ

ماه رمضان که تصدع یافته و بپایان رسیده روزهای آن و شبهای آن

مکمل است

قَبُولِكَ وَتَجَاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ عَفْرَانِكَ

پذیرفتن خود و تجاوز خود و عفو خود و در گذشتن خود و ابرامش خود

وَحَقِيقَةُ رِضْوَانِكَ حَتَّى تَطْفِرَ نَافِثَةً بِكُلِّ خَيْرٍ

و خوشنودیهای ثابت خود تا آنکه فیروزی دهمی مارا در هر نیکی

مِظْلُونٍ وَجَرِيلٍ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ وَتَوْمِنًا

که طلب کرده شود و عطای و آفری که بخشیده شود و اطمینان کردانی

فِيهِ مِنْ كُلِّ أَمْرِ مَوْهُوبٍ وَذَنْبٍ مَكْسُوبٍ

در آن از هر امری که ترسیده شود و گناهی که گسب کرده شود

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ أَجَلَ

خدا را جز تو نیست که بزرگی آنچه خواهم پرسیدم از تو بزرگ کرده و زمان کسی

مِنْ عِلْمِكَ مِنْ كَرَمِ نِعَمِ اسْمَائِكَ وَجَرِيلِ ثَنَائِكَ

از دانایی تو از بزرگوئی نامهای تو و از بزرگوئی ستایش تو

وَخَاصَّةً دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و به خصوص دعا تو را که نماز کنی بر محمد و آل محمد

وَإِنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا عَظِيمَ شَهْرِ مَصَانِ

و اگر بخواهی ماه ما را بزرگ کنی به بزرگوئی ماه صفا

مِنْ عِلْمِكَ مِنْ كَرَمِ نِعَمِ اسْمَائِكَ وَجَرِيلِ ثَنَائِكَ

از دانایی تو از بزرگوئی نامهای تو و از بزرگوئی ستایش تو

وَإِنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا عَظِيمَ شَهْرِ مَصَانِ

و اگر بخواهی ماه ما را بزرگ کنی به بزرگوئی ماه صفا

الْمُحَرَّرِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَصْحَابِ النَّاطِقِينَ

زادگان و پیران و فرستادگان و اندوختنیان

الْمُسْتَجِيبِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا

تقریب کنندگان مرا از همه عالمیان بر آنکه تحقق فرسایید

شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعَمِكَ وَعِنْدَ بَأْسٍ مِنْ

ماه رمضان و حال آنکه بر ماست از نعمتای تو و نزد است از

جَزِيلِ قِسْمِكَ وَإِحْسَانِكَ وَتَظَاهِرُ أُمِّيَّتُكَ

بخششهای دافرت و احسان تو و بی ادبی آمدن انعام تو

بِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّاضِي

با آنچه مرز است منتهای سپاس جاوید پرورست

الْمُحَلِّدِ الشَّرْمِ الدَّيْ لَا يَنْقُصُ حَوْلُكَ مِنْ جَمِيعِ

جاوید مانده همیشه که پایان نرود تا دور از عدت

ثَنَّا وَلَكَ أَعْنَتْنَا عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْتَ عَمَّا صَبَّأَ مَهْ

ستایش تو مدد کردی ما را بر ماه رمضان تا آنکه او کردی از ما روزه داشتن آنرا

وَقِيَّامَهُ مِنْ صَلَوةٍ وَمَا كَانَ مِثْلَ فِيهِ مِنْ سِرٍّ

و ایستادن آنرا بجهت نماندن و آنچه یافت شده از ما در آن مازنی

أَوْ مُتَكِرٍّ أَوْ ذِكْرٍ اللَّهُمَّ قَبِّضْهُ صِنًا بِأَحْسَنِ

یا سپاس گذاری یا ذکر خداوند پس بیدر آنرا از ما به نیکوترین

حَتَّىٰ تَبْلُغَنَا مِنْ قَابِلٍ عَلَىٰ أَحْسَنِ حَالٍ وَتَعْرِفُنِي

تا آنکه رسانی ما را این از سال آینده به نیکوترین حالتی و شناسایی این

هَلَاكُهُ مَعَ النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالتَّعَرِّفِينَ لَهُ فِي

هلاک آنرا با نظر کنندگان بسوی او و شناسندگان مرا آنرا

أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَأَتَمَّ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعَ رَحْمَتِكَ

بزرگترین عافیت خود و تمام ترین نعمت خود و فراگیرنده ترین رحمت خود

وَأَجْزَلَ قِسْمِكَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّي الَّذِي لَيْسَ لِي

و دافزترین قسمتهای خود خداوند ای پروردگار که نیست مرا

رَبِّكَ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هَذَا الْوَدَاعَ مِنِّي وَدَاعِ

پروردگاری غیر او نباشد ای صاحب از من وداع

فَنَاءٍ وَلَا آخِرَ الْوَفَاءِ مِنَ الْوَفَاءِ حَتَّىٰ تَرِيَنِي

نیستی خود آخر ملاقاتی از ملاقات من تا آنکه بنمای من آنرا

مِنْ قَابِلٍ فِي أَتَمِّ سَبْعِ النِّعَمِ وَأَفْضَلِ الرَّخَاءِ وَأَنَا

از سال آینده در تمام ترین نعمتها و بهترین فراخی و حال آنکه

لَكَ عَلَىٰ أَحْسَنِ الْوَفَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ

بوده باشم بر نیکوترین وفا ای پرستگرتو پذیرنده دعای خداوند

اسْمَعْ دُعَائِي وَإِنْ رَحِمْتَ صَرَعِي وَتَذَكَّرْ لِي لَكَ

پندیر دعای مرا و درم کن زاری مرا و پستی نمودن مرا بابتو

دِینِی وَخَلَّاهُ نَفْسِی وَفَضَّاحًا جَنِّی وَتَشَقَّقَنِی

دین من در ای نفس من در مگردن حاجت من دانکه بپذیری شفاعت

فِی مَسَائِلِی وَتَمَامِ النِّعَمَةِ عَلَیَّ وَصَرَفِ السُّوءِ

در سوالهای من و تمام شدن نعمت بر من و گرداگردن هر بدی

عَنِّی وَلِیَّاسِ الْعَافِیَةِ لِّی وَأَنْ تَجْعَلَ لِّی رَحْمَتَكَ

از من و پوشش عافیت مرا دانکه بگردانی مرا بر رحمت خود

مِنْ حُرَّتِ لَهُ کَلِیْلَةَ الْقَدَرِ وَجَعَلَتْهَا لَهُ خَیْرًا

آزادانکه روان ساخته برای ایشان شب قدر و گردانیدی آنرا برای او بهتر

مِنْ أَلْفِ شَهْرِ فِی أَكْثَرِ الْأَجْرِ وَكَرِّمِ الدَّخْلَ

از هزار ماه از بیشترین جزای و گردانی دخیل

وَطَوَّلِ الْعُمُرَ وَحَسِّنِ الشُّكْرَ وَدَوِّمْ الْبَسْرَ

و درازی عمر و نیک سپاس گردانی و همیشه نو نگری با آسانی

اللَّهُمَّ اسْمَلِكْ رَحْمَتَكَ وَطَوَّلِكَ وَعَفْوَكَ وَ

خداوند ا سوال میکنم ترا بسلامت رحمت تو و احسان تو و در گذشتن تو و

تَعَاوَنَكَ وَجَلَّالِكَ وَقَدِّمِ لِّی إِحْسَانَكَ وَامْتِنَانَكَ

نعمتهای تو و بزرگواری تو و دیرینه احسان تو و انعام تو

أَنْ تَجْعَلَ لِّی آخِرَ الْعَهْدِ مِثْلَ الشَّهْرِ مِنْ مَضَاتِ

انکه بگردانی آنرا آخر دیدن ما بر ماه رمضان

وَالِهَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعِي

ال او اگر رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مگردان و دواع نمودن

شَهْرَ مَصْبَانٍ وَدَاعٍ خَرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا

ماه رمضان را و دواع بیرون شدن من از دنیا و نه

وَدَاعٍ آخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا آخِرِ صَوْمِي لَكَ

و دواع آخر عبادت تو دران و نه آخر روزه رستن من برای تو

وَأَرْزُقْنِي الْعَوْمَ فِيهِ تَمَّ الْعَوْمُ فِيهِ تَمَّ الْعَوْمُ فِيهِ

و روزی کن مرا باده گشت دران پس از گشت دران پس باز گشت دران

بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَقَّعْنِي فِيهِ لِلْسَّلَاةِ

بر رحمت خود ای دوست کرده گان و تو بیق ده مرا دران برای سلامت

الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ كُلِّ شَهْرٍ رَبِّ

قدر و مگردان شب قدر را برای من بهتر از هر از

الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْجَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ

شب و روز و کوه و دریا و تارکها و روشنایها

وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّدُ يَا خَنَّانُ

و زمین و آسمان ای آفریدگار ای خدایت بخش ای بنایت هران

يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

ای بسیار بخشنده ای خدا ای بخشنده ای هران ای نازده ای ذات خود بود

وَأَسْتَكَانَتِي لَكَ وَتَوَكَّلْ عَلَىكَ وَأَنَا لَكَ مُسْلِمٌ

و فرود تنی را بجهت تو و اعتماد مرا بدو و من برای تو مسلمانم

لَا أَرْجُو نَجَاحًا وَلَا مُعَاوَاةً وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا

امید دارم رستگاری را و نه عافیت را و نه کرامتی را و نه

تَبْلِغًا إِلَّا بِكَ وَصَلْتُكَ فَأَمِّنْ عَلَى جَلِّ لَنَاوِكَ

برسانیدن را مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگ است تاثیر تو

وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِغِي شَهْرَ رَمَضَانَ

و پاک است نامهای تو برسانیدن من به ماه رمضان

وَأَنَا مُعَاوَاةٌ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَتَحْدُوسٍ وَمِنْ

و عاقلانم من عافیت بشیبه شعاع از بیخوشی و ترسیده شده و از

جَمِيعِ الْبُلَاقِ أَكْبَدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحَاطَنَا عَلَى صِيَامِهِ

همه بلق من سبب مرگم را که در او کرده ما را بر روزه داشتن

هَذَا الشَّهْرَ وَفِيَامِهِ حَتَّى بَلَّغْنَا آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ

این ماه و ایستادن در آن تا آنکه رسانید ما را به آخر شبی از آن

الْفَخْرَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ مَا دَعَيْتَ بِهِ

بر خفا یا بر سبک من در خواهم از تو بدست ترین چیزی که خوانده شدی بان

وَأَرْضِي مَا رَضَيْتَ عَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و راضی به هر چیزی که خوشنود شدی بان از محمد رحمت فرستاد خدا بر او

عَذَابِ النَّارِ الْخَرِيقِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

از عذاب آتش سوزان خداوند ابرودان در جلد آنچه علم میکنی

وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْظُومِ وَفِيمَا تَفْرِقُ مِنَ الْأَمْرِ

و اندازه میکنی از امر لازم گردیده و در آنچه جدا میکنی از امر

الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ

علم در شب قدر از آن علمی که بر گردانیده نشود

وَلَا يُبَدِّلُ وَلَا يَغَيِّرُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

و بدل کرده نشود و تغیر داده نشود آنکه نویسی مرا از حج کنندگان خانه

الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتُهُمْ مَشْكُورَةٌ سَعْيُهُمْ مَشْكُورٌ

محرّم خود که مقبول باشد حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان پاداش داده شود

ذَنبُهُمْ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ مَسِيئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

گناه ایشان مژگن کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه علم میکنی

وَتَقْدِرُ أَنْ تُطِيلَ فِي عَمْرِي وَأَنْ تُعَيِّقَ رَأْسِي

و تغذیری منی تا ایستد دراز کنی عمر مرا و آنکه آژاد کنی کردن مرا

مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از آتش ای بخشنایند نه بر بخشنایند کان ای خدا یا بدستگیر من از آتش

وَلَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُودًا وَكَرَمًا وَأَرْحَبَ

و سوال نکردند عباد مانند ترا از روی بخشش و بزرگواری و در غایت میکنم

يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ای نوید آورنده آسمانها و زمین در تراست نامهای نیک

وَالْأَمْثَالَ الْعُلْيَا وَالْكَثِيرَ الْكَثِيرَ وَالْأَلَاءَ أَسْأَلُكَ

و اما استانهای بلند و بزرگوار و نعمتها در سخواهم از تو

يَا سَمِيعُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

نام تو بنام خدای بخشنده مهربان آنکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ السَّيْلَةِ

محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب

فِي السَّعْيِ سِدَاءٍ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ

در دیوان نیک بخان در روح مرا با شهیدان

إِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَعْقُولَةً وَأَنْ

بخشش مرا در علیین و بپوی مرا آرزیده و آنکه

تَهَبَ لِي يَوْمَئِذٍ ثَابِتًا بِشَرِّهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوْبُهُ

بخشی مرا یقین که مباشرت کن دل مرا و ایمانی که نیابزد آزا

شَكٍّ وَغَيْرَ ضَائِعٍ قَسَمْتُ لِي وَأَنْ تُؤَيِّتَنِي فِي

شکی و خشنودی با نچه قسمت کردی برای من و آنکه بدی مرا در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَأَنْ تَقِيَّتَنِي

این جهان نیک و در آن جهان نیک و آنکه نگاهداری

وَأَسْرِعْهَا لَدَيْكَ إِجَابَةً وَيَا سَمِيعَ الْمَكْنُونِ الْخُجُونِ

وَشَقْدَاءُ بَدْرَتَرِينَ أَنَّهُمْ تَوَارِدِي أَجَابَتِ وَبَنَامُ تَوَكُّرِ بَرَشِيدِهِ بَهَانِ دَاشْتَنده

الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْكَبِيرِ الْكَجَلِ الَّذِي لِحَبِّهِ وَتَهْوَاهُ

زنده بایده بزرگتر بزرگوارتر است آن نامیکه دست میداری او را بزرگوار

وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَلَسْتَ حَبِيبَ لَهُ دُعَاؤُهُ

وَشَنُودِ مِکَرِ دِی سَبِیْبِ او اَز اَلْکِه خَوَانْدَتَر اَبَانِ و مِی پِذِیْرِی بِجِئِه او دُعَا ی او را

وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَ سَأَلُكَ وَأَسْأَلُكَ

وَلَا زَمَّ اسْتِ بَرْتُو اَلْکِه نَا اَمِیْد کُرد اَن سَوَالِ کُنِیْنْدِه سَوَالِ خُور اَو مِخْوَ اَن تَر

بِكُلِّ اسْمٍ هَوَّلَتْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

بِخِزْمَتِ بَر نَاسِیْکِه اَو بَر اِی تَسْتِ دَر تَوْرِیْمِ و اِنْجِیْلِ و زَبُورِ

وَالْفَرْقَانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ

وَفَرْقَانِ و بَر نَاسِیْکِه خَوَانْدِه اَنْد تَر اَبَانِ بَر دَارِند کُلانِ عَرْشِ تُو

وَمَلَائِكَةُ سَمَوَاتِكَ وَجَمِيعِ الْأَصْنَافِ مِنْ

وَفَرِشْتَاگانِ آسَا نَهَا بَرْتُو و بِه اِشْاامِ اَز

خَلْقِكَ مِنْ بَنِي آدَمَ وَبَنِي نُوْهِ وَشَهِيدٍ وَبِحَقِّ

خَلْقِ تُو اَز بَنِیْرِی بَارِ اسْتِ کُویِ شَهِیْدِی و بِحَقِّ

الرَّاعِغِينَ إِلَيْكَ الْفَرَقَيْنِ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ

رِغْبَتِ کُنِیْنْدِگانِ بَسُو تُو ز سَنَا نَا کَانَ اَز تُو پَنَاهِ کِیْرَنْدِگانِ

إِلَيْكَ وَلَمْ يَرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ أَنْتَ مُوَضِعٌ

بسی تو در رغبت کرده نشد و بسوی مانند تو تو محل

مَسْئَلَةُ السَّائِلِينَ وَمُخْتَصِي رَعْبَةِ الرَّاغِبِينَ

سوال سوال کنندگان و مختصای رغبت راغبان که سبب

أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمَ الْمَسَائِلِ كُلِّهَا وَأَقْضِلُهَا وَ

سوال میکنم از تو بزرگترین سوال همه آنها و بهترین آنها و

أَجْجَهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ أَنْ يَسْأَلَكَ بِهَا

روان شده ترین آنها که سزاوارست مریدان را آنکه سوال کنند از تو بآنها

يَا اللَّهُ يَا رَجْمُ وَيَا سَمَاءَكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَ

ای خدا ای بختابنده و بناهای تو آنچه دانستم از آنها و

مَا لَمْ أَعْلَمْ مِنْ سَمَاءِكَ الْحُسْنَى وَأَمَّا لَكَ الْعُلَمَاءُ

آنچه دانستم و بناهای نیک تو و اما استادانهای بلند تو

وَيَبْعِيكَ الَّتِي لَا تَحْصَى وَيَا كَرَمَ سَمَاءِكَ عَلَيْكَ

و بفرستی که شمرده نشود و بکرامت ترین نامهای تو بر تو

وَأَجْجَهَا إِلَيْكَ وَأَشْرَفَهَا عِنْدَكَ مَنَزِلَةً وَ

و در دست داشته ترین آنها بسوی تو و بلندترین آنها نزد تو و از روی مرتبه و

أَقْرَبَهَا مِنْكَ وَسَبِيلَةً وَأَجْزَلَهَا مِنْكَ تَوَابًا

نزدیکترین آنها از روی و سبیل و در از نزدیکترین آنها نزد تو از روی پاداش

خَائِفًا بَأْسًا فَقِيرًا مُسْتَجِيرًا بِكَ أَسْأَلُكَ

بلکه باشد ترسان محتاج در پیش زهار جو بنده بتو سوال میکنم از تو

بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ

بارجمندی تو و بزرگی تو و غلبه تو و سلطنت تو

وَبِمُلْكِكَ وَبِهَيْأَتِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَ

دبادشاهی تو و نیکویتی تو و بخشش تو و بزرگواری تو و

بِأَلْوَانِكَ وَحُسْنِكَ وَجَمَالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلَى

بشمنهای تو و خوبی تو و نیکویی تو و بزرگانای تو

مَا أَرَدْتُ مِنْ خَلْقِكَ أَذْخُولُكَ فِيهِ

آنچه آمده است از مخلوقان خود میخواهم ترا در آن

خَوْفًا وَطَمَعًا وَرَهْبَةً وَتَعْجَبَةً وَتَخَشُّعًا وَ

از روی بیم و امید و ترس و خواش و ذر و شکی و

وَتَمَلُّقًا وَتَضَرُّعًا وَتَحَاقًا وَتَحَاقًا خَاضِعًا لَكَ

دوستی و زاری نمودن و مبالغه نمودن و الحاح کردن حال آنکه فروتنی کننده ام برایت

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَلْتُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

نیست عزادار پرستش جز تو حال آنکه یگانه نیست اینها زبانی برایت تو

يَا قَدُّوسٌ يَا قَدُّوسٌ يَا قَدُّوسٌ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

ای بجایت پاک ای بجایت پاک ای بجایت پاک ای خدا ای خدا

لَكَ وَيُحَقِّقُ مَجَاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا

بزرگ و بحق همسایگان خانه محترم تو حال آنکه به هیچ کس از

و مُبْعِثِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمَجَاهِدِينَ فِي

دوره کد زمان و تشریف کنندگان و کارزار نمایندگان در

سَبِيلِكَ وَيُحَقِّقُ كُلَّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ

راه رضای تو و بحق هر بنده پرستنده مرترا

فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ

در خشک یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا مانند خواندن

مَنْ قَدْ اَشْتَدَّتْ فَاَقْتَهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ

کسی که بخیق شد اشتیاق او بسیار باشد گناهان او تو

عَظُمَ حِرْمَتُهُ وَصَغُفَتْ كَذْحَةُ دُعَاءِ مَنْ لَا

بزرگ باشد جایگاه او و سست باشد کوشش او دعای کسی که

يُحَدِّدُ لِنَفْسِهِ سَادًّا وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا

یابد بجهت نفس خود باز دارنده و نه بجهت ناتوانائی خود قوت دهنده و نه

لِذَنْبِهِ عَاقِرًا غَنَوَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّدًا

بجهت گناه خود امرزنده و غیبه تو حال آنکه گریزان باشد بسوی تو پناه گیرنده باشد

بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُشْتَكِرٍ وَلَا مُسْتَكِلِفٍ

بتو و عبادت کننده باشد مرترا نه گردکش و نه تنگ دارنده

وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَقَرٍ مِمَّا مَضَىٰ وَصَلِّ عَلَىٰكَ وَ

وگردان آخر ماه رمضان که روزه داشته ام انرا برایت

عَبْدُكَ فِيهِ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعِي لَنَا لَا وَدَاعِ

عبادت کردم ترا در آن و گردان وداع کردن من آنرا و طوع

خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنْ

بیرون شدن من از دنیا خداوند اوجب کن برای من از

رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَخَشْيَتِكَ

بخشش خود و آمرزشش خود و خشنودیش خود و ترس از خود

أَفْضَلُ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبْدِكَ فِيهِ

بهر از آنچه بخشیدی یکی از آنها که بدستند ترا در آن

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي آخِرَ مَنْ سَأَلَكَ فِيهِ

خداوندا نگردان مرا از بندگان از کسی که سوال کرده اند ترا در آن

وَجْعَلَنِي مِمَّنْ أَعْتَقَنَّهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّاسِ

و گردان مرا از آنانکه از او کرده اند در این ماه از آن

وَعَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ

و آمرزیدی برای او آنچه را که پیش از او شده باشد از گناه و آنچه پس از او

أَوْجِبْتَ لَهُ أَفْضَلُ مَا رَجَاكَ وَأَمْلَ مِنْكَ

واجب ساختی برای او بهترین آنچه امید داشت ترا و امید داشت از تو

اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ

ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان

يَا رَحِيْمُ يَا رَحِيْمُ يَا رَحِيْمُ يَا رَحِيْمُ يَا رَحِيْمُ

ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای مهربان

اَعُوْذُ بِكَ يَا اَللّٰهُ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الْقَدُّ الْوَهْدُ

من پناه بگیرم بنوای خدای یگانه یکتا پاک ز همه آلائشهایی مانند

الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعَالِ وَاَسْئَلُكَ بِجَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ

بزرگوار بلند مرتبه و در سخواهم از تو بهیچ آنچه خواندم من ترا

بِهٖ وَاسْمَائِكَ الَّتِي تَمْلَأُ لَكَ كَانُكَ كُلَّهَا اِنْ

بآن و بمرست نامهای تو که بر می کنند اطراف ملک ترا همه آنها را آنکه

تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ وَارْحَمْنِيْ

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناه مرا درم کن مرا

وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ وَتَقَبَّلْ مِنِّيْ

و گشایش ده بر من از بخشش خود که بزرگ است و بپذیر از من

شَهْرَ رَمَضَانَ اَصِيَامَهُ وَصِيَامَهُ وَفِرْضَهُ

ماه رمضان را و روزه آنرا و نماز آنرا و واجب آنرا

وَتَوَاوَلَهُ وَاعْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَاعْفُ عَنِّيْ

و پیوسته آنرا و بیامرز مرا درم کن مرا و درکنده از من

وَلَا عِزًّا إِلَّا شَفِيتَهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا

در برهلی را مگر آنکه پوستانی او را که بجاری را مگر آنکه شفا بخششی او را و نه

دَاعًا إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ خَوَائِجِ الدُّنْيَا

در وی را مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی را از حاجتهای این جهان

وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا عَلَى أَفْضَلِ أَمَلٍ وَرَجَائٍ

و آنچه بخواهد مگر آنکه و آنی آنرا بر بهترین آرد وی من و امید من

فَبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُ لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ

و تو ای بخشنده ترین بخشنندگان بر خدا یا میهمان الهای عالم پس

إِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تَلْبِسْ بَيْنَنَا إِفْكَارًا إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

از آنکه راه نمودی ما را و غم از کس از آنکه از بیندازد میان ما را و نه

تَضَعُ بَعْدَ إِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تَهْجُرْ بَعْدَ إِذْ كَرَّمْتَنَا

پست کن ما را پس از آنکه بلند کردی ما را و ذلیل مگردان پس از آنکه گرامی داشتی ما را

وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ إِذْ أَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْ بَعْدَ إِذْ

و نیاز مده کن ما را پس از آنکه مده نیاز کردی ما را و ممانع کن ما را پس از آنکه

أَخْطَيْنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تَغْيِرْنَا

خوشنمودی ما را و نا امید کن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده ما را

شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَإِحْسَانِكَ إِلَيْنَا الشَّيْءُ

چیز جز از نعمتهای خود را ما را و احسان خود را بسوی ما بجهت چیزی دیگر

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ

ای بخشاینده ترین بخشاینده گان خداوند ارزوی کن مرا بازگردیدن

فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي

در روزه داشتن آن برای تو عبادت تو در آن و بگردان مرا

مِمَّنْ كُتِبَتْ لَهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

از آنکه نوشته شده است او را در این ماه از حج کسندگان خانه

الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتُهُمْ مَغْفُورٌ لَهُمْ ذُنُوبُهُمْ

محترم خود که مقبول باشد حج ایشان آمرزیده شده باشد برای ایشان گناهان

الْمُسْتَبَلِّ عَلَيْهِمْ آمِينَ آمِينَ آمِينَ آمِينَ آمِينَ

بزرگوار شود برای ایشان بزرگوار ایشان بپذیرد بپذیرای برورد کار جهانیان

لِللَّهِمَّ لَا تَتَّبِعْ لِي فِيهِ ذَنْبًا إِلَّا عَفَرْتَهُ وَلَا

خداوند و بگردان برای من در آن گناهی را مگر آنکه بپایزی آنرا و نه

حَظِيئَةً إِلَّا مَحْوَتْهَا وَلَا عَثْرَةً إِلَّا أَقْلَتْهَا

خطای را مگر آنکه در ایل کنی آنرا و لغزشی را مگر آنکه در گذری از آن

وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَطَعْتَهُ وَلَا عَيْلَةً إِلَّا أَغْنَيْتَهَا

و نه قرضی را مگر آنکه او را کنی آنرا و نه نیازمندی را مگر آنکه نیازی گردانی آنرا

وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا فَاقَةً إِلَّا سَدَدْتُهَا

و نه اندوهی را مگر آنکه بکنای آنرا و نه راه حاجتی را مگر آنکه ببندی آنرا

وَلَا عَزِيًّا إِلَّا كَسْبُهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفِيَّتُهُ وَلَا

در برهلی را مگر آنکه بپوشانی او را که بیماری را مگر آنکه شفا بخشد او را و نه

دَاعًا إِلَّا أَذْهَبَتْهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ خَوَائِجِ الدُّنْيَا

دردی را مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی را از حاجتهای این جهان

وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا عَلَى أَفْضَلِ أَمَلٍ وَدَجَائِلِ

و این جهان مگر آنکه روانگی آنرا بر بهترین آرزوی من و داجیل من

فِيكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْ قُلُوبَنَا نَعْدَ

روزی ای بخشنده ترین بخشنندگان بخشدایا سعادتی الهی را

إِذَا هَدَيْتَنَا نَعْدَ إِذَا خَرَجْنَا وَلَا

از آنکه ما را همدردی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه ما را

نَضَعْنَا بَعْدَ إِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تَهِنَّا بَعْدَ إِذْ كَرَّمْتَنَا

بس مکن ما را پس از آنکه بلند کردی ما را و ذلیل مگردان پس از آنکه کرامتی دادی

وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ إِذْ أَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ إِذْ

و نیاز مده مکن ما را پس از آنکه سبے نیاز کردی ما را منع مکن ما را پس از آنکه

أَخْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تَغْيِرْنَا

بخشش نمودی ما را و نا امید مکن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را و تغیر مده ما را

شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَارْحَسَانِكَ الْيَا لَشَيْءٍ

چیز از نعمتهای خود ما را و احسان خود را بسوی ما بگمیزد

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْقَوَدَ

ای بخشاینده ترین بخشاینده گان خداوند ارزوی کن مرا بازگردیدن

فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي

در روز و روزه آن برای تو عبادت تو در آن و بگردان مرا

مِنْ كَثْبَتِكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

تا آنکه دوستی او را در این ماه از حج کثنته گان خانه

الْحَرَامِ الْمُبْرُورِ حُجَّتُهُمُ الْمَغْفُورُ لَهُمْ ذُنُوبُهُمْ

محرم خود که مغفول باشد حج ایشان آمرزیده شده باشد برای ایشان گناهان

الْمُسْتَبَلِ عَلَيْهِمْ آمِينَ آمِينَ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بر روی شود برای ایشان گناهان پذیرند بپوشد بپذیرای برورد و گناهان

لَا تَقْبَلْ مِنِّي حُجَّةً وَلَا نَبَأَ إِلَّا غَفْرَةً وَلَا

نپذیرد از من حج و خبری را مگر آنکه بیامرزی آنرا و نه

حُجَّتِي إِلَّا حَقْوَتَهَا وَلَا عَثْرَةً إِلَّا أَقْلَتَهَا

خطای مرا مگر آنکه را ابل کنی آنرا و لغزش مرا مگر آنکه در گذری از آن

وَلَا دِينَ إِلَّا قَطِيبَةً وَلَا عَيْلَةً إِلَّا أَغْنَيْتَهَا

و نه دینی را مگر آنکه او را کفی آنرا و نه نیازمندی را مگر آنکه نیازی گردانی آنرا

وَلَا هَمًّا إِلَّا مَرَجَّتْهُ وَلَا فَاقَةَ إِلَّا سَدَّدْتُهَا

و نه دغدغه ای را مگر آنکه بکنای آنرا و نه راه حاجتی را مگر آنکه بپوشی آنرا

كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ وَشَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ

هر نزدیک را یا دور را بشوهر خرد را یا بزرگ را

وَشَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ أَحَدُنَا صِيتُهُ إِنْ سَرَقَ

و شر هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر او را بدستگیر کرد و کارش

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي

بر راه راسته است خداوند آنچه بود در دل من

مِنْ شَيْءٍ أَفْعَرِيَّةٍ أَوْ مَجْجُودٍ أَوْ قَنُوطٍ أَوْ قَرِيْبٍ

از شک یا از پست یا از انکار یا از امید یا از ناامیدی

أَوْ مَسْخٍ أَوْ بَطْرِ أَوْ بَدْحٍ أَوْ حِيلَةٍ أَوْ سِيَاءٍ أَوْ

از نادانی یا از جرات یا از کردن کسی یا از کینه یا از بدی یا از چاره یا از بدی یا از بدی یا از بدی

شَيْءٍ أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ شَوْقٍ

سوء یا بد بختی یا دوروی یا ناسپاسی یا ناسپاسی یا شوق

أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ شَيْءٍ لَا يُحِبُّ عَلَيْهِ وَثِيْلَكَ

یا عصیان یا چیزی که دوست نداری بر آن دوستی را برای خود

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

پس سوال میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه

تُخَوِّلَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَ لِي مَكَانَهُ إِيْمَانًا بِوَعْدِكَ

محو کنی از دلم و بدلی برای من گاهش را به ایمان به وعده تو

كَانَ مِنْ دُئُونِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنْ مَنَاقَاتِ

یافت شده از کائنات ما و نه بجهت آنچه یافت شود از ما زیرا که تحقیق

فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةٌ لِعُفْوَةٍ

در بزرگواری تو و در کدستی تو و فضل تو هست کثافتی بجهت امرش

دُئُونِنَا فَأَعْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُقَابِقْنَا

کائنات ما پس بیا مر ما را و در کد از ما و عفویت بکن ما را

عَلَيْهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَكْرِمْ مَجْلِسِي فِي

برگزار ای بخشنده ترین بخشنندگان خداوند کرامی ابرار

مَجْلِسِي هَذَا كِرَامَةً لَا تَقْبَلُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا

مجلس من این مجلس کرامی و استی که خوار نگردانی مرا پس از آن هرگز

وَأَعِزَّنِي فِيهِ لَا تَدِلَّنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَعَافِي عَافِيَةٍ

و بزرگی بخش مرا بزرگی که خوار نگردانی مرا پس از آن هرگز و تندرستی بده مرا تندرستی

لَا تَسْتَلِينِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَأَسْرِقْنِي بِرَقْعَةٍ لَا

که بپوشانم مرا بعد از آن هرگز و بپوش مرا به پند بیک

تَضَعْنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ

بست خدای مرا پس از آن هرگز و بگردان از من گزند هر

شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرِّ

شیطان سرکش را و شر هر متکبر ستمگری را و شر

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ الْآخِرَ الْعَهْدِ مِنْ ذِيَا مَنَايَا فَإِنْ

بار خدا یا مکردان آخر عهده ای از روزه داشتن با آنرا پس اگر

جَعَلْتَهُ نَأْبَجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا

کردانیده باشی آنرا پس مکردان را بخشیده شده و مکردان را نا امید

زیرا که هر که این دعا را درین روز بخواند بکلی از دو خصلت نیکو طفره یابد

یا برسدن ناله و بیخوشان آید و یا با مرزش خدا و رحمت بی انتها

و بسند معتبر است بحیرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب

آخر ماه رمضان این دعا بخواند

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ الْآخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ

بار خدا یا مکردان آخر رسیدن از روزه داشتن من مرا در رمضان

وَأَعُوْذُ بِكَ أَنْ يَطْلُعَ فُجْرُهُ هَذِهِ اللَّيْلَةُ وَلَا وَقَدْ

و پناه میگیرم بنو از آنکه طلوع کند صبح این شب مگر آنکه تحقیق

عَفَرْتُ لِي هَذَا حَقَّ تَعَالَى پُشِش از طلوع صبح با و را نا به مرز و او را

آمرزیده باشی مرا ۵ توبه و امانت روزی کند و ایضا سنت است که این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَحْسَنِ مَا دَعَيْتَ بِهِ وَارْضَى

خداوند ابر مستیکم سوال میکنم از توبه و رستگاری بهترین آنچه خوانده شدی من

مَا بِرَضِيَّتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

آنچه که خوشتر شدی بپسند آن از محمد و از خانواده محمد

بر او

وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَقَارًا بِعِزِّكَ وَوَجَلًا

و خشنود و پیرایه حکم تو و وفاداری به بزرگویت تو و ترسیدن

مِنْكَ وَبِرَّ هَذَا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ

از تو و پیری در دنیای تو و رغبت در آنچه نزد است

وَرِغَةً بِكَ وَطَائِعَةً لِّكَ وَتَوَكُّلاً نَصُوحًا

و اعتماد به تو و اطاعت بر تو و توسل و نصیحت

إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ بَلَّغْتَ إِلَهُكَ الْآخِرَ

بسمی تو بار خدا یا اگر بوده باشی که رسانیده آیت ما را بآن پس بجز

عَنَّا أَجَا لَنَا إِلَى قَابِلٍ حَتَّى تَبْلُغَنَا فِي لَيْسَ

از ما اجل ای ما تا سال آینده تا آنکه برسانی ما را بآن فراخی

مِنْكَ وَعَافِيَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى

که از تو باشد و عافیتی ای بخشنده ترین بخشنندگان در رحمت تو است

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا وَسَرَّحَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتٌ

خدا بر محمد و آل او رحمت بسیار در رحمت خدا و برکتهای او

و در جمعه آخر نیز و داع جمعه یا بدیست و از جایزین عبد الله تعالی

منقول است که گفت رفتم بخدایت رسول در جمعه آخر ماه رمضان چون

نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه است از ماه رمضان

پس و داع کن و را و بگو

تا بهشت نفع و زیاده و کم و تنب آحر ماه رمضان آزاد می نمود و میفرمود
 که شما را آزاد کردم و میفرمود که خدا و مدد و جیم از تقصیرات من درگذرد و مرا
 از عذاب جهنم آزاد کرد و اندک چون روز عید میشد جایزهای عظیم بایشان
 می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سوال کردن از مردم و تکلیف
 که حق تعالی در هر شب ماه مبارک رمضان در هنگام افطار مفاد هزار
 کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر
 مثل آنچه در بیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هج غلامی
 و کتبر برآید و از یک سال خدمت نفرمود و در روز عید در عرفات نیز
 غلامی خود را آزاد کرد و میفرمود و ای حق و بار شده است که سنت است

که در شب آخر سوره انعام و کهف و بقره بخواند و صد مرتبه بگوید
 اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ * **فصل هفتم**

در باب آنکه شش بیکم از خدا و رجوع بیکم بسوی او

در دعای مخصوص و به آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که آنحضرت در هر شب از شعبهای

در به آخر این دعای خوانند **اَللّهُمَّ اَنْتَ قُلْتَ فِي**

بار خدا یا بگو سبکه تو گفتی

كِتَابُكَ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

کتاب خود که این ماه رمضان است که فرو فرستاده شده دآن قرآن

وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تَصِلَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلَا

و بر ایشان باد درود آنکه رحمت بفرستی بر و مبرایشان و

تَجْعَلَ وَدَاعَ شَهْرِي هَذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنْ

نکردن وداع ماه مرا این ماه تو وداع ببردن شدن من از

الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ أُخْرَى عِبَادَتِكَ وَوَقْفِي فِيهِ

دنیا و نه وداع آخر عبادت کردن تو ایستادن من در آن

لِللَّيْلَةِ الْقَدِيرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ

برای در یافتن شب قدر و بگردان آنرا برای من بهتر از هزار ماه

مَعَ تَصَاعُفِ الْأَجْرِ وَالْحَايَةِ وَالْعَفْوِ

با مضعف شدن مزد و اجابت کردن و در گذشتن

لِلذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ

ببخشند منی پروردگار

و اگر چه چاره آنست که در شب آخر آزاد کردن بنده است

و نه آنکه شخصی است که حق تعالی بنده را بی بسیار از آتش جهنم آزاد

می کند هرگاه بنده ضعیف فرماید بندگان را از قید رقبت آزاد کند

ایمید است که خداوند قادر بی زوال با آن وقت و کمال و در آنوقت

آنکه که را بگذرد نام او را از جزای عاصیان محو نماید چنانچه مقول است که

عبد الله بن عباس بن علی السلام بنده را بیکه در عرض سالی تحصیل نموده

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقُتَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

محمد و آل محمد و آل محمد را کنی کردن در از انش
وَتَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تَقْضِلَ عَلَيَّ

و در آوری مرا در بهشت بر رحمت خود و آنکه بخشش نمایی بر من

يَا لَا مِنْ يَوْمِ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوٍّ أَوْ أَخَذَتْهُ

ایمنی در روز بترس از هر ترسی گزاده کرده آنرا

لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَاسِي لِيَوْمِ

برای روز رستاخیز خدای من و پناه میگیرم بذات بزرگوار تو

بِحَبْلِكَ الْعَظِيمِ أَنْ يَقْضِيَ آيَاتُكَ شَهْرِي مُبَارَكًا

بر بزرگوار تو از آنکه سیلابان رسد روزهای ماه رمضان

وَلِيَاكُمُ وَلِلَّهِ قَبْلِي تَبِعَهُ أَوْ ذَنْبُكَ تَوَّأَخِدْنِي

و ششهای آن در مالک بوده باشد برای تو نزد من و بانی و گنبدی که بر او آمده است

بِهِ أَوْ خَطِيئَةٍ تُرِيدُ أَنْ تَقْضِيَهَا مِنِّي بِمُسْلَمٍ

بان یا خطای که اراده کنی آنکه قضا من کنی از من

تَعْلَمُ هَالِي سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

آفریده باشی از برای من ای آقای من ای آقای من ای آقای من

أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سوال میکنم از تو ای آنکه نیست خدای مگر تو زیرا که نیست خدای مگر تو

هَدَى لِلنَّاسِ وَبَيَّنَّا مِنْهُ الْهُدَى الْقُرْآنَ

حق از اهل

مال آنکه ماه نای آرد بیان است و آیه های در این جهت از آنجور راه ناهست چه

قَعَطْتَ حَرَمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ يَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ

پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان بسبب آنکه فرود ستادی در آن

الْقُرْآنَ وَخَصَّصْتَ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا

قرآن را و مخصوص کردی آنرا شب قدر و گردانیدی آنرا

خَيْرَ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيُّهَا الشَّهِيرُ

بهر از هزار ماه بار خدایا و این روزی ماه

رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ وَلَيْتَ لِي قَدْ تَحَرَّيْتُ

رمضان تحقیق پایان رسیده و شبهای آن تحقیق مقطع شد

وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلَهِي مِنْهُ إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي

و تحقیق گردیدم ای خدای من از آن بسوی آنچه دانای تری بآن از من

وَأَخَصَّ لِعَدْوَةٍ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ فَأَسْأَلُكَ

و ضبط نمایند تری دشمنان آنرا از همه افریدگان پس سوال میکنم از تو

يَا سَأَلْتُكَ يَا مَلَكُكَ الْمُقَرَّبُونَ أَنْبَاءُ وَلَكَ

یا آنچه سوال کرده بیا بآن فرستگاران مقرب تو و پیغمبران

الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّامِحُونَ أَنْ تَصَلِّيَ

پس تو و بندگان شایسته تو آنکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيْهِمْ

محمد و آل محمد چنانچه تو سزاوار آئی رحمت بفرستی بر ایشان

اجْمَعِينَ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَكَوَلَا تَفْعَلْ بِي

همه وکن با من آنچه تو سزاوار آئی وکن با من

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَبَسَنَدٍ مَعْتَبَرٍ أَنْ تُخَضِّرْتَ عَلَيْهِ السَّلَامَ تَقُولُ

آنچه من سزاوار آنم که در هر شب دهه آخر این دعا را بخوانند

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي

پناه می برم بزرگواری ذات بزرگوار تو از اینکه ببرد از من

شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَتَقِي

ماه رمضان یا طلوع کند صبح از شب من این شب یا تا

لَكَ عِنْدِي تَبِعَهُ أَوْ ذَنْبُكَ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

برای تو نزد من وپای با گناهای که عذاب کنی مرا بان در آن روز که ملاقات کنم

وَبَسَنَدٍ مَعْتَبَرٍ أَنْ تُخَضِّرْتَ عَلَيْهِ السَّلَامَ تَقُولُ

و بسند های معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت

علیه السلام وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل

است در این فصل ایراد نمودیم دعای شب بیت و یکم

يَا مُوَيْجُ الْكَلْبِ فِي النَّهَارِ يَا مُوَيْجُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ

ای در آورنده شب در روز و ای در آورنده روز در شب

ان كنت رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ فَانْزِدْ

که بوده باشی که خشنود گشته باشی از من در این بزم ماه پس افزون کن

قَتِّي رِضًا وَانْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي فَمِنْ

دشمنودی خود را از من و اگر نبوده باشی که خشنود گشته باشی از من پس

اَلَا يَنْ قَاتِرُضَ عَنِّي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اَللّٰهُ

ایک خشنود دشمن از من ای بخشنایند ترین بخشنایندگان ای خدا

يَا اَحَدٌ يَا صَدَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ

ای یگانه ای پناه نیازمندان ای آنکه نزاده و زائیده نشده و نیست

لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَبِئْسَ مَا كَفَبْتُمْ يَوْمَئِذٍ

برای او مانند هیچکس ای مردم سازنده

لَحْدِيدٍ لِّدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا كَاشِفَ

آهن برای داود بر او باد برود ای دفع مایه

الصُّرُوفِ وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ عَنْ اَيُّوبَ عَلَيْهِ

بد حال و اندوه های بزرگ از ایوب بر او باد

السَّلَامُ اَيُّ مَقْجَجٍ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

درود ای زایل کننده اندوه یعقوب بر او باد سعاد

اَيُّ مُنْقِصٍ غَمِّ يُوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ

ای کشاینده غم یوسف بر او باد سلام رحمت بر

يَا أَيُّهَا هَيْبُ الشَّكِّ عَنِّي وَتَرْضِيئِي بِمَا قَسَمْتُ لِي

دایمانی که به برادر شک از من و اینکه خوشنود سازی در آنچه قسمت کرده باشم

وَأَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ

و در دنیا و در آخرت

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَنْزِلْ رِزْقِي فِيهَا ذِكْرَكَ

و نگاهدار ما از عذاب آتش سوزان و روزی کن را در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

و سباسب گذاری خود و رغبت بسوی خود و بازگشت و توبه

وَالْتَوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ

و توفیق برای چیزی که تو مقین دادی برای محمد و آل محمد برادر

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دُعَايَ شَبِّمَتْ دُرُومَ يَاسَ لَحْ

بر ایشان باد درود ای بارگنده

الْبُكَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَتُبْخِرِي

روز از شب پس ناکهان ما در تاریکی و در آیم دای روان سازنده

الْشَّمْسُ لِيَسْتَقِرَّهَا يَتَّقِدِيرُكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَ

آفتاب تا بجا نیاید قرارگاه است با اندازه کردن بخود ای غالب ای دانای

مُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ

تقدیر کننده حرکت ماه در منزلهای معلوم تا آنکه گردد در آخر منازل مانند شاخ خرما

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

وای بیرون در آورنده زنده ها از مرده و اسی بیرون آورنده مرده از زنده

يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللَّهُ

ای روزی دهنده هر که خواهی بی شمار ای خدا

يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

ای بخشننده ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا ای خدا

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَشْهَلُكَ

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ أَسْمِي فِي

آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی نام مرا در

هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ

این شب در دیدان نیکو بختان در روح مرا

الشُّهَدَاءِ وَإِخْسَانِي فِي عِلِّيَّيْنِ وَإِسَاءَ عِيَالِي

شهادت و نیکوکاری مرا در علین و بدکرداری مرا

مَغْفُورَةٍ وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَا شَرِيكَ قَلْبِي وَ

آمرزیده و آنکه بخشش مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و

يَا قَسَمْتَ لِي وَإِنِّي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَبِ

بانه بهره داده مرا و بده مرا در انجهان نیکی
الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ الْجَحِيمِ وَانزِلْ

انجهان نیکی و نکاه را مرا از عذاب آتش سوزان و درونی کن مرا
فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ الْإِلَهِيَّةَ

در این شب یاد کردن خود و سپاس گذاری و خواهش بسوی خود و بازگشت
وَالنُّوبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَعَتْ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

و توفیق برای انجه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را
عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ و عای شب بست و سیم

بر احوال و بر ایشان اود و درود
يَا رَبِّ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَجَاءَ عَلَيْهَا خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرِ

ای خداوند شب قدر و گرداننده آن بهتر از هزار ماه
وَرَبِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْخَارِ وَالظُّلَمِ

و پروردگار شب و روز و کوه ها و دریا ها و تاریکیها
وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ

درویشینها و زمین و آسمان ای آفریدگار ای نگارنده
يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا آدَمُ يَا بَقِيَّةَ

ای مهربان ای بخشننده ای خدا ای بخشننده ای خدا ای بمانده

الْقَدِيرِ يَا نَوْرُ كُلِّ نَوْرٍ وَمَنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَ

ویشه ای نور هر نور و منتهی هر خواهش
وَلِيَّ كُلِّ نِعَةٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ

حدا و مدبر نعمت ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پاک
يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا قَرْدُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ

ای یگانه ای یگانه ای یگانه ای خدا ای خدا ای خدا مرز است
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْإِمْتِنَانُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ

نامهای نیک و استانهای بلند و بزرگواری
وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ

و نعمتها درخواهم از تو رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او
وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ السَّيِّئَةِ فِي السَّعْدَاءِ

و آنکه بگردانی نام مرا در این شب از زمره نیک بخشان
وَمُرُوحِي مَعَ الشَّهْدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ

و روح مرا با شهبان و نیکوئی مرا در علیین
وَأَسْأَلُكَ مَغْفِرَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا ثَابِتًا

و بوی مرا آمرزیده و آنکه به بخشش مرا یقینی که مباد نکند
بِهِ قَلْبِي وَإِنَّمَا يَذْهَبُ السَّكَّ عَنِّي وَتَرْضَى بِي

دل مرا و ایمانی که به شک را از من و آنکه خشم و سازمی را

وَشَكَرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِثَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

وَسُبَّاسِ كَذاری خود در غیبت نمودن بسوی جناب خود و بازگشت

وَالْوَفِيقَ لِمَا وَقَعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد و رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دَعَايَ شَبَّ بَسْتِ وَجَهَارِمْ يَا قَاتِلَ

بر او و بر ایشان باد ای شکافنده

الْأَصْبَاحِ وَيَا جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

سپیده دم و ای گرداننده شب مرجب آرام و آفتاب و ماه

حُسْبًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمُنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ

و سطره ستارای ای غالب ای داننده ای خداوند انعام و احسان و توانائی

وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

و قدرت و بخت و نعمت دادن ای خداوند بزرگواری و

الْاِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا فَرْدًا يَا وَتَرُ

و گرامیداشتن ای خدا ای بخشننده ای خدا ای یگانه ای یکتا

يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

ای خدا ای برون ای درون ای ذات خود و جوهر نیست سزاوار پرستش کردن

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ

ای خدای ای خدای ای خداوند تراست نامهای نیک

بَا اللّٰهُ يَا بَدِيعُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ای خدا! ای نوید بدآورنده ای خدا ای خدا ای خدا مرگ است ناهای نیک
وَالْأَمْثَالُ الْعُلَیَّاءُ وَالْکِبَرِیَّاءُ وَالْأَوْلَادُ أَنْسَلَتْ

و دایستای بلند و بزرگوار و نفیست ما سوال میکنم از تو

اَنْ تَصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي
اَنْبِيَا حَسَنَتِ بَرَسْتِي بِرَحْمَةِ دَالِ مُحَمَّدٍ وَاَنْبِيَا بَكْرَتِ دَانِي

هَذِهِ الْبَيْتَةُ فِي السَّعْدَاءِ وَرَوْحِي مَعَ الشَّهَدَاءِ

این شب در زمره نیک بختان و روح مرا با شهیدان
وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً

وَنِيكُوۡىۡ مَّرَا ^{در علین} اَوْدٰی مَرَا ^{آمرزید} اَنۡ تَهَبَۡ لِیۡ یَقِیۡنًا کِتَابَ شَرِّهِ قَلْبِیۡ وَاِنَّمَا نَأْمُرُ بِ

پہنچیں مرا یقینی کہ سبائے شران کنی دل مرا دایمانی کہ جبر

السَّالِکَ عَنِّی وَتَرْضَیْنِی بِمَا قَسَمْتُ لِی وَآتِنَا فِی

از من و اینکه خشنود کنی مرا با آنچه هست کرده برای من و بدو ما را در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

عَذَابُ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَنْزَلْتُ فِيهَا ذِكْرَكَ

مذہب انشس سوزندہ اور دوزخی کی راہ اور این شب یار کو دین خود

وَالْتَوْفِيقَ لِمَا وَرَقِيتَ لَهُ الْحَسَنَ وَالْبَهْتَ صَلَوَاتُكَ

والتوفیق برای آنچه تو قیست داده بران محمد و آل محمد را رحمتی بفرما

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دُعَايِ شَبِ بَسْمِ وَبِحَمْدِ

براد و بر ایشان درود

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْأَرْضِ

ای که دانه شب را پوشش در روزا وقت کس نیستی زمین

مِهَادًا وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا يَا اللَّهُ يَا قَاهِرَ يَا اللَّهُ

فرای کسره دگره را سینه ای خدا ای خداوند قهر و غلبه ای خدا

يَا حَبِيبًا يَا اللَّهُ يَا سَمِيعًا يَا اللَّهُ يَا قَرِيبَ يَا اللَّهُ

ای عزیز و گوار ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا

يَا مُجِيبَ يَا اللَّهُ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ لَكَ الْأَسْمَاءُ

ای اجابت کننده ای خدا ای خدا ای خدا در تمام نامهای

الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالَ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ

نیک و داستانهای بلند پای و بزرگوار و نعمت و

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَجْعَلَ أَسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السَّعَادَةِ وَوَجْهِي

در روزی نام مرا در این شب در زمره نیک بخند

الْأَمْثَالِ الْعُلْيَا وَالْكَبِيرِ يَاءُ وَالْأَلَاءِ أَسْئَلُكَ

داستانهای بلند و بزرگوار و نعمتها سوال میکنم از تو

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي

ایند رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

در این شب در زمره نیک بختان و روح مرا با شهبان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَ

و کرامتی مرا در علیین و بدی مرا آفریده

أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا ثَابِتًا شَرِيهَ قَلْبِي وَإِنَّمَا نَأْيُ هَذِهِ

ایکده عجبی مرا یقینی که باشد آن کسی دل مرا از این کسوت که

الشَّكَّ عَنِّي وَرَضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا

فک را از من دشمنی با آنچه بهره داده مرا و چه ما را

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

در این جهان نیکوی در آخرت نیکی و نگاهدار ما

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَنْ تُرَقِّقَنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

از عذاب آتش سوزنده روزی کن مرا در این شب ذکر خود

وَتَشْكُرَكَ وَالْمَرْغَبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالْوَبَةَ

و سپاس گذاری خود و خواهش مندی بسوی خود و بازگشت و جمع

الَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ الْفَقْرِ مُبَصِّرَةً لِلْبَتِّغُوا

شب را در دانه نشان روز را بزمین تا طلب کند

فَضْلًا مِنْهُ وَرَضَوْنَا يَا مُفْضِلُ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا

بخش را از او خوشنودی را ای تمیز دهنده هر چیز تمیز را

يَا اللَّهُ يَا مَا جُدَّ يَا وَهَّابُ يَا اللَّهُ يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ

ای خدا ای بزرگوار ای میبخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ

ای خدا ای خدا مزیات نامهای نیک و داستانهای

الْعُلَمَاءِ وَالْكَبَرِيَاءِ وَالْأَسْلَاءِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

بلند و بزرگوارانی و گفت سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب

فِي السَّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشَّهَدَاءِ وَاحْسَنِي

در رده نیک بخشان روح مرا با شهیدان و نیکو را

فِي عِلِّيِّينَ وَاسْبَأْ نِي بِمَغْفُورَةٍ وَأَنْ تَهَبَ

در عیالین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی

لِي يَفْضِنَا بِمَا شَرِّبَهُ قَلْبِي وَإِنَّمَا أَيْدِي هَيْبَتِ الشَّكِّ

تا یقینا بیاورد به قلبم و اینها آید هتبت شک را

نَعِ الشَّهَادَةَ وَاحْسَانِي فِي عِلْمَيْنِ وَاسْأَلْنِي

شهیدان واحسان مرا در علمین و بدی مرا

مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا ثَبَاتًا شَرِيهَ قَلْبِي

آمرزیده و اینکه پختش مرا یقینی که سبب ثبات کنی دل مرا

وَأَيُّمَا تَأْيِذَ هَبِ الشُّكَّ عَنِّي وَبِرَّ ضَالِمًا قَسَمْتَ

دایما که به بر من شک را از من و خوشنودی با آنچه قسمت کرده

لِي وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

برای من و بد را در اینجا نیک در آخرت نیک

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَنْزِلْنِي فِيهَا

و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی ده مرا در این شب

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِلَهِيَّةَ

یادآوری خود و سپاس گذاری خود و خواهش نمودن چیزی خود و الهی گشت

وَالْتَوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَعْتَ لَهُ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ مُحَمَّدٍ

و توبه و توفیق برای آنچه تو مقدر دادی برای آن محمد و آل محمد را

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَامِي شَبِيبَتِهِمْ

رحمتی تو بر او و بر ایشان باد سلام و عامی شب پختش

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آمِينَ يَا مَنْ صَحَابَةُ

ای که آفریننده شب و روز و تو که قدرت ای آنکه غایت کرد ایشان

عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا
داناى برپنهان و آشكار بخشناينده مهربان نسبت سزاوارترين

أَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ
اى پاک اى سالم از هر نقص اى امان دهنده اى دانا بهر چيز

يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ
اى غالب اى کارفرماى بفر اى بزرگوار اى خدا اى آفرينگار اى پدا آورنده

يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
اى نگارنده اى خدا اى خدا اى خدا مرتز است اسمهاى نيك

وَلَا مُثَالَ الْعُلَيَّا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ
در داستانهاى بلند و بزرگوارى و نعمتها سوال میکنم از تو

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي
اينكه رحمت بفرسى بر محمد و آل محمد و اينكه بگردانى نام مرا

هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ
اين شب در زمره نيكو بخشان در روح را با شهبان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسْأَلُكَ مَغْفِرَةً
و نيكى مرا در عالىين و بدي مى روا آفريننده

وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاهِي بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَأْخُذُ بِهِ
و اينكه بخشى مرا يقينى كه مباهرات دل مرا و ايمانى كه برود

وہ کہتا ہے کہ اگر وہ اپنے گھر میں آجائے تو اس کا دل بے چین رہے گا۔

منہ کے دور آجکل کے

آتش سوزند . در ورنه می ده مارا در این شب یاد کردن تو و سپاس گذاری

دوم آتش سوسمی تو و بازگشت و تو به و تو به

از برای اخذ تو منعم آید برای آن محمد دآل محمد را براد و برایشان بار سلامت

ای کسرا نند و سپاه و اگر سیموای

مسکراتی آنرا ساکن و کمر دانیدی آفتاب را بر دوش سایه دلیل

بیس کہ فتنہ آؤ تا بیسوی خود گرفتنی اندک ای جداوند

زمانای و انعام و جزو کمالی تو. و نعمتها

يَا بَاعِثْ مَرَّةً فِي الْقُبُورِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
ای برانگیزنده عالمه در قبر باید ای خدا ای خدا ای خدا
لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَسْمَاءُ الْعُلْيَا وَ
متر است نامهای نیک و داستانهای بلند
الْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
بزرگوارم و نعمتیا سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب
فِي السَّعَادَةِ وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاجْعَلْنِي
در سعادت و روح مرا با شهبان و نیکه
فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَةً لِي مَعْقُورَةٌ وَأَنْ تَهَبَ
در علیین و بدی مرا آرزیده و اینکه بخشگی
لِي يَقِينًا بِمَا شَرَّ بِهِ قَلْبِي وَإِنَّمَا نَأْيُكَ هَيْبَتُكَ
مرا یقینی که باستان کنی دل مرا و ایما کنی که بزرگوار
عَمِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَإِنَّمَا فِي
از من و اینکه حشود ساز می را با آنچه قسمت کرده برای من و بدیهه مرا در
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
دنیا منم و در آخرت منم

الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا

شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا با آنچه قسمت کرده برای من و بده مارا در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار مارا از عذاب آتش

الْحَرِيقِ وَأَنْزِرْ قَنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

سوزنده و بر روی کن مارا درین شب ذکر خود و شکر خود و خواهشندی

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ

بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق داری

لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَآلِهِ

برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستاد خدا بر او و بر ایشان

سَبِّحْ بِهٖ شَمْسٌ يَّاحُنَّانُ اللَّيْلُ فِي الْهَوَا وَخَارُنَا

ای شکارنده طلعت شب در هوا و نگاهدارنده

التَّوْفِيقِ السَّمَاوِيَّ وَمَنْعِ السَّمَاءِ أَنْ يَقَعَ عَلَى

روشنای در آسمان و منع کشف آسمان از اینکه فرود آید بر

الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَحَاسِبُهُمَا أَنْ تَشْرُوكَا

زمین مگر پیوستوری خود و بازدا آسمان و زمین را چیز شوند

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَفُوَّ يَا دَاكِرُ يَا اللَّهُ يَا وَاسِعُ

ای دانا ای بزرگ ای همه بخوار ای خدا ای میراث برده

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الْأَمْثَالُ الْعُلَى

ای خدا ای خدا مرا از اسمهای نیک و داستانهای بلند

وَالْبِرِّ يَا وَيْلَتَا لَوْلَا أَنَّ تَصِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَال

سعد گرامی و نعمتها سوال میکنم اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السَّعْدَاءِ

محمد و اینکه بگذاری نام مرا در این شب در زمره یکتان

وَمُفْرِحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ

روح مرا با شهیدان و سپیکه مرا در علین و

إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ

بدی من و آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقین که مباشر آن کنی

بِقَلْبِي وَإِنَّمَا تَأْخُذُ الشُّكَّ عَنِّي وَتَرْضِي بِنَا

دل مرا و ایمانی که بر من شک را از من و اینکه خوشنودسانی بر من

قَسَمْتَ لِي وَأَتَانِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

قسمت کرده بر من و بدو مرا در این جهان نیک و در آن جهان

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَنْزِلْنِي

نیک و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و درزی کن مرا

بِنَهْأَذْكُرَكَ وَتُشْكِرُكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَاللَّوْنَةَ

بنا بر این شایسته ذکر کرد و سپاس گذاری خود و خواهش منتهی بسوی خود و توبه

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَانْزُرْ قِنِي

و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده در روزی که مرا

فِيهَا ذِكْرُكَ وَشُكْرُكَ وَالرَّحْمَةَ

درین شب ذکر خود و شکر خود و رحمت

الَيْكَ وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِثَابَةَ

بسوی خود و ترس از خود و توبه و بازگشت

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

و توفیق برای آنچه تو فین داده برای آن محمد و آل محمد را

صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ دُعَائِي شَبَّ

رحمتی بر تو برادر و برایشان - هر ایشان

بِحَسْبِ نَهْمٍ يَا مُكْوَرَّ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكْوَرَّ

کمی در آورنده شب - در روز و در آورنده

النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ يَا عَلِيمٌ يَا حَكِيمٌ يَا رَبَّ

روز و شب ای دانای ای درست کردار ای پروردگار

الْأَرْبَابِ وَسَيِّدَ السَّادَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

پروردگاران و بزرگ بزرگان نیست سزاوار پرستش مگر تو

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا اللَّهُ

ای آنکه من نزدیکتر است بسوی من از رگ کبودن - ای خدا

بَانَ نَصَلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در
هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

این شب در زمره نیک بختان در روح مرا با شهبان

وَإِحْسَانِي فِي عِلْيَيْنَ وَإِسَاءَتِي مَعْفُوءَةٌ وَأَنْ

و نیکه مرا در عیبن و بدی مرا آمرزیده و اینکه

تَهَبْ لِي يَقِينًا تَبَا شَرِّهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَنْدُهِبُ

پنجتنی مرا یقین که باشد آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد

الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتِيَنِي

شک را از من خوشنود سازی مرا با آنچه قسمت کرده برای من و بجهه مارا

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِيَا

دنیا نیکه و در آخرت نیکه و نگاهدار مارا

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَنْزِلْ قَنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

از عذاب آتش سوزنده و در دوزخی کن مرا در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِتَابَةَ

و سپاسی که از می خود و خواهش مندی بسوی خود و توبه و بازگشت

والتَّوْقِيقَ بِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

و توفیق برای آنچه تو قین دادی برای آن محمد و آل محمد را صلتها تو

وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ يَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ

در بزرگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل

مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دَعَايُ شَبِّحِي

محمد را رحمتهای تو بر او و بر ایشان

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَكَ لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

سپاس بر خدا ایزد که نسبت انبازی برای او و سپاس بر خدا را چنانکه سزاوارتر از بگو

وَجْهِهِ وَقَدَّرَ جَلَالُهُ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَا قَدُّوسَ

دات اودا و از جندی بزرگوار ای اودا و چنانچه او سزاوارست ای پاک

بَارُئِ يَا نُورَ الْقُدُّوسِ يَا سُبُّوحَ يَا مُنْتَهَى السَّمِ

ای هویدا ای نور پاک ای شمره ای منتهای تنزه

يَا رَحْمَنُ يَا قَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ

ای بخشنده ای کسند بخشش ای خدا ای دانای بزرگ

يَا اللَّهُ يَا لَطِيفَ يَا جَلِيلَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعَ

ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای خدا ای شنوا

يَا بَصِيرَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا برتر است نامهای نیک

وَلَا أَمثالُ الْعُلَيَّا وَالْكَبَرِيَّاءِ وَالْأَلَاءِ أَسْأَلُكَ

و در اینهاست بزرگ و بزرگوار ای و نعمتها سوال میکنم از تو

چهار و نهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذان و اقامت
 یا نیز و نهم چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در
 دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزده و نهم دوازده رکعت در هر رکعت
 حمد و دوازده مرتبه اهلکم النکاتر هر قدر نهم او رکعت در هر رکعت اول
 حمد و هر سوره که خواهد و در هر رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام
 صد مرتبه لا اله الا الله میگوید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سی
 پنجاه مرتبه انا اعطینا کالکواثر نوزده و نهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه
 اذان و اقامت و کویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که
 مشکی است بدین یک شب ده هزار و پانصد مرتبه اذان و اقامت را بخواند
 بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و یکم و بیست و یکم
 در هر یک بیست رکعت هر سوره که میسر شود بیست و پنجم بیست رکعت
 در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم بیست رکعت در هر
 رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد
 و تبارک الذی و اگر نتواند بیست و پنجاه مرتبه توحید بیست و هفتم شش
 رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیه الکرسی و صد مرتبه توحید
 و صد مرتبه کواثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم
 و ده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت
 در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات

عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ فصل هشتم

براد و برایشان

در بیان نمازهای مشبهه و عالمی روزهای هفت که مشهور است
و علماء در کتب دعا ذکر کرده اند نیز، عقیده حضرت غایت شریف اول
چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید و دو مرتبه چهار
رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه سیم در هر رکعت
در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت
حمد و بیست مرتبه انا انزلناه پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه
مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملك هفتم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره مرتبه انا انزلناه هشتم
دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه
سبحان الله نهم شش رکعت بیان نماز شام و خفتن در هر
رکعت حمد و هفت مرتبه آیه الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل
علی محمد و آل محمد و سیم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید
یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکرثر
دوازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه
سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنجاه مرتبه توحید

وَوَقَّعْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

و توفیق ده مراد دران برای تلاوة آیتهای کتاب خود بر سمتهای خود ای بخشاینده ترین

الرَّاحِمِينَ دُعَائِي رَوْحِ بَسْمِ اللَّهِ هُمَّا رُزُقْنِي فِيهِ

بخشاینده گان خدا و خدا روزی کن مراد این ماه

الذِّهْنِ وَالتَّنْيَةِ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ الشَّفَاهَةِ

زیرکی و آگاه گردانیدن و دور گردان مراد دران از کم خردی

وَالْقُوَّةِ وَاجْعَلْ لِي تَصْنِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ

و پادشاهیدن حق و بگردان بجهت من بهره از هر نیکی و فروزگی

فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ دُعَائِي رَوْحِ

دران ب بخشش خود ای بخشنده ترین بخشاینده گان

بِحَارَمِ اللَّهِ قُوَّتِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَ

یار خدا یا توانای بخش مراد ایس ماه برای اگر چه با دارم فرمان ترا و

أَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي فِيهِ

و بخشیدن مراد دران شیرینی یاد کردن خود و توفیق ده مراد دران

لَا دَاءَ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ

برای بجا آمدن شکر خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا بنگاهداری خود

وَسَيِّدُكَ يَا أَبْصَرَ الْبَاطِنِينَ دُعَائِي رَوْحِ بَسْمِ اللَّهِ هُمَّا

و پادشاه خود ای بینا ترین نکرندگان خداوند

بر محمد و آل محمد این نمازها چنانچه مذکور شد هر روز در رکعت بیک سلام
است و اما دعاها را هر روز بعد از این عباس رسد و ایت کرده اند که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فضیلت یار از برای هر روز هر ماه مبارک رمضان بیان
فرمود و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار
آن دعا ذکر کرده اند و ما با وصل دعاها اکتفا می نمایم

دعای روز اول **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ**

خداوند ابرو دران روز مرا درین ماه

صِيَامًا الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامًا الْقَائِمِينَ

مانند روزه دانستن روزه داران و ایستادن مرا دران مانند ایستادن ایستادگان

وَيَسِّتَنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي

و بیدار کن مرا دران از خواب بیخبران و بخش بمن

حِرْمِي فِيهِ يَا اِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اَعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا

کناه مرا در آن ای خدا جهانیان و در گذر از من ای در گذرنده

عَنِ الْجُرْمِينَ دعای روز دوم **اَللّٰهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ**

از کناه کاران خداوند انور و بگردان مرا دران

اِلَى مَرْضَاتِكَ وَ جَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نِقَمَاتِكَ

بسوی نفع شنود و بیامی خود و دور گردان مرا دران از غضب خود و عقوبت های خود

ذِكْرَكَ يَدَا مِهْ بِتَوْفِيفِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ

یا گردان خود همیشه آن بزمین خود ای راههای گمراهان

وَعَائِي رَوْزِ شَمِ اللَّهُمَّ اسْرِزْ قَنِي فِيهِ رَجَّةُ الْإِيْتَامِ

بار خدا یا روزی مرا در این ماه هربانی یتیمان

وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ وَاقْشَاءِ السِّبْءِ وَمَحَابَّةِ

دخوردانیدن طعام و ظاهر ساختن سلام و بهرین کردن

الْيَامِ وَصَحَّةِ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مُلْجِ الْأَمِلِينَ

از لیبان و صحت نزر که اران باحسان خود ای پناه امیداران

وَعَائِي رَوْزِ نَهْمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ

خداوند بگردان برای من در این ماه بهره از

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَاهْدِنِي فِيهِ لِأَرْهَيْنِكَ

بخش فراگیرنده خود در این ماه دران بدلیل

السَّاطِعَةِ وَخُذْ بِنَا صِيتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ يَا مُجِيعَةَ

بلند خود و فراگیری بوی پیش سر را حال آنکه برسانی بسوی خوشنود بیجا خود

مَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاكِينَ فَرْعَائِي رَوْزِ مَسْمُومِ

بدوستی خود ای امیدگاه آرزومندان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ يَا مُجِيعَةَ

خداوند بگردان مرا در این ماه از توکل کنندگان بر تو بگردان مرا

اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ

بگردان مرا در این ماه از جمله آمرزش طلبان و بگردان مرا در آن

مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ وَاجْعَلْنِي

از بندگان نیکوکاران خود که فرمان بردارند و بگردان مرا

فِيهِ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ

در آن از دوستان مقرب خود بهر بانی خود ای بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ دَعَائِي وَرَشِّمُكَ اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ

بخشایندگان دعاها و رشتم خداوند! خود را نگذار مرا در این ماه

لَتَعْرِضَ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضُرَّنِي بِسَيِّئِ ط

بجهت فرمایش آمدن معصیت و نافرمانی ترا و مزن مرا بتاز یا نهایی

نِقْمَتِكَ وَزُخْرٍ حَتَّى فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ تَخْطَاكَ

عقوبت خود و دور کردن مرا در آن از اموریکه واجب میکرد غضبت را

بِمَنِّكَ يَا دِيكَ يَا مُنْتَهَى رَجْعَةِ الرَّاعِيْنَ

بخشش خود و منتهای خود ای منتهای خواهش خواهشمندان

دَعَائِي وَرَشِّمُكَ اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَ

بار خدا مدد کن مرا بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در نماز

جَمْعَتِي فِيهِ مِنْ هَفْوَاتِهِ وَأَتَامَةِ وَاتِرُقْنِي فِيهِ

در گردان من به دوری آن از لغزشهای آن توکنایان او و در روی کن مرا در این

يَا عِصَّةَ الْكَافِرِينَ دُعَائِي وَزِيَرْدِهِمُ اللَّهُمَّ طَهِّرْ فِيهِ

ای نگهباننده ترسناکان
بار خدا یا پاک گردان مرا در آن

مِنَ الدَّلَاسِ وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْ لِي عَلَى كَثَائِلِ

از هر چه کسی و هر قاز و دات و شکستهای ده مرا در آن بر تقدیر است

الْأَقْدَارِ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ

کتابت است و زین ده مرا در آن برای پرهیزکاری و صحبت نیکوکاران

يَعُونِي قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ دُعَائِي وَزِيَرْدِهِمُ

بیاری خود ای روشنائی دیده بیچارگان

اللَّهُمَّ لَا تَوَاجِزْنِي فِيهِ بِالْعُتْرَاتِ وَأَقْلِنِي فِيهِ

بار خدا یا مواخذه مکن مرا در این ماه بلغزشها و دگر گردان در آن

مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ

از گناهان و لغزشهای و دگر گردان مرا در آن

غَرَضًا لِلْبَلَاءِ وَالْأَفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا غَرَّ السُّلَمِينَ

نشانه برای تیرای بلا و آفتها به عزت خود ای ارجمند کسی کردن پندگاران

دُعَائِي وَزِيَرْدِهِمُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْهُ طَاعَةَ الْوَلَدِ

بار خدا یا روزی کن مرا طاعت پادشاه و زاری خودی

وَأَشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِأَنْبَاءِ الْخَبِيثِينَ بِمَلِكِكَ

و گشایش ده در آن سینه مرا ببارگشت فروتنی کنندگان با پادشاهان و دود

فِيهِ مِنَ الْعَازِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

دوران از درندگان تیر خود دیگران را در آناه از

الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الظَّالِمِينَ

از دیکر کشته گان بسوی تو به نیکویی خود ای منهای مطلب طلب کننده گان

وَعَايِ بِرُزْدِهِمُ اللَّهُمَّ حَسْبُ الْإِنِّ فِيهِ إِلا إِحْسَانٌ

خداوند اوست دار بسوی من در آناه و نیکو کاری را

وَكْرَهُ إِلَى فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمَ عَلَى

و دشمن گردان بسوی من دران بد کرداری و نافرمانی را و حرام گردان بر من

فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

دران غضب و آتشها را بهاری خود ای زیاد دهن داد خوانان

وَعَايِ رُزْدَهُمُ اللَّهُمَّ زَيِّتِي فِيهِ يَا لِيَسْتَرْوِ

خداوند اگر آسته کن مرا در آناه از پیش خود

الْعَقَافِ وَأَسْتَرْنِي فِيهِ يَلْبَاسِ الْقَنُوعِ وَ

پیریز گاری و پوشان مرا دران بجایه دشمنی و

الْكُفَافِ وَأَخْلِنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ

روزی کفایت و باز کن مرا دران بر عدالت و انصاف

وَأَمِّتِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ

این گردان مرا دران از هر چیزی ترسم نگاهداری خود

اَسْتَجِ اُنَا سِرَّةَ نُبُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَالَمِينَ

پیروسی نشانهای آن بر دشنای خود ای روشن گرداننده دلهای شناسندگان

دعای روز نوزدهم اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِيْهِ حَظِّيْ مِنْ بَرَكَاتِهِ

خداوند ادا فر کن در این ماه بهره مرا از برکتهای آن

وَسَهِّلْ سَبِيْلِيْ اِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِيْ قَبُوْلَ

و آسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای آن و ناامید کن مرا از پذیرفتن

حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيًّا اِلَى الْحَقِّ الْمُبِيْنِ دُعَايِ رُوْزِ سِتِّمِ

نیکوئیهای آن ای راه نهای بسوی دین حق روشن

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْهِ اَبْوَابَ الْجَنَّةِ وَاغْلِقْ عَنِّيْ

بار خدا یا بگشاید من در این ماه درهای بهشت را و ببند از من

فِيْهِ اَبْوَابَ النَّارِ وَوَقِّفْنِيْ فِيْهِ لَيْلًا وَنَهَارًا

در آن درهای و در رخ را و در زمین دو در آن برای تلاوت

الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِيْنَةِ فِيْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِيْنَ

قرآن ای فرو د آورنده آرامی در دلهای گردندگان

دُعَايِ رُوْزِ سِتِّمِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ

بار خدا یا بگردان برای من در این ماه خوشنودهای خود

دَلِيْلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيْهِ عَلَيَّ سَكِيْنَةً

راهنای و مگردان برای شیطان در آن بر من راهی

يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ دُعَائِي رَوْشَانِ دَهَمِ اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي

ای ایمنی بخش ترسناکان خداوندنا تو فقیه ده مرا

فِيهِ لِمُرَاقَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَعَلْنِي فِيهِ مُرَاقِقَةً

در این ماه برای مراققت نیکوکاران و در درگاهان مراد دران از بهرهای

الْأَشْرَارِ وَأَوْتِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ

بدگر داران و فرود آور مرا دران بر رحمت خود بسوی سرای درنگ

يَا لِهَيْئَتِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ دُعَائِي رَوْشَانِ دَهَمِ اللَّهُمَّ

بخدای خود ای خدای جهانیان با خدا

اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَاقْضِ لِي فِيهِ

راهنمای کن مرا دران ماه بگر دارای شایسته و در کن بهجت کن دران

الْحَوَائِجَ وَالْأُمُورَ يَا مَنْ لَا يَخْتِاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ

ما بجهت و آرزو دارا ای آنکه محتاج نیست بسوی اظهار کردن

وَالسُّؤَالَ يَا عَلِيًّا يَا فِي صَدْرِ الْعَالَمِينَ كَمَا رَوَّعْتَنِي

و سوال نمودن ای علی دانا با بچه دلهای جهانیان است

اللَّهُمَّ تَهْنِئِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ اسْمَائِهِ وَتَوْشُرِ فِيهِ

خداوند ای بیدار کن مرا در این ماه برای بركات اسمهای آن در پیش کن دران

قَلْبِي بِسَيِّئِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى

دل مرا بر بدی روشتنهاش آن و بدار همه اعضای مرا بسوی

وَأَعُوذُ بِكَ مَا يُؤْذِيكَ وَأَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ

و پناه بگیرم به آنچه از تو نماید ترا و سوال میکنم از تو توفیق را در آن

لَا أَنْ أَطِيعَكَ وَلَا أَعْصِيكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ

برای آنکه فرمان برداری کنم ترا و نافرمانی ندرزم ترا ای بخشش کننده محال کننده کار

روز بیت و بزم **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لَا وَلِيَّكَ**

خداوند ما را در این ماه دوستدار مرد و دستار

و مُعَادِيًّا لَا عَدَايَكَ مُسْتَسَائِلُ سِتَّةِ خَاتَمِ نَبِيِّكَ

و دشمن دارنده مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه آخر پیغمبران تو

يَا عَاصِمَ قُلُوبِ السَّيِّئِينَ رَوْزِ بَيْتٍ وَ بَزْمِ **اللَّهُمَّ**

ای نگاهدارنده دل های پیغمبران خداوند

اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا

بگردان کوشش مرا در این ماه پزدا داده شده و گناه مرا در آن آمرزیده

وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَ عَيْنِي فِيهِ مَسْئُورًا يَا أَسْمَعَ

و کردار مرا در آن پذیرفته و عیب مرا در آن پوشیده ای شنواترین

السَّامِعِينَ رَوْزِ بَيْتٍ وَ بَزْمِ **اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَتْلِي فِيهِ**

خداوند از روزی کن با من کشته

فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ صَبْرًا مَوْرِيًّا فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ

و بگردان کارهای مراد در آن از دشواری

افضلیت شب قدر

وَاَجْعَلْ لِّجَسَدِي مَنَزِلًا وَمَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ

میکردان بهشت را برای من محل فرود آمدن و آرامگاه ای برآمدنده حاجتهای

الظَّالِمِينَ وَزِمَّتِ رُءُومُ اللَّهِ ثُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ ابْوَابَ

سوال کنندگان و زیمت دوم اللهم افتح لی فیہ ابواب

فَضْلِكَ وَانْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَقِّفْنِي فِيهِ

فضل خود را و فرود آور بر من در آن زیادههای خود را و توقف ده مرا در آن

لِوُجْهَاتِ مَرْضَاتِكَ وَاسْكِنْنِي فِيهِ مَحْجُوحَةً

برای اموریکه واجب سازند خوشنودیهای خود را کن کن در آن در میانهای

جَمَاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ بِمَرْبِيتِهِمْ

بستانهای خود ای اجابت کننده دعای در ماندگان

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي

ای خداوند بشوی مرا در آن از گناهان و پاک گردان مرا

فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى

در آن از عیوب و آزمون کن دل مرا در آن بپرهیزکاری

الْعُيُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمَذْنِبِينَ

ای خداوند پاک کننده عثرتهای گناهکاران

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يَرْضِيكَ

ای خداوند من سوال میکنم از تو در آنجا آنچه را که خوشنود سازد

تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةٌ قُرْوَعَةٌ

به پسندی آنرا و به پسند دانا رسول حال آنکه محکم باشد فرجای آن

بِأَلَا صَوْلٍ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ الظَّاهِرِينَ

باصحابها بحق بزرگ ما محمد و آل او که پاكانند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مَوْلَى كَوَيْدِكَ فِي تَقْدِيمِ وَتَاخِيرِ

و سپاس مر خدا پر که پروردگار عالمان است

و عباد و عبادات بهر یک در کتب و عوالت مختلف ذکر کرده اند چون
روایتش را مستعبر غیری آنم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و نهم
را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذہب شیعه در روز
بیست و سی و نهم خواندن و در نیت که آنشب باشد و الله اعلم با حقایق
در اعمال لیلی و ایام متبرکه که ماه شوال و ماه ذیقعد است و از جمله ایام
متبرکه که ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جمله لیلی مشریفه است
و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار است و از
حضرت علی بن ابی طالب منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روز
که دلها از سرس میزد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که
هر مومنی بن الحسین علیه السلام شب عید را احیا میکرد و نماز تمام میکرد و در آن
آنشب در مسجد می ماند و میگفت که ای فرزند اشب کز آنشب تقدیرت
و شل درین شب سفت است و شخصی بخدایت حضرت صادق عرض کرد که

إِلَى الْيُسْرِ وَأَقْبَلَ مَعَاذِي رِي وَحُطَّ عَنِّي الْوِزْرُ

بسوی آسان و بپذیر قدرای مرا و فرو داد آسوده از من بارگران را

يَا سَرَّوُ قَا بَعْبَادِهِ الصَّاحِبِينَ رَوْزِ بَسِيتِ وَبَسِيتِ

ای هربان به بندگان نیکو کار خود

اللَّهُمَّ وَفِّرْ خَطِيئَتِي فِيهِ مِنَ التَّوَّافِلِ وَأَكْرِمْ مَنِي فِيهِ

خداوندنا کامل گردان بهره مرا در این ماه از زیادتیا و تنبها و گرامی دار مرا دران

بِأَخْصَارِ الْمَسْكُوتِ وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ

بمخاض ساختن سواها و نزدیک گردان مرا دران و سبیل مرا بسوی خود

مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْحَاجُّ الْحَاجِّينَ

از میان و سبیلها ای آنکه باز نمیدارد و او را مبالغه مبالغه کننده گان

رَوْزِ بَسِيتِ وَنَهْمُ اللَّهُمَّ عَشِيَّتِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَأَكْرِمْ مَنِي

خداوندنا بهوشان ما را در این ماه برحمت و روزی کن مرا

فِيهِ التَّوْقِيقَ وَالْعِطَّةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاظِ

دران توفیق و نگهداری و پاک کن دل مرا از آلودگی تیرگیها

الشُّمَةِ يَا رَحِيمًا رَحِيمًا يَا رَحِيمًا يَا رَحِيمًا يَا رَحِيمًا

به درغ برترین ای هربان به بندگان لاوند خود

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى

خداوندنا بگردان روزه مرا در این ماه مفردن سپاس گذاری و بپذیر ای بر روی

و توفیق

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْقَوْلِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ

ای خداوند انعام و بخشش ای خداوند انعام و احسان ای برگزیده محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

رحمت فرستاد خدا بر او و آل او رحمت بفرست بر محمد و آل او

پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجده بر می داشتند

و می فرمودند بحق خداوندی که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را

بکند هر حاجتی که از خدا بطلبد البته او را عطا کند و اگر بعد در یکهای بیابان

کناه داشته باشد خدا بی تعالی او را بیامرزد و بعد از نماز نیست که این دعا را بخواند

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا مَلِكُ يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشننده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاک

يَا اللَّهُ يَا سَلَامُ يَا اللَّهُ يَا مُؤْمِنُ يَا اللَّهُ يَا مُهَيَّمُ يَا اللَّهُ

ای خدا ای سالم از نقص ای خدا ای امان دهنده ای خدا ای دانا بر چیز ای خدا

يَا عَزِيزُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا خَلِقُ

ای ارجمند ای خدا ای کارفرمای بزرگوار ای خدا ای بزرگوار

يَا اللَّهُ يَا بَاسِرُ يَا اللَّهُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا عَالِمُ

ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگاه دارنده ای خدا ای دانای

يَا اللَّهُ يَا عَظِيمُ يَا اللَّهُ يَا كَرِيمُ يَا اللَّهُ يَا حَلِيمُ

ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بردبار

مردم میگویند اگر بخش نازل بشود بر کسی که روزه دار و ماه رمضان
 در شب قدر حضرت فرمود که کار کردار و فرزندش نمیدهند مگر بعد از فارغ
 شدن از کار و آن در شب عید است راوی گفت چه کار سزاوار است
 که در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل کن و چون
 فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوری دستهای آسمان بلند کن و بگو
 يَا ذَا الْمَنِيِّ وَالظُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 ای خداوند انعام و احسان ای خداوند بخشش ای برگزینده محمد و یاری دهنده
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامری برای من هر گناهی را
 اخْصِيَّتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
 که شمرده و آنرا داد نزد تو در کتابی است روشن
 پس بگو و برو و صد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ إِلَى اللَّهِ
 پس هر حاجت که داری از حق تعالی بطلب که انشاء الله تعالی برآورده
 و بسند معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب قدر
 در رکعت نماز میکرد و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره توحید
 و در رکعت دوم یک مرتبه میخواند پس بگوید سجد و میرفتند و بعد از سلام
 سجد و صد مرتبه می گفتند اَتُوبُ إِلَى اللَّهِ پس می گفتند

یا الله یا سر بانه یا الله یا سر بانه یا الله یا سر بانه یا الله

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا
یا سر بانه یا الله یا سر بانه یا الله یا سر بانه یا الله یا سر بانه یا الله

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست
یا الله یا نوری یا الله یا دار قی یا الله یا مانع یا الله یا قاهر

ای خدا ای هویدا ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای باز دارنده ای خدا ای کشانده
یا الله یا بقیع یا الله یا جلیل یا الله یا جلیل یا الله

ای خدا ای سوختن ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بگو ای خدا
یا شهید یا الله یا سنا هد یا الله یا حبيب یا الله

ای دانا ای خدا ای دانا ای خدا ای دوست ای خدا
یا قاهر یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مفضل

ای آفریننده ای خدا ای پاک سازنده ای خدا ای خداوند ای خدا ای توانا
یا الله یا قاض یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله

ای خدا ای گیرنده ای خدا ای گستراننده ای خدا ای زنده سازنده ای خدا
یا محیی یا الله یا محیب یا الله یا با عت یا الله یا تر

ای میراننده ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای برانگیزنده ای خدا ای بخشنده
یا الله یا مفضل یا الله یا مسر یا الله یا حو یا الله

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای نعمت دهنده ای خدا ای نابت ای خدا

یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله
ای خدا ای راست کفار درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا
یا قریب یا الله یا محیب یا الله یا جواد یا الله
ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا
یا واجد یا الله یا ولی یا الله یا وفی یا الله یا مولی
ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا ای دفا کننده ای خدا ای آقا
یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا بشدی
ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای زود اجابت کننده ای خدا ای توانا
یا الله یا سرور یا الله یا سر قریب یا الله یا محیب
ای خدا ای هیران ای خدا ای نگهبان ای خدا ای اجابت کننده
یا الله یا جواد یا الله یا ماجد یا الله یا علی یا الله
ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا
یا حنیف یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات
ای خدا ای وارنده ای خدا ای فرا گیرنده ای خدا ای بزرگ بزرگان
یا الله یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله
ای خدا ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای پدید ای خدا
یا باطن یا الله یا فاحر یا الله یا فاهر یا الله یا سر باه
ای خدا ای پنهان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای صاحب قهر و غلبه ای خدا ای پروردگار

يَا غَفُورُ يَا اللَّهُ يَا شَكُورُ يَا اللَّهُ يَا نَوَّارُ يَا اللَّهُ يَا حَنَّانُ

ای آمرزگار ای خدا ای جزا دهنده ای خدا ای پرور آسای خدا ای لغایت مهربان

يَا اللَّهُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا سَرَبَاكُ يَا اللَّهُ يَا سَرَبَاكُ يَا اللَّهُ يَا سَرَبَاكُ

ای خدا ای توانا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

يَا سَرَبَاكُ يَا اللَّهُ يَا سَرَبَاكُ يَا اللَّهُ يَا سَرَبَاكُ يَا اللَّهُ يَا سَرَبَاكُ

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

يَا اللَّهُ يَا سَرَبَاكُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ اسْتَغْلِبْ

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای خدا سوال میکنم از تو ای خدا ای خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَنْ عَلَى رِضَاكَ وَتَعَوَّعِي

بر محمد و آل محمد و منت گذار ای من خوشنودی خود و دگر گذار من

يُحْلِمُكَ وَتَوْسِعَ عَلَى رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ

پروردباری خود و فراخی بخش بر من از روزی حلال پاک خود

مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ

از آنجا که گمان برم و از آنجا که گمان نبرم

فَإِنِّي عَبْدُكَ لَيْسَ أَحَدٌ سِوَاكَ وَلَا أَحَدٌ

زیر که بگویم من بنده توام نیست در این یکس غیر تو و نه احدی که

أَسْأَلُهُ غَيْرَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ

در خواهم از غیر تو ای بخشنده ترین بخشندگان آنچه خواسته خدا همیشه نیست توانای

يَا صَبِيحُ يَا إِلَهَ الْطَيْبِ يَا إِلَهَ الْمُحْسِنِ يَا إِلَهَ الْمُسْتَبْدِ

ای صبحا زنده ای خدا ای دانا ای خدا ای نیکو کردار ای خدا ای ابتدا کننده

يَا إِلَهَ يَا مُعِيدُ يَا إِلَهَ يَا بَاسِرُ يَا إِلَهَ يَا بَدِيعُ يَا إِلَهَ

ای خدا ای بازگرداننده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای نوید آورنده ای خدا

يَا هَادِي يَا إِلَهَ يَا كَافِي يَا إِلَهَ يَا شَافِي يَا إِلَهَ يَا عَلِيَّ

ای هدایت کننده ای خدا ای کارگذار ای خدا ای شفا بخشنده ای خدا ای بلند مرتبه

يَا إِلَهَ يَا حَنَّانُ يَا إِلَهَ يَا مَنَّانُ يَا إِلَهَ يَا ذَا الطُّوَلِ

ای خدا ای مهربان ای خدا ای انعام کننده ای خدا ای خداوند بخشش

يَا إِلَهَ يَا مُتَعَالِي يَا إِلَهَ يَا عَدْلُ يَا إِلَهَ يَا ذَا الْمَعَارِجِ

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای دادخواه بالضاف ای خدا ای یابنده بلند بها

يَا إِلَهَ يَا صَادِقُ يَا إِلَهَ يَا دَيَّانُ يَا إِلَهَ يَا بَاقِي يَا إِلَهَ

ای خدا ای راست گو ای خدا ای جزا دهنده ای خدا ای بی زوال ای خدا

يَا ذَا الْجَلَالِ يَا إِلَهَ يَا ذَا الْكِرَامِ يَا إِلَهَ يَا مَعْبُودُ

ای خداوند بزرگواری ای خدا ای خداوند کرامی و ایشتن ای خدا ای پرستیده شده

يَا إِلَهَ يَا حَمِيدُ يَا إِلَهَ يَا صَابِرُ يَا إِلَهَ يَا مُعِينُ يَا إِلَهَ يَا مُكُونُ

ای خدا ای ستوده شده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای مدد کننده ای خدا ایجا دکننده

يَا إِلَهَ يَا فَاعِلُ يَا إِلَهَ يَا لَطِيفُ يَا إِلَهَ يَا جَلِيلُ يَا إِلَهَ

ای خدا ای بجا یار ای خدا ای مهربان ای خدا ای بزرگواری ای خدا

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه تو حید یک مرتبه تیر بار شده است
و ایضا سنت موسی است که بعد از نماز شام و غصص شب عید و نماز
عید این تکبیرات را بخواند **الله اکبر الله اکبر الله اکبر**

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

غیت سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است و در صدای راست سپاس

لِلَّهِ أَكْبَرُ عَسَىٰ أَن يَكُونَ مَأْهَدًا

خدا بزرگتر است

بر آنچه راه نود ما را

و اما اعمال روز عید بسوی زکوة فطر واجب است و ترکش با تحقق شرایط
و جوب بکناه گیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که از تمامی روزه و اذان زکوة
است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که
هر که روزه بگیرد و زکوة فطر ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عذر ترک کند
و اگر صلوات بر محمد و آل محمد ترک کند در شهر نمازش مقبول نیست و خدا
زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است و آنجا فرموده است **قَدْ أَفْلَحَ**
مَنْ كَرَّمَ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى یعنی تحقیق بیکبار می یافت
هر که زکوة فطره و دود و پروردگار خود را یاد کرد و آن تکبیرات که مذکور شد
پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال

اَلَا يَا لَلَّهِ الْعَظِيمِ سُبْحَهُ مِروسی و میگوی

مکر توفیق خدا بلند آمدن بزرگ مرتبه

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اَللّٰهُ يَا رَبِّ

ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

يَا اَللّٰهُ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ بِكَ تُنْزِلُ كُلَّ حَاجَةٍ

ای خدا ای فرود آورنده برکها بتو فرود آورده میشود هر حاجتی

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْرُؤٍ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

سوال میکنم از تو بهر نامی که پنهان است در خزانه غیب نزد تو

وَالْأَسْمَاءِ الْمَشْهُورَاتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلَى

و نامهای فاش گردیده نزد تو که نوشته شده است بر

بِرَادِي عَرَشِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سپارده عرش تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تُقْبَلَ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَتَكْتُبَنِي فِي

و اینکه پذیرد از من ماه رمضان را و بنویسی مرا در

الْوَافِينَ إِلَى بَيْتِ الْحَرَامِ وَتُصَفِّحَ لِي عَنِ الذَّنُوبِ

زمره وارد شده کان بهوی خانه محترم و در گذر برای من از گناهان

الْعِظَامِ وَتُسَخِّرْ يَا رَبِّ كُنُوزَكَ يَا رَبِّ خَيْرِ

بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار من و فینه ای خود را ای بخشنده

که در خانه او باشد از بهمان خیر آن که آخر روز آنرا و نشان چنین
 در شش خانه باشد و اگر بعد از شام و پیش از شب و در وقت
 که مال او کند یا نکند واجب نیست بر صاحبخانه و اگر پیش از شام داخل
 و افطار از مال او کند احوط آنست که هر دو بدهند یا یکی از اینست
 الاذن دیگری مستحق به هر قدر االی اند و اگر شخصی عیال او نباشد و او
 کسوة او را بدو در خانه دیگر باشد رکوة او بر حوطیست و چنین اگر در
 عید بخیر از شام از جهت همسایه اطعامی بفرستند یا فقیر را چیزی
 بدو یا بعضی سحر ماه رمضان همان باشد و در شب عید جائی بکراهت
 کند یا بعد از شام عید افطار کرده و بخانه او آید یا چیزی بخورده باشد
 و بعد از شام باید رکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت
 آخر هر دو بدهند بلکه مطلق همان اگر غنی باشد خود نیز بدو که بهتر است
 و وقت بیرون کردن فطره موافق ششم و شام عید است تا ظهر روز عید
 و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب عید نکند
 و پیش از نماز عید بدهند و اگر در صبح عید نکند نیز خوب است و اگر پیش از
 نماز عید نکند و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر برای حاضرین و در سخن
 یا عذر دیگر تاخیر کند تصور ندارد و اگر عید نکند تا ظهر روز عید احوط آنست
 که تا شام قصد او و قضا نکند و اگر روز عید بگذرد و بقصد قربت بدو
 و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره بر من

از تلف شدن محظوظی ماند چنانچه منتقل است که هفت سال در دریا و سحر
تلف نمود و مگر نه این را زکوة بمجنین فطره زکوة بدن است و بدن را پاکیزه
نمودن و غسل و تعویذ و غیره و او را تا سال دیگر از بلا حفظ میکند
چنانچه بسند معتبر منتقل است که حضرت صادق علیه السلام بامشب وکیل خرج خود
فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان من و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را
ترک کن که زکوة ایشان را ندی زیرا که اگر کسی را ترک کنی می ترسم که در عرض
نعال بپیروی و بداند که زکوة فطر بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمی شود
و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجب است و فطره بر او
به هر دو زکوة باشد و اگر آقا می دهد بنا بر شهر و بکر آنکه در آن شب عیال
و دیگری باشد و شهر و اقوی آنست که در وجوب فطره تو انکاری شده
است و آن موافق شده است که قوت مالیانه خود و عیال خود داشته
باشد یا قادر بر کسی باشد که وفا بمعیشت او، عیال او کند و بعضی گفته اند
اگر آتش عید زاید بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد
بر او واجب است و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر کسی فطره را
با عیال خود دست بدست بگرداند بعد از آن بغیر دیگر بدهد همه ثواب
فطره می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که خواهد
از لطفه او باشد بشرط آنکه در شب عید فطر عیال دیگری نباشد که اگر عیال
یک نفر باشد یا چند نفر واجب است و همچنین واجب است که بدهد از هر کس

و احاط آنست که فقیری را کمتر از یک صاع نهد و هر کس که بگوید
می توان داد و فطره واجب است بر هر کس که توان داد و بخیرش بین خیر واجب نفقه
دادن بهتر است و بعد از آن همسایگان پریشان و بعد از آن بکسانیکه ضایعتر
و صالحتر و پریشان تر باشند و فطره غیر مسکین را بیدنی توان داد و
فطره سیدر البید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت است که در
پنج عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کند و سنت است که بر خرافطار
نکند و سنت است که بگوید سنت است و بعضی واجب دانسته اند و از
حضرت صادق منقول است که غسل را در زیر سقایی بکن و در زیر آسمان مکن
و پیش از غسل بگو: **اللَّهُمَّ أَيْمَانًا بِكَ وَتَصَدِّقًا بِكَ يَا كُنَّا بِكَ وَ**
بار خدا یا تصدیق نموده ام تو و یاد دارم کتاب ترا و
اتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسْمِ اللَّهِ بَكُو

و پیروی نموده ام طریقه پیغمبر ترا رحمت فرستاد و خدا بر او و بر آل او

و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی بگو: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ**
خداوند بگردان این غسل را
كَفَّارَةً لِدُنُوبِي وَطَهْرَةً لِدِينِي اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الدُّنْسَ
محو کننده مرا و پاک کن دین مرا خداوند آلودگی را
و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نیز سنت موكده است و ثواب
بسیار در آن وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام علیه السلام

و باید باشد فطر باشد و الا تصدق باشد و بدو و مادر و جد و جد و
 فرزندان و فرزندان و گاه هرگاه فقیر باشد فطر ایشان بر او واجب
 است پس اگر فطر را خورند فطره بر او است و اگر عیال شخص دیگر باشند
 بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگر می پیرنماشند اشهر و احوط آنست
 که او فطره ایشان را بدهد و اما بعضی فطره مشهور آنست که هر چه قوت غالب
 باشد می تواند داد و احوط آنست که چو پاکسند یا حرم یا مویز یا کثاک
 و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز و بعد از آن هر چه قوت غالب
 باشد چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان تمام کنند آنست
 بهتر آنست که کنند بدین مردم دیهات که غالباً نان جو میخورند
 جو بدهند و در حدیث است که اگر یک صاع خرما و فطره بدین دو ستر
 میدارم از آنکه یک صاع طلا بدین و اما مقدار فطره از هر شخصی یک صاع
 باید داد و صاع موافق حساب مشهور نظیر یک من تبریز و چهار دینار
 و ربع مثقال است و احوط آنست که یک من و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط
 آنست که یک من شاه بدهند و باید یکجسی بدهند که قوت سالیان خود
 عیال خود را ندانسته باشد و سایل بکفت خود نباشد و احوط آنست که نظایر
 بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه
 السلام بجهت جامع الشرایط عادل بدهند که او مستحقان برسانند
 چون مصارف را او بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب آنستند

وَأَشَدُّ خَلْمًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْتَ خَيْرٌ مِنْهُمَا

در اینکه در آوری در هر نیکی که در آوری در آن محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ

و آل محمد را و اینکه بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی

مِنْهُ مُحَمَّدًا وَأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

بر این محمد و آل محمد را رحمتهای تو برادر و برایشان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتَ بِهِ عِبَادَكَ

خدایا من از تو بهترین چیزی که سوال کردند ترابان بندگان

الْبَصَائِحُ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ

شایسته تو و پناه میگیرم به آنچه پناه جستند از ان بندگان

الْمُخْلِصُونَ وَبَعْدَ از نماز غنید و عای بسیار وارد شده

فخلص تو و بهترین دعا یا دعای صحیفه کامله است و بسند

صحيح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در روز جمعه

و عید فطر و عید قربان و در هنگامیکه مهابی رفتن منوی نماز جمعه عید

میشوی این دعا بخوان اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ

بار خدا یا آنکه مهابی کرده در این روز یا ساخته خود را

أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ قَادِرٌ إِلَى الْخُلُقِ رَجَاءُ رَفِئَةٍ

یا آماده کرده و مستعد شده برای داد شدن بسوی آفریده بجهت امیدوار شدن

این است و بعد از آن قیامت امام اکبر علیه السلام میفرماید که
 گردن من را بیاورید و بگویند تنها میری توان کرد و بکمان فقیر و
 است که بجماعت بکشند و بنهار مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانستند
 حاضر شد تنها گردن سنت است و نماز عید و دو رکعت است در رکعت
 اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخواند
 و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند
 و قنوت مخصوصی دارد و اگر کسی او را نداند آنچه در شمارش است این است
 میخواند بخواند و هرگاه بجماعت کنند پیش نماز و خطبه بعد از نماز میخواند
 و قنوت مخصوص نماز عید است **اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِ يَا عِزُّ الْعِظَةِ**

بار خدا یا ای سزاوار بزرگواری و عظمت

وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ

وای سزاوار بخشش و جبروت و ای سزاوار درگذشتن و بخشش

وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا يَوْمِ

وای سزاوار پرهیزکاری و آمرزشش سوال میکنم از تو بحق این روزی

الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

که گردانیده آنرا برای مسلمانان عید و برای محمد رحمت فرستاده خدا

وَأَلِهِ ذُرَّاءُ وَمَنْ يَدَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وآل محمد خیره و زیارتی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

برکات و برکت

مَنْ بَايَازَنَّمِ الْوَالِدَيْنِ

ای بختابنده و تربین بختابنده کان امام صاحب العصر علیه

السلام منقول است که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَمْدِكَ وَأَمَانِي وَعَلَيْهِ

بارگاہ سید حسنین منبر ذکر دہ ام بسوی تو بوسیله محمد زایش دی خود جملے

مَنْ خَلَفَنِي وَعَنْ يَمِينِي وَأُتِمَّتْ عَنِّي لِسَابُ رِي

از پس خود و از جانب راست خود و پیشوایان از جانب چپ خود

أَسْتَرِيهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَأَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ رُفْقَى

پنهان بشوم باینان از عذاب تو و تو در یکی می جویم بسوی تو خود یکی

لَا أَحَدٌ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَعْمَى

یہ بات ہمیں ہرگز نہ دیکھ کر بسوئے از ایشان پس ایشان پیش ایشان

فَأَمِنْهُمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَسَخِطِكَ وَ

پس اینی بخش سب ایشان رسیدن را از حقوق تو و ششم تو

أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

درآمد مرا بر همت خود در دهره بندگان مشایسته خود

وَقَدْ عَظَايَا فَاتِلِيَا عِيسَى

در یادشهای او و نیکبهای او و عطاای او پس چنانکه بسوی تنهای آفاق
تَقِيَّتِي تَقِيَّتِي وَاعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي حَاوِيَا

هیاستن من و سازشدن و خودسازی من و آماده شدن من چنانچه میبخش
وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَقَوَاضِيكَ وَقَضَائِكَ

و صلای تو و جزایهای تو و نیکبهای تو و جزایهای تو
و عَطَايِكَ وَقَدْ عَدَّوْتُ إِلَى عَيْنِي عِيسَى

و بخششهای تو و تحقیق با داد آدم بسوی عیدی از عید
أَمَّةَ نِسَائِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَلَامُ

است پیغمبر محمد رحمتهای تو بر او و قول او و نزد نیاید نام
إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَتَى بِهِ قَدْ مَتَّهَ وَلَا

بهر تو در این روز با کار نیک که خدا دهنده آن چنین داشته باشم آزادند
نَحْنُ خَلْقُكَ خَلْقُكَ أَمَلْتَهُ وَلَكِنْ أَتَيْتَكَ خَاضِعًا

ما و خلق تو که امید داشته باشم آزاد و لکن آدم مرا فرو نمی گذارد
مُقَرَّبًا بِدُعَايِي وَإِسْعَاوِي إِلَى نَفْسِي قِيَا عَظِيمِ

اقرار نمایند بکنایان خود و پدر داری بسوی نفس خود پس ای بزرگ
عَظِيمِ اغْفِرْ لِي الْعَظِيمِ مِنْ دُعَايِي قِيَا

ای بزرگ بپارز برای من بزرگ را از کنایان من زیرا که تحقیق

أَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ قَلِيلًا لِي وَأَقْضِ لِي حَاجَتِي

سبحم آنچه که تشنه هست پس آسان کن او را برای سرفه در و آب کمی بپاشی من حاجتم را

فَوَيْلٌ لَّكَ قُلْتُ إِنِّي كُنَّا بَيْنَكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ شَهْرًا

پس بدستگیر نگفتم در کتاب خود و کفار تو راست و درست است این ماه

رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ

در ماهیست که فرود فرستاده شده در آن قرآن حال آنکه راه نهای

وَلِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنِ

آب و نیا هم است و نشانهای روشن است از راه نهای و بعد کردن حق از باطل

فَعَظَّمْتُ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أُنْزِلَتْ

پس بزرگ کردم حرمت ماه رمضان را بآنچه فرود فرستادهای

فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَّضْتُهُ وَعَظَّمْتُهُ

در آن که مستتر آن است و مخصوص کرد داندی آنرا و بزرگ کردم آنرا

بِتَضْيِيقِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقُلْتُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

بگردانیدن تو در آن شب قدر را پس گفتم که شب قدر

خَبَرٌ مِّنَ آفِ شَهْرِ يُنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ

بهر است از هزار ماه فرودی آیند فرشتگان و روح

فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ هِيَ

در آن شب بفرمان پروردگار خود از هر کاری سلامتی است آن شب است

أَصْبَحْتُ يَا اللَّهُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ

محمد و سنته و على دين علي و سنته و على

دين الاوصياء و سنتهم امنت بسيرتهم و

علاذيتهم و اترغب الى الله فيما رغب فيه

اليه محمد و علي و الاوصياء و لا حول و لا قوة

الا بالله و لا عزة و لا منعة و لا سلطان الا

الله الواحد القهار العزيز الجبار توكل على

الله و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله

بائع امره اللهم اني اريدك ما يرضي

الله و ما يرضي رسوله و ما يرضي اهل بيته

عَلَى الْفَوَاحِشِ أَلْحِقَ وَالْأَمِينِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ

بر من بر سنگه ای بپشت و به منی . . . روز تومس

كُلِّ قَرْعٍ وَلِكُلِّ هَوًى أَعَدَّ تَهْلُوعَ الْقِيَمَةِ

هر ترس و از هر شهوتی که آماده کرده آزار برای روز رستخیز

أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ

پناه میگیرم بحرمت ذات بزرگوار تو و حرمت پیغمبر تو

وَحُرْمَةِ الصَّالِحِينَ أَنْ يَنْصَرِمَ هَذَا الْيَوْمُ بِأَنَّ

و حرمت نیکوکاران . . . از اینکه بپایان رسد این روز حال آنکه

لَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَوَاضِعَ لِي بِهَا أَوْ ذَنْبٌ

بوده باشد مرا تا از من و بال که آماده کنی آنکه مرا بخندد کنی مرا بسبب آن با کناهی

تُرِيدُ أَنْ تُقَالِسَنِي بِهِ وَلَسْتَقِينِي وَتَقْضِيَنِي بِهِ

که قصد کنی آنکه بیخه مرا بآن و بدجست سازی در سوانامی مرا بآن

أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَالِسَنِي بِهَا وَتَقْضِيَهَا

یا خطایی که اراده کنی آنکه مقابله کنی با آن و بکسی می آزار

مَنْ لَمْ تَغْفِرْهَا لِي وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

آنکه نیامرزیده باشی آزار برای من و سوال میکنم از تو بحرمت

الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ مَا يُرِيدُ أَنْ يَقُولَ لِي لَسْتُ بِكَافِرٍ

بزرگوار تو که بعبادت توانا هست بر کردن آنچه خواهی که میگوئی برای هر خدای پس من باشم

مَطْلَعُ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَضَاكَ

سبحان بار خدایا این روزهای ماه رمضان

قَدْ أَنْقَضْتَ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّصْتَ وَقَدْ صَرَّصْتَ

تجیق پایان سپید و شبهای آن تجیق منقطع گردید و تجیق گردیدم

مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَجْضَى

از آن ای الهی من بسوی آنچه تو دانایتری بآن از من و دانایتری

بَعْدَ دِهِ مِنْ عَدَدِي قَا سَأَلْتُ يَا إِلَهِي بِمَا

بشار آن از شمار من پس سوال میکنم از تو ای الهی من بآنچه

سَأَلْتُ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

سوال کرده اند بآن بندگان شایسته تو آنکه رحمت بفرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْبَلَ مِنِّي

محمد و آل محمد و خاندان محمد و اینکه پذیرایی از من

مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ وَتَفْضَلَ عَلَيَّ بِتَضَعِيفِ

آنچه را که نزدیکی جستم بآن بسوی تو و اینکه بخشش کنی بر من بدو چندان که دانیدن

عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرْبَاتِي وَأَسْتَجَابَةَ دُعَائِي

کردار من و پذیرفتن نزدیکی جستن من و دو جبات قرب من و اجابت کردن دعا

وَهَبْ لِي مِنْكَ عِشْقَ مَرْقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَمِنْ

بخشش مرا از جانب خود آزا نمودن گردنم از آتش و منت گذار

عَبْدُكَ فِيهِ وَصَمْتُهُ لَكَ وَتَعَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مُنْذُ

عبادت کرده ام ترا در روز و شب از ابرامی تو و نزدیکی جسته ام بسوی تو از آنوقت
که سگشنی قلیه اعظمه لجر و ائمه نغمه و اعمه

همه یار کن کردی مراد ان بزرگترین آن از روی مزد و تمام ترین آن از روی نعمت و بزرگترین

مَغْفِرَةٍ وَأَكْلَهُ مِنْ ضَوَائِكَ وَأَقْرَبَهُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَصَلِي

از روی آمرزشی که بزرگترین آن از روی خوشنودی و نزدیکترین آن بسوی آنچه دوست دارد و پسند

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صَمْتُهُ لَكَ

خداوند! که در این آذر ماه رمضان بیکه روزه داشتیم از این جهت تو

وَأَرْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ

در روزی که مرا بازگشت در آن پیرا بازگشت تا آنکه خشنود شوی و پس از

الرِّضَا وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَأَنْتَ

خوشنود و تا آنکه بیرون ببری مرا از دنیا سالم و حال آنکه تو

عَنِّي رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِي اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهِمَا

از من خشنود باشی و من برای تو پسندیده باشم خداوند! که در این دو

تَقْضِي وَتَقْدِيرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُحْتَمَلِ الَّذِي لَا يَسْتَعِينُ

حکم یکنی و تقدیر یکنی از امر لازم گردیده که در دو ذکر شود

وَلَا يَبْدُلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و مبدل نمیشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَأْسِهِ الْإِلَهِاتِ

نیت سزاوارچستن مکر او خداوند را بدین سبب که سوال میکنم از تو بحسب لایله الهات

إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَنْ تَزِيدَ

اگر بود باشی که خشنود باشی از من در این ماه یا بدی

فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمَلِي رَضَى فَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ

در آنچه باقی ماند از عمر من خشنودی را پس اگر بود باشی که خشنود نباشی

عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ فَمِنْ أَلَانِ فَأَرْصِدْ عَنِّي

از من در این ماه پس از حالا خوشنود و مشورت بزمین

السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي

در این ساعت در این ساعت دیگران را در این ساعت بدو

فِي هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عَمَلِيكَ مِنَ الْبَاقِي تَطْلُقًا

در این مجلس از آزاد کردن خود از آتش و از دیگران خود

مِنْ جَهَنَّمَ وَسَعْدَاءِ خَلَقْتَ بِمَغْفِرَتِكَ قَسَمًا

از دوزخ بدیگمان خلق خود با بر پیش خود بخشش خود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

ای بخشنده ترین بخشنندگان خداوند را بدین سبب که سوال میکنم از تو بحسب ذات

الْكَبِيرِ أَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا خَيْرَ شَهْرٍ مَصْنُوعٍ

بزرگوار را بدین سبب که بگردانی ماه مرا ای ماه بهترین ماه رمضان که

بَدَأُ وَلَا سَهْمَةً يَا رَبِّ الْآرِبَابِ اللَّهُمَّ ارِنِي

همکن روزی که ای برادر و کار پروردگار من خداوند ابراست که من

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِثْلَ مَا تَشَاءُ وَأَرْزُقْ قَضِيَّتَ

سوال من از تو اینکه بگردانی از جمله آنچه خواسته داراده نموده و مکر کرده

وَقَدْ زَرْتِ رَوْحِي وَخَمَمْتَ وَأَنْفَذْتَ أَنْ تُطِيلَ عَمْرِي

و تقدیر نموده و واجب ساخته دروان ساخته اینکه بدار کنی عمر مرا

و تُنْشِيَنِي فِي أَجَلٍ وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ

و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی

فَقْرِي وَلَمْ تَجْعَلْ لِي قَاتِي وَأَنْ تَرْجِمَ مَسْكَنَتِي وَ

نیاز مندی مرا و اینکه نداده کنی اعتبار مرا و اینکه رحم کنی در ویشی مرا

أَنْ يُعْزِدَنِي وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي

اینکه از جهند سازی بخاری مرا و اینکه بلند گردانی پستی مرا و اینکه بی نیاز کنی نیاز مندی مرا

وَأَنْ تُؤَيِّسَ وَخَشْيَتِي وَأَنْ تُكْثِرَ قَلْبِي وَأَنْ تُدِيرَ

و اینکه آرام کنی و امید کنی مرا و اینکه بسیار کنی کنی مرا و اینکه روان ساز

مِرَاتِقِي فِي عَافِيَةٍ وَلَيْسَ وَحْفِي وَأَنْ تُكْفِيَنِي

روزی مرا در عافیت و توانگری و وفایت و اینکه بسنج کنی از من

مَكَاهَتِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تَجْعَلْ لِي

آنچه عکس نماید مرا از امر دنیا من و عقیای من و دانه انداز مرا بسوی

فِي هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ الْمَبْرُورِ حُجَّتُهُمْ
 در این سال در هر سالی آنکه پذیرفته باشد حج ایشان
 الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ الْمَعْقُودُ ذُنُوبُهُمْ بِالْمَكْفَرِ عَنْهُمْ
 بجز داده باشد حرکت ایشان ارزیده باشد گناهم ایشان زایل کرده شود ایشان
 سَيِّئَاتُهُمْ الْمُتَقَبَّلُ مَنَاسِكُهُمُ الْمَعَادِينِ عَلَى
 بدیهی ایشان قبول کرده باشد عبادت های ایشان عاقبت بخشیده
 أَسْفَارِهِمُ الْمُتَقَبَّلِينَ عَلَى نُسُكِهِمُ الْمُحَقَّقِينَ طِينِ
 سفرهای ایشان رو آورنده بر اعمال حج خود نگاه داشته شده
 فِي أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذُرَارِيَهُمْ وَكُلِّ مَا
 در نفسهای خود و مالهای خود و فرزندان خود و در هر
 أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هَذَا
 انعام کرده بآن خداوند این مجلس را بازگردان از مجلس من این مجلس
 فِي شَهْرِي هَذَا فِي يَوْمِي هَذَا فِي سَاعَتِي هَذِهِ
 در ماه من این ماه در روز من این روز در ساعت من این ساعت
 مُفْلِحًا مُنْجِيًا مُسْتَجَابًا لِي دَعَائِي مَعْقُودًا ذَنْبِي
 نیروز رستگار پذیرفته برای من دعای من آرزیده شده گناه من
 مُعَاقًا مِنَ النَّارِ وَمُعْتَقًا مِنْهَا عَقْدًا لَارِيًّا وَبَعْدَهُ
 عاقبت بخشیده شد ملاقاتش و آزار هر دیده آنان آزاد می که نباشد بندگی پس از آن

طَمَعِي وَرَجَائِي فَقَدْ تَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ملنی مرا اسبدر اسپن تحقیق کرده و در دام لبوی نو بوسه محمد و آل محمد
وَقَدْ مَتَّعْتَنِيكَ أَمَامِي وَأَمَّا حَاجَتِي وَطَلِبَتِي وَتَضَرُّعِي

و پس من را پیش از لبوی نو در پیش خود و پیش حاجت خود و مطلب خود و زاری کردن خود
وَمَسْتَلْتِي فَأَجِبْ عَلَيَّ بِهِمْ وَجِئُهُمَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و سوال کرده و خود پس بگردان مرا بخدمت ایشان در دنیای در اینجا و در آنجا
وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَإِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيْهِمْ فَأَحْتَرِمُ لِي

و از نزد بیکان زیرا که تحقیق تو منت گذاشتی بر من بسبب ایشان پس من کن برای
بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَ

رنیک بختم رسدانی و اینی و امان
الْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ وَالْحِفْظِ يَا اللَّهُ

آمرش بخشودی و سعادت و نگه داری بخند
أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنَا

توی برای هر حاجتی که ما را است پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و عافیتش را
وَلَا تَسْلِطْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ

و دست مده بر ما هیچکس را از خلق خود که نباشد توانایی
لَنَا بِهِ وَكَفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنَ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

ما را بود و کار گذاری کن بر ما هر امری از امر دنیا و آخرت

قَمِي فَأَعْرِضْ عَنَّا وَلَا إِلَى النَّاسِ دِينٌ قَضَوْنِي وَ
 نفس خود پس عاجز شوم از خود بسوی آسمان پس را گذارند مرا
 نَ تَعَارَفْتَنِي فِي دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَوَسْوَ
 بگذاشتی غشی مرا در دین من و بدن من و جسد من و وسوسه من
 وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَأَهْلِي مَوَدَّتِي وَأَحِبَّائِي حَبِيبِي
 و فرزندان من و اهل من و اهل من و دوستان من و برادران من و محبتی که با من
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ
 از مردان کرده و از زنان کرده و مردان مسلم و زنان مسلم
 الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ تَكُنْ عَلَيَّ
 زندگان ادبشان و مردگان و اینکه سنت گذاری بر من
 بِالْإِيمَانِ مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّكَ وَلِيٌّ وَ
 با منیت و ایمان : لدا م که باقی داری مرا زیرا که خفین نوی یا دین
 مَوْلَايَ وَثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَعْدِنَ مَسْئَلَتِي
 آگاهی من و مستند من و امیدگاه من و قرارگاه سوالی من
 وَمَوْضِعَ شِكْوَايَ وَمُنْتَهَى رَغْبَتِي فَلَا تُخَيِّبْنِي
 و جایگاه شکایت من و منتهای رغبت من پس امید کن مرا
 فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَثِقَتِي لَا يُطْلَقُ
 در امید من ای پادشاه من : طاعت من و مستند من و ناخیز کن

یاد فرمود است: آنها ذی قعدة و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است
 و درین ماهها ائمه اهل بیت با کافران نباید کرد و پیشخ سفید رده و غیره
 از حضرت رسول صلعم روایت کرده اند که هر که در یکی از ماههای حرام
 پنجشنبه روزه بگیرد و یا روزه بداند ثواب نهصد سال عبادت
 برای او نوشته میشود و در روایتی از حضرت رسول منقول است که در
 پانزدهم ماه ذی قعدة حق تعالی بسوی بندگان مومن نظر رحمت می کند
 کسی که آن شب را بعبادت بسد آورد و صواب صد عابد باو عطا کند
 که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشند و چون نصف شب بگذرد
 شروع کن در عبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی طلب کن
 که هر حاجتی که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و یکم
 ماه ذی قعدة زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دینیت است
 و روز بیست و پنجم ذی قعدة روز دعا و الارض است یعنی پهن شدن زمین از کعبه
 معظمه بروی آب و روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبد الله روایت
 کرده که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم
 ذی قعدة بیرون آمدند و فرمودند که امروز بار و زنده بارید که من نیز
 روزه ام گفتیم خدا می شودیم امروز چه روز است فرمود روزی است که رحمت
 درین روز منتشر گردیده است و زمین درین روز پهن شده است و کعبه در
 نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام درین روز زمین فرو افتاد

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ وَالْأَكْرَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای خداوند بزرگداری برکرا میداشتن رحمت بزرگ بر محمد و آل محمد و بر

و باریک علی محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد و بر محمد و آل محمد

خودش را در روز بجا آورد و شبش را عبادت کند و در روایتی
و آمده است که **سجده** درین روز در وقت پهاشت دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد بخمر سوره الفاتحه بخواند

و بعد از سلام این دعا بخواند

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُغِيثُ

بست قدرتی و نه توانایی مگر بتو حق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه ای در گذرنده

الْعَثَرَاتِ أَقْلَنِي عَثَرَتِي يَا مُحِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ

نفرس! در گذر از لغزش من ای اجابت کننده دعا! اجابت کن

دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي

دعای مرا ای شنونده دعا! بشنود آواز مرا و رحم کن مرا

وَبِحَاثِمِ عَرَبِيَّتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَبِحَبِيبِ

و در گذر از بیبهای من ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن! که مستحب است

که درین روز این دعا بخواند اللَّهُمَّ دَاخِلِي الْكَعْبَةَ وَفَالِقِ

خداوند ای گستراننده کعبه و شکافنده

الْحَبَّةِ وَصَاحِبِ اللَّزِيَّةِ وَكَاشِفِ كُلِّ كَرْبَةٍ أَسْأَلُكَ

دانه و گرداننده سختی و زایل کننده هر اندوه سوال میکنم از تو

فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَبَا مَلِكٍ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَ

در این روز از ابوامتی که بزرگ کرد انبیدی حق آنرا و

و این بابویه رحمه الله روایت کرده است از حسن مجتبی که گفت من با پدرم
 ده خدمت حضرت ابام رضا شام بخوردیم و شب بیست و پنجم ماه ذیقعد
 پس فرمود که آتش حضرت ابراهیم صلی الله علیه و آله را که شام متولد شده
 در زمین از زیر کعبه پنهان شده است پس هر کس که روزش را روزه و نماز و استغفار
 که شصت ماه را روزه داشته باشد و حضرت قایم علیه السلام درین روز
 ظاهر خواهد شد و از حضرت رسول منقول است که حق تعالی رحمت خود را
 بدین روز بر بندگان فرستاده است در روز هفتاد و نهم ماه ذیقعد سال
 است و بر روایت دیگر رحمت از آسمان درین شب نازل شده است
 و تعظیم کعبه بر آدم علیه السلام درین روز نازل شده هر که درین روز روزه
 دارد هر چه در میان آسمان و زمین است آنگاه استغفار کنند و طلب
 آمرزش نمایند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مروی است که اول
 رحمتی که از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذیقعد
 بود هر که درین روز روزه دارد و شب آنرا بعبادت بایستد از برادر
 او عبادت صد سال نوشته شود که روزگار روزه داشته باشد و شبها
 بعبادت برآورد و باشد و هر جا صلیک درین روز جمع شوند برای گریه و زاری
 خود پیش از آنکه متفرق شوند عبادت ایشان برآورده شود و درین روز
 هزار نفر از رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد و نود و نه
 رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و خدا استغفر شوند

مَا لَطَفْتُ بِكَ لَطْفًا وَأَسْعَدَنِي بِعَفْوِكَ وَأَتَدْنِي
 کبریا کن من بلطف خود و بخشش کبریا ~~و توفیق ده مرا~~
 نَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَيْبَرُ ذِكْرِكَ يَوْمَ كُنْزِكَ
 یاری خود و فراموشی نکردن کبریا ~~یوم کبریا~~
 وَحَفَظَةَ سِرِّكَ احْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ
 نگه دارنده گان حراز خود نگاهدار مرا از آلودگیهای زمانه
 يَوْمَ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاشْهَدْنِي أَوْلِيَاءَ لَكَ عِنْدَ
 روز برانگیختن زنده و گردانیدن و حاضر کردن برای من دوستان خود در آنروز
 خُرُوجِ بَفْسِي وَحُكْمِ لِرُمْسِي وَأَنْقِطَاعِ عَمِّي وَ
 بیرون شدن روح من و فرود آوردن من و قهر خود و بریدگی کمر من
 أَنْقِضَاءِ أَجَلِي اللَّهُمَّ وَالَّذِي كَرَّمَنِي عَلَى طَوْلِ الْبَلَى إِذَا
 منقضی شدن زندگی من بار خدا یا و یاد کن مرا بزرگداری زمان پسندگی مرا
 حَلَّتْ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَلَسَعَنِي النَّاسُونَ مِنْ
 فرود آیم میان طبقه های خاک و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان از
 الْوَرَى وَأَحْلَلَنِي دَارَ الْمَقَامَةِ وَتَوَاتَى مَنَزِلَ
 خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده مرا در جایگاه
 الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ مَرَاةِقِ أَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ
 نازش و بگردان مرا از رفقای دوستان خود

أَقْدَمْتُ سَبْقَهَا وَجَعَلْتُهَا عِنْدَ الْمُتَمَنِّينَ دَرِيْعَةً

پیش داشتی پیش از آنکه اندکی آنرا نزود کردند کان

وَأَلَيْكَ ذَرِيْعَةٌ وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيْعَةِ أَنْ تَصِلَ

و بسوی خود رسید و رحمت را ببرد از آنکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُتَجَبِّ فِي الْيَمِينِ الْقَرِيبِ يَوْمَ

بر محمد بنده خود که برگزیده شد است در روز پیمان نزدیک در روز

التَّلَاقِ فَإِنَّ كُلَّ رَنْقٍ وَذَائِعٍ إِلَى كُلِّ حَرْقٍ وَعَلَى

ایهم رسیدن گشاینده هر بسند و خواننده خود بسوی برادر حق در

أَهْلِيَّتِهِ الْأَطْهَارِ الْهَدَاةِ الْمَنَارِ دَعَا لِمِ الْجَبَّارِ

خانواده او که با کاندید راه نمایانند نشانهای هویت اند ستونهای بزرگ

وَوَلَاةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَعْطَانِي يَوْمَ هَذَا

و دالیمان اهل بهشت و دوزخ اند و عطا کن مرا در روز ما این روز

مِنْ عَطَايِكَ الْخُرُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُونٍ

از عطای پنهان داشته خود حال آنکه نباشد برید و شده و نمنت نهاده شده

بِجَمْعِ لَتَايَةِ التَّوْبَةِ وَحَسَنِ الْأَوْبَةِ يَكْخَيْرُ مَذْحُوقِ

و بجمع کنی برای با سبب آن توبه و نیکویی بازگشت برای بهترین کسیکه خوانده شود

وَأَكْرَمُ مَرْجُوءٍ يَا كَهْمِي يَا وَفِي يَا مَنْ لَطْفُهُ خَفِي

و بزرگوار کسی که امید داشته شوی کار گزار و ماکنده ای آنکه لطف او پنهان است

وَعَجِّلْ مَوَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مِمَّا لَكُمْهُمْ وَصَبِّقْ

دروغی را می ایشانرا و باز گیر از ایشان مملکت را می ایشانرا و شکست

عَلَيْهِمْ مَسَائِكَهُمْ وَالْغَنِّ مَسَائِهِمْ وَمَسَائِرِهِمْ

بر ایشان راه می ایشانرا و لغت کنند هم از ادب ایشانرا و شریک ایشانرا

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ قَرِيجَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَأَنْزِلْ دُعَاءَهُمْ مَطَا

خداوند ایشانرا باین گشایش و دستان خود را و برگردان بر ایشان دعای ایشانرا

وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قُلُوبَهُمْ وَأَجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا

و ظاهر ساز بر راستی و درستی قایم ایشانرا و برگردان او را بجهت دین خود انتقام کننده

وَيَا مَرْكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتِمِرًا اللَّهُمَّ اخْفَفْهُ

و بفرمان خود رو بآره دشمنان خود فرمان بردار خداوند را فرو گیر او را

بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ وَمِمَّا أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي

بفرستگان یاری و بآنچه بفرستی بر او از امری در

لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَيُعَوِّجَ دِينُكَ

شب قدر حال آنکه بوده باشد انتقام کشنده برای تو تا آنکه خشنود شوی و برگردد دین

بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ بَجْدِيدًا غَضًّا وَيَحْضُ الْحَقَّ مُحَضًّا

بسببان و بدو دستهای او نوازده و خالص نماید حق را خالص نمودنی

وَيَرْفُصَ الْبَاطِلَ رَفْضًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و براندازد باطل را برانداختنی خداوند رحمت بفرست بر او و بر آل او

اَحِبَّكَ يَا نَبِيَّكَ وَاصْطَفَاكَ وَبَايَكَ كَلِمَةً فِي لِقَائِكَ

در کنگرگان سرور و در دستان غرور و برکت و در مدد و در کفایت خود
و انزل رزقنی حسن العمل قبل حلول الاجل مبتره

در روزی کن مرا نیکوی کردار بجای آورده بسیدن اجل حال آنکه بدو چشم بزرگ
مِنَ اللّٰه اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الَّذِي خَوَّضَ

از پیشانی من در دستان تو و در بار دستان تو مرا بعد کن از حوض
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَاَسْقِنِي مِنْهُ مَسَرًّا

بجای خود محمد رحمت فرستاد و خدا بر او و بر آل او و بیانشان مرا از آن حوض آسایش
سَؤْيَا سَؤْيَا هَيْثُنَا لَا اَطْمَأْنِنُهُ وَلَا اَجْلُوْزْدُهُ

کامل آسان گوید که نشسته نکردم پس از آن و در شمع کرده چشم از او برداشتن
وَلَا عَنَّهُ اَذَادُ وَاَجْعَلْهُ لِيْ حَبِيْرًا زَادٍ وَاَوْفِ مِيعَادُ

و نه از آن را نده شوم و بگردان آنرا برای من بهترین توشه و وفا کرده شده و نرو ده
يَوْمَ يَقُومُ الشَّهَادَةُ اَللّٰهُمَّ وَالْعَن جَبَّارَةُ الْاَوَّلِيْنَ

در روزی که برپا شوند حاضران خداوند لعنت کن تسلط دارندگان پیشینیان
وَالْاٰخِرِيْنَ وَيُحَقِّقْ اَوْلِيَاءَكَ الْمُسْتَآثِرِيْنَ

پیشینیان را و محقق سازد دوستان تو اختیار کنندگان را و
اَللّٰهُمَّ وَاَقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَاَهْلِكَ اَشْيَاءَهُمْ وَاَعْلَمُ

بار خدا یا ویران کن ستونهای ایشان را و نیست کن گردان ایشان را و دانای ایشان را

روزی که در آن شب از کوشش چهار پایان که کا و کسپند و شتر
 و نیز است و در احادیث مستبر بسیار از این باب است اما حدیثیست
 منقول است که ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است ایام معدود
 روز ویم وماندیم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه است و از حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله منقول است که هر عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی محبوبتر
 از ده روز اول ماه ذیحجه چون این ماه داخل می شد صلحای صحابه و تابعین
 اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که پدرم امام محمد باقر علیه السلام با من گفت ای فرزند اگر
 البته در هر شب در ده اول ماه ذیحجه دو رکعت نماز بجا آورد و در میان نماز
 و خفتن و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سوره قل بفرمود این آیه را بخوان
 وَاعْدِنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمْنَا هَآبَعَشْرَ قَلْبَرِ مَنَاقِبَاتِ
 سَرَّيْهِ آتَمَيْنَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لَا خَيْرَ لَهْرُونَ اَخْلَقْنِي
 فِي قَوْمِي وَاصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون
 چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هر چند حج نزد به
 در در اول ذیحجه روز یک است و در دینی وارد شده است که حضرت
 ابراهیم خلیل الله علیه السلام درین روز متولد شده است و درین روز
 حق تعالی حضرت ابراهیم را خلیل خود کرد و انبیا و بسند معتبر از حضرت موسی بن
 جعفر علیهما السلام منقول است که هر که در اول ماه ذیحجه را روزه

وَعَلَىٰ جَمِيعِ آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صُلُوبِهِ وَأَسْرَتِهِ
بر آبائش و بکردار ما را از پادشاه او و کرده او

أَبْعَثْنَا فِي كَثْرَتِهِ حَتَّىٰ تَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ
بر آبائش را در رجعت او تا آنکه همه بنشیند در زمان او

أَعْوَانِهِ اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْ قُلُوبِنَا
یا دران او خداوند از ایشان ببرد و از دلها ببرد

آيَاتِهِ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَارْكُدْ أَلَيْسَ سَلَامُهُ وَالسَّلَامُ
در زمانی دولت او در محبت بفرست بر او و کردار بسوی باسلام او را در و در

عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ
بر ایشان و رحمت خدا و برکتها را

باب **خمس** در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذیحجه است
و در آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضائل ماه ذیحجه است

و در به اول و اعمال آنست ایام این و همه در نهایت فضیلت برکت است
و حق تعالی میفرماید وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ

یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده گشته یعنی کم و باز فرمود
است وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَقَّعَهُمْ

مِنْ رَحْمَةِ الْإِنْعَامِ یعنی اعلام کن مردم را که بیایند حج تا آنکه ببینند
منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنید خدا را در روز چند معلوم برای آنکه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْغَنِيِّ الْمُنْتَهَى الْمَلِكِ الْفَاخِرِ

بر کواری بلند مرتبه برکت پاک است خداوند بادشاهی عظیم

الْقَدِيرِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ التَّمَلُّقِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ

دیرینه پاک است آنکه می بیند شانه مورچه را در سنگهای هوای پاک است

مَنْ يَرَى وَفَعَّ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ

آنکه می بیند فرو آمدن مرغ در هوا پاک است کبک او

هَكَذَا كَذَلِكَ

چنین است و نیز چنین میسر او

مولف گوید که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه

علیها السلام دو رکعت است و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلنا

و در رکعت دوم صد مرتبه توحید و اگر هر دو را بجا آورد آن دعا را

بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت

فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد

و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز ادا

تیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد

ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیه الکرسی و ده مرتبه انا انزلنا و بخواند

و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد

بگوید انا انزلنا و بخواند

حق تعالی برای او ثوابی بشمارد باید روز و شب و آن حضرت را نام محمد
 علیه السلام بخواند است که هر که در اول ماه ذی الحجه را روز و شب
 حق تعالی ثواب روز و شب نام محمد را از برای او بخشد و شیخ طوسی علیه
 الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روز و شب است و اگر
 نتواند روز اول را روز و شب دارد و در اول صحت رسالت میباشد
 صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین
 علیه السلام تزویج نمود و بر دایب و دیگر در و ششم تزویج نمود و بدانکه
 روز و قضای ماه مبارک رمضان را از اول با و تا روز عرفه میخواند گفت
 چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیح بر آن دلالت دارد و بعضی از روایات
 که بر منیع وارد شده است سند آنها معتبر نیست و محمول است بر تقیید
 چنانچه در کتب مبسوطه دلائل آنرا اینها ذکر و اتم و بار شیخ گفته است
 که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آورد و
 روایت بخند است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین
 علیه السلام بدو سلامی و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل بگو
 الله احدی خواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
 سه خواند و تسبیح نیست

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ
 پاک است خداوند عزت بارگفت بلند پایه پاک است خداوند

يَا تَرْضَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَمْوَصِعَ كُلِّ سَكْوَى

وکیبندی خداوند من استیکه من سوال میکنم از تو ای ترا کلام بر مستحائنی

وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَحْوَى وَكُنَّا هَدًى كُلِّ مَلَأَ وَيَا عَالِمَ

وای شنونده هر زانویی وای حاضر هر جمعی وای دانای

كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ

هر پنهانی ای که رحمتی بفرستی بر محمد و آل محمد و ای که زایل کنی

عَنَّا فِيهَا الْعِلَاءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ وَتَقْوِيَانَا

از ما در آنها بلا را و پندیری برای ما در آنها دعا را و قوت دهی ما

فِيهَا وَتُعِينَنَا وَتُوقِّعُنَا فِيهَا لِمَا نَحْبِبُ بَنَّا وَتَرْضَى

در آنها و مدد کنی ما را در آنها و در آنها برای آنچه دوست داریم در آنها

وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ

و بر آنچه واجب کرده بر ما از فرمان برداری خود و فرمان برداری

رَسُولِكَ وَآهْلِ وَلايَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

رسول خود و دوستان خود خدا و مرا بدرستی که من سوال میکنم ترا

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

ای بخشنده ترین بخشنندگان ای که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و ای که

تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا إِنَّكَ تَسْمِعُ الدُّعَاءَ وَلَا تَحْزُنُنَا

بخشش ما را در آنها خوشنودی و بدرستی که تو پزیرنده دعای ما را و اندامدکن ما را

حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ مِنْ سُؤَالِي عَلَيْكَ يَا حَسْبِيَ

بسم الله الرحمن الرحيم
حق تعالی کفایت شد آن عالم بکنند و شیخ و تلکبری و سیدین طاب
بندای معتبر و ایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند اول روزی که بخیزد و در سجده بماند و در وقت
عروب آفتاب پیش از نماز شام این دعا بگوید خواندند
اللَّهُمَّ هَذِهِ أَسْئَلَاتِي الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى غَيْرِهَا مِنْ أَسْئَلَاتِي
بار خدا یا این روزی که بخت کردی و در آن روزها از هر روز
و شرفتها و قد بلغت فيها بميتك و سرحتك فانزل
و بلند کردی و پدید آنهارا برسانیدی مرا با این دعا خود در رحمت خود پس خود فرست
عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَ أَسْأَلُكَ عَلَيْهَا مِنْ تَعَالُكَ
بار خدا یا بدستیک من سوال میکنم از تو بکمیت رحمت خود بر محمد و آل محمد و در آنهارا
و آن تهذیبها سبیل الهدی و نور قمار فیها
مانند راه هدای کنی ما را در آنجا و در آنجا است و در آنجا کنی ما را در آنجا
الْقَوِي وَالْعِزَّ وَالْفَنَى وَالْعَمَلُ فِيهَا بِمَا حَبِبَ
برای قوی و عزت و فانی و کار کردن در آنجا و در آنجا است و در آنجا کنی ما را در آنجا

و...

وَجَعَلْنَا فِيهَا مَنًى عِبَادًا لِّكَ وَطَلَقْنَاكَ مِنَ السَّارِ

وگردان ما را در این تریزه از آزله گردیدگان خود و گردیدگان خود از آزله
وَالْفَائِزِينَ بِحَسَنَاتِكَ الْتَائِبِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و فرزای یافتگان بهرشت تو را ستکاران برحمت تو ای بخشندترین بخشندگان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَبَسَّمَ تَسْلِيمًا

و برحمت تو شهادت خدا بر محمد و آل او بسمه و درود و فرستاد درود و فرمود

بمقد سید علی و حسن و حسین علیهم السلام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام کرد و آنکه جلیل علیه السلام

از جانب خداوند جلیل برای حضرت عباسی السلام پنج دعا بفرمود

و گفت یا عیسی ابن مریم دعا را در ده اول ماه ذی الحجه بخوان بدینگونه

بجمع عباداتی من و من تعالی محبوب تر نیست از عبادت کردن من و ده اول

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ

کواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست انباز می برای او و مرا

الْمَلِكُ وَلَهُ الْحُكْمُ يُدِيرُ الْخَيْرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بادشاهی و مرا و راست سپاس بدستوست یکی و او بر همه چیز توانا است

دوم أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

کواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست انباز می برای او

أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَخُذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا سَمِ

یانا است چاه نیارمندان فرما گرفته است هیچ زنی و نه فرزندی

خَيْرَ مَا نَزَلَ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَطَوَّافًا مِنَ الدُّنْيَا

از خیر آنچه فرو و آید: در آنها از آسمان و آنکه کنایه از کائنات

يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ وَأَوْحِثْنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ

ای دانای هر پنهان و واجب گردان برای ما دایره ای برای همیشه را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و نگذار از برای ما در آنها گناهی را

إِلَّا عَقْرَتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرْجَتَهُ وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضِيَّتَهُ

مگر آنکه بیاموزی آنرا و نه غمی را مگر آنکه بکشی آنرا و نه قرضی را مگر آنکه داد کنی آنرا

وَلَا عَارِبًا إِلَّا آدَابَتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ جَوَائِجِ الدُّنْيَا

و نه پنهانی مگر آنکه برسانی آنرا و نه حاجتی از حاجتهای اینجهان

وَالْآخِرَةَ إِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا أَتَيْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرًا

و اینجهان مگر آنکه سهل کنی آنرا و آسان گردانی آنرا بر هر شکی تو بر هر چیز توانایی

اللَّهُمَّ يَا عَالِمَ الْحَقَائِقِ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ يَا مُجِيبَ

بار خدایا ای دانای پنهانیا ای رحم کننده سر شک دیده ای پذیرنده

الدَّعَوَاتِ يَا رَبَّ الْأَرْضَيْنِ وَالسَّمَوَاتِ يَا مَنْ

دعایا ای پروردگار زمین و آسمان ای آنکه

لَا تَنْشَابُهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سنتب نمیشود بر او آوازا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

عمل بیچک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در این و در روز قیامت
 صفات او زیاده از هر کسی باشد و هر که دعای دوم صد مرتبه بخواند چنان
 باشد که ده هزاره مرتبه توبیت و انجیل خوانده باشد و ثواب آنها را بدو
 حضرت عیسی کفایت ای جبرئیل ثواب خواندن توبیت و انجیل صد مرتبه
 گفت طاقت برداشتن یک حرف توبیت و انجیل نداشت هر که در آسمانها
 هفت کاتبه است ملائکه تا آنکه میبوسند من و اسرافیل زیرا که
 اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و لا قوة الا بالله و هر که دعا
 سیوم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او یا بنده عاده هزار
 هزار حسنه و محو کند از او هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت هزار هزار
 درجه و فرستد از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها برداشته باشند
 و صلوات فرستند بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده است پس
 گفت که ای جبرئیل ای ملائکه صلوات فرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت
 که هر که ایمان آورد و با پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغیری نندهد
 شریعت ایشان را حق تعالی ثواب پیغمبران را بآنها عطا میفرماید و هر که دعای
 چهارم را صد مرتبه بخواند عار او استقبالی نماید ملکی و دو بال بر دوش
 حق تعالی پس خدا نظر رحمت کند بسوی او بنده آن دعا بر حمت و هر که خدا
 نظر رحمت بر او کند هرگز شقی و عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت جبرئیل
 ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است و حق تعالی مرا

دعا

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 که ای می‌دهم اینکه نیستند او را برستش که خدا در عالم تنگ بجای نیست شریکی برائی او
 أَشْهَدُ أَنَّ الْمَلِيكَ وَالْمُرُودَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
 بکلمات مقصود معنی جان است نزارده و زاننده نشده و نیست مراد از آنست که هیچ
 چهارم أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 که ای می‌دهم اینکه نیست سزاوار هیچ شری که خدا در عالم تنگ بجای نیست
 لَهُ الْمَلِكُ وَالْمَلِئِكُ وَالْمُرُودُ قِيَمَتٌ وَهُوَ الْحَيُّ لَا
 مراد از مراد است پاوست ای نور ادر است سبحان زنده میکند و می میراند و او زنده
 يَمُوتُ يَبْدُوهُ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 نبرد دست اوست بر نیکی و او بر همه - صفت تواناست
 خَمْسَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ
 پس است مرا خدا و کافی است شنید خدا مرا را که خواند و جناب او را
 وَرَأَى اللَّهُ مُنْتَهَى أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا وَآتَهُ بِرِي
 غیر خدا - انتهای که ای می‌دهم برای خدا با آنچه خواند و خدا و با آنچه
 يَمُنُّ تَبَيَّنَ وَأَنَّ اللَّهَ الْخَيْرُ وَالْأُولَى
 از آنجا که بخیر می‌جوید و آنکه تحقیق برای خداست آنچه من و این جهان
 پس حاریدون که نیستند هیچ چیز را در دگر و کسیکه این کلمات
 که حضرت عیسی علیه السلام گفت که هر کس که این اول صد مرتبه بخواند

مالکی چندیم که حاضر بودیم در پیشگاه میکه تو آن تهلیلات را می خواندی در
دنیا و این شهر و آنچه بد آن هست از نعمتهای الهی یک ثواب است
بر خواندن آن تهلیلات و بشارت باد ترا بهترین ازین ثوابها و پیوسته
در جوار رحمت الهی خواهی بود در دارالسلام که بلای و غمی و مکر و هوی
در آن نمی باشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از او منقطع نمیکرد

تهلیلات نیست

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَاللَّهْوِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

نیست خدا و اوستش مگر خدا شمار شبها و زمانها نیست خدا و اوستش مگر خدا

عَدَدَ أَمْوَاجِ الْخَوَافِ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ

شمار شور شتهای دریا نیست خدا و اوستش مگر خدا و رحمت او بهتر است

مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشُّجَرِ وَالشَّجَرِ

از آنچه جمع کنند مردم نیست خدا و اوستش مگر خدا شمار خارها و درختها

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ

نیست خدا و اوستش مگر خدا شمار مو و ریشم نیز نیست خدا و اوستش مگر خدا شمار

الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَحَى الْعُيُونِ لَا إِلَهَ

سنگ و کلخ نیست خدا و اوستش مگر خدا شمار نگرستن چشم نیست خدا و اوستش

إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ

مگر خدا در شب چون تار یک گردد و صبح هرگاه بدهد

نداده است که ثواب آنرا بگویم مولف گویند که اگر هر روز هر یک از اینها را
 راده مرتبه بخواند در نیست که عمل باین روایت مکرر ده باشد و اگر هر روز
 هر یک اصد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و پیش از این با نوبه سید ابن طاووس
 رضی الله عنهم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که
 در هر روز ده بار اول نوبه این تهللیات را ده مرتبه بخواند حقیقتاً
 عطا کند او را بر تهللی در جرد بیست از خود اید و یا قوت و آرمیان
 هر روز تا در جرد یکصد ساله راه باشد بر قنار سوار می که تا نزد در هر روز
 شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یک جوهر که در آن فصلی
 نباشد و در هر شهری اذان شهر را از انواع جوهر غفره و خاخصا
 و فرشته و کرسیها و تختها و حوریان و نهالها و مسکنها و خانهها و خدکاران
 و درختها و نهالها و زیورها و حلهها بوده باشد که وصف کنند و قادر بر
 آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر سوی بدن او نوری ساطع باشد
 و مبادرت نمایند بسوی آن بهفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب
 راست و چپ او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و چون داخل
 بهشت شود او را مقدم دارند و ملکه از عقب او روند تا ملکه لشهری
 برسد که بر و نش از با قوت سپنج باشد و اندر پیش از نزد سبزه داران
 شهر پیاده باشد بر تختی که حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس با گویند
 ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست بگویند و شما کیستید گویند

اللَّهُمَّ تَشَاهِدْ كُلَّ نَجْوَى وَمَوْضِعٍ كُلِّ شَيْءٍ

ای خدا یا ای دانای هر راز و قرارگاه هر

وَعَالَمٍ كُلِّ حَقِيقَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ يَا مُبْتَدِ

و دانای هر پنهان و منتها می هر حاجت ای ابتدا کننده

يَا نِعْمَ عَلَى الْعِبَادِ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ الْجَاوِزِ

ای بهترین بر بندگان ای گرامی عفو ای بیکو تجاوز

يَا جَوَادِ يَا مَنْ لَا يُؤَاوِرُنِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاحٍ وَلَا نَجْوَى

ای بخشنده ای آنکه نمی پوستاند ازو شب تار و در پناهی

عَجَاجٍ وَلَا سَمَاءٍ ذَاتِ أَجْرَاجٍ وَلَا ظِلْمٍ ذَاتِ

برآب آسمان که خداوند بر جهان است و تاریکیهای که صاحب

أُتِيتَ بِحَاجَتِي يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ أَسْأَلُكَ

بسته است ای آنکه تاریکی نزد او روشن است سوال میکنم از تو

بِنُورٍ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ الَّذِي جَعَلْتَ بِهِ لِلْعَبْدِ

بر روشنی ذات بزرگوار تو که تابان نمودی آنرا بر کوه

فَعَلَيْتَهُ دَكَاً وَخَرَّ مُوسَى صَبِيحاً وَيَا سَمِيعَ الَّذِي

پس کرد و امید می آن کوه را حور و خمر و افتاد موسی بپیش بخت نام توانا می

سَافَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ بِأَعْمَدٍ وَسَطَحْتَ بِهِ الْأَرْضَ

علیه کردی سبیل آسمانها را بپشتی و گستردی بسبب آن زمین را

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّيحِ فِي الْبَرَارِيِّ وَالصُّمُورِ

بست نزد پرستش کرده شمار بادها در جایها و کوهها

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ الْعَمِّ إِلَى يَوْمِ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ

بست نزد پرستش مگر خدا از این روز تا روزیکه دهبه شود در صور

و از بعضی روایات مستفاد میشود که یک مرتبه نیز گفتار جویان کرده اند علم

فصل دوم در اعمال و عبادت و در عرفه است روز ترویه

روز هشتم ذی حجه است و روز سبزه کی است و این بابویه از حضرت

امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که حضرت سول صلی

الله علیه و آله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روز چهارم و روز جمعه

در روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام روایت کرده است که روز ه و روز ترویه کفاره

شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی مستبرکه است و از حضرت

رسول خاتم منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و سبزه

عبادت بسبزه آوردن و اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب

ساجات با قاضی الحاجات است و هر که در آن شب توبه کند توبه اش

مقبول است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در

شب عید یا در شب چهارمی جمعه این دعا را بخواند حق تعالی

گناهانش را ببیند و آمرزد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ

رحمت فرستاد و خدا بر او و آل او و بر همه پیغمبران و همه

الْمَلَائِكَةِ وَيَا لَاسِبِرَ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ عَلَى قَلْبِ

زشتگان و بمرمت آن نامی که حرکت نمود بسبب او خضر بر اعالی

الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى حِدِّ الْأَرْضِ وَيَا سَمِيكَ الَّذِي

آب چنانچه حرکت نمود بسبب او بر روی زمین و بمرمت نام تو آن نامیکه

فَلَقْتَ بِهَا الْخَلْقَ لَوْسَى وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ

شکافتی بسبب او در باران بجهت نوسی و غرق نمودی فرعون و گروه او را

وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ وَ

در انبندی بسبب آن موسی ابن عمران را و آنرا که با او بود و

يَا سَمِيكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ

بخلاص نام تو آن نامیکه خواند ترا آن موسی بن عمران را

مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَأَسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ

از طرف راست کوه طور پس اجابت کردی او را و انقضای

عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَيَا سَمِيكَ الَّذِي أَحْيَى بِهِ

بر او محبتی از جانب خود و بمرمت نام تو آن نامیکه زنده کرد بسبب او

عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ الْمَوْتَى وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا

عیسی بن مریم مردگان را و سخن گفتی در کجور حال آنکه کودک بود

عَلَى وَجْهِ مَا وَجَّهَ وَيَا سَمِيعَ الْمَكْنُونِ الْمُخْرُوجِ

زیر روی آب ایستاده و بجهت نام تو که پوشیده است پنهان داشته شده

الْمَكْتُوبِ الظَّاهِرِ الَّذِي إِذَا أَدْعَيْتَ بِهِ أَجَبْتُ

نوشته شده است پاک است آن نامیکه هرگاه خوانده شوی با دعا جابت کنی

وَإِذَا سَأَلْتُ بِهِ أَعْطَيْتَ وَيَا سَمِيعَ السُّبُوحِ

دوگاه سوال کرده شوی با بخشش ندای و بجام تو که پاک است

الْقُدُّوسِ الْبَرُّهُانِ الَّذِي هُوَ تَوْفِيقُ كُلِّ تَوَاقٍ

بنایت منزله است دلیل روشن است آن نامی که او نور است بر هر نوری

وَتَوْفِيقُ مَنْ تَوَلَّى يُضَيِّقُ مِنْهُ كُلُّ تَوَاقٍ إِذَا بَلَغَ

و نوری است از نور روشن شود از او هر نوری چون برسد

الْأَرْضَ انْشَقَّتْ وَإِذَا بَلَغَ السَّمَاوَاتِ فَتَحَتْ

زمین را شکافته شود و هرگاه برسد آسمانها را کشوده شود

وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ وَيَا سَمِيعَ الَّذِي تَرْتَعِدُ

و چون برسد عرش را بهرست در آید بنام تو آن نامی که لرزان شوند

مِنْهُ قَرَأْتُ مَلَكِيَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جِبْرِيلَ

از در کهای کردن فرشتگان تو و سوال میکنم از تو بحق جبرئیل

وَمِنْكَ كَافِيلٌ وَاسْرَافِيلُ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

و میکافیل و اسرافیل و بحق محمد و بحق محمد

فَاسْتَجَبْتُ لَهُ وَوَجَّيْتُهِ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ يُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ

پس پذیرفتی دعای او را و راهنمایی او را از اندوه و همچنین میرزانی کردند گمان را

وَيَا سَمِيكَ الْعَظِيمَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ وَخَرَّكَ

و بنام بزرگ تو آنکه نامی که خواند ترا با دود و افتاد برای تو

سَاجِدًا فَغَفَرْتَ لَهُ ذُنُوبَهُ وَيَا سَمِيكَ الَّذِي دَعَاكَ

سجده کنده نامی پس آمرزیدی برای او گناه او را و بنام تو آن نامی که خواند ترا

بِهِ أَسِئَةً أَمْرًا ثُمَّ فِرْعَوْنُ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ

با د آسید زن فرعون هنگامیکه گفت پروردگار من باین

لِي عِنْدَكَ مِثْنًا فِي الْجَنَّةِ وَيَجْعَلْ لِي فِرْعَوْنُ

برای من نزد خود مانند در بهشت و بران مرا از فرعون

عَلَيْهِ وَيَجْعَلْ لِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتُ لَهَا

کردار او خلاص هستی مرا از کرده ستمکاران پس پذیرفتی برای او

دُعَاءَهَا وَيَا سَمِيكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ

دعای او را و دعوت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن ایوب هنگامیکه

حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَعَاقَبْتَهُ وَأَتَيْنَتْهُ أَهْلُهُ وَمِنْهُمْ

نزد آمد با او بلا پس عاقبت بخشیدی اگر او دادی با او خاندان او را و مانند ایشان

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَلِيُكْرِىَ لِلْعَابِدِينَ

با ایشان بجهت بخشایشی از نزد خود و بنام تو دانی عبادت کنندگان

وَلَبِزَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَإِسْمِكَ

و عافیت بخفیه کوری و بپس را بپستوری تو سو نام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجَبْرِئِيلُ

آن نامیک خوانند ترا بان بر دادند کان عرش تو و جبرئیل

وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَجَنَّتِكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى

و میکائیل و اسرافیل و دوست تو محمد رحمت فرست

اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْإِلَهُ وَمَلَأْتُكَ الْمُتَّقُونَ وَ

نماد بر او و آل او و فرشتگان و مقرب

أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو

مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَإِسْمِكَ الَّذِي

از اهل آسمانها و زمین ها و بمرت نام تو آن نامیک

دَعَاكَ بِهِ دُؤَالْتُونَ إِذْ ذَهَبَ مُعَاْضِبًا قُضِيَ

خوانند ترا باد خداوند ما هی چون داشت از میان قوم خشکین پس کمان کرد

أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ

که هرگز نتوانیم بر او دراد پس خوانند ترا در تاریکیها بآنکه

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

نیست سزاوار پرستش سزا بپاکی تو بدرسند من هستم از ستمکاران

وَيَا سَمِيكَ الَّذِي نَزَلَ بِهِ جِبْرِئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى

و بحرمت نام تو آن نامی که رود آمد با ستغانت او جبرئیل بر محمد رحمت فرستاد

اللَّهُ عَلَيْهِ ذَا الْقُرْآنِ وَيَا سَمِيكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ

خدا بر آدم و بحرمت نام تو آن امیکه خواند ترا آن آدم

فَعَفَرْتُ لَهُ ذَنْبَهُ وَأَسْكَنْتَهُ جَنَّاتٍ قَدْ أَسْلَمَتْ

پس او عذرت دادم برای او گناه او را و ساکن کردی او را در بهشت خود و اموال میکنم ترا

وَبِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

و بحق قرآن بزرگ مرتبه و بحق محمد احمد پیغمبران

وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ وَبِحَقِّ

و بحق ابراهیم و بحق جدا کردن تو حق از باطل در روز حکم کردن و بحق

الْمَوَازِينِ إِذَا انْصَبَتْ وَالصُّحُفِ إِذَا انْشَرَّتْ

تراز دای عمل هرگاه برپا کرده شوند و نامه های اعمالی هرگاه برانگشته گردند و شوند

وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللَّوْحِ وَمَا أُخْصِيَ

و بحق قلم و آنچه روان شده بآن و لوح و آنچه شمرده آنرا

وَبِحَقِّ الْإِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِ الْعَرْشِ

و بحق آن نامیکه نوشته آنرا بر سراپرده عرش

قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَالْذُّنُوبَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

پیش از آفریدن تو مخلوق و دنیا و آفتاب را و ماه را

وَيَا سَيِّدَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ

و بجزمت نام تو آن نامیکه خواند ترا باد یعقوب پس برگردانیدی

عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَقَرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفُ وَجُمِعَتْ شَهْلَهُ

بر او دیده او را در روشن دید و از او بر سفت ما و خواهم آوردی بر اکلذکی او را

وَيَا سَيِّدَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُسْلِمٌ فَوَهَبْتَ لَهُ

و بجزمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بان مسلمان پس بخشیدید او را

مُلْكًا لَا يَبْغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

بادشاهی که سزاوار نیست به کسی را پس از او بدرستی که تو نوی بنایت بخشنده

وَيَا سَيِّدَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبَرَّاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

و بجزمت نام تو آن نامی که رام کردی سبب آن براق را بجهت محمد رحمت فرستاد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذْ قَالَ تَعَالَى سُبْحَانَ الَّذِي

بر او و آل او و درود چون گفت خدا نمیکه برتر است پاک است آن خدا می که

أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ

بر عبده خود را در اندکی از شب از مسجد الحرام تا مسجد یک

الْأَقْصَى وَقَوْلُهُ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا

بالاتر است از همه مساجد و قول رسول خدا که پاک است آنکه رام کرد و انبده برای ما این را

وَمَا كُنَّا لَهُ مُقِرِّينَ كَوْنًا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

و نهیم و ما نخواهیم اطاعت داران و بدرستی که من بسوی خود و کار خود برآیند باز گردانند

طه و ليس و كهي عص و جمعق و بحق

طه و ليس و كهي عص و جمعق و بحق
توراة موسى و الخيل عيسى و زبور داود

و فرقان محمد صلى الله عليه و آله و على جميع

الرسول و يا هيا شرا هيا اللهم اني اسئلك

بحق تلك المنباجة التي كانت بينك و

بين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء

و اسئلك يا سميع الذي علمته ملك الموت

لقبض الابرار و اسئلك يا سميع الذي

كتب على وراق الزيتون فغضعت الثيران

نوشته شد بر برگ درخت زیتون پس فروتنی نمودند آنها

يَا لَقْنِي عَامِدًا وَآشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
بدون رسال در کوهانی بید هم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا مال آنکه باشد
لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
نیست انبار برای او و اینکه بتیقین محمد بنده او و رسول او است
أَسْأَلُكَ يَا سَمِيعُ الْخَزَوِينَ فِي صَحْرِكَ يَا ذَا الَّذِي
سوال میکنم از تو بجزمت نام تو آن نامیکه نهان است در غرا نهایی تو آن نامیکه
أَسْأَلُكَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَظْهَرْ
مخبر صد داشته آنرا در جمله علم نهایی که نزدست مطلع نگردیده
عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ
بر او هیچکس از خلق تو و نه فرشته مفرس و نه پیغمبر
مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ مُصْطَفَى وَأَسْأَلُكَ يَا سَمِيعُ
رسیده و نه بنده برگزیده و سوال میکنم از تو بجزمت نام تو
الَّذِي شَقَّقْتَ بِهِ الْيَمَامَةَ وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ
آن نامیکه شکافتی بسبب او دریاها را و برپا است بسبب آن کوهها
وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِحَقِّ التَّبَعِ الْمَنَاءُ
و آمد و شد کرده بسبب او شب و روز و بحق التبع المناء
وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ وَبِحَقِّ كِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَبِحَقِّ
و قرآن بزرگ مرثیه و بحق بزرگواران نویسندگان و بحق

وَمَا جَرَتْ وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ

و آنچه روان گردیده اند بر آن و بحق هر حق که آن بر تو ثابت و لازم است

وَبِحَقِّ مَلَائِكَةِ الْقُسْبِ وَالرُّوحَانِيَّةِ وَالْكَافِرَةِ

و بحق فرشتگان و روحانیان و کافران

وَالسَّيِّئِينَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ وَبِحَقِّ

و فتنه کننده گان در روز و شب و حال آنکه مست نباشند و بحق

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يَنَادِيكَ

ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی که بخواند تو را

بَيْنَ الصِّفَاءِ وَالْمُرُوءَةِ وَتَسْتَحِيبُ لَهُ دَعَاؤُهُ يَازَ

میان صفا و مردود و می پذیرد برای او دعای او را ای پذیرنده

أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ

سوال میکنم از تو بجهت این نامها و بجهت این دعاها

أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدْ مَنَّا وَمَا أَخْرَنَّا وَمَا أَسْرَدْنَا

اینکه بیاوردی برای ما آنچه پیش داشتیم و آنچه پنهان داشتیم و آنچه پنهان کردی

وَمَا أَظْلَمْنَا وَمَا أَبْذَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا وَمَا أَنْتَ

و آنچه تاریک نمودیم و آنچه بیهوده نمودیم و آنچه پنهان نمودیم و آنچه تو

أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ

دانا تر می بانی از ما بدستی که تو بر هر چیزی توانایی به بخشایش خود

لَيْتَكَ الْوَلَقَةَ فَقُلْتَ يَا تَائِبًا كُونِي بَرًّا وَسَلَامًا

برای آن برک پس گفتی ای آتش باش سرور و سلامت

وَأَسْأَلُكَ يَا سَمِيكَ الَّذِي مَكْتُبٌ عَلَيْهِ سِرَّادِقِ

و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامیکه نوشته شده بر او

الْحُجْدِ وَالْكَرَامَةِ يَا مَنْ لَا يَخْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ

بزرگواری و کرامت ای آنکه نمیرنجاند او را سوال کننده و کم نمی شود

تَائِبٌ يَا مَنْ بِهِ يُسْتَغَاثُ وَإِلَيْهِ يُلْجَأُ أَسْأَلُكَ

عطای ای آنکه باو استغاثه کرده شود و بسوی او پناه آورده شود سوال میکنم ترا

بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ

بحرمت جانی بن عزت از عرش تو و نهایت بخشایشی که ظاهر است

مِنْ كِتَابِكَ وَيَا سَمِيكَ الْأَعْظَمِ وَجَدِكَ الْأَعْلَى

از کتاب تو و بحرمت نام تو آن نامیکه بزرگ است و عظمت تو که بلندتر است

وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَنَاتِ الْعَلَى اللَّهُمَّ رَبِّ الرِّيَاحِ

و کلماتی گاهلی بلند باری تو خداوند ای پروردگار بادها

وَمَا ذَرَبَتْ وَالسَّمَاءُ وَمَا أَظْلَتْ وَالْأَرْضُ

و آنچه پراکنده نموده آرزاد آسمان و آنچه سایه نکرده است زمین و زمین

وَمَا أَقْلَتْ وَالشَّيَاطِينُ وَمَا أَصْلَتْ وَالْبَحَارُ

و آنچه برداشته و در بران بلبلد و آنچه گمراه نموده اند آفرید دریاها

يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا ذَا يَدَيَّ يَوْمَ الدِّينِ يَا أَجْوَدَ

ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین

يَا أَجْوَدَ دِينَ يَا أَكْرَمَ أَلَا كَرَمِينَ يَا أَسْمَعَ

بخشنا بنده کائنات ای سزاوارترین بزرگواران ای شنوا ترین

السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ

شنونده کائنات ای بینا ترین مکرر کننده کائنات ای توانا ترین توانایان

اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغَيَّرُ النِّعَمَ وَاعْفِرْ لِي الدُّنُوبَ

بیمارز برای من کنایه کنایه را که تغییر میدهد نعمتها را و بیمارز برای من کنایه کنایه را

الَّتِي تُؤْتِي التَّدْمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

که به عث می شود و پشیمانی را و بیمارز برای من کنایه کنایه را که

تُؤْتِي الشَّقْمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ

در عیب دارد و بیماری را و بیمارز برای من کنایه کنایه را که می در می ریزد

الْعَصْمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُرْدُ الدُّعَاءَ

عصمت را و بیمارز برای من کنایه کنایه را که بر میگرداند دعا را

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ

و بیمارز برای من کنایه کنایه را که باز میبندد باران آسمان را

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْجِلُ الْفَنَاءَ وَاعْفِرْ لِي

و بیمارز برای من کنایه کنایه را که بشکافد می آورد نیستی را و بیمارز برای من

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُوَسِّسَ

ای بخشاینده ترین بخشاینده کان ای نگاهدارنده هر یکی ای انس دهنده

كُلِّ وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ

تنهایی ای توانای هر ناتوانی یاور هر

مَظْلُومٍ يَا سَرَّازَ كُلِّ عَرُومٍ يَا مُوَسِّسَ كُلِّ مُسْتَوْجِرٍ

سرمسیده ای روزی دهنده هر نا امید ای ایمن هر مستوجب

يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ يَا عَافِرَ

سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضر ای از رزق

كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

هر گناهی و خطای ای فریاد رس فریاد چوین

يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا كَاشِفَ كُلِّ

ای داد رس زاد خوانان ای زایل کننده اندوه

لَمَكْرٍ وَبَيْنَ يَدَيْهِ قَارِعٌ هَمًّا اَلْهُمُومِينَ يَا بَدِيعَ

اندوه ناگهان ای کفاینده غم عینا کان ای نوید بر آورنده

السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِينَ يَا مُنْتَهَى نَازِةِ الطَّالِبِينَ

آسمانها و زمینها ای منتهای نهایت دخواهندگان

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُصْطَرِّينَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای پدید دهنده دعای در ماندگان ای بخشنده ترین بخشاینده کان

شِمَالِي وَمِنْ قَوْفِي وَمِنْ تَحْتِي وَلَيْسَ لِي السَّبِيلُ

جانب چپ من و از بالای سر من و از زیر پای من و آسان کن برای من راه را

وَإِحْسِنْ لِي الْتَّبِيسِيْرَ وَلَا تَخْذِلْنِي فِي الْعَسِيْرِ

و نیکو گردان برام پیران را و خوار نگذار مرا در امر مشکل من

وَاهْدِنِي يَا حَبِيْرَ دَلِيْلٍ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي

د راه نامی کن مرا ای بهترین راه نمایان و نگذار مرا بسوی نفس من در

الْأُمُوْرَ وَلَقِّنِي كُلَّ سُرُوْرٍ وَاقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي

کارها و پیش آور مرا هر شادی و باز گردان مرا بسوی اهل خود

بِالْفَلَاحِ وَالْجَلْحِ مَجْمُوْعًا فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ

با فروزی و در ستکاری شاد گردیده در دنیا و آخرت

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَأَنْزِلْنِي مِنْ

بر ستبند تو بر هر چیز توانای و دروژی کن مرا از

فَضْلِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ

بخشش خود و گشایش ده بر من از روز بهای پاکیزه خود

وَأَسْتَغْلِيْ فِي طَاعَتِكَ وَأَجْرُنِي مِنْ عَذَابِكَ

و بکار دار مرا در فرمان برداری خود و پناه ده مرا از عذاب خود

وَبَارِكْ وَأَقْلِبْنِي إِذَا تَوَقَّيْتُ إِلَى جَنَّتِكَ

و آتش خود و گردان مرا هرگاه بیرانی بسوی بهشت خود

الَّذِي تَوَلَّى الْإِثْمَ الَّذِي تَجَلَّبَ الشَّقَاءُ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

کنایه را که برانگیزد و بختی را و بیامرز برای من کنایه را
الَّذِي تَطْلُمُ الْهَوَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ

که تار یک کند هوا را و بیامرز برای من کنایه را که بایک کند
الْغَطَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ

پرده را و بیامرز برای من کنایه را که نمی آرد آنها را غیر تو
يَا اللَّهُ وَأَجْعَلْ عَمِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

ای خدا و در دهر از جانب من هر دلی را که باشد برای یکی از خلق تو
وَأَجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِكَ قَرَجًا وَمُخْرَجًا وَلَيْسَرًا

و بگردان برای من از امر خود کثایشی و در رفتنی و آسانی
وَأَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صَدْرِي وَرَجَاءَكَ فِي قَلْبِي

و در دهر یقین خود را در سینه من و امید خود را در دل من
حَتَّى لَا أَمْرَ جَوْعَتِكَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي عَمَلِي

تا آنکه امید ندارم غیر ترا خداوند نگاهدار مرا و عافیت بخش مرا
فِي مَقَامِي هَذَا وَأَصْحِبْنِي فِي لَيْلِي وَنَهَائِي

در جایگاه من این جا بگاه و یار باش مرا در شب من و روز من
وَمِنْ بَيْنَ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ

دواز پیش روی من و از عقب من و از جانب راست من و از

وَأَنْزَلْنِي مَرَافِقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ

در روزی که مرا رفافت پیغمبران در شکوه پسندیده
عِنْدَ مَلِيكَ مُتَقَدِّرٍ إِلَهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حَسَنِ

نزد بادشاهی که حسب اقتدار خداوند ابراهیم عزراست سپاس بر نیکی
بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ وَصَنِّعْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ

انعام تو با آفرینش تو و معروف تو و عزراست سپاس بر شفا بودن
السَّيِّئَةِ يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَعَلَّمْتَهُمُ

قیام نمودن بطریقه پیغمبری بر دروکاران چنانچه راه نودی ایشانرا برین خود و آموختی ایشان
كُنَّا بِكَ قَاهِدِينَ وَأَوْعَيْنَا وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حَسَنِ

کتاب خود پس راه نای کس را در او بیا موزان ما را و عزراست سپاس بر نیکی
بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ وَصَنِّعْتَ عِنْدِي حَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي

انعام تو و معروف تو نزد من بخصوص چنانچه آفریدی مرا
فَأَحْسَنْتَ خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَ

پس نیکنمودی آفرینش مرا و آموختی مرا پس نیکو گروی آموختن مرا
هَدَيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ هِدَايَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى

راه نودی مرا پس نیکو گروی راه نای مرا پس عزراست سپاس
إِنْعَامِكَ عَلَى قَدِيمًا وَحَدِيثًا فَاكْمُرْ مِنْ كَرَمٍ

انعام تو بر من بر اینانم قدیم و جدید پس بسیار از اندوه -

لَتَشْرَهَا أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا قَاتِلَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 بر آکنده سازی آنرا یا عافیتی که بپوشانی از آن بر آنکه بجنتی خود هر چیز توانای
 وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ

دست دهنده خزانه های آسمان و زمین
 الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطَى الَّذِي لَا يَمُوتُ سَكَتُهُ

یگانه بزرگواری بخشنده که بر گردانیده نشود سوال کننده او
 وَلَا يَخِيبُ أَمْلَهُ وَلَا يَنْقُصُ نَأْيُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا

دانا امید نکردد امیدوار او و کم نکرد عطا ی او و بی پایان نرسد آنچه
 عِنْدَهُ بَلْ يَزِيدُ أَكْثَرَ وَطِينًا وَعَطَاءً وَجُودًا

زود او است بلکه زیاده می شود بسیار ی و پاکیزگی بخشش
 وَأَنْتَ رَاقِي مَنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَغْنَى وَمِنْ

در روزی کن مرا از خزانه های خود که فایده نکرده اند
 رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ إِنَّ عَطَاءَكَ لَتُرِيكَ مُحْطُوا

رحمت خود که فرا گزیده است هر چه سبک عطا بنویست
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

دوست بر هر چیز توانایی تو رحمت خود ای بخشاینده
 الرَّاحِمِينَ ۵ و احادیث بسیار در فضیلت ایت حضرت امام حسین علیه

بخشاینده گان السلام در شب و روز عذر دار شدن است

يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَجْتَهُ وَكَمِ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي

ای آقای من که تحقیق کنی آنرا و بسیار از غم ای آقای من

قَدْ نَفَسْتَهُ وَكَمِ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ

که تحقیق زایل کردی آنرا و بسیار از غم ای آقای من که تحقیق و رفع نمودی آنرا

وَكَمِ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمِ مِنْ

و بسیار از بلا ای آقای من که تحقیق گردانیدی آنرا و بسیار از

عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ قُلْتَ الْحَمْدُ عَلَى

عیب ای آقای من که تحقیق پوشانیدی آنرا پس در تر است بسیار بر

كُلِّ جَالٍ فِي كُلِّ مَتَوًى وَزَمَانٍ مُنْقَلَبٍ

در حالتی در هر ارامگاهی در زمانی و بازگشتن گاهی

وَمَقَامٍ وَعَلَى هَذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ اَللّٰهُمَّ

و مقامی و درنگی و بر این حالت و بر هر حال خداوند

اجْعَلْنِي مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيْبًا فِيْ هَذَا

گردان جزا از افزون ترین بندگانی خود در بهره در این

الْيَوْمِ مِنْ خَيْرِ تَقْسِيْمِهِ اَوْ خَيْرِ تَكْشِيفِهِ اَوْ سَوْءِ

امروز از نیکی که قسمت کنی آنرا یا از نیکوتری که زایل کنی آنرا یا بدی

تَضَرِّيْفِهِ اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ خَيْرٍ تَسُوْقُهُ اَوْ رَحْمَةٍ

که بدی را زایل کنی یا بلائی که دفع کنی آنرا یا خیر که برانی آنرا یا رحمتی که

یا بشود و بگوید بکنه زلفه چنانچه از حضرت صادق منقول است که هر که در روز عرفة
 بر یارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد و او را امام واجب الطاعة
 داند بنویسد حق تعالی برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره مقبوله و هزار
 چهار که با پیغمبر مرسل باشد یا امام عادل را دی کفت کجا است ثواب
 و قوف عوفات حضرت از روتی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدستیک
 بنده بومنی چون دیر و زعفره زید قرآن حضرت حاضر شود و در هر فرات
 غسل کند و متوجه یارت آنحضرت شود هر کام که برسد از ثواب یک حج و عمره
 بجهت او نوشته میشود و دیر و ایت و یکر فرمود که در روز عرفة حق سبحانه
 و تعالی اول فطر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السلام می کند
 و گناهان ایشان را می آمرزد و حاجات ایشان را بر می آورد و بعد از آن متوجه
 اهل عوفات میشود زیرا که در میان زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند زناست
 و در میان عوفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها نیافته باشد باید که در
 سایر بلا غسل کند و در مجمع مومنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و
 اگر در بام بلند یا صحرا یا کثا ده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند
 و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه
 از حضرت صادق علیه السلام منقول است و احادیث در باب فوزه روز
 عرفة مختلف است و اکثر علما جمیع میان احادیث باین روش کرده اند
 که اگر اشتباهی در ماء نباشد و او را از دعا کردن ضعیف بگرداند است

و زیارت نزدیک را در کتاب تحفه الزائر ذکر کرده ام و زیارت دیگر
 انشاء الله تعالی بعد ازین مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت
 مذکور شده اما روز عرفه از اعیان و عظیم است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات
 باشد ادعیه و اعمال بسیار روار داشته است و بهترین اعمال در این روز
 دعا است حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت
 و نافله و اذان عصر را قضا می شود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باشد
 تا شام و دعا را برای برادران مومن از زنده و مرده بسیار باید کرد و چنانچه
 در حدیث صحیح منقول است که ابراهیم ابن یاسم گفت که من عبد الله بن
 جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچکس را از او بهتر ندیدم بویسته
 دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش
 بر رویش جاری بود تا بزمین می رسید چون مردم فارغ شدند گفتند و تو
 هیچکس را بهتر از توقف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای
 برادران مومن خود زیرا که از حضرت موسی کاظم علیه السلام شنیدم که هر که
 و عالم را برای برادر مومن خود در غیبت او از خویش ندا از برای او میرسد
 که از برای تو صد هزار برابر او با و پس منی نخواستم که دست بر اخروم از صد هزار
 برابر دعائی ملک که البته مستجاب است برای یکده عا می خود که نمیدانم مستجاب
 خواهد شد یا نه و مگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه
 حضرت ائمه حسین علیه السلام باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات

بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله وحده

نیت سزاوار پستش مکر خدا را بیکجا است

لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو

بست شدگی برای او و مراد راست بادشاهی و مراد است سپاس زنده مبارک و مبراز داد

حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير

زنده است که نمیرد بدست اوست هر یکی را او بر هر چیز توانا است

اللهم لك الحمد كالذي تقول وخير مما تقول

خداوند ما برتر است سپاس مانند آنچه میستای و بهتر از آنچه میستایم

وقوم ما يقولون اللهم لك صلواتي

و ای آنچه میستایند ستایندگان بار خدایا برای توست نماز من

ونسكبي و تحياتي و مناتي و لك برائي و بك حو لي

و عبادت من و زندگی من و مردن من و برای توست بیزاری من و بت قدرت من

و منك قوتي اللهم اني اعوذ بك من الفقر و

و ازفت توانای من بار خدایا بدرستی که من بپناه می برم جز از احتیاج و

من و سواين الصداق و من شتات الامر و

از اندیشش باطل ششینه و از پراکندگی کار

من عذاب القبر اللهم اني استسئلك خيرا لرياح

از عذاب قبر بار خدا یا بدرستی که من درخواهم از تو بهترین باد را

والا مکروه است یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع می‌شده است
 که روزه روز عرفه برابر است با روزه یکسال و اگر اشتباهی در ماه
 باشد یا با روزه از دعا ضعیف شود روزه نگر فتنه است و از حضرت
 صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه
 دعا شود دو رکعت نماز بکند در دنیا پادشاهان و اعتراف کند نزد خدا
 بگناهان خود و اقرار کند بخطایابی خود فایز گردد و ثواب اهل عرفات و
 کناه که نشسته و آینده اش آرزیده شود و شیخ مفید این نماز را بعد
 از نماز عصر ذکر کرده است و گفته که این نماز مخصوص جمعی است که در احوال
 باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
 منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر و صد
 مرتبه الحمد شد و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد
 قل هو الله احد و صد مرتبه سوره الانزل لناه بخواند و در روایتی دیگر می‌گوید
 که صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید
 و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین
 دعای صحیفه کامله است آنرا با خضوع و خشوع و تانی و رقت بخواند
 که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی آنرا بسند معتبر
 از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول
 بخضرت امیر المومنین گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعا

يَا اَلْمُحْسِبَانِ فَاتَّعِزَّ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرَانِ وَكَمَا

میتنی کرفتی مرا بنیکوی پس تمام کن نعمت خود را با آمرزش و چنانچه

اَكْرَمْتَنِي بِمَغْفِرَتِكَ فَاشْفَعْهُ بِمَغْفِرَتِكَ وَكَمَا

کرامی داشتی مرا بشناخت خود پس جفت کن از آلودگی خود و چنانچه

عَزَّزْتَنِي وَخَدَّائِيَّتَكَ فَاتَّكِرْ مِنِّي بِطَاعَتِكَ وَكَمَا

شناختندی بمن بکاکلی خود را پس کرامی دار مرا بفرمان برداری خود و چنانچه

عَصَمْتَنِي مِمَّا لَمْ اَكُنْ اَعْتَصِرُ مِنْهُ اِلَّا بِعِصْمَتِكَ

نگاهد داشتی مرا از آنچه بودم که از دارم خود در الزام نکر نگاهداری تو

فَاغْفِرْ لِي مَا لَوْ شِئْتَ اَعَصَمْتَنِي مِنْهُ يَا جَوَادِ يَا اَكْرَمَ

پس یا مهربان برای من آنچه را که اگر میخواستی نگاه میداشتی مرا از ان ای بخشنده های بزرگوار

يَا اَذَا الْجَلَالِ وَالْاَكْرَامِ هُوَ اَزْ حَضْرَتِ اِمَامِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

ای خداوند بزرگواری و کرامی داشتن که این دعا منقول است

اَللّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ اِنْ تَعَدَّ بَنِي

خداوند من بنده و تو پسر بنده تو ام اگر عذاب کنی مرا

فِيَا مُوٍ قَدْ سَلَفَتْ مِنِّي وَ اَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ بِرُحْمَتِي

پس باعتبار کارهای من که پیش از من شده است و من پیش تو ام تمام اعضای خود

وَ اِنْ تَعَفَّ عَنِّي فَاهْلُ الْعَفْوِ اَنْتَ يَا اَهْلَ الْعَفْوِ

و اگر درگذری از من پس سزاوارده درگذشتن تویی ای سزاوار درگذشتن

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيحَانِ وَأَسْأَلُكَ

دینا و بیکرم بر از کز انداختی آورد و انجا بدست و در بخوانم از تو

خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي

سبک شب و سبک روز را بار خدا یا کردان در دل من

نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي لُبِّي نُورًا

روشنایی و در گوشت من روشنایی و در چشم من روشنایی و در گوشت من روشنایی

وَفِي دَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِي وَمَقَامِي وَتَقْدِيرِي

نور خون من و استخوان من و در کهای من و ایستادن من و نشینان من

وَمَذْخَلِي وَهَجْرَتِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي النُّورَ نُورًا

و محل بر آمدن من و هجرت من روشنایی و بزرگ کن برای من روشنایی

يَا رَبِّ يَوْمَ الْعَالِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای پروردگار من در روزی که ملاقات کنم ترا بیدشتیکه تو بر هر چیز توانا هستی

و از حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام منقول است که این دعا

در روز عید فطر بخواند

اللَّهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَأَعْفِرْ لِي مَا

خداوند چنانچه پنهان میدی بر من آنچه را ندانستم از کلمات پس بیا مرز برای من بکن

تَعْلَمُ وَكَمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ فَلْيَسِّعْ عَنِّي عَقُولًا وَكَمَا

که تو میدانی چنانچه فراگرفته است مرا دانش تو پس باید که فراگیر مرا در کشتن تو و چنانچه

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ بِإِذْنِكَ وَبِرَأْسِ كُلِّ صَارِعٍ وَمُنْزِلِ

و عطا کنند هر قناعت نمایند و درم کنند هر زاری نمایند و فرو فرستند

الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ الشَّاطِعِ وَهُوَ

سودا وکتی بیک جامع همه چیز است نور مرفیع درخشان داد

لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلطَّيْعِينَ نَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ

مرد عالم را پذیرنده است و فرمان بر داران را سود بخشند و مرتبه کار

رَافِعٌ وَلِلْكَفَرِ بَاتٍ دَافِعٌ وَلِلْجَبَابَةِ قَامِعٌ وَرَاحِمٌ

بلند گرداننده و درانده دارا ناپاک کننده و مرتکبان را نوار سازنده و درم کننده

عَبْرَةُ كُلِّ صَارِعٍ كَمَا دَافِعُ صَرْعَةِ كُلِّ صَارِعٍ

اشک هر زاری کننده و زایل سازنده افتادگی هر افتاد

فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَعْذِلُهُ وَمَا يَكُنْ لَكُمْ كَيْفُهُ شَيْءٌ وَهُوَ

هر نیست سزاوار غبار و نه چیزی که برابری کند او را نیست مانند چیزی و است

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

شنوای بنیاد هرمان آگاه داد بر هر چیز تواناست

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرَّبُوبِيَّةِ

خدا و ابد استیکر من خواهش دارم بسوی تو و گواهی میدهم بر پروردگاری

لَكَ مُقَرَّرًا يَا نَبِيَّ رَبِّي وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي أَسْتَغْنِي

برای تو حال آنکه اقرار دارم باینکه تو پروردگار منی آنکه تحقق بسوی تو هست باینکه من ایجا گردی

يَا اَحَقَّ مَنْ عَفَى عَنِّي وَكَفَّرَ لِيَ وَلَا حَوْلَ لِي وَلَا جَلَدَ لِي

ای سزاوارتر کسیکه مرا گذشتند یا مرا زردا و پیرادران مرا ^{مشهور روز عرفه}

و مای حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام است بشیر و بشیر

پیران غالب است می روایت کرده اند که پسین روز عرفه در دعا

در خدمت آنحضرت بودیم پس آنحضرت فرمود بیرون آمدند باکر و بی بی ابلیس

و فرزند آنان و شبعلین خود نهایت تغلل و خشیع پس از جابجیب

که آریست و نذر روی میباید که در ایستوی کعبه گرد کشیدند دستها را

بر روی بر شستند مانند گنبد که با نهایت نعلت میگویند طعام طلبیدین عار خواندند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ

بِإِمام حنذای بخشنده مهران سپاس مر خدا را که نیست

لِقَضَائِهِ دَائِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا لِكُنْصِعِهِ صُغٌ

مر حکم تقدیر او را دایع نمایند و در بخشش او را باز دارنده و نه مانند کار او کار

صانع و هو الجواد الواسع قطر اجناس البدائع

کارکننده و اوست بخشنده فراگیرنده آفرید انواع نو پدید آمدگان را

وَاتَّقِنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ الظَّلَائِعُ

و محکم نموده بدانش خود کارها را و پنهان نیست بر او جماعتها

وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ جَارِي كُلِّ صَانِعٍ

و تلف نمیکرد و نزد او امانت با اوست نزد دهنده هر کارکننده

مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَأَيْتُ ابْنِي يُجَمِّلُ صُنْعَكَ وَسَوَائِكَ
و پس بعد از آن که دیدم که پسر مرا از جمله

يُغَمِّتُكَ وَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّيْتَنِي ثُمَّ اسْتَكْنَيْتَنِي
نفت خود پس نوید بد آوردی خلقت مرا از آب منی که ریخته شود در رحم پس فراداده ای

فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ عَجْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ وَالشَّهْرِ فِي
در تاریکیهای سه گانه میان گوشت و پوست و خون و مشهور ساختی مرا

بِخَلْقِي وَلَقَدْ تَجَعَّلُ إِلَى لَشْيَا مِنْ أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي
بخلقت من و نگر دانیدی بسوی من چیزها از کار مرا پس بردن آوردی مرا

إِلَى الدُّنْيَا تَامًا مَبْسُوتًا وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا
بسوی دنیا کامل درست اعضا و نگاه داشتی مرا در گهواره ای حال آنکه طفل بودم

صَبِيغًا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغَدَاءِ لَبَنًا طَرِيًّا مَرِيئًا وَعَطَفْتَ
خورد و کودکی روزی کردی مرا از جمله خوردنی شیر تازه گوار و دهریان کردی

عَلَى قُلُوبِ الْخَوَاضِعِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمَمَاتِ الرَّحَامِ
بر من و بادهای تربیت کنندگان را دگرگذاشتی برای من مادرهای مهربان را

وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَائِ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزَّيَادَةِ
و حراست نمودی مرا از سختیهای که میرسد از جن و عالم داشتی مرا از زیاده

وَالنَّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى إِذَا
و نقصان پس برتری تو ای مهربان ای بخشنده تا آنکه چون

بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا وَخَلْقَتَنِي
 بنیست خود پیش از آنکه بهیچ چیز نام برده شده و آفریدی مرا
 مِنَ التُّرَابِ لَعَلَّاسْكُنْتَنِي الْأَصْلَابَ أَمْثِلَ الرَّيِّبِ
 از خاک پس قرار دادی مرا در پشتهای بدوان این از هر شدنی
 الْمُنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُنِ فَلَمْ أَزَلْ ظَالِعًا مِنْ
 بجهت عادت ناز و ناموافقیت روزگار پس همیشه بودم شغل
 صَلَبٍ إِلَى مَرَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقَرُونِ
 پشت بر روی بسوی رحم مادر و پیشین روزهای گذشته و زمانهای
 الْحَالِيَةِ لَمْ تَخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بَنِي وَكُطِفْتَ لِي وَ
 رفته بیرون نیاریدی مرا بجهت مهربانی خود نسبت بمن و نوازش خود مرا و
 إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوَلَةِ أَيَّامِ الْكُفْرَةِ الَّذِينَ
 نیکویی که در بسوی من بدو دولت روزگار ناکردند و ناکان آنانکه
 نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لَكِنَّكَ
 شکستند بپایان ترا و بدردوغ نسبت دادند و فرستادگان ترا لیکن تو
 أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ
 بیرون آردی مرا بجهت مهربانی خود و ترحم نمودن بر من برای آنچه پیشین کرده است
 لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي يَسِّرْتَنِي وَفِيهِ أُنْشَأَتِي وَ
 مرا از راه نمانی که همایکرده برای من و درین پدید آوریدی مرا و

ثُمَّ أَخَذَ خَلْقْتَنِي مِنْ حَرِّ النَّارِ لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً

پس چون آفریدی مرا از خالص خاک نه پسندیدی برای من ای خدای من نعمتی را

دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَ

بخشمت دیگر روزی کردی مرا از انواع روزیها و

صَنَوِفِ الرِّيَاسِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ

انسانم پوششها با نعام بزرگ خود بر من و نیکوی

الْقَدِيرِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَثَمْتُ عَلَى جَمِيعِ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ

دیرینه خود بسوی من تا آنکه وقت شد تمام کردی بر من همه نعمتها را و گردانیدی

عَنِّي كُلَّ النِّعَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ لَجْوَلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ

از من تمام ناهوشیها را باز نداشت ترا نادانی من و دلیری من بر تو از آنکه

دَلَلْتَنِي عَلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَوَقَفْتَنِي لِمَا يَرْفِقُنِي

راه نهای مرا بر آنچه نزدیک کرد و دانند مرا بسوی تو و تو رفیق دهی مرا برای آنچه نزدیک سازد

لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجِبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ

از تو پس اگر بخوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر در خواهم از تو

أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ كَشَفْتَ عَنِّي وَإِنْ شَكَرْتُكَ

عطا میکنی مرا و اگر فرمان برداری کنم ترا جزا میدهی مرا و اگر سپاس گذاری کنم ترا

زَيَّدْتَنِي كُلَّ ذَلِكَ إِنْكَامًا لَا تُعْمَلُ عَلَيْهِ إِلَّا بِإِذْنِكَ

از تو من را همه آنها بجهت آنکه تمام کنی مرغبتهاهای خود را بر من و نیکوی کردن خود

اَسْتَهْلِكُ نَاطِقًا يَكْلَامُ اَتَمَمْتُ عَلَى سَوَابِغِ اَنْفِاسِ

با واز آدم کربا بسمن و تمام کردی بر من انفاهای کامل خود را

قَرَّبْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى اِذَا اكْمَلْتَ فِطْرَتِي

پس بر دوی را زاید شونده در هر سالی تمام کردی چون کامل شد خلق من

وَاعْتَدَلْتَ سِرِّي رِيَّ اَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ يَا ن

درست شد پنهانی امر من لازم کردی بر من حجت خود را باینکه

اَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَقَّ عَنِّي بِعَجَائِبِ فِطْرَتِكَ

الهام کردی بمن شناخت خود را و بشکفت آوردی مرا بغرایب آفرینش خود

وَانْطَقْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَارْضَيْتَ

وگو یا کردی مرا برای آنچه خلق کردی در آسمان خود و زمین خود

مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبَّهْتَنِي لِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ

از غوایب خلق خود و آگاه کردی مرا برای یاد کردن خود و سپاس گذاردن

وَواجِبَ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَقَهْمَتَنِي مَا

و فرمان برداری واجب و پرستیدن واجب خود و فغانیدی مرا آنچه

جَاءَتْ بِرُسُلِكَ وَلَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ

آورده اند آنرا فرستادگان تو در آسان کردی برای من پذیرفتن خوشنودیهای خود

وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلَطْفِكَ

و بخشیدستی بر من در همه آنها به دوکاری خود و به لطافتی خود

وَبَاطِنٍ مَكْنُونٍ ضَمِيرِي وَعَلَانِيٍّ مَجَارِي نَوَارِ

و پنهانی پنهان و دل خود و در آویخته های روان شدن نور

بَصَرِي وَأَسْيَافٍ مِرْيَةٍ صَفْحَةٍ جَبِينِي وَخُرْقٍ مَسَارِي

دید خود و تخطوطهای صفا پیشانی خود و سوراخهای راهای

نَفْسِي وَحَذَائِرِ نَيْفٍ مَآرِي عِرْنِي نَيْفِي وَمَسَارِي

نفس خود و پارچه های استخوان های منتهی خود و راه های

صَمَارِخٍ تَمَعِي وَمَا ضَمَمْتُ وَأَطَبَقْتُ عَلَيْهِ

سوراخ ز کوشش خود و آنچه بهم آورده شده و پرشانیده شده بر آن

شِفَايَ وَخَزَكَايَ كَفْطِ لِسَانِي وَمَغْرِي

لبهای خودم و بجنبشهای سخن زبان خودم و محل بهم در آمدن

حَنَكِي فَمِي وَفَكِي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُكُورِ

پایین دهان خود و طرف بالای دهان خود و جای روی کردن دندانهای خود و درگاه

حَبَائِلِ بَارِعِ عُنْقِي وَمَسَاغِ بَاكِلِي وَمَطْعَمِي

رشته های نام کامل کردن خود و کلامای خوردن خود و طعام خود

وَمَشْرِئِي وَحِمَاةِ أَمْرِ رَاسِي وَجَلَّ حَمَلُ جَبَلِ

و آتشا میدان خود و بر دابر نده اصل سر خود و هر شعبه های رشته رک

وَتَنِي وَمَا اشْتَلَّ عَلَيْهِ نَامُورِي وَنِيَّاطِ

دل خود و آنچه مشتعل است بر آن دلی که در سینه من است و درک

إِلَى قُسْبَحَاتِكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مَسْئِدِي مُعِينِي

بسوی من پس ای پاک تو سپید آورنده بازگردد

حَمِيدٌ مُجِيدٌ تَقْدِسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ

سندوه بزرگوار پاک است نامهای تو و بزرگ است

الْأَوَّلُ قَاتِي نَعْوِي يَا إِلَهِي أَحْصِنِي عَدَدًا وَذِكْرًا

نستهای تو پس کدام نیست را ای خدای من در بایم بشماره بایاد آور

أَمْ آتَى عِطَايَاكَ أَقْوَمَ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ

یا کدام بخششهای ترا قیام نمایم یا آنها از سپاس گذاری آن ای پروردگار من

أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَالَمُونَ أَبْوَيْلُغَ عِلْمًا بِهَا

بیشتر است از آنکه بشمارند آنها را شمارندگان یا برسد از روی دانش یا آنها

الْحَافِظُونَ لِمَا دَرَأَتْ وَصَرَفَتْ عَنِّي اللَّهُمَّ

مستحفظ کنان پس آنچه دفع کردی و گردانیدی از من خداوند

مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ الَّذِي مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ

از بد حالی و ناخوشی بیشتر است آنچه ظاهر شده برای من از عافیت

وَالشَّرِّ وَأَنَا أَشْهَكَكَ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي

و خوبی و بدی که مرا میبهرم ترا ای خدای من بکنه خالص ایمان خود

وَعَقْدِ عَزَمَاتٍ يَقْنِي وَحَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي

و پند و حکم نمودن یقین نامی ثابت خود و خالص محض توحید خود

أَوْ قِيَّ شُكْرِي وَاحِدَةً مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ

اگر کنم غرض بشکر یکی از نعمت های فراوان تو
ذَلِكَ إِكْلَامُكَ الْمَوْجِبُ عَلَى شُكْرِكَ الْإِنْفَاجُ دِيًّا

آنرا که بفرموده تو که واجب می سازد بر من سپاس گذاری بی شائبه
وَشَاءَ طَائِرٍ قَاعَتِي دِيًّا أَجَلٌ قَوْلُ حَرْصَتِ أُنَا وَالْعَادُ وَ

وستانش تازه بهای سبیل و اگر خواهم من و شمارندگان
مِنْ أَنَا مَيْكَ أَنْ تَحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَائِلَةً

از خلق تو آنکه بشمارم بسیاری انعام ترا گذشته آنرا
وَأَيْفَةً لِمَا حَصَرْنَا لَهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَبَدًا

و حاضر آنرا هر آینه احاطه نتوانیم کرد و آنرا بشماره و نتوانیم شمره و آنرا هرگز
هِيَ هَاتِ اتِي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمَخِيرُ عَنْ تَغْيِيكِ فِي

دور است و گویا است باین بهر حال آنکه نوی خبر دهنده از ذات خود در
كِتَابِكَ الْبَاطِنِ وَالْمُنْبَأِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعَدُّوا

کتاب کرمی خود و خبر است و اگر خواهید بشمارید
نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا صِدْقُ كِتَابِكَ اللَّهُمَّ

نعمت خدا را نتوانید شمره و آنرا است کتاب تو خداوند
وَنَبَأُكَ وَبَلَغْتَ أَنْبِيَاءُ وَلَكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ

و خبر تو رسانیده اند پیغمبران تو و فرستادگان تو و آنچه را که نازل کردی

حجَابِ قَلْبِي وَأَقْلَادِ حَوَاشِي كَيْدِي وَمَا حَوْتِي

برده دل خود و قطعه های کنار دایم خود و آنچه در گرفتار کنایه

شَرَّاسِنَفِ أَضْلَاعِي وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي وَ

سردای استخوانهای پهلوی من و دمای پوسن بندای استخوانهای خود

أَطْرَافِ أَنَايِلِي وَقَبْضِ عَوَاصِلِي وَنَجْمِي وَدَمِي

کناره های سر انگشتان خود و گیرای پای من خود و گوشت خود و خون خود

وَشَعْرِي وَبَشِيرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي

وسوی خود و پوست خود و دلی خود و استخوانهای میان منی خود و استخوانهای خود

وَنَجْمِي وَعُرْوَتِي وَجَمِيعِ جَوَائِرِي وَمَا انْتَشَبَ

و نجر استخوان خود و درگاه های خود و همه اعضای خود و آنچه با فتنه شده

عَلَى ذَلِكِ أَيُّهَا مَرْضَاعِي وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ

بر آن در روز کار سبزه خوردن من و آنچه برداشته زمین

مِنِّي وَتَوَمَّنِي وَيَقْطَعُنِي وَتَكُونُنِي وَتَحْرِكُنِي فَحَرَكَةً

از من و خواب خود و بیداری خود و آرام خود و جنبش خود و حرکت های

رَكُوعِي وَسُجُودِي إِنْ لَوْحًا وَلَيْتَ وَاجْتَهَدْتُ

رکوع خود و سجده خود انکه اگر قصد کنم و کوشش نمایم

مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ

تا درازی زمانه تا در روز کار تا اگر زنده داشتم شوم در آنها

الْحَمْدُ لِلَّهِ جَدًّا يَعْدِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ

سپاس من خدا را سپاسی که برابری کند سپاس فرشتگان نزدیکان و

أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ

پیغمبران فرستادگان او را و رحمت فرستاد خدا بر افاضه کرده خود از خلق خود

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْأَلِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْخُلَاصِينَ

محمد آخرین پیغمبران آل و پاکیزگان ظاهران حاصل کرد ائمه شدگان

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب

از دیده های مبارکش جاری بود پس گفت

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي

خداوند بگردان مرا که ترسم ترا که گویا می بینم ترا و بخت کن مرا

بِقَوْلِكَ وَلَا تُشْفِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ

به پند هر کاری خود و به بخت مساز مرا با فرمانی خود و عطا کن مرا خیر در حکم خود

وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

در بخت ده در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم مشتاقم بشوم از آنچه را

أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِرَ مَا عَجَلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ

که باز پس داری و نه باز پس داشتن آنچه را که بشتاب آوری خداوند بگردان بی نیاری را

فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي

در نفس من و یقین را در دل من و اخلاص را در کردار من

عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ

بر ایشان از پیغام خود و ظاهر ساختی برای ایشان از دین خود

غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِحَدِيثِي وَجْهِي وَمَبَالِغِ

مگر آنکه بدرستی که من ای خدای من گواهی میدهم بسی خود و کوشش خود در رسانیدن

طَاقَتِي وَوُسْعِي وَأَقُولُ مُوقِنًا مُؤْمِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ

طاقت خود و توان خود و میگویم باور دارنده تصدیق نماینده که شایسته خدا را

الَّذِي لَمْ يَخْذُ وَلَكُنَّا فَيَكُونُ مَوْرُوثًا وَلَمْ يَكُنْ

که زانکه ز من پس فرزندی پس باشد میراث برده شده و نیست

لَهُ شَرِيكَ فِي الْمَلِكِ مِصْرًا هُ فِيمَا ابْتَدَعَ وَلَا وَلِيَّ

مرا در پادشاهی در بادشاهی پس غاصب کند او را در آنچه بدیده و نهاده

مِنَ الدَّلِيلِ فَيَرِفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ

از دلیلت پس باوری دهد او را در آنچه کرده است پاک است او پاک است او

سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا

پاک است او اگر بودی در آسمان و زمین خدا بانی یغیر منرا و اگر پرستش بر آئینه نباشد

وَتَقَطَّرَ تَأْسِيبًا إِنَّ اللَّهَ الْوَاحِدَ الْحَقُّ الْأَحَدُ

و شکافنده شد در آسمان و زمین پاک است خدای یگانه غلام است یکست

الصَّغْدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

پناه نیازمند آن آفرندگی که نزاده و زائیده نشده و نیست مرا و را مانند یکس

قَعَدْتُكَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَلَسَّاتُنِي فَحَسَنْتَ صَوْرَتِي

بسم رحمت کریمی خلقت مرا پروردگار من بجهت آنچه ایجا کردی مرا پس نیکو نمودی پیکر

يَا رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ لِي وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي رَبِّ

ای پروردگار من بجهت آنچه نیکو کردی بمن و در نفس من عافیت بخشیدی مرا ای پرورد

بِمَا كَلَّاتُنِي وَوَقَّعْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

بجهت آنچه حفظ کردی مرا و تو فریق دادی مرا پروردگار من بجهت آنچه انعام کردی بر من

فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْثَقْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ آتَيْتَنِي

بس راه نمودی مرا پروردگار من بجهت آنچه جا دادی مرا از هر نیکی که دادی مرا

وَأَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ

و بخشیدی مرا ای پروردگار من بجهت آنچه طعام دادی مرا و آب دادی مرا پروردگار من

بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَعَزَّيْتَنِي

بجهت آنچه نیاز کردی مرا و روزی دادی مرا پروردگار من بجهت آنچه مدد کردی مرا و از چندان سختی

رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ الصَّافِي يَسْرَتِ

پروردگار من بجهت آنچه پوشانیدی مرا از ذکر من عین غش خود و پدید کردی

لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

برای من از بخشش کفایت کنند خود در رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَأَعِزِّي عَلَى بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَصُرُوفِ الْأَيَّامِ

و مدد کن مرا بر حوادث روزگار و مکرویات روزگار

وَالْتَوَيْتَنِي بِبَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَتَّعْنِي

در دشمنای او و دیده من و بسببای ما در دین من و بهره دکن مرا

بِحُجُورِ حِجِّي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي

باجزای من و بگردان کوه من و دیده مرا بهراث برندگان از من

وَالْبَصِيرَةَ عَلَيَّ مِنْ ظُلْمِي وَارْزُقْنِي فِيهِ مَا يَرِي

و بصری را بر آنکه ستم نموده مرا و روزی کن مرا در این روز حاجتهای مرا

وَنَارِي وَأَقْرَبِ ذَٰلِكَ عَنِّي اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي

دخون مرا و دشمن کن بآن و دیده مرا خداوند از ایل کن اندوه مرا

وَاشْرَعُوْنِي وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأُخْصِ شَيْطَانِي

و برستان از رزق مرا و بیا فریب من کن و دکن شیطان را که مکر است

وَمَكَرِي هَائِي وَاجْعَلْ يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي

لجای پس ده کرد مرا و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلند

الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي

آنجان و اینجانب خداوند از تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا

فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي

پس کردی مرا شنوا بینا و تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس کردی

سَوِيًّا رَحْمَةً لِّي وَكَنتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي

درست اعضا از راه مهربانی من و بودی از آفرینش من بی نیازی پروردگار من قسم با آنچه پدید

وَلَا تَكُنْ لِلْهَىٰ إِلَىٰ مَنْ تَكُنْ إِلَىٰ الْقَرِيبِ يَقْطَعْنِي أَمَّ
 پس ای که از هر خدای من بسوی که واسطه داری مرا یا بسوی نزدیک که بر دامن یا
 إِلَى الْبَعِيدِ تَجْعَلْنِي أَمَّ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ وَأَنْتَ
 بسوی دور که بغفلت و ناخوشی پیش آید مرا یا بسوی ضعیف شازندگان من و حال آنکه تو
 رَبِّي وَمَلِكُ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَزِيَّتِي وَبَعْدَ
 پروردگار منی و مالک کار منی شکوه میکنم بسوی تو از غیبت و دوری
 دَاسِرِي وَهَوَايَ عَلَىٰ مَنْ مَلَكَتْهُ أَمْرِي اللَّهُمَّ
 سرای خود و خواری خود بر آنکه کز داندی او را مالک امر من چه او را
 فَلَا تَحْلِلْ عَصَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ
 پس خود مغرورست بمن غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی بر من
 فَلَا أَبَالِي سِوَالِكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي
 پس باک ندارم از غیر تو کمر آنکه بخفنی عافیت تو فراختر است برای من
 فَأَسْأَلُكَ يَوْمَ تَوَدُّ وَجْهَكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ
 پس در بنیوانم از تو محرم روشنای ولایت تو که روشن است بجهت این زمین
 وَالسَّمَوَاتِ وَأَنْتَ كَشَفْتَ بِهِ الظُّلُمَاتِ وَصَلَحَ عَلَيْهِ
 و آسمانها و زایل گشته سبب آن تاریکیها و با آن شده چینه آن
 أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُؤَيِّدَنِي عَلَىٰ غَضَبِكَ
 کار پیشینیان و پسینان آنکه مرا بر غضب خود

وَاللَّيَالِي وَتَحْتِي مِنْ أَمْوَالِ الدُّنْيَا وَكَرْبَاتِ

و شبها و بران را از شداید ایجهان و اندوههای

الْآخِرَةِ وَ أَكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ

آنجهان و دفع کن از من گزند انگریز کننده ستمکاران در زمین

اللَّهُمَّ مَا لَحَاقَ فَأَكْفِنِي وَمَا أَخَذَ رَفَعْنِي وَفِي

خداوند آنچه می ترسم پس دفع کن از من و آنچه می بریزم پس نگاهدارم از آن و

نَفْسِي وَ دِينِي فَأَحْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي فَأَحْفَظْنِي

نفس من و دین من پس نگاهدار مرا و در سفر من پس حفظ کن مرا

وَفِي أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي فَأَحْفَظْنِي وَفِيمَا سَرَّكَ

و در اهل من و مال من و فرزندان من پس حفظ کن مرا در آنچه دوست داری

فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ

پس بركت ده مرا و در نفس من پس خوار كن مرا و در دیده های آدمیان

فَعِظْمَنِي وَمِنْ شَرِّ الْحَيِّ وَالْإِلَهِ فَسَلِّمْ عَلَيَّ وَ

پس بزرگ گردان مرا و از گزند دیوان و آدمیان پس سالم دار مرا و

بِذُنُوبِي فَلَا تَقْصُصْنِي وَلَيْسَ بِرَبِّي فَلَا تُخْزِنِي وَ

بگناهان من پس رسوا مساز مرا و بگناهان نهایی من پس خفیه مگردان مرا و

بِعَمَلِي فَلَا تُبَيِّنْ لِي نِعَمَكَ فَلَا تُسَلِّبْنِي إِلَى غَيْرِكَ

بکار من پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خود را پس زایل مکن از من و بسوی غیر خدا

فَمِكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

میکائیل و اسرافیل و ای پروردگار محمد آخسته نبیسان

وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُنَجِّينَ وَمُنِزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

و ماخذن بر کزیدگان او و فرستنده توریة و انجیل و زبور

وَالْفُرْقَانِ وَمُنِزِلَ كِتَابِ عِصَى وَطِهٍ وَلَيْسَ

و الفرقان و مشرود آورنده کتیب عص و طه و لیس

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تَعِينِي الْمَذَاهِبُ

و القرآن الحکیم تو پناه منی هنگامیکه حاجت من را دادی

فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضَ بِرُحْمِهَا وَلَوْ لَا

بانه اخی آنها در تنگ شود بر من زمین با کشدگی آن و اگر نمی بود

رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقْبِلٌ

رحمت تو هر آینه بودم از هلاک بشدگان و تو در گذرنده

عَثْرَتِي وَلَوْ لَا سَفَرْتُ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

از لغزش من و اگر نمی بودی مرا هر آینه بودم از رسوا شدگان

وَأَنْتَ مُوَقِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَلَوْ لَا نَصْرُكَ

و تو قوت دهنده مرا بباری دادن بر دشمنان و اگر نمی بودی یاری من تو

إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ جَنَّ نَفْسَهُ

مرا هر آینه بودم از غلبه شدگان ای آنکه مخصوص گردا میدی خود را

وَلَا تُزِلْنِي بِحُفَّتِكَ لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ قِسْمِي

و فرزند من را بر لبه پستی خود را مرتزاست مرا خذ تا آنکه خوشتر از من باشد

ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ

آن نیست سزاوار پستش مگر تو نوی پرده کار بلده محترم و مشعر

الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبَرَكَةُ

الحرام و خانه کهنه که فرو فرستاده ای و آن برکت و زبانه

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمَنَةً يَا مَنْ عَفَىٰ عَمَّا عَنِ الْعَظِيمِ

و گردانیدی برای نادیمان و سبیل این ای آنکه در گناه شد از بزرگ

مِنَ الدُّنُوبِ بِحِلِّهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ الْبَرَكَةَ بِفَضْلِهِ

کسان آن پر داری خود ای آنکه تمام کرده نعمت را با بخشش خود

يَا مَنْ آغَىٰ الْخَزَائِلَ بِكَرَمِهِ يَا عَدَدِي فِي شِدْدَتِي

ای آنکه مخفی و پنهان کرد ای بزرگواری خود ای ذیر من در حال سختی من

يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا مُؤْنِسِي

ای یار من در تنهایی من ای یزاد سر من در وقت اندوه من ای یار من

فِي حُفْرَتِي يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي يَا إِلَهِي وَاللَّهُ بَأْتِي إِبْرَاهِيمَ

در بنده من ای خداوند نعمت من ای خدای من و خدا بیاران من ابراهیم

وَأَسْمِعِيلَ وَاسْتَقِ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ جِبْرِئِيلَ

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسب پرده کار جبرئیل

لَا تَحِبُّ وَجَاعَ عَلَيْهِ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَاةَ

از حجاب بود که دانند پس از بندگی بادشاه ای برگرداننده

يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْتِصَّتْ عَيْنَاهُ

یوسف بر یعقوب پس از آنکه سفید گشته بود دیده های او

مِنَ الْخُحْنِ قَهْوًا كَظِيمٍ يَا كَاثِبَ الصُّرَى وَالْبَلَاءِ

از اندوه پس بود او خشم فروخورده ای زایل ناینده بدعالی و بلا

عَنْ أَيُّوبَ يَا مُمَسِّكَ يَدِ إِبْرَاهِيمَ مِنَ الذَّبْحِ عَنِ

از ایوب ای باز دارنده دست ابراهیم از کلو بردن . از

ابْنِهِ بَعْدَ أَنْ كَبُرَ سِنُهُ وَقَتَّى عُمَرُ يَا مَنْ اسْتَجَابَ

پس از آنکه بزرگ گشته بود سال او و پایان رسیده بود عمر او ای آنکه اجابت کرد

لَكَ لِكَيْ تَقُوهَبَ لَهُ يُحْيِي وَلَمْ يَدَعْهُ فَرْدًا وَحِيدًا

مرز که با ایس بخشیده بود و بجای آورد آنکه داشت او را تنها

يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ يَا مَنْ قَلَوَ

ای آنکه بیرون آورد یوسف را از شکم ماهی ای آنکه شکاف

الْبَحْرِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ

دریا را بجهت پس از آنکه یوسف را و فرعون را و فرعون را و فرعون را

وَجَنُودَهُ مِنَ الْمَغْرِقِينَ يَا أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ

و لشکرهای او را از غرق شدن کان ای آنکه فرستاده یار و فرشته دهنندگان

يَا سَمُوعُ الرِّقْعَةُ قَاوِلِيَا وَهُ يَعْزِيهِ يَعْزُرُونَ يَا صَوْن

جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَغْنَاهُمْ فَهُمْ

مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا

تُخْفِي الْقُحُودُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَنْزِمَاتُ

وَالَّذُفُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ يَكُونُ الْأَهْوِيَا مِنْ

لَا يَعْلَمُ مَا يَغْلِبُهُ إِلَّا هَوِيَا مِنْ كَيْسٍ إِلَّا تَرْضَى

عَلَى الْمَاءِ وَسَدَ الْهَوَاءِ يَا سَمَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْكُرْمُ

الْأَسْمَاءُ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُطِعُ الْبَلَاءُ

يَا مُقْتَضِ التَّكْبِيرِ يَوْمَ تَكُونُ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرُ وَخُرُوجُ

الْأَيُّ كَمَا دَخَلَ سَوَارِثُ الْكَارِثَةِ بِحُجَّةٍ يَوْمَ تَكُونُ خَالِيًا تَابَ وَكَيْدُهُ بِرَدِّ

بجندی در صفت بس و مستان اید بار مجندی اودار مجند
که استند اند بای پادشاهان نیز خدای برکردن ای خود پس ایشان
از غنای او ترسانند میدارند چیست و بدکارا و انحراف
چنان میدارند سبب و نهال آنچه می آید و آن را زمان
در روز کار ای آنکه نسب اند بیکس که در پیش میاند کرد ای آنکه
نمیداند انحراف که سبب اند او کرد ای آنکه چنین کرد زمین را
بر آب و بن کرد اودار تا سهای ای آنکه برای است کرامی ترین
تاها ای سنده اند احسان که برید و نشود
ای کما دزد سواران کاروان بجهت یوسف در شهر خالی از آب و کید او برودن

لَا تُخْصِي يَا مَنْ نَعْمُهُ عِنْدِي لَا تَجْأَزِي يَا مَنْ عَارِضِي

ای آنکه روزی داده مرا در حال بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من

شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد من شمر کرده نشود ای آنکه عارضه کرد مرا

بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارِضَتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعُصْيَانِ

پس بیکوئی و احسان و عارضه کردم من باده بدکاری و نافرمانی -

يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ

ای آنکه راه نمود مرا ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر

الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَاكَ مَرِيضًا قَشْفَانِي وَعُزِيَانًا

انعام را ای آنکه خواندم ادا در بیماری پس شفا داد مرا و در برهنگی

فَكَسَانِي وَجَاعِيْعًا فَطَعَمَنِي وَعَطَشَانًا فَارْوَانِي

پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس خوراند مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا

وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا

و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بکیسی

فَلَمَزَنِي وَعَائِيْبًا فَرَدَّنِي وَمُقِلًّا فَاعْنَانِي وَمُسْتَصْرًا

پس بسیار کرد مرا و در مسافرت پس برگردانید مرا و در نیازمندی پس بی نیاز کرد مرا و در

فَنَصْرَنِي وَعَيْنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ

پس یاری کرد مرا و در بی نیازی پس حلب نکرد از من و باز داشتم خود را از

بَيْنَ يَدَي رَحْمَتِهِ يَا مَنْ يُجْعَلُ عَلَىٰ مِنْ عَصَاكَ مَنْ
 پیش از خود آمدن رحمت خودانی آنکه شتاب نکرده بر مواخذه آنکه تا زمانی نکرده
 خَلْقِهِ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْبَحْرِ

خلق او ای آنکه نجات داد جادوگر آنرا پس از دراز سحر

وَقَدْ غَدَا نِعْمَتُهُ يَا كَلْبُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَهُ
 و بقیقت مسبح میکردند نعمت او میخوردند روزی او را و می پرستیدند
 غَيْرَهُ وَقَدْ حَاكَوْهُ وَنَادَوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ

غیر او را و بقیقت دشمنی کردند با او و مخالفت کردند او را در دفع نسبت او از فرستادگان
 يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ لَا بَدَالَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا خَلْقُ

ای خدا ای پروردنده و نخست ابتدای برای نوای همیشه که نباشد نیستی بر ترا ای زنده

حِينَ لَا حَيَّ يَا مَجِيئِي الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ

هنگامی که نباشد زنده ای زنده و کشته و مردگان ای آنکه او نگهبان است بر هر

نَفْسٍ يَمَّا كَسَبَتْ يَا مَنْ قُلْ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْزَنْنِي

نفسی با آنچه کسب نمود ای آنکه اندک بود برای او سپاس گذاری من پس نا امید نگرد

وَعَظَمْتَ عِنْدَهُ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَيْتَنِي

و بزرگ بود نزد او گناه من پس رسوا نکرده مرا و دید مرا

عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَخْذَلْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَغَرٍ

بر آنرا از معاصی پس نوار نکرده مرا ای آنکه نگاه داشته مرا در حال خردی

الَّذِي أَوْيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي

آنکه باری دادی تویی آنکه کارگذاری نمودی تویی آنکه
هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ

راه نمودی تویی آنکه نگاهداشته تویی آنکه پرستانندی
أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي

تویی آنکه آمرزیدی تویی آنکه درگذشته تویی آنکه
مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ

دست دادی تویی آنکه عزیز گردانیدی تویی آنکه مددگرایی
أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ أَنْتَ

تویی آنکه اعانت کردی تویی آنکه قوت دادی تویی
الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَقَيْتَ أَنْتَ الَّذِي

آنکه یاری نمودی تویی آنکه شغابشدیدی تویی آنکه
عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ سَرَيْتَ

عافیت بخشیدی تویی آنکه گرامی داشتی مقدس تویی بروردگار من
وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصْبَا

و بلندی تو پس مرزا است سپاس همیشه و مرزا است سپاس گذاری همیشه
تَعَالَى يَا إِلَهِي الْمَعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي يَا تَعَالَى

پس منم ای خدای من اقرار دارنده بگناهان خود پس بیا مرزا آنها را برای من

جَمِيعَ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَ بِنِ فَالْتِ اَلْحَمْدُ يَا مَنْ اَقَالَ عَمَلِي

سوال همه آنها بسبب بی گناهی گرفتن در این روز است سپاس ای آنکه در گذشته از نفس من
وَنَفْسٍ مَكْرُومَةٍ وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَرَّعَ لِي

در ایل کرده اند و مرا و نیز بر نفس مرا و پسرانید عورت مرا

وَعَفَّرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِيبَتِي وَنَصَّرَنِي عَلَى عَبْدَاوِي

و از من بگذشت و مرا رسانید به حاجت من و یاری داد و برابر دشمن من

وَلَا اَعَدُّ نِعْمَتَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَّ اَيُّوْمُ مَنَّكَ اَخْصِيهَا

و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا بخششهای گرامی ترا انعام شمر و آنها را

يَا مَوْلَايَ اَنْتَ الَّذِي اَنْعَمْتَ اَنْتَ الَّذِي اَحْسَنْتَ

ای آقای من تو سبب آنکه انعام کردی تو ای آنکه بخشش نمودی

اَنْتَ الَّذِي اَجَلَّتْ اَنْتَ الَّذِي اَفْضَلْتَ اَنْتَ

تو ای آنکه بگویند که سبب تو ای آنکه بخشش نمودی تو سبب

الَّذِي مَنَّتَ اَنْتَ الَّذِي اَكْمَلْتَ اَنْتَ الَّذِي

آنکه انعام کردی تو ای آنکه تمام و کامل نمودی تو ای آنکه

مَزَقْتَ اَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ اَنْتَ الَّذِي اَعْطَيْتَ

زود کردی دادی تو ای آنکه زمین دادی تو ای آنکه عطیة فرمودی

اَنْتَ الَّذِي بَلَّغْتَنِي اَنْتَ الَّذِي اَقْنَيْتَ اَنْتَ

تو ای آنکه رسانیدنی کردی تو ای آنکه روزی دادی بقدر کفا تو ای

لَمْ يَجْمَعِهِ فَلَا تَحْمَدُ يَا إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي

بجای من و پس من تراست سبحان ای خدای من فرمان مادی مرا پس من ترا نکردم

فَأَمَرَ تَكْبِتُ نَهَيْتُكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرُ

پس بر تکب شدم نهی ترا پس صبح کردم خداوند نیرازی از گناه پس عذر خاکی کنم

وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَتَصَوَّرُ فَيَأْتِي شَيْءٌ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلا

و نه خداوند توانایی پس انتقام کشم پس بگوام چیز فراپیش آید ترا ای آقای من

اَلِاسْمَعِي أَمْ يَبْصُرِي أَمْ يَلْسَانِي أَمْ يَبْدِي أَمْ يَخْلِي

ایا بگویش خود یا بدیده خود یا بزبان خود یا بدست خود یا بپای خود

اَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتٌ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ

ایا نیست همه اینها نعمتهای تو نزد من و بهر آنها نامسته مانی کردم ترا

يَا مَوْلايَ فَلَا الْحِجَّةَ وَالسَّبِيلَ عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي

ای آقای من پس مراست محبت و راه از آنکه ای آنکه پوشانید مرا

مِنَ الْإِبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي وَمِنْ

از پدران و مادران از آنکه منع کنند مرا و از

الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ أَنْ يَعْذِرُونِي وَمِنَ السُّلَاطِينِ

غریبان و برادران از آنکه برزشش کنند مرا و از بادشاهان

أَنْ يَتَقَابِقُونِي وَلَوْ أَطْلَعُوا يَا مَوْلايَ عَلَيَّ مَا أَطْلَعَتْ

از آنکه عذاب کنند مرا و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر آنچه تو مطلع شدی

الَّذِي آسَأْتُ أَنَا الَّذِي أخطأْتُ

آنکه بد کردم منم آنکه خطا کردم
أَنَا الَّذِي أَغْفَلْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ

منم آنکه غافل شدم منم آنکه ندانستم صلاح کار خود را
أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ

منم آنکه قصد کردم بمعصیتها منم آنکه گشاده کردم از روی سبوح
أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَدَّدْتُ

منم آنکه اعتماد کردم منم آنکه گشاده کردم از روی عهد
أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي

منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلافت وعده کردم منم آنکه
نَكَثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَزْتُ أَنَا يَا إِلَهِي اعْتَرَفْتُ

شکستم بپایان منم آنکه اقرار کردم من ای خدا می من اعتراف میکنم
بِعَيْتِكَ عِنْدِي وَأَبُو يَدُ نُونِي فَأَغْفِرْ هَالِكِي

بنمتهای تو نزد من و اقرار میکنم بکائنات خود پس پیام را بآنها را برای من
يَا مَنْ لَا تَضَرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

ای آنکه ضرر نمیرساند او را گناهان بندگانش و او است بی نیاز از
طاعتهم وَالْمَوْفِقُ مِنْ عَمَلِ مَنْهُمْ صَالِحًا يَمْعُوْنِيهِ

فرمان برادر ایشان و توفیق دهنده آنها که کرد از ایشان کار شایسته بدر کردن او

كُلُّ عَبْدٍ لَكَ مَهْدِي فَإِنْ تَعَدَّ نِيَّيَ قَبِلْتُ نِيَّيَ يَا إِلَهِي
 پس از جنت گرفتن تو بر من و اگر در گذری از من پس بر برداری تو بخشش تو
 يَعْدُ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَعَفَّ عَنِّي فِحِلَّتِكَ جُودِكَ
 و اگر مرا می نیستی من را و اگر پشتمش مکن تو پاکی تو بدرستی من هستم
 مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
 از ستم کاران نیست من را و از پشتمش مکن تو پاسکے تو بدرستی من هستم
 مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
 از آمرزش طلبان نیست من را و از پشتمش مکن تو پاکی تو بدرستی من هستم
 كُنْتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 هستم از یکانه یاد کنندگان نیست من را و از پشتمش مکن تو پاکی تو
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 بدرستی من هستم از بیمندگان نیست من را و از پشتمش مکن تو پاسکے تو
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَحِيدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 بدرستی من هستم از یمنندگان نیست من را و از پشتمش مکن تو پاسکے تو
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 بدرستی من هستم از درخواست کنندگان نیست من را و از پشتمش مکن تو پاسکے تو

مِنِّي عَلَيْهِ إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَلَوْ قَضَوْنِي وَقَطَعُونِي

از من بر آن آفرنت بهت نهادند و هر آینه ترک میکردند مرا و می قطع نمودند

فَمَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعًا ذَلِيلًا

پس ایستادم من در پیش تو ای بزرگ من فروتنی کنسند و خوار

حَصِيرًا حَقِيرًا لَا دُورَ بَرَاءَةٍ فَاغْتَدِرْ وَلَا دُورَ قُوَّةٍ

شکل بی مستند نه خداوند بیزاری از کائنات پس غنچه خواهی گنم و نه خداوند

فَأَنْتَصِرُ وَلَا حُجَّةَ لِي فَأَخْجِرْ بَهَا وَلَا قَائِلَ لِمُخْتَرِجٍ

پس انتقام بگیرم نیست چندی برای من پس محبت آورم آن و نه گویند و ام که کسب نکردم

وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى الْجَحْدُ لَوْ جَحَدْتَ يَا مُوَلَا

و نکردم بدی و نشاید که انکار اگر انکار کنم ای آقای من

يَنْفَعُنِي فَكَيْفَ وَأَتَى ذَاكَ وَجَوَارِحِي مَكَلَّهَا

سود بخشد در پیش بگرداند و کجاست آن و جوارهای من همه آنها

شَاهِدَةٌ عَلَى مَا قَدْ جَعَلْتَ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ

گواه اند بر من آنچه تحقیق دانستم از روی یقین حال آنکهستم شک دارند

إِنَّكَ سَائِلِي عَنْ عَزَائِمِ الْأُمُورِ وَأَنْتَ الْحَكِيمُ

ای بزرگوار من تو سوال کننده مرا از کارهای بزرگ و آنکه تحقیق نوی راست گفتار

الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ

عدالت که ستم نکند و عدالت تو طاک کننده است و از استیلا

الْيُسْرَ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةَ

در دفع عسری و دشواری و کشودن آندوه . و صحت بخشیدن

فِي الْبَدَنِ وَالْمُسْلَامَةِ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى

در بدن و سلامتی در دین و اگر باری کردندی مرا بر

قَدْ رِذِّكَرِيغِيكَ عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنْ

آندازد و یازد . نعمتهای تو بر من همه جهانیان از

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لِمَا قَدَّرْتَ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ

پیشینان و پسینان بر آینه قدرت خدا شستی من و نه ایشان بران

تَقْدَرْتِ وَتَعَالَيْتِ مِنْ رَبِّ عَظِيمٍ كَرِيمٍ حَنِينٍ

با نکتی و برتری تو که برود و کار بزرگ مرتبه بزرگوار تو هرانی

وَلَا تُخْصِي الْأَوَّلُكَ وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافِي

و شکر ده نشود نعمتهای تو در سبده نشود ستایش تو و شکر کرده نشود

نَعْمَاؤُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا

نعمتهای تو رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و انعام کن

نِعْمَتِكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

نعمتهای خود و نیکبخت کن ما را بفرمان برداری خود پاک تو نیست و او را پیشتر

أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَجِيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَا

تو بار خدا یا بدستی که تو می پذیری دعای در ماندگان را هرگاه بخوانند

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاحِجِينَ الرَّاحِجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

در سببیک من هستم از امیدواران خواهم پسندان نیست سزاوارت منم که تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِكِينَ الْمُسْتَحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

با سبب تو در سببیک من هستم از نهیل کنندگان تنزیه کنندگان نیست از او سببیک

أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ

تو با سبب تو ای پروردگار من و پروردگار پدران پیشین منی

اللَّهُمَّ هَذَا شَأْنِي عَلَيْكَ مُتَّحِدًا وَاحِلًا صِلْ لِي ذِكْرَكَ

ای خدا یا نیست ستودن من ترا حال آنکه تنظیم کنم و حاصل گردانیدن من را گرد ترا

مُتَّحِدًا وَاقْرَأْ رِئَاسِي بِالْأَلَمِ مَبْعُودًا وَإِنِّي كُنْتُ

حال آنکه بجا نیاید که تو را درود من بجمعهای تو حال آنکه بشمارم و اگر چه هستم

مُقَرَّرًا إِنِّي لَا أَخْصِيهَا لِكثَرَتِهَا وَسُبُوحُهَا وَتَظَاهِيرُهَا

قرار داده اند و آنکه تحقیق نتوانم شمار آنها را بجهت بسیاری آنها و نامی آنها و بی پایان بودن آنها

وَتَقَادِمُهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَّقِدُنِي بِهِ

و در سببیک آنها منظم بسوی نعمت تا زنده بمانی که همیشه پیشانی منی را

مَعَهَا مَدَّ خَلْقَتَنِي وَبَرَأَتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنْ

آنها از آنوقت که آفریدی مرا و پدید آوردی مرا از آغاز زنده گان از

الْإِعْنَاءِ بَعْدَ الْفَقْرِ وَكَشَفْتَ الضَّرَّ وَكَشَيْبَ

از نیاز من پس از نیاز مندی و درایل کردن به حالی و ساز کردن

وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا

و اندوهی که از پس منی کنی تمنا و دعا بکنه بیدری آنرا و نیکی که قبول کنی آنرا

وَسَيِّئَةٍ تَغْفِرُهَا إِنَّكَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ

و بدی که یا مردی آنرا بدستی که تو مهربان آگاهی و بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنِّي دُعَايَ وَأَسْرَعُ

چیز و توانایی یا خدا یا بدستی که نزدیک تری از هر که خوانده شده و بشناخته

مِنْ أَجَابٍ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى

از هر که اجابت کرده و بزرگوارای از هر که درگذراند و فراگیرنده تری از هر که بخشش نموده

وَأَسْمَعُ مَنْ سَأَلَ يَا رَحْمَنُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحْمَهُمَا

و شنواتری از هر که سوال کرده شده ای بخشنده این جهان و آن جهان و مهربان هر دو جهانان

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَا مَوْعِدٌ

نیست مانند تو هیچ سوال کرده نشده و نه غیر تو امید داشته شده

دَعْوَتِكَ فَأَجِبْنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطِينِي وَ

خواندم ترا پس اجابت کردی مرا و درخواستم از تو پس عطا کردی مرا و

رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْنِي وَوَقَّعْتُ بِكَ فَجَبِّتْنِي وَ

خواستش نمودم بسوی تو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم تو پس رسانیدی مرا و

فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بناه که رفتم بسوی تو پس کارگزاری نمودی مرا و از پس رحمت بفرست بر محمد

وَتَكْشِفُ السُّقْمَ وَتَغْنِي الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي

و زایل یکن بر عاقل را و بزیاد بری غنا را و شفای بخش مسکین
السَّقِيمَ وَتَغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ

بیمار را و دل نیاز یکن نیاز مند را و دست یکن شکست را و بهرانی یکن
الصَّغِيرَ وَتَغْنِي الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ نَهْزِرُ

خود را و دد یکن بزرگ را و نیست غیر تو و آری
وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلَقَ

و غیر بالای تو و زوای دومی بلند مرتبه بزرگوار ای را که گسترده
الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ يَا رِزْقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ

بند و بر دست گیرنده ای و رزق دهنده طفل و حرد ای نگاهدارنده
الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ

ترسنده و زهد جوینده ای آنکه نیست انبازی برای او و نه وزیر و یار
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْظِنِي فِي هَذِهِ الْعِشْيَةِ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بخش مرا در این وقت عشا
أَفْضَلَ مَا آعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ

بهتر از آنچه بخشیدی در سائیدی سبکی از بندگان خود را
مِنْ نِعْمَةٍ تَوْلَيْتَهَا وَالْأَعْيُنُ دَهَا وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا

از نعمتی که انعام میکنی آنرا و لغتت می که نماند و میکنی آنها را و بلائیکه بگردانی آنرا

وَخَيْرَ تِلْكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ

و بکزیده تو از خلق تو و مستند تو بر پیام تو ^{شده} دهنده

التَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

بیم نماینده چراغ روشن آنکه انعام کردی تو با و بر مسلمانان

وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

و کردی انجمنی او را بختایش برای جهانیان خداوند پس رحمت بفرست بر محمد و

أَهْلَهُ نَمَا مُحَمَّدًا هَلْ ذَلِكَ يَا عَظِيمُ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى

آل او چنانچه محمد سزاوار است ای بزرگ رحمت بفرست بر او و بر

أَهْلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَحِينَ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

آل محمد که برگزیده گان پاکیزه باشند ^{یک} پاك باشند

وَتَعَمَّدَكَ نَكَرَ بَعْقُوكَ عَمَّا فَالَيْكَ عَجَبُ الْأَصْوَاتِ

و پوشان کن من را با اجد که شستن خوب پس بپوش تو بلند کرده صدای

بَصُوفِ اللَّغَاثِ وَاجْعَلْ لَنَا فِي هَذِهِ الْعِشْيَةِ

بافتن زبانها و گردان برای ما در اینوقت عشا

نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ وَتُورِثُهُ تَهْدِيهِ وَرَحْمَةً

پایه در هر نیکی که قسمت کنی آنرا و وراثتی که راه نمایی آنرا و بخششی

تَنْسُزْهَا وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا وَبَرَكَاتٍ تُزِيلُهَا وَرِزْقٍ

که برآکنده سازی آنرا و عافیتی که بپوشانی آنرا و زیادتیی که فرو فرستی آنرا و روزی که

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَنَبِيُّكَ وَعَلَى إِلَهِ الطَّيِّبِينَ
 بنده تو در ستاده تو پیغمبر تو بر سر آل پاکیزه کائنات
 الظَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْنَا نِعْمَتَكَ وَهَبْ لَنَا
 واپاکان او منکے دنام کن برای مانفهای خود را و کارا کن برای
 عَطَاؤَكَ وَاجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلَا تَلَا ثَلَّةَ
 بخشش خود را و بگردان ما را برای خود بسیار گذار و نعمهای را
 ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ آمِنْ
 یادکنندگان اجابت کن ای پروردگار جهانیان بار خدایا ای آنکه
 مَلَكٌ فَقْدَرٌ وَقَدَرٌ فَقْهَرٌ وَخَصِي قَسْرٌ وَاسْتَفْهَرُ
 ملک است بر چیزی را پس توانست توانست پس غالب است و نافرومانی کرده شد پس
 فَقْفَرٌ يَا غَايَةَ رَغْبَةِ الرَّاعِيْنَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الْوَلَدِ
 پس از مرید ای نهایت خواهش خواستندگان و ای منتهای امید امیدواران
 يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقْبَلِينَ
 ای آنکه فر گرفته هر چیزی را بدانش و فرا گرفته آمرزش طلبان را
 رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَجِلًّا اللَّهُمَّ إِنَّا نَسُوجُهُ إِلَيْكَ فِي
 از روی مهربانی بخشش و بر داری خداوند استیکه ما و می و دیم به تو
 هَذِهِ الْعِشْيَةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَمْتَهَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ
 اینو قشپین که بلند کرده پایت آفر و بزرگ کرده آنرا بر سید محمد پیغمبر تو

عَنَّا وَعَاوَنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا وَهِيَ

از ما و عاقت بخش ما را پس تحقیق در از کردیم سوخت و دستهای خود را و آن

بِذَلِكَ إِلَّا غَيْرَافٍ مَوْسُوْمَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاعْظِمْنَا

بخواد می اعتراف بکنمان بستان کرده شده است خداوند پس عظم کن ما را

فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَاکْفِنَا مَا

در این وقت سپید آنچه ده خواستیم ما از تو و کارگذاری کن برای ما آنچه

اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ

طلب کفایت نمودیم از تو زیرا که نیست کارگذاری برای ما غیر تو نیست برود کار

لَنَا غَيْرُكَ نَأْخُذُ فِينَا حُكْمَكَ مُحِيطًا بِمَا عَلِمْنَا

ما را غیر تو روان است از ما حکم تو سرزنش است ما را دانشتو

عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ أَقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا

بر وفق عدل و انصاف و داد بدار ما حکم تو حکم کن برای ما به نیکی و بگردان ما را

مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا جُودَكَ عَظِيمَ

از اهل نیکی خداوند ما را واجب گردان برای ما بخشش خود بفرزنده ما

اَلْاَجْرِ وَكَرِّمِ الْبَذْرَ وَدَّامَ الْيُسْرِ وَاعْفِرْ لَنَا

و نوزید بگرمای و بیاورد بباران و بیامرز برای ما

ذُنُوبَنَا اَجْمَعِينَ وَلَا تَهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ

کنان ما را همه و هلاک کن ما را با هلاک شوندگان

تَبَسُّطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْلِبْنَا فِي هَذَا

پس کنی آنرا ای بخشنده ترین بخشنندگان خداوند بگردان ما را در این

الْعَاقِبَةِ مُنْجِينَ مُغْلِبِينَ مَبْرُورِينَ غَائِبِينَ وَلَا

وقت نبردی یا فشان رستگاران احسان کرده شدگان اجرا بندگان و

الْقَانِطِينَ وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُخْرِ مَنَا مَا

از ناامیدان و خالی نگذار ما از رحمت خود و نا امید کن ما را از آنچه

نُؤْتِيكَ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا تُرَدِّ نَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ

آنرا و کنیم ما آنرا از بخشش تو و بر گردان ما را بی بهره گشتگان از

بَايِكَ مَطْرُودِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ

درگاه تو رانده شدگان و گردان ما را از رحمت خود نا امید شدگان

وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُؤْتِيكَ مِنْ عَطَايَاكَ قَانِطِينَ يَا أَجُودَ

و نه از بخشش آنچه میداریم ما از عطایای تو نا امیدان ای بخشنده ترین

الْأَجُودِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا

بخشنندگان و بزرگواریترین بزرگواران ما بسوی تو رو گردیم ما

مُؤْمِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِنِينَ قَائِدِينَ

کردندگان و خاد محترم ترا اراده نمایندگان قصد کنندگان

فَاعْمِدْ عَلَيَّ مِنْ شَيْئِكَ وَأَكْمِلْ لَنَا حُجَّتَنَا وَاعْفُ اللَّهُمَّ

پس تکیه کن بر من از چیزی و کامل گردان برای ما حج را و در گذر خداوند

مُضْمَرَاتِ الْقُلُوبِ إِلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ

نهایتهای دل مرا هر چه آنها بجهت
اخصا علیه علیک و وسیعته حلت سبحانک و

شمر آنها را دانش تو و زاکر نه آنها را برداری تو با کج تو
تعالیت عما یقول الظالمون علواً کبیراً

برتری تو از آنچه بگویند ستمکاران برتری بغایت
لست سبحانک السموات السبع والأرض ومن

تو بیکند مرزا آسمانهای هفتگانه زمین و آنکه
فیهن وإن من شیء إلا یسبح بحمدک فَلَکُ الْحَمْدُ

ند آنهاست و نیست هیچ چیز مگر آنکه بتسبیح سپاس تو پس بزرگوار
و الحمد و علو الحمد یا ذا الجلال و الاکرام

و بزرگوار ای بلندای عظمت ای خداوند بزرگوار ای در اسی داشتن
و الفضل و الانعام و الایادی الجسام و انت

بخشنش و نعمت دادن و نعمتهای بزرگ و توانی
الحواد الکریم البروف الرحیم اللهم آو سبغ

بخشنده بزرگوار هر بان خدادیدار گشایش ده
علی من یرزقک الجلال و عافی فی بدنی و

بر من از روزی حلال خود و عافیت ده مرا در بدن من و

وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

وگردان از ما هر بانی خود بخشش خود ای بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِنْ

بخشنده کان خداوند بگردان ما در این وقت از آنکه

سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرْتُكَ فَرَزْدْتَهُ وَتَابَ

در خجسته از تو پس عطا گوی او را و سپاس گذاری که تو را پس ازین نمودی از او

إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

بسیار پس نزد من توبه او را و خدر عطا می نمودی توبه از کنان خود همه آنها

فَعَمَّرْنَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَفَقِّنَا

پس از نزدی آنها را برای ادای خداوند بزرگوار می گزاشتی خداوند از تو

وَسَدِّدْنَا وَأَعْصِمْنَا وَأَقْبَلَ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ

و در بست کن کار ما را و نگاهدار ما و بپذیر زاری نمودن ما را ای بهترین

مِنْ مَسْئِلٍ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ أَسْتَجِبُ يَا مَنْ لَا يُخْفَى

از او آن که در پند شده دای بخشنده کسی که بخشش کرده باشد ای آنکه نهان نیست

عَلَيْهِ إِعْمَالُ الْخَفِيِّ وَلَا يَخْطُ الْعَيُّونُ وَلَا

بر او پند بر آید و نه کسی که پند شده دیده اند و نه

مَا اسْتَفْتَرَنِي الْمَكْتُوبُ وَلَا مَا لَطَوَى عَلَيْهِ

آنچه استفتی من را در کتاب و نه آنچه در لایحه او بر من نوشته شده بر آن

و در هر یک از اینها که در این کتاب است

فَكَانَ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَّكَ

آزادی کردن خود را از آتش نیست سزاوارده پستش مکتوب حال آنکه بخاندن

لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمَلَكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ

نیست شریکی برای تو در ذات پادشاهی و در ذات سپاس و تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بر هر چیزی توانای ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

پس مکرری گشت یا رب و صد اما بگریه بلند شد و بار کرد و در روانه

جانب مشعر الحرام شدند و رسید این طاعتی رضی الله عنه بلند

معتمد روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

که در روز عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو

بحل و قوف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله

و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره

انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

نیست سزاوارده پستش مکتوب

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

بزرگوار نیست سزاوارده پستش مکتوب بلند مرتبه بزرگ

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ

پاک است خدا پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار

دِينِي وَأَمِنْ خَوْفِي وَأَعِثِّقْ رَقَبَتِي مِنَ الْبُكَارِ

دین من و دین من و ترس مرا و آزاد کن کردن مرا از آتش

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْني وَلَا تَسْتَدْرِجْني وَلَا تَخْذِلْني

خداوند! مگر مکن با من و استدرج مکن با من و خوار مکن از مرا

وَأَذْهَبْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْحَيِّ وَالْأَلَسِ

و دفع کن از من گزند ناپید کاران دیوان و آدمیان ماس

پس هر دو دیده خود را بنوی تا سان بلند کرده از دیده های مبارک

آب میریخت مانند روشک و صدای بلند گفت

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ الْبَاطِنِينَ وَيَا أَسْرَعَ

ای شنو ترین شنوندگان و ای بینا ترین نگرندگان ای زودترین

الْحَاسِبِينَ وَلَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

حساب کنندهگان ای رحم کننده ترین رحم کنندهگان رحمت بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ الشَّادِدِ الْيَاسِينَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي

محمد زوگان و سیله و آقا برکت و ده میخواهم تو خداوند حاجت خود را

إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَصُرْ لِي مَا مَنَعْتَنِي

بهترین آن حاجتی که اگر عطا کنی مرا آنها را ضرر رساند مرا آنچه باز داری از من

وَأَنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ

و اگر باز داری آنرا از من سود نبخشد مرا آنچه به بخشش مرا سوال میکنم از تو

الْعَفْوُ لَوْ أَنَا الْخَاطِئُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا تَمُوتُ

آمرزگار و سرگزگار و زنده کننده و زنده کننده ای که نمیرد
وَأَنَا خَلَقْتُ أَمْوَاتٌ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ

و منم آفریده که می میرم خداوندای توئی خدا نیست معبودی جز تو
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ اَلْغَنِيْ

پروردگار جهان بخشنده و توئی جنت نیست سزاوار پرستش مکن تو غالب
الْحَكِيْمُ وَأَنْتَ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ اَلْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ

دانا کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مکن تو بلند مرتبه بزرگ
وَأَنْتَ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ اَلْعَفْوُ الرَّحِيْمُ وَأَنْتَ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مکن تو آمرزگار هر بار و توئی
اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ وَأَنْتَ

خدا نیست سزاوار پرستش مکن تو صاحب روز حساب و توئی
اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأُ الْخَلْقَ وَالنَّيْلَ

خدا نیست سزاوار پرستش مکن تو ازست نخستین آفرینش خلق و بهیوی تو
يَعُوْذُ وَأَنْتَ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ لَوْ تَزَلَّ لَمْ تَزَلْ

از میگردد و خلق و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مکن تو همیشه بودی همیشه خواهی بود
وَأَنْتَ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ

و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مکن تو آفریننده بهشت و دوزخ

الْأَرْحَامِ السَّيِّئَاتِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ إِنَّا أَعْتَدْنَا لَكَ أَسْجِدًا وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِنْ

مَذْحِكٍ مَعَ قَلْبٍ عَمَلٍ وَقَصِيرٍ رَائِي وَأَنْتَ الْخَالِقُ

وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ

الرَّحِيمُ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الدَّلِيلُ وَأَنْتَ

الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ

وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى

وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى

وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى

وَإِنَّمَا الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و تو ی غنی و عزیز و حکیم و هست کردار و تو ی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى وَالْكَبِيرُ يَا رِذَاؤُكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ

بزرگواری بلند مرتبه و بزرگواری بانه هست خداوند پرستش مگر تو

سَابِغُ النِّعَمَاءِ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ مُقْسِطُ

کامن نعمتی میگردانغای بسیار بخشش عدالت کننده

الْقَضَاءِ بَاسِطُ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ نَفَّاعُ بِالْخَيْرَاتِ

در حکم کردن دستها بخشایش بنفایت سود بخشش نیکبیا

كَاشِفُ الْكُرْبَاتِ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ مُزِيلُ الْهَمَمَاتِ

زایل کننده غمها بلند گرداننده مرتبه فروزنده آفات نیکبیا

مِنْ قَوْسِ سَبْعِ سَمَوَاتٍ عَظِيمُ الْبَرَكَاتِ

از بالای هفت آسمان صاحب بزرگت یار و غزایابی بزرگی

مُخْرِجُ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ

بیرون آورنده آنرا که در تاریکیهاست بسوی روشنائی بدل کننده کسایات

حَسَنَاتٍ وَجَاعِلُ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اللَّهُمَّ

بخشنا و گرداننده نیکوهای را مرتبه خداوند

إِنَّكَ دَنْوَتْ فِي عُلُوكَ وَعَلَوَتْ فِي دُنُوكَ

در سیک تو نزدیکی در بلند می خود و بلند می در نزدیکی خود

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ

دوئی خدا نیست سزاوار پرستش مکرر آفریننده و نیک و بد

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْقَدُّ الْقُدُّوسُ

دوئی خدا نیست سزاوار پرستش مکرر بگانه بگانه نکلانی بیاه نیازمندان

لَمْ تَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْؤًا أَحَدٌ

تراوده و زائیده نشده و زیت مرثرا نماند هیچ کس

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّوَادِ

دوئی خدا نیست سزاوار پرستش مکرر دانای پنهان و آشکارا

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ

بخشنده و مهربانی دوئی خدا نیست سزاوار پرستش مکرر بادشاهی

الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

بالکی از نقصها سالمی از صیها امان دهنده و نکلانی غالبی کارفرمای

الْمُتَكَبِّرُ مُبِجَانُ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

بمقدور و غلبه بزرگوار بی منزله است خدا از آنچه شرک می دانند و توئی خدا نیست سزاوار پرستش

إِلَّا أَنْتَ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ السَّمَاوَاتُ

مکرر آفرید کاری پدید آورنده و نگارنده صورتی مرز است نامهای

وَالْأَرْضُ الْحُسْنَى لَسَبِّحُكَ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

نیک تنزیه می کند ترا آنچه در آسمانهاست و زمین

أَثَبَّتْ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَأَخَصَّيْتَ كُلَّ شَيْءٍ
 ثابت داشتی هر چیز را بحکمت و صلیت خود و احاطه کردی هر چیزی را
 بِعِلْمِكَ وَأَبْرَزْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمِكَ وَلَا تَقْوِيَّتِكَ
 بدانش خود و محکم نمودی هر چیز را بحکم خود و قوت نشود از تو
 شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ عَنْكَ شَيْءٌ أَنْتَ الَّذِي
 چیزی بدانش تو و امتناع نکند از تو چیزی تو سستی آنکه
 لَا يُعْجِزُكَ هَارِبُكَ وَلَا يَرْتَفِعُ صَرْيَعُكَ وَلَا يُجَيِّدُ
 عاجز ترا از ترا گیرنده تو و بلند نشود افتاده تو و زنده نکند
 قَتِيلَكَ أَنْتَ تَعْلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكَتَ فَقَدَرْتَ
 کشته تو تو بلند شدی پس غلبه کردی و مالک شدی پس توانا شدی
 وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ ظَهَرْتَ عِلْمَتُ
 و دانایا من امور شدی پس باخبر شدی و بر هر چیزی ظاهر شدی و این
 خَائِنَةُ الْأَعْيُنِ وَمَا تَخْفَى الصُّدُورُ وَتَعْلَمُ مَا
 خیانت دیده بار و آنچه را که پنهان دارند بسینه و میدانی آنچه را
 تَحْمِلُ كُلُّ أَنْثَى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامَ وَمَا
 که بر میدارد هر زنی و آنچه میزاید و آنچه را بکارد رحم مادر اعضا و آنچه
 تَرْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ أَنْتَ الَّذِي
 بنفزايد بر اعضا و هر چیزی نزد تو باندازه ایست توئی آنکه

قَدْ تَوْتِ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَازْتَفَعْتَ فَلَيْسَ

پس بنهایت نزدیکی نرسیده و یک ترا از تو چیزی و بنایت بلند نیست
فَوَلَّكَ شَيْءٌ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى

بالای تواجب چیزی بینی و دیده نمی شوی و تو در دیده - نگاه بلند تری
فَالِقُ الْخَيْبِ وَالْثَوَى لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى

شکار فزده و اندوه استهای خراب مرز است آنچه در آسمانهای بلند است
وَلَكَ الْكِبَرُ يَا عَزِيزُ الْأُخْرَى وَالْأُولَى اللَّهُمَّ أَنْتَ

در مرز است بزرگداری در آنجهان و اینجهان خداوند ابرسنگه تو
غَافِرُ الذَّنْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذُو الطُّوْلِ لَا

آمرزنده گناه سبقت عقوبت خداوند اعلائی نیست
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ

خدا می مگرد تو بسوی نیست باز گردیدن و اگر گفته رحمت تو
كُلَّ شَيْءٍ وَبَلَغَتْ حُجَّتُكَ وَلَا مَعْقِبَ لِحُكْمِكَ

هر چیزی را در رسید حجت تو نیست باز پس دارند و هر حکم ترا
وَأَنْتَ لَا تُخَيِّبُ سَأَلُكَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَرِافِعُ

و تو نا امید نمی سازی سوال کننده خود را تو می آنکه نیست بلند سازنده
لِمَا وَضَعْتَ وَلَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ أَنْتَ الَّذِي

را آنچه ماکه پست کنی تو و نه پست کنشده را آنچه را که بلند کنی تو تو می آنکه

الَّذِي لَا يَسْتَطَاعُ كُنْهَ وَصَفِيَّتْ وَلَا مُنْتَهَى

آنکه مقدور نیست رسیدن بپایان ستایشش تو نیست نهایتی

لِمَا عِنْدَكَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَصِفُ الْوَاصِقُونَ

مرا آنچه را نزد تو هست توئی آنکه نمی ستایند ستایندگان

عَظَمَتِكَ وَلَا يَسْتَطِيعُ الْمُرَائِلُونَ تَحْوِيلَكَ

بزرگی ترا و طاقت ندارند مفارقت کنندگان گردانیدن ترا

أَنْتَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ

تو شفا بخشنده مرضی و یکه در سینه است و راه نامی و نیابت هوانی

لِلْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَائِلٌ وَلَا

مرا که داند کان را توئی آنکه نمی رنجاند ترا سوال کننده و

يَقْصُصُكَ نَائِلٌ وَلَا يَبْلُغُ مَدْحَكَ مَادِحٌ وَ

که نیاید و نرساند ترا عطا می و نرسد ستایش ترا ستاینده و

لَا قَائِلٌ أَنْتَ الْكَائِنُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْمَكُونُ

نیکوینده توئی موجود پیش از هر چیز و پدید آورنده

لِكُلِّ شَيْءٍ وَالْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ الْوَاحِدُ

بر هر چیزی و موجود پس از هر چیز توئی یگانه

الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ

ماد نیاز و نیازی آنکه زاده و زائیده نشده و نیست مرا

لَا تَنْتَقِي مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تَصْنَعُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ

و انچه كند از آنكه ياد کرده ترا و بنا چيز نميكني آنرا كه توكل نموده بر تو

أَنْتَ الَّذِي لَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ أَرْضِكَ عَمَّا

توئي آنكه باز نميدارد ترا آنچه در فضاى زمين است از آنچه

فِي جَوِّ سَمَوَاتِكَ وَلَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ سَمَوَاتِكَ

در فضاى آسمان است و باز نميدارد ترا آنچه در فضاى آسمان است

عَمَّا فِي جَوِّ أَرْضِكَ أَنْتَ الَّذِي تَعَزَّزْتَ فِي مُلْكِكَ

از آنچه در زمين است توئي آنكه بغايت غايبى در بادشاهى خود

وَلَمْ يَشْرُكَكَ أَحَدٌ فِي جَبَرُوتِكَ أَنْتَ الَّذِي

بدست يكدميت ترا هيچكس در بزرگوارى تو توئي آنكه

عَلَا كُلِّ شَيْءٍ مُلْكُكَ وَمَلَكَ كُلُّ شَيْءٍ أَمْرَكَ

برتر است بر هر چيز را بادشاهى تو و مالك است هر چيز را فرمان تو

أَنْتَ الَّذِي مَلَكَتِ الْمُلُوكُ بِقُدْرَتِكَ أَنْتَ الَّذِي

توئي آنكه مالك شدي بادشاهان را بتهوانامى خود و پندگى كردى

أَلَا رُبَّابَ يَعْبُدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِي قَهَرْتَ كُلَّ

همزان را بقلبه خود توئي آنكه مغلوب كردى همه

شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَعَلَوْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِفَضْلِكَ أَنْتَ

چيز را بپاى تواناي خود و برتر شدي بر چيز را بپنجش خود توئي

الْكَرِيمُ وَأَنْتَ الْبَارُّ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ الْغَفَّارُ

بزرگوار و تو بی نیکی کردار و تو بی گنا و تو بی ندامت و تو بی نوازش
وَأَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا

و تو بی غالب و تو بی نامهای نیک و تو بی همه آنها
وَأَنْتَ الْمُجِيبُ الَّذِي لَا تَجُلُّ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي لَا تَذِلُّ

و تو بی پشیمانی و تو بی که تجل نمی درازی و تو بی که از چندی
لَا تَذِلُّ وَأَنْتَ مُمْتَنِعٌ لَا تَرَامُ لَيْسَ بِكَ مَعَا فِي

خوار نمیداری و تو بی افتخار کننده که قصد کرده نمی شوی ستر پی که نرا بجز در
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ بِالْخَيْرِ أَجْوَدُ مِنْكَ

آسمانها و زمین است و تو بی نیکیها بخشنده تری از خود
بِالشَّرِّ أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ أَنْتَ

بزرگوار و آزار دهنده ای پروردگار من و پروردگار پدران پیشینیان من تو
مُجِيبُ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ أَنْتَ مُجِيبُ نُوْحًا

اجابت نمکنی در ماندگانرا هرگاه بخواهند ترا تودا بنامی نوح را
مِنَ الْغَرَقِ وَأَنْتَ عَفْرَتٌ لِبَابِ دَدْنَبَةِ وَأَنْتَ

از غرق شدن و تو آمرزیدنی برای داود و کنایه داود را و تو
كُفِّتَ عَنْ ذِي التَّوْنِ كَرَبَةً وَأَنْتَ كَشَفْتَ

زایل گردانیدی از سداوند ماهی اندوه را و تو کشودنی

كُفُوا أَحَدٌ وَلَمْ تَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا تَسْمُوا

مانند هیچ کس احد نگرفتند هیچ زنی و نه فرزندی آسمانها

وَمَنْ فِيهِنَّ لَكَ وَالْأَرْضُ صُورٌ وَمَنْ فِيهِنَّ

و آنچه در آنهاست برایست و زمین و آنچه در آنهاست

لَكَ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَ الثَّرَى اخْتَصِيتَ

بر خود و آنچه میان آنهاست و آنچه در زیر خاک است شمرده بودی

كُلِّ شَيْءٍ وَأَحْطَتْ بِهِ عِلْمًا وَأَنْتَ تَرِيدُ فِي

هر چیزی را و احاطه کرده به هر چیزی از روی دانایی و تو نیز می خواهی

الْخَلْقِ مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ لَا تَسْتَلِعُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ

آفرینش آنچه میخواهی و تو سوال کرده و نمیشوی از آنچه میکنی و آفریده

يَسْتَكُونُ وَأَنْتَ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ

سوال کرده و بشوند و توئی کنند و آنچه را که آماده میکنی و توئی نزدیک

وَأَنْتَ الْبَعِيدُ وَأَنْتَ السَّمِيعُ وَأَنْتَ الْبَصِيرُ

و توئی دور و توئی شنوا و توئی بینا

وَأَنْتَ الْوَاحِدُ وَأَنْتَ الْمَاجِدُ وَأَنْتَ الْوَاحِدُ

و توئی یگانه و توئی بزرگوار و توئی تو تک

وَأَنْتَ الْعَلِيمُ وَأَنْتَ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنْتَ

و توئی دانای و توئی درست کردار و توئی بی نیاز و توئی

مَا أَقْرَبَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَالطَّفِكَ مَخْلَقَكَ

و چه نزدیکی تو به بندگان خود و مهربانی تو بخلق خود

وَأَمْنَعَكَ بِقُوَّتِكَ أَنْتَ أَعَزُّ وَأَجَلُّ وَأَسْمَعُ وَ

و غالبی تو بتوانایی خود تو غالب تر و بزرگوارتر و شنواتر و

أَبْصَرُ وَأَعْلَى وَالْكَبَرُ وَأَظْهَرُ وَأَشْكُرُ وَأَقْدَرُ

بیناتر و صلیباتر و بزرگتر و ظاهرتر و جزا دهنده تر و تواناتر

وَأَحْكَمُ وَأَخْبَرُ الْكِبَرُ وَأَنْظَرُ وَأَقْرَبُ أَمَلَكُ

و داناتر و قدر کننده و بزرگتر و عظیمتر و نزدیک تر و مالک تر

وَأَوْسَعُ وَأَمْنَعُ وَأَعْطَى وَأَحْكَمُ وَأَفْضَلُ وَ

و فراگیرنده تر و بازدارنده تر و بخشنده تر و حکم کننده تر و درست گرداننده تر و

أَحْمَدُ مِنْ أَنْ يَذْكُرَكَ الْعِيَانُ عَظَمَتِكَ أَوْ

بهنتر و ستوده تری از آنکه در یابد معاینه و مشاهده بزرگی ترا

يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتِكَ أَوْ يَبْلُغُوا غَايَتَكَ

ستایند ستایندهگان وصف ترا یا برسند بکینه ذات تو

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَجَلُّ

خداوندای تو خدای که نسبت بسزاوار پرستش مکنی بزرگوارتری

مَنْ ذَكَرَكَ وَأَشْكُرُ مِنْ عِبْدِكَ وَأَرْأَفُ مِنْ مَمْلَكَ

از آنکه بازگو کننده و جزا دهنده تری از هر که پرستیده و مهربان تر از هر که

عَنْ أَيُّوبَ ضَرَّةً وَأَنْتَ رَدَدْتَ مُوسَى

اراجوب بد حال آوردی بر گردانیدی موسی را

عَلَى آيَتِهِ وَأَنْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ الشَّعْرِ إِلَى الْبَيْتِ

بسوی مادرش و تو گردانیدی دلهای جادوگران را بسوی خود

حَتَّى قَالُوا أَمْثَلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ وَلِيُّ

تا آنکه گفتند کردیم پروردگار جهانیان و تو دوستی

نِعْمَةُ الصَّالِحِينَ لَا يَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْخَيْرُ

نعمت شایستگان با کرده بشنود تو را بگوید

الْجَوِيلُ وَمَا لَا يَذْكُرُ الْكُفْرُ إِلَّا الْآلَاءَ وَالنِّعَمَ

عجب و آنچه یاد کرده بشنود کفر است مگر نعمتها و عطاها

وَأَنْتَ الْحَمْدُ الْمَحْمُولُ لَا تَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَلَا

و تو ای احسان کننده بگوگردار رسیده بشنود ستایش تو

الشَّأْءُ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَشْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ

تو ای بر تو چنانی که ستودده خود را

سُبْحَانَكَ وَمَحْدُوكَ تَبَارَكَ أَنْتَ أَعْلَمُكَ وَجَلَّ

تنزه میکنم ترا و محال آنکه فهمم سپاس تو پاک است نامهای تو و بزرگ است

تَعَالَى مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ وَأَجَلَ مَكَانِكَ وَ

ستایش تو چه بزرگ است قدر تو و بزرگوار است جایگاه مرتبه تو

مَا حَلَلْتُ وَالْحَرَامُ مَا حَرَمْتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

چیزی است که حلال شود و حرام چیزی است که حرام کرده تو و دین چنان است که تو درازا

وَالْأَمْرُ مَا قَضَيْتَ تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ

و این امر آنست که تو ای حکم میکنی و حکم کرده نمیشود بر تو

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ

خداوند اولی و تو هستی پس از تو هیچ چیز و تو هستی

أَخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ

آخر پس نیست پس از تو چیزی و تو هستی ظاهر پس نیست

فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ

بالای تو چیزی بحسب علم و تو درون هر چیزی پس نیست نزدیک از تو

شَيْءٌ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ

چیزی و تو هستی غالب راست انصاف درست کردار خداوند بزرگوار است اندازه

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

شب و روز و بدست است اندازه های آفتاب و ماه

وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ

و بدست است اندازه های یاری نمودن و خوار کردن و بدست است

مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ

اندازه های این جهان و آن جهان و بدست است اندازه های

وَأَجْوَدَ مِنْ سُسُلٍ وَأَوْسَعَ مِنْ أَعْطَى تَحْلُمُ

و بخشند و تری از آنکه سوال کرده است و در بگذرد تری از آنکه بخشش نهاده بود و باری بگفتی

بَعْدَ مَا تَعْلَمُ وَتَغْفُو وَتَغْفِرُ بَعْدَ مَا تَقْدِرُ لَمْ

پس از آنچه میدانی و در بگذری و می آمرزی پس از آنکه قدر داری و می بخشی

تَطْعَ قَطْرًا لَا يَأْذِنُكَ وَلَمْ تَعْصَ قَطْرًا إِلَّا بَعْدَ

اطاعت کرده نشده هرگز که بپسندی خود تو عصب کرده شدی از آنکه بپسندی خود

تَطَاعَ رَبَّنَا فَتَشْكُرُوا نِعْمَتِيَ رَبَّنَا فَتَغْفِرَ الْكُفْرَ

فرمان برده بشوید پروردگار بپسندید پس بپسندید و نماز زمان کرده بشوید پروردگار بپسندید

أَنْتَ أَقْرَبُ حَفِيفٍ وَأَذْنَى شَهِيدٍ خَلَّتْ

تو نزدیکترین و کمترین و از دین کمترین و ماضی حایل شده

بَيْنَ الْقَاوِمِ وَأَخَذَتْ بِمَا لَمْ تَأْخُذْ أَجْنَى وَابْتَصِيَتْ

میان دو ایستاده و گرفتار آنچه را نگرفت و بپسندید و بپسندید

أَلْأَعْمَالُ وَبَعَلَّتْ الْأَحْيَارُ وَبِيدَكَ الْمَقَادِيرُ

که در اعمال و بپسندید و بپسندید و بپسندید و بپسندید

وَالْقُلُوبُ إِلَيْكَ مُقْتَصِدَةٌ وَالسُّرُورُ عِنْدَكَ

و دلها به سوی تو میل داده شده اند و دینان نزد تو

عَلَانِيَةً وَالْمُهْتَدِي مِنْ هُدَيْتِ وَالْحَلَالُ

اشکار است و راه یافته است که راه میزدی تو او را و حلال

خَاتَمِي حَتَّى يَتَّهِىَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ سَمْعًا
وَنَفْسًا
وَتَضَعُ يَدَاكَ عَلَى الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَتَقُولُ بِحَسْبِ الْعَمَلِ
وَتَقُولُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ

وَعَدَدَ مَا رَزَقْتَ وَعَدَدَ مَا ذَرَأْتَ فِيكَ
لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ آيَاتِكَ وَكَأَنَّ الْعَدَدَ مَا
يَعْلَمُ مَا رَزَقْتَهُ فَرِيدٌ وَبَسْمٌ نَجْمٌ بَدِيعٌ وَكَرِيمٌ

أَحْصَيْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَيْنِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَالْأَرْضَيْنِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَالْأَرْضَيْنِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَالْأَرْضَيْنِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ
وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ
وَأَوْزَارُهُ يَمُوتُ لَمْ يَمُوتْ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ

المَوْتِ وَالْحَيَوَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخَيْرِ

مردن و زندگی و پست و است از دانه های نیک

وَالشَّرِّ مَجْمَلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنِّي كُلَّ

دوب رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز بر من

ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِي ظُلُمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ

گناه های را که کردم در تاریکی شب و در روشنایی روز

عَمْدًا أَوْ خَطَا سِرًّا أَوْ عَادِيَّةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

از روی دانشی یا نادانانه پنهانی یا آشکارا بر سبکتر هر چیز

قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ لَيْسَ بِوَلَا حَوْلَ وَلَا

توانای دان بر تو سهل و آسان است و نیست قدرتی

قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْنِيكَ

نیاز نمی کنم بجز خدا بلند مرتبه بزرگ خداوند از هر چیزی که من ستایش میکنم

بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ وَأَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ

به نیکوترین ستایشی که قدرت دارم من بر آن و ستایش کنم که از هر چیزی که من ستایش میکنم

بِهِ عَلَى وَعَلِمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

بمان بر من و تعلیم کردی مرا از ستایش که از هر چیزی که من ستایش میکنم

بِحَمْدِكَ كُلِّهَا عَلَى تَعَالِيكَ كُلِّهَا وَعَلَى جَمِيعِ

به ستایشهای تو همه آنها بر همه آنها و بر همه آنها

كَانَ غَرَسَهُ عَلَى الْمَاءِ حَيْنَ لَا شَمْسُ تَضِيُّ وَلَا
قَمَرٌ يَسِرُّ وَلَا بَرْقٌ يَجْرِي وَلَا رِيَّاحٌ تَذَرِي وَلَا سَمَاءٌ

مَبْنِيَّةٌ وَلَا أَرْضٌ تَدْحِيَّةٌ وَلَا لَيْلٌ بَحْنٌ وَلَا نَهَارٌ

وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ

وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ

وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ

وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ

وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ

وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ

وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ وَلَا شَيْءٌ يَحْيِي وَلَا يَمُوتُ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ده مرتبه بگوید استغفر الله

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ
بر هر چه است . قرائت است طلب آمرزش منکم از خدا

إِلَيْهِ يَسْكُوتُ بِكَرَامَتِهِ اَوْ زنده پاينده و باز گشت بکنم
يا الله يا الله يا الله ده مرتبه يا خير يا خير يا خير

بسی او ای خدا ای خدا ای بخشاید صلی بخشاید
ده مرتبه يا خير يا خير يا خير ده مرتبه يا ايدع المسوات

ای هریان ای هریان ای بید آورنده آسمانها
وَالْأَرْضِ ده مرتبه يا ذا الجلال وَالْاكرام ده مرتبه يا ذا

درین ای خداوند بزرگواری و کرامی داشتن بزرگواری
يا صمد ده مرتبه يا حي يا قيوم ده مرتبه يا ذا الجلال

ای بخشاید ای بخشاید ای بخشاید بنام خدای بخشاید هریان
ده مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد ده مرتبه پس بگوید

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
اللهم لك الحمد و لك الحمد و لك الحمد و لك الحمد

خداوند امر تراست سپاس ای نزار و سپاس ای شهنای سپاس ای وفا کننده
العهد عن نبي الجند قد يمد لك الحمد لله الذي

پیمان خداوند شکر غالب و برین بزرگواری سپاس مر خداوند

فِي فَوَاضِلِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَارِئِ خَلْقِ الْخُلُوقِ

بدو ای باری خود سپاس از برای خدای پدید آورنده آفرینش آفریدگان

بِعِلْمِهِ وَمُصَوِّقِ لِحَسَادِ الْعِبَادِ بِحُدُودِهِ

بدانشش خود و صورت بخش تنهای بندگان برآمادی خود

وَمُخَالِفِ صَوِّ رَمَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ وَنَافِخِ

و مخالف کننده میان صورت های آنان که آفریده از خلق خود و دود کننده

الْأَرْوَاحِ فِي خَلْقِهِ بِعِبَائِهِ وَمُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ

روحها در خلق خود بدانشش خود و آموزاننده آنان که آفریده از

عِبَادِهِ اسْمَهُ وَمُدَبِّرِ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

بندگان خدای نام خود را و تدبیر کننده آفرینش آسمانها و زمین

صَمْتِهِ الْإِلَهِيِّ دَنِيهِ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَ كَرِيبِيهِ

سکوتش الهی و نزدیکی هر چیزی را خلق کرسی او

وَعَلَا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ الْأَعْلَى وَقَهْرِ الْمُلُوكِ

و برتر شد به بزرگی خود بالای هر برتری و غالب شد با دشامان را

بِحَبْرُوتِهِ الْجَبَّارِ الْأَعْلَى الْمَعْبُودِ فِي سُلْطَانِهِ

به بزرگواری خود کارفرمای بقیه بلند مرتبه پرستیده شده در سلطنت خود

الْمُسْلَطِ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالَى فِي دُنُوهِ الْمُتَدَايِلِ

خداوند سلطنت برآمادی خود بنایت بلند و نزدیک خود با عبادت نزدیک

أَرْحَمَ مِنْهُ وَوَعْدًا وَضَعَفَ الْعَاصِفِينَ مَنِيبٌ
مقام صفات او وندگذاشت از ستایش بمقابله کند کلان رحمت
جَلِيلُهُ مَوَاضِلُ كُلِّ حَسَدٍ وَمُقْتَبَى كُلِّ رَغْبَةٍ
جلال او اوسته دارد هر حساسی و مقتهای هر خواهشی
وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ الْعَاجِدُ الَّذِي لَا بَدَأَ لَهُ الْمُلُكُ
وروا کننده هر حاجت بگانه است که نیست ابتدا ای برای او پادشاه
الَّذِي لَا رُوَالَهُ الرِّبْعُ الَّذِي لَيْسَ قُوَّةُ نَاطِقٍ
که نیست زوال او را بارفتن که نیست بلاسی او ظهور کننده
ذُو الْمَغْفِرَةِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لِيَذِلَّ نَوَالُهُ الْمَعْبُودُ
خداوند آمرزش بخشنده شده و بپوشیدن عفا می بخشند
بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقَدُّوسِ الْحَسَنِ الْأَكْبَرِ الْمُنَانِ
بسمه بابت جلالت خود یاد کرده شده بپیکوئی نعمتهای خود بسیار بخشنده
يَسْعَى مَوَاضِلَهُ الْمَرْغُوبُ إِلَيْهِ فِي تَمَامِ الْوَاهِبِ
یکسایش زیادتهای خود رغبت کرده شده است بسوا و در تمامی بخششها
مِنْ جَرَّائِهِ الْعَظِيمِ الشَّانِ الْكَرِيمِ فِي سُلْطَانِهِ
از جراتهای خود بزرگوار و در سلطنت خود
الْعَمَلُ فِي مَكَانِهِ الْحَسَنِ فِي أَمْتَانِهِ الْكَرِيمِ
کار در جایگاه بزرگوار و در ایام بزرگوار

الْأَرْضَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ
 زمین است و مرا در است سباس دهد آسمان و اوست در است کردار آگاه
 الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِ
 سباس بر خدای آفریننده آسمانها و زمین و کردارنده فرشتگان
 رَسُولًا أُولَى أَجْنَحَةٍ مِثْلَى وَثَلَاثٍ وَرَبِّاعٍ يَزِيدُ فِي
 پینا بر ملائکه خداوند آن با لهای دوز و دوسه و چهار چهارمی افزاید در
 الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ
 آفرینش آنچه می خواهد بدست خدا بر هر چیز توانا است پاک است
 اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
 خدا و سباس بر خدا را اوست خدا را در پیش هر خدا و خدا بزرگتر نیست و نیست فی
 وَلَا شَيْءَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ
 و نه توانایی مگر بفرست خدای بلند قدر بزرگ مرتبه و استحقاق تزیین خدا است
 حِينَ مُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
 هنگامیکه شام کنید و هنگامیکه صبح کنید و مرا در است سباس در
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ
 آسمانها و زمین و در آن روز و هنگامیکه بپوشن سبک
 وَسُبْحَانَ اللَّهِ أَنْاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ
 و استحقاق تزیین خدا است در ساعت های شب و طر های روز و استحقاق تزیین

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي أَرْثِقَانِهِ الَّذِي تَقْدَبُ صَرْفُهُ فِي
 هر چیزی که در بلندی خود آفرید که روان شد بیای و علم او
 خَلَقَهُ وَحَارَتِ الْأَبْصَارُ لِشِعَاعِ كَلِمَةِ الْحَمْدِ لِلَّهِ
 خلق او و حیران گشته دید و بار بخت دشمنی او سپاس مرخدا را
 الْعَلِيمِ الرَّشِيدِ الْقَوِيَّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِيَّ الْحَيِّ
 که بر دبار او نماست توانا سخاوتمند پدید آورنده نخستین
 الْفَعَّالِ مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْذَرُ الْأَنْبَاءِ وَكَاشِفِ
 باز گرداننده هر آنچه را که خواهد سپاس مرخدا را کند و فرستنده آیات و بشارت
 الْكُرْبَاتِ وَمَوْفِي السُّعَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي كُلِّ
 اندوه و در پهنه سوا اله است سپاس مرخدا را در هر
 مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي كُلِّ لَوْنٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 جای دهد بر زمانه در هر وقت سپاس مرخدا را که
 لَا يَنْتَقِي مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يَخْتَبِ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يَدُلُّ مَنْ
 دانمیکند از کسی را که یاد کند او را و نا امید نمیکند کسی را که بخواند او را و خواهر نیاید از
 وَآلَهُ الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَيَا صَبِيرَ
 که دوست دارد او را آفرید انیکه پادشاهش میدهد در مقابل بگوید بگوید و در مقابل شکایت
 بِحَاجَةِ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
 رستگاری سپاس مرخدا را که برای اوست آنچه در آسمانهاست و آنچه در

اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یَا اللهُ یَا دَهِیْرُ بِجَمْعِ نَامَیْهِ

بدستگیر من سوال میکنم از تو ای خدا ای گنجینه

الرَّحْمَنِ الرَّحِیْمِ الْمَلِکِ الْمُنْتَوِیْ یَا اللهُ یَا اللهُ

خوش آیند و پسندیده پوشیده و تو ای خدا

اَسْئَلُکَ یَا سَمَائِکَ الْکَبِیْرَةَ الْکَبِیْرَةَ یَا اَیُّهَا

سوال میکنم از تو بحر محبت نامهای تو که بزرگ و بزرگوار اند

اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُکَ یَا سَمَائِکَ الْعَزِیْزَةَ الْمُنِیْعَةَ

بدستگیر من سوال میکنم از تو بحر محبت نامهای تو که ارجمند و غالب اند

وَأَسْئَلُکَ یَا سَمَائِکَ الثَّامَةَ الْکَامِلَةَ

و سوال میکنم از تو بحر محبت نامهای تو که تمام و کامل

اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُکَ یَا سَمَائِکَ الَّتِیْ

و مشهور اند ای خدا و سوال میکنم از تو بحر محبت نامهای تو که

هِيَ رِضَاکَ یَا اللهُ وَأَسْئَلُکَ یَا سَمَائِکَ الَّتِیْ

آنها پسندیده است ای خدا و سوال میکنم از تو بحر محبت نامهای تو که

لَا یَرُدُّهَا دُونَکَ لَاحِدٌ یَا اللهُ وَأَسْئَلُکَ مِنْ

نکردن آنها را غیر تو بیگس ای خدا و سوال میکنم از تو بحر محبت

مَسَائِلِکَ بِمَا عَاهَدْتُ أَوْ فِی الْعَهْدِ یَا اللهُ اَنْ

سوءیهای تو بسوالی که عهد کرده باشم یا عهدی که

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُودِكَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خدا را است در بارند و بعد از حضرت پاک است برود کار تو صاحب عزت

عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

از آنچه می ستایند کافران و در دو بر فرستادگان و سپاس مرخدا می

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَحِبُّ وَيُحِبُّ كَمَا رَضِيَ خَدَا

پروردگار جهانیان را و سپاس مرخدا را چنانکه دوست میدارد پروردگار را

كَثِيرًا طَيِّبًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ وَكَمَا

بسیار پاکیزه و تنزیه میکنم خدا را هرگاه تنزیه کند خدا را چیزی و چنانچه

يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبِّحَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا خَدَّاهُ شَيْءٌ

دوست میدارد و خدا آنکه تنزیه کرده شود و سپاس مرخدا را هرگاه سپاس کند کسی

وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمِّدَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ هَئُلٍ

و چنانچه دوست میدارد و خدا آنکه سپاس کند او را و شود و سپاس مرخدا را هرگاه سپاس کند کسی

اللَّهُ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمِّدَ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا

خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد و خدا آنکه سپاس کند او را و شود و سپاس مرخدا را هرگاه سپاس کند کسی

كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبِّرَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

بزرگی یا کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد و خدا آنکه تعظیم کرده شود و سپاس مرخدا را هرگاه سپاس کند کسی

أَلَا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم تو رفیق خدا بلند هیز بزرگ مرتبه

خداوند

بِمَا لَا أَعْلَمُهُ مَا لَوْ عَلِمْتُ لَسْتَلْتُكَ بِهِ يَا اللَّهُ

بجست آنچه نمیدانم آنرا آنچه که اگر دانستم در دست تو می گزافتم و آنرا که می دانم از تو می دانم

وَبِكُلِّ اسْمٍ اسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

و بهر نامی که در گنجینه تو در علم نهانی که نزد توست

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِمَنُ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

ای بخشاینده ای بخشاینده آنکه رحمت بفرستی بر محمد بنده تو

وَسُؤْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ

و فرستاده تو و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو

وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاصَّتِكَ مِنْ

و برگزیده تو از خلق تو و مخصوص تو از

رَبِّيكَ وَنَبِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَاصَّتِكَ

جمله خلق تو و پیغمبر تو و دوست تو و بنده خالص تو

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَتَرْحَمُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

و بر خاندان محمد و رحم کن بر محمد و اهل

بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ وَأَجَلِ وَأَزْكَى وَأَطْهَرِ

بیت محمد مانند افزون تر و نیکوتر و افزاینده تر و پاکتر

وَأَعْظَمِ وَالْكَرِّ وَالْأَمْرِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

و بزرگتر و بیشتر و تمام تر از آنچه رحمت فرستادی بر کسی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِحُجَّتِكَ

نامیده شازی سوال کننده خود را بخدا سوال میکنم از تو
مَسَائِلِكَ الَّتِي لَا يَفِي بِحُجَّتِهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ يَا اللَّهُ

سوالهای تو سوالها بگوید و نام میکند بر در داشتن و اجابت آنها غیر از غیر تو بخدا
بِهَيْفَ مَرْتَبَةٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ أَوْجَهْتَهُ وَكُلِّ

و سوال میکنم از تو بحسب هر نامی که لازم گردانیده بخود و هر
اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ مَسْأَلَةٍ حَقِّي يَتَّقِي إِلِيَّ

نامیکم آن بحسب است هر سوال
اسْمِكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ الْأَكْبَرُ الْأَكْبَرُ

آن نامیکم عظیم زرات عظیم تر بزرگتر است بزرگتر
الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الَّذِي اسْتَوْفَيْتَ بِهِ عِلْمَ

بند است از آن نامیکم استلاداری آن
عَرْشِكَ وَأَسْأَلُكَ بِهِ عَلَى كُرْسِيِّكَ وَهُوَ

عرش من مستقر گردیدی بسبب آن بر کرسی خود و آن
اسْمِكَ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ الَّذِي فَضَّلْتَهُ

نام نیک کامل شد
عَلَى جَمِيعِ أَسْمَائِكَ يَا رَحِيمُ بِهَيْفَ مَرْتَبَةٍ وَأَسْأَلُكَ

نامهای خود ای بخشنده و سوال میکنم

در سجده

وَآخِظْ عَذْرَةَ وَدَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ كَمَا

و نما بر سر عذر او را و دعوت او را و بپذیر شفاعت او را چنانچه

بَلِّغْ رِسَالَتِكَ وَتَلَا آيَاتِكَ وَأَمْرِ بِطَاعَتِكَ

رسانید پیغامهای مرا و تلاوت نمود آیات کتاب ترا و امر کرد بطاعت تو

وَأَمْرِ بِهَا وَنَهَى عَنِ مَعْصِيَتِكَ وَأَنْتَهَى عَنْهَا

و بیان نمود بآن و منع فرمود از نافرمانی تو و باز ایستاد از آن

فِي سِرٍّ عَلَانِيَةٍ وَجَاهِدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ

پنهانی و آشکارا و کاردانان خود حق کارزار در راه قرب تو

وَعَبَدَكَ تَخْلِصًا حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ مَبْلُغًا ثَمَّ

و عبادت تو را خلاصی کرد و آنقدر که یقین یافت رسید و در مقامی

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ اللَّهِ أَمَّا بَعْدُ مَقَامًا مُّجْمَعًا

بر او و بر خاندان او خداوند را بگزید او را در قامت کامل پیوسته

يُعْطِيهِ عَلَيْهِ الْإِبْرَاهِيمَ وَالْأَخْرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ

که در شکی نیست او را پیشینیان و پسینیان از پیغمبران

وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ اسْتَعِزْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوْفِيقِهِ

و فرستادگان خداوند را بکارزار ما را بطریقه او و توفیق او

مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شَيْعَتِهِ وَاحْتِشَانِي بِمِلَّتِهِ

دین او و بر انگیز ما را در زمره پیروان او و درنده کن ما را

اَنْبِيَاكَ وَرَسُلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اللَّهُمَّ

پیغمبران خود و رستادگان خود ای خداوند بزرگوار ای درگاه پادشاهان خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ

بر محمد و آل محمد در زمره پیشینان در محبت بزرگوار

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بر محمد و آل محمد در زمره پسینان در محبت بزرگوار بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَائِكَةِ الْأَعْلَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و آل محمد در زمره بزرگان عالم برتر در محبت بزرگوار بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ اعْظِمْ

و آل محمد در زمره پیغمبران و رستادگان خداوند ای بخش

مُحَمَّدًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْبُيُوتِ الطَّيِّبَاتِ وَالْفَضِيلَةِ

محمد را بر مسکنهای پاک و فضیلت و زیاده را

وَالشَّرَفِ وَالْكَرَامَةِ اللَّهُمَّ اكْرِمْ مَقَامَهُ

و شرف را و بزرگواری را خداوند ای بزرگواری را بزرگواری را

وَشَرِّفْ بَيْتَانَهُ وَعَظَمْ نَفْسَهُ وَبَشْرَهَانَهُ

و بلند کن اساس او را و بزرگ گردان ریشهای او را و محبت او را

وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْلِ لَعْبَهُ وَأَقْلِبْ حُجَّتَهُ

و سفید کن روی او را و بلند کن قدر او را و غالب کن حجت او را

وَقَبِّلْ رَأْسَهُ وَتَبَسَّكْ بِوَجْهِهِ اللَّهُمَّ

و بوسه ده سر او را و لبخند کن بر چهره او را خداوند ای

الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ مِنْ ثَمَرِ مَا يَأْكُلُونَ وَارْزُقْ

میراث برندگان خداوند را بنابر ایشان را در باره ثمنان خود آنچه آرد و بکشد و بنا

عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ مَا يَحْبِذُونَ اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَهُمْ

و ثمنان ایشان را از ایشان آنچه می نمایند خداوند را جمع کن میان ایشان

فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرُّوحَ وَالْفَرْجَ لَالِ

در تنگی و عافیت خداوند را زود گردان راحت و کشایش ابرای آل

عَجِّلِ اللَّهُمَّ اجْمَعْ عَلَى الْهَدَى أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ

محمد خداوند را جمع کن بر هدایت کار ایشان را و بگردان دلهای ایشان را

عَلَى تَلَوِّبِ خِيَارِهِمْ وَأَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ إِنَّكَ

بر دلهای بر خیرگان ایشان را و صوابی را که در میان ایشان است و بنیکو

حَمِيدٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

ستوده و بزرگوارای خداوند را و بر سید من سوال میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِإِلَدِي وَمَا وَكَلَا

و آل محمد و آنکه با مرزی مرا و پدر مرا در مرا و آنکه زاید داند ایشان

وَأَغْفِرْهُمَا مِنَ النَّارِ وَارْحَمْهُمَا وَأَرْضِهِمَا عَنِّي

و تزداد کن ایشان را از آتش و رحم کن ایشان را و خشنود ساز ایشان را از من

وَأَغْفِرْ لِكُلِّ وَابِدِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ وَلَا هَـ

و بیاورد هر یک از پدران مرا که در آمدند در اسلام

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ رِجَالًا يَكْفُلُونَ رِجَالًا

وَلَا تَحِثُّ مِنْهُمُ اثْنَانِ يَقُولُونَ إِنَّهُ بَيْنَ يَدَيْهِمَا رِجَالٌ كَافِرُونَ

وَمَا مَكَّنَّا مِنْهُمْ فِي الْأَرْضِ لَئِنْ كُنَّا إِلَّا رِجَالًا مَكْنُونِينَ

يَتْلُو آيَاتِهِ لَوْلَا ظَنُوتُهُمْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّ

الَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ الَّذِي يَكْفُلُ

الَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ الَّذِي يَكْفُلُ

الَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ الَّذِي يَكْفُلُ

الَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ الَّذِي يَكْفُلُ

الَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ الَّذِي يَكْفُلُ

الَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَنَّانُ الَّذِي يَكْفُلُ

سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّكُمْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ
پیشی گرفته اند ما را بایمان و مردان در دلهای ما کینه برای آنیکه

أَمْشُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ وَاعْفِرْ لَنَا
گرویده اند پروردگار ما بدرستی که تو مهربان بخشنده و بیامرز ما را

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ وَالْمَيُتِّمِ
و مردان گرونده و زنان گرونده را زندگان از ایشان

وَالْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَاجْمَعْ
و مردگان ایشان را خداوند اصلاح آور حالتی را که میان ایشان است جمع کن

عَلَى الْهُدَى أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْنِي فِيهِمْ عَلَى
بر هدایت کار ایشان و گردان مرا و ایشان را

طَاعَتِكَ وَحُبَّتِكَ اللَّهُمَّ وَالْمُسْتَعْتِمِ وَالْحَفِيفِ
فرمان برداری خود و دوستی خود خداوند فراهم آور بر کندی ایشان را و بلند

دِمَائِهِمْ وَوَلِ أَمْرِهِمْ خِيَارَهُمْ أَهْلَ الرِّفَافَةِ وَالرَّهِيْفَةِ
برخاستن خونهای ایشان را و متولی گردان کار ایشان را و ایشان را از اصحاب سبب و محبت

وَالْمَعْدِلَةِ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ
و عدالت بر ایشان بدرستی که تو بر هر چیز توانایی ای پروردگار من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ بَدِّعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
ای پروردگار من ای پروردگار من خداوند ای بدید آورنده آسمانها و زمین

ای پروردگار من ای پروردگار من خداوند ای بدید آورنده آسمانها و زمین

وَوَلَدِي وَجَمِيعَ قَرَابَاتِي عَلَيْكَ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

فرزندان مرا و همه خویشان مرا چه ستیکه به هر چیز توانایی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ وَرَثَةِ أَبِي وَاخِي أَيْ فِيكَ

خداوند بگردان مرا و همه میراث برندگان پدر مرا و برادران مرا و در راه قریب خود

مِنْ أَهْلِ وَلَا يَتِيكَ وَتَحْتَنِيكَ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى

از اهل یاری خود و دوستی خود زیرا که تحقیق قدرت ندارد در

ذَلِكَ غَيْرَكَ يَا رَحْمَنُ اللَّهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ

آن و غیر تو ای بخشاینده خداوند توانایی ده مرا آنکه

أَشْكُرَكَ وَأَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ

نسپاس گذاری کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من

وَأَنْ أَعْمَلَ مَتَاعًا لِحَاجَتِكَ وَأَصْلِحْ لِي فِي دِينِي وَإِنِّي

و آنکه بکنم متاعی که بسند تو آنرا و سامان ده مرا و فرزندان من چه ستیکه

تَبْتَ إِلَيْكَ وَأَتِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَجِرْ وَالِدَيَّ

رجوع نمودم به تو و بهر ستیکه من از گردن نهند کاینم و پاداشش پدر و مادر مرا

خَيْرَ مَا كُفِّرَتْ وَالِدَاعُ وَلَدِيهِ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُمَا

از آنچه بهتر پاداش داری پدری را از فرزندانش و بگردان پاداشش بیک ایشانرا

عَنِّي جَنَاتِ النَّعِيمِ وَأَخْفِ لَنَا وَلَا خَوَانَنَا الَّذِينَ

از من پشتمنهای بهشت و نعمت و بپارز مرا و برادران مرا آنکه

يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَيُكْشِفُ الضُّرَّ وَيُجِيبُ

ای کسی که اجابت میکند در مانده را و برطرف میکند رنج را و اجابت می کند

الدَّاعِيَ وَيُعْطِي السَّائِلَ اسْئَلَتَكَ يَا رَبِّ سَوَّالٍ

و مانده را و می بخشد سوال کننده را در خواست میکنم از تو ای پروردگار من بتدریج

مَنْ لَمْ يَجِدْ لِيْضَعْفِهِ مُقَيِّياً وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِراً

کسی که نیافته است برای ناتوانی خود قوت دهنده را و نه برای گناه خود آمرزنده

وَلَا لِفَقْرِهِ بَسَادًا غَيْرَكَ اسْئَلْتُكَ سَوَّالٍ مِّنْ

در رانی حاجت خود مسدود کننده غیر از تو سوال میکنم از تو مانند سوال کسی که

اسْتَدْتُ فَاقْتَمِهِ وَضَعُفْتُ قُوَّتَهُ وَكَثُرَتْ

سخت شده است فاقه او و بسست شده است توانائی او و بسیار شده است

ذُنُوبُهُ يَا مَنْ لَا يَخْلُصُ الْخَلَّالُ وَلَا يَكْفُرُ إِلَّا بِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

گناهان او ای خداوند بزرگوار و ای کسی که بخشش ای پروردگار من ای پروردگار من

يَا رَبِّ اسْئَلْتُكَ يَا رَبِّ مَسْئَلَةً كُلِّ سَائِلٍ

ای پروردگار من سوال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سوال هر سوال کننده را

وَرَجَاءُ كُلِّ رَاغِبٍ بِبَيْدِلِهِ وَأَنْتَ إِذَا دُعِيتَ

و خواهش هر خواهش کننده در قبضه قدرت هست تو هرگاه دعوت کردی

لِجَهْتٍ وَبِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ

اجابت میکنی و بحق سوال کنندگان بر تو و بحق

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَالْعَلَّالِ وَالْكَرَامِ

ای دانا می پنهان و آشکار ای خداوند برادر کوری و گرامیدار

وَالْجُودِ وَالْقُوَّةِ وَالسُّلْطَانِ وَالْجَبَرُوتِ

و بخشش و توانائی و سلطنت و بزرگوار بی

وَالْمَلَكُوتِ وَالْكَذِبِ يَأْوَ الْعِظَةِ وَالْقُدْرَةِ

و بادشاهی و بزرگوار می و بزرگ بی و توانائی

وَالْمَدْحَةِ وَالرَّهْبَةِ وَالرَّحْمَةَ وَالْجُودِ وَالْعُلُوِّ

و ستایش و ترس و خوارگی و بخشش و بلند بی

وَالْحُجَّةِ وَالْمُهْدَى وَالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ وَالْأَمْرِ

و حجت و راه نمائی و فرمان برداری و پرستش و فرماندهی

وَالْخَلْقِ وَكُلِّ شَيْءٍ إِلَهِي يَا دُبُّ الْعَالَمِينَ

و آفرینش و هر چه را که آفریدی ای پروردگار جهانیان

يَا مُلْكُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اسْأَلْتُكَ يَا رَبِّ سَأَلَ

ای پادشاه ای پروردگار من ای پروردگار من سوال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سوال

الضَّالِّينَ الْمُسْتَغِيثِينَ الْمَسْكِينِ الْمُسْتَغِيثِينَ

فردتی کنندگان مسکینان فردتی نمایندگان خستوع کنندگان

الرَّاغِبِينَ الرَّاهِبِينَ الَّذِينَ لَا يَحْذَرُونَ سِوَاكَ

در رغبت دارندگان ترسندگان آنانکه نمی ترسند از غیر تو

وَالْغَيْرِ تَوَكَّلْ

اللَّهُمَّ كُنْ لِي حَفِيًّا وَلَا تَجْعَلْنِي بَدْعًا لِكَرْبٍ

خداوند ابا بش بر من هربان و مکر دان مرا بدعای خود ای پروردگار کن

شَقِيًّا وَأَمِّنْ عَلَيَّ بَعَاثَتِكَ وَأَعْتِقْ رَمْبَتِي

صاحب شقاوت احسان کن بر من بعایت خود و آزاد کن کرم مرا

مِنَ النَّارِ فَإِنِّي لَا أَسْتَغِيثُ بِغَيْرِكَ وَأَسْتَغِيثُكَ

از آتش پس بدستیکه من استغاث نمیکم بغیر تو و پناه میبرم به تو

فَاجِرَتِي مِنْ كُلِّ هَوْلٍ وَمَشَقَّةٍ وَخَوْفٍ وَأَمِّنْ

پس پناه ده مرا از هر ترسانیدنی درنجی و ترس و داین کردان

خَوْفِي وَتَجَمِّعْ جَبْنِي وَقَوِّضْ عَفْوَ سِدِّ قَاتِقِي

ترس مرا و بدگیری بدل کن بدلی مرا و بقوت بدل کن ناتوانی مرا و فاقه مرا

وَأَصْلِحْ لِي جَمِيعَ أُمُورِي بِكَارَتِ أَعْوَدِكَ مِنْ

و باصلاح بیا برای من همه کلامی را ای پروردگار من و پناه میبرم به تو از

هَوْلِ الْمَطْلَعِ وَمِنْ شِدَّةِ الْمَوْقِفِ يَوْمَ الدِّينِ

ترسانیدن عرصه قیامت و از دشواری عرصه محشر در روز جزا

فَإِنَّكَ مُجِيرٌ وَلَا يَجَارُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بدستیکه تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو یارب ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

اللَّهُمَّ لَا تُعْرِضْ عَنِّي حِينَ أَدْعُوكَ وَلَا تُصِرْ

خداوند مرا روی مگردان از من وقتی که بخوانم ترا و بر مگردان

صَفْوَةٍ وَأَنْتَ مِنْ جَنَّاتِكَ وَمَنْكَى الْعَيْنِ مِنْ

برگزیده گان تو از بندگان تو و بمن نهایت نرسد که از

عَرْشِكَ وَمَنْكَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ أَنْ

حشر تو و بمن نهایت بخشایش تو از کتاب تو ایستد

لَا تُسْأَلُ رَجْعِي بِخَطِيئَتِي وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي

استدراج من بکنم مرا بگناه من و نکره ای مصیبت مرا

فِي دِينِي وَأَذْكَرْنِي يَا رَبِّ بِرِضَاكَ وَلَا تُشْمِئْنِي

در دین من و یاد کن مرا ای پروردگار من بخشنودی خود و قراحش نکن مرا

حِينَ تُنْشِرُ رَحْمَتَكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

وقتی که پراکنده میکنی بر بنده رحمت خود مرا و محراب من بپشت خود که گرام است

وَأَمِّنْ عَلَيَّ بِكَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُ الْعَقْبِ وَالْمُسْتَجِيبِ

و امانت کن بر من بگرامت خود ای نیکوکار و پاسخ دهنده

دُعَائِي وَلَا تُخْزِنِ نَصْرِي فَإِنِّي يَا رَبِّ فَقِيرٌ

و دعای مرا در محم کن بر زاری من پس بدینیکه من محتاج فقیر

خَائِفٌ مُسْتَعِذٌ مِنْ جَدَائِكَ لَا أَتَّقِي بِعَيْبَتِي

ترسان پناه برنده از عذاب تو ام اعتماد ندارم بر کردار خود

وَلَكِنِّي أَتَّقِي بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و لکن من اعتماد دارم بر بخشایش تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

ياد رک یاکرمت یا رب العالمین اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْ
 اِیّی برورد و کار من ای پروردگار من ای پروردگار من بعد ایا بدینیکه من اَل میکنم از تو اینکه درود تو
 عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُکَ وَخَيْرُکَ
 بر محمد و آل محمد و آل بیت او که بر کزیدگان تو و کزیدگان تو اند
 مِنْ خَلْقِکَ اَنْ تُسَلِّمَ عَلَیَّ وَتُعْطِیَنی سَوْءَیْ
 از خلق تو و اینکه مستجاب گردان از برای من عای مرا و بخشی مرا تسولات مرا
 وَ الْفَنیْ اَمْرَ اٰخِرَتیْ وَ دُنْیائیْ وَ اَرْحَمَ قَاتِلِیْ وَ اَغْفِرْهُ نَوْبِیْ
 و کفایت کن کار آخرت مرا و دنیای مرا و رحم کن بر قاتل من و بیامری کفایت مرا
 مَا سَقَدَمَ مِنْهَا وَ مَا تَاَخَّرَ وَ اَتِیْ فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی
 آنچه گذشته از دنیا و آنچه بعد ازین صا در پیشو و بد و من در دنیا نیکو و در رفته
 الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ تَخِیَّرْ رَحْمَتَکَ عَذَابَ لِّبَاکِ اَللّهُمَّ اِنِّیْ
 آخرت نیکو و نگاهدار مرا از عذاب آتش بار خدا یا روزی کن مرا
 صِلَةً وَ اَبِیْ وَ حَاجَّامَقْبُولَةً وَ عَمَلًا صَالِحًا مَبْرُورًا اَرْضَاةً
 پیوند خوشی و حاجی که مقبول باشد و کردار نیک پذیرفته شد که راضی شوی بآن
 رَمَنَ عَمِلَ بِهِ وَ اَصْلَحَ لِیْ اَهْلِیْ وَ وَلَدِیْ وَ اَسْئَلُکَ اَنْ
 از کسی که عمل کند بآن نیک گردان برای من اهل مرا و فرزندان مرا و سوال میکنم از تو اینکه
 تَجْعَلَ لِیْ عَقِبًا صَالِحًا یُعْقِبُنِیْ مِنْ عَمَلِیْمٍ رِضْوَانًا
 بگردانی از برای من فرزندان نیک که لاحق گردانی مرا از وعای ایشان خوشنودی خود

عَنِّي وَجْهَكَ حِينَ أَسْأَلُكَ فَلَا رَيْبَ لِي سِوَاكَ

از من روی خود را و چنگیز تو در خواست بیاورم بجز برده دکار مرا غیر تو

وَاعْظِنِي مَسْئَلَتِي وَأَمِنْ خَوْفِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

و ده مرا آنچه سوال کردم و ایمن گردان مرا از ترس روزی که غور برسم خداوند

إِلَيَّ اَعُوذُ بِكَ فَأَعِزَّنِي فَإِنِّي ضَعِيفٌ خَائِفٌ

بر سستی من پناه می برم به تو پس پناه ده مرا پس بر سستی من تا توان و ترسان

مُسْتَجِيرٌ يَا أَرْسَ فَقِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ

و پناه برنده و محتاج و فقیر ام ای پرده دکار من ای در دکار من ای همه دکار من خداوند

الْكَشَفُ صَرَّ مَا اسْتَعْدَدْتُكَ مِنْهُ وَالْإِسْنِي خَمَّتْكَ

بر طوت کن ضرر چیزها که پناه بردم تو از تو و پوشان مرا لباس و محبت خود

وَجَلَّنِي خَافِيَتَكَ وَأَمْتِي بِرَحْمَتِكَ سَأَلْتُكَ بِحُجْرٍ

و پوشش مرا عافیت خود و دمان دار مرا از ترس خود پس بر سستی تو پناه میدی

وَلَا يَحْجَاؤُكَ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ إِيَّايَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةٍ

و پناه داد و نمیشود بر تو بار خدا یا بد سستی من پناه می برم تو از وحشت

الْقَبْرِ وَمِنْ خُلُقِيَّتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَعَذَابِهِ

قبر و از تنهایی آن و از تاریکی آن و تنگی آن و عذاب آن

وَمِنْ هَوْلٍ مَا أَتَخَوَّفُ بَعْدَكَ يَا رَبِّ لَعَالِيَنِي

و از ترسیدن آنچه می ترسم بعد از تو ای پرده دکار جهانیان

نزدیقت واعضا و هموار اطباء و بهار گشت ابروینو

خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئًا مَذْكُورًا فَأَعْنِي عَلَى هَوَالِ الدُّنْيَا

وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَتَكْبَاتِ الزَّمَانِ وَكَرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَ

سبب های شب و روز و کفایت کن در اثر آن می کنند شما را ان
 فی الارض اللهم سبکنا لی فی قدرك ورضی بقضائك

در زمین بار خدا یا برکت ده ملک
 اللهم فتح مسامع قلوبی لذكرک و انرفی شکرک و توقیفک

وَعِبَادَهُ وَخَشْيَتُهُ يَٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَٰ رَبِّ يَكْرِتُ يَٰ رَبِّ

پیشتر و ترس ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای مردگان ای مردگان
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا إِلَى الْيَوْمِ آخِرَةِ تَدْخُلِي بِهِمُ الْجَنَّةَ

بار خدا یا مطلع شود بپیری من امر قد اطلاق کرد و اصل کنی مرا تسبیح کن در بهشت

[illegible]

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ بِنِعْمَتِكَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ
بار خدا یا پرستش کن من توبه می‌کنم به نیکی تو که بزرگوار است
مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خَلَاصِي وَخَلَاصِ

محمد در دو بفرست خدا یا و آل او در رهای خودم و رهای
وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَجَمِيعَ ذُرِّيَّتِي

پدر و مادر من و آنچه خراوه اند بر دو و رهای اهل من و فرزندان من و همه ذریه
أَبِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

پدر من و برادران من در راه تو و همه مردان مومن و زنان مومن
وَكُلِّ دِينٍ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ مِنْ

وهر پدرازمین که در آمده است در دین اسلام از
أَهْلِ الْيَوْمِ الْقِيَمَةِ وَمِنْ شَرِّ عَذَابِ الْقَبْرِ

ترسهای روز قیامت و از شر عذاب قبر
وَمِنْ هَمِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ

و از اندوه دنیای دنیا و آخرت و
أَهْوَائِهَا وَأَسْئَلُكَ أَنْ تُرَقِّقِي

غریزهای من و سوال میکنم از تو ای بزرگوار که روزی کن مرا
بِعِشْرَتِهَا وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّهَا وَتَقِنِّي

عزیز آن را و بگردانی از شر آنرا و ثابت داری مرا

اللهم استجب عاظمي واملك صدي وابعده دعاءه
بعضی استجاب کند و عاظمی را و بزرگوارترین و بزرگوارترین
بناوی بعضیه بعضا فان کل شیء عنك بمقدار
در واقع باشد بعضی از این با بعضی پس بر شکیله هر چیز خود تو باشد از او است
اللهم واجعله من شأنك فانك كل يوم في شأن
بار خدا یا دیگران و از شان خود پس بر شکیله هر روزی در شان
اللهم وكنسبة ابن عليين في كتاب لا يمحى ولا يبدل
بار خدا یا و بنویس آن و عاظمی را برای من طبعین به کتابی که محو گردد و نباشد و بدلی گردد
يا ان تقول قد عرفت لعبدي بما تقدره من
باینکه بگوئی که تحقیق آوردم بر من
دعائه و ما تخرجه استجبت له دعائه و وقفته
بناوی و آنچه تخرجه استجابت کردم برای او و دعاها را و توقیف دادم او را
واخص طفيته لنفسه و كرمته و فضله و عصاه
و اخص خود را برای نفس خود و کرامت خود و بزرگواری خود و عصا خود را
و هدیه و نسیبه و اخصه و اخصه و اخصه و اخصه
دراهم خود و او پاک کردم او را و نیک کردم او را و خالص کردم او را و از مزید او را
له و عقيب عنه ادين يا رب يا رب يا رب
و عقیقه کن از او را اذن قبول کن ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

شَرِّ كُلِّ دَرَجَةٍ صَغِيرَةٍ كَرِيمَةٍ بِأَمْرِكَ يَا مُلْكُ الْوَدَادِ
 شمر هر چند غرور یا بزرگ است یا بزرگوار و از سر
 فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْجَمِّ وَمِنْ شَرِّ فُسْقَةِ الْخَوَانِ الْأَشْرِ
 خاسقان عیب و عجبم و از سر فاسقان جن و انس
 أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 بدستیکه تو بر هر چیزی توانائی و نیست توانائی و نه قوت بطاعت غیران مگر
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَبَسَّطَ اللَّهُ عَلَى خَيْرِ مَخْلُوقٍ عَالِي الْخَيْرِ
 بیاری خدای غالب بزرگ و درود مستند بر بهترین مخلوق که خواند خلق را بسجده
 مَعْبُودٍ أَلِلُّهُمُ رَبَّنَا وَاتَّقِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي
 معبود خداوند ای پروردگار ما و بده ما را در دشت کوی تو و در
 الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا رَبِّ
 آخرت بخویش و نگاهدار ما بر رحمت خود از عذاب آتش ای پروردگار
 يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ وَمَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَمَلٍ
 ای پروردگار من ای پروردگار من بر خدا یا آنچه باشد از خیر و یا عمل
 صَلَاحٍ أَسْأَلُكَ بِهِ وَأَكُونُ فِي رِضْوَانِكَ وَعَافِيَتِكَ
 نیک و دعاست بیکدم ترا پس بیا آن وی باشم در خوشنودی تو و عافیت تو
 وَمَا صَلَاحٌ مِنْكَ إِلَّا مِنَ اللَّهِ قَامِلٌ عَلَيْكَ وَأَنَا
 و آنچه نیک باشد از آن از شک نیست که از برین آن بدستیکه

بِالتَّكْوِيلِ الثَّانِي سَدِّ فِي الْعَبْقَةِ الدُّنْيَا وَفِي
 بختیاری که بود بدو بدست در زبانی دنیا و
 الْآخِرَةِ إِنَّكَ دَوَّكَ وَفَعَلْتَ بِهِمْ وَهَلْ
 آخرت بدستیکو بهر بان بخشد و در دوزخند
 اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا وَسَلَامًا
 خدا بر محمد و آل او بسیار و سلام زیسته
 وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا رَبِّ
 و کافیست ما را خدا و نیکو کسی است که کار ما کند انداختی در دکان
 يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ اسْأَلُكَ
 ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدا یا بدرستی که سوال میکنم از تو
 أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ
 اینکه بکنی از من شر هر
 جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرِّ
 ستمگر دشمن را و شر شیطان سرکش را و شر
 كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ مِنْ
 همه ناتوانی از آفریدهای تو و ضعیف هر ضعیفی و قوی هر قوی
 شَرِّ السَّامَةِ وَالْمَأْمَةِ وَاللَّامَةِ وَالْخَامَةِ وَالْعَامَةِ
 شر هر چه زهر داشته باشد و کزنده باشد و چشم زخم و خاص و عام و از

يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مَعْدَاكَ الْعَافِيَةَ
 ای پادشاه من و سوال میکنم از تو ای پادشاه من بجز این عافیت
 مِنْ جُحْدِ الْبَلَاءِ وَحَوْلِ الْقَضَاءِ وَشِمَاتِ
 از سختی بلا و بدی قضا و سوزش کردن
 الْأَعْدَاءِ وَأَنْتَ تَحْكُمُ مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَأَنْتَ
 دشمنان و اینکه باز کنی مرا آنچه نیست توانائی مرا بآن و اینکه
 تَسْلُطُ عَلَيَّ ظَالِمًا أَوْ تَنْتَلِيَنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ
 تسلط کنی بر من ظالمی را که گرفتار تو بنگردد یا بحدی که نیست ایستادن آن بآن چنان
 وَتُنَاقِشُ فِي حُجَّتِي بَابَ يَوْمِ حِسَابٍ مُنَاقِشَةً
 و مناقشه نمائی با من در حساب در روز حساب من و مناقشه
 بِمَسَائِرِي أَحْجَجَ مَا أَكُنُّ إِلَى عَفْوِكَ وَتَحَاوَرِ
 مسامحه ای من در حالتیکه محتاج امرا آنچه باشم مهدوی بخشایش تو و در گذشتن تو
 أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُعْظِمَ عَلَيَّ
 سوال میکنم از تو بذات تو بزرگست اینکه عظیم گردانی عافیت را
 فِي جَمِيعِ ذَلِكَ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ أَيُّ مَنْ عَفَى
 در همه این چیزها ای صاحب عافیت ای کسیکه عفو کرد
 عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِهَا إِرْحَمْ عَبْدَكَ
 از بدیها و جزا نداد بآن بدیها بخشای بند خود را

إِلَيْكَ رَاغِبٌ وَبِكَ مُسْتَعِذٌ اللَّهُمَّ مَا اسْتَغْفِرُكَ
 بسوی تو راغب هستم و بتو پناه برنده ام بار خدا یا آنچه طلب مغفرت
 مِنْهُ وَمَا لَمْ اسْتَغْفِرْكَ مِنْهُ وَكَوْضُوبٌ عَلَى يَدَيْهِ
 از او و آنچه طلب مغفرت کردم از تو از ان و واجب بگردانیدن برین بسبب ان
 النَّارَ وَسُخْطَكَ فَعَافِنِي مِنْهُ وَمَا عُدْتُ مِنَ
 آتش را و غضب خود را پس بکار دار مرا از ان و آنچه پناه برده ام به ان از
 الْخَازِي يُقَرُّمُ الْقِيَمَةَ وَسُوءَ الْمَطْلَعِ إِلَى مَا فِي
 رسوائیهای روز قیامت و بدی غنیمت بسوی آنچه در
 الْقَبْرِ فَأَعِذْنِي مِنْهُ اللَّهُمَّ وَمَا آذَنُكَ عَلَيْهِ
 قبر است پس پناه ده مرا از ان بار خدا یا و آنچه تشویش منم بر او
 مِنْ فَعْلِهِ لَهُ وَأَجَازِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْمَعَادِ أَتَوَلَّى
 از کردن خود باز و پا داشتند او به تو در روز بازگشت یا منی را
 فِي الدُّنْيَا عَلَى الْحَالِ الَّتِي تَوَلَّيْتُ سَخَطَكَ
 در دنیا بر حالیکه باعث خشم تو شوم
 فَاسْأَلْكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُعْظِمَ عَافِيَتِي
 پس سوال میکنم از تو بذات تو که کریم است اینکه بزرگ کردنی عافیت
 مِنْ جَمِيعِ ذَلِكَ يَا قَوْلِي الْعَافِيَةَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
 از همه این چیزها ای صاحب عافیت ای پروردگار من ای پروردگار من

إِلَيْكَ فَصَبِّتْ لِي فِي الْوَيْلِ إِلَهُي بِعِلْسِكَ فَكَيْفَ

بسوی تو پس ایستادم و بستم ای من بدانت تو پس چگونه

أَنْتَ دَاخِلٌ فِي بَيْتِي شَجَرِي وَلَا أَشْعُرُ كَيْفَ

تو من داخل بستم و بنیدادم چگونه

تَقُولُ لِدُعَائِي أَتَقُولُ لَخَصْمٍ أَوْ تَقُولُ لِأَقَانٍ قُلْتَ

میگویی در دعای مرا ای میگوئی در می یا میگوئی نه میسر اگر گویی

لَا فَيْتَا وَيْلَنَا يَا وَيْلَنَا يَا وَيْلَنَا يَا عَوْنَنَا يَا عَوْنَنَا

نه پس ای دای بر من ای دای بر من ای دای بر من ای دای بر من

يَا عَوْنَنَا يَا عَوْنَنَا يَا عَوْنَنَا يَا عَوْنَنَا يَا عَوْنَنَا

ای دای بر من ای دای بر من ای دای بر من ای دای بر من ای دای بر من

يَا دُلَّاهُ يَا دُلَّاهُ يَا دُلَّاهُ يَا دُلَّاهُ يَا دُلَّاهُ

ای داری من ای داری من بسوی که و نزدیکه یا چکه نه

أَوْ يَمَّا ذَاكَ أَوْ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَرْجَاءِ مَنْ

یا بکدام چیز یا بسوی چه چیز و بکدام امیدوارم یا بکدام کس

يَعُوذُ عَلَيَّ أَنْ رَفَضْتَنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَإِنْ

احسان کند بر من اگر ترک کنی مرا ای وسع آمرزش و اگر

قُلْتَ مَنَعُكَ كَمَا الظَّنُّ بِكَ فَطَوُّ بِلِي

گویی آری چنانکه گمان است بتو پس خوشا حالی من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

الَّذِي فِي عَمْرِؤِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

رَبِّهِ لَا حِيلَةَ إِلَّا وَلَا غَوْلِي عَمْرِي نَفْسِي

أَسْتَطِيعُ كَمَا ضَرَأَ وَلَا نَفْعًا وَلَا رَجَاءَ

لَا أَعِدُّ أَحَدًا أَصَابِيغُهُ تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ

أَخْذًا لَيْعًا وَأَصْحَلْ عَنِّي كُلُّ بَاطِلٍ أَفِي الدُّنْيَا

نفس را در کارهای من ای پرکار خود را ای پرکار خود را ای پرکار خود را

مِلًّا مِنْ خَيْرِكَ جَعَلَهُ يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّيْ أَنْ

پیر از خیر خود بجای آورد ای سرور من ای ناصر مولای من من

مَنْ قَدْ عَرَفْتُ شَرَّ عِبِيدِكَ خَيْرُ رَبِّ يَا مُحْسِنُ الْإِسْلَامِ

کسی بستم که بدترین شایسته بدترین بنده و تو بهتر پروردگاری ای توبه شاد از استقام

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای

مُحِيطُ بِمُلْكِكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَصْلِحْ لِي دِينِي

احاطه کند بملک آسمانها و زمین باصلاح برای دین من

وَأَصْلِحْ لِي دِينِي وَأَصْلِحْ لِي دِينِي وَأَصْلِحْ لِي دِينِي

و باصلاح برای من دین من را و باصلاح برای من دین من را و باصلاح برای من دین من را

وَأَصْلِحْ لِي دِينِي يَا إِلَهِي وَأَصْلِحْ لِي دِينِي يَا إِلَهِي

و باصلاح برای من دین من را ای خدا و باصلاح برای من دین من را ای خدا

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَأَمْنُ

ای بسیار رحمت ای بسیار نعمت تفضل کن بر من بر رحمت خود و احسان کن

عَلَيَّ بِجَانِبِكَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بر من بجلای من خود و درود فرست بار خدا یا بر محمد

وَأَهْلِهِ وَسَلِّمْ وَحَسْبُ لِي وَبَيْنَ مَا حَلَّتْ بَيْنَهُ

و اهل او و سلام نهیست حایل شو میان من و میان آنچه حایل شدی میان آن

اَنَا الشَّهِيدُ فَطَوِّبْ لِي اَنَا لَمْ حُجِّمْ اَلَا مَشْرِفًا
 سعادتمند خواهم بود پس تو تا حال من روم خواهم بود ای بزمکننده
 اَيَا مَدْرَنَتِ اَيَا مَعْظَمَتِ اَلَا حُجِّي اَيَا مَمْلَكَتِ
 ای محرابان ای محرابان ای بیاض بخشنده ای آگ
 اَيَا مُتَسَلِّطَ اَلْعَمَلِ اَلْاَجْرِيَّةِ بِخَاجِ حَاجَتِ
 ای غالب نیست عمل بر کار امید و شبانه نمون عمل روانی حاجت خود را
 وَلَا أَحَدٌ أَطْعَمَ لِي مِنْكَ يَا مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ
 و نه یکدیگر نفع رساندین از تو ای کسیکه شناسانیده بر خود را
 يَا مَنْ أَرَادَ نِيْطَاعِيَّةً يَا مَدْحِيَّ اَيَا مَسْئُوْلَ
 ای کسیکه امر کرد مرا بطاعت خود ای خواننده و خنده ای بوالکبر و شیره
 اَيَا مَطْلُوْبَ اِلَيْهِ رَفِيعَتِ وَصِيَّتِكَ اَلْقَوَادِصِ
 ای طلب کننده رفیع بوی او ترک کردم وصیت ترا که وصیت کردی را
 وَلَوْ أَطْعَمْتُكَ لَكَفَيْتَنِي مَا قُتِلْتُ اِلَيْكَ وَهَبَهُ
 و اگر اطاعت می کردم ترا کفایت میکردی آنچه را ایستادم بسوی تو در آن
 مِنْ قَبْلِ اَنْ اَقُوْمَ وَاَنَا مَعَ كَعْصِيَّتِي لَكَ رَاجٍ
 پیش از آن که بایستم و من با وجود کناه خود مرزا امیدوارم
 فَلَا تَحِلْ لِيْ وَبَيْنَ مَا زَجَّجْتُهٗ وَاَرَدْتُ اِيْلَيْهِ
 پس خالی نشو میان من و میان آنچه امیدوارم و برگردان دست را

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ حِفْظُهُمَا وَهُوَ

اسمانها و زمین را نگاهداری میکند خدا را نگاه داشتن آسمان زمین و او

الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

بلند مرتبه بزرگ است الفلام هم خدا نیست خدای بجز او زنده پایدار

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ

اوست آن کسیکه صورت می بخشد شما را در رحمها چنانچه می خواهد نیست خدای

إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا

بخش ما را که غالب و دانا است آنکه میگویند ای پروردگار ما را

أَمْزًا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

ایمان آید ایس سزا بزرگ ما را و نگاهدار ما را از آتش و وزخ

الضَّالِّينَ وَالضَّالِّينَ وَالضَّالِّينَ وَالضَّالِّينَ وَالضَّالِّينَ

شکستگان گمراهان گمراهان گمراهان گمراهان گمراهان

وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

و آمرزش طلبان در سحرگاهان گواهی میدهد خدا باینکه خدایت خدای یگانه

هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ

او و فرشتگان و خداوندان دانشمندان و یکتا است

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ

نیست خدای گمراه و غالب صاحب مکت بدستیکه دین

وَبَيْنَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْبَاطِلِ وَالْبَاطِلِ فِي الدُّنْيَا

وَمِنَ الْبَاطِلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ أَزْوَاجُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَبِهِ مَارَا...

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ

نیکو دور آخرت نیکو ای خشنده ترین بخشنده گان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بخشننده مهربان

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاجِدًا إِلَهُ الْإِلَهِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

و خدای شایسته یگانه است خدای کر او که مهربان بخشننده است

إِلَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ

خدایست خدای یگانه که زنده پایدار است نمی گیرد او را سقند...

وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

و نه خواب بر او نیست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ

کیمست آن کسی که شفاعت کند نزد خدا مگر باذن او میداند

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

آنچه پیش روی آنهاست و آنچه عقب آنهاست امااطافی کنند

شَيْءٌ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

چیزی از علم او مگر بچیزیکه خواهد وسیع است کرسی او

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْتِي مَوْعِظًا بِاللّٰهِ
بجند اور رسول او پیغمبر - خلاصه آنکه ایمان می آورد بخدا

وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
و کلمات او پیروی کنید او را باشد که شمار راه یابید

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ لَهُمَّ وَأَحَدًا إِلَّا إِلَهَ
و ما امر شدند مگر آنکه عبادت کنند خدا را یکی بیکانه را که نیست خدائی
الْأَهْوَى سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ لَقَدْ جَاءَكُمْ
بجز او و منزّه است و از آنچه شرک میکردند هر آینه تحقیق آمد شمارا

رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ يَخْبُرُكُمْ بِمَا عَلَيْكُمْ
رسول از شماست تا بآورد بر او آنچه بر شماست

وَمَا تَرْضَوْنَ لَكُمْ بِهِ مِنْ حَقٍّ وَهُوَ خَلِيمٌ
چرا نپسندیدید که با او چنین بر او حق است و او بخشنده است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
پس اگر اعراض کنید از ایشان پس بگو کافایت خدا نیست خدائی جز او و بر او

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتَّىٰ إِذَا
توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است تا وقتی که

أَذْرَكَ الْغُرَقَ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ
در ریختن فرعون را غرق گفت که ایمان آوردم بآنکه نیست خدائی

مرد خدا سلامت اخلاصت خدای بخشنده و باریک بین

سوی و زراست خرم

از خدا در سخن اینست خدا می‌تواند که پروردگار است بی‌شمار

بجیہ ازیندن ہم عیسوی پس پستید اور اوان خدا

بر همه چشمنواز و گلیل است پروی نایب و یکرده

پرو و کار نو بیست و الی بسرا و کور و بی

از پیشه‌گان بگو ای مردمان پرسیه

فرستاده خدام بسوی شما همه ان شیکه مراد است با شما

و زین است بخداوند عز و جل و زنده می ماند و می یزد پس این

هُوَ إِلَهٌ الْمَصْبِيُّ خَلَقَكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ

او بسوی دست بزرگش اینست بگوید پروردگار شما آفریننده هر

شیء لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَاتِلُ فُكُونٍ تَبَارَكَ اللَّهُ

چیز نیست خدای بخشنده و پس کجا برگردانید و بخوید بزرگست خدای

رَبُّ الْعَالَمِينَ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ

پروردگار عالمیان نیست بمیوهی مگرداند زنده میکند و میمیراند پروردگار شما

وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

و پروردگار پدران شماست که پیش از شما بودند پس بدانستید که نیست بمیوهی مگرداند

اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِنَبِيِّكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

خدا و طلب آید بخشش کند برای گناه خود و برای مردان مومن و زنان مومن

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمْ وَتَحَوِّكُمُ كَوْنُكُمْ

و خدا میداند جای بازگشت شما را و جای دین شما را اگر میگردانید

هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى جَبَلٍ رَأَيْتَهُ خَاشِعًا

این قرآن را بر کوهی می بینید این کوه را فرو می کشد

مُتَصِدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ

و پرانده شونده از بیم خدا و این امثال

تَضَرُّعًا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

میزنیم آنها را از برای مردم که شاید ایشان بفرستند

فَالْأُولَى وَالْآخِرَةُ وَكَهْ الْحَكْمُ وَالْبَهْ وَجْهَانِ
در دنیا و آخرت و هر دو است از مادی و معنوی و بر اینند
بِأَيُّهَا النَّاسُ أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
ای مردمان بسیار آفرید نعمت خدا بر شما
هَلْ مِنْ حِجَابٍ لِيَعْبُدَ اللَّهُ كُنْزُكُمْ مِنْ
آیا هیچ افروخته نیست غیر از خدا که گنجی و پنهانی از
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَانِ
بسمان زمین نیست سمی جز غیر از خدا پس با
تَوْفِكُنَّ أَنْ تَهْمُكُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ
برگردانیده میشود بر سر سبک بودند ایشان که سرگاه گفته میشود ایشان را
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُسَبِّحُكُمْ ذِكْرُ اللَّهِ
که نیست پندای حق غیر از خدا که سبک کردند اینست خدای
رَبِّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِ
هر دو کار شکر و پرستش پادشاهی نیست خدای سبحان و پس بجا
تُصَرِّفُونَ خَافِي الدُّبِّ وَقَابِلُ التَّوَكُّلِ
برگردانیده میگوید آمرزنده گناه و پذیرنده توبه
سُبْحَانَ الْعَفَّابِ ذِي الْقَلْبِ لَا إِلَهَ إِلَّا
سبحان پاداش صاحب توکلی و فضل نیست سمی جز

وَكَلَّمَ ابْنَهُ بِمَا نَبَّأَهُ لِكِتَابٍ عَزِيزٍ
 وکیل و مددکار و پسر تنگدستان سرانده کتاب عزیز
 لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ
 که نمی آید او را باطل از برابر او و نه از عقب او
 تَنْزِيلَ الْكِتَابِ لِكَيْ يُبَيِّنَ لِلنَّاسِ أَلْسِنَتَهُمُ
 فرود آورده است از جانب است کتاب درست کردار ایشان آوردم بخدا
 وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ
 و آنچه فرستاده شده به ما و آنچه فرستاده شده بسوی ابراهیم
 أَسْمِعِلْ وَأَسْمِعْ وَتَعْلَمُ وَلَا اسْتَغْنَى
 اسمعیل و اسحاق و یعقوب و آنچه داد و آنچه بخواهد
 أَوْتَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ مَا أَوْفَىٰ النَّبِيُّينَ مِنْ رَحْمَةٍ
 داده شد موسی و هارون و آنچه داد و آنچه بخواهد از جانب و کار
 لَا تَفْرُقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَخَرَجُوا مِنْ رَبِّنَا
 تفرد نمی کنم میان یکی ازین انبیاء ما مر خدا را مسلمانانیم پسر و کار
 رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْدَعُوهُمُ
 پروردگار آسمانها و زمین است مرکز خواستم خواند از خداوند
 أَلَمْ نَقَدْ قُلْنَا إِذْ أَشْطَبْنَا كَعَمَلِ اللَّهِ الَّذِي هَدَىٰ
 خدا را که مرانده تحقیق که نه خواهیم بود و این شکاکان نیز که خدا را راه نمودار

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

اوست آنکه انکار نیست سجود و تکرار او عالمی ندان

وَالشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ الَّذِي

و استسکار اوست مهربان بخشاینده و شاهد است

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

بدست مبرور حق مبرور او پادشاهی بسیار پاک سالار از بدیدمانی باشد

الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ

حقه کنشند غالب صاحب بیروت صاحب کهنه منزه است

اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

خدا از آنچه شرک میکند و انداخته است خدای آفریننده پدید آورنده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي

صور و بخشش را و نیست، نهایی نیک تسبیح که در او است

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُ

آسمانها و زمین است و اوست غالب و دانایان حکمت خدا

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

نیست خدائی بجز او بر خدا پس باید که توکل نمایند بر ایشان

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْ

پروردگار مشرق و مغرب نیست خدائی بجز او پس بگیر او را

عَصَبَتِكَ حَقِّكَ وَقَعَدْتِ مَعْدَكَ أَنَا بَرِيءٌ
 حق تو گرداندم و ایستادگی تو بمن بجزاوم در کردارم

مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمُ إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَاثَ
 از آنها و از پیروان آنها بسوی تو سلام بر تو باد ای غایب

الْبَيْتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَرْزَاقَ الْعَالَمِينَ
 بیتل سلام بر تو باد ای رزق دهنده عالمیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْتَ رَسُولِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 سلام بر تو باد ای بیت رسول خدای پروردگار عالمیان

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحَدَ
 درود بر تو خدا بر تو و بر او سلام بر تو باد ای مادر

الشَّيْطَانِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لَعَنَ اللَّهُ أَقْبَةَ غَضَبِكَ حَقِّكَ
 شیطانهای حسین و حسن لعنت خدا کردی ای که غضب کردی حق

وَصَنَعْتَكَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَكَ حَلَالًا أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ
 و منع کردند ترا از آنچه خدا کرده بود خدا ترا حلال من رو گردانم بسوی تو

مِنْهُمْ وَمِنْ شَيْعَتِهِمُ إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُؤَلَّى
 از ایشان و از پیروان ایشان سلام بر تو باد ای آقایی من

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزُّكِّيَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُؤَلَّى
 ای ابو محمد حسن پاک سلام بر تو باد ای آقایی من

هَذَا وَمَا كُنَّا نَهْتَدِي لَكَ إِلَّا أَنْ هَدَيْنَا لَكَ لِقَاءَ

باین و نبودیم یا که راه بریم اگر خواهی پسند ما را خدا بجز تو نداند

رَسُولٍ رَيْنَا يَأْتِيهِمْ صَلَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

فرستاده ای پروردگار بر آتی و در هر ستی خدا بر آنها

بِسْمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای فرستاده خدا سلام

عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ

بر تو باد ای نبی خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا

مِنْ خَلْقِهِ وَأَمِينَهُ عَلَى وَحْيِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

از خلق تو و در این خدا بر وی او سلام بر تو باد

يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای مولای من ای امیر مومنان سلام بر تو باد

يَا مَوْلَايَ أَنْتَ مُحَمَّدٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَأَمِينَهُ

ای آقای من تو محمد خدائی بر خلق او و امین خدائی

عَلَى وَحْيِهِ وَبَابُ عِلْمِهِ وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ وَ

بر وی او و دروازه علم او و وصی نبی او و

نَسَبُهُ مِنْ نَسَبِهِ فِي أَمْتِهِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّتَهُ

نسبش از نسب او و در اوست او لعنت خدا بر اوست او که

یا مولا یا ابا جعفر بن محمد السَّلامُ عَلَیْكَ

ای مولای من ای ابا جعفر بن محمد سلام بر تو باد ای

مولا یا ابا الحسن موسی بن جعفر السَّلامُ

مولای من ای ابو الحسن موسی بن جعفر سلام

عَلَیْكَ یا مولا یا ابا الحسن علی بن موسی السَّلامُ

بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن علی بن موسی بن جعفر سلام

عَلَیْكَ یا مولا یا ابا جعفر محمد بن علی

بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد بن علی

السَّلامُ عَلَیْكَ یا مولا یا ابا الحسن علی بن

سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن علی بن

محمد السَّلامُ عَلَیْكَ یا مولا یا ابا جعفر الحسن

محمد سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو محمد الحسن

بن علی السَّلامُ عَلَیْكَ یا مولا یا ابا القاسم

بن علی سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو القاسم

الحسن صاحب الزمان درود خدا

عَلَیْكَ وَ عَلَی غَیْرِكَ الطَّاهِرَةُ الطَّيِّبَةُ

بر تو و بر ذریبت تو که پاک و پاکیزه اند

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشَابَعَتْ
لَعَنَ خُصَاكَ وَبَايَعَتْكَ وَبَايَعَتْكَ وَبَايَعَتْكَ وَبَايَعَتْكَ
أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شَبْعِهِمْ أَلَا لَعْنُكَ عَلَيْهِمْ
من رو کرد و نام بر تو از آن ها و از یاران آنها سلام بر تو باد
يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُكَ
ای مولای من ای ابو محمد اش حسین بر علی و روحی
اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَيْكَ وَجَدِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
خدا بر تو باد و بر پدر تو و جد تو محمد و روحی
وَاللَّهُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحْلَتْ دِمَاكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاسْتَبَا
و بر آن ها لعنت کند خدا ای که حلال کشید خون تو خدا کردی اگر کشند ترا و صاحب کنند
جَرَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَبَاكَ عَنْهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَلَعَنَ
هر چه ترا و لعنت کند خدا ایشان را و آنان را و ایشان را و لعنت کند
اللَّهُ الْمُجِدِّينَ لِحُرْمَةِ الْيَمِينِ مِنْ قِتَالِكَ يَا أَبَا بَرٍّ
خدا را تمسکین کننده گان ایمنی را توانائی دادن ایشان را بر مقاتله شما من نیز از شما
إِلَّا اللَّهُ وَأَبَيْكَ مِنْهُمْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيٍّ صَلَوَاتُكَ
بسوی خدا و بسوی از ایشان سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو محمد حسین
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو باد ای ابو جعفر محمد علی سلام بر تو باد

وَأَشْهَدُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
وَكُوَاهِي كَيْسَمُ مُحَمَّدًا دُرُودُ خُدا بَرَادُ بَرَاءُ
وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا إِنِّي بِهَيِّ مِنْ
دَانِمان را از ذریت محمد و علی بر یکدیگر می نازم از
أَعْدَائِهِمْ فَعَلَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ أَهْلَ بَيْتِهِ
وَشَمَانِ ایشان پس بر محمد و علی و اهل بیت او
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الصَّالِحِينَ وَالسَّلَامُ اللَّهُمَّ
که پاک و پاکیزه اند درود و رحمت خداوند
وَأَقْرِ عَيْنِي بِصَلَاتِهِ وَصَلَاةِ أَهْلِ بَيْتِهِ
سرور و شکر و ان چشم مرا بدو محمد و درود اهل بیت او
وَأَجْعَلْ مَا هَدَيْتَنِي إِلَيْهِ مِنْ الْحَقِّ وَالْمَعْرِفَةِ
و بگردان آنچه مرا هدایت نمودی مرا به هدایت و از حق و شناسایی
بِهِمْ مُسْتَقَرًّا لَا مُسْتَوْدَعًا يَا أَرْحَمَ
با ایشان پایدار نه امانت بفرار ای بخشنده ترین
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَعَرِّفْنِي نَفْسِكَ وَعَرِّفْنِي
بخشنده گان بار خدا یا و بشناسان مرا ذات خود را و بشناسان
مرا نَفْسَكَ وَعَرِّفْنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرِّفْنِي
فرستاده خود را و بشناسان مرا فرشتگان خود را و بشناسان مرا

یا مَوْلای کَرَمُ شَفَعَا بِنَحْنِهِ اللهُ فُحِطْ وَذَرِّنا
ای تائبان من بجهت شفیعیان من نزد خدا در فرود آیدین که آن من
خَطَايَايَ اَمْسَتْ بِاللهِ وَمَا الْيَاكُمُ اَنْزِلْ وَاتُوا
خطای من و ایمان آوردم بخدا و آنچه فرستاد مشهوری را که می
اَخِرُكُمْ مِمَّا اَقْوَالُ بِهِ اَوَّلَكُمْ وَاُولَئِكَ مِنْ اَحْسَنِ
آخر شما بخوبی که پیروی میکنم آن اول شما را و نیز از شما از جهت
وَالطَّاعُونَ وَاللَّاتِ الْغُرَى يَا مَوْلای اَنَا سِلْمُكُمْ
و طاعت و لات و غری ای تائبان من من سلام است
سَلَامُكُمْ وَحَرْبُكُمْ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَحُدُودُكُمْ لِمَنْ حَادَاكُمْ
صلح و غنی باشد شما و جنگ دارم با کسی که با شما جنگ شد و حد و غنیمت با کسی که دشمنی با شما
وَلَمَّا لَمْ يَكُنْ وَالْاَكْمَرُ الْيَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَعَنَ اللهُ مَنَّا لَكُمْ
ویدارم کسی که با شما باز باشد روز قیامت و لعنت کند خدا شما را آن شما را
وَمَا صَبَّيْكُمْ وَلَعَنَ اللهُ اَشْيَاءَهُمْ وَلَبَّاهُمْ
و حسب کنندگان شما را و لعنت کند خدا ایشان را و بپروا این ایشان را
وَأَهْلُ مَذْهَبِهِمْ وَأَتْرَأُ إِلَى اللهِ وَاللَّكُمُ مِنْهُمْ
و اهل مذهب ایشان را و بنیاری پیوسته بسوی خدا و بسوی شما از شما
اَللَّهُمَّ اِنِّ اشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً
خداوند ایزد شهادت که گواه میگیرم ترا و کافیست که تو گواه باشی

صَلِّ عَلَى أَفْضَلِ الصَّفَاقِ إِنَّكَ صَلَّيْتَ عَلَى

وَأَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُخَبَّرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا

يَا سَيِّدَنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مُلَا يَا مُلَا يَا مُلَا

يَا عِمَادَ مَنَ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنَ لَا سَنَدَ لَهُ

عَهْدِكَ وَعَهْدِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مُوقِفًا

مُجْمَعًا وَلَا تَجْعَلْهُ أَخِي الْعَهْدِ مِنَّا وَأَشْرَ حُكْمًا

فِي صَلَاحِهِ وَتَعَالَى عَمَّا يَكُونُ فِي قُلُوبِ الْعَالَمِينَ

وَلَا تَأْمُرْكَ اللَّهُ فَرَانِي لَا اخْذُ إِلَّا مَا عَطَيْتَ
 وایمان کار خود را بار خدا یا به حکمت من بیکم که خبر اگر پیش تو
 وَلَا أَوْفَى إِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُ لَا يَجْعَلُ مِنْ مِثْلِهِ
 ویکما داشته نشیوم که از جیب یکم که داری بار خدا یا امید کردن و از
 أَوْلِيَاءِكَ وَلَا تَزِعْ قَلْبِي لَعِبَادِ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي
 اولیای خود و برکردن دل ما بپسند از آنکه راه نمودی مرا و بخشید
 مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ قَهْقَرِي
 از نزد خود رحمتی هر چند تو تو فی بسیار بخشنده و نهیایان
 إِلَى مُرْسِيكَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَعَلَيْهِ تَطَوَّلُ التَّنَزِيلُ
 برای من کار مرا راه راستی بار خدا یا و بیا نمود مرا که ای تسبیح
 وَخَلِّصْنِي مِنَ الْمَهَالِكِ اللَّهُمَّ وَخَلِّصْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ
 و بران مرا از مهلکها بار خدا یا و بران مرا از شیطان
 الرَّجْدِ وَخَلِّصْنِي مِنَ الشَّلَاطَانِ وَجَنِّدْنِي مِنَ الْجَبِّ
 مود و شکستار و دزد و از راه و شاه و شکرا و دزیت و
 أَنْصَارِهِمْ بِجَوْشِ مَدْيَانِ الْكُفْرِ وَعِلَالِ الْقَصُوفِ
 یاران او بحق محمد ستوده شده و بحق محمد ستوده
 وَبِجَوْشِ تَبَرُوسِ شَيْبَرِ وَبِجَوْشِ أَسْمَاءِ عَمَلِ الْخُسْرَى
 بحق حسن و حسین و بحق تا مایه مبارک کوی تو

يَا اَحْسَنَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
 ای بهترین مهربانان ای بهترین مهربانان ای بهترین مهربانان
 يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
 ای خدا ای خدا ای خدا ای بهترین مهربانان ای بهترین مهربانان
 يَا سَيِّدَنَا يَا سَيِّدَنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا
 ای سرور ما ای سرور ما ای سرور ما ای مولای ما
 يَا مَوْلَانَا يَا مَوْلَانَا يَا مَوْلَانَا
 ای مولای ما ای مولای ما ای مولای ما
 فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ
 در این ساعت و در این روز و در این ساعت
 وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ مِنْ خَيْرِ اَرْبَعَةٍ اَوْ عَافِيَةٍ
 و در این سال از خیر چهار یا نجات
 اَوْ مَغْفِرَةٍ اَوْ رَافَةٍ اَوْ رَحْمَةٍ اَوْ غُفْرَانٍ مِنَ النَّارِ
 یا آمرزش یا صحرانی یا نجات یا ازادی یا نجات
 اَوْ رَافَةٍ اَوْ رَحْمَةٍ اَوْ غُفْرَانٍ مِنَ النَّارِ
 یا دوری یا نجات یا نجات یا نجات
 فَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ اَوْفَى النَّصِيبِ وَاجْعَلْ
 پس بگردان برای ما در این و بیشتر بده و بیشتر

وَعِنْدَ قَوْمٍ صَبَاحَاتٍ وَاللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعَشْرِ
وَقَبْرِهِمْ مَسْرُورٌ وَجَسَدُهُمْ سَدِيدٌ وَنَزْدُ
زَمْرَقَةٍ وَأَمَّا فِي اللَّهِ فَحَرَّكَ الْكَمْدُ حَيْثُ رَقَعْتَ
رِزْمٌ وَنَقَامُ بِلَابِهِمْ خَدَايَ مَرْتَوْصَةٍ عَمَّ أَرِزْمَتِ كَيْفَ كَرَدِي
اَقْدَارَنَا عَنْ سِدِّ الزَّوَانِيْرِ فِي الْأَوْسَاطِ وَالْخَوَاصِ
مَرْتَوْصَةٍ رَازِ بَسْتَنَ زَمْرَقَةٍ وَرِيسَانَا وَجَسَدُهُ
الْأَتَمْنَا وَوَلَكِ الْجَمَلُ حَيْثُ كَرَّمَجْعَلْنَا زَنَادِقَةَ
كَرْدَنَ بَاوَرْتَرَا سَتِ عَمَّ أَرِزْمَتِ كَيْفَ كَرَدِي بَاوَرْتَرَقَانِ
مُضِيلَيْنِ وَلَا مَدْعِيَةَ شَاكِنٍ مَرْتَابَيْنِ وَلَا
كَرَاهِيَّةٍ وَكَرَدَانِيَّةٍ وَوَلَدِيَّةٍ كَيْفَ كَرَدِي بَسْتَنَ وَجَسَدُهُ
مُعَارِضَيْنِ وَلَا تَعْنُ أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّ
سَارُضِيَّةً وَوَلَدِيَّةً بِلَابِ بَيْتِ بَغِيْبِ خُودِ دُرُودِ
اللَّهُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ مِنْهُ فِي اللَّهِ حَرَّكَ كَرَامًا بَلَعْنَا هَذَا
بِرَحْمَةِ بَرَاءِ وَوَلَدِيَّةً كَرَامًا بَلَعْنَا هَذَا بِرَحْمَةِ بَرَاءِ
الْيَوْمَ الْمُبَارَكِ مِنْ شَهْرِنَا وَسَنَتِنَا هَذِهِ الْمُبَارَكَةِ
رُوزِ مَبَارَكِ مِنْ مَبَارَكِ مَبَارَكِ مَبَارَكِ مَبَارَكِ
فَلَعْنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ وَبَلَعْنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ
بِسَبْرِ بَارِئِ بَارِئِ بَارِئِ بَارِئِ بَارِئِ بَارِئِ

كَلِّمْ دَارِ وَمَنْزِلٍ فِي سُرِّ الْأَرْضِ وَعِزِّهَا
 عَزَّ جَارُكَ وَحَبْلُ نَسَاءِكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ
 وَحَدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَاطِرُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ
 كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِكُهَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

الْحِطَاءُ اللَّهُمَّ مَا أَنْزَلْتَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
 نَبِيًّا بَارِعًا يَا بَارِعُ فَرُوزِ سِتَاوِي ^{در این ساعت}
 وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا
^{در این روز و در این ماه و در این سال}
 السَّنَةِ مِنْ حَرِّ أَوْ شَرِّ أَوْ غَرِّ أَوْ هَدْمٍ أَوْ سَرِّ
^{یا بزمین فرو رفتن یا سنگ انداختن یا زلزله یا سحر شدن یا}
 أَوْ خَسْفٍ أَوْ قَذْفٍ أَوْ رَجَبٍ أَوْ مَنَاحٍ أَوْ
^{بیماری یا زلزله یا فتنه یا صاعقه یا}
 صَيْحَةٍ أَوْ زَلْزَلَةٍ أَوْ فِثْنَةٍ أَوْ صَاعِقَةٍ
 أَوْ بَرْدٍ أَوْ جَوْنٍ أَوْ جَرَامٍ أَوْ بَرَصٍ أَوْ أَكَلٍ
^{یا زلزله یا جسدن یا خوره یا بستی یا خوردن یا}
 سَبْعٍ أَوْ مِثْقَلٍ سَوْءٍ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ
^{در این هفت یا مردن یا بد و همه آن است یا}
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَأَصْرِفْهُ عَنَّا كَيْفَ
^{در دنیا و آخرت پس مگردان انرا از ما بخت هم که}
 شِئْتَ وَأَنْتَ سَمِيعٌ وَتَعْلَمُ جَمِيعَ أُمُورِ الْمَوْتِ
^{خواهی و مرا که خواهی و از همه مومنان در}

مِنْ ذُرِّيَةِ آيَةَ وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا
 از اولاد او و از ذریه او و از پیروان او و از دوستان او
 لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ
 شرک مکن با خدا چیزی را و پیروی مکن از عجزت او و از
 وَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا لًّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 را و دعای کنم با او خدائی نیست بحق مگر خداى یگانه که
 لَا تُشْرِكُ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
 نیست شرکی بر او را خداى یگانه یی که نه زاده شد نه
 صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 برای روزی و نه فرزندی بار خدا یا بدرستی که من سوال میکنم
 بِالْعَظِيمِ مِنَ الْأَمْثَلِ وَالْقَدِيمِ مِنَ الْأَمَلِ
 بزرگترین از بزرگترین و قدیمترین از قدیمترین تو
 وَالْخَيْرِ مِنَ الْأَسْمَاءِ وَمَا أَرَى الْجَبَّارِ
 و بهترین از نامهای تو و آنچه پوشیده است از عجبها
 مِنْهَا أَمَّاكَ وَمَعَاقِدَ الْعَرْشِ مَرْغَبُكَ
 از آنها و عقده کاههای عرش از عرش تو
 وَسَهْوَةَ الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبَيْتَكَ
 و سبزههای بخشش از کتاب تو و سوال میکنم

فِي الْقُبُورِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 كَوْنِهِ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ كَمَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ
 لَا شَرِيكَ لَهُ عَلَيْهَا أَحْيَاءُ وَعَلَيْهَا أَمْوَاتٌ وَ
 نِسْتُ أَنْبِئَكَ بِرَأْسِ شَهَادَتِ خَدَمِ وَبِرِيشِ شَهَادَتِ سَبِيحِ
 عَلَيْهَا أَلْعَنَ جَنَّاتُ اللَّهِ رَضِيَتْ بِاللَّهِ رِثَاءُ
 بَرِّينَ شَاهِدِي أَنْ كُنْتُ شَهِيدًا لِمَنْ زَنَدَهُ الْغَوَابِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دِينًا وَرَجُلًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 بِاسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَرُوحِهِ
 نَبِيِّنَا وَرَبِّكَ وَآلِنَا وَآلِ الْفَرَزْدَكَ
 وَبِاسْمِهِ الْغَيْبِيِّ وَبِاسْمِهِ الْإِلَهِيِّ وَبِاسْمِهِ الْكَرِيمِ
 وَبِاسْمِهِ الْكَعْبَةِ قِيلَ وَبِاسْمِهِ الْهَبِمْ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ لِنَسْتَأْذِنَ أَبَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَبِاسْمِهِ الْغَيْبِيِّ وَبِاسْمِهِ الْإِلَهِيِّ وَبِاسْمِهِ الْكَرِيمِ
 لِنَسْتَأْذِنَ أَبَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَبِاسْمِهِ الْغَيْبِيِّ وَبِاسْمِهِ الْإِلَهِيِّ وَبِاسْمِهِ الْكَرِيمِ

طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية
 زانبری مطیعان . و اگر نیک از آن کنه
 المعاصين فاعف عني يا اكرم الاكرمين
 کنه کاران پس عفو کن از من ای کریمتر کرم کننده کان
 و یا ارحم الراحمين الوذيعين *
 و ای بخشنده ترین و ای پاکیزه ترین
 استظل بفتاتك والتجديد ريتك
 سایه می گیرم بابت تو و پناه می گیرم
 واستغيت من جنتك واعتصمت بحبك
 و استغاثه می نمایم بهشتی تو و دستگیر می گردم بهشتیان تو
 ولا اتو إلا بك ولا أجد إلا اليك يا
 و اعتماد میکنم مگر بر تو و پناه نمی برم مگر بسوی تو ای
 عظيم الرحمة كالشفع الملائكة والآحق
 بزرگوار اسید ای بر طرف کننده بندگان و ای شرف دارنده
 من تجاوت وعفى الله عنك يا ذا الجلال والإكرام
 ای بزرگوار و ای بخشنده بار خدا یا پرستگاری کننده من پناه برنده است
 يعفو لك وحق في مستجير يا مانك وقصر
 ببخشد تو و حق است در پناه من پناه برنده است یا مان تو و داری من

بِحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 تنهایی تو هست شریک برزایانکه درستی بر محمد و
 آل محمد و آن ترجمه هذا النفس الجوهرة
 آل محمد و اینکه رحم کنی برین همس زاری کنند
 وَهَذَا الْبَدَنَ الْخَلْقَ الَّذِي لَا يُطِيقُ حَرَّ
 و هم کنی برین تن بسیار جزع گشته که طاقت ندارد بر گرمی
 شمسك فكيف حذرَكَ أَنْ تُعْلِيَنِي لَا تُبْذِرْ
 آفتاب ترا پس چگونه می آرد اتش ترا اگر عقاب کنی مرا از آتش خود
 فِي مُلْكِكَ شَوْكَ أَنْ تُعْفِيَ عَنِّي لَا يَقْصُرْ
 در ملک تو چسبندی و اگر عفو کنی از من کم نمی شود
 مِنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ أَنْتَ يَا رَبِّ مَخْلُقُكَ أَرْحَمُ
 از ملک تو چیزی که انت یا رب مخلق تو مهربان تر
 وَتَعْبَادُكَ أَكْثَرُ وَبِسُلْطَانِكَ أَرْوَفُ
 و بندگان تو خود و امانتری و سلطان خود مهربان تر
 وَمُلْكُكَ أَقْدَمُ وَتَعْفُوكَ أَكْبَرُ وَعَلَى
 و پادشاهی خود قدیم تر و عفو خود کریم تر و
 عِبَادُكَ أَعْمَلُ لَا يَزِيدُكَ مُلْكُكَ
 بندگان تو خود بیشتر می دهند امانتری نمی افزاید در پادشاهی تو

وَسُئِلَ الْمُنَظِّرُ فِي الْمَالِ وَالذِّهْنِ وَالْأَهْلِ

برای نظر در مال و دین و مردم خانه

وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مَعَايِنَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ

وای پدر و نژاد شاه و فرشته موت بار خدا یا

يَا رَبِّ تَشْكُرُوا إِلَيْكَ عَيْبَةً تَبِينَا عَنْهَا

ای پروردگار من شکایت کنم بسوی تو مایشتن من بنبیبت خود را از ما

وَقَلَّةَ نَاصِرِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ

و کمی یاری دهنده خود را و بسیار دشمن خود را و پستی

الْإِيمَانِ عَلَيْنَا وَوَقْعَ الْفِتَنِ بَيْنَنَا وَتَظَاهِرِ

زبانان را بر ما و واقع شدن فتنه میان ما و پدید آمدن

الْخِلَافِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خلق بر ما بار خدا یا درود بفرست محمد و آل محمد

وَأَفْرِجْ ذَلِكَ بِفَرَجٍ مِنْكَ تُجَاهِلُهُ وَتَضَرِّعُ

و بگشای آنرا بگشایشی از جانب تو که زود ببارد و دیگر عزیز کن از ما

وَحَقِّ تَظَاهِرِ الْإِيمَانِ وَابْعَثْ بِقَائِلِ الْحَمْدِ

و حقیقت آشکار کنی ایمان را بار خدا یا و بفرست قائم آل محمد را

صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلنَّصْرِ لِدِينِكَ وَظَهْرِهِ

درود بفرست خدا بر او و آل او برای یاری دادن مژدم مردین و آشکار کردن

حَسَنَةُ وَقَوْلِكَ رَحْمَتِكَ عَذَابُ السَّارِ

نبی . . . نگاهدار لهذا برکت خود از عذاب دوزخ
 ی بولت گوید که این جزوی است از دعای طولانی که از حضرت صادق
 علیه السلام منقول است و ادعیه و عزیه بسیار است و در کتاب بحار الانوار
 در ساله علمده جمع کرده ام و اکثر خلق را آنچه مذکور شد درین ساله کافی است
 و سابقان مذکور شد که محل استغفار و توبه درین روزی توان . در فصل سوم
 در بیان اعمال خود در شب عید قربان و در شبش ایام شریف است
 یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اسحق از جمله چهار
 شبی است که اجای آنها سنت موهله است و منقول است که درین شب
 در ایام آسمان بسته نمیشود برای آنکه صدای دعا و علی حاجیان باله و
 در ایام ایشان در آسمان پیچیده است بلکه صدای کس و در میان
 نند و حق تعالی اجیان . خدا میکند که نعم پروردگار شاد و تائید بنده گان
 من و حق را و آید و بر من لازم است که دعای تنه و استجاب بر دادم
 پس هر که سختی آید برش است هر کس که گناهان او را می آید و هر که سزاوار
 آن نیست گناهانش اکم میکند پس هر که با ایشان در عبادت و عاشق
 شود و ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام
 حسین علیه السلام درین شب سنت است و منقول است که هر که درین شب
 آخر عمرت را زیارت کند گناهان که بشسته و آیند و اشک مرزیده شود .

مَجْنَبِكَ وَالْقِيَامِ بِأَمْرِكَ وَتَطَهِّرْ أَرْضِيكَ
 محبت تو و قیام بودن بکار تو و پاک کردن زمین تو
 مِزَارِكَ جَانِبَهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 از پدید آمدن برکت تو ای پروردگار این بهترین
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُوَلِّكَ عَدُوًّا
 خداوند منم که از تو بگریزم که مرا با دشمنی
 أَوْ أَعَادِي لَكَ وَلِيًّا أَوْ أَسْخَطَ لَكَ رِضًا
 با دشمنی کنم کسی را که دوستانت با غضب کنی یا
 أَوْ أَرْضَى لَكَ سَخَطًا أَوْ أَقُولَ لِحَقٍّ هَذَا
 یا خوشتر از حقم رتقا غصبی یا بگویم که حق
 بَاطِلٌ وَأَقُولَ لِبَاطِلٍ هَذَا حَقٌّ أَوْ أَقُولَ
 باطل است و بگویم که باطل این حق است یا بگویم
 الَّذِينَ كَفَرُوا أَهْلًا أَحَدٌ مِنَ الَّذِينَ
 که کفر را از راه برادران از آنان که
 آمَنُوا سَبِيلًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 ایمان آورده اند راه را بار خدا را درود بفرست بر محمد
 وَآلِهِ وَأَنْبِيَاءِ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
 و اولاد او و همه انبیا در دنیا و آخرت

ساخته بگویم حضرت فرمود که فرض کن که آن فرض را خدا می کند و بهتر است
که در روز عید بکشد و در روز بار و هم و دو آند و هم نیری تواند کشت و اگر در نری
باشد و در روز سیزدهم نیری تواند کشت و نیز آنست که در دهم و بیست و نهم و خورده
باشد و اگر در هفت قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و بیاید
شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بزرگ باشد و حیوانات دیگر قربانی نمی توان کرد
و اگر شتر باشد می باید پنج سال تمام و گوسفند باشد یا بز یا گاو یا بز
باشد می باید یک سال تمام شده باشد و در فصل در سال دوم شده باشد و اگر در
سال تمام و گوسفند یا بز بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماه یا یک سال
و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است بر نفس در اعضایش نبوده
باشد و اگر بیک چشم یا بر دو چشم زده باشد و بسیار لنگ نباشد که راه
رفتن بران دشوار باشد و کوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد
و جدا شده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهتر است و باید که سفر
شاخش نشکسته باشد و اگر پریش نیز شکسته باشد بهتر است و بهتر است
که بسیار و بسیار پیروزه باشد و صفت است که زده نباشد و باید که بسیار
لاغ نباشد که چه بر کرده اش نباشد و باید که خسی نباشد یعنی خفایش را
نبرده باشد و مکرده است اگر خسی اش را مالیده باشد و اگر نه
خسی بهم نرسد خسی را قربانی می توان کرد و صفت است که اگر قربانی شده
یا گاو باشد یا بز یا گوسفند یا بز باشد یا شتر باشد صفت است که

احمال و در عید غسل و آن سنت مبرکه است و بعضی واجب است غسل
و بهتر آنست که پیش از نماز غسل کند و نماز عید مایه شهود در آن نیست
امام علیه السلام سنت مبرکه است و بکمان فقیر واجب است بشروط
مقرر و نمازش باین کیفیت است که در عید قطره کویثه و دعای
پیش از رفتن بنماز عید آنجا که کور شد و دعای بسیار پیش از نماز و بعد از آن
دارد شده است و این رساله کجایش ذکر آیهان دارد و بهترین دعا
دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش نیست اللهم آتونی مبارک
و اگر دعای چهل و هشتم را که اولش یا من یرحم من لا یرحم العباد است
نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ صحیفه استجاب خواندن آن در نماز
نیز وارد شده است و دعای نهم بهترین دعا است و مدین روز و سایر
احیا و سنت است خواندن چنانچه بعد از این الش الله تعالی ید منین آیت
مذکور خواهد شد و مدین عید سنت است که اظهار بعد از نماز از گوشت قربان
باشد و از جمله احکام این عید قربانی است و آن سنت مبرکه است و بعضی
از علما واجب دانسته اند اگر قدرش بر آن داشته باشد و از حضرت
صداق علیه السلام منقول است که اضمحیه واجب است بر هر مسلمان
و فرمود که از برای خود البته بکن و از برای عیال خود و اگر خواهی بکن و اگر
خواهی بکن تا از ام سله زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که آن حضرت فرمود که عید اضحی حاضر میشود و من تمیست اضحیه ندارم یا تو من

السُّبْحَانَ اللَّهِ مَلِكًا يَسْمُو اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ نَحْمَدُكَ يَا مُحَمَّدُ

سپهر نامہ از خدا یا این بانی از درویشی بام خدا و خدا بزرگتر است خداوندانید بزرگ

و منمود که تا میر و پسرش را جدا کنی و چون پوست بکنند سنت است
که یک خنجر را خود و اهل خانه اش بخرند و بهتر است که خود بان اظهار کند
و یک حصه برای همسایگان بدهد و بفرستد و اگر پریشان باشد بهتر است
یک حصه را بفقرا و سواق کنند کاتب بدو اگر اکثر را تصدق کند شاید
بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اجزای حلال از آن تصدق
کند و تصرف نکند و بقصاب نهد مگر آنکه قصاب پریشان باشد و تصدق
با بدو بدو از حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را می تواند که بخت
کند و بر روی آن نماز کند و نشیند و اگر کوفته یافت نشود سنت است
که بقیقت و طشش تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال بکشد
کافیست و اگر یکی برای خود یکی برای عیال باشد بهتر است و اگر بعد
عیال بکشد و او بشن بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشا
که مرده باشند قربانی کردن خوب است و اگر برای حضرت رسول
و ائمه هدی صلوات الله علیهم تبر بانی کند ظاهر خوب است متغیست که
حضرت رسول صلی الله علیه و سلم دو کوفته تبر بانی کردند و در
اول منمودند که خداوند این از من و از هر که قربانی کرده است از این
من دور و دوم منمودند که خداوند این از من و از هر که تبر بانی کند

اگر تواند دست بر دست تعصب بگذارد و مدعی بگذرد و طریق گشتن
 را اگر شتر باشد بگذرد یعنی حرب را مانند کاه و یا نیزه در کوفت یا بیکدیگر
 در و بر و اگر بعد از آن بیک بگذرد حرام میشود و واجب است که در
 بار و از آن نام حمله بر و نیست است که اگر ایستاده باشد و در و بقبل
 و بر و دستش را از سر تا پا از نو بر سنانی یا تسبیح بر یکدیگر بگذرد
 آنکه بگذرد در جانب راست یا چپ یا در پشتش فرو برد
 اگر کار یا کوفت یا نیزه باشد باید که چهار رک کردن بر پیشی معلوم شود
 بزرگ که بر و در جانب معلوم است و یکی که در پشت معلوم است که ب
 و علف از آن رک بخواند آن یک و اگر این را بخواند و اگر میخواند
 که و علف از در پشت شتر چنانچه در متن است و در صورت نماز و در علف
 شتر است که چنانچه در متن است و در صورت نماز و در علف
 وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي قَطَعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 شتر را قدم روی خود را بیکدیگر بگذرد و دست آسمان را و زمین را
 خُفَا مَسْلُكًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
 در یکدیگر بگذرد و دست آسمان را و زمین را
 صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ
 نماز و عبادت من و نذر من و زنده شدن من و مرگ من از خداست
 رَبِّهِ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَهُ إِلَهِيَّةُ وَأُنَا مِنْ
 پروردگار عالمیان و او را شریک نیست و او را الهی است و من از

چهارم این ماه است و خیمترین ایام است و احادیث از طرق عامه
و خاصه در فضیلت این روز و اعمالی آن زیاده از حد است و در بعضی
بخیه حدیث اکتفا می نمایند بنصیر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که چون روز قیامت شود چهار روز را به نزد عرش الهی برزد باز
تمام مانند عردی که او را بخانه و اما و برزد روز عید فصحی و روز عید
و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان آنها مانند
ماه باشد در میان ستارگان و این روز است که حق تعالی ابراهیم
خلیل علی نبینا و علیه السلام را از آتش نجات داد و این روز را
روزه داشت برای شکر حق تعالی و این روز است که خدا را بزرگو
کامل کردند بنین را باینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را نصب کرد بخلاف و فضیلت او را و دومی بودن او را
ظاهر کردند بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز
کامل شدن دین است و روزی است که بسنی شیطان بر خاک
مالیده شده است و روزی است که اعمال شیعیان و مجانبان آل محمد و این
روز مقبول است و این روز است که حق تعالی عملهای مخالفان را
سینان را باطل میکند و اند مانند ذر که در میان هوا پراکنده میشود
و این روز است که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که
کرامت خدا را در برابر بیت محمود و جبرئیل بران کند

از امت من و حضرت امیرالمومنین علیه السلام هر سال اول یک گوشت
 قربانی میکرد می فرمود خداوند این از پیغمبر است شست پس گوشت دیگر
 از برای خود و شربانی میفرمود و اگر چینی قادیان باشند که قربانی بدارند
 جایز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه بمقتضای حق تعالی شود
 است که خدا را یاد کنند در ایام حدود و اوقات یعنی در روزی چند نذر کنند
 و در احادیث معتبره منقول است که مراد بگیرند سخن است در ایام نذر است
 پس هر که در منی باشد عقیقه باز ده ناز بگوید که اذ لس ظهر و زید عقیقه
 و آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها عقیقه ناز که از ظهر و
 عقیقه است تا صبح روز دوازدهم و مشهور است عقیقه است و بعضی در شب
 دست اندازد و اقلش بعد از نماز نیکوتر است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد
 ناز نافله نیز اگر بگوید خوب است و طریق تکریر موافق حدیث صحیح است
 اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر نیست شکوه بخیر و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر
 وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَيْنا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا نَرُفَعُ
 و در خدای پستتالیش خدا بزرگتر است بر آنچه راه خود را خد بزرگتر است بر آنچه روزی
 مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَكْبَلْنَا
 از چهار پای چسبند و حمد مر خدای است بر آنچه پای داد و از ایشان
 فصل چهارم در فضایل و اعمال شب روز عید غدیر است و عید غدیر

روز بطلب زیادتى ثواب است و روز استراحت مومنان است و
 روزی که سوداگرى ایشان است و روز دوستى کردن شیعیان است
 بلکه روزی که روز رسیدن رحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهان است
 و روز عیادت است و روز انظار و فرمودن روزی که دار است پس هر
 روزی که داری را درین روز انظار نماید چنان است که ده نيام
 طعمایم کرده باشد و هر قیامی حد هزار کس است و روز تنبیت و
 سار کبایر است پس هر مومن که دیگر را ملاقات کند خیرین تنبیت مومن
 ان الله الذي جعل لكم الله قسما من بينكم يومئذ لا تفرحون ولا تأسفون

یعنی هر دو سپاس خدا و نیز استراحت که کرده اند ما را از آنها که عیادت
 زده اند و ولایت و محبت با دشت مومنان و انما علیهم سلام و این
 قسم است در روزی مومنان پس هر که قسم کند در روزی برادر مومن
 خود در روز عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او بر
 و بر او در هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مومنان
 سفید و روزی او را نورانی گرداند و این روز زینت است پس هر که
 زینت کند بر اسی روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی
 که کرده است از صغیره یا کبیره بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که
 بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال منته
 و مثل این روز پس اگر بمیرد و شهید شده باشد و ثواب شهیدان داشته

اجبیب آسمانها را و جمیع شرفها را کند بر محمد و آل محمد و استغفار میکند بر
شیعیان امیرالمومنین و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعین و
دستان ایشان از فرزندان آدم و این روز زیست که امر میکند
حق تعالی ملائکه نویسنده کائنات را که قلم بردارند از میان این بیت
و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر و نویسنده هر خطا و گناه
ایشان را برای بیت محمد و علی و ائمه صلوات الله عليهم و این روز
که خدا مخصوص محمد و آل محمد و شیعیان ایشان گزینده و این روز است
که چند از یارهای میکرواند مال کنی را که جنات خدا کنند درین روز و کوه
دو روزی را بر جمال خود و برادران مومن خود و را از میکرواند از
آتش جهنم و این روز زیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی نزد
دکنایان ایشان را میامرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این روز است
که خدا غمهای شیعیان را از اهل میکرواند و کنایان ایشان را کم میکند و در
بخشش است و روز عظیم است و روز پنهان کردن علم است و روز بشارت
و روز عید بزرگ است و روزی است که دعاها در آن مستجاب میگردد
و روز موقوف بزرگ است و روز پوشیدن جامه های نیکو است و روز
بخشیدن کنایان شیعیان امیرالمومنین علیه السلام است و در
کسیار صلوات باید نوشتند بر محمد و آل محمد و در خوشنودی است و
روز عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و روز قبول اعمال است

تجش پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر چه بخت قبول کرد سخن گو
و خوشش آواز کردید و هر که قبول نکرد دلال و بد آواز کردید و مثل
مومنان و قبول کردن ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در روز
عید غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم
علیه السلام و مثل آنها که قبول ولایت انحضرت نکردند و روز غدیر
مثل شیطان است در قبول نکردن سجده آدم علیه السلام و روز
اینست انزل البقره انما جعلت لكم ذینکم و انما جعلت علیکم فی حق فی حق
لکم الاسلام ذینا یعنی امر در کامل گردانیدم برای شما دین شما را تمام
گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس
فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری اگر آنکه وصی و خلیفه خود را درین روز
نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند که ایام اسلام از ایدی است غیر جمعه
و اضحی و نطفه فرمود علی عیدی است که از بهر عرش بیست
راوی گفت که ام عید فرمودان روزی است که نصب کرد
رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علی علیه
السلام را بجلافت خود و فرمود که هر که من مولی و اتقائی اویم علی مولای او
اتاق و پیشوای او است و آن روز جمعه هم دیگر است راوی گفت
چهار در آن باید کرد و بنه بود که باید روزن بر اثر و عبادت کشید

باشد و اگر زن باشد سعادتمند زاده گانی کند و هر که طعام و هر دین و
بومنی را بچلای باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را
و هر که دیدن کند دین و دوزخ بومنی را و اهل کرد و اند خدا و قبر او بجا
نور و قبرش را کشاده کرد و اند زیارت کنند او را در قبر او و هر
بغداد هزار ملک و بشارت دهند او را بهشت و در روز غدیر حقا
عرض کرد ولایت و امامت و محبت با اهل بیت را بر اهل آسمانهای
بغیت گاه پس می که گفتند با قبر زبان اهل آسمان هفتم پس نیت
داد آن را به پیش پندار آن سبقت گرفتند اهل آسمان هفتم
با قرار بان پس نیت داد آن را به بیت المعمور پس نیت گرفتند اهل آسمان
اول پس نیت بخیر استا که آن پس نیت گرفتند اهل آسمان اول پس نیت گرفتند اهل آسمان
که سطر نیت داد آن را به پیش پندار آن سبقت گرفتند اهل آسمان اول پس نیت گرفتند اهل آسمان
صلی الله علیه و آله پس سبقت گرفت بسوی آن شهر کوفه پس نیت
داد آن را به قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض کرد ولایت
مارا بر کوهها پس دل کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروز
و کوه یاقوت و باین سبب این جواهر در آنها هم رسید پس کوههای دیگر
سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و فخر و سایر معدنها گرفتند
و هر یک که اقرار کرد معدن صیغ چیز نکرد و باز در روز غدیر عرض کرد
ولایت مارا بر اینها هر چه قبول کرد و شیرین شد و هر چه قبول نکرد

ظاهر کرد آنچه در این وزیر ایشان نمشمار وزه داشت و این وزیر در روز هفت
در روز عیادت بپیر و ز طعام دادن است و روز یکی کرد دست بابر دادن
مومین و روزیست که خدا از مومنان خوشنود میگردد و پیر شیطان بر
خاکه بایده میشود و بسند معتبر از ابی نصر منقولست که گفت وزی در
خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیاری حاضر
بودند پیش نصیحت و ز غدر مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت
و مود که پیرم از پدرانش وایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهور است
برین پس بدستیکه خدا را در فردوس و پس علی قهریست که یک خشت
از آفرینش است و گشتی که از نفوس و بدین قصه و تراقی است از باقی
بهرج و صد هزار خیمه است از باقی است و خاکین شک و غیره است و
در آن چهار هزار است خیری از شراب و نهی از است و نهی از شراب و نهی
مذکور است و در آن درختان است از انواع میوه و در آن درختان مرغان
و چرخش آن بختند بدنه های آنها از میوه و در آن است و پاهای آنها از باقی است
و انواع نغمه افغانند که می کنند و چون در و عهد میشود و در آن قبر حاضر
می باشد و جمیع الی اینها و شیخ و تقدیس حق تعالی می کنند و آن پیران
می کنند در میان آب فرو میرود و بران مشک و عنبر می غلطند و چون
ملایم جمع شدند پیر و از می کنند و مشک و عنبر بر سر ایشان می افشانند
و درین روز تا حضرت فاطمه صلوٰت الله علیها را که در شب فاطمه است

محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با کوشید و ایشان صلوات
برستید و وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین
علیه السلام را که بن روز عید که روز نهم چیمبی و می خود را
بهیت بنما و این روز را عید نبرد و اند و بر وایت و بکر
نست بوده که روزی روز عید یکسان شصت سال گناه است
و بر وایت و بکر منقول است که مفضل از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که امر میکنی مرا که روز عید را روز دهم یا روز نهم
آری و الله آری و الله آری و الله آری بدستی که دین روز
خدا و حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد و بشکران این روز را
روز داشت و درین روز حضرت ابراهیم را از آتش نجات
داد و بشکران این روز را داشت و درین روز حضرت موسی
هرون را و می خود کرد و این روز را بشکران این نعت
روز و هشت و درین روز حضرت یحیی علیه السلام
وصیت و می خود شمعون الصفا را ظاهر کرد و این
دین روز را بشکر حق سبحانه تعالی روز و هشت و
درین روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم صحر
امیر المؤمنین علی علیه السلام و سلام را علیه و بشان
خود کرد و این فضیلت و رعایت او را بر خلق ظاهر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَوَسِّمِهِمْ
 يَا خدایا در دوستی بر آن خدو در امانت بستم خود و در بر
 و جنتیه و خلیفه و موضع بر آن و جنتیه و خلیفه
 در دوستی او و دوست او و در آن روز و در آن روز و در آن روز
 و وصیه و طه و خلیفه و وصیه و طه و خلیفه و وصیه و طه
 و وصی او و در آن روز و در آن روز و در آن روز
 و اشراف علی الدین امیران و اشراف علی الدین و اشراف علی الدین
 و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
 حکیمه و الشاطی و حکیمه و الشاطی و حکیمه و الشاطی و حکیمه و الشاطی
 حکیمت او و حکیمت او و حکیمت او و حکیمت او و حکیمت او و حکیمت او
 و الشاطی علی حکیمه و الشاطی علی حکیمه و الشاطی علی حکیمه و الشاطی علی حکیمه
 و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
 الشاطی و امیران و الشاطی و امیران و الشاطی و امیران و الشاطی و امیران
 و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
 افضل ما صلیت علی احد من خلقک واصفیک
 و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز
 و اوصیاء انبیاءک اللهم انی اشهد انه
 و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز و در آن روز

سده التمتی درخت طوبی تار کردند برای یکدیگر بدهی می فرستند
و چون اخرا این روز میشودند از جانب رب اعلی بایشان می رسد
که هرکس دید بسوی درجه و مرتبه های خود پس تحقیق که این کردید
از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز از سال آیند نرای گرفت
محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود که ای پسر ابی طهر
سر جاکه باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المومنین علیه السلام
حاضر شوی بدستی که خدا بدین روزی آمرزد از هر مرد مومن و
بدن مومن گناه شصت ساله ایشان را بدین روز را زاد می کند
از آتش جهنم و برابر آنچه از او کرده است و در ماه رمضان و شب
قدر و شب نظر و یکدیگر هم که درین روز بپزد و آن مومن چنین
برابر است با هزار کار هم که در اوقات دیگر بدی و احسان کن
در این روز و نیزه و آن مومن خود و شکمزدان هر مرد مومن و زن
مومن را التجه نشو کند که اگر مردم فضیلت این روز را بداند چه کار
باید بر آنست بر روز و در مرتبه ملائکه با ایشان مصافق کنند و زیارت
امیر المومنین علیه السلام درین روز فضیلت بسیار دارد و در
نزدیک و دور و موافق روایت صفوان و غیره او اگر از د
زیارت کند و رکعت نماز زیارت بجا آورد و در رکعت
اول سوره الفاتحه را از کتاب خود بخواند و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخواند پس بعد از آن

فَقَبَضْتَهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا وَلَنَا تَقْبِيلًا رَضِيًّا

پس شیدی او را بسوی خود در عالم شهادت نهادی و ما را دستگیری و بوسه ای خوشایند

رَبِّ كَيْتَاهُمَا يَا مَهْدِيًّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

پاک رهبرانه راه یافته خداوند را در روز رستگاری

وَعَلَى آلِهِ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ

و آل او بهترین آنچه در روز سرشمارای بر کسی پیشتر

وَأَضْرِفْنَا نِيكَ يَا مَرْتَبًا لِلْعَالَمِينَ وَارْشَادًا رُكْنًا لِلْمُسْلِمِينَ

و در بر رویگان خود ای پروردگار عالمیان و راهنمایی برای ستونهای دین

يَا قَبِيضَ شَيْءٍ نَحْنُ وَابْنِ رِثَةٍ تَرْتَمِزُ بَيْنَهُمَا السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای جمع کننده چیزی که ما و پسر رختی را در میان خود میبندد سلام بر تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لَنَا يَا رُكْنًا لِلْمُسْلِمِينَ

ای امیر مومنان و رحمتی برای ما ای ستونی برای مومنان

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهُ فِي رَيْدَةٍ وَخَنَةٍ عَلِيمٌ

بر تو ای امانت دار خداوند در پند و خفا دانای

رَوَّاشَهُدٌ لَقَدْ جَاهَدْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي اللَّهِ

کوشاییدم که برانداختن بجایه کردی ای امیر مومنان در راه خدا

حَقَّ جِهَادٌ وَعَمِلْتُ بِكَيْدِكَ وَأَنْبَغْتُ سُنَّ

حق مجاهده او را و عمل کردم بر مکر تو و بدستبرد

عَنِ مَجَاهِدَةٍ أَوْرَادًا عَلَى كَرْدِي بَقَرَانِ أَوْ دِرْهَمِي بَرْدِي وَهَجَرَانِ

قد بلغ عن سيديك صلى الله عليه وآله ما عمل
و غرما استخفط و حفظ ما استوعب و حكم
خلا لك و حرمتك و اقام احكامك و
الاستيلاء و ذلك انما هو عباد الله
و جاهد التاركين عن شريك و القاطنين
و انما قد بلغ عن سيديك ما احسب اني
عليك و لا اله الا الله و لا شريك له
و انما قد بلغ عن سيديك ما احسب اني
عليك و لا اله الا الله و لا شريك له
و انما قد بلغ عن سيديك ما احسب اني
عليك و لا اله الا الله و لا شريك له

فَوْحُهُ لِقَائِكَ مِثْلُ دَرَّةِ النُّقَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ
خوشنوی ملاقات تو خوشه کبرنده پر مهرهای برای روز پاداش تو
مُسْتَنَّةٌ لِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مَقَارِقَةُ لِأَخْلَاقِ
راه کبرنده بر راه های دوستان تو و جدا شونده رفوهای
أَعْدَائِكَ مَسْغُولَةٌ عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ
دشمنان تو اعراض کننده از دنیا بحمد تو و ثناهای تو
اللَّهُمَّ ارْقُلُوبِ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَامَةَ وَ
بار خدا یا پدر ستمگر دلهای دوستی پسندگان بسوی تو شید هست
سَبِيلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةً وَأَعْلَامًا
راههای راغبان بسوی تو کشاوه است و راهنمای
الْفَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً وَافْتِدَاءَ الْعَارِفِينَ
فصله پسندگان بسوی تو روشن است و دلهای عارفان
مِنْكَ لِمَا رَعَى وَأَصْحَابُ الدِّعَائِ عَيْنَ إِلَيْكَ
از تو رسانست و او از برای خاندانان بسوی تو
صَاعِدَةً وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهَا مَفْتَحَةٌ
بلند شونده است و درهای قبول دعا برای ایشان کشاوه است
وَدَعْوَةٌ مِنْ تِلْكَ الْمُسْتَجَابَةِ وَتَوَلَّى مَرَأَتُكَ
و دعاهای سیکه مناجات کند ترا مستجاب است تو بر سیکه بازگشت کند

نَبِيَّةٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى
 جَوَارِيهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِأَخْيَارِ لَتِ كَبَرِيَّةٍ
 وَالرَّمَا عَدَّكَ الْحِجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِنَّا لَمَعَ لَكَ
 مِنَ الْحَجِّ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُ هُوَ
 مُحْكِمٌ وَاللَّهُ وَاجِبٌ نَفْسِي مُطِئَةً بِقُدْرِكَ رَاضِيَةً
 بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُحِبَّةً
 لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ حُكْمَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ
 صَابِرَةً عِنْدَ زَوَلِّ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَائِدِكَ
 تَعْمَانِكَ ذَاكِرَةً لِكِسْوَانِكَ الْأَلَامِ مَشْتَاكِرَةً
 فِي نَفْسِي خُودِيَا وَتَوَنُّدِي بِأَشْيَاءِ كَامِلِ خُودِ آتِزُونَدِي

سَطْعِمْ سَعْدَةً وَصَبَّاهِلَ الظُّبَاءِ لَدَيْكَ
 اعمام طلبان امانه است و جای ای ایخوش ششکان نزد تو
 مِثْرَعَةُ اللَّهِ قَدْ اسْتَجِيبَ دُعَاؤُكُمْ اَقْبِلْ نِيَّاتِي
 است بار خدا ایاس پند پر دعای مرا قبول کن نیای
 وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ اَوْلِيَائِي وَاصْبِرْ لِحُجَّتِي مُحَمَّدٌ
 و جمع کن میان من و میان یاران من و دوستان من و حجت من محمد
 زَيْنٍ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَالاَئِمَّةَ
 زین و فاطمه و حسن و حسین و امامان
 فِي رِيَّةِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ
 در ریة حسین درود خدا و رحمت او بر ایشان
 اَتَمُّ اَتَاكَ لِي نِعْمَةً وَمُنْتَهَى مَعْنَى رَعَايَةٍ
 که اتم آنست که بر من نیکو برساند انتهای معنی رزق و معنی و نهایت
 رَجَاءُ الْمُسْلِمِ فِي هَذِهِ لَكَ وَلَهُ وَمَنْوَالِي
 امید مسلمان در اینست که تو و برای او و برای اقوامش من
 و اگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و در حین آن دعا
 بخواند تا بدو بهتر باشد و شب و بر شب بسیار مبارک است و در
 شب نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورد و بتاریخی
 دیرین مشهور و آمده است چون سندش معتبر بود ایاد نمودم

إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَيْنٌ مَرِيضَةٌ مِنْ خَوْفِكَ مَرْغُومَةٌ
مُسَوِّمَةٌ بِدِرْقَتِهِ وَاشْكُ كَيْفَ لَمُرِيدٍ اِزْخَفَتْ تَوْبَهُ رَحِمُكَ كَرِهَ شِدَّةَ
وَالْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَغْنَى عَنْكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةَ
وَفَرَادَى اِزْ بَرَاكِي سَيِّدِكَ اسْتَغْنَى عَنْكَ وَجْهٌ اسْتَغْنَى عَنْ
لِمَنْ اسْتَغْنَى عَنْكَ مَبْدُوءَةٌ وَعِدَّةٌ اِتِّكَ لِعِبَادِكَ
كَيْسِي رَاكِبِي جَوْدِ اِزْ تَوْبَةٍ كَرِهَ شِدَّةَ اَوْ وَعْدًا يَتَوَعَّدُ مَرْغُومًا اِزْ
مَنْجَنَّةً وَنَزَلَاتٍ مِنْ اسْتِغْنَاكَ مَقَالَةٌ وَاَعْمَالُ
وَقَاكِرُهُ اسْتَغْنَى عَنْكَ سَيِّدِكَ طَلَبْتَ تَحَاوُزًا اِزْ تَوْبَةٍ كَرِهَ شِدَّةَ اَوْ وَعْدًا يَتَوَعَّدُ مَرْغُومًا اِزْ
الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ تَحْفُظُهُ وَاَرْنَ اَفْخَالِ اِزْ
عَمَلُ كُنْزِكَ اِزْ تَوْبَةٍ كَرِهَ شِدَّةَ اَوْ وَعْدًا يَتَوَعَّدُ مَرْغُومًا اِزْ
مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمُرِيدِ اِلَيْهِمْ وَاَصْلُهُ
اِزْ تَوْبَةٍ كَرِهَ شِدَّةَ اَوْ وَعْدًا يَتَوَعَّدُ مَرْغُومًا اِزْ
وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْنَى عَنْكَ مَغْفُورَةٌ وَخَوَائِجُ
وَكُنَائِمْ مَغْفُورَةٌ اِزْ تَوْبَةٍ كَرِهَ شِدَّةَ اَوْ وَعْدًا يَتَوَعَّدُ مَرْغُومًا اِزْ
خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ وَجَوَائِزُ السَّالِكِينَ
اَقْرَبُكَ اِزْ تَوْبَةٍ كَرِهَ شِدَّةَ اَوْ وَعْدًا يَتَوَعَّدُ مَرْغُومًا اِزْ
عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمُرِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ
اِزْ تَوْبَةٍ كَرِهَ شِدَّةَ اَوْ وَعْدًا يَتَوَعَّدُ مَرْغُومًا اِزْ

نقل است که در روز غدیر در مردود حضرت ام
 رضا علیه السلام در آن روز مخصوصان و نویشان
 و اصحاب خود را جمع فرمود و فرمود که در شب
 اظهار کند و بنجانهای ایشان طعام در راه و نعمتها فرستاد
 حتی آنکشته و اغشش نیز فرستاد و بایشان خلتهای تازه و شفقت دهنه
 و ملازمان و خدمتکاران خود را جاهای نوب بسیار بغیر پوشانید
 بود و صفیات این روز را برای ایشان بقل میفرمود از جمله آنکه گفت
 که بعد از این رسالهایی خلافت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روز جمعه
 روز غدیر در یک روز جمع شد پس بعد از آن ساعت که او روز
 داشت بر منبر بالا رفت و خطبه طوال خواند و این خطبه بسیار
 بیان نمود و نامهای بسیار از برای این روز آورد و فرمود که بعد
 از تقضای این مجمع بر گردید بنجانهای خود و بعد از آن بر عیال خود
 احسان و بخشش فرمود و برادران و خواهرهای خود را
 و من را جمع کنید و بگویید که این روز است و یکدیگر را تنفیث
 را آباد بگردید و سبکی و احسان کردن درین روز مال و عمار
 و گوشت و مهربانی با یکدیگر کردن موجب مرید رحمت الهی است
 و ما تو را به بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران و خویش
 و انعام شادمانی خوشحال کنید و هر که امید احسان از شما

و اما فضیلت روز دوشنبه و تصدیق کتب و تفسیر و روز دوشنبه
نمودن دین و روز دین بوی آب حیات بسیار است زیرا آنجا
این روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روز دوشنبه
مید خدیو برابری است با روز دوشنبه و دیگر کسی نیست و نام عسکری
عمر بیا بد و روز دوشنبه با روز دوشنبه این روایت است با جواب و در
روز دوشنبه اش برابری است با روز دوشنبه با صد حج و صد عمره و این عسکری
خدا است و خداوند است و آنست که یغیرن و اگر آنکس روز دوشنبه
کرده است و عزت و توانسته است و توانسته است و توانسته است و توانسته است
مستود است و توانسته است و درین روز دوشنبه با روز دوشنبه با روز دوشنبه
و دیگر که درین روز دوشنبه را افطار نماید ثواب کسی دارد که در قیام ایستد
و هر که در روز دوشنبه نماز کند و ثواب کسی را دارد که در نماز ایستد
و آب و مسد باین عدد که مذکور شد از پیغمبران و اوصیای ایشان
و شخصیان و صالحان و سال تقوا و یک درجه و یک درجه و یک درجه و یک درجه
کنند برابر است با روز دوشنبه که در روز دوشنبه و دیگر تصدیق
کنند پس فرمود که شاید که گمان کنی که مستند روزی خلق کرده است
که هر شش ازین روز پیشتر باشد و در روز دوشنبه و در روز دوشنبه
که روز دوشنبه را بر است با شصت ماه از ماههای حرام که روز دوشنبه
و مستند بود که روز عید و سرور و بختی است و بسند معتبر از ائمه است

اینست که از خصایص او علیه السلام است که در آنکه هر که درین روز
 پنجاه مرتبه پیش از زوال شمس و در آن روز و در هر یک از
 صد مرتبه و قل هو الله احد و اما از آنکه در آن روز هر کسی که در آن روز
 ده مرتبه بخواند بر او برآید نزد حق تعالی به صد هزار حج و صد هزار عبادت
 و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند گریه سوال کند
 البته یساری و عافیت برآورده شود چون بر او یوم من الملاقات کنی بگو
 الحمد لله الذی امر منّا بهذا السوء به
 سپاس خدای که اگر اکرام کرده ما را باین روز
 وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ الْإِلَهَ الْوَحِيدَ
 و گردانیده ما را از وفات کنندگان بعد بیکدیگر
 وَصَيَّا قَوْمَهُ الَّذِينَ وَافَقُوا بِهَذَا الْيَوْمِ الْوَحِيدِ
 و پادشاهی که محکم کرده است ما را باین روز و اینان امر او
 وَالتَّوَلَّاهُ بِقِسْطِهِ لِكُلِّ مَحْمُودٍ
 و قیامت بعد از او و گردانیده ما را از مصلیان و مکرر کنندگان بر روز جزا
 یعنی سراسر دنیا را از آنست که ما را اگر ایمی داشت باین روز و گردانیده ما را
 از ایام او و گردانیده ما را از وفات کنندگان بعد خود که

دارد و حق او تصبیر کشید و صغفان و فخران و ملایم و سباز
 خود را بخورد و بر کشید و رشت که دهن بکشد هم ازین
 باد و است هزار درسم و حق تعالی ندید و بی عطای بابا و روزی او
 من سال است که داند و تو بر ما تداوی کنی و از کلاه زایل شتابا آخر و شام است
 که کشد تا بگذرد روز و روز و در دو ششها عبادت بایستد و سبیل
 حاجت برادر مومن را شش از آنکه او اخبار کند و از وی است
 و خوشتر با او می کند چنان باشد که این روز را روز و روز
 باشد و تمام شش اعمادت کرده باشد و هر که در شش مومن
 بظهار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را اظهار
 فرموده باشد پس چنانچه باشد ثواب کسی که مشکل احوال چندین نفر
 از مردان مومن و زنان مومن بشود و هرگاه چنین کنند من چنان
 بچند امان بیاورد از فرشتن و فقیر شدن و اگر میرد و در آن
 با دران روز بعد از آن عید عید بر آید و از چوین که گویا
 بدی بکند البته آمد بدین است و هر که قرصی بکشد درین روز برای زود
 مومن خود من شامم نزدیک او را زنده بدارد و با میراندان قزاق
 انداخته شود و از دست او بردارد و چون با بکشد که ملاقات کند
 مصافح کند یک و یک بر این نیست بگویند و آنچه گفتیم حاضر نمایان
 بگویند و نوکران رعایت کنند فقیران را و افوا و مستغیری

سَوَاءٌ لَّكَ الْكَافِرُ أَمْ لَا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلَقَ كَبِيرًا
سواي ترا پس اگر میگوید از آنچه بگویند هیچکدام برتری بر تو
و شاهد آن محمد است و رسول است و آنها
و گویای میدهم بر اینکه محمد بنده تو و پیوسته است و گویای میدهم
أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَكَوَلًا تَبَا سَعْنَا
بر اینکه امیر المؤمنین هست بنده تو و سرور است بر تو و گویای میدهم
و أَجَبْنَا وَصَدَّقْنَا الْمُنَادِي رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ
و قبول کردیم و تصدیق کردیم اندا کننده یعنی پیغمبر ترا در روز قیامت
عَلَيْهِ وَاللَّهُ أَذْنًا دِي سِنْدًا غَعْلًا تَبَا سَعْنَا
بر او و بر او آواز میزند که گوی بنده ای از جانب تو بل ای پیغمبر
أَمْرَتُهُ أَنْ يُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَتْ إِلَيْهِ مِنْ وَلايَةٍ
امر کرده بود او را که تبلیغ کند آنچه فرستادی نسوی او از مولی بودن
وَأَمْرًا وَحَدَّثَهُ وَنَذَرَتْهُ الرُّسُلُ يُبَلِّغُ مَا أَمْرَتُهُ
و امر تو و حذر فرمودی و او را خبر میدی و از اینکه تبلیغ کند آنچه امر کردی و او را
بِهِ أَنْ لَسَخَطَ عَلَيْهِ وَلَمَّا بَلَغَ رَسَالَتَكَ عَصَمْتَ
بان اینکه غضب کنی بر او و هرگاه ببلغ کرد رسالتی ترا انچه بدی
مِنَ النَّاسِ قِنَادِي مُبَلِّغًا عَنْكَ إِلَّا مَنْ
از مردم پس اندا کرد در حالیکه رساننده بود از تو آگاه باشید که هر که

عبد گرفته است بر او چنانی که حکم گردانیده است بر او که ولایت ایمان
 امر است است و آنرا که حکم می کنند بعد الت در میان حق و
 نکر و انید ما را از آنجا که کینه کان و کینه کان بر و زو را
 و فرمود که بعد از این عبادت

رَبَّنَا إِنَّا أَمَّا صُنَّا مَا بَدَا لَنَا مِنْكَ رَحْمَةً أَوْ كَرَاهًا
 ای پروردگار ما را چه شد که از تو بگریزیم که ما را از تو بگریزیم
 فَاثْنَا بِرَبِّنَا فَاعْفُ رُبَّنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا
 پس ای پروردگار ما را از تو بگریزیم که ما را از تو بگریزیم
 مَعَ الْآبِرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْلُفْ
 با ما ای پروردگار ما را از تو بگریزیم که ما را از تو بگریزیم
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ إِنِّي
 در روز قیامت بدرستی که تو غفلت نمی کنی و در روز قیامت بدرستی که تو غفلت نمی کنی
 أَشْهَدُكَ كُفْرًا بِرَبِّكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُكَ مَلَأْتَ
 گواه می گیرم ترا از کفر با پروردگار و گواه می گیرم ترا از آنکه
 وَأَنْبِئَكَ بِمَلَأَ عَرْشَكَ وَسُكَّانَ عِلِّيِّكَ وَأَصْبَحَ
 و پیغمبران ترا و بر دارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای ترا و زمین ای ترا
 يَا نَكُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلَا تَعْبُدْ
 ای پروردگار تو خدای نیست خدای مگر تو که عبادت گردانند پس پرستش نکنم

وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَاشْهَدُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
وَمَنْزُورٌ أَنْتَ خَدَّاءُ بَرِّ شَرِكِيكَ سَلَامٌ وَرَأْسِي سَيِّدِي كَرَامَتِ الْأَكْبَرِ
الْهَادِي الرَّشِيدُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ النَّبِيُّ دُرَّةُ
بِهَامِي رَأْوِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ قُلْتَ
دَلِيلَاتِ خُودِ مَوْقُولِ قَوْلِهِتِ وَبِسْمِكَ تَوْكِدَتِ
وَأَنَّهُ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ كَدُنَا لَعَلَّ حَكِيمٌ
وَبِسْمِكَ أَوْ رَأْوِي مَعْقُولِ نَزْدَا بِرَأْسِ عَمْدِ رَتَبِ حَامِلِ عِلْمِ
اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ بِأَنَّكَ عَبْدُكَ وَالْهَادِي
بَارِعِدَا بِسْمِ اللَّهِ شَهَادَتِ سَيِّدِي بِسْمِ اللَّهِ عَمْدِ رَتَبِ حَامِلِ عِلْمِ
تَعْدِيَّتِكَ التَّنْذِيرُ الْمُنْدِلُ وَخَيْرُ الْأَلْسِنَةِ
بَعْدَ بَيِّنَتِ تَرَاثِمِدِهِ وَبَيِّنِ دَهْنِدِهِ وَرَأْوِي رَأْسِ شَهَادَتِ
وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَائِدُ الْعَرِ الْمُحَلِّينِ وَجَنَاتِ الْبَالِغَةِ
وَأَمِيرُ مَوْسَمَانِ وَرَشْدِ مَشِيعَانِ سَيِّدِي بِسْمِ اللَّهِ عَمْدِ رَتَبِ حَامِلِ عِلْمِ
وَكَيْسَانُكَ الْمُعْتَرِ عَنْكَ فُخْلِقُكَ وَأَنَّهُ الْقَائِمُ
وَرَبَّانِ تَوَكُّعِ كِنْدَةِ آرَتُو دَرِخْلِقُ تُو وَبِسْمِكَ أَوْسَتِ بَارِدِ
بِالْقِسْطِ فِي بَرِّيَّتِكَ كَيْفَ يَزِيدُ بَيْنَكَ وَخَيْرُ عِلْمِكَ
بَعْدَ دَرِخْلِقُ تُو رَحَاكُمُ دِينَ تُو وَخَيْرُ عِلْمِكَ تُو

كُنْتُ مَوْلَا فَعَلَى مَوْلَا وَمَنْ كُنْتُ وَلِيَّةً فَعَلَى

بستم من مولای او پس علی مولای او است پس بستم من ولی او پس علی

وَلِيَّةً وَمَنْ كُنْتُ نَبِيَّةً فَعَلَى أَمِيرٍ رَبَّنَا قَدْ جَاءَنَا

والموت پس بستم من نبی او پس علی امیر است و من نبی او پس علی

دَاعِيكَ النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ أَعْبُدْكَ وَرَسُولَكَ

وگویندند ترا که پیغمبر کنده است یعنی محمد را که بنده تو است و رسول است

إِلَى الْخَادِي الْمُهْدِي عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْهِ

به خدای تو راه یافته بنده تو است آنجنان بنده که انعام کردی بر او

وَجَعَلْتَهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى أَهْلِ الْمُؤْمِنِينَ

و گردانیدی او را مثل برای بنی اسرائیل یعنی امیر مؤمنان

وَمَوْلَا هُمْ وَلَهُمْ رَبَّنَا آمَنَّا وَاشْتَعْنَا مَوْلَانَا

و مولای ایشان و مولای ایشان گوییم و کارایان گوییم و پیروی کردیم مولای خود

وَلَبَّيْنَا وَهَذَا بَيْنَا وَدَاعِيَنَا وَدَاعِي الْأَنَامِ

و مولای خود را در میان خود و دعوای خود را و دعوای خود را و دعوای خود را

وَصِرْ لَكَ لِلشَّقِيمِ وَجْهٌ كَالْبَيْضَاءِ وَكَ

و راه را بهت ترا و جهت رو سفید ترا و جهت رو سفید ترا

سَبِيلَكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ عَلَى بَصِيرَةٍ هُوَ مَوْلَا تَبِعَهُ

راه ترا که دعوت کننده است بمنتهی بر بصیرتی او و هر که پیروی او نمود

لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَاتَّخَذُوا لَهُمْ دِينًا
 برای شما اسلام را دین پس برتر است پیش پستی و بدی و گزند
 يَمْتَنِكُ عَلَيْكُمُ الْبَيْتَ الَّذِي جَدَّكُمْ لَكُمْ مِنْ عَهْدِكُمْ
 منت خود بر ما ای کعبه که از جد شما برای از عهد خود
 وَمِيثَاقِكُمْ وَكَرَّمْنَا ذَٰلِكَ وَجَعَلْنَا مِنْ أَهْلِ
 و بزرگان خود و بپاداشی ما را انبیا و پیامبران را اندی ما را از اهل
 الْأَخْلَاصِ وَالْمُصْطَفَى مِيثَاقًا مِمَّا أَهْلُ
 اخلاص و برگزیدگان و چو بزرگان خود و از اهل
 الْوَفَا عِندَ اللَّهِ وَلَمْ نَجْعَلْ مِنْ أَتْبَاعِ الْمُغِيثِ
 وفا بان بمان و نگردانیدی ما را از امانت بمان تنبیه بندگان
 وَالْمُبْدِلِينَ وَالْمُخْضِبِينَ وَالْمُسْتَكِينِ إِذَا الْأَنْفُسُ
 و بدل کنندگان و شغف بندگان و بندگان گمشدگان و جوار بمان
 وَالْمَغِيرِينَ خَلَقَ اللَّهُ وَمِنْ الَّذِينَ اسْتَحْوَا عَلَيْهِمْ
 و تغییر دهندگان خلق خدا و از انجماعت که غالب شد بر آنها
 الشَّيْطَانُ فَانْتَسَبُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَصَدَّ هُمُ عَنِ
 شیطان بر من فراموشی انداخته اند و باز داشت آنها را از
 السَّبِيلِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ اللَّهُمَّ الْعَن
 راه حق و طریق راست بار خدا یا لعنتی

وَأَمِينُكَ الْمَأْمُونُ الْأَخِي مُبِينًا قَدْ وَفَّقْنَا رُسُلَكَ

این تو که اعتماد کرده است که بشود پیمان او و پیمان رسول تو

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَرَبِّكَ

بر هر دو سلام باد از همه خلق تو و از پروردگار تو

شَهِيدًا إِلَى الْأَخْلَاصِ وَالْوَحْدَانِيَّةِ وَالْوَحْدَانِيَّةِ

که این دو جنبه با خالص برای تو و یگانگی و پروردگاری

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

باینکه تو خدا هستی نیست سیم چون که تو و اینکه محمد بنده تو

وَرُسُولُكَ وَأَنْ عَلَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلْتَهُ

و پیغمبرت و اینکه امیر مؤمنانست گردانیدی او را

وَلِيَّكَ وَالْأَوَّلَى لَيْتَهُ تَعْلَمُ وَأَخَذَ بِنَتِكَ

ولی خود و گردانیدی او را ولایت او را تمامی تو حید خود

كَمَالٍ دِينِكَ وَمَا لِي بِخَيْرِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ

کمال دین خود و تمام نعمت خود بر تمام خلق خود

وَبِرَبِّكَ فَقُلْتُ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الْيَقِينُ أَكْمَلْتُ

و از پروردگای خود پس گفتی و گفته تو راست است که امر و کار کامل کرده ام

لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ

برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و پسندیدم

النذير المنذر بالناو كنهم وعادينا عداؤهم وبرايت
 بيم دهنده تر باشد دوست داشته و دشمن دشمن بشمار او بزار شد
 من الجاحدين والمكذبين الذين لا هم في كتاب كان
 از احكام كنندگان و كاذبين كندگان بر روز جزا بار خدا پسر خاينيت
 ذللك من شانك يا صاها والوعدا لا من لا يخلف الميعاد
 اين نماز شان تو اي راست وعده اي كي خلف وعده نباشد
 يا من هو كل يوم في شان اذا تمت عليك نعمتك
 اي سكه او بر روز در كاست قوتك تمام كړي بر ما نعمت خود
 يوم لا اوليا لك الا الله اوليا لهم عداوتك
 بدوستي وستان خود را كه بخواهد عداوت خود را
 قلت ثم ليس شانك يومئذ من العباد وعلقت بك
 تو گفتي كه چيست شان سوال كرده چنين چنان تو را
 الحق وقفون هم اهل مستحقون و معنت عليك
 حق است كه ايستاد كنند اينها را كه شايان است معنت و ادبي بر ما
 بشهادة الاخلاص وولاية اولياك
 بگواهي اخلاص و بدوستي دوستان خود را كه با خدا
 بعد النذير المنذر السراج المنير فاكملت كتابي
 بعد از نذير بيم نماينده تر باشد كه چراغ روشن كاري كتابي را

الْحَاجِدِينَ وَالْمُتَكَبِّرِينَ وَالْمُعْتَبِرِينَ وَالْمُبْتَلِينَ

سزاواران و محترمندان را و متغیر و متبدلان را و آزمودنیان را و امتحان شدگان را

الْمُكْدِبِينَ يَوْمَ الَّذِينَ مِنْكُمْ الَّذِينَ الْأَخْيَرُ مِنَ الْأَخْيَرِ

و کذب کننده ها را در روزی که از شما در میان شما و بسیاران را در میان

فَلَكَ أَكْمَدُ عَلَى الْغَامِ عَلَيْكَ نَا بِالْهَدَى النَّبِيِّ

پس تراست ستایش بر نعمت دادن تو بر ما به هدایت نبی

هَدَى نَبِيَّاهُ إِلَى الْوَلَاةِ أَمْرًا مَزِيدًا بِكَ نَبِيَّاهُ

را بهمانی که فرمان را بان بسوی میان کار تو بعد از پیغمبر تو درود و

اللَّهُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ الْأَكْمَنَةُ الْهَدَاةِ الرَّاسِخِينَ

خدا بر او و اله او که امان راه نایان را هدایت

وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَمَنَارُ الْقُلُوبِ وَالتَّقَى وَالْعَمَلُ

و نشانهای هدایت و روشن شدن دلها و پرهیزکاری و دوست داشتن

الْوَفَى كَمَالُ دِينِكَ وَمَنَامُ نِعْمَتِكَ وَمَنَامُ

تو کمال دین تو و تمام نعمت تو و تمام

وَمَنْ لَا يَهْمُ رَضِيَتْ لَنَا الْإِسْلَامُ دِينًا شَرَفًا

و بدوستی ایشان پسندیدی برای اسلام را دین و شرف

أَحْمَدُ مَنَا وَصَدَّقْنَا بِمَنَّا عَلَيْكَ نَا بِالْأَسْوَ

پس ما را و تصدیق نمودم بر ما بر تو به بدوستی

وَصِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمَ وَالنَّبَا الْعَظِيمَ الَّذِي

در راه خود که راست است و خبر بزرگ که
هم فيه محتفلون و عنه يستولون الله اعلم
ایشان در آن اختلاف دارند و از آن سوال کرده میشوند بار خداوند
كان من شانك ان اعمت علينا الهة الاصمعيهم
تو در ایشان تو ای که احسان کردی بر ما - چراغی بسوی ما
فليس من شانك ان تضل عن حبل ال محمد
پس تو ای که در ایشان تو ای که در دوزخ نشستی
لما در توفیق کنی و در از تو بپایان
و من شانك ان اعمت علينا الهة الاصمعيهم
و میان خود و کای که در ایشان بار او که در ایشان
و جعلت من شانك ان اعمت علينا الهة الاصمعيهم
و کرد الهی بار الهی خود را بر این احاطت خود
من شانك ان اعمت علينا الهة الاصمعيهم
ای در ایشان خود را در ایشان در ایشان خود را در ایشان
فان شانك يا ارميتم في موقد النيران
پس شانك یا ارمیتم در موقد آتش

وَأَشْمَعْتُ عَلَيْكَ النِّعْمَةَ وَحَدَّثْتُ لَكَ عَمَلَكَ وَخَلْقَكَ
وتمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی برای امانت خود را و دادی برای
مِثْلَ فَاتِكَ الْمُنَاحِي مِمَّا فِي أَيْدِيكَ خَلْقِكَ إِنَّا نَا
بیان خود را که گرفته شده بود در ابتدای آفریدن تو ما را
وَجَعَلْتَ نَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَلَمْ تَكُنْ نَا ذِكْرَكَ
وکردانیدی ما را از اهل قبول بیان و فراموشی غرضت را که از تو
فَاتِكَ قُلْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ
بیست و یک نفری که گزین وقتی را که گرفت بود و کار تو از فرزندان آید
ذُرِّيَّتِهِمْ وَأَشْهَدُهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ السَّبْتَ بِرَبِّكَ فَالْحَمْدُ
درست آید را و گواه کردانیدم آنها را بر نفسهای خود بیان بیست و یک نفری که گزین
شَهِدْنَا بِمَنِّكَ وَلَطْفِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
گواه شدیم از نعمت تو و لطفت تو پس بر شکی تو توئی خدا کی که نیست و حق تعالی
أَنْتَ رَبُّنَا وَحَمْدُ عَبْدِكَ وَرِسْوَالِكَ وَنَبِيِّنَا وَكَرِيمِكَ
تو پروردگار ما و حمد پند تو و پیغمبر تو است و نبی ما و عزیز
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ اللَّهُ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا وَجَلَمْتَ
پیشوای مومنان بنده تو ایچنان بنده که احسان کردی بمانی و کردانیدی ما را
آيَةُ لِنُبَيِّنَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيَاتُ الْكُتُبِ
علامتی برای ما که خبر خود در دو سه خدا بر او و بال او و کردانیدی او را علامت بنده

وَمُعَاذَاتُ أَهْلِ بَيْتِكَ حَقٌّ قَائِمٌ لَوَلَّتْ عَنْكَ رَأْفَتُكَ
وَمُحْسِنِ دُشْمَانِ خُودِكَ اِيَّاكَ يَمِيْرَانِي اَمَّا تُوْرَازِ مَنَافِعُ وَخُفَرُ وَتُخَفِّضُ
اَمْرِي حَيْثُ لَنَا حَيْثُكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّحِيْمِ وَكَفَرُ
وَلَا يَسْكُرُ وَفِي اِيْمَانِي نَشِئْتُ فِي دَرْ اِيْرَبِ مَسْخُودِي بِرَبِّكَ بِرَبِّكَ بِرَبِّكَ
مِنْ جَوَارِيكَ وَفِي الْمَقْلَمَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَسْتَنَابُهَا
اَزْمَانِي خُودِ دَرْ حَايِ بُودَن اَرْفَعُ خُودِ سَرِ كُنْدِ دَرْ
نُصَبُ لَا يَسْتَنَابُ فِيهَا الْغُوبُ رَبَّنَا اَعِزَّنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ
بَيْنَ رَسْمِ نَكِيْنَا اِيْدَا اِنْمَا لَقَوِيْ اِيْ دَرْ كَلَامِ يَسْمُوْرَا اَلْكَافِرِ اَوْدِيْن
عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتُوفِنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَانْتَبِهْ اَوْعِدْ
اَزْمَانِ بِرَبِّهَايِ يَا وَهِيْرَانِ دَرْ اَبَانِيْ كُنْ اِيْ بِرَبِّكَ اَوْدِ دَرْ اِيْ
عَلَى رَسِيْلِكَ لَا تَحْزَنْ اَيُّوْمَ الْقِيَمَةِ اِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِعَادَ
بِرَبِّكَ اَبَانِ خَيْرِيْنِ اَنْ خُودِ دَرْ سَوَا كُنْ اَمَّا دَرْ رُزْقِيْنِ بِرَبِّكَ تُوْرَافَ مَسْكُوْمِ
اَللّٰهُمَّ احْشُرْنَا مَعَ الْاَوْلِيَاءِ اَلْحَمْدُ لَكَ اَيُّوْمَ
بَارِئِ اِيْمَانِيْنِ اَبَانِ رَاوْ غَايَانِ اَبَانِ
يَسْتَرْهُمْ وَعَلَامَتِيْمِ شَاهِدِيْمِ وَعَاثِيْمِ اَلْمُهْمَرِ
بِهِنَانِ اِيْمَانِيْنِ وَتَسْتَبِيْنِ وَتَسْتَبِيْنِ وَتَسْتَبِيْنِ
اَسْأَلُكَ مَا خِيْلَكَ جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ
سُوْرَةُ اِيْمَانِيْمِ اَزْمَانِ كَرْدَانِيْدِيْ اَتَقِيْ اَرْوَسِيْنِ جَعَلْتَهُ اَبَانِ

[illegible]

إِخْلَاصُكَ وَأَهْلُ دِينِكَ وَأَهْلُ دَعْوَتِكَ وَ

پایه های خود و اهل و جای خود و اهل و جای خود

لذلك ومبتدئ خلق فضائلك ومبتدئ

برای این در آغاز از پیشین در فصل اندامی و از درم و پیش

لَمْ أَرِدْتُ الْفَضْلَ فَضْلاً وَاجِباً كَدُورِ الْأَمْرِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

كَلَامُكَ وَرَحْمَةُكَ إِنَّ جَدَّتْ

کے لئے جو کہ ایک تازہ کردی ہو

[illegible]

الحمد لله الذي جعل في الدنيا حياة وجزاء

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلسینا ناسیبا ساهیبا عالی کرمی

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُ ذِي الْحِجَّةِ فَكَانَ حَمَلُهُ نَحْلًا

پان دہویں باب میں

ایک بار ایک شخص نے کہا کہ میں نے ایک بار ایک شخص کو دیکھا تھا جو کہ ایک بار ایک شخص کو دیکھا تھا

فَلْيَبْكِ مِنْ شَأْنِكَ يَا أُمِّي وَسَيِّدِي وَوَلَدِي

پس در این باب شد این نشان نوای خدا و سرودش

مَوْلَانَا ابْنُ رَاسِلِيْنِيَّةِ

اَمْثَلُكُمْ هُمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَسَافَهُمْ وَغَائِبُهُمْ

ایمان در پنهان ایشان آشکار ایشان اوجاقر ایشان اوجای ایشان

وَحُجَّتُهُمْ وَمَشِيَّتُهُمْ وَخِيَابَهُمْ اَكْثَرُ وَقَادَةُ وَسَادُهُ

وزنده ایشان و مرد ایشان اراضی خدیم ایشان در حالتیکه امانا و پیشوایا و سران

وَحَسْبُهُمْ بِكُنْهٍ وَلِيَّزِ اللّٰهِ ذُوْنُ خَلْقِهِ لَا يَنْبَغُ

و کافیه ایشان در میان ما و میان خدا نه خلق او غیبط کنیم

بِحُجَّتِهِمْ وَلَا يَخْذُ مِنْهُمْ وَلِجَّةٌ وَبِرُّ شَأْنِ اِلٰهِ

بجای ایشان بل و نمی گیرم از غیر ایشان دوست خاص بری شدیم بسوی خدا

مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرِيْمًا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

از هر که بر پا کرد از برای ایشان احکام از جن و آدمی

الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَكَفَرْنَا بِالْحَبِ وَالطَّاهِرِ

پیشینیان و پسینیان و انکار کردیم حبت و طاهر را

وَالْاَوْتَانِ الْاَكْرَبِ وَأَشْيَاعِهِمْ وَابْنَاءِهِمْ

و بست ای چهار کانه را و دوستان ایشانرا او پیر و ان ایشان را

كُلِّ مَنْزِلٍ وَالْاَهْلَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اِلَى

هر که دوستدار نیست از جن و آدمی از ابتدای و در کار

اٰخِرِ اَلْاَمْرِ اَنَا شَهِدُكَ اَنَّا نَدْبُ نَبَا ذَا اَنْفِ

آخر آن بار خدا یا بدوستیکه ما گواه میگیریم ترا باینکه طاعت کنیم با نچه طاعت کردنی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَنْقَضَ سُلْطٰنَ الْاَیْمَانِ وَ اَتٰنَا هُمْ نَوَآلِیْ وَعَدُوْهُمْ عَدُوْا لِلّٰهِ

و شریعیداریم پس بگردان ما را بایشان در دنیا و آخرت بگردان ما را از غیران
لَعَادِیْ فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَاٰخِرَةِ مِمَّنْ یُّقْبَلُ

فَاِنَّا بِذٰلِكَ رَاضُوْنَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

پس بپشتی که ما این خوشینو داریم ای بخشنده ترین بخشندگان

پس باز سجده در دو صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکر آید بگوید پس حضرت

فرمود که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز عید بترود

حضرت رسول صلعم حاضر باشد یا نباشد یا حضرت رسول صلی الله علیه و آله و

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر وی است یا نباشد یا حضرت معتضی است

و درجه او در بهشت با درجه راستگویان و صدیق گشته گان باشد که

تصدیق خدا و حضرت رسول در آن روز از روی اجماع کرده اند مانند سلمان

و ابوذر و مقداد و عمار رضی الله عنهم و مانند کسی باشد که شهید شده باشد حضرت

رسول و حضرت امیر المؤمنین حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند کسی

باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر علیه السلام و در زیر خیمه آنحضرت

بوده باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب

آن حضرت و ایضا شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده

است که سنت است این دعا را در روز عید غدیر بخواند

محمد و آل محمد صلوات الله عليهم وعلیهم وقلنا ما قالوا
وكم یبئنا ما ذا ائوا به ما قالوا به قلنا وما ذا ائوا به
دینا و ما انکر و انکرنا و مر و الو و السنا و منکرنا
غادینا و من لعلنا العنا و من بر و ائنه تیرانا
و من ترجمو علیه و رحننا علیه ما منا و سلکنا
و رحنینا و اتبعنا موالیینا صلوات الله علیهم
اللهم فقم لنا ذلک و لا تسلبنا و لعله
مستقر لنا بینا عینا و لا لعله مستعار
ما احببنا علیه و ائمننا اذ ائمننا علیه

وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ خَيْرُكَ

و کانی کرامت تواند و برکتی ای تو از خلق تواند و خیر از خود

مِنْ خَلْقِكَ الْإِنْفِئَاءِ الْأَقْبِيَاءِ الْجَبَّارِ الْأَكْبَرِ وَالْبَارِئِ

از خلق تواند و برتر کاران و برتر بکاران و پیمان و نیکنان و دور بکار

الْمُسْتَلْبِئِ النَّاسِ مِنْ آثَانِهِ الْحَيُّ مِنْ آبَاهِ هُوَ اللَّهُ

استخوان کننده اند این مردم سر که آید این برار شکا نشد سر که آید از این آفتا و خدا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ آمَنُوا

درود بفرست بر محمد و آل محمد که اهل ذکر اند آنکه امر کردی

بِمَسْئَلَتِهِمْ وَذِكْرِ الْقُرْآنِ الَّذِينَ آمَنُوا بِمَوْعِدِهِمْ وَوَعْدَتِهِ

بسوال ایشان و از یاد کردن قرآن و آنکه امر فرمودی بپایان و وعده کردی

حَقَّهُمْ وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادًا مِنْ أَفْضَلِنَا لَهُمْ

حق ایشان را و گردانیدی بهشت را جای ایش که پیروی کرد و شایان را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَ بِطَاعَتِكَ

بار خدا یا درود بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه امر کردی این اطاعت تو

وَلَهُوَ أَعَزُّ مَعْصِيَتِكَ وَلَوْ أَعْبَادُكَ عَلَى وَجْهِكَ

و تو منع کردند از گناه تو و راه نمودند بند های ترا به عبادت تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ

بار خدا یا بدین شکستن سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بار خدا یا پدر سید عالم بیکم از حق محمد و آل محمد و علی و ابی طالب

وَالْإِنْسَانَ وَالْقَدْرَ الَّذِي خَصَّصْتَهُمَا بِهِ دُونَ

وهم نشان و سندی که مخصوص کرده اند آن دو را بر غیر

خَلَقْتَ أَنْ تَصِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَأَنْ تَبْدَأَ لِي

خلق خود ای که در دوستی محمد و علی و علی بن ابی طالب

فِي كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در هر چیزی که زودتر باشد خداوند درود بفرست بر محمد و آل محمد

الْأَيُّمَ الْقَادَةَ وَالذُّعَاةَ الشَّادَةَ وَالْجُمُعَاتِ

که ایامان و پیشوایانند و خداوندگان محترم و سروران و ستارگان روزگار

وَالْأَعْلَامَ الْبَاهِرَةَ وَسَائِةَ الْعِبَادِ وَأَزْكَارَ الْبِلَادِ

و شایانای درخشند و امرورنی کننده بندگان و ستونهای شهرها

وَالشَّاقَّةَ الْمُسْلِمَةَ وَالسَّفِينَةَ النَّاجِيَةَ الْجَارِيَةَ

و ناله فرستاده شدن و کشتی غرق ناشدن و کشتی نجات دهنده جاری

وَالْحَيَّةَ الْغَامِرَةَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

در آبهای عظیم بسیار عمیق بار خدا یا پدر و مهرت بر محمد و آل محمد

خَوَانِ عَلَيْكَ وَأَزْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَكَأَعْمَ عَيْنِكَ

که خواننده داران علم تواند و ستونهای توحید تواند و ستونهای آیین تواند

طَلَمَاتِكَ مِنَ النَّارِ وَلَا تُشِيتْ بِحَاسِدِكَ النِّعَمَ
 را که در این خود از آتش و بشتابت بسیار سودهای ^{نفسه را}
 اللَّهُمَّ فَمَا جَعَلْتَهُ عَبْدًا كَبِيرًا وَسَمَّيْتَهُ فِي
 بار خدا یا پس چه کردی از او عیب بزرگ و نامیدی از او در
 السَّمَاءِ يَوْمَ الْغَدِ الْمَعْمُورِ وَلَا أَرْضِيكَ مِ
 آسمان روز عید عید گردیدن و در زمین روز
 الْمُنْتَفِئِ وَالْمُاخِذِ وَالْجَمْعِ الْمَسْئُولِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 جهان گزینش جمع سوال کرده شدن درود بفرست بر محمد
 وَالْمُحَمَّدِ وَأَقْرَبِيهِ عِيُونَنَا وَاجْمَعِيهِ شُعَلَنَا وَلَا
 و آل محمد و سده دور و شکن و چشمهای و دواجم را باین تفرقه مارا
 تَضَلُّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لَا نَعْمَكَ مِنْ
 که راه کن پس از آنکه راه نمودی مارا و بگردان مارا از برای نعمتهای خود از
 الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 شکر کنندگان ای بخشنده ترین بخشنندگان حمد خدا را که
 عَزَّ قُنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَصُرْنَا جَوْمَتَهُ وَمَنَا
 شریفتر از آنست این روز و بینا کرد مارا بحرست این روز و لای بر ما
 بِهِ وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِمَوْجِدِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 باین در شرف ساختن ما بمعرفت آنروز و راه نمود مارا بنور از برای سرتو خدا

وَصَفَوْنِيكَ وَأَمْسِنِكَ وَرَسُولَكَ إِلَى خَلْقِكَ

والتحسین اگر چه تو دامنش را گرفت و فرستاد و تو بسوی خلق تو

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ إِذَا سَأَلَ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُمْ قَالُوا نَعْلَمُ مَا نَحْنُ بِهَذَا غَدِيرٌ وَمَا هُمْ بِأَعْلَمُ

و کشف شد که اینها در حقیقت همانند یکدیگر و با هم است و به همین جهت از آنجا که

الرَّصِيءُ الْوَلِيُّ وَالضَّيْفُ الْإِكْبَرُ وَالْفَارُوقُ بَيْنَ الْحَيِّ

بست کرده منده و فاکتند و راست که بزرگه و جدا کنند میان حق

وَالْبَاطِلُ وَالشَّاهِدُ لَكَ وَالذَّالِ عَلَيْكَ الْضَالُّ

و باطل است و گواه است بر اینست و راه نایمده است بر تو و میگویند

أَمْرًا وَلِأَهْدِي سَبِيلَكَ لَمْ أَخْذُ مِنْكَ لَوْ كُنْتُ

فرمان تو ده که بشنوی در راه تو هم گرفتار نشا و در حق است

لا يبرأ من نصيبه على محمد وآل محمد وأن يحل

و اینک بگردانی مرا

هَذَا الْيَوْمَ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ وَلِيكَ الْعَهْدَ

در روز یکشنبه ۹ بهارستان در آن روز برای وکی و کور

أَحِبَّاؤِي خَلْقِكَ وَأَمَّا كَلِمَاتُ الَّذِينَ يُبْغِضُونَكَ فَهُنَّ مِنَ الْغَايِبِ

و کمالی که در این برهان است در این است که

والمؤمنين والمؤمنات الموقنين والمؤمنات الموقنات

دست او را از اسب گاه بشیبتاد و از آزاد کردای خود و

عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكِرِّيَاتِ اللَّهُمَّ امْلِكِ الْأَرْضَ

از ستمنان از دوجها را بار خدایا بر کن زمین را
 بِهَمِّ عَدْلِكَ مَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَاجْنَحْنَاهُمْ
 بلبیبان از عدل چنانچه بر کرده شد از ستم و جور و وفا کن بر ایشان را
 مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ وَاكْرِعْ لِدُونِ عَالِيهِ
 آنچه وعده کرده ایشان را هر ستمیکه تو خلاف نمایی و عس را

و صد مرتبه شکر او صد مرتبه الحمد شد بگو بصد مرتبه یا ایچمه تواند بگوید
 اللَّهُمَّ عَلِّمْنَا كُلَّ الذِّنِّ الْأَعْلَامِ الشَّيْءَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 سبحان خدا و او را بگو که در هر روز و هر وقت که بخواهی بگو
 الْكَرِيمِ وَاحْمَدُكَ اللَّهُ رَبَّكَ الْعَبَّاسُ وَالطَّاهِرُ

کریم پس بخواند اگر در روز و هرگاه بخواهد بگوید
 خَلَقَ خَيْرَ خَلْقٍ مُحَمَّدٌ وَعَتْنَهُ الطَّاهِرُ
 برترین خلق او محمد و ذریه او که پاکانند

بهتر خواهد بود چنانکه سید بن باقی و کسبی روایت کرده اند از امام شیخ مفید
 علیه الرحمة این زیادت را نقل نکرده است **فضل پنجم**
 در فضیلت اعمال روز مباح است تا آخر ماه و در تعیین روز مباح
 میان علمای اهل سنت و اشهر و اقوی آنست که روز شنبست چهارم
 است و بعضی شنبست و پنجم و بعضی شنبست و ششم و بعضی شنبست و یکم

يَا أَهْلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكُمْ وَعَلَى عِزَّتِكُمْ وَعَلَى

ی اهل ایمان بر شما باد و بر ذریعت شما و بر

مُحِبِّكُمْ آمِنِي أَفْضَلَ السَّلَامِ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

و بستان شما از من بهترین سلامی تا باقی بودن شب و روز

و بِكُمْ مَا تَوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ رَبِّ وَرَبِّكُمْ مَا فِي

و بر سید شما متوجه بشوم بسوی خدا که پروردگار نیست پیرایه کار شما در

حَاجَ طَلَبَتِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي وَتَكْسِيرِ أَمُورِي

روا کردن مطالب من و بر آوردن حاجات من و تیر کردن کارهای من

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ

خداوند ابرو شیک من سوال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکند و بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَلْعَنَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و آل محمد و اینکه لعن کنی بر هر که انکار کرده حق این روز را

وَأَنْ تَكْرِحَ مَتَهُ قَصْدَ عَنْ سَبِيلِكَ لِحُطَّاءِ نُورِكَ

و انکار کرده مت از پس نه داشت از راه تو به جهت خوار شدن نور تو

فَايَا اللَّهِ إِلَّا أَنْ تُنِمْ نَوْمَهُ اللَّهُمَّ وَجَّعْ عِزَّ أَهْلِ

پس ایا کرده خدا غیر اینکه تا کند نور خود را با خدا یاکشایش بد از اهل

بَيْتِ مُحَمَّدٍ مِنْكَ وَأَكْشِفْ عَنْهُمْ وَهْمَهُمْ

بیت محمد پیغمبر خود و بر طرف کن از ایشان و بپوشان

که بنزد جان مانند و آنها را که بنزد جان شما اند پس تضرع کنیم و بکنیم
 پس بگو ایتم لعنت و دوری از رحمت خدا بر آنها که دروغ گویند از ما و شما
 پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عبا بنی برد و شش مبارک خود گرفت و حضرت
 امیر المومنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را بر زیر عبا داخل کرد
 گفت پروردگار ابر مغیری را اهل بیستی بوده است که مخصوص ترین خلق
 بوده اند با و خداوند الهیها اهل بیت هستند پس ایشان بر طرف کن شک کناه را
 و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد
 اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا
 یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما اهل بیت بدی
 و شک را و پاک گرداند شما را از کناهای پاک گردانیدی پس حضرت رسول
 علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را با خود بیرون برد از مدینه برای مهاله
 و چون نصاری حقیقت آنحضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن حضرت
 با آن بزرگواران در مقام مهاله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد
 و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من روی چند نمی پسیم که اگر دعا کنند
 که کسی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرات نکردند بر مهاله استدعای سالیه
 و صاحب که کردند و قبول کردند که تیر سال خریه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد
 و با امر الهی خریه بر ایشان قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که پاک عذاب
 او نجات شد بر اهل بصران و اگر مهاله میگردم مرا نه همه ازین جماعت بیرون شوک

در آن روز که یک از یاران امام حسین علیه السلام به جوی رسید و دید که
 در آنجا آب است و بعد از آنکه آب را چشید و دید که آب است و بعد از آنکه
 خدمت رسول سرور را دید و دید که در آنجا آب است و بعد از آنکه
 که با خیمه رسالت بود و در آنجا آب است و بعد از آنکه
 اوصاف خدمت رسالت با او میسر بود و بعد از آنکه
 حب و نیاز اکثر عظامی ایشان عذاب شد و ایام میاور و نذر و هفتاد نفر
 از علما و مظلومان و در آنجا آب است و بعد از آنکه
 رسالت پذیرد و در آنجا آب است و بعد از آنکه
 یافتند و حضرت رسول صلعم میتهای شافی بر ایشان تمام کرد و با بعضی
 از ایشان بسبب حب بسیار است و انداختن باطله ضایقه کردند و ایمان
 آوردن و حق تعالی این را یکمید و فرستاد و فرمود **فَمَنْ حَاجَّكَ فِئَةٍ مِنْ
 بَعْدِي مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ
 ابْنَاءَكُمْ وَابْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ
 فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ** پس
 هر که با تو مجادله کند در امر عیسی علیه السلام بعد از آنچه آمده است
 بسوی تو از علم و برهان و القاکردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو
 ای محمد بیاید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را
 و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را

رسالت صلعم کمال است و خداوند تعالی بفرمود که بمنزله نفس جان آنحضرت بود
 پس مرا که ای که در حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دیدم در حضرتش اندر منبر
 که آنحضرت را پیش من میبردند بنیامین حضرت را دیدم که آنحضرت را پیش من میبردند از آنجا که
 و خواهری که از آن مستغنا میشود در کتاب حیرة القلوب ذکر کرده ام و این سال
 کتبایش فرکانها دارد و از جمله اموری که در روز نیست و جامد واقع شده
 و موجب تریب فضل این کمدیده است که درین روز حضرت امیر المومنین علیه السلام
 در رکوع نماز آنحضرتی خواست این بخشید این را نیز نازل شد امامت آنحضرت بر اصحاب
 بصیرت بنوید کردید انما ولیکم الله ورسوله و الذین
 اصنوا الصالحات یحییون الصلوات و یؤتون الزکوٰۃ و هم
 یعنی اینک هر شش و یک اختیاری را که خدا و رسول او و انما که ایمان آورده اند
 و نماز برپا میدارند چنانچه باید بجای آورند و زکوة میدهند و در رکوع و این ایض
 صریح است امامت آنحضرت چنانچه در سایه کتب ذکر کرده اند و درین روز غسل
 سنت است و زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام را درین روز ذکر کرده
 اند و خواندن زیارت جامعه منسوب است و در روز این روز مستحبست و قیامی بر لای
 خود امیر المومنین علیه السلام کردن به تصدق بر فقرا و ارباب حاجت با نفع
 متعدد و رو میبایشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک بسیار است **عالم اول**
 شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
 درین روز پیش از زوال نیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباد و

می خندند و این دادی بر ایشان نقش می شد و برایت می کرد بخوان و بفرست
 بخوان می خنند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع خساری میرود و یک
 نصرانی بر روی زمین زنده می ماند و این سبب چندین امر بر بالیان ظاهر شد
 اول حجت انحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حجت خوانید داشت خود را و عزیز خود
 اهل خود را و معرض با مله بر نمی آرد و اگر انجم حجت انحضرت بر ایشان
 ظاهر شده بود بسیار میکردند و لذت و خواری جزیه را بر خود قرار میدادند
 دوم آنکه ظاهر شد که اهل جبالیه سلام بزرگوارترین خلق بود و فکر ایشان را
 انحضرت در دها خود مشترک کرد و انید سوم آنکه ایشان عزیزترین خلق
 بودند نزد انحضرت که برای آنها حجت خود ایشان را در معرض خیرین برآورد
 زیرا که بسیاری است که ادعی خود را به جهالک می افکند اما اخره عیال خود را را
 نیشود که در معرض خطر را و در چنانچه صاحب کثافت و غیره از تشبیبان مسلمان
 اعتراف باین نموده اند چارم آنکه حسن و حسین علیهم السلام فرزند حقیقی
 انحضرت بودند و زبانشان از سایر صحابه پیوسته بوده است نزد خدا و رسول این
 صحابه که نسبت خالیه بهترین زمان بوده و از مذحبات و سایر قبایل انحضرت
 از حق اقرب بوده و نیز احادیث و توفیق تعالی از همه بیشتر بوده ستمش آنکه
 با اتفاق عامه و خاصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مصلحه داخل بودند و اهل
 این شهر را پس باید داخل الدعا باشد و حقیقت در اینجا را انید تواند بود
 زیرا که تمام انحضرت را در این است که اختصاص انحضرت بجهت

را شفعه دهد
باشان بقیتم نمائید
ما جهاد و ارکشی که احسن باشد از سفیان میثاقان پنهان اریده
و بر کس قابل این کوهر گرانمای نیست و عاقبت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْهَا ثَلَاثَ بَابٍ وَكُلُّ بَابٍ

بار خدایا بدرستی که من بطلبم از تو از نگوئی تو بدرستی که من بطلبم از تو

بِهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِهَا ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ اللَّهُمَّ

بدرستی که من بطلبم از تو بدرستی که من بطلبم از تو بدرستی که من بطلبم از تو

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ

بدرستی که من بطلبم از تو از بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو

جَلِيلٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ جَلَالِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ

بار خدایا بدرستی که من بطلبم از تو بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ

بدرستی که من بطلبم از تو از جمال تو جمال تو جمال تو جمال تو

جَمِيلٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ جَمَالِكَ كَلِمَةً اللَّهُمَّ

بار خدایا بدرستی که من بطلبم از تو جمال تو جمال تو جمال تو جمال تو

إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

بدرستی که من بطلبم از تو از بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا

بار خدایا بدرستی که من بطلبم از تو از بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو بزرگی تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلَامِكَ بِأَمْنٍهَا وَكُلِّ

كَلَامِكَ تَامَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلَامِكَ

كَلَامًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْثَرِ

وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا مَرَّ

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

مِنْ عَزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلِّ عَزَّتِكَ عَزَّتِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْنِهَا

وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

وَبِرِغْوَانِي أَنْ تَكُونَ عَدَاوَةً لِي بِسُوءِ عَمَلِي

وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عِظَةٌ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا لِقَابَكَ

در هر بزرگی تو بر رست خداوند ای پرستگار من بگویم از تو بزرگی

كُلِّهَا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا لِقَابَكَ مِنْ نَوَازِلِكَ يَا كَرِيمُ

بر آن پر خداوند ای پرستگار من بگویم از تو از نوازی تو بهر آنی تران و

وَكُلِّ نَوَازِلِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا لِقَابَكَ

در نوازی تو ای پرستگار خداوند ای پرستگار من از تو

يُؤْزِرُكَ كَمَا كُنْتَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا لِقَابَكَ مِنْ نَوَازِلِكَ

نور تو بهمان پر خداوند ای پرستگار من بگویم از تو از نوازی تو

يَا وَسْعَهَا وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا

بغزافتران و هر بخشش تو وسیع است خداوند ای پرستگار

اسْتَنْتَ رَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا لِقَابَكَ

ای پرستگار از تو بخشش تو بهمان خداوند ای پرستگار من ترا

كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْتَجِبْ لِكُلِّ دَعْوَتِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا

چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانکه و دهه کرده ام پر خداوند ای پرستگار

اسْتَنْتَ مِنْ كَمَالِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا لِقَابَكَ

بگویم از تو از کمال تو بکمال تو بزرگی و جمیع کمال تو

كَمَالِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا لِقَابَكَ بِكَمَالِكَ

کمال تو پر خداوند ای پرستگار من بگویم از تو بکمال تو بهمان

[illegible]

بِسْمِكَ كُلُّ الْأُمَمَاتِ اسْتَغَاثُ بِقُدْرَتِكَ
بِسْمِكَ كُلُّ الْأُمَمَاتِ اسْتَغَاثُ بِقُدْرَتِكَ
اسْتَغَاثُ بِقُدْرَتِكَ

مُسْتَطِيلَةٌ أَلَمْ تَرَ أَنَّكَ إِفْكٌ كَلِمًا

اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ كَمَا ارْزُقُ الْمُرْتَدَّ فَانْجِبْ لِي كَمَا

وَعَدَنِي اللَّهُمَّ إِذَا سَأَلْتُكَ مِنْ عَمَلِكَ بَانْفَذَةٍ

وَكُلُّ عِلْمٍ نَافِعٌ إِلَّا عِلْمَ الْفِرْيَةِ

و اینست توره است خدا و ما پرستیدیم بنام تو و تو را
 کَلَامُ اللَّهِ فَإِنْ شِئْتَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضِيهِ وَ كُلِّ

[illegible]

کتابخانه عمومی خاندان قاجاریه

بَارِئُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سَاعَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَكَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَكَ إِلَّا بِإِذْنِكَ عِلْمُكَ الْغُيُوبُ

مِنْ الشُّعُونَ وَالْجَزُوبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
از کافران و بزدگانی بار خدایا بدستیکه من سوال میکنم
بِکُلِّ شَيْءٍ كُلِّ جَبْرُوتٍ أَلْهَمَ وَأَسْأَلُكَ بِمَا يَجْتَنِبُ
بهر کار و هر بزرگوارى خداوند از سوال میکنم ترایم که بپسند
يَا حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِمَا
بنی که میگویم سوال میکنم ترایم که نیست جز تو سوال میکنم ترایم که
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْأَلْبَانِ أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ
نیست خدایى جز تو ای الهیست خدایى جز تو ای الهیست خدایى جز تو
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْأَلْبَانِ أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ
نیست خدایى جز تو ای الهیست خدایى جز تو ای الهیست خدایى جز تو
الْأَنْتَ يَا إِلَهَ الْأَلْبَانِ أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ
بخشند تو ای الهیست خدایى جز تو ای الهیست خدایى جز تو
كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي
چنانکه امر کردی مرا پس بپسند بر من چنانکه وعده کردی مرا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ يَا غَنِيَّ وَكَافِيَّ
بار خدایا بدستیکه سوال میکنم از تو از روزی تو بعام تران و هر روزی تو
عَاظًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي
است خداوند بدستیکه سوال میکنم از تو بروی تو بمران بار خدایا بدستیکه

ادْعُوكَ كَمَا امَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

پس مرا چنانکه امر کرده مرا پس بیدر برای من چنانچه وعده کرده باشی

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ عِلَالَتِكَ عِلَالَةً وَ

خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو از بندگی تو به بندترین آن

كُلِّ عِلَالَتِكَ عَالٍ اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِعِلَالَتِكَ

بر بندگی تو بندگانست خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو بطلبم از تو

كُلَّهُ اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ اَيَاتِكَ عَجَبًا

سرگشایی بار خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو از نشانیهای تو بطلبم از تو

وَكُلِّ اَيَاتِكَ عَجَبَةً اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

وهر یک نشانیهای تو بطلبم خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو

بِاَيَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ مَنَاتِكَ اَمَانَةً

بیشا با تو همه امانا بار خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو از امان تو به بیشترین

وَكُلِّ مَنَاتِكَ قَدِيمٍ اللَّهُمَّ اَسْأَلُكَ بِمَنَاتِكَ كُلَّهُ

وهر امانی تو و هر یک بندگانست خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو با تمام تو بر امانی

اللَّهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا امَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

بار خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو چنانچه امر کرده مرا پس بیدر برای من چنانکه

وَعَلَيْكَ اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيهِ

و در میان آنست خداوند ایدر سبک من بطلبم از تو با آنچه تو در آئینه

وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّهِ وَالْإِيمَانُ بِالْأَمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ
ويزانها سله شش دان و در اشته ابدان ازال محمد

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي قَدْ ضَيَّعْتُ بِكَ يَا رَبِّ
بر اشته اسلام با دین و شکیبایی و تحقیق راضی شستم باین ای بود و محمد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَسُؤْلِكَ وَالْأَوَّلِينَ
خداوند اید و در بخت محمد بند خود و پیش بر خود و پیشینان

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى
و در بدست بر محمد و آل محمد در پیشینان و در و دست

مُحَمَّدٍ وَاللَّهُ فِي الْعَالَمِينَ أَعْلَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
محمد و آل او در زود بلند در تبکان و در و دست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ آعِظْهُمْ بِالْأَمَّةِ
و آل محمد در رسالت و شادگان بار خدا یا مع محمد را و عبید

وَالشَّيْءِ وَالْفَضِيلَةِ وَالذَّرَجَةِ الْكَبِيرَةِ اللَّهُمَّ
و بزرگی و بزرگوارای و درجه بزرگ بار خدا یا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقِنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَمَا لَكَ
در و دست بر محمد و آل محمد و قانع گردان مرا بچیزیکه روزی داد و بمن بزرگوار

لِي فِيمَا آعَظْتَنِي وَحَافِظِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَبِّكَ
مرا بچیزیکه بخشید بمن و حفظ کن بمن در غیبت من و در هر

أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَايِكَ يَا هُنَّ كُلُّ عَطَايِكَ هُنَّ

سوال بکنم از عطا تو که تو ای خداوند هر چه عطا کنی به من

اللَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلُكَ بِعَطَايِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلُكَ

خدایا بگو که من سوال بکنم از تو ای خداوند هر چه عطا کنی به من

مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْمَلِهِ وَكُلِّ خَيْرِكَ غَايِلُ اللَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلُكَ

از خیر تو بهشتی که در آن است و هر چه خیر تو است که در آن است

أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلُكَ بِمَرْضَاكَ

سوال بکنم از تو ای خداوند بگو که من سوال بکنم از تو ای خداوند

بِأَفْضَلِهِ وَكُلِّ فَضْلِكَ فَافْضِلْ اللَّهُمَّ إِنْ أَسْأَلُكَ

بیشترین از تو ای خداوند هر چه تو بخواهی بده به من

بِفَضْلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنْ أَدْعُوكَ كَمَا أَهْوَى فَأَسْأَلُكَ

ای خداوند هر چه تو خواهی بگو که من سوال بکنم از تو ای خداوند

أَكْفِ عِدَّتِي اللَّهُمَّ صَبِّرْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای خداوند هر چه تو خواهی بگو که من سوال بکنم از تو ای خداوند

وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَالْطَّبَقِ مِنْ رِزْقِكَ

و برانگیز مرا بایمان بکتاب و بر بفرست مرا بر طبق از رزق تو

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْوَلَاةُ لِعَلِّ نَزَّاهُ

بر او و بر آل او سلام باد و بر ائمه برادر دوستی بکنم ای خداوند

فِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَزِيْرِهِ سَالِ خُداوند ما را از سر شادی و از سر غم و اندوه و از سر

وَأَقِمْ لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَفِي كُلِّ شَرٍّ مِنْ كُلِّ

و روزی ده بار از سر شادی و از سر غم و اندوه و از سر

اسْتِغْفَامَةٍ وَفِي كُلِّ شَرٍّ مِنْ كُلِّ غَافِيَةٍ

پایدار آید و از سر غم و اندوه و از سر غم و اندوه و از سر

وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَفِي كُلِّ كَرَمَةٍ وَفِي كُلِّ رَحْمَةٍ

و از سر سلامتی و از سر کرامتی و از سر رحمتی و از سر

وَأَسِمْ حَالِي طَيِّبٍ مِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَفِي كُلِّ سَعَةٍ

و از سر طهارت و از سر نیکوئی و از سر سعادت و از سر

نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ

روز و از سر نازل شدن از آسمان به سوی زمین و از سر

السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا

ساعت و از سر شب و از سر روز و از سر روز و از سر

الشَّيْءِ فِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ دُونَكَ

پایین تر از تو ای خداوند و از سر کائنات و از سر

قَدْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَ خَلْقِكَ يَتَنِي وَبِكَ نَفْسِي

که آنکه کرده باشی مرا نزد تو و خدای شده باشم و از سر

غَايِبٌ هُوَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْأَلْكَ
 خَيْرَ الْخَيْرِ ضَوَائِكَ وَاجْتَنِبْ أَعْيُنَكَ مِنْ شَرِّ
 الشَّيْءِ عَظَمْتَ النَّارَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 أَلْ هَمْلٌ وَحَفْظٌ مِنْ كُلِّ مُهَيْبَةٍ وَمِنْ كُلِّ
 لَبَنَةٍ وَمِنْ كُلِّ عَقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ لَفْتَةٍ وَمِنْ
 كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرٍ وَمِنْ كُلِّ
 مَعْيِبَةٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ تَزِلُّ أَمْنًا لِمَنْ تَزَلُّ
 إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
 وَهَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ هَذَا الشَّهْرِ
 وَهَذِهِ السَّنَةِ وَفِي هَذِهِ الدَّارِ وَفِي هَذِهِ الْبَلَدِ

الْمُقْتَدِرُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر منزه کا ای ای سزاوار از چن درود بفرست بر محمد و آل محمد

وَأَرْحَمَ رَحِمَاتٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و بخشای مرا به بخشایش خود ای بخشن ترین بخشنده گان

بعد از این مراجعت کرد ای از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله تعالی بآورد

است موعظ توید که خواندن این دعا در روز مبارک شنبه است و شیخ طوسی

علیه السلام نیز این روایت کرده است و نیز روایت مذکور معلوم

می شود که از وقت میستوان خواند و در دعا اختلافی نیست میان روایات

و آنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر

در ترمذی و مسند دیگر در روز شنبه این دعا در جمعه و روز مبارک

بمضان و روزهای آن نیز روا شده است و بعد از این دعا و آن طهریزان

و دعا است عمل کسوم آنست که شیخ طوسی و دیگرین هم این دعا را در روز شنبه

حضرت موسی این بفرموده است علیه السلام روایت کرده اند که در روز شنبه

میست جام داد و بخواند و در روز شنبه و روزهای آن نیز روا شده است

یا که کنی بعد از آن بخواند و بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ

و پس از آن بستی و موضع بخواند و نظری بکنی و این دعا را در روز شنبه

یا که بگوشی و بر روایت دیگر فرموده که در روز شنبه چهار مرتبه در روز شنبه

باید که این دعا را در روز شنبه بخواند و برای شکر خداوند تعالی بخواند

و این دعا را در روز شنبه بخواند و برای شکر خداوند تعالی بخواند

و این دعا را در روز شنبه بخواند و برای شکر خداوند تعالی بخواند

و این دعا را در روز شنبه بخواند و برای شکر خداوند تعالی بخواند

وغيرت خلق عندك فان اسئلك بنو محمد
وغيره واولادش مال را نزد تو پس بپسندتن ای بیکم را جور بکنان تو
الذی لا یطعوا ورجا محمد حبیبک المصطفی
ایمان تو که در دنیا عاید نشود و بروی محمد دوست تو که بر گزیده است
و اولاد تو که در دنیا عاید نشود و بروی محمد دوست تو که بر گزیده است
ان تعالی علی کل عمل و ال محمد و کن تغفر لک
ایکبار و در هر سنی بر محمد و آل محمد و اینک بیارزی که او را چه شد
مرد توئی و ان تعالی قیامی من محمد و علی
از گناهان من و اینکه نگاهداری مرا در اینجه ایمانه از عمر من بکنان تو
الله تعالی اجور فی شیء من معاصیک ابدا
بار خدا و از بیکه باز کرد و هر چیزی از گناهان تو داد
ما التقیین فی حق تعالی و انما لک مطیع و انت
که نگاهداری مرا و بپسندتن مرا و من ترا فرمانبردار باشم و تو
حق تعالی و این حق تعالی است که احسنه و جمل
از من خوشتر داری و اینکه نعم بکنی برای من که او را بر بهترین انجمن داری
تو ایه الجنة و انت قبل ذلک و ما انت اهلها اهل
تو اهلان اینجه و او اینکه بکنی بمن اینجه تو سزاوارتری ای سزاوار

السلام

جاهای خود را پیش از آنکه توانی از وی خوش خود را خوشبو کن و باید که باران
 دل و آرامش باشی اگر در یکی از سفاده غشوه باشی زود آن صبر و متدبسی که فرستونی
 الایهای خلوتی بروی ببر که غنچه‌ی برای با بصورتی بروی و باید که از منزل خود
 بیرون رود و غسل کند و بهترین جاهای خود را بپوشد و چون غسل
 و دعا خواندن داخل شود و در رکعت نماز کند با ادب و شسته و بپوشد
 از سلام بقیه و مرتبه استغفار کند پس بپوشد و بجانب آسمان نظر
 کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس مرد عابد بخوانی بچند
 بار و در رکعت نماز کن و دعا کن و حاجت

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَأَ فِي السَّمَوَاتِ مَآوَا الْأَرْضِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ لَظْلُمَاتِ
 وَالنُّجُومِ الْقَائِمِ كَقَرَارِهِمْ بَعْدَ لَوْنِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ مَعْرُوفِ مَا كُنْتُمْ جَانِلًا
 سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَنَامُ وَلَا يَسْهُو

اول آریک: کایستایشان ابرقوت کردی باهمه شمسان خود را

蘇子瞻

وَاللَّيْلِ بِأَمْرٍ وَمَا يَحِثُّ مِنْهُ

ابن شد و ایندی باین سوسه های بین در واری بود و ایندی سوسه های

الذي انقذت له ود للتنا على النشاء المحققين

که خلاص کردی را بان و راه نمودی بر پیروی مملکتان من

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم

مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ

منه

عَصَمَةُ بْنُ كَعْبٍ الْغُلَامِيُّ مَدَنِيٌّ فَعَالٍ خَصِمٌ

نگاه داشته باشد از این جهت که مقام و زبیرهای گویا را

۵۸۲

۱۰۰

下等小區路徑如下：自村內始

وَفِيهِ لَآئِنٌ لِّمَنْ يَذَّكَّرُ ۖ فَلْيَتَلَفَّذْ

بسم الله الرحمن الرحيم

11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100. 101. 102. 103. 104. 105. 106. 107. 108. 109. 110. 111. 112. 113. 114. 115. 116. 117. 118. 119. 120. 121. 122. 123. 124. 125. 126. 127. 128. 129. 130. 131. 132. 133. 134. 135. 136. 137. 138. 139. 140. 141. 142. 143. 144. 145. 146. 147. 148. 149. 150. 151. 152. 153. 154. 155. 156. 157. 158. 159. 160. 161. 162. 163. 164. 165. 166. 167. 168. 169. 170. 171. 172. 173. 174. 175. 176. 177. 178. 179. 180. 181. 182. 183. 184. 185. 186. 187. 188. 189. 190. 191. 192. 193. 194. 195. 196. 197. 198. 199. 200. 201. 202. 203. 204. 205. 206. 207. 208. 209. 210. 211. 212. 213. 214. 215. 216. 217. 218. 219. 220. 221. 222. 223. 224. 225. 226. 227. 228. 229. 230. 231. 232. 233. 234. 235. 236. 237. 238. 239. 240. 241. 242. 243. 244. 245. 246. 247. 248. 249. 250. 251. 252. 253. 254. 255. 256. 257. 258. 259. 260. 261. 262. 263. 264. 265. 266. 267. 268. 269. 270. 271. 272. 273. 274. 275. 276. 277. 278. 279. 280. 281. 282. 283. 284. 285. 286. 287. 288. 289. 290. 291. 292. 293. 294. 295. 296. 297. 298. 299. 300. 301. 302. 303. 304. 305. 306. 307. 308. 309. 310. 311. 312. 313. 314. 315. 316. 317. 318. 319. 320. 321. 322. 323. 324. 325. 326. 327. 328. 329. 330. 331. 332. 333. 334. 335. 336. 337. 338. 339. 340. 341. 342. 343. 344. 345. 346. 347. 348. 349. 350. 351. 352. 353. 354. 355. 356. 357. 358. 359. 360. 361. 362. 363. 364. 365. 366. 367. 368. 369. 370. 371. 372. 373. 374. 375. 376. 377. 378. 379. 380. 381. 382. 383. 384. 385. 386. 387. 388. 389. 390. 391. 392. 393. 394. 395. 396. 397. 398. 399. 400. 401. 402. 403. 404. 405. 406. 407. 408. 409. 410. 411. 412. 413. 414. 415. 416. 417. 418. 419. 420. 421. 422. 423. 424. 425. 426. 427. 428. 429. 430. 431. 432. 433. 434. 435. 436. 437. 438. 439. 440. 441. 442. 443. 444. 445. 446. 447. 448. 449. 450. 451. 452. 453. 454. 455. 456. 457. 458. 459. 460. 461. 462. 463. 464. 465. 466. 467. 468. 469. 470. 471. 472. 473. 474. 475. 476. 477. 478. 479. 480. 481. 482. 483. 484. 485. 486. 487. 488. 489. 490. 491. 492. 493. 494. 495. 496. 497. 498. 499. 500. 501. 502. 503. 504. 505. 506. 507. 508. 509. 510. 511. 512. 513. 514. 515. 516. 517. 518. 519. 520. 521. 522. 523. 524. 525. 526. 527. 528. 529. 530. 531. 532. 533. 534. 535. 536. 537. 538. 539. 540. 541. 542. 543. 544. 545. 546. 547. 548. 549. 550. 551. 552. 553. 554. 555. 556. 557. 558. 559. 560. 561. 562. 563. 564. 565. 566. 567. 568. 569. 570. 571. 572. 573. 574. 575. 576. 577. 578. 579. 580. 581. 582. 583. 584. 585. 586. 587. 588. 589. 590. 591. 592. 593. 594. 595. 596. 597. 598. 599. 600. 601. 602. 603. 604. 605. 606. 607. 608. 609. 610. 611. 612. 613. 614. 615. 616. 617. 618. 619. 620. 621. 622. 623. 624. 625. 626. 627. 628. 629. 630. 631. 632. 633. 634. 635. 636. 637. 638. 639. 640. 641. 642. 643. 644. 645. 646. 647. 648. 649. 650. 651. 652. 653. 654. 655. 656. 657. 658. 659. 660. 661. 662. 663. 664. 665. 666. 667. 668. 669. 670. 671. 672. 673. 674. 675. 676. 677. 678. 679. 680. 681. 682. 683. 684. 685. 686. 687. 688. 689. 690. 691. 692. 693. 694. 695. 696. 697. 698. 699. 700. 701. 702. 703. 704. 705. 706. 707. 708. 709. 710. 711. 712. 713. 714. 715. 716. 717. 718. 719. 720. 721. 722. 723. 724. 725. 726. 727. 728. 729. 730. 731. 732. 733. 734. 735. 736. 737. 738. 739. 740. 741. 742. 743. 744. 745. 746. 747. 748. 749. 750. 751. 752. 753. 754. 755. 756. 757. 758. 759. 760. 761. 762. 763. 764. 765. 766. 767. 768. 769. 770. 771. 772. 773. 774. 775. 776. 777. 778. 779. 780. 781. 782. 783. 784. 785. 786. 787. 788. 789. 790. 791. 792. 793. 794. 795. 796. 797. 798. 799. 800. 801. 802. 803. 804. 805. 806. 807. 808. 809. 810. 811. 812. 813. 814. 815. 816. 817. 818. 819. 820. 821. 822. 823. 824. 825. 826. 827. 828. 829. 830. 831. 832. 833. 834. 835. 836. 837. 838. 839. 840. 841. 842. 843. 844. 845. 846.

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم

29
 30
 31
 32
 33
 34
 35
 36
 37
 38
 39
 40
 41
 42
 43
 44
 45
 46
 47
 48
 49
 50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60
 61
 62
 63
 64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 73
 74
 75
 76
 77
 78
 79
 80
 81
 82
 83
 84
 85
 86
 87
 88
 89
 90
 91
 92
 93
 94
 95
 96
 97
 98
 99
 100
 101
 102
 103
 104
 105
 106
 107
 108
 109
 110
 111
 112
 113
 114
 115
 116
 117
 118
 119
 120
 121
 122
 123
 124
 125
 126
 127
 128
 129
 130
 131
 132
 133
 134
 135
 136
 137
 138
 139
 140
 141
 142
 143
 144
 145
 146
 147
 148
 149
 150
 151
 152
 153
 154
 155
 156
 157
 158
 159
 160
 161
 162
 163
 164
 165
 166
 167
 168
 169
 170
 171
 172
 173
 174
 175
 176
 177
 178
 179
 180
 181
 182
 183
 184
 185
 186
 187
 188
 189
 190
 191
 192
 193
 194
 195
 196
 197
 198
 199
 200
 201
 202
 203
 204
 205
 206
 207
 208
 209
 210
 211
 212
 213
 214
 215
 216
 217
 218
 219
 220
 221
 222
 223
 224
 225
 226
 227
 228
 229
 230
 231
 232
 233
 234
 235
 236
 237
 238
 239
 240
 241
 242
 243
 244
 245
 246
 247
 248
 249
 250
 251
 252
 253
 254
 255
 256
 257
 258
 259
 260
 261
 262
 263
 264
 265
 266
 267
 268
 269
 270
 271
 272
 273
 274
 275
 276
 277
 278
 279
 280
 281
 282
 283
 284
 285
 286
 287
 288
 289
 290
 291
 292
 293
 294
 295
 296
 297
 298
 299
 300
 301
 302
 303
 304
 305
 306
 307
 308
 309
 310
 311
 312
 313
 314
 315
 316
 317
 318
 319
 320
 321
 322
 323
 324
 325
 326
 327
 328
 329
 330
 331
 332
 333
 334
 335
 336
 337
 338
 339
 340
 341
 342
 343
 344
 345
 346
 347
 348
 349
 350
 351
 352
 353
 354
 355
 356
 357
 358
 359
 360
 361
 362
 363
 364
 365
 366
 367
 368
 369
 370
 371
 372
 373
 374
 375
 376
 377
 378
 379
 380
 381
 382
 383
 384
 385
 386
 387
 388
 389
 390
 391
 392
 393
 394
 395
 396
 397
 398
 399
 400
 401
 402
 403
 404
 405
 406
 407
 408
 409
 410
 411
 412
 413
 414
 415
 416
 417
 418
 419
 420
 421
 422
 423
 424
 425
 426
 427
 428
 429
 430
 431
 432
 433
 434
 435
 436
 437
 438
 439
 440
 441
 442
 443
 444
 445
 446
 447
 448
 449
 450
 451
 452
 453
 454
 455
 456
 457
 458
 459
 460
 461
 462
 463
 464
 465
 466
 467
 468
 469
 470
 471
 472
 473
 474
 475
 476
 477
 478
 479
 480
 481
 482
 483
 484
 485
 486
 487
 488
 489
 490
 491
 492
 493
 494
 495
 496
 497
 498
 499
 500
 501
 502
 503
 504
 505
 506
 507
 508
 509
 510
 511
 512
 513
 514
 515
 516
 517
 518
 519
 520
 521
 522
 523
 524
 525
 526
 527
 528
 529
 530
 531
 532
 533
 534
 535
 536
 537
 538
 539
 540
 541
 542
 543
 544
 545
 546
 547
 548
 54

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برخی که در ازل محمد افغانه فرض کردند بر ما پیرو میباشند

يَا أَيُّهَا كُفَرَاءُ أَفْبَسْنَا وَأَفْسَدْنَا فَرَجِيلُ

فَقَالَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَاذِبِ بِمَلِكِ الشُّكْرِ

سیر کر ایم نعمت خدا پر درو غلو ان

[illegible]

يا ارب و لك من حيث علمي و ارسلني الي

ایں دعا میں فریضہ ہفت روزہ کے راجہ جی ...

لَمْ يَخَفْ عَلَى الْإِسْلَامِ وَالْبَيْتِ الْقُرْبَةِ مَعْرِفَتِهِ

بوسه بین خانه پدر من اهل و خانه و ذات پیغمبر خدا پس شناسانید که

إِنَّهُ لَآتِيكُمْ فِيهِ مَعَهُ كَافَّةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسانیت کے لئے جو کچھ کرنا ہوگا وہ کرنا ہوگا۔

أَقْبَلُ بِالنَّاسِ بِذَلِكَ الْمَقَامِ الَّذِي لَا يَكُونُ

تقریباً ہر دو سو فو میں مقامی

第 19 卷第 2 期

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

برای درمان از روی شکل برای موشان و به پستان وی را

لَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ فِي الْإِسْلَامِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَأْذِنُ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فِي دِينِكُمْ وَلَا يَسْتَأْذِنُ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فِي أَمْوَالِكُمْ ۚ سَبِيلُ اللَّهِ ۚ

۱. پیشانی بندها را باید نو بستاند و از زیر با تمام راد او اشک را که در آن خوشبخت

طاعتك وادخلنا في شفاعة عنهم دار الكرامة

طاعت خود نمود و اهل گن مکر و بشعاع و ایشان در غایت کرامت

يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الجنة

ای برادران رحیم برادران ما در خدا یا اینها که نه گن و نه صامان و غیر

والعباءة يومئذ المباهلة اللهم اجعلهم شفاعة

و عبا اندر روز مهاله خداوند که اینها را بشعاع کنند

واسئلك بحق ذلك المقام المحمود واليوم

و سئلت بر حق آن مقام ستوده و روز

المشهود ان يعفوا عن خطيئتك انك انت الله

دید شدن اینک تا مدتی برای من ببخشید که خطیئتم را ببخشید

الرحيم اللهم اني استهد ان ابراهيم و اسحق

رحیم برادران ما در خدا یا ببخشید که ابراهیم و اسحاق

طبتهم و احبهم و هو الشحيم التي طاب

طبیبت ایشان را و دوست داشت و او است که طایب

اصحابها و فرعون و اعضاها و اوليها اللهم اغفر

اصحابان و فرعون و اعضاها و اولیها را بخشود

محقرهم و اجرنا من موانع الجنة في الدنيا

محقر ایشان را و اجر ما را از موانع بهشت در دنیا

وَعَفَدْتُ بِرُفَاتِنَاوَلَايَتِهِمْ وَأَكْتَسَبْتُ
وَسْتَفْسَاكَ بِنَاغِ أَنْارِهِمْ وَتَسَنَّا بِالْقَوْلِ الثَّانِي
الَّذِي عَزَّوَنَاهُ فَأَعْنَانَا عَلَى الْإِحْدَانِضِرُّوْنَا وَبِالْغُرِّ
مَجْمَعًا عِنْدَ أَصْلِ الْخَرِّ بِأَنْصَحِ مَخْلَقِكَ وَبِكُلِّ
وَسَعَةٍ فِي الْإِلَاحِ رَسَالَاكَ وَأَخْطَرِ نَفْسِي
وَأَمَّا قَوْلُكَ عَلَى خِيَارِهِ وَصِيَّةً وَالْمُحَادَّةً
مِنْ قَوْلِكَ الْإِسْمَاءُ وَالْمَقْدُوسَةُ مَعْلُومَاتُ
الْمُؤْمِنِينَ طِبَاقُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَمِيلٌ عَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ
أَنْبَاءِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ وَصَلَتْ طَاعَتُهُمْ

مَا أَشْكَلُ عَلَى عِبَادِكَ وَبَابُ الْفُجْرَانِ التَّوَكُّلِ
 آنچه است بر بندای تو و در حق برای سواران بجای ما جزیی
 غَيْرُكَ وَمَا تَنْبِيْنُ جَنَّتِكَ تَدْعُو إِلَى تَعْظِيمِ الشَّهِيدِ
 غیر تو و بان اشکار و محبت تو و میخوانند بسوی بزرگ پیام آور
 بَنِيكَ وَبِرَّ خَلْقِكَ أَنْتَ الْمُتَّقِضِلُ عَلَيْهِمْ حُبُّ
 میان تو و میان خلق تو و بر حق احسان کننده ایشان از احسان
 قَسَمْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِسَيِّدِكَ
 نزدیک کردی ایشان را از بادشاهی خود و خاص گردانیدی ایشان را بر خود
 لَصِطْفَتِهِمْ حُبُّكَ وَأَوْثَقْتَهُمْ غَوَامِصَ نَوَالِكَ
 و بر گردیدی ایشان را بر ای می خود و دارش گردیدی ایشان را از غوامض نوال
 رَحْمَةِ خَلْقِكَ وَطَفَا عِبَادِكَ وَخَانَا عَلَى بَنِيكَ
 رحمت مهربانی بر خلق تو و لطف بر بندای خود و در میان بر آفریدگان خود
 وَعِلْمًا مَا تَنْظُرُ عَلَيْهِ ضَمَائِرُ أَمْنَائِكَ وَمَا
 در چند دانایی خود و بجزیر که محیط است بر آن ضمیرهای امینان تو و آنچه
 يَكُونُ مِنْ شَأْنِ صِفْوَتِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ فِي مَنْشَأِهِمْ
 می باشد از رتبه بر گردیده ای تو و پاک گردانیدی ایشان را در منشأ
 وَمُبْنَدِهِمْ وَحَرَسْتَهُمْ مِنْ نَقْصِ نَافِ الْيَهُودِ
 و آغا ایشان و پاسبانی کردی ایشان را از نقص و دهنده بسوی ایشان

[illegible]

زَمَانِهِمْ وَالْأَوَّلِينَ بِسْمِ اللَّهِ تَخْصِيصُهُمْ بِوَكِيلِهِ

زمان ایشان در پیشان نزد و یکیشان پس هر کس در پیشان وی باشد او می خرد

وَأَفْرَأَتِ إِلَهُهُمْ كُنَاكَ وَأَمَرْنَاكَ الْمُسْلِمِينَ

و فرمود و ستایستی ایشان کنایه خود را امر و ایما را بجهت ایشان بپوشان

وَالَّذِي إِلَهُهُمْ وَلَا يَسْتَنْبِطُ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ

در جرم و گویای ایشان قرار گرفتن از ایشان باده ای پس بپوشان و حق

تَشْكُرُكَ بِكَ وَبِعِزَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ

چونکیم بحجاب تو و بپوشان پیغمبر تو درود ای خدا

عَلَيْهِمُ الَّذِينَ أَفْتَنَهُمْ لَنَا دَلِيلًا وَعَلَى

بر ایشان آنکه قایل گردی ایشان را ای راه نمایان و نشان ما

وَأَمَرْنَا بِاتِّبَاعِهِمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ تَشْكُرُكَ بِهِمْ

و امر کردی را به پیروی ایشان باده ای پس بپوشان و تحقیق کنند بپوشان

فَارْقُنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخَائِفُونَ

پس بپوشان کن مرا شفاعت ایشان بکافی که می گویند خائفان

فَالنَّاسُ مِنْ شَافِعِينَ وَلَا يَصْدُقُ حُجْمُهُمْ أَجْلُنَا

پس است ما را از شفاعت کنندگان و نه صدق حمله ما را

مِنَ الضَّالِّينَ الْمُصْطَفَيْنَ لَهُمُ الْمُسْتَضَرِّ

از گمراهان و تصدیق کنندگان از ایشان و مستضر

وَأَزِيهِمْ يَوْمَئِذٍ نَاعِلٌ مِّنْ عَرَضٍ ثَمِيمٍ

و نودی یاران بحق را که منعش بزرگ بودی ایشان

فَأَسْتَجَابُوا لِلْأَمْرِ وَسَخَّلُوا لِنَفْسِهِمْ طُلُوعًا

پس قبول کردند فرمان ترا و تسخّل کردند نفسهای خود را بفرمانی تو

وَمَلَأُوا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَعَسَرُوا

و پر کردند اندامهای خود را از ذرّیّه تو و ستم کردند

قُلُوبَهُمْ تَبْغِطُوا بِمِرْكٍ وَجَزَؤًا أَوْ قَانِصِمٍ

و دلها را بپرستی تو و قسمت کردند دلهای خود را بپسند

بِرِضْيِكَ وَأَجَلُوا ذُرِّيَّتَهُمْ مِنْ مَّعَارِضٍ

بفرمان تو و انداختند ذرّیّه خود را از مایه های

الْخَطَرِ لِيُتْلَا عَنْكَ فَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ

و سواهای بیکار شدند از تو پس گردانیدند دلهای خود را

مَكَامًا مِّنْ دُونِ رَأْيِكَ وَعَقُولُهُمْ مُّنَاصِلًا

مکانهای اراده خود و گردانیدند عقلهای خود از راه تو فاست امر خود

وَهَيْكَلُ الْبَيْتِمْ وَاجْهَ السُّنْبِكَ شَمًّا

و بنی خود و گردانیدند بنای خانه خود را از روی تو و بس

الْأَكْمَثُومُ بِنُفْسِكَ حَتَّى قَضَيْتَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَهْلِ

اگر اتم گردانید بنی خود تا اینکه نرک دادی ایشان را

بِهْلِ

وَأَتَيْنَاكُمْ وَبَيْنَاكُمْ وَلَيْسَ بَيْنَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
 أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ يَنْهَوْنَهُمْ فَيَجْعَلُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 الْكَافِرِينَ ذَلِكَ الْأَمَامُ الْمُحْصِي خَلْقَهُ
 يَوْمَ الْإِخَاءِ وَالْمَوْتِ بِالْقَوِيَّةِ بَعْدَ الطُّغْيَانِ
 وَمِنْ ذَلِكَ اللَّهُ سَعِيَهُ فِي هَذَا الْوَقْتِ
 يَقْضِيهِ مَعَادٍ وَفِيهِ مَقَامُهُ جَائِدٌ مُوَلَّدٌ
 الْأَلَمِ وَمِنْ ذَلِكَ الْأَمَامُ الْمُحْصِي خَلْقَهُ
 صَلَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا طَلَعَتِ شَمْسُ النَّهَارِ وَأَمْسَتْ
 الْأَشْيَاءُ عَلَى النَّهَارِ مَعْدِيَّةً وَفِيهِ مَقَامُهُ جَائِدٌ مُوَلَّدٌ

لَا تَأْمُرُنَا بِمَا نَكْفُرُ إِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تَجْعَلْنَا
 رَأْيَهُمْ وَلَا تَجْعَلْنَا مَثَلَهُمْ كَمَا تَجْعَلُ مَثَلَهُمْ وَلَا تَجْعَلْنَا
 بِكَدِّ إِذْ هَدَيْتَهُمْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
 إِنَّكَ أَنْتَ الْوَكَافُ الْأَمِينُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفِيهِ الْعَارِفِينَ وَعَلَى الْمُتَّقِينَ
 وَتَأَنَّى الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُبِينِ الَّذِينَ خَشَعُوا لِرُوحِ
 الْأَمِينِ وَكُلَّمَا نَفَسَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَقَالَ وَهِيَ
 أَصْدَقُ الصَّادِقِينَ مَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ عِبَادِ
 مَا حَاجَكَ مِنَ الْعَالَمِ فَقُلْ لَنَا لَوْ أَدْعَى آبَاؤُنَا

[illegible]

[illegible]

را غایب خواهد بود و طعام بیشت از آن تناول خواهد نمود و
سستیان نیز این روایت را با نزول مانده بطریق بسیار مختل
کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام
پس مناسب است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام درین
ایام باسی نماید بوی خود در قصه فی کردن بر سایر کتب و مآخذ
و سعی نمایند در اطلاع ایشان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است
که صحبت که این روز را روز به یاد برای شکر نعمت
نزول سور ذیل القی است آن آل عبا علیهم السلام و ادعای
سبب است محفل زیارت و زیارت الله علیهم السلام و زیارت
حامد خواندن درین روز مناسب است و چون بعضی از علما
این روز را روز مبارک میدانند و دعای مبارک را نیز
درین روز خواندن خوب است و روز بیست و هشتم
بنابر آنچه در بعضی از کتب مذکور است و باین سبب نهایت برکت دارد و
در روز بیست و نهم مردان که آخر طغای بنی امیه است
بجهاد علیه السلام علیه السلام این نعمت را در معرفت سبب شکر این نعمت
را باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی نقی علیه السلام
درین روز متولد شده است و روز بیست و نهم مبارک
مشهد بر هر مملوک باطل و کفر منقوش است و باین سبب و فضیلت

از شهادت جزاوند پاوانی را و نه شکر و ثنای را می ترسیم از روز قیامت که
در نماز شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و نهم
ماه ذی الحجه بود سوره یس ای در مدح ایشان بارئ شد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آمد و ایشان را باین شدت گرسنگی و انگیخت
غریب مشاهده نمود و گریست و فرمود این چه حالت است که رخا
شاهده می نمایم و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را دو کوزه
نقا بهت بیماری و گرسنگی مانده چو جگر از تمیر و ن ایمنی لرزید
حضرت فاطمه علیها السلام در غایت بیچارگی ایستاده بودند و
گرسنگی شکم سبکشان پشت چسبیده بود و چشمهاش فرو افتاده بود
چون از نماز فارغ شد گفتعالی خوانی از بهشت برای فاطمه خواستاد که
در آن کاسه بود و گوشت و شریک کرم در میان آن بود که می جوشید
و بوی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه علیها السلام
آن خوان را بزرگوار رسول صلی الله علیه و آله و سلم آورد حضرت فرمود ای
فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا
هر که را خواهد روزی بیدار می گرداند حساب حضرت فرمود الحمد لله که از
دین فتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم پس از آن
شاول فرمودند و تا بهفت روز از آن می خورد و آخر نمی شد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که آن کاسه نزد ماست و حضرت میجاب

عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه محرم که است
سال عرب است روایت کرده اند که عسنت است
دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت یک مرتبه سوره
حمد و در مرتبه سوره ناسل هر اثناء حمد و ده مرتبه
ایة الکرسی بخواند و بعد.

ایسلام این دعا بخواند

اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ سَيِّئٍ
خداوند آنچه کردم در این سال از عمل که منع کردی از
وَلَمْ تَكُنْ تَعْلَمُهُ وَكَتَبْتَهُ لِي وَكَرِهْتَهُ لِي وَكَرِهْتَهُ لِي
در این بین من و فراموش کردم من این را و فراموش کردم من این را و فراموش کردم
إِلَى الثَّقَلَيْنِ بَعْدَ اجْتِرَافِ عَمَلِكَ اللَّهُمَّ
بسم الله پس ارجایش کردن من بر تو بار خدا
فَاَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاسْتَغْفِرْ لِي
پس منی که من طلب می کنم از تو از ان پس بسیار مرا
وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنِّي
و آنچه کردم از عملی که نزدیک گرداند من به پیش تو پس قبول کن از این
وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و قطع کن امید مرا از تو را ای بخشنده ترین بخشنندگان